تحقیقات
۲

انتشارات موسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی
۲۵

# نمایندگان مجلس شورای ملّی در بیست و یک دورهٔ قانونگذاری

## مطالعه از نظر جامعه شناسی سیاسی



تألیف
زهرا شجیعی



مرداد ماه ۱۳۴۴

چاپ و صحافی یک هزار نسخه از این کتاب در خردادماه ۱[illegible]٤
درچاپخانه دانشگاه باتمام رسید.



بها ۲۵۰ ریال

# فهرست مطالب

موضوع — صفحه



## بخش اول

## مشروطیت ایران و علل و موجبات آن

| موضوع | صفحه |
| --- | --- |

# بخش دوم

## ترکیب طبقاتی و منشأ اجتماعی نمایندگان مجلس شورای ملی

در بیست و یک دورهٔ قانونگذاری ۲۹۱ - ۱۷۳

## بخش سوم

**مشخصات اجمالی نمایندگان مجلس شورای ملی از آغاز مشروطیت تاکنون**

# منشاء و سیر مشروطیت در ایران

کتاب حاضر ثمرهٔ کوششهای ممتد و خستگی ناپذیر خانم زهرا شجیعی میباشد که با پشتکار توأم با صداقت و ایمان که شرط اساسی توفیق در هرگونه کار علمی است و همچنین بکار بردن روش تحقیق جامعه شناسی در شمار برنامهٔ تحقیقی مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی تحت نظارت همکار دانشمند و محترم آقای دکتر شاپور راسخ بانجام رسیده است.

شاید در وهلهٔ اول چنین بنظر رسد که موضوع این کتاب یعنی بررسی در بارهٔ منشاء اجتماعی نمایندگان ادوار مختلف مجلس شورای ملی و تفحص دربارهٔ عواملی که منجر به اعلان مشروطیت شد در مقایسه با مسائل اجتماعی حاد و پیچیده و متعدد زندگی اجتماعی کنونی که بمثابه دریای متلاطمی دائماً در معرض دگرگونی میباشد و هیچگونه تصویر ثابتی نمیتوان از آن در ذهن ترسیم نمود چندان حائز اهمیت نمیباشد و حال آنکه برای درك و تفهیم و شناسائی مسائل اجتماعی کنونی کمال ضرورت را دارد. خاصه آنکه سایهٔ این گذشته براثر خصوصیات سیاسی و اجتماعی و روانی هنوز به محیط فعلی این مرز و بوم دامن کشیده است زیرا بعد زمانی درزندگی اجتماعی دارای مفهوم دیگری میباشد که در چهار چوب زندگی فردی قابل انطباق نیست بطوریکه میتوان گفت جامعه در نتیجه تطور و تحول و تأثیراتی که عوامل مختلف بریکدیگر اعمال میکنند گذشته را با آینده مرتبط کرده و درهم می‌آمیزد خصوصاً گذشته‌ای که چندان دور نباشد و بالاخص چنانچه این گذشته را از نقطه نظر سیاسی و اجتماعی منظور مطالعه قرار دهیم.

***

مجموعهٔ حوادثی که منجر به ظهور و تکوین مشروطیت ایران گشت شاخص دوران نو در تاریخ ایران است همچنانکه (رنسانس) در جوامع غربی آغاز ایام جدید بشمار میرود بقسمی که پنج قرن پس از آن فلسفه و طرز زیستی که زاده « رنسانس » بود در اروپا و امریکا ضامن تعمیم عدالت اجتماعی و گسترش آزادی بنحو عمیق در سایهٔ قوانینی که موجد مساوات حقوق کلیهٔ افراد جامعه است و بالاخره برخورداری از تنعمات مادی تمدن ماشینی گردید.

هدف انقلاب مشروطیت ایران نیز متوجه تحقیق همینگونه مسائل بود هدفهائی که پس از حدود شصت سال که از آغاز مشروطیت میگذرد جامعهٔ ایران هنوز به برخی نائل نگردیده و

بعضی را در نتیجهٔ تحولات بصورت دیگری حائز شده است بدیهی است برخی از این منظورهانیز کاملا حاصل گردیده و جنبشی که خود در نتیجهٔ حصول این هدفها بوجود آمده و هم خود بحصول آنها مدد میرساند درایران کنونی مشهود است . در بارهٔ انقلاب مشروطیت ایران که میتوان گفت در قرون اخیر از مهمترین حوادث اجتماعی کشورما است تألیفات و تتبعات زیادی توسط محققان و مورخان ایرانی و خارجی انجام یافته است با تمجید و تحسین این آثار که اغلب نوشتهٔ کسانیست که از روی اعتقاد و ایمان و در عین بی غرضی (خود) شاهد صدیق بوده‌اند معهذا گفتنیها بسیار است زیرا انقلابات اجتماعی بعلت پیچیدگی و تعدد عوامل و آثار نظیردیگر حوادث تاریخی و اجتماعی که بسادگی قابل توصیف و تفسیر است نمیباشد.

انقلاب مشروطیت ایران نظیر دیگر انقلابات عمدهٔ سیاسی در نتیجه نوعی تعبیر حالت و روحیه در افراد مملکت بوقوع پیوست بعبارت دیگر یک عمل دستجمعی بود که در آن تعداد زیادی از افراد بالا خص افراد طبقات مؤثر جامعه سهمی اساسی داشتند و این حرکت وجنبش عمومی ثمرهٔ سیر تکوینی بطی و طولانئی بود که باید ریشه آنرا از اواخر دوران صفویه جستجو کرد زیرا انقلاب مشروطیت ایران منتجه نهضت فکری و تحول اجتماعی ریشه داری که دارای دو قرن و نیم سابقه است میباشد یعنی از آنهنگام که رونق کار وصنعت و تجارت رو بکاهش نهاد و بتدریج قدرت صنعتی و نظامی و سیاسی ایرانیان در برابر اقتصاد و تمدن توانمند و شکوفان اروپائی بسوی انحطاط گرائید ایرانیان با اعجاب چشم امید بمغرب زمین دوختند اززمان جنگ با پرتقالیها که سرداران صفویه بقدرت نظامی اروپائیان پی بردند برتری صنعتی و فنی اروپائیان برای مردم متفکر و صاحبنظر امری محرز گردید ولی سلطه و نفوذ سنن و عادات گذشته از موانع عمده تغییر مسیر بود هر چند تبدیل سلسله های سلاطین از صفویه بافشاریه و زندیه و قاجاریه فقط چهرهٔ حکام را تغییر میداد بدون اینکه نظام اقتصادی و فلسفهٔ زندگی اجتماعی دگرگون شود . ولی در عین حال نظیر هرتغییر آشکار سیاسی مبین یک سلسله تغییرات نامرئی اجتماعی بود یعنی حاکی از بروز یک تشنج عمیق در وضع زندگی جامعه بود که از اواخر دوران صفویه شروع شده بود زیرا بعلت درهم کوفته شدن زیر بنای اقتصادی مملکت نه کشور گشائی و دلاوری نادر شاه و نه مملکت داری و تدبیر کریم خان و نه جلادت و شدت عمل آغا محمدخان قادر نبود تعادل اقتصادی و اجتماعی دوران صفویه را بازگرداند فقط تعادلی که بدست آمد پس از جنگهای فتحعلی شاه با روسیه بود که باید آنرا آخرین هیجان و تلاش دانست که بدل بیأسی عمیق گردید و از آن به بعد داعیه هافروکش کرد و کشور ماازنظراقتصادی

بحالت وابسته تغییر وضع داد دراین دوران (قاجاریه) تعادلی بوجود آمد ولی در سطحی پائین‌تر از گذشته و از طرف دیگر جنگهای فتحعلیشاه با روسیه و شکستهای پی در پی ضربه مؤثری به سیستم معتقدات وهیمنه قدرت واهی زد و از آن به بعد اذهان دور اندیشان واقع بین راه چاره را پی روی از طریق و تدابیر فنی و سیاسی و اقتصاد غربیان دانستند - ابتدا قائم مقام مشاور مدبر عباس میرزا با اعزام جوانان مستعد بفرنگستان و سپس میرزا تقی خان امیر کبیر با شروع اصلاحات عمیقی که همه شئون لشکری و کشوری را در برگرفت خاصه با تأسیس دارالفنون سبب شدند علوم و فنون غربی اشاعه یافته و تماس بلاانقطاع با تمدن و زندگی ملل مترقی برقرار گردد.

انتشار روزنامه‌وقایع اتفاقیه بوسیله امیر کبیر و چاپ وانتشار کتب وجزواتی که ترجمهٔ آثار متفکران غربی بود بتدریج موجب آگاهی بیشتر افراد مملکت ازکم و کیف پیشرفتهای ملل اروپائی گردید. نویسندگان متعددی از میان افراد دانشمند و حتی اشراف ناراضی برخاستند که درزمینهٔ آشنا کردن ایرانیان بمبادی تمدن و نظام سیاسی اروپائیان بعمق تمدن و فرهنگ و پیشرفتهای علمی و صنعتی و نهضت‌های فکری پی برده بصورت نخستین مبشرین و منادیان تمدن اروپائی درآمدند و بانشر جزوات متعدد افکار وعقاید جدید را در بارهٔ شئون گوناگون زندگی اجتماعی اشاعه دادند و انتقادات طنزآمیزآنها در شکستن ساختمان فکری کهنه‌و در هم کوفتن معتقدات رجال و درباریان پرادعا وکم مایه اثری عمیق داشت و باالهام ازافکارحکماو فلاسفه فرانسوی از قبیل ژان ژاك روسو ومنتسکیو وولتر عقاید مربوط به حاکمیت ملی و حکومت قانون و آزادی را تبلیغ کردند از آنجمله است ملکم خان که با شناسائی کامل به‌تمدن اروپائی افکار وی تحت تأثیر نهضت فکری سن سیمون که مبتنی بر توأم ساختن فن کشور داری نوین با پیشرفتهای علمی و صنعتی بود قرار گرفت.

از مطالعه مقالات و کتابچه هائی که در زمینهٔ مسائل گوناگون اجتماعی انتشار داده است خصوصاً نظریه هائی که دربارهٔ تجدید سازمان اقتصادی و اجتماعی کشور بیان داشته و اشاراتی که باهمیت کار علمای اقتصادی و « مدیران » و متخصصان کرده است و تذکر این مطلب که کشور ما برای تجدید عظمت گذشته به « کارخانه آدم سازی » صحیح احتیاج دارد بخوبی برمیآید که ملکم باصول و مبادی نهضت فکری سن سیمون آشنائی داشته است زیرا هنگامیکه ملکم خان دوران نوجوانی را در مدارس فرانسه میگذرانید مصادف باغلیان افکار سیاسی واجتماعی سالهای قبل از انقلاب ۱۸۴۸ در کشور های اروپائی بود و دراین زمان افکار

سن‌سیمون در میان روشنفکران فرانسه طرفداران بسیار داشت و همچنین حکیم فرانسوی اگوست کنت پایه‌گذار جامعه شناسی که مؤسس فلسفهٔ تحصلی (تحققی) و مبشر مذهب انسانیت بود تجدد خواهی و آزادی طلبی‌را ممزوج باعشق و اعتقاد بانسانیت ترویج میکرد باینگونه افکار افق وسیع و پهناوری در مقابل دنیای تنگ و بسته رجال خود خواه دربار قاجار و روحانیون که براثر عقب ماندن از پیشرفت علوم با تعصب فراوان در حفظ آن میکوشیدند میگشود.

بدین نحو مقالات و نوشتجات ملکم و سپس انتشار روزنامهٔ قانون که بهمت وی شانزده سال قبل از انقلاب مشروطیت در لندن تأسیس شد و همچنین قبلاً روزنامهٔ عروة‌الوثقی که بوسیلهٔ سید جمال‌الدین اسدآبادی با همکاری شیخ محمد عبده رجل انقلابی مصر در پاریس انتشار مییافت و روزنامهٔ ثریا که با بیانی تند و مؤثر بوسیلهٔ محمد علی خان شیبانی (معروف به پرورش) در قاهره مبلغ افکار جدید بود و حبل‌المتین کلکته و کتب و تألیفات دیگر ایرانیان ازقبیل عبدالرحیم طالب‌اف در قفقاز و میرزا آقاخان کرمانی در استانبول سبب‌شد که‌افکار جدید از هر سو بداخل ایران رسوخ یابد و بتمایلات و انگیزه های گروه‌ها و طبقاتیکه دارای زمینهٔ مستعد و مشتاق تغییر و دگرگونی نظام اجتماعی و اداری کشور بودند قالب و شکل مناسب بخشد.

مسلم است برخی گروهها و طبقات اجتماعی برای پذیرفتن عقاید نوین انقلابی واجد زمینهٔ فکری آماده تری بوده‌اند.

هرچند انقلاب مشروطیت ایران را نمیتوان از جمیع جهات انقلابی بورژوازی دانست زیرا در آنزمان هنوز وضع اقتصادی ایران بپایه‌ای نرسیده بود تا طبقه‌ای نظیر بورژوازی کشور های اروپائی که عامل و هادی انقلابات سیاسی قرون هیجده و نوزده بود بوجود آید ولی مداقه در تاریخ اقتصادی و اجتماعی قرن گذشته ایران وجود دستجات وگروه‌هائی را معلوم میدارد که از جهاتی دارای برخی خصوصیات اجتماعی هستند که تاحدی بابورژوازی اروپا در قرون بعد ازرنسانس قابل قیاس می‌باشد.

مقدمتاً ذکراین نکته بجاست که در مقابل فئودالیته در اروپا که قرنها حاکمیت و قدرت خودرا خاصه‌در روستاها مستقر ساخته بودطبقهٔ بورژوازی بتدریج از سوداگران و صنعت‌گران در شهرها بوجود آمد و این طبقه که اساس قدرتش برخلاف فئودالیته نه متکی بزمین بلکه برعلم و صنعت و تجارت مبتنی بود طالب اسلوب اقتصادی متحرك و لغو امتیازات فئودال‌ها و برقراری نظام اجتماعی که تأمین منافع گروه‌های وسیعتری را در بر گیرد بود. باینجهت هدف بورژوازی در جهت مخالف منافع فئودالیته که حفظ وضع موجود بود قرار داشت شهرها بصورت

مراکز و سنگرگاه‌های قدرت بورژوازی درآمد بطوریکه قرنها قبل از انقلاب کبیر فرانسه و دیگر انقلابات سیاسی اروپا شهرها صحنهٔ ایجاد نظامات اداری و محلی بتوسط بورژوازی گردید بطوری که انجمن‌های شهری در اکثر کشورهای اروپائی دارای چندین قرن سابقه وجودی میباشند و این انجمن‌ها و نظامات شهری نخستین هسته‌های اعمال حاکمیت ملی و تمرین و مشق مملکت‌داری است که بعدها به بورژوازی فرصت تعمیم و بسط آنرا بسراسر شئون مملکتی داده است.

ولی در ایران مالکین بزرك بعلت خشکی هوا و دور بودن دهات از یکدیگر بعکس فئودالهای اروپائی که حاصلخیز بودن زمین امکان استقرار در منطقهٔ محدودی را بآنها میداد ناگزیر به بسط قدرت خود در مناطق وسیعی بودند که دامنهٔ آن بشهرها کشیده میشد و اکثر مالکین بمنظور نظارت براین مناطق وسیع خصوصاً راهها در آن واحد بصورت سران ایلات و عشایر درآمده درشهر و ده صاحب نفوذ اصلی بودند و درصورت ضعف دولت مرکزی این نفوذ بحکومت مطلقه بدل میگشت.

بروزگار صفویه که صنعت و تجارت رونق داشت و هنوز مصنوعات ایرانی مقهور کالاهای ماشینی اروپائی نشده بود سلاطین این سلسله بمنظور حصول منافعی که از راه صنعت و تجارت عاید دستگاه دولتی میشد در بسط تأمین راه‌ها میکوشیدند ولی از اواخر دوران صفویه بعلت فقر و انحطاط صنایع و در نتیجه تجارت بتدریج نفوذهای محلی قدرت خودرا بازیافتند و تجار و صنعتگران در مقابل مالکین و حکام محلی به طبقه‌ای زیر دست و منکوب مبدل شدند از اینرو این طبقه که همچنان رؤیای دوران طلائی صفویان را درسرمیپروراند از اواسط دوران قاجاریه کوششی را از نو آغاز کرد لکن بدلائل اقتصادی (ضعف تکنولوژی) و سیاسی (امتیازات دول خارجی) واجتماعی (نفوذ و قدرت مالکین) موفق به تجدید رونق و احیای صنعت و تجارت گذشته نگردید. عدم کامیابی این طبقه را ناراضی ساخت خصوصاً اینکه حکومت بخواسته‌هایش یعنی استقرار امنیت داخلی و حفظ منافع تجاری ایران در خارج بی‌اعتناء بود ودر صورت تمایل نیز بعلت عدم توانائی از عهدهٔ انجام آنها برنمی‌آمد بنابراین ایجاد امنیت و عدالت و مقاومت در مقابل قدرت خارجی جزء شعار و هدفهای این طبقه درآمد وچون تجار ایرانی عادت داشتند بدنبال مال‌التجاره خویش حرکت کنند با احداث راه آهن و خطوط کشتی رانی در کشورهای خارج سهل‌تر و دورتر سفر کردند و در شهرهای مختلف اجتماعاتی از ایشان بوجود آمد و بالنتیجه ارتباط مستقیم ومستمری با زندگی و تمدن اروپائی برقرار شداین ارتباط با روسیه بیش از دیگر ممالك توسعه داشت بقسمی که در بعضی از شهرهای آن کشور خصوصاً قفقاز تعداد ایرانیان که به تجارت و کسب و کار در کارخانجات و چاههای نفت میپرداختند بچندین هزار بالغ گردید وازاینجابود که

از میان این توده انبوه که قویاً تحت تأثیر آرمانهای انقلابی روسیه قرار گرفته بودند مجاهدان قفقاز و فدائیان برخاستند و در سالهای اول مشروطیت بسرکردگی یپرم وحیدرعمواغلی بصورت پاسداران اسلحه بدست مشروطیت درآمدند. خلاصه آنکه تماس افراد طبقات متوسط با تمدن اروپائی و آشنائی بفعالیت و ترقیات دنیای جدید صنعت در مقابل تحجر و درجازدن سیستم حکومتی موجب افزایش حس عصیان و نارضائی این طبقات بود درحالیکه داد وستد تجار در داخل و خارج کشور و مراودات آنها با یکدیگر شبکهٔ ارتباطی مؤثری بوجود آورده بود که در نشر و اشاعه افکار جدید سهم بسزائی داشت زیرا از سال ۱۲۸۰ هجری قمری تأسیس پست و چاپار اتحاد بین تجار را بوجود آورده بود و بدین نحو تجار و بازاریان وسیلهٔ انتقال افکار آزادی خواهی و حکومت قانونی واصلاحات اجتماعی و مبارزه باقدرت حکام بمنظور تأمین منافع خود که در لفظ حکومت مشروطه خلاصه میشد گشتند و باقسام مختلف بصفوف آزادی خواهان و مشروطه طلبان پیوستند از آنجمله است حمایت مؤثر آنان در انتشار جراید و نشریات انقلابی در داخل و خارج کشور. ضمناً توضیح این نکته لازمست که از انعقاد معاهدهٔ ترکمنچای ببعد ورود آزادانه کالاهای روسی و سپس دیگر کشورهای اروپائی صرفنظر از تأثیر اقتصادی که بالمآل موجب تضعیف صنایع داخلی بود نتیجه دیگری در برداشت و آن آشنا کردن مردم بصنایع و فنون جدید بود مصرف و استعمال مصنوعات متنوع خارجی اهالی کشور را بماهیت علوم و فنون و ترقیات اروپائیان در زمینه های مختلف متوجه ساخت و چون تجار و بازاریان خود عامل اصلی ورود این مصنوعات بودند بیش از دیگران ازنظر روحی تحت تأثیر قرار میگرفتند.

همراه و متفق عمده این طبقه روحانیون بودند زیرا حق مکتسب واثبات حقوق این طبقه را شرع اسلام تأیید میکرد و روحانیون از دیرگاه سمت رهبری معنوی را بر آنها داشتند از حل مسائل خانوادگی و احوال شخصی گرفته تا امور مربوط بداد و ستد و بالاخره زندگی دینی آنان باروحانیت ارتباط داشت در حقیقت روحانیان و بازاریان دو دسته از مردمان مؤثر شهر بودند که مکمل و محتاج یکدیگر بودند.

روحانیت شیعه که از زمان صفویه قدرت و قوام بسیار یافته و در امور دینی ودنیوی حائز اختیارات بسیاری بود از زمان نادرشاه سلطه گذشته را از دست داده بود از یکطرف دولت قاجاریه روحانیت را قدرتی رقیب می پنداشت و با جدا کردن امور شرعی از امور عرفی و اختصاص امور عرفی بدولت درصدد تضعیف قدرت روحانیت برآمد و از طرفی دیگر پیشرفت علوم و معارف اروپائی سبب شد که دستگاه روحانیت که درگذشته قلمرو آن بهمهٔ جنبه های معنوی و علمی جامعه کشیده میشد بصورت یکدستگاه مندرس و کهنه جلوه کند و براثر آن دو جریان مختلف در نزد روحانیون بوجود

آمد یکی تعصب در قشری بودن و اکتفا بظواهر و تشریفات خارجی منهای روح خلاق و هدف غائی دین و دیگری کوشش در انطباق اصول و مبانی دین با پیشرفتهای جدید و جهاد در راه تعالی جامعه زیرا مبلغینی از قبیل سید جمال الدین اسدآبادی فلسفه ومنطق این مبارزات را برای آنان روشن کرده بودند دستهٔ اول با بهره‌ایکه از قدرت و نفوذ دربار و حکام برمیگرفتند طرفدار نظام موجود بودند و دستهٔ دوم که اغلب روشنفکرتر بودند همراه و هم رای مشروطه طلبان و متجددین گردیدند و با آگاهی کامل یا ضمنی تجدید قدرت خود را در رهبری مبارزات ملی می دانستند واقعه رژی و منع استعمال تنباکو به جرئت و جسارت سیاسی آنها افزود زیرا در این واقعه روحانیون شیعه توانستند از دو سلاح اجتماعی دین یعنی تحریم در استعمال شئی و تکفیر افراد بغایت استفاده کنند و از آن پس در هدایت نهضتهای ملی مسئولیت بیشتری را برای خود قائل شدند و در صدد بودند که از اینراه اعتبار از دست رفته راباز یابند

از عواملی که در سوق دادن روحانیت بسمت هدفهای مشروطیت تأثیر بسزا داشت علمای نجف یعنی دارالعلم شیعیان بودند زیرا علمای مذکور که از هر گونه اشرافیتی بدور بوده وبتعالیم اساسی شیعه نزدیک بودند و زندگی ساده و عاری از تجمل آنان موجب تقویت صفات حریت و آزادگی و احترام بشخصیت انسانی در آنان بود خصوصاً آنکه بعلت خارج بودن از حیطهٔ تسلط مستقیم حکومت وقت قدرت مستقلی در مقابل دربار قاجاریه تشکیل میدادند و از طرفی متأثر از بعضی از اقدامات و پیشرفتهای اجتماعی و سیاسی عثمانی و تا حدودی دول دیگر بوده باین علل علمای نجف فرصت مناسبی یافتند تا احساسات باطنی و همیشگی ضد حکومتی خودرا از قوه بفعل آورده و در برابر تجمل پرستی و سستی و اهمال حکومت قاجاریه قد علم کرده شیعیان را بمبارزه با آن و همچنین با نفوذ روز افزون خارجی ترغیب کنند

درباب تأثیر علوم و معارف غربی میتوان گفت دارالفنون و مدارسی که بعد از آن بتوسط بعضی از رجال اصلاح طلب ناصری و میسیون‌های مذهبی خارجی از اوائل دورهٔ ناصرالدین شاه به بعد در تهران و دیگر ولایات تأسیس شده بود موجب آشنائی طبقات مختلف شهری با علوم و معارف جدید بود ولی سیستم حکومتی و طرز اداره مملکت بموازات این رشد و نمو فکری پیشرفت نمیکرد وپیش از پیش بعنوان مانع و رادعی در انجام افکار و مقاصد اصلاح طلبانه بچشم میخورد

بدین نحو بتدریج قسمتی از اعیان و اشراف که میتوان آنان رابه یک نوع اشرافیت درجهٔ دوم تشبیه کرد و همچنین مستوفیان واداریانی که در اثر علم و آگاهی وارد دایرهٔ اعیان شده

بودند بخصوص مأمورین وزارت امور خارجه که سالها در کشورهای خارج بسر برده و برمز موفقیت دیگر کشورها و فلسفهٔ تشکیلات جدید پی برده بودند دارای تمایلات مشروطه طلبی گردیدند. عدم موفقیت رجال روشنفکر و اصلاح طلب دوران ناصرالدین شاه از قبیل میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا یوسف خان مستشار الدوله که با رویهٔ اعتدالی در صدد وضع قوانین و برقراری نظامات متناسب با روحیهٔ عصر جدید و احتیاجات مملکت بودند گذشته از آنکه تجربه آموز بود به رسوخ و ماهیت عقاید و افکار ایشان میافزود با پیشرفت این نوع افکار و خاصه با ظهور یک نوع اشرافیت درس خوانده یا ناراضی تعداد قابل ملاحظه‌ای از اعیان و اشراف نیز بتدریج طرفدار حکومت مشروطه (مشروطه خواه) گردیدند.

افزایش تعداد افراد ایل قاجار پس از چندین سال سلطنت سبب شده بود که اکثر مقامات مهم به افراد این خاندان تفویض گردد همین امر موجبات عدم رضایت عشایر و ایلات دیگر را فراهم میکرد بطوریکه سران ایل بختیاری نیز بعلت صدماتی که از حکومت قاجاریه خورده بودند و همچنین بعلت آشنائی با افکار و عقاید جدید که از راه تحصیل در خارج برای عده‌ای از آنها حاصل شده بود متمایل بمشروطه گشتند و سهم مؤثری خصوصاً در مبارزه با دولت مستبد محمد علیشاه و فتح تهران برعهده داشتند. خلاصه آنکه مجموعهٔ این عوامل و تأثیر نهضت‌های آزادیخواهی کشورهای همجوار از قبیل حزب سوسیال دموکرات در روسیه و حزب اتحاد و ترقی در عثمانی منجر به تکوین نهضتی شد که در آغاز شعار آن برقراری قانون و ایجاد عدالتخانه بود و سپس تعمیم بیشتری یافت و مبدل به جنبشی ملی گردید که هدف آن تنظیم و تفکیک ـ قدرت و اختیارات دولت و ملت و نظارت نمایندگان ملت در امور عمومی بود.

شک نیست که رقابت دو دولت نیرومند خارجی (خصوصاً سیاست دولت انگلیس که مادام که حکومت بصورت سابق باقی میماند همچنان سیاست دولت ایران را تحت تأثیر سیاست دولت روسیه میدانست) مؤثر در بیداری ایرانیان و پیشرفت کار مشروطه طلبان بود ولی جریان عمومی وهدف نهائی نهضت مخالف با نفوذ بی‌حد خارجیان بود کما اینکه از نخستین نتایج توافق میان این دو سیاست جلوگیری از گسترش فکر مشروطه و نتائج اصلی آن بود.

***

در دورهٔ اول مجلس که هنوز شعله‌های انقلاب فروزان بود و انتخابات جنبهٔ طبقاتی داشت نمایندگان این دو دوره اکثراً مظهر واقعی طبقات و گروه‌هائی بودند که در ایجاد مشروطه سهم اساسی داشتند بطوریکه بررسی شغل نمایندگان نشان میدهد در دورهٔ اول بیش از چهل درصد نمایندگان از تجار و اصناف بودند دورهٔ بعد این نسبت به نه درصد تقلیل مییابد بالعکس

نسبت ملاکان بدوا از ۲۱ درصد به سی درصد و سپس همچنان بافزایش میگراید بطوریکه از دورهٔ ششم تا دورهٔ بیستم حدود پنجاه درصد نمایندگان را ملاکان تشکیل میدهند. از مطالعهٔ وضع شخصی و اجتماعی وکلای دورهٔ دوم بخوبی برمیآید که مالکان بمحض اینکه از حالت غافلگیری دورهٔاول مشروطیت خارج شدند دردورهٔ دوم کسان و عوامل خودرا واردمجلس کردند ولی از دورهٔ سوم بخوبی وضع خود را با وضع جدید منطبق کرده و از این به بعد مستقیماً و شخصاً واردمجلس شدند چون در مجلس اول انتخابات جنبهٔ طبقاتی داشت باین جهت طبقات بازاری وشهری توانستندصاحب نفوذعمده‌ای باشندولی بعداً قانون انتخابات طوری تنظیم گردید که عملاً مالکین مقام اول را بدست آوردند. در حقیقت باید گفت دموکراسی که بعضی آنراحکومت عدد خوانده‌اند وقتی بدون مفهوم و معنای واقعی که در جامعهٔ غربی وجود دارد به یک کشور غیر صنعتی وارد شد بصورت وسیله‌ای در میآید که فقط کسانی که گروه متشکلی‌در اختیار دارند ازآن بهره‌مند میگردند.

نتیجه آنکه تجار و اصناف که عوامل یکنوع بورژوازی میباشند وسهم اصلی را در مشروطیت داشتند بعلت ضعف بنیهٔ صنعت و تجارت مملکت نتوانستند مدت کوتاهی مقام اول را درسیاست دارا باشند و چون نظام اقتصادی و اجتماعی همچنان در دست‌مالکان بزرك بود آنان بزودی دستگاه حکومتی جدید را دردست گرفتند. بدون شبهه یکی از دلائل شکست این طبقه این بود که در مقایسه بابورژوازی کشورهای اروپائی یک طبقه مولد وسازنده متاع ماشینی نبود بلکه فقط وارد کننده آن بود و علیهذا از خود نیروی مستقلی نداشت. ولی مطلب شایسته دقت اینست که مشروطیت ایران در شهرها نضج گرفت و مردم طبقات متوسط از مدافعین اولیه آن‌بودند وزمانیکه‌در دوران استبداد صغیر نهضت‌مشروطه طلبی‌جنبهٔ مبارزه مسلح بخود گرفت بتدریج بدست نیروهای غیر شهری یعنی ایلات و عشایر افتاد. چه شد که افراد یک ایل که طبق رسوم و سنن زندگی کوچ نشینی‌بسر می‌بردند و تابع نظام نیمه فئودالی ونیمه عشیره‌ای بودند بصورت یکی از عوامل مؤثر مشروطیت درآمدند؟ درصورتیکه از جهت بحث نظری وایده الوژی طبقاتی رابطه‌ای میان زندگی عشیره‌ای و آرمان‌های انقلابی نظیر مشروطیت ایران‌وجود نداشت بعبارت دیگر عشایر نمیتوانستند خواهان‌همان‌رژیم سیاسی باشند که بازاریان وتجار بدنبال آن بودند.

شاید بتوان مداخلهٔ ایلات راچنین تعبیر کرد که هنگامیکه بحران رژیم آغاز شده بودو مردم شهرنشین برای دردست گرفتن قدرت وارد صحنهٔ مبارزات سیاسی شده ودراینراه موفقیت بی سابقه‌ای بدست آورده بودندولی بعلت عدم توانائی درنگه داشتن آن دربرابر قدرت مالکین و

عشایرآخرالامر بقسمتی ازهمین قدرت پناهنده شدند. کمک این قسمت ازنیروهای مسلط گذشته که عشایربختیاری بودندتوانست مشروطه خواهان رابه پیروزی برساند وناگزیرکسانیکه دراین پیروزی سهم مؤثر داشتند مشروطیت بازیافته راتحت تأثیرروحیه وافکار ومنافع خودقرار دادند درحقیقت پس ازچندسال کشمکش میان مردم شهرنشین ونیروی خارج ازشهرمجدداً قدرت در دست نیروهای عشایری ومالکین افتاد.

بی شک جانبازی و دلاوری‌های مردم شهرهای ایران خصوصاً تبریز و رشت و اصفهان و مشهد ازهنگام بستن مجلس بدست محمد علی شاه تا فتح تهران‌و سپس درمقابله با التیماتوم دولت روسیه علیرغم ستمگریهای قوای آن دولت تا مبارزه باقیامهای همدستان محمدعلی‌شاه خصوصاً فداکاری و مجاهدت فدائیان از صحنه‌های افتخارآمیز تاریخ ایران بوده و دلیل براین است که جنبش مشروطیت ریشه‌هائی درمیان توده مردم خصوصاً شهرهای بزرگ ایران داشته است.

ولی چه شدکه نتیجه مطلوب حاصل نگشت ؟ آیا ایده‌آل‌ها و شعائرانقلابیون بلندپرواز ایران منطبق با امکانات زندگی‌واقعی‌ایران نبود؟ یااگرمشروطه خواهان بااعتدال بیشتری عمل میکردند از جانبازی‌های ایشان ثمرات ونتایج مفیدتری عاید میشد؟ آیا همچنانکه برخی‌ازمورخین خارجی معتقدند محیط سیاسی واجتماعی آن زمان ایران قابلیت جذب قانون‌اساسی‌وستمم‌آن راحائز نگردیده بود؟ آیانگرانی بیگانگان و حتی‌آن دسته که‌در ابتدا ازفکر مشروطیت حمایت میکردند از به ثمررسیدن کامل یک انقلاب ملی که‌میتوانست اثرات عمیقی درآسیا از خود بجای گذارد موجب انحراف و تا حدی وقفه نهضت گردید ؟ آیا اصولا مشروطیت باهیجان و شور وجنبشی که درمیان عدهٔ ای افراد روشن‌فکر بوجود آورد بیشتر یک نهضت فکری وادبی بود تا یک انقلاب‌عمیق اجتماعی؟ آیا علم‌و دانش‌طبقات‌حاکمه درایران طی‌شصت سال گذشته‌رابطه بامقام و قدرت‌اجتماعی آنان داشته است؟آیا روحانیت با همهٔ نفوذ عمیق خود درمیان عامهٔ مردم از نظرسیاسی قدرت مستقلی بوده‌ویا تابع نوسانات قدرت طبقات دیگربوده‌است؟ آیا افراد مؤثر طبقهٔ حاکمه تا قبل از اصلاحات ارضی که یک دگرگونی طبقاتی بهمراه دارد تعداد معدودی را تشکیل‌میداد و مقام وقدرت سیاسی درمیان آنان موروثی‌بود؟آیا عقب نشینی‌وشکست طبقهٔ تاجر وبازاری درصحنهٔ‌سیاست، یعنی کسانیکه میتوانستند نظیر بورژوازی مغرب‌زمین درصورت موفقیت سهم اساسی درتحولات‌اقتصادی واجتماعی‌نیم‌قرن‌اخیر‌بعهده داشته باشند، باین‌نظریه‌منجرنمیشود که احتمالا چنین طبقه‌ای فرصت تاریخی وامکان رشد وسیع خود را برای همیشه از دست داده باشد؟ وآیا میتوان ادعا کرد که درایران نیز نظیرسایرکشور های جهان قدرت و مقام اجتماعی ازآن کارشناسان‌ومدیرانی‌خواهدبود که‌روز بروز درحال کسب‌اهمیت‌بیشترند؛ آیا افزایش تدریجی

نسبت اداریان در ادوار اخیر قانونگذاری نمیتواند مؤیداین مطلب باشد ونباید آنرا نشانهٔ نضج وپیشرفت یک طبقهٔ جدید درکشور دانست ؟ . طبقه‌ای که درآینده بصورت مدیران ورهبران دستگاههای تولیدی وسازمانهای اجتماعی کشور درخواهدآمد وعملاً وظایف تاریخی بورژوازی کشورهای مغرب زمین را دریک اقتصاد جدید ارشادی ایفاخواهد کرد ؟

اینها مسائلی است که مؤلف محترم کوشش کرده است در مقدمهٔ کتاب وبازحمت زیاد از راه گردآوری اطلاعات که درجداول مربوط به شغل نماینده‌گان و شغل پدران آنهاو میزان تحصیلات وتکرارادوارنماینده‌گی و شرح‌حال نماینده‌گان بیست ویکدوره قانونگذاری نمایان است تاحدامکان بآنها پاسخ گوید .

برای عده‌ای ممکن است این سئوال پیش آید که بعلل مداخلات گوناگون و وضع قانون انتخابات و طرزاجرای آن کلیهٔ ادوار قانون گذاری‌مظهر و نشانه‌تمایلات سیاسی‌و اجتماعی اهالی کشور نبوده و نمیتوان کیفیت آنرا ملاك ومبنای‌یک مطالعهٔ علمی قرار دادولی آنچه از نظرچنین مطالعه‌ای قابل توجه است اینستکه درهرحال ساختمان طبقاتی مجلس در ادوار مختلف خود نشانه و مظهری از ساختمان قدرت‌های موجود بوده و معرف وضع طبقات اجتماعی و میزان تأثیر هریک درزنده‌گی سیاسی کشور بوده است .

بهرصورت مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی خوشوقت است درآستانه شصتمین سال اعلان مشروطیت‌از راه یک پژوهش‌علمی‌درراه شناسائی کامل‌تریکی‌از مهمترین و شورانگیزترین حوادث تاریخ‌معاصر ایران یعنی انقلاب مشروطیت و چگونگی ترکیب مجلس ومنشاء اجتماعی نماینده‌گان ادوار قانون گذاری ایران دراین مدت شصت سال بسهم‌خود قدمی بردارد .

**دکتر احسان نراقی**

**۱۲ امرداد ماه ۱۳۴۴**

# سخنی مقدماتی در باب تحقیقات راجع

## به برگزیدگان سیاسی

تحقیق در بارهٔ نظام اجتماعی و ترکیب طبقاتی در هر جامعه ای یکی از مهمترین واساسی ترین انواع پژوهش‌های جامعه شناسی است و فواید بسیار را متضمن است.

مطالعه در ساخت طبقاتی جامعه نه فقط از آن جهت سودمند است که کلید فهم و تبیین سازمان قدرت و حکومت را بدست می‌دهد بلکه ازاین جهت نیز فایده دارد که عامل «قشر یا طبقه» از مؤثرترین عوامل اجتماعی بشمار است و بسیاری ازرفتارهای اجتماعی بهمین عامل بستگی دارد. شیوهٔ زندگی، نوع فکر و سلیقه در قشرها و طبقات مختلف هر جامعه متفاوت است وحتی در جوامعی که بر اصول دموکراسی مبتنی است این تفاوت‌ها بچشم می‌خورد چنانکه بآسانی از طرز آرایش، سخنگویی و سلوك هرفرد می‌توان حدس زدکه بکدام قشر یا طبقهٔ اجتماعی تعلق دارد. اثر قشر و طبقه بهمین‌ها محدود نمی‌شود میزان تمتع و بهره‌مندی از زندگی و مزایای آن در طبقات و مراتب مختلف اجتماعی یکسان نیست و این تبعیض حتی در مورد مرك و میر نیز دیده می‌شود چنانکه مثلا نسبت متوفیات نزد نوزادان وکودکان فقیر آشکارا بیش از فرزندان اغنیا است.

تحقیق در قشر بندی اجتماعی کاری دشوار است و روش‌های گوناگونی که دراین زمینه بکار می‌رود هیچ یك از نقص بدور نیست. جامعه شناسان غالباً از دو دسته روش دراین گونه پژوهش‌ها نام می‌برند که عبارت از روش‌های عینی وذهنی باشد در روش عینی Methode objective از نشانه‌های برونی طبقه بوجود آن پی می‌برند چنان که میزان ثروت یا درآمد، وضع فرد در سازمان تولید، شغل و حرفه، درجهٔ تعلیم و تربیت و اندازهٔ قدرت سیاسی یا حرمت اجتماعی شخص را علامت طبقهٔ او می‌شمرند و براین نظریه تکیه می‌کنند که میان طبقهٔ فرد ومشخصاتی که نام بردیم همبستگی وجود دارد بعبارت دیگر طبقات برتر غالباً ثروت بیشتردارند یا شغلی ممتاز را اشغال کرده‌اند و یادر دستگاه حکومت‌صاحب نفوذ و اقتدارهستند و یا ازاحترام اجتماعی خاصی برخوردارند. از جمله ایرادهایی که براین روش‌وارد است یکی آن است که در

جامعهٔ دموکراتیک بسیاری از اعضای طبقات کهتر ارتقاء اجتماعی حاصل می کنند و بمدارج عالی تحصیل یا مشاغل بزرگ دست می‌یابند و دیگران که بگفتهٔ ماکس وبر Max Weber قدرت سیاسی، قدرت اقتصادی و قدرت اجتماعی همواره با یکدیگر جمع نمی‌آیند و در بسیاری از جوامع صاحبان هریک ازاین سه قدرت، از قدرتهای دیگر بی بهره هستند و هریک از آن سه جداگانه در شیوهٔ رفتار، سبک زندگی و میزان بهره مندی از امکانات و امتیازات اجتماعی مؤثر است

روش ذهنی Methode. subjective براین اساس است که افراد جامعه طبقهٔ اجتماعی را چگونه تعریف می کنند و خودرا ازکدام طبقه می‌دانند و دیگران را نیز بکدام طبقه متعلق می‌خوانند (خودسنجی و دیگر سنجی طبقاتی) این روش هم از خطا برکنار نیست زیرا اثبات‌این مطلب مشکل است که همیشه فکر و سنجش مردم با واقعیت منطبق باشد.

نگارندهٔ این سطور گرچه از نارسایی روش های تحقیق در طبقات اجتماعی غافل نبوده است اما نظر باهمیت چنین تحقیقی از سالی چند پیش ازاین با همکاری گروهی از پژوهندگان جوان باین کار خطیر دست زد و هنوز دراین مسیر چندان پیش نرفته بود که توجه باین نکته حاصل کرد که شناسائی ساختمان جامعهٔ ایران، بدون آگاهی بر مشخصات و خصوصیات افراد برگزیده « Elite » که در زمینه های مختلف و از جمله در سیاست مراتب عالی را احراز کرده‌اند به‌نتیجه نمی‌رسد. حسن مطالعه شخصیت های نخبهٔ جامعه این‌است که از جهت شماره محدود هستند و در بارهٔ آنها تحقیقات دقیقتر مقدوراست و حال آن که‌تعمق در نظام کلی جامعه کاری است که هم مستلزم فرصت طولانی است و هم در مراحل نخستین با روش های متعارف‌عینی و ذهنی بدقت صورت نمی‌پذیرد.

مطالعه در افراد نخبهٔ هراجتماع فواید دیگری نیز در بردارد و از جمله این که ضمن آشنایی با تعادل نیروها در جامعهٔ کنونی، می‌توان پیش‌بینی نزدیک به‌حقیقتی‌در بارهٔ تحولات آیندهٔ آن جامعه کرد و اگر نتوان در حال حاضر باضعف علوم اجتماعی از جهت آینده پژوهی، جزییات وقایع آتیه را معلوم داشت لااقل می‌توان مسیر کلی را که نظام اجتماعی در آن سایر است بتقریبی پذیرفتنی روشن کرد.

چون بررسی نخبگان را مرحلهٔ اول در طریق تحقیقات مربوط به شناخت ترکیب و نظام اجتماع ایران منظور داشته‌ایم شایسته است که دراین جا مجملا از سوابق این گونه مطالعات یاد کنیم.

***

مطالعه و تحقیق در بارهٔ آن که برگزیدگان عالم سیاست کیستند و چه صفات ومشخصات دارند و ازکدام قشر یا گروه اجتماعی بیرون آمده وچه اثری در تحول جامعه نهاده‌اند درتاریخ تفکرات و پژوهش های جامعه شناسان سابقه‌ای دراز و ممتد دارد. از جمله فلاسفهٔ یونان ، یکی افلاطون بود که عقیده داشت در مدینهٔ فاضله باید حاکمان از حکمت برخوردار باشند و حکیمان بحکومت دست یابند. قول باین که زعمای جهان سیاست باید درعین حال نخبهٔ فکری و معنوی باشند نزد بسیاری از متفکران دیگر اجتماعی نیز مورد قبول بوده است. چنانکه پاره‌ای صاحبنظران اروپایی در قرون وسطی‌وکثیری ازاندیشمندان مشرق‌زمین از دیرباز ، معتقد بودند که رهبران سیاسی برگزیدگان و مبعوثان خدا هستند و نیز مذاهبی چون و دائی و برهمائی که نگهبان سلسله مراتب متحجر و غلیظ کاستی Systeme de caste بوده قدرت سیاسی و دیگر امتیازات اجتماعی را بگروهی محدود و مخصوص که قشر والای جامعه باشد اختصاص داده است.

تحقیق در بارهٔ صفات و مشخصات و منشأ اجتماعی کارگردانان سیاسی از هنگام ظهور جامعهٔ شناسی جدید صورت علمی گرفت و ازخیالپروری و آرزو پردازی دوری جست. درمقابل سن‌سیمون Saint – Simon که خواستار حکومت علما و ارباب صنایع و بانکداران و بزرگ مالکان بود مارکس Marx دولت را در جوامع کنونی اعم از فئودالی و سرمایه داری محکوم کرد و زمامداران سیاسی را استثمارگران اقتصادی یا حافظ مصالح و منافع چنین گروه شمرد. بگمان مارکس در هر جامعه‌ای مردم بدوگروه مالک وسایل تولید و فاقد آن وسایل تقسیم می‌شود و همواره گروهٔ نخست برگروهٔثانی حکم میراند و از او ظالمانه بهره می‌گیرد.

دانشمند دیگر که دراین باب تحقیق کرده موسکای G. Mosca ایطالیایی است که می‌گوید در هر جامعه‌ای دو طبقه یکی حاکم و دیگری محکوم درکارند و طبقهٔ اول گرچه بشماره قلیل است اما قدرت سیاسی را بدست دارد و از امتیازات ناشی از قدرت برخوردار است وطبقهٔ ثانی راکه مرکب ازاکثریت خلق است تحت فرمان می‌گیرد و براو اعمال نظارت و مراقبت می‌کند. طبقهٔ حاکمه بصفاتی متصف است که در جامعه قدر و وزن داشته باشد چنان که اگر در جامعه‌ای‌زورمندی وجنگاوری مورد ستایش باشدبرگزیدگان سیاسی‌ازمیان‌جنگجویان برمی‌خیزند و در آن جاکه توانگری واجد اهمیت است اصحاب مال و نعمت بحکومت‌می‌رسند.

جامعه شناس ایطالیایی پارتو Vilfredo. Pareto در بحث از مردم نخبه ، عوامل غریزی رادخالت داده و مدعی شده است که گرداننده چرخهای زندگی فرد و اجتماع پاره‌ای غرایز یا « ثوابت عاطفی » و بقول او بقایا « Résidus » است و این غرایز درافراد وگروه‌های

مختلف بدرجات متفاوت تجلی می کند چنان که در مردمان برگزیده‌ای که تازه بقدرت سیاسی رسیده‌اند غریزه‌ای خاص که « تمایل به ترکیب و نو آوری » باشد نیرومند است اما همین که زمانی برآمد و بقول ابن خلدون ، صفات دلیری در آن گروه تباه شد و بناز و نعمت وتجمل خو گرفتند و تن آسان شدند غریزه‌ای دیگر که « حفظ تراکیب » باشد در آنان قوت می گیرد و بجای کوشش در ابداع و اصلاح جامعه ، سعی در نگهداری و ادامه قدرتی می کنند که روزی بنیروی ابتکار و دلیری بدست آورده‌اند و ناچار به محافظه کاری و ارتجاع روی آور می‌شوند . روشن است که اگر جامعه‌ای با زور و جبر بدست سیاستمداران مقتدری که تنها در پی حفظ امتیازات خویشند اداره شود و از هوش خلاق « مبدعان و مصلحان » (۱) عاری باشد بزودی بفساد می گراید . ازاین رو ناچار باید خون تازه‌ای در هیکل اجتماع بجریان آید و «سیر نخبگان» نوآور از طبقات کهتر بطبقات برتر صورت گیرد . اگر این سیر و ارتقاء اجتماعی روی ندهد وقشرهای بالای جامعه ازعناصر منحط و قشرهای پایین ازافراد پرمایه ترقی طلب لبریز شود انقلاب درمی گیرد و نظام اجتماعی واژگون می‌شود .

دو محقق معاصر که نظری در بارهٔ برگزیدگان سیاست عرضه کرده‌اند هارولد لسول Harold Lasswell امریکایی و تیماشف انگلیسی N. S. Timasheff هستند . لسول بر آن‌است که در جامعه هر کسی‌را هوسی در سر و کاری‌در پیش‌است و سیاستمدار کسی‌است که هوای‌قدرت دارد و از میان ارزش‌های جامعه این یک را بر می گزیند. عشق بقدرت ممکن است‌ناشی از این باشد که فرد باقلیتی حاشیه نشین در جامعه تعلق دارد و از راه قدرت سیاسی می‌خواهد برای‌خود موقع و مقامی‌ممتاز درقلب اجتماع تحصیل کند . جستجوی قدرت‌ممکن‌است خود وسیلهٔ نیل بغایتی دیگر چون ثروت ـ شهرت ـ احترام اجتماعی و امنیت باشد حتی ممکن است عقدهٔ حقارت شخص او را بطلب قدرت بر انگیزد. بدیهی است که محرکات درونی و روانی کافی نیست باید شخص بآداب سیاست مطلع باشد و نیز فرصت های مساعد فرا راه او گشوده شود . تیماشف معتقد است که هر گروهی طبعاً بدو دسته تقسیم می‌شود افراد فعال و افراد فعل پذیر، افراد فعال آنها را گویند که بقول برتراند راسل Bertrand Russell میل تسلط بر دیگران و ذوق فرمانروایی دارند و افراد منفعل به پیروی و فرمانبری راغب هستند. در جامعه های ساده و ابتدائی حکومت بدست گروهٔ اول و تبعیت کار گروهٔ دوم است اما در جوامع پیچیده ممکن است عوامل دیگری چون اصل و نسب ـ ثروت و مانند آن در کار آید و شخصیتهای

---

۱ـ ماکیاول دستهٔ اول را شیران و دستهٔ دوم را روباهان می‌خواند

فعال مستعد اعمال قدرت را بکنار گذارد. بدیهی است که اگر روش جامعه چنان باشد که پیوسته دارندگان ذوق و توانایی حاکمیت را از قدرت محروم کند خطراتی در پیش است و ممکن است روزی طبایع فعال بشورند و بزور، قدرت را بچنگ آورند.

***

تحقیقاتی که بدانها اشاره رفت گرچه بر مشاهدهٔ جوامع و مطالعهٔ تاریخ و روانشناسی مبتنی است اما جنبهٔ آماری و تجربی ندارد. در جامعهٔ امروزی که بیش از پیش از جهت گروها وطبقات، تنوع و پیچیدگی حاصل می کند قول باین که قدرت فقط در دست کسانی است که چنین یا چنان صفاتی دارند و فی‌المثل همگی از طبایع فعال، قدرت‌گرایان، نوآوران، متصفان به صفات عالی، مالکان وسایل تولید و سرمایه داران استثمارگر اقتصادی هستند نادرست است ازهمین رو باید در هرجامعه‌ای جداگانه مطالعه کرد و بروش های آماری وتجربی متوسل شد و معلوم داشت که هریک ازگروه‌ها یا طبقات اجتماع چه سهمی از قدرت دارند و مشخصات فردی و اجتماعی قدرتمندان در هرجامعهٔ خاص کدام است؟

این گونه مطالعه در سرزمین های دیگر بی‌سابقه نیست و از حدود بیست سی‌سال پیش آغاز شده است اما درکشور ما تازگی دارد و می‌توان گفت که کتاب حاضر نخستین تحقیق‌آماری وتجربی است که در بارهٔ قسمتی از برگزیدگان سیاسی ایران تدوین شده است. بر مقایسه نتایج این تحقیق با مطالعاتی که در ممالک دیگر صورت گرفته فواید بسیار مترتب است و ما را در شناخت بهتر و ژرفتر نظام سیاسی و اجتماعی ایران یاری می کند ازاین رو مجملا بپاره‌ای ازمطالعات خارجی اشاره می کنیم.

تحقیقی دربارهٔ نمایندگان کنگرهٔ امریکا در ۳-۱۹۴۱ و سناتورهای همان کشور در ۵۱-۱۹۴۹ حاکی از آن است که وکلای مجالس امریکا بیش از همه فرزندان چهارگروهٔ اجتماعی مالکان- کارمندان دولت - مزرعه داران و صاحبان مشاغل آزاد بوده‌اند و شمارهٔ فرزندان کارگران صنعت - کارگران کشاورز- خدمتکاران و مزدوران دیگر در میان آنها بسیار قلیل بوده است.

اکثر نمایندگان مجالس از مشاغل آزاد تخصصی (۶۹ درصد) و خصوصاً حقوقدانی و وکالت دادگستری به سیاست پرداخته‌اند و در درجهٔ بعد صاحبان مشاغل اداری و مالکان

(۲۲- ۲۴ درصد) قرار گرفته‌اند قلیلی نیز قبلا مزرعه دار بوده‌اند (۴- ۷ درصد) و کارگران و مزدوران تقریباً بمجالس راه نداشته‌اند درجهٔ تحصیلات نمایندگان در ۸۷ درصد موارد دانشگاهی بوده و بیسواد هرگز و کم سواد جز در چند مورد ناچیز بمجالس پذیرفته نشده است.

تحقیق دیگر در بارهٔ مشخصات و منشأ اجتماعی نمایندگان مجلس عوام انگلستان درسال ۱۹۴۵ حاکی از آن است که فقط ۸ درصد از اشراف و بقیه از عامهٔ خلق بیرون آمده‌اند. ۴۲ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. ۵۳ درصد از مشاغل آزاد ۱۷ درصد از کارفرمایی ومدیریت- ۲۷ درصد از کارگری و ۲ درصد ازکد بانوئی به وکالت مجلس گرائیده‌اند

تحقیق تازه تری در ۱۹۵۰-۹ تفاوت‌های بارزی را که میان مشخصات نمایندگان محافظه کار و وکلای کارگر در انگلستان موجود است عرضه می‌دارد. اهم مشاغل نمایندگان حزب نمایندگان کارگر از خود کارگران وبیش ازسی درصد از روشنفکران وصاحبان مشاغل تخصصی آزاد ومعلمین بوده‌اند. درمقابل نمایندگان محافظه کار که غالباً مدارس خصوصی اشرافی راطی کرده‌اند و در حدود ۷۰ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند نسبت تحصیل کردگان مدارس خصوصی و دانشگاهی نزد کارگران کمتر بوده است. از جهت سن باید گفت که ۶۹ درصد نمایندگان محافظه کار بین ۴۱ و ۶۰ سال داشته و حدود ۱۶ درصد کمتر از ۴۱ سال و ۱۶ درصد بیش از ۶۰ سال دارا بوده‌اند اما نسبت جوانان کمتر از ۴۱ ساله نزد کارگران فقط ۶ درصد ودر عوض نسبت پیران بیش از ۶۰ ساله ۳۳ درصد بوده و بقیهٔ کارگران (۶۰ درصد) بین ۴۱ و ۶۰ ساله داشته‌اند.

مطالعه دیگر مربوط به اعضای مجلس نمایندگان فرانسه بین سالهای ۱۸۷۱ و ۱۹۵۸ وگواه آن است که بیش از نصف ۶ هزار وکیلی که در آن مدت انتخاب شده‌اند از «روشنفکران» بمعنای اعم (نویسندگان- اساتید دانشگاه - وکلای دادگستری - روزنامه‌نگاران - علماء - مهندسان ومعلمان) بوده‌اند.

پژوهشی در بارهٔ اعضای « پلیت بورو» دراتحادجماهیر شوروی و تحول آن از ۱۹۱۷ تا کنون ازاین مطلب حکایت می‌کند که درآغاز آن مجمع در دست روشنفکران متعلق به‌طبقات متوسط و شهرنشین بود. ولی بمرور زمان و خصوصاً در دوران استالین سر کار بدست کسانی افتاد

که منشایی حقیر داشتند واکثراً روستازاده بودند و بهره از تحصیلات بسیار نداشتند اما دارای تجربه در کار اداری ورتق و فتق امور حزبی بوده‌اند. بعبارت دیگر انقلاب را روشنفکران پایه گذاشتند اما دیری نگذشت که قدرت در کف بورکراتها افتاد و روشنفکران حتی بدیدهٔ بدگمانی منظور گردیدند.

این مطلب که قدرت سیاسی بیش از پیش بدست اداریان می‌افتد در پاره‌ای از ممالک سوسیالیستی نیز صادق است چنان که تحقیق جیلاس در بارهٔ یوگسلاوی براین معنی حاکی‌است وبا نظریهٔ ماکس وبرموافقت دارد که پیش بینی می کرد جنبهٔ اداری بر همهٔ فعالیتهای عمومی از حکومت و اقتصاد گرفته تا امور علمی و خدمات‌نیکوکاری غلبه خواهد کردو بخلاف مارکس که سرنوشت جوامع را در تمرکز وسایل تولید در دست عدهٔ قلیلی سرمایه دار می‌دید که خلع ید از ایشان باهتمام طبقات کارگری‌عصری تازه تر از آزادیهای فردی‌را برانسانیت خواهد گشود ماکس‌وبر بر آن بود که بیش‌از بیش وسایل ادارهٔ امور تمرکز حاصل خواهد کرد و نهایت تمرکزدر دولت‌سوسیالیستی روی‌خواهدداد ودرآن‌جاآزادیهای‌فردی‌بکمال‌محدودیت خواهدرسید.

پیش ازاین اشاره کردیم که سن سیمون آرزومند حکومت علما و ارباب مال و صنعت‌بود پاره‌ای از جامعه شناسان معاصر نیز با مشاهده تحولی که در قرن حاضر در جوامع صنعتی روی کرده است‌عقیده دارند که بیش از پیش حکومت سرمایه داری به حکومت «مدیران» (مدیران صنعت و کارگردانان متخصص دیگر) سوق پیدا می کند. از جملهٔ این دانشمندان باید از جیمز برنهام J. Burnham نام برد که کتاب او «انقلاب مدیران» شوری در جهان‌انداخت و بعضی را حتی تصور آن دست داد که حکومت فاشیستی در ایطالیا و نازیسم در آلمان‌نشانه و نموداری ازاین غلبهٔ مدیران است.

نقادان برنهام چون رایت میلز C. Wright. Mills جدائی مالکیت صنایع و وسایل تولید را از مدیریت آن در جوامع جدید صنعتی تکذیب کردند و از جمله بر اساس آمارهای امریکائی ثابت نمودند که اکثر مدیران صنایع خود دست در دست مالکان دارند و با آنان همبسته هستند و اکثراً خود از خانواده‌های مالک و توانگر بیرون آمده‌اند (۱)

***

---

۱- جهت مزید اطلاع رجوع شود به:

The social back ground of political decision-makers, D. R. Matthews. New-york, 1962.

Elites and socioty, T. B· , Bottomore, London, 1964

کتاب نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست ویک دورهٔ قانونگذاری ، طلیعهٔ تحقیقاتی است که بروش جامعه شنلسی جدید تجربی دربارهٔ « برگزیدگان ایران » صورت تحقق پذیرفته است و مطالعات دیگری را چون‌تحقیق در بارهٔ وزراء ـ سناتورها ـ صاحب‌منصبان دستگاههای اداری دولتی بدنبال دارد. خانم زهرا شجیعی دستیار مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی که این کار خطیر را بحسن ختام رسانده‌اند بگمان این جانب که سالی چند شاهد نزدیک همت بلیغ و سعی جمیل و پشتکار عظیم ایشان بوده‌ام ازاین جهت که راهی تازه گشوده و زمینه‌ای ناهموار را بسوی منزلگه مراد پیموده‌اند درخورکمال تحسین و شایسته آفرین هستند. شبهه نیست که این تألیف چون هرکار جدیدی عاری از عیب و نقص نیست و امید می‌رود که خوانندگان دانای نکته سنج بدیدهٔ اغماض و تسامح ننگرند و مؤلف و مؤسسهٔ مطالعات وتحقیقات اجتماعی را از هرگونه زلتی که رفته و غفلتی که روی داده آگاه فرمایند.

ازپیش سپاسگزار همه کسانی هستیم که مارا دراین عرصهٔ پر شیب و فراز چراغ هدایت فرا گام بدارند که « دراز است رهٔ مقصد ومن نوسفرم»

**دکتر شاپور راسخ**

# پیشگفتار

با سازمان یافتن گروه‌های تحقیقی در مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی، گروهٔ بررسی طبقات و ساختمان اجتماع ایران زیر نظر آقای دکتر شاپور راسخ، با پشتیبانی خاص استاد معظم جناب آقای دکتر غلامحسین صدیقی و جناب آقای دکتر احسان نراقی تشکیل شد، مطالعه دربارهٔ نخبگان ایران را ضمن برنامه های تحقیقی خود منظور داشت، براین اساس و از چهار سال قبل وظیفهٔ پژوهش و بررسی در بارهٔ نخبگان سیاسی ایران را در گروهٔ مزبور باینجانب محول کرد.

مطالعه در مورد سوابق و مشخصات نماینده گان مجلس شورای ملی و نحوهٔ ترکیب طبقاتی مجلس مزبور قسمتی از تحقیقات مربوط به نخبگان سیاسی ایران است که طرح آن براهنمایی استاد عالیقدر و دانشمند جناب آقای دکتر شاپور راسخ که در واقع این مجموعه بتشویق وهدایت مداوم ایشان در طول مدت صورت تحقق گرفته است تنظیم گردید و اولین قسمت از برنامهٔ کار این جانب را در مطالعه نخبگان سیاسی ایران تشکیل می‌دهد.

هدف ازاین تحقیق آن بود که دریابیم در روزگاران اخیر پس از تبدیل حکومت استبدادی بحکومت مشروطه سلطنتی و تدوین قانون اساسی که به تبع آن در نظام سیاسی ایران دگرگونی حاصل شد وحکومت مطلقهٔ فردی بموجب اصول قانون اساسی محدود گردید و اصل حاکمیت ملی‌حق شرکت همهٔ افراد ملت را از طریق مجالس شور در اتخاذ تصمیمات عمومی اعطاء کرد، چه کسان وکدام گروه‌های اجتماعی از قدرت سیاسی برخوردار بوده‌اند.

درقانون اساسی ایران، بموجب اصل تفکیک قوا، قدرت سیاسی به سه شعبهٔ مستقل و منفصل (قوهٔ قانونگذاری، قوهٔ مجریه، قوهٔ قضائیه) تجزیه میشود بهمین سبب در این کتاب، دربیان مشخصات نخبگان سیاسی ایران واصل منشأ و طبقهٔ اجتماعی ایشان، ابتدا از هیأت‌قانون گذاری آغاز سخن کردیم. از آن جاکه بموجب اصل ٤٣ قانون‌اساسی. قوهٔ قانونگذاری برسیستم دو مجلسی متبنی است‌قاعدهٔ لازم بود در تحقیق و بررسی خود از نماینده گان مجلس سنا نیز سخن گوئیم (اولین مجلس سنا در تاریخ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۲۸ مقارن با افتتاح دورهٔ شانزدهم مجلس شورای ملی تشکیل شده است) برای تکمیل این مجموعه، بررسی در بارهٔ مشخصات سناتورها نیز مطمح نظر قرار گرفت و امید است در آینده نزدیک مطالعهٔ خود را درمورد

نمایندگان مجلس سنا و دربارهٔ هیأت وزرای ایران از صدر مشروطیت تاکنون با مراجعه به منابع ومدارك و با معاضدت رجال سیاسی ایران (که با پر کردن پرسشنامه ها بر ما منت خواهند گذاشت) توسعه داده و دید کلی تری در بارهٔ گروه‌های واجد قدرت سیاسی در ایران عرضه دارد.

در تعیین ترکیب طبقاتی هیأت قانونگذاری ایران علاوه براین که هدف شناسایی قسمتی از نخبگان سیاسی ایران بود کوشش شده است تا ازیک سوی ارتباط ترکیب طبقاتی جامعهٔ ایرانی با هیأت قانونگذاری روشن گردد و از سوی دیگر معلوم شود که با تحول نسبی اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ایران که در هریک از اعصار سه گانهٔ مشروطیت (عصر سلطنت قاجار، عصر اعلیحضرت رضاشاه پهلوی، عصر اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی) رخ داده است آیا درهریک از آن اعصار و یا در ادوار قانونگذاری هر عصر، ترکیب گروه‌های نمایندگان مجلس بصورتی خاص بوده است؟ و آیا گروه‌هایی که برسر کار آمده‌اند نمایندهٔ تحولات اوضاع و احوال عصر خود بوده‌اند ؟ آیا تقارن و توازنی بین ترقیات اجتماعی و اقتصادی جامعه با ترکیب طبقاتی مجلس بوده و اگر تباینی دیده شده چه علل و عواملی در آن مؤثر بوده است ؟

آنچه دراین تحقیق بعنوان مقدمه آورده شده اشارهٔ موجز باوضاع و احوال اجتماعی عصری است که مولد انقلاب و موجد حکومت مشروطه و حوادث بعدی آن گردیده است.

لازم است یادآور شود که هدف تدوین تاریخ مشروطیت ایران و وقایع نگاری آن نیست بنابراین ذکر جریان مفصل و مشروح حوادث تاریخی مشروطیت و کیفیت تأثیر شخصیتهای برگزیده در آن و کشف عوامل و نیروهای نهانی که احتمالا میتوان گفت پاره‌ای از مورخان را نیز بدرك آن دسترسی نبوده است از وظیفهٔ نگارنده خارج است. چه این کار مهم و خطیر را از آغاز انقلاب مشروطیت تاکنون مؤلفان متعددی با توفیق بیش و کم بانجام رسانده‌اند. نگارنده دراین مجموعه صرفاً بمنظور روشن شدن ذهن خوانندگان عزیز و بدست دادن دیدی کلی در بارهٔ علل و عوامل اساسی انقلاب و کیفیت دخالت گروه‌های اجتماعی در انقلاب و انعکاس آن در هیأت قانونگذاری تا آنجا که مربوط بموضوع تحقیق میشود بااستفاده ازیک رشته منابع که بی شبهه جملگی از لغزشها وخطاها عاری نبوده است در بخش نخست این کتاب به بیان اجمالی در بارهٔ وقایع عمدهٔ مشروطیت و وقایع اساسی هر دورهٔ قانونگذاری وقوانین مهمی که در آن ادوار بتصویب نمایندگان مجلس رسیده پرداخته است.

باید گفت که در آثار مربوط به نهضت مشروطیت ایران فقط چند کتاب می‌توان

یافت که به بحث و تحلیل ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی انقلاب روی نموده‌اند. در این مجموعه نیز در بخش نخست بیشتر با دید جامعه شناس به بیان نهضت مشروطیت پرداخته‌ام معهذا نباید مدعی بود که این تحقیق، حق مطلب را ادا کرده و علل و عوامل عمدهٔ این نهضت رابتمامه روشن نموده باشد. گمان میرود همین بیان موجزوبحث کلی از موجبات و علل مشروطیت ز آن نظر که بتوان انعکاس آن علل و عوامل را در مجلس ایران و ترکیب طبقاتی و تمایلات آن مجلس دریافت کافی بنظر می آید. بدیهی است که چون اطلاعات مربوط بوقایع، متکی بر منابع تاریخی می باشد که کما بیش در ذکر جزئیات حوادث باوجود حسن نیت مؤلفان گاه بااحساسات شخصی آمیخته است و عاری از خطا نیست، نمیتوان با قاطعیت بر صحت جزئیات وقایع مندرج در این مجموعه حکم کرد.

پس از بیان وقایع عمدهٔ مشروطیت و علل و اسباب این نهضت در بخش دوم این کتاب سخن از ترکیب طبقات و منشأ اجتماعی نمایندگان مجلس شورای ملی که موضوع اصلی تحقیق می باشد بمیان آمده است. از جمله ملاک های اساسی جهت تعیین طبقهٔ اجتماعی شخص، شغل و تخصص او، درجهٔ تحصیلات - شغل و درآمد پدر و خانواده او است. از میان عوامل فوق آگاهی برعامل درآمد با اینکه یکی از عوامل مؤثر در بررسی طبقات اجتماعی میتواند باشد، متأسفانه در مورد نمایندگان مجلس شورای ملی کاری بسیار دشوار بود. برای بررسی شغل، تحصیلات، سن و شغل پدر نمایندگان مجلس منابع و مآخذ اصلی در درجهٔ اول اطلاعات ضبط نشده‌ای بود که از طریق مصاحبه باعدهٔ کثیری از افراد مطلع و موثق (۱) که اکثر از

---

(۱) آقای محمد حسین استخر
» غلامرضا اسپهبدی
» مهدی ارباب
» جمال‌الدین اخوی
» دکتر محمدحسن اعتمادی
» ایرج امینی
» اسماعیل امیرخیزی
» ابراهیم امیرتیمور
» سلطان ابراهیم افخمی
» امان‌الله اردلان
» ناصرقلی اردلان
» دکترمصطفی الموتی
» دکترمظفر بقایی کرمانی

آقای مهدی بامداد
» حسن بیات
» سیدجعفر بهبهانی
» غلامرضا بنکدار
» محمدپروین گنابادی
» پور سرتیپ
» دکترآصف قلی‌تاجبخش
» منوچهر تیمورتاش
» سیدحسن تقی‌زاده
» باقرتحویلداری
» دکترعلی جلالی
» جلالی موسوی

بقیهٔ پاورقی در صفحه‌بعد

نمایندگان باسابقهٔ مجلس بوده‌اند و آشنایی کامل در بارهٔ سوابق و منشأ اجتماعی دوستان و همشهریان و نمایندگان حوزهٔ انتخابی خود و سایرین داشته‌اند بدست آمده است. در درجهٔ دوم مدارك و اسناد کتبی موجود در ادارهٔ بایگانی راکد مجلس شورای ملی و مربوط بمشخصات نمایندگان نیز از جمله منابعی بوده که مورد استفاده قرارگرفته است.

تحقیق و مطالعه در سوابق نمایندگان در بادی امر بعلت عدم آمادگی اشخاص مطلع و صاحب نظران برای مصاحبه و دادن اطلاعات لازم و دقیق، همچنین ناقص بودن مدارك و اسناد موجود در بایگانی مجلس امری بسیار دشوار بنظر می‌رسید. این موضوع بخصوص برعده‌ای از نمایندگان محترم و رجال با سابقه‌ای که از پذیرفتن مصاحبه کننده و دادن اطلاعات مورد

---

آقای مهندس فضل‌الله جلالی نوری
» سیدابوالحسن حائری‌زاده
» حمیدی
» خان‌ملك ساسانی
» امیرحسین خزیمه‌علم
» درخشان
» دیوسالار
» ابوالفتح دولتشاهی
» حسام‌الدین دولت‌آبادی
» رجایی
» ابوالحسن رضوی شیرازی
» دکتررضا زاده‌شفق
» حسنعلی راشد
» حبیب‌رضازاده قشقایی
» دکترتقی رضوی
» اسماعیل رحیمی
» آقاسواك ساگینیان
» عبدالله سعیدی
» سلطانعلی سلطانی «شیخ الاسلام»
» دکترکریم سنجابی
» دکترعیسی سنگ
» ابراهیم شریفی
» باقر شاهرودی
» جواد شجیعی
» دکترمحمودضیایی
» مهدیقلی ضرغام
» حسین عاملی

آقای عباسقلی‌عرب شیبانی
» غفاری
» مهندس‌شمس‌الدین غروی
» احمد کدخدازاده
» محمدکشاورزیان
» محسن گنابادی
» جوادگنجه‌ای
» دکترهادی مرتضوی
» حسن‌مخبر فرهمند
» محسن مهدوی
» دکترعلی اصغرمهدوی
» دکترعبدالله معظمی
» اسدالله مامقانی
» حسین معنوی
» مهندس محلاتی
» دکترمحمدحسین میمندی نژاد
» آقای ممتاز
» میرممتاز
» معینی
» حسین‌محیط لاریجانی
» دکتر ناظرزاده کرمانی
» حسن نراقی
» نقشینه
» سیدمحمد هاشمی
» مهندس‌سعید هدایت
» پرویزیار افشار
» آقای دکترحسین‌نصر

احتیاج ما خود داری می کردند پوشیده نیست. و اکثر خوانندگان عزیز بخوبی واقفند که سوابق نمایندگان تاکنون جز در اعتبارنامه‌ها در جای دیگر منعکس نشده است. دسترسی بپرونده‌های انتخاباتی و همچنین اعتبارنامه‌ها نیز پس از پشت سرگذاشتن مشکلات بسیار امکان‌پذیر گردید.

طبیعی است که اطلاعات مندرج دراعتبارنامه‌ها «۲» نیز بسیار محدود بود واز نظر کلیهٔ ملاکهای مورد نظر این تحقیق کافی نبود و در مواردی بسیار نیز در پاره‌ای از اعتبارنامه‌ها بویژه اعتبارنامه های نمایندگان دوره‌های عصر اول مشروطیت کلیهٔ مشخصات لازم منعکس نبودنکتهٔ شایان‌ذکر آن‌که در مورد هر دورهٔ از مجلس باستثنای چند دورهٔ اخیر بطور متوسط حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد اعتبارنامه‌های نمایندگان در بایگانی راکد مجلس بدست نیامد

مجموعهٔ این مشکلات موجب شد که مدت بیش از دو سال صرفاً برای جمع آوری اطلاعات و مشخصات ۱۳۱۷ تن از بین مجموع حدود ۲۸۰۰ نمایندهٔ مجلس شورای ملی در بیست ویک دورهٔ قانونگذاری - تهیهٔ و تنظیم فیشهای متعدد برای هریک از آنها صرف وقت شود. مشخصات هریک از نمایندگان‌اغلب از سه یا چهار منبع مختلف جمع آوری و تهیه شده است و اطلاعات بدست آمده بدقت باهم مقایسه و با منابع مکتوب مطالقه شده است. مشخصات مزبور که اکثر بطور مشروح بدست آمده و پس از تلخیص در فیش مخصوص نمایندگان هردورهٔ قانونگذاری که از مجموعه‌های منتشر شدهٔ ادارهٔ قوانین مجلس شورای ملی و مذاکرات مشروح مجلس بدست آمده بود وارد گردید. روشن است که پس ازاین مقدمات، مرحلهٔ اساسی کارتحقیق که استخراج مشخصات نمایندگان در هر دوره و تهیهٔ آمار و تنظیم جداول مربوط بهریک از عوامل است آغازگردید. توضیحاً باید افزود تفسیر محدود ومختصر جداول‌آماری دراین مجموعه صرفاً در بیان گروه‌های ترکیبی مجلس شورای ملی است و عوامل روی کار آوردن این گروها و درجهٔ بستگی آنها با نیروهای متشکل جامعهٔ ایران و این‌که هرگروه در زمان تصدی قدرت منشأ چه اثرات اجتماعی بوده‌اند بااین‌که خارج از دایرهٔ این تحقیق علمی نبوده است ولی در حال حاضر مورد بحث تفصیلی دراین مجموعه قرار نخواهد گرفت.

دربخش سوم این کتاب، از آنجاکه منظور آن بود که نتایج بررسی‌ها در مورد فرد فرد

---

۲- بعنوان نمونه دو برگ اعتبارنامه‌از دورهٔ دوم و چهارم مجلس در صفحه‌مقابل‌چاپ‌شده‌است.

# اعتبارنامهٔ نمایندگی ملت در مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

امضاکنندگان ذیل اعضاء انجمن نظارت مرکزی انتخابات دارالخلافه که بر طبق مواد نهم و یازدهم قانون

انتخابات مورخه دوازدهم جمادی الاخره برحسب دعوت وزارت داخله در تاریخ چهارم شهر رجب ۱۳۲۷ تشکیل

یافت تصدیق مینمایند که جناب میرزا حسین خان مؤتمن الملک پسر مرحوم میرزا نصرالله خان مشیرالدوله

بنابر رأی سیصد و هفتاد و دو نفر رأی دهندگان دارالخلافه که مجموعاً هزار و هشتصد و بیست و پنج نفر

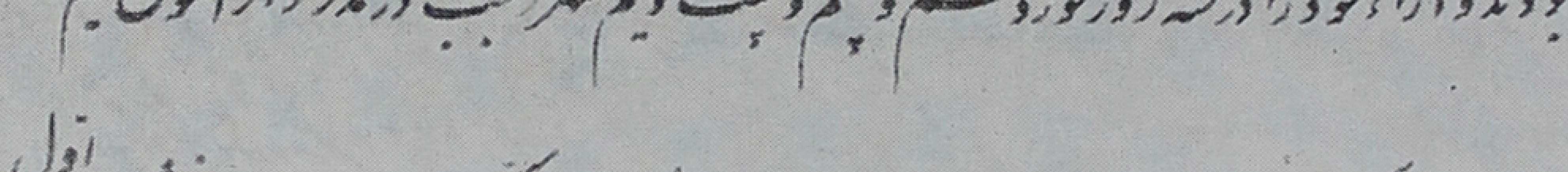
بودند و آراء خود را در سه روز نوزدهم و بیستم و بیست و یکم شهر رجب در مدرسه دارالفنون تسلیم نمودند

در درجه اول باکثریت نسبی منتخب و بر وفق مادهٔ هفدهم قانون سابق الذکر جزء چهل و پنج نفر منتخبین درجه اول

دارالخلافه محسوب شدند و در تاریخ پنجشنبه دوم شعبان بموجب اکثریت نسبی که سه نوبت متوالی بواسطه

آراء شانزده و چهارده و سیزده نفر از سی و شش نفر رأی دهندگان حاضر برای ایشان حاصل شد بر وفق

[illegible] دهم همان قانون بسمت نمایندگی ملت [illegible] از جانب اهالی دارالخلافه معین و منتخب گردیدند بتاریخ پنجشنبه نهم شعبان ۱۳۲۷



# اعتبار نامه

ما امضا کنندگان ذیل اعضاء انجمن نظارت حوزه [illegible]

تصدیق میکنیم که آقای [illegible] شغلش [illegible] سنش [illegible]

و ساکن طهران [illegible] است در انتخابات این حوزه انتخابیه که در تاریخ [illegible] ۱۳۲۵ واقع شده

باکثریت ۷۷۴۷ رأی از ۱۱۸۰۳ رأی دهندگان بنمایندگی برای مجلس شورای ملی

منتخب گردید و شهادت میدهیم که انتخاب معزی الیه موافق مواد قانون انتخابات

مورخ بتاریخ ۲۸ شوال سنه ۱۳۲۹ واقع شده و تفصیل این انتخاب در صورت

مجلس انتخابات این حوزه مندرج است

بتاریخ ۲۹ [illegible] ۱۳۲۸

مهر و امضای اعضای انجمن نظارت

این اعتبار نامه صحیح است

مهر و امضای حاکم و مهر حکومت

نمایندگان مجلس عرضه شود و احیاناً اگر عامهٔ مردم اطلاعات دقیقتری در بارهٔ افراد داشته باشند گزارش کنند، مشخصات اجمالی نمایندگان بیست و یک دورهٔ قانونگذاری درج شده است.

در تعیین مشاغل نمایندگان، از آنجا که در همهٔ موارد فعالیت عمده و شغل اساسی آنان برای ما روشن نبود بناچار کلیه مشاغلی که قبل از وکالت داشته‌اند ذکر شده است.

سن نمایندگان عموماً از روی اعتبارنامه‌ها نقل گردیده است، جز در مواردی که پاره‌ای از نمایندگان مشخصات خود را شخصاً گزارش داده‌اند در مورد سایر نمایندگان هنگامی که تنها سن نماینده معلوم بود سال تولد او محاسبه شده و با قید کلمه «حدود سال» در بخش سوم درج گردیده است.

در فهرست اسامی نمایندگان، نام کلیهٔ کسانی که انتخاب شده‌اند، خواه آنها که در مجلس حضور یافته و در جلسات شرکت کرده‌اند و خواه کسانی که وکالت را نپذیرفته و بمجلس حضور نیافته‌اند و یا اعتبارنامهٔ آنان رد شده و یا مسکوت مانده است و همچنین اشخاصی که در دوره‌های اول مجلس بعنوان نمایندهٔ طراز اول از طرف روحانیان (بموجب اصل ۲ متمم قانون اساسی) برای نظارت در قوانین بمجلس حضور می‌یافتند تحت عنوان نمایندهٔ مجلس آمده است.

با اینکه منبع اطلاعات در مورد هر نماینده فیشهای متعدد بوده است، معهذا نمیتوان با قاطعیت بصحت مشخصات آنان رأی داد و امید است پس از انتشار این کتاب مطالعه کنندگان محترم لطف فرمایند چنانچه اطلاعات دقیقتر و صحیحتری دارند برای نگارنده بفرستند تا در چاپهای بعدی از آنها استفاده شود.

کلمات و عبارات نمی‌توانند مبین سپاس و تشکری فراخور به پیشگاه استادان ارجمندی باشد که بمن دید بررسی و قدرت اجرای این تحقیق علمی را ارزانی داشته‌اند. توفیق در اجرای این امر را مدیون عنایت خاص استاد راهنمای خود جناب آقای دکتر شاپور راسخ میدانم. اختصاص وقت بسیار و بذل راهنمایی‌های سودمند ایشان در کلیهٔ مراحل پژوهش و نگارش این کتاب، دشواریها و مشکلات آن را برنگارنده سهل و هموار ساخت.

درخاتمه باید اذعان کنم که موفقیت خود را در امر دشوار بدست آوردن مشخصات مربوط به نمایندگان مدیون برزگواران دانش دوستی هستم که ساعتها وقت گرانبهای خود را صرف کار خسته کنندهٔ دادن اطلاعات باین جانب کرده‌اند. همچنین توجه خاص جناب آقای دکتر احسان نراقی مدیر مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی که دشواریهای موجود در این امر بهمت ایشان هموار گردیده است سپاس فراوان دارد. برخود فرض میدانم مراتب تشکرم را از مساعدت و همراهی اولیاء محترم مجلس شورای ملی، بخصوص کارمندان محترم ادارهٔ

قوانین که با دردسترس گذاشتن اطلاعات در مورد قوانین مصوب مجلس و واگذار کردن جزوه های منتشر شدهٔ آن اداره مربوط به اسامی نمایندگان هر دورهٔ قانونگذاری برنگارنده منت گذارده‌اند و همچنین کارمندان بایگانی مجلس تقدیم نمایم.

در اینجا بمورد است بعنوان تشکر از قبول زحمت تهیهٔ نمودارهای این مجموعه که توسط آقای بیژن افسر کشمیری صورت گرفته است یاد کنم و همچنین از آقای ولی الله اخوت دانشجوی رشتهٔ علوم اجتماعی که در تلخیص مشخصات پاره‌ای از نمایندگان برای درج در بخش سوم این کتاب مرا یاری کرده و از آقای عیسی هیبتی که در چاپ کتاب یاور این جانب بوده‌اند سپاسگزاری می کنم.

**زهرا شجیعی**

## مقدمه

انقلاب مشروطیت وبرچیده شدن بساط حکومت استبدادی در ایران معلول عوامل متعددی است که بحث کامل وجامع درآن ازحدود این تحقیق که بیشتر مبتنی بر منشأ اجتماعی وکلای مجلس دربیست دورهٔ قانونگزاری میباشد خارج است. دراینجاما بیاد کردن مختصری ازآن عوامل ازنظر جامعه شناس می‌پردازیم نه از لحاظ وقایع نگار.

انقلاب کبیر فرانسه درآخر قرن هجدهم میلادی (آغاز قرن سیزدهم ه.ق) و اشاعه نهضت فکری از آن کشور بدیگر کشورهای اروپایی از اوایل قرن نوزدهم میلادی موجبات برقراری حکومتهای دمکراسی و ملی را در آن ممالک فراهم ساخت. بدنبال آن اصول حکومت ملی وتساوی حقوق سیاسی و اقتصادی همراه با تمدن و ترقیات مادی بتدریج و اندك اندك ازمغرب - زمین به خاور دور (ژاپن) وکشورهای شرقی از جمله ، عثمانی و مصر و ایران نفوذ و اشاعه یافت.

نهضت فکری ایرانیان و بدنبال آن پیدایش انقلاب مشروطیت در ایران ، نتیجهٔ برقراری ارتباط اقتصادی و فکری و سیاسی بین ایران و دول اروپایی بود ، گرچه از آغاز تاریخ ، ایران همواره با مغرب زمین مربوط بوده ولی ارتباط وسیع این کشور با ممالك خارجی در واقع از اوایل قرن یازدهم ه. ق و در دوران پادشاهان صفوی ببعد اهمیت خاصی پیدا کرده و بخصوص از زمان فرمانروایی قاجاریان و بوجه اخص در دوران سلطنت ناصرالدینشاه حاصل گشته است. برای توضیح باید افزود که پدید آمدن ارتباط میان دولت ایران با مغرب زمین در دورهٔ صفویان ازراه ورود هیأت‌های سیاسی وتجارتی وهمچنین آمدن جهانگردان اروپایی رابطه‌ای مستمرو دائمی نبود و نتوانست تأثیر عمیق و قابل توجهی درافکار تودهٔ ملت داشته باشد.

پیشرفت تمدن وصنعت جدید و توسعهٔ سرمایه داری درکشورهای اروپایی و بدنبال آن رقابت بر سر بدست آوردن بازارهای جهان موضوع استعمار دول توسعه نیافته را مطرح کرد. نظربه موقع خاص جغرافیایی کشور ایران در آغاز قرن سیزدهم ه.ق ( قرن نوزدهم میلادی )

بطور مستقیم زیر تأثیر این سیاست جهانی قرار گرفت، و چنین سیاستی برای کشور ما به تجاوز دولت روسیه تزاری به نواحی شمالی ایران و شکستهای متوالی سپاهیان ایران از آن دولت و استیلای روسها در ایالات نزدیک بحر خزر و قفقاز و تنظیم عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای منجر گردید.

از سوی دیگر استیلای امپراتوری انگلستان بر هندوستان (در اواخر قرن دوازدهم ه‍ ق) وتمایل دولت فرانسه به استیلا یافتن برهند و بدست آوردن منابع حاصلخیز آن کشور و مخالفت انگلستان با فرانسه برای حفظ مستعمرات خود در آسیا، کشور ایران را معبر بین‌المللی و صحنهٔ کشمکشهای سیاسی دولتهای استعماری گردانید و زمینهٔ دخالت مستقیم آنها را در امور سیاسی و اقتصادی کشور ما آماده ساخت.

نتیجهٔ چنین ارتباط بویژه شکستهایی که بدولت ایران در جنگهای با روسیهٔ تزاری و پس از آن با انگلستان (در سالهای ۱۸۵۶-۱۸۵۷ میلادی) وارد آمد، مقدمات نخستین مرحلهٔ بیداری ملت ایران و توجه مردم این سرزمین را به لزوم کسب دانشها و صنایع جدید از اروپا فراهم کرد.

همزمان و همراه با بسط نفوذ سیاسی و اقتصادی غرب در ایران باجبار خصوصیتهای فکری و اجتماعی غرب نیز کمابیش به این کشور راه یافت و منشأ تغییرات و تحولات عمیق در نیمهٔ دوم قرن سیزدهم ه‍.ق و بخصوص در ربع اول قرن چهاردهم ه‍.ق گردید. علاوه بر تأثیرات روابط اقتصادی، سیاسی و فکری بین ایران و مغرب‌زمین، عوامل دیگر داخلی نیز در کار بوده است که باجمال اثر آنها را در انقلاب اجتماعی و سیاسی مشروطیت در طی فصلهای آینده بیان خواهیم کرد.

# فصل نخست

## تحولات اقتصادی ایران مقارن انقلاب مشروطیت

اقتصاد ایران در زمان صفویان بطور طبیعی و سریع راه تکامل خود را می‌پیمود، در این دوره صنایع دستی در ایران ترقی بسیار حاصل کرد و روابط تجارتی با کشورهای بیگانه برقرار شد. لیکن پس از صفویان این تکامل از لحاظ عوامل مختلفی همچون جنگها و کشمکشهای داخلی وخارجی و کسادی تجارت در نتیجهٔ هرج و مرج و نا امنی راه‌ها و نیز بعلت ظهور انقلاب صنعتی در اروپا در قرن نوزدهم میلادی متوقف ماند.

پدید آمدن انقلاب صنعتی به مبارزه‌ها و رقابتهایی میان کشورهای بزرگ صنعتی برای بدست آوردن منابع مواد خام و بازارهایی برای صدور کالاهای صنعتی منجر گردید و موجبات تحول اقتصادی ایران در زمینهٔ تجارت و بخصوص صنعت در قرن سیزدهم ه. ق فراهم شد. پیش از پیدایش صنعت جدید، توسعهٔ صنایع دستی در نتیجهٔ رونق تجارت ایران منبع درآمد سرشاری برای کشور بشمار میرفت و موجب ترقی اقتصادی مملکت بود، ولی دولت ایران بعلت قطع روابط خود با دولتهای غربی و اقتباس نکردن صنعت جدید رفته رفته موقع اقتصادی خود را از دست میداد. ولی خوشبختانه این انحطاط با اقدامات و کوششهای سودمندی که در دوران ناصرالدینشاه از نیم قرن پیش از مشروطیت بوسیله برخی از رجال روشنفکر و سرمایه داران داخلی بمنظور اقتباس تمدن جدید وصنعت ماشینی انجام گرفت، و همچنین بدنبال برقراری روابط تجارتی با دولتهای غربی و تأثیرات اقتصادی و سیاسی روسیه و انگلیس در ایران تا اندازه‌ای متوقف ماند و تا حدودی موجبات تجدید فعالیتهای اقتصادی فراهم گردید.

لیکن از ذکر این نکته نباید غفلت کرد که همهٔ اقدامات برخی از مقامات مخصوص در زمینهٔ صنعتی کردن ایران از نیم‌قرن پیش از مشروطیت بعللی همچون رقابت کشورهای صنعتی سرمایه دار بویژه روسیه تزاری و انگلیس و بکار بردن نفوذ سیاسی خود در راه بدست آوردن ـ امتیازات زیانبار و تسلط بر اقتصادیات ایران و از سوی دیگر توجه نکردن زمامداران آن دوران

کشور ما باتخاذ سیاست حفظ صنایع داخلی و حمایت از آنها ، نتایج نا مطلوب ببار آورد ، و در ربع اول قرن چهاردهم ه.ق وضع خاصی از لحاظ اقتصادی پدید آورد که منشأ جنبشهایی‌وسیع وسر انجام انقلاب ملت بر ضد استثمار و استعمار خارجیان گردید.

**تجارت و صنعت**

کشور ایران از نظر داشتن منابع ثروت طبیعی و موقع مهم جغرافیایی از دیر باز با بیشتر ملتهای اروپایی و آسیایی روابط تجارتی داشته است.

تجارت ایران بخصوص در زمان صفویان پس از برافتادن‌حکومت ملوك طوایفی و تمرکز یافتن قدرت در دست پادشاهان صفوی ترقی شایان توجهی حاصل کرد، عنایت خاصی که‌شاهان صفوی بامر راهسازی و توسعه و ترقی صنایع کشور مبذول میداشتند و بویژه تسهیلاتی که‌در پرتو تشکیلات منظم گمرك و تعرفه‌های مناسب آن فراهم کرده و همچنین امنیتی که در شهرها و راهها پدید آورده بودند موجبات جلب نظر تجار خارجی و تأسیس کمپانیهای آنها را فراهم ساخت و کشور ایران بار دیگر معبر تجارت هندوستان و کشورهای اروپایی‌قرار گرفت و قرارداد-هایی در زمینهٔ تجارت بین ایران و دولتهای خارجی تنظیم شد و بمرحله اجرا در آمد.

مهمترین اقلام صادراتی‌ایران در این‌دوران، ابریشم‌و منسوجات ابریشمی، قالی و تریاك بوده است و واردات ایران را منسوجات انگلیسی‌ومسکوکات‌طلا و نقره(در ازای صدور ابریشم) وکالاهای دیگری چون ابزارهای تجملی و ساخته‌های گوناگون‌بلور وجواهرات تشکیل میداده است.

در روزگار صفویان دولت تجارت ابریشم و صدور آن را بخارج ازکشور کنترل میکرد و تحت انحصار خود در آورد. تجارت داخلی ایران را تجار مسلمان و تجارت خارجی را بخصوص از زمان شاه عباس ارامنه در دست داشتند ، در اواخر عهد صفویان گروهی دیگر نیز بر طبقهٔ بازرگانان افزوده شد و آنها هندوهایی بودند که علاوه بر معاملات صرافی تجارت هم میکردند.

شهرهای شمالی و جنوبی ایران بخصوص تبریز و ایروان و بندرعباس در این دوران از مراکز مهم تجارتی بشمار میرفت و عایدات گمرکی مهمترین رقم درآمد دولت راتشکیل‌میداد. دراین عصر تنها از راه عایدات گمرك ایروان سالیانه معادل ۱۶۸ هزار تومان و از بندرعباس قریب ۲۱ تا ۲۲ هزار تومان عاید دولت میشد.[۱]

---

۱- تاریخ اقتصادی ایران تألیف رحیم زاده صفوی، جلد دوم، صفحه ۷۵.

بطور کلی باید قرن هفدهم میلادی و اوایل قرن هجدهم میلادی را عصر ترقی تجارت ایران دانست. چه ارتباط ایران با خارج افزایش یافته بود و همه ساله گروه کثیری از بازرگانان بخارج کشور مسافرت میکردند و بدین وسیله موجبات رواج مصنوعات داخلی را فراهم می‌ساختند، صنایع دستی ایران در این عصر در اغلب بازارهای جهانی با صنایع کشورهای دیگر رقابت می‌کرد، ولی پس از پدید آمدن انقلاب صنعتی اروپا و پیدایش تکنیک جدید، صنایع ایرانی که بر اساس تکنیک قدیم مبتنی بود نتوانست موقع خود را در بازارهای جهانی حفظ کند و رفته رفته پس از ورود کالاهای مشابه خارجی و رقابت آنها با کالاهای ایرانی حتی در بازارهای داخلی نیز اهمیت و موقع خود را از دست داد و بتدریج کارگاههایی که باشیوه‌های تولید قدیم اداره میشد و بر نیروی بازوی انسانی متکی بود تعطیل گردید.

در نتیجه پس از صفویان در خلال حملهٔ افغانها بایران و هنگام کشمکشها و جنگهای داخلی و خارجی نادرشاه تجارت ایران نیز از یک سوی بسبب هرج و مرج و نا امنی راهها و از سوی دیگر بعلت تعدیات حکام و مأموران گمرکی موقع مهم و رونق خود را از دست داد و تجارتخانه هایی که دولتهای خارجی از زمان صفویان در ایران دایر کرده بودند بسبب خسارت‌های عمده‌ای که متوجه آنها شد بر چیده گشت و داد و ستد ایران با دولتهای خارجی دچار وقفه و سکون گردید.

تا اینکه در عصر قاجاریان بموجب معاهده‌هایی که میان ایران و دولتهای خارجی بار دیگر منعقد گشت تجارت ایران توسعه یافت و بخصوص از ربع آخر قرن سیزدهم ه.ق ببعد تجارت خارجی ایران بر اثر ساخته شدن راههای شوسه و برقراری خطوط تلگرافی و همچنین تأسیس شعبه های بانکی توسط دولتهای خارجی که برای حفظ نفوذ سیاسی و اقتصادی خود برقابت بایکدیگر پرداخته بودند رشد و اهمیت یافت و ایران با اغلب دولتهای غربی قراردادهای تجارتی منعقد کرد و در بیشتر شهرهای مهم ایران بخصوص در نواحی شمالی و جنوبی شرکتها و سازمانهای تجارتی بوسیله اتباع بیگانه و ایرانیان گشوده شد همچون:

تجارتخانه تومانیانس که از مهمترین بنگاههای اقتصادی ایران بود و در رشته های مختلف صادرات، واردات، ملکداری و بانکداری کشور تأثیر بسزایی داشت.

تجارتخانه جهانیان: که در سال ۱۲۷٤ ه.ش (مطابق ۱۸۹٥ م) تأسیس شد و در

شهرهای یزد ،تهران ،اصفهان ، شیراز، کرمان ،بندرعباس، رفسنجان دارای شعبه‌هایی بود ودر شهر بمبئی و لندن نیز نمایندگی داشت.

تجارتخانهٔ جمشیدیان: که در سال ۱۲۶۵ هـ. ش تأسیس شد و شعبه‌های آن در شهرهای یزد، کرمان و شیراز تأسیس گشت و نمایندگیهایی نیز در بغداد ، بمبئی و کلکته و پاریس داشت.

کمپانی فارس : که در حدود سال ۱۲۷۵ هـ. ش (۱۸۹۶ م ) تأسیس یافت.

شرکت اتحادیه که در سال ۱۲۷۶ هـ. ش (۱۸۹۷ م) در تبریز و تهران دایرشد. علاوه بر تأسیسات تجارتی و بانکی فوق میتوان از چند شرکت تجارتی دیگرنیز در ایران نام برد. ازقبیل:

۱- شرکت (کمپانی) امنیه در حدود سال ۱۳۰۰ هـ.ق که بدستیاری مشهدی کاظم امنیه تشکیل شد.

شرکت منصوریه: که در حدود سال ۱۳۱۰ هـ. ق در یزد تأسیس شد.

شرکت عمومی ایران: که درسال ۱۲۷۸ هـ. ش (۱۸۹۹ م) بدستیاری و شرکت ۱۷ تن از بازرگانان معتبر با سرمایه یک میلیون تومان تأسیس گشت.

شرکت اسلامیه: که در حدود سال ۱۳۱۶ هـ. ق تأسیس گشت.

شرکت کشتیرانی ناصری: که در دورهٔ ناصرالدینشاه از طرف چند تن از بازرگانان معتبر فارس دایر گردید.

در زمینهٔ ترویج صنایع جدیدنیز در زمان قاجاریان بامر عباس میرزا نایب السلطنه و بدنبال آن بدستور امیر کبیر در دوران سلطنت ناصرالدینشاه اقداماتی سودمند ولی غیر کافی انجام گرفت همچون: تأسیس چند کارخانه بسبک جدید. و نیز برای تربیت متخصص عده‌ای هنر آموز و صنعتگر بکشورهای اروپایی گسیل شدند و بدین وسیله زمینهٔ قبول و رسوخ صنعت جدید در ایران فراهم شد وهمچنین بمنظور تشویق و بهره برداری از منابع زیر زمینی باتباع ایرانی آزادی استخراج معادن و معاف بودن از پرداخت مالیات بمدت محدود داده شد. نتیجهٔ چنین اقداماتی آن شد که در اوایل قرن چهاردهم هـ.ق شماره کارخانه‌های ایرانی در تبریز[1] و اصفهان و رشت و دیگر شهرهای مهم ایران فزونی یافت:

---

۱- پاولویچ تعداد کارگاههای بزرگ و کوچک را که در اوایل قرن بیستم در شهرستان تبریز دایر بود در حدود ۱۰۰ تخمین زده است وعده کارگران شاغل در کارگاههای مزبور را بالغ بر ده هزار تن نوشته است.

گنج شایگان از انواع کارخانه‌هایی که از ربع آخرقرن سیزدهم هـ. ق در ایران ایجاد گردیده است. بدین شرح یاد می‌کنند:

۱- کارخانهٔ ریسمان ریسی (۱۲۷۵ هـ. ق).

۲- کارخانهٔ تفنگسازی در تهران(۱۲۷۶ هـ. ق).

۳- کارخانهٔ کاغذسازی در تهران.

٤- کارخانهٔ شکرریزی در مازندران.

۵- کارخانهٔ چلوار بافی در نزدیکی تهران.

۶- کارخانهٔ بلورسازی (۱۲۸۵ هـ. ق) در تهران، در سال ۱۳۰۵ هـ. ق حاج محمدحسن امین دارالضرب کارخانهٔ بلورسازی دیگری احداث کرد و در سال ۱۳۰۹ هـ. ق کمپانی بلژیکی کارخانهٔ بلورسازی دیگری بنیان نهاد ولی تعطیل شد.

۷- کارخانهٔ چینی سازی حاج محمد حسن امین دارالضرب در تهران.

۸- کارخانهٔ شمع ریزی در تهران.

۹- کاغذگری در اصفهان و تهران.

۱۰- کارخانهٔ جبه‌خانه در تهران و اصفهان.

۱۱- کارخانهٔ نساجی اقمشه کتانی در اصفهان.

۱۲- کارخانهٔ ابریشم تابی درگیلان بدست حاج محمد حسن امین دارالضرب.

۱۳- کارخانهٔ ابریشم تابی در نزدیکی رشت با سرمایه روسی، بدستیاری محمد حسن - رشتی ساخته شد.

۱٤- کارخانهٔ باروت کوبی.

۱۵- کارخانهٔ چاشنی‌سازی (۱۲۷۸ هـ. ق).

۱۶- کارخانهٔ گاز در سال ۱۲۹۷ با ۳۰ هزار لیره مخارج در تهران تأسیس شد.

۱۷- کمپانی بلژیکی موسوم به کمپانی قند سازی در ایران که درسال ۱۳۱۳ بوجودآمد.

۱۸- کارخانهٔ کبریت سازی در نزدیکی تهران سال ۱۳۰۸ هـ ق.

۱۹- کارخانهٔ ریسمان ریسی که درسال ۱۳۱۲ توسط مرتضی قلیخان صنیع الدوله ایجادشد.

۲۰- کارخانهٔ ریسمان‌ریسی در تبریز.

۲۱- دو کارخانهٔ پنبه کاری در نیشابور.

۲۲- کارخانهٔ چراغ برق در تهران متعلق بحاج حسین آقا امین الضرب ۱۳۲۳ ه. ق؛

۲۳- کارخانهٔ برق کوچک دیگر در تهران.

۲۴- کارخانهٔ چراغ برق در مشهد ، در سال ۱۳۲۰ ه.ق از روسیه بقیمت ۸ هزار تومان برای حرم حضرت رضا خریداری شد.

۲۵- کارخانهٔ چراغ برق در رشت و تبریز.

۲۶- کارخانهٔ آجر پزی در نزدیکی تهران متعلق بحاج حسین آقا امین‌الضرب .

۲۷- کارخانهٔ چلوار بافی در نزدیکی تهران.

۲۸- کارخانهٔ آجر پزی در اروسیه.

۲۹- کارخانهٔ صابونپزی نظافت در تهران[1].

واما عقد قرار دادهای تجارتی ایران با ممالک خارجی در زمان قاجاریان بدنبال جنگهای ایران و روسیه ( جنگ اول از ۱۲۱۸ تا ۱۲۲۸ ه.ق (۱۸۰٤-۱۸۱۳ م) و جنگ دوم از سال ۱۲٤۱ تا ۱۲٤۳ ه.ق که به‌شکست ایران از دولت مزبور و تنظیم عهدنامهٔ گلستان[2] وترکمانچای منجر گردید ) صورت گرفت بموجب فصل پنجم و هفتم و هشتم و نهم و دهم عهدنامه گلستان وفصل اول و سوم عهدنامهٔ ترکمانچای[3] درزمینهٔ تجارت: آزادی تجارت در خاك دو طرف «ایران وروسیه» وبرقراری سفرا و نمایندگان تجارتی، تساوی حقوق گمرکی برمبنای صدی پنج مقرر گردید.

---

۱- نقل از کتاب گنج شایگان صفحه ۹۳ و ۹٤ و۹۵.

۲- عهد نامهٔ گلستان در ۲۹ شوال ۱۲۲۸ مطابق با ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ درگلستان از محال قره باغ بین دولت ایران و روسیه بسته شد و بموجب این عهدنامه کشتی‌های تجارتی روس اجازه یافتند بآزادی در تمام سواحل و بنادر ایران آمد ورفت داشته باشند و دریای خزر تنها وبانحصار، بروی ناوهای جنگی دولت روس باز باشد و بموجب این عهدنامه مقرر شد هرگاه هریک از شاهزادگان ایران که بولیعهدی انتخاب میشود اگرمحتاج به کمک شد از طرف امپراتور روس بوی کمک شود بدون داشتن حق مداخله در موقع بروز اختلاف بین شاه - زادگان «نقل از تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا ج ۱ صفحه ۳٤٤».

۳- عهد نامه ترکمانچای در پنجشنبه ۵ شعبان ۱۲٤۳ ه.ق(مطابق با ۱۰ فوریه ۱۸۲۸ م ) در قریهٔ ترکمانچای بامضای نمایندگان دولت روسیه و ایران رسید، بموجب این عهدنامه مساعدت باتجار جزو شرایط صلح قرار داشت و یک قرار داد تجارتی نیز که شامل کاپیتولاسیون بود درهمان موقع بامضاء رسید و پیوست بعهد نامه گردید. «نقل از تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا صفحه ۳۵۰»

بدنبال عقد پیمان ترکمانچای دیگر کشورهای اروپایی و آمریکایی در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم روابط سیاسی و تجارتی خود را با کشور ایران بموجب اصل دول کاملة الوداد تنظیم کردند.[1] و همان امتیازات و حقوقی را که دولت روسیه بدست آورده بود از دولت ایران تحصیل کردند ولی باید دانست با اینکه دولت ایران با دولتهای متعدد مناسبات تجارتی داشته است با اینهمه میتوان گفت که در واقع تجارت ایران مورد استثمار دو دولت روسیه و انگلیس قرار گرفته بود، و این امر بخصوص در ضمن موافقتنامه‌ها و امتیازنامه‌هایی که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی دو دولت مزبور برقابت یکدیگر در ایران بدست آوردند بیشتر تحقق یافت.

دولت روسیه تزاری بموجب امتیازنامهٔ شرکت حمل و نقل در نواحی شمالی ایران به یک رشته کارهای ساختمانی در زمینهٔ راههای شوسه و راه آهن دست زد و از این راه بمبادلهٔ مصنوعات کشور خود و فروش کالاهای زاید خود در ایران کمک مؤثری کرد و دامنه تجارت خود را در ایران روز بروز توسعه داد چنانکه از یک میلیارد ریال ارزش حمل و نقل ایران ۶۲٪ درصد آن در دست روسها بوده است[2]. از سوی دیگر راههای شوسه‌ای که توسط دولت مزبور

---

۱ - از جمله قراردادهای تجارتی ایران با ممالک دیگر اینها است: قرارداد تجارتی با اسپانیا در سال ۱۲۶۴ ه.ق، قرارداد تجارتی بین ایران و فرانسه ۱۲۷۱ ه.ق مطابق ۱۸۵۵ میلادی، ایران وآمریکا ۱۸۵۶ میلادی، قرارداد تجارتی ایران و سوئد و نروژ ۱۲۷۴ ه.ق مطابق ۱۸۵۷ میلادی، قرارداد تجارتی ایران و اتریش ۱۲۷۳ هجری قمری مطابق ۱۸۵۷ میلادی، قرارداد تجارتی ایران و دانمارک ۱۲۷۳ ه.ق مطابق ۱۸۵۷ میلادی، قرارداد تجارتی ایران و هلند ۱۲۷۳ ه.ق مطابق ۱۸۵۷ میلادی، ایران و بلژیک ۱۲۷۳ ه.ق مطابق ۱۸۵۷ میلادی، قرارداد تجارتی بین ایران و انگلیس ۱۲۷۳ ه.ق مطابق ۱۸۵۷ میلادی، قرارداد تجارتی بین ایران و ایتالیا ۱۸۶۲ میلادی، قرارداد تجارتی بین ایران و سویس ۱۲۹۰ ه.ق مطابق ۱۸۷۳ میلادی، قرارداد تجارتی ایران و آلمان ۱۸۷۳ میلادی، بین دولت ایران و عثمانی بموجب عهدنامه ارزروم مورخ ۱۲۳۹ قرارداد تجارتی تنظیم و برقرار شد و بموجب آن مقرر گشت که دولت عثمانی از مال التجاره ایران فقط یکبار حقوق گمرکی بر ماخذ صدی چهار دریافت کند و ضمناً این مال‌التجاره از پرداخت هرگونه عوارض و تحمیلات دیگر معاف باشد. قرارداد تجارتی دیگری باردیگر بین ایران و عثمانی درسال ۱۲۶۳ ه.ق بر اساس عهدنامه فوق (ارزرم) تنظیم گردید.
«نقل از کتاب تاریخ اقتصادی ج ۲ فصل دوم از صفحه ۱۱۳ تا ۱۳۱.»

۲ - تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا صفحه ۳۸۲.

در ایران ساخته شده بود برای مبادلات داخلی ایران نیز بهترین وسیله بشمار میرفت و شهرهای شمالی ایران و همچنین تهران و اصفهان را بمراکز مهم تجارتی تبدیل کرده بود و همه ساله مقادیر زیادی منسوجات نخی و قند و چای و نفت از این راه‌ها ببازارهای ایران عرضه میشد. گذشته ازاین موادفلاحتی از قبیل برنج و خشکبار و پنبه اقلام مهمی از صادرات ایران‌را بروسیه تشکیل میداد.

ترقی تجارت ایران و روسیه را از ارزش مبادله کالاهای بازرگانی که در سال ۱۸۸۶ بین ایران و روسیه از طریق خراسان صورت گرفته و مقایسه آن با ارزش مبادلهٔ سال ۱۸۸۹ بخوبی میتوان دریافت. میزان کالاهای بازرگانی که از ماه ژانویه تا اکتبر سال ۱۸۸۶ میلادی (پس از برقراری راه آهن ماوراء بحر خزر که در ماه دسامبر ۱۸۸۵ بعشق آباد رسیده است) از ایران بروسیه صادر شده معادل ۶۱،۰۰۰ لیره و آنچه از روسیه بایران وارد گردیده است معادل ۳۷،۰۰۰ لیره بوده است. در مقابل ارزش کالاهای بازرگانی صادر شده از ایران در سال ۱۸۸۹ در حدود ۱۱۱،۵۰۰ لیره و واردات روسیه معادل ۱۱۰،۴۰۰ لیره بوده است. با سنجش ارقام فوق میتوان دریافت که در طی چهار سال، میزان کالاهای بازرگانی ایران بروسیه دو برابر، و واردات ازروسیه بایران سه برابر شده است.[۱]

دولت انگلستان نیز با دست داشتن بر خطوط تلگرافی ایران و تأسیس بانک شاهنشاهی، نفوذ بازرگانی و سیاسی خودرا دراین کشور استوار کرده وشعبه های مختلف بانک شاهنشاهی فعالیت خود را بیشتر به تجارت معطوف ساخته و قسمت عمده‌ای از اعتبارات خود را باین امر اختصاص داده بود. در نتیجه بانک مزبور که مرکز معاملات پولی و بازار سرمایه ایران شده بود قدرت وتسلط کاملی بر عملیات بازار پیدا کرد و قسمت عمدهٔ تجارت خارجی ایران، بوسیلهٔ این مؤسسه صورت گرفت.

بدین کیفیت دو دولت روسیه و انگلستان بازار تجارت ایران را در نواحی شمال و جنوب ایران در دست گرفتند، چنانکه هفت هشتم تجارت خارجی ایران با دو دولت مزبور و فقط یک هشتم آن با دیگر دولتها صورت میگرفته است[۲]. دولت روسیه تزاری نفوذ اقتصادی خودرا با قبضه کردن بازارهای ایران در مقابل انگلستان افزونتر ساخت، چنانکه بیش از نصف تجارت

---

۱ - کتاب تاریخ ایران جلد اول. تألیف لرد کرزن

۲ - گنج شایگان صفحه ۹.

خارجی ایران با روسیه بود و تنها ربع آن با انگلستان صورت میگرفت.

بموجب آمار گمرکی ایران در سال ۱۲۷۴ ه.ش (مطابق ۱۸۹۵ م) از میان تمام کالاهایی که با ایران می‌آمده ۱۰ درصد از روسیه وارد میشده و ۷۰ درصد متعلق بانگلستان بوده است. ولی پس از تنظیم عهدنامه‌های تجارتی که در خلال سالهای ۱۹۰۲-۱۹۰۵ میلادی بنفع دولت روسیه تزاری و به زیان ایران بین دو دولت منعقد گشت نفوذ اقتصادی دولت روسیه در ایران افزایش بیشتری یافت چنانکه تجارت روسیه در ایران در ظرف ده سال از سال ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۰ میلادی دو برابر شده بود، پس از برقراری تعرفه جدید در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۰۲ (ازسال ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۰ میلادی به سه برابر رسید)[1] ونیز بموجب آمار گمرکی ایران در سال ۱۹۰۵-۱۹۰۶ میلادی میزان تجارت ایران وروسیه به ۱۷۰ میلیون فرانک وتجارت ایران وانگلیس تنها بحدود ۷۰ میلیون فرانک بالغ شده است، در آن زمان تجارت ایران با فرانسه برابر با ۱۶ میلیون فرانک وبا دولت اتریش به ۶/۵ میلیون فرانک رسیده است.

بررسی آمار فوق تسلط اقتصادی دولت روسیهٔ تزاری را مقارن انقلاب مشروطیت و کاهش تجارت انگلیس را نسبت به‌آن دولت درایران نشان میدهد، چه نسبت صادرات انگلیس بایران در سال ۱۹۰۵ به ۲۷/۵ درصد تقلیل یافته و حال آنکه نسبت صادرات روسیه بایران ۳۹/۵ درصد افزوده گردیده بود.

علت ترقی و نفوذ اقتصادی دولت روسیه را در ایران همچنانکه بیان داشتیم باید دراخذ امتیازات جدید از دولت ایران و تغییر تعرفه گمرکی متحد الشکل معاهدهٔ ترکمانچای بدست مسیونوز بلژیکی و عوامل دیگری دانست که از آن جمله اینهاست:

۱- هر جنسی که ایران عرضه میداشت روسها بصورت متقابل خریدار آن بودند.

۲- دولت روسیه تخفیف کلی برای حمل صادرات ایران منظور کرده بود.

۳- بانک استقراضی اعتبارات سرشاری برای بازرگانان وارد کننده تأمین کرده بود.

۴- اختصاص راههای تجارتی اروپا بدولت روسیه و منع ترانزیت کالا ازخاک روسیه بی تأثیر در ترقی تجارت دولت مزبور نبوده است.[2]

نفوذ سرمایه های خارجی در ایران و امتیازات و تسهیلاتی که بموجب قرار دادهای تجارتی

---

۱ - تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا صفحه ۳۸۲.

۲ - تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا ج اول صفحه ۳۸۲.

به دولتهای خارجی بخصوص دو دولت روسیهٔ تزاری و انگلستان اعطا شد، بازار تجارت ایران را از دست تجار ایرانی که در مقابل بازرگانان خارجی در شرایط نامساعدی قرار داشتند خارج ساخت و موجبات انقلاب بورژوازی تاجر ایران را بر ضد سرمایه‌های خارجی ومبارزهٔ مشروطیت فراهم ساخت.

توضیح آنکه پس از تنظیم عهدنامهٔ ترکمانچای با اینکه مقررات تجارتی آن شامل حال تجار ایران و خارجی بود با اینهمه بازرگانان خارجی این امتیاز را دارا بودند که بموجب نظامنامهٔ گمرکی بمیزان نصف گمرك مأخوذ از اتباع ایرانی حقوق گمرکی میپرداختند.

از سوی دیگر در اواخر سلطنت ناصرالدینشاه حقوق و عوارض جدید از آن جمله حقوق کود-داری، دروازه داری و همچنین عوارض دیگری بنام قپانداری و میدانداری و خانات و جز اینها وضع گردید و از کالاهای بازرگانی گرفته میشد که بار سنگین آن تنها بردوش اتباع ایرانی بود، چه اتباع خارجی بحمایت دولت متبوع خود از پرداخت حقوق گمرکی داخلی و عوارض شهری معاف بودند.

درچنین شرایطی طبیعی است که تجار خارجی کالاهای صادراتی و وارداتی را در بازارهای دنیا و ایران بمیزان بسیار نازلتری از اتباع داخلی میفروختند و چون شرایط رقابت در بازار برای بازرگانان ایرانی و خارجی چه در داخله و چه در خارجه مساوی نبوده است ناگزیر امر تجارت برای ایرانیان دشوار شد و در نتیجه ایشان بتدریج بازار تجارت را از دست دادند و از سوی دیگر در برابر سیل واردات کالاهای خارجی خود بخود صنایع دستی ایران و مؤسسات صنعتی معدودی که در ایران بتازگی تأسیس شده و هنوز نضجی نگرفته بود نمیتوانست رقابت کند. چون دولت تحت تأثیر عقاید آزادی تجارت، حمایت از صنایع داخلی را ضروری نمیدانست بازار صنایع ایران لطمهٔ فاحشی دید و در نتیجه چندین کارخانهٔ ریسندگی و بافندگی و کبریت سازی و قند سازی و جز اینها که با سرمایه‌های خصوصی افراد تأسیس شده بود تعطیل گردید.

**کشاورزی**

بررسی تاریخ مالکیت اراضی مزروعی نشان میدهد که با وجود تحولات دامنه داری که در طول تاریخ در زمینهٔ ملکداری و ورود طبقات جدید در سلك مالکان صورت گرفته است با اینهمه از نظر اصولی همان سیستم فئودالی وتمرکز املاك دردست اقلیتی محدود برقرار مانده است. بطورکلی ارتباط ایران باکشورهای بیگانه و آشناشدن

با تکنیک جدید نتوانسته است تحولی عمیق در سیستم مالکیت و همچنین ماهیت روابط مالک وزارع و روش بهره برداری و مکانیزه شدن کشاورزی بوجود آورد.

اراضی زراعتی در ایران را در عمل بسه دسته میتوان تقسیم کرد:

۱- خالصه ها: خالصه ها املاك دیوانی است که اراضی وسیعی را در مملکت تشکیل میداده، این زمینها از طریق ضبط املاك عناصر متنفذ وگاهی هم مجرمان از طرف پادشاه در اختیار و تملک دولت در می آمده است.

۲- املاك موقوفه: املاکی که مؤسسه های مذهبی آنها را در تصرف داشتند و عواید آنها اختصاص به مساجد ومدارس ودیگرامورخیریه بود واز پرداخت هرگونه عوارض مالیاتی معاف بودند.

۳- اراضی اربابی: املاکی که در مالکیت خصوصی افراد از قبیل حکام و خانها بود. ظهور سلسله های جدید و اختیاراتی که شاهان مستبد بر قسمت عظیمی از اراضی زراعتی و نسبت به تعیین بهرهٔ مالکانه داشتند و میتوانستند اراضی را باشخاص مختلف برای اداره کردن و استفاده ازبهرهٔ مالکانه واگذار کنند، و نیز عوامل مختلف دیگر از آن جمله پیشرفت ترقی تجارت درنیمهٔ دوم قرن سیزدهم (نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی) و سوق سرمایه ها بسوی زمین داری سبب شد که تحولی در بین طبقه مالکان بوجود آید و بمقتضای وضع اجتماعی گروههای تازه‌ای در میان این طبقه وارد شوند. ناگفته نماند که این تغییر و ناپایداری در میان طبقه مالکان تغییری اساسی درماهیت طبقه زمین دار نبوده است و همچنانکه میس لمتن گفته است:[1]

پس از ظهور اسلام و از بین رفتن اشراف فئودال و طبقه دهقان (مالکان و اشراف درجه دوم) که مسئول اداره امور محلی و جمع مالیاتها بودند موقع خود را در مالکیت حفظ کردند، علاوه بر این طبقه، مالکان جدیدی روی کار آمدند که املاك خود را بصورتهای مختلف از طریق عطیهٔ امام یا از راه فتح و غلبه در جنگها و یا بر اثر خرید و فروش بدست آورده بودند، این طبقه بعدها نمایندگی دولت را در نواحی سکونت خود بر عهده گرفتند، در زمان حکومت ترکها، طبقه جدید دیگری بنام مقطع «تیولدار» روی کار آمدند، این طبقه ابتدا رابط بین دولت و رعیت و مأمور جمع آوری مالیات اراضی بودند و بعدها حق استفاده از املاك نیز بخود آنها واگذار شد و در مقابل متعهد بودند که در مواقع ضروری بتهیه سپاه ولشکر بپردازند و مستمری سپاهیان و همچنین اشخاص دیگری را که از محل عواید مالیات دولتی حقوق دریافت میکردند

---

۱- مالك و زارع از فصل پنجم صفحه ۲۱۲ تافصل هشتم صفحه ۳۲۸.

پرداخت کنند. این املاك که بنام اقطاع «تیول» نامیده میشد کم کم بصورت ملک شخصی و موروثی درآمد. در نواحی غیر ایلی مالکان قدیم بتدریج با قبول مأموریت دولت در محل، در طبقه مقطع «تیولدار» مستحیل شدند، ولی در نواحی ایلی بعضی از نقاط دور دست ایران، بخصوص در نواحی بحر خزر، حکام محلی هم توانستند نفوذ و قدرت محلی خود را حفظ کنند وهم تسلط کامل بر املاکشان را از دست ندهند. در عصر قاجاریان طبقه مالک که شامل خان- های ایلات نیز میگردید، متنفذترین و مقتدرترین طبقات کشور را تشکیل میدادند، زمینداری برای مالک زمینهٔ مناسبی جهت حیثیت اجتماعی و سرمایه گذاری بشمار میرفت. این امر سبب شد که اکثر طبقات سرمایهٔ خود را برای خرید اراضی مزروعی بکار بیندازند و بر عدهٔ زمینداران افزوده شود. علاوه بر خانها و حکام محلی که مایل بودند بر قلمرو مالکیت و نفوذ خود بیفزایند، مأموران دولت و همچنین تجار و صاحبان سرمایه‌های آزاد که نمیتوانستند منافع بدست آمده از تجارت را بسبب سرمایه گذاری‌های خارجی در ایران صرف کارهای تولیدی و مؤسسه‌های صنعتی کنند، اقدام بخرید زمینهای مزروعی از دربار کردند. بدین کیفیت طبقه جدیدی از ملاکان که در رأس آنها بورژوازی تجارتی و مستخدمان دولتی قرار داشتند جانشین اشراف فئودال گشتند ودر تصاحب و تمرکز املاك مزروعی با خانها همگام شدند. با پیدایش مالکان جدید که بیشتر با بازارهای خارجی ارتباط داشتند و صاحب سرمایه‌های کلان بودند بتدریج املاك از دست خرده- مالکان و کشاورزان خارج شد و بی ترتیب بودن اصول مالیاتی نیز کمک کرد تا مالکیت زمین- های مزروعی در دست طبقات خاصی تمرکز یابد و بر تعداد عمده مالکان یا مالکان بزرگ افزوده گردد.

در سیستم بهره برداری مالکان جدید، همان شیوه فئودالیته را تعقیب می کردند بدین معنی که با تحمیل مالیاتهای جدید جنسی و نقدی بر دهقانان و افزودن مقدار آن موجبات استثمار بیشتر روستاییها را فراهم ساختند.

* * *

با روی کار آمدن سلسله صفویان و پیدایش قدرت مذهبی شیعه (قرن دهم ه ق مطابق قرن شانزدهم م) که منشأ تحولاتی عمیق در شئون اجتماعی و اقتصادی مملکت گردید مسأله زمین داری نیز تا حدی صورت جدیدی بخود گرفت. مالکیت مطلق شاه بر اراضی اگرچه

جنبهٔ عملی آن بمقتضای اوضاع و احوال تعدیل یافت با اینهمه تا اندازه‌ای برای شاهان صفوی بقوت خود باقی بود. پادشاهان این‌سلسله به منظور ایجاد قدرت نظامی و گرد آوری سپاه کافی احتیاج مبرمی بدر آمد نقدی برای پرداخت مزد لشکریان داشتند، برای این کار هیچ منبعی‌جز عواید خالصه وجود نداشت. از اینرو مقدار وسیعی‌از زمینها که‌در اختیار حکومت بود‌به این کار اختصاص داده شد. نخست برای سرکردگان سپاه برات نوشتند و بموجب آن مواجب سپاهیان را از محل عواید مالیاتی یعنی مالیات اراضی پرداختند. بعدها زمینهای املاک خالصه را که براتها بر عهدهٔ آنها بود به تیول دادند و مقرر شد که در مورد این تیولها مانند «اقطاعات» پیشین لشکری اصل وراثت برسمیت شناخته شود و تیول بفرزندان‌ذکور در صورت ادامه بخدمت لشکری بارث منتقل شود. شاهان صفوی علاوه بر این تیولهای لشکری، بعضی‌از املاک‌خالصه را نیز بطور موقت و در مواردی بطور دائم بمأموران حکومت و دیگران به تیول میدادند، فرمانروایان صفویان پیش‌ازرسیدن بسلطنت‌ازروحانیان‌بزرگ ومتنفذبشمارمی‌آمدند و املاک متعددی را بعنوان متولی در اختیار داشتند، چون بسلطنت رسیدند بسیاری از املاک را بر اماکن مقدس از جمله آستانه حضرت رضا (ع) در مشهد و خواهرش حضرت معصومه (ع) درقم وقف کردند.

علاوه بر خاندان سلطنتی عده‌ای از مالکان بزرگ نیز املاک خودشان را با حفظ‌حق‌تولیت برای خود و خانواده‌شان وقف میکردند، تعداد بسیاری از املاک موقوفه در دورهٔ صفویان‌بعنوان پاداش بخانواده‌های سرشناس مذهبی بصورت تیولهای موروثی واگذار شد، تیولها در پاره‌ای‌از مواردداین عصرازپرداخت‌مالیات بدولت‌معاف بودند ومالیاتهای گرفته شده متعلق‌بتیولدار بودو در مقابل بدولت اجاره بها میپرداخت، در پاره‌ای از موارد نیز تیولدار مالیات اراضی را بدولت میپرداخت. پس از صفویان بدنبال تصمیمی که نادرشاه افشار مبنی بر تضعیف روحانیان گرفت و برای کوتاه کردن دست‌آنهااز اموال‌موقوفه اقدام کردبسیاری از املاک موقوفه از دست متولیان خارج شد و نام آنها در زمرهٔ املاک خالصه در رقبات نادری ثبت گردید.

درمقابل تصمیم فوق، پاره‌ای از متولیان از تسلیم املاک وقفی سر پیچیدند، عده‌ای از وقف‌کنندگان هم از تنظیم وقفنامه خود داری و در صورت تنظیم‌از ارائهٔ آن امتناع می‌کردند.

این امر سبب شد که‌عده‌ای‌از وضع موجود استفاده‌برندو باکمک‌مأموران‌دولتی‌برای‌بسیاری از این‌نوع‌موقوفات بنام خود قباله درست‌کنند و در نتیجه‌مقدار بسیاری‌از املاک موقوفه‌در زمان جانشینان نادرشاه باملاک شخصی‌و گاهی به‌املاک خالصه تبدیل شد.

سلسله قاجاریان که وارث دوران هرج و مرج ناشی از جنگهای متوالی زمان افشاریان و جانشینان آنان بود پس از روی کار آمدن ، بخلاف شیوهٔ پادشاهان صفوی موجبات تمرکز نیافتن قدرت حکومت را فراهم کرد و با سپردن حکومت ولایات بافراد خانواده سلطنتی رسم حکومت سلجوقیان را دوباره برقرار ساخت . همچنین با تفویض حق رسیدگی بدعاوی بملاکان وتیولداران، موجبات قدرت حکام ایالات و تسلط بیش از حد مالکان را نسبت به کشاورزان فراهم کرد . در مورد زمینداری بیشتر پادشاهان قاجار پس ازآغامحمدخان سعی خودرا بر این مصروف میداشتند که قسمتهای وسیعی از املاك کشور را جزو تیولها قلمداد کنندو از نظارت مستقیم خود برخالصه ها بکاهند، بدنبال این سیاست عدهٔ املاك خالصه‌ای که در این عصر تبدیل به تیول شد و بجای حقوق سالیانه باشخاص واگذار گردید بی اندازه افزایش یافت ، تیولداران بیشتر میکوشیدند که تیولها را باملاك شخصی و قابل نقل وانتقال مبدل سازند، پس از آنکه بطور عملی این منظور برآورده شد تیول‌داران و مأموران سابق دولت در ردیف طبقه جدیدی از مالکان قرار گرفتند که مالیات دولت را تحت عنوان اجاره بها بحکومت مرکزی میپرداختند. چنانکه فریزر نوشته است «تیولداران در عمل هیچگونه مالیاتی بدولت نمیپرداختند و می کوشیدند املاك تیولی را در برابر عمال دولت خصوصی یا اربابی جلوه دهند و برعکس در برابر رعایا خود را وابسته بدولت قلمداد کنندوهمان مالیاتی را که در سابق بنام دولت میگرفتند برای خود وصول کنند . »

نرخ مالیات املاك مزروعی در این عهد افزایش یافت وتحصیل آن از آنجهت که تحمیلی سخت برطبقهٔ زارع بودموجبات تعدی وظلم مأموران مالیاتی رانسبت بخرده‌مالکان و کشاورزان فراهم کرد ، چه مأموران مزبور علاوه بر مالیاتهای عادی برای مخارج خود وابوابجمعی که در نواحی تحت اختیار آنان بود و همچنین برای تأمین مخارج مختلف نظامی و غیر نظامی، مالیاتها و باجهای سنگینی تحت عناوین مختلف، چون تفاوت عمل و سیورسات از مالکان جزء و کشاورزان مطالبه میکردند ، برزگران چون بیشتر از عهدهٔ پرداخت بارسنگین مالیاتها برنمی‌آمدند زمینهای آنها بتملك عمده مالکان و خانها در می‌آمد. ناصرالدینشاه در اواخر سلطنت خود تصمیم گرفت بموجب فرمانهایی املاك خالصه را که رو بویرانی نهاده بودند در مقابل پرداخت مالیاتی سنگین باشخاص واگذار کند، این مالیات نخست جنسی گرفته میشد و سپس بماخذ معینی مبدل بنقد گردید « تسعیر » .

صاحبان املاك خالصهٔ انتقالی میتوانستند املاك مزبور را بفرزندان خود انتقال دهند .

بدنبال این اقدام چون دولت دراین عهد بعلت اسراف و ولخرجی شاه و درباریان و مخارج هنگفت دستگاههای اداری مملکت دچار مضیقهٔ مالی شده بود، ناصرالدینشاه فرمانی مبنی بر فروش همهٔ املاک خالصه بجز خالصه های حومهٔ تهران صادر کرد.

در زمان مظفرالدینشاه احتیاج مبرم دربار بپول بقوت خود باقی بود و شاه فرمان فروش همه خالصه ها را صادر کرد، در ضمن فرمانی نوشت که صورتی از املاک خالصه را تهیه کنند تا مقدار و قیمت هریک از آنها معین شود. این امر برای مأموران دولت فرصت مناسبی بود که مقداری از املاک خالصه را جزو املاک شخصی بحساب آورند.

بطور کلی در اواخر دورهٔ قاجاریان سیاست زمینداری برای روستاییان کیفیت طاقت فرسایی بوجود آورده بود، وضع مالیاتهای سنگین و رعایت نکردن قوانین شرعی در مورد مالکیت که حدود روابط مالک و کشاورز رامشخص کرده بودو کشاورزان در لوای آن مورد حمایت قرار میگرفتند، سبب شد که برزگران در مقابل استفاده از زمین تحت شرایط طاقت فرسایی انواع بیعدالتیها و تعدی و ستم را از ارباب و مالک ده متحمل شوند، استثمار ملاکان و مباشران آنها و وخامت اوضاع اقتصادی حق هرگونه مالکیت را نسبت بزمین از برزگران سلب کرد و موجبات کینه و نفرت کشاورزان را نسبت به مالکان و استثمارگران خود فراهم ساخت و آنها را بفرار از ده و پناهنده شدن در شهرها برانگیخت. در بعضی از نواحی ایران دسته های بزرگی از روستاییان برای تهیه کار و فرار از وضع وخیم خود بروسیه مهاجرت کردند.[۱]

عوامل فوق در ایران زمینهٔ انقلاب را برای کشاورزان از هرجهت فراهم ساخت، ولی ما در فصول آینده روشن خواهیم کرد که چگونه این طبقه محروم ازحقوق انسانی که فقط با یک انقلاب اجتماعی میتوانستند وضع خود را اصلاح کنند بعللی نتوانستند در جنبش مشروطیت ایران سهمی داشته باشند.

**مالیات**

یکی از عواملی که دراسیرساختن اقتصاد ایران دردست کشورهای خارجی و در نتیجه تهیهٔ مقدمهٔ اعطای امتیازاتی زیانبار بحال کشور مؤثر گردید مسأله تقلیل درآمد دولت و نا بسامان بودن وضع مالی کشور بود. درآمد

---

۱ - ایوانف تعداد مهاجران ایران اعم از کشاورزان و پیشه وران را که برای تهیه کسب و کار بماوراء قفقاز و ماوراء خزر در اوایل قرن بیستم میلادی مهاجرت کردند تا دویست هزار تن تخمین زده است. «تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. صفحه ۱۵»

دولت را مالیاتهای مستقیم ، عواید گمرکات ، خالصه‌ها ، و حق امتیاز اجاره بهای بنگاههای دولتی تشکیل میداد. با تأسیس پست و تلگراف« سالهای ۱۲۶۷و۱۲۷٤ هـ. ق»در زمان سلطنت ناصرالدینشاه راه دیگری برای تأمین منابع درآمد دولت بوجود آمد.

اساس مالیات ایران مبتنی بر مالیاتهای مستقیم بود ، مالیات مزبور از زمینهای مزروعی، اغنام و احشام و مستغلات ، قنوات چاههای آب و آسیاها اخذ میشد ،در پاره‌ای از نقاط بخصوص در روستاها مالیاتی بنام مالیات سرانه بر اشخاص تعلق میگرفت و در برخی از نواحی نیز بجای مالیات سرانه نوعی مالیات بنام «مالیات در» میگرفتند که بهر خانواری تعلق میگرفت. مالیات اراضی بصورت نقدی و جنسی تأدیه میشد ، میزان حق دولت تا پیش از سلطنت فتحعلیشاه ده در صد کل عایدات بوده است ولی از زمان فتحعلیشاه پایه مالیات در ایران بمیزان ۲۰ در صد عایدات اراضی افزایش یافت ، و این رقم نیز نرخ ثابتی نبوده و در پاره‌ای از موارد و در بعضی از نقاط درعمل به ۳۰ تا ۳۵ درصد نیز میرسید.

ناگفته نماند که حکام شهرستان مأمور وصول مالیات بودند و اختیار داشتند از محل مالیاتهایی که وصول میکنند مخارج ادارات هر محل را بپردازند و سالیانه مبلغ معینی بمرکز بفرستند. بنا براین حکام درعمل مجاز بودند بیش‌از اندازه مقرر مالیات وصول کنند وتفاوت‌عمل را بنفع خود ضبط نمایند. برحسب معمول مالیاتهای سنگین و غیر عادلانه از طرف حکام متوجه قشر وسیعی‌از تودۀ ملت که خرده مالکان‌و روستاییان باشندتحمیل‌میگردیدتیولها و موقوفات که بصورت عمده مالکی اداره میشد از پرداخت مالیات معاف بودند ، ایلها نیز مالیات اراضی نمی پرداختند و درمقابل خدمات نظامی‌را برعهده داشتند ، و مالیاتی که از آنها دریافت میشد آن بود که بر اغنام و احشام آنها تعلق میگرفت.

از پیشه‌وران و بازرگانان نیز نوعی مالیات مستقیم که در حدود ۲۰ در صد عایدات آنها را تشکیل میداد وصول می گشت در نقاطی که مالیات سرانه دریافت میشد ، از هر مرد بطور معمول چهارقران و از زنان وکودکان ۲/۲۰ قران میگرفته‌اند و مالیاتی‌هم که بر اغنام‌واحشام بسته میشد ازقرار هرگوسفند و بز نزدیک یک قران و از هر خر وگاو یک تومان بوده است[1] علاوه برمالیاتهای فوق که وسیلۀ تحصیل درآمد برای دولت بود ، امتیاز و اجاره بهای پستخانه

---

۱ - امیرکبیر و ایران صفحه ۱۱۸.

وضرابخانه و تلگرافخانه و عواید گمرکات نیز از طرف شاه باشخاص مختلف واگذار میشد، میزان درآمدی‌را که از این راه در سال ۱۸۸۸ میلادی عاید دولت گردیده لرد کرزن به‌حدود صد وده هزار تومان تخمین زده است.[۱]

بر این نوع مالیاتها باید مالیات سربازگیری را افزود که عبارت بود از دریافت وجوهی بعنوان مالیات و سرباز از هر روستا یا دهکده یا شهرستان‌ها بوسیله‌مأموران مالیاتی. بر منابع درآمد دولتها مالیاتهای اتفاقی تحت عنوان مصادره وسیورسات و پیشکشهای سالانه و فوق‌العاده را نیز میتوان افزود.

درآمد دولت ایران در قرن سیزدهم ه ق بخصوص در ربع آخر آن در اوایل قرن چهاردهم ه ق بعلت عوامل مختلفی از جمله بی ترتیبی گرفتن مالیات و تنزل قیمت نقره و ارزش پول ایران بتدریج کاهش میبابد و از مبلغی معادل ۷۰ میلیون فرانک در سال ۱۸۱۰ میلادی به‌مبلغی معادل. ٤ میلیون فرانک در سال ۱۸۸۹ میلادی تنزل‌می کند. در زمان‌سلطنت مظفرالدین شاه ۱۸۹۰ میلادی درآمد خزانه دولتی بین ۳۲ و ۳٦ بیلیون فرانک تخمین زده شده است.[۲]

ولی باید دانست که با همهٔ اینهابودجهٔ دولت ایران تا پیش از لغو امتیازنامه رژی تا حدی متعادل بود و دولت هیچگونه وامی خواه خارجی و خواه داخلی بر عهده نداشت بخصوص در اوایل سلطنت ناصرالدینشاه بااقداماتی که‌در زمینهٔ اصلاحات مالی بدستور امیرکبیر صورت گرفت تا حدی مخارج دولتی که پیش از آن همواره افزونتر از عایدات بود تعدیل یافت و بتدریج یک میلیون تومان «معادل ۵۰۰،۰۰۰ لیره انگلیسی» اضافه خرج بر دخل مملکت حاصل گردید.[۳]

ولی در اواخر سلطنت ناصرالدینشاه پس از آنکه امتیازنامه رژی بر اثر مخالفت روحانیان و توده ملت در دیماه ۱۲۷۰ شمسی (مطابق ژانویه ۱۸۹۲ م) ملغی گردید، و دولت مجبور شد برای پرداخت خسارت شرکت تالبوت وامی بمبلغ پانصد هزار لیره انگلیسی بمدت چهل سال از بانک شاهنشاهی بگیرد اردیبهشت ماه ۱۲۷۱ ش (مطابق آوریل ۱۸۹۲ م) و در مقابل عواید گمرکات جنوب را بعنوان وثیقه بدولت انگلستان واگذار کنداین وضع دگرگون شد. از دست دادن عواید گمرکات که از مهمترین منابع درآمد دولت‌بود موجب اختلال وضع

---

۱ ـ ایران تألیف لرد کرزن صفحه ۹۵.
۲ ـ انقلاب مشروطیت ایران پاولویچ صفحه ۹.
۳ ـ کتاب امیرکبیر و ایران صفحه ۱۰۹

مالی دولت گردید و این نخستین وام خارجی بود که توسط ناصرالدینشاه« در ۲۸ رمضان ۱۳۰۹ ه ق بر بودجهٔ دولت تحمیل شد و مقدمهٔ تحصیل وامهای پیاپی دیگری در زمان سلطنت مظفرالدین شاه برای جبران کسر مخارج دربار و تأمین هزینه و مسافرتهای متعدد شاه بخارج از کشور گردید.

از آنجمله وامی بمبلغ ۲۲٬۵۰۰٬۰۰۰ منات طلا بود که بمدت ۷۵ سال توسط بانک استقراضی از دولت روسیه تزاری در برابر واگذار کردن عایدات گمرکات ایران باستثنای گمرکات بندرهای جنوب و فارس گرفته شد[1]. بموجب پیمان وام مقرر گشت که تا هنگامی که قرض مزبور از طرف دولت ایران پرداخت نشود دولت مزبور حق استقراض خارجی بدون رضامندی دولت روسیه نداشته باشد. در حدود سال ۱۳۲۰ ه ق (۱۹۰۲ م) مظفرالدینشاه بار دیگر برای تأمین مخارج سفر دوم خویش بفرنگ مبلغ ده ملیون منات طلا بمدت ۷۵ سال با همان شرایط وام نخست ازدولت روسیه تزاری وام گرفت. وی از دولت انگلستان نیزمقارن وام نخستین که از دولت روسیه گرفته بود (۱۳۱۸) وامی بمبلغ ۳۱۴،۲۸۱ لیره و ۱۶ شلینگ و ٤ پنس طلا بمدت ۱۰ سال با تنزیل ٥٪ توسط بانک شاهنشاهی و بنام حکومت هند دریافت کرد. بدین سان دولت ایران یکی از منابع درآمد و عایدات خودرا که حقوق گمرکی باشد در اختیاردولت‌های خارجی گذاشت و مضیقهٔ مالی روز بروز شدت یافت، چنانکه تخمین زده‌اند دولت ایران تنها بابت غرامت وامهای خارجی هرساله ازکلیه عایدات گمرکی خود بطور تقریب مبلغی معادل ۲٬۵۰۰٬۰۰۰ تومان بدولت روس و انگلستان میپرداخته است[2] تاریخ استعمار گمرک ایران را پس از شکست ایران از دولت روسیه و تنظیم عهدنامهٔ گلستان باید دانست، چه پیش از آن تاریخ بخصوص در زمان خاندان صفویان که در توسعهٔ تجارت و ترقی اقتصاد مملکت کوشش فراوان مبذول میشدایران دارای تشکیلات منظم گمرکی و راهداری بود، و نخستین معاهده‌ای راهم که این سلسله با دولت عثمانی منعقد ساخت استقلال گمرکی ایران را حفظ میکردو کلیه اجناس خارجی راکه بایران وارد میشد تابع قوانین گمرگی قرار میداد و هر چند ترتیب اخذ عوارض گمرك در نواحی مختلف بطور متفاوت انجام میگرفت با اینهمه ادارهٔ تشکیلات مزبور بدست مأموران و عمال دولتی که از طرف شاه معین میشدند صورت میپذیرفت، ولی پس از مدتی

---

۱ - قرارداد این قرضه تحت ۱٦ فصل در ژانویه ۱۹۰۰ با تنزیل صدی پنج بین دولت ایران و بانک استقراض روس در ایران منعقد گردید رجوع به‌صفحه ۱۹٤ ازکتاب تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیاشود.

۲ - گنج شایگان تألیف جمال زاده صفحه ٤۱.

دولت ایران بسبب تنزلی که در عایدات گمرك رخ داد و همچنین بتقلید از دولتهای اروپایی در سال ۱۰۸۰ ه‍ ق (مطابق ۱۶۷۴ م) عواید گمرکی را باشخاص اجاره داد و در نتیجه تسهیلاتی که برای تجارت در سابق منظور میشد از بین رفت. رسم اجاره گمرك تا زمان سلطنت مظفرالدینشاه ادامه داشت. در این هنگام نظر بمضیقه مالی دولت و تهی بودن خزانه شاه، عایدات گمرکی یعنی تنها منبعی که امکان داشت کسر درآمد دولت و احتیاجات روزافزون شاه را برای مخارج مسافرتهای خود بخارج تأمین کند مورد استفاده قرار گرفت. در سال ۱۲۱۵ ه‍ ق میرزا علیخان امین‌الدوله صدراعظم وقت برای اصلاح گمرك و ضرابخانه سه تن مستشار بلژیکی «نوز، پریم، انگلس» را استخدام کرد، مأموران جدید بالغو اجاره گمرکات کلیه حقوق گمرك صادرات و واردات را بحساب دولت وارد کردند.[1] نقشهٔ اصلاح گمرك بوسیلهٔ مسیو نوز بلژیکی با گرفتن وامهای متعددی که دولت ایران از دو دولت روسیه و انگلستان کرد عقیم ماند، چه در برابر وام مزبور دولت مجبور به عقد قرار دادهای گمرکی و واگذار کردن عایدات گمرك کشور بدو دولت مزبور گردید و درهمین جا زمینه برای اجرای استعمار اقتصادی ایران آماده شد.

مقدمات تسلط و بهره برداری از گمرکات ایران توسط دولتهای خارجی همچنانکه در بالا اشاره شد با عقد معاهده‌های گلستان و ترکمانچای آغاز گشت. بموجب فصل نهم عهدنامهٔ گلستان مورخ ۲۸ شوال ۱۲۸۸ ه‍ ق (مطابق اکتبر ۱۸۱۳ م) و فصل سوم عهدنامهٔ ترکمان چای انعقاد یافته در ۵ شعبان ۱۲۴۳ ه‍ ق (۲۳ فوریه ۱۸۲۸ م) مقرر شده بود که از کالاهای بازرگانی اتباع روسیه خواه از صادرات و خواه از واردات بیش از ۵ درصد حق گمرکی گرفته نشود. بدنبال بستن این معاهدات دولت ایران کلیه عهدنامه‌های تجارتی خود را با دولتهای دیگر بموجب اصل حقوق دول کاملة‌الوداد که مشمول همین مقررات گمرکی خاص میبود تنظیم کرد و در نتیجه تعیین حقوق گمرکی صادرات و واردات در عمل از اختیار دولت ایران خارج شد. پس از آنکه نوز بلژیکی سرپرستی گمرکات ایران را برعهده گرفت در تاریخ ۱۸ ذیحجه ۱۳۱۸ بدنبال الغای اجاره گمرکات مورخ ۱۳۱۷ ه‍ ق پرداخت عوارض داخلی که بموجب فصل هفتم بند چهارم و پنجم نظامنامه گمرك در زمان سلطنت ناصرالدینشاه برای اتباع ایرانی صدی بیست و برای اتباع خارجی صدی ده مقرر گردیده بود ملغی گشت. دولت

---

۱ - برای دولت ایران میزان عایدات گمرك از بابت وجه اجاره سالیانه پیش از لغو این رسم درحدود ۱۲،۵۰۰،۰۰۰ قران تا ۱۳،۵۰۰،۰۰۰ قران تخمین زده شده است. (سال ۷-۱۳۱۶ ه‍ ق).

ایران همچنانکه درگذشته یاد شد، در برابر دریافت وامهای متعدد از دولتهای خارجی که نقشهٔ تسخیر بازارهای ایران و تسلط بر اقتصاد مملکت را برقابت با یکدیگر طرح کرده بودند قرارداد گمرکی نوینی در تاریخ ۲۰ رمضان ۱۳۲۰ ه ق(مطابق با ۱۳ دسامبر ۱۹۰۲ م) با دولت روسیه منعقد ساخت. موادقرارداد تعرفه جدید موجب تقلیل عوارض کالاهای روسیو در نتیجه بنفع دولت روسیه تمام شد و سبب کسر درآمد گمرکات ایران گردید.

بدنبال عقد عهدنامه گمرکی تازه بین ایران و روسیه، دولت امپراتوری انگلستان که بر سر مسئله نفوذ اقتصادی و سیاسی در ایران با دولت روسیهٔ تزاری رقابت میکرد برای تصاحب منافع و عواید گمرکات جنوب در ذیقعده ۱۳۲۰ هق (مطابق با نهم فوریه ۱۹۰۳ م) قرار داد تازهٔ گمرکی مشتمل بر یک مقدمه و هفت فصل بر اساس عهدنامهٔ دسامبر ۱۹۰۲ میلادی با دولت ایران منعقد کرد. بموجب قراردادهای فوق دولت ایران کلیه حقوق خودرا درمورد گمرکات ایران و همچنین حق تنظیم و تغییر تعرفه های آن بدولتهای خارجی واگذار کرد و بدین سان با تنظیم سند استعمار و استثمار اقتصادیات کشور، موجبات برانگیختن ملت برضد دولتهای اجنبی فراهم شد.

**امتیازات**

دوران آخر سلطنت ناصرالدینشاه را باید آغاز دورهٔ نوین اسارت کشور توسط سرمایه‌های خارجی از طریق اعطای امتیازات در زمینه‌های مختلف دانست. دولت انگلستان بمنظور حفظ ارتباط خود با هندوستان و تحکیم نفوذ سیاسی خود در ایران بتحصیل یک رشته امتیازات از جمله امتیاز خطوط تلگرافی توسط کمپانی انگلیس و هند مبادرت کرد. نخستین امتیاز مربوط بخطوط تلگراف بین خانقین و تهران و بوشهر، بین تهران و سرحد بلوچستان «رمضان ۱۲۸۰ ه ق» برای مخابرات داخل و خارج بود و در سوم رجب ۱۲۸۲ ه ق (مطابق ۳ نوامبر ۱۸۶۵ م) قرار داد تازه‌ای که ارتباط ایران را با خارج برقرار سازد، بین دولت ایران و انگلیس بسته شد. امتیاز دیگر راجع بخطوط تلگرافی بین دولت ایران و انگلیس امتیازنامه مورخ ۳۰ ربیع الثانی ۱۳۱۹ ه ق (مطابق ۱۶ اوت ۱۹۰۱ م) بود، مدت امتیازنامه مزبور تا ۵ جمادی الثانی ۱۳۴۳ ه ق (دهم ژانویه ۱۹۲۵ میلادی) تعیین شده بود و در آن مقرر گشت که هرگاه دولت ایران قرض خودرا تامدت موعود بابت کشیدن این خط بدولت انگلیس نپردازد این امتیازنامه بقوت خود باقی باشد[1].

---

۱- این امتیاز نامه در زمان استبداد صغیر ۱۳۲۷ ه ق تمدید شد.

در جمادی الاولی سال ۱۲۸۹ هـ ق (مطابق ۲۵ ژوئیه ۱۸۷۲ م) امتیازنامه‌ای بین دولت انگلستان و ایران بمدت هفتاد سال تنظیم شد و بموجب آن مقرر گردید که دولت ایران حق انحصاری ساختمان راه آهن و بهره برداری از منابع زیر زمینی و امتیازات دیگری در زمینهٔ آبیاری به بارون رویتر تبعه انگلیس واگذار کند، و نیز بموجب این امتیاز دولت ایران اداره گمرکات کشور را بمدت ۲۰ سال در برابر هزار لیره استرلینگ در اختیار رویتر گذاشت و تعهدات دیگری را نیز در ضمن مواد امتیازنامهٔ فوق برای آینده پذیرفت که بموجب آنها کلیه ثروتهای طبیعی کشور برای مدت هفتاد سال در اختیار دولت انگلستان قرار میگرفت، این امتیازنامه با مخالفت ملت و دولت رقیب «روسیهٔ تزاری» مواجه و لغو گردید.

مدت ۱۶ سال بین دولت ایران و بارون ژولیوس تبعهٔ انگلیس بر سر خسارتهایی که از این امتیازنامه ناشی شده بود گفتگو بود تا سرانجام از طرف ناصرالدینشاه برای جبران خسارت ادعا شده امتیاز بانک شاهنشاهی در تاریخ ۲۷ جمادی الاولی ۱۳۰۶ هـ ق بمدت ۶۰ سال بوی داده شد. اعطای این امتیازنامه از مهمترین خواسته‌های دولت انگلستان بود، چه محافل مالی انگلستان از اواسط قرن نوزدهم برای توسعهٔ تجارت و تأمین پیشرفت صنایع خود بتأسیس مراکز بانکی در کشورهای دیگر احتیاج داشتند و بدنبال همین مقصود بود که پیش از تأسیس بانک شاهنشاهی بعلت آزادبودن فعالیت بازرگانی و اقتصادی برای خارجیان، ابتدا بانک جدید شرق در سال ۱۲۶۶ هـ ش (مطابق ۱۸۸۸ م) بدون بدست آوردن امتیازی خالص در ایران گشایش یافت. و بدنبال آن بانک شاهنشاهی فعالیت اقتصادی را آغاز کرد، این بانک می‌توانست علاوه بر کارهای بانکی و صرافی بکارهای عمرانی و صنعتی نیز بپردازد، چه بموجب فصل یازدهم امتیاز نامه حق استخراج تمام معادن ایران (بجز معادن فلزات و انواع سنگهای قیمتی که از پیش به دیگری واگذار شده بود) و نیز ساختن راههای شوسه‌ در سراسر کشور بمدت ۶۰ سال ببانک مذکور واگذار شد، علاوه بر امتیازات فوق بانک مزبور حق نشر اسکناس و معاف بودن از مالیات را نیز بدست آورد. بانک انگلیس را باید بهترین وسیلهٔ افزایش نفوذ اقتصادی انگلستان در ایران دانست.

دیگر از امتیازنامه‌هایی که در مسیر اسارت ملت ایران و تحکیم پایگاه سیاسی دولتهای بیگانه در زمان سلطنت مظفرالدینشاه داده شد، امتیاز استخراج معادن نفت ایران بیکی از سرمایه‌داران استرالیایی موسوم به ویلیام دارسی بود (در تاریخ ۹ صفر ۱۳۱۹ هـ ق - ۱۹۰۱ م). بموجب این امتیازنامه دولت ایران بزرگترین منبع ثروت خود یا نفت را بمدت ۶۰ سال

به دارسی واگذار کرد وبوی اجازهٔ تفتیش و استخراج وتجارت وحمل و نقل محصولات نفتی داد . دارسی نیز امتیاز خود را بشرکت «استخراجات اولی» که شرکتی انگلیسی بود تفویض کرد . دولت انگلستان در واقع باگرفتن این امتیازنامه ضربه‌ای سخت برقیب خود دولت روسیه تزاری فرود آورد دولت اخیر نیزدر برابرهریک از امتیازاتی که دولت انگلیس از ایران میگرفت بطورمتقابل می کوشید تاامتیازات همانندسیاسی واقتصادی از ایران بگیرد . از اینروسرمایه‌داران دولت روسیه نمیتوانستند در برابر فعالیتهای دولت امپراتوری انگلستان بمنظور توسعه نفوذ خود در ایران آرام بنشینندو با داشتن زمینه مساعدی که بموجب عهدنامه ترکمانچای بخصوص در دربار ایران کسب کرده بودند ، بمنظور جلوگیری از فرمانروایی سرمایه‌های اقتصادی رقیب و تسلط و تحکیم نفوذ خود در ایران بگرفتن امتیازاتی جدید در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی آغاز کردند . نفوذ روسیهٔ تزاری بدنبال اعطای امتیازات تلگرافی به دولت انگلستان پیش از همه در ارتش ایران پدید آمد . امتیاز تشکیل قزاقخانه درایران در زمان ناصرالدینشاه « ۱۲۹۷ هـ ق » از طرف ایران بروسیه داده شد و مبلغ سی هزار تومان مخارج مربوط بدان از محل عایدات گمرکات ایران پرداخت گردید . فرماندهی بریگاد قزاق با افسران روسی بود .

و نیز دربرابر بانک شاهنشاهی در ایران ، دولت روسیه تزاری اقدام بتأسیس بانک استقراضی کرد . امتیاز این بانک نخست درسال ۱۲۶۹ هـ ش (۱۸۹۰ میلادی) بموجب پیشنهادی مبنی بر اجازه تأسیس انجمن استقراضی از طرف یکی از اتباع دولت روسیه در ایران داده شد ، واین پیشنهادمورد موافقت ناصرالدینشاه واقع گشت و موادنظامنامه‌آن درتاریخ ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۲۷۰ هـ ش (۲۱ ماه مه ۱۸۹۱ م) از طرف دولت ایران به‌تصدیق رسید .

هدف این بانک که در واقع شعبه‌ای از مالیهٔ روسیه بشمار میرفت توسعهٔ نفوذ در ایران وبخصوص رقابت با دولت انگلستان بود و دایرهٔ فعالیت آن بیشتر محدود بپرداخت قرضه‌های کلان بدربار و رجال درباری و اعیان و ارباب نفوذ و حتی علما ، در رهینه وگروگرفتن اشیاء گرانبها و اوراق بهادار بود از امتیازات دیگری که‌در زمینهٔ راهسازی و ارتباطات به‌دولت‌روسیه تزاری داده شد باید امتیاز ساختن راه خلیج انزلی (بندر پهلوی) تا قزوین را نام برد که ازطرف ناصرالدین‌شاه در دوم ذیحجه ۱۳۱۰ هـ.ق بمدت ۹۹ سال بشرکت روسی «بیمه و حمل و نقل درایران » داده شد و درطی این مدت مقرر گشت که دولت‌ایران از شرکت مزبور مالیاتی دریافت نکند . دایرهٔ امتیازاین شرکت پس از چهار سال وسعت یافت و امتیاز احداث راه شوسهٔ تهران

بقزوین و قزوین بهمدان را نیز بدست آورد ، همچنین امتیاز راه شوسه جلفا و تبریز را بوعده ۹۹ سال تحصیل کرد، درضمن امتیازساختمان و بهره برداری ازبندرانزلی (پهلوی) و خطوط کشتیرانی در دریای خزر را بدست آورد، امتیاز خط تلگراف بین جلفا و تهران از راه تبریز بکمپانی انگلیسی «تلگرافات هند و اروپا » مقیم مسکو که تحت حمایت دولت روسیه بود واگذارگردید.

امتیاز استخراج معادن قراچه داغ آذربایجان در ۱۰ جمادی الاخر ۱۳۱۶ ه.ق بشرکت معادن روس بمدت هفتاد سال واگذارشد. درضمن این امتیازنامه شرکت مزبور حق داشت در حوزه امتیاز راههایی راکه برای پیشرفت کارش ضروری میدانست بسازد. اعطای امتیاز شیلات بحر خزر به لیانازوف درسال ۱۲۸۰ ه. ق نیزازجمله مواردی است که دولت روسیه از آن منتفع شد، امتیاز اخیر بارها تجدید گشت و آخرین بار آن در زمان صدارت عین الدوله بودکه آن را بمدت ۲۰ سال در برابر ۶۰ هزار تومان درسال تمدید کردند و نیز از واگذاری نفت شمال در سال ۱۳۲۴ ه.ق بدولت روسیه تزاری باید یادکرد.

در زمینهٔ امتیازات خارجی از اعطای امتیاز انحصار خرید و فروش و ساخت دخانیات ایران بیک شرکت انگلیسی موسوم به « هیئت شاهنشاهی دخانیات ایران »که صاحب امتیاز تالبوت نام داشته باید ذکری بمیان آورد. گرچه این امتیاز از طرف ایران لغوگردید و بمرحلهٔ اجراء درنیامد ولی از آنجایی که تأثیر مستقیم در جنبش مشروطیت داشته است اشاره بآن لازم است.

توضیح اینکه ناصرالدینشاه درسومین سفرخود باروپا درسال ۱۳۰۷ ه.ق امتیازمذکور را بیک شرکت انگلیسی وعده داد و در ۲۸ رجب ۱۳۰۸ ه. ق مطابق بیستم مارس ۱۸۹۰م امتیازنامه بمدت پنجاه سال تحت ۱۵ فصل تنظیم شد و بموجب فصل اول امتیازنامه مقررگردید که شرکت مزبورسالی ۱۵ هزار لیره انگلیسی بعلاوه یک ربع منافع خالص بدولت ایران بپردازد ودولت ایران هم بموجب فصل هفتم امتیازنامه متعهد شد مالیات و عوارض و رسوم گمرک راکه در آن تاریخ گرفته میشد در خلال مدت ۵۰ سال اضافه نکند.

این همان امتیازنامه‌ای است که ادوارد براون انگلیسی در تاریخ انقلاب ایران از آن بعنوان یکی از بدبختیهای دوره اخیر سلطنت ناصرالدینشاه یاد میکند ، چه همین امتیاز است که موجب نارضایی مردم گردید و وحدت کلیهٔ طبقات کشور راچه روحانی و بازرگان وچه افراد عادی برضد حکومت و استعمار خارجی فراهم ساخت و عموم مردم از نظر امتثال فتوای دو تن

از مجتهدین و اجرای احکام شرعی که بموجب رأی آنان استعمال دخانیات تحریم شده بود جمیع دکان های تنباکو و توتون فروشی را تعطیل کردند ودر مدت کوتاهی استعمال دخانیات در ایران متروك شد. عاقبت شاه در برابر مخالفت مجتهدان و عالمان و ملت نتوانست ایستادگی کند و بناچار در تاریخ ۱٤ جمادی الاخر ۱۳۰۹ ه. ق امتیاز را لغو کرد و در مقابل چنانکه گفتیم مجبور به پرداخت معادل ۵۰۰ هزار لیره انگلیسی از بابت خسارت به کمپانی مزبور گردید.

دولت ایران بجز امتیازاتیکه باتباع انگلیسی و روسی اعطا کرده است. بدیگر دولتهای خارجی نیز امتیازاتی بخشیده‌است. از جمله امتیاز بهره برداری از جنگلهای ایران که بیک مؤسسه «فرم» یونانی داده شد و امتیاز استخراج آثار عتیقه و حفریات تاریخی که در حدود سالهای ۱۳۰۰-۱۳۰۱ ه.ق از طرف ناصرالدینشاه بیک تن از اتباع فرانسوی بنام «مارسل اگوست دیولافوای M.A.Dieulafoy» اعطا گشت.

سیاست دروازه‌های باز، برداشتن مرزهای اقتصادی با وضع تعرفه های گمرکی که بخوبی بر اساس استیلا بر اقتصاد ایران بین دو دولت روسیه تزاری و انگلیس با دولت ایران تدوین شده بود، اعطای امتیازات، بخصوص تسلط مؤسسات بانکی خارجیان بر بازار سرمایه و پول ایران وهمچنین گرفتن وامهای متعدد از دولتهای خارجی و بوثیقه رفتن مهمترین و پر درآمدترین منابع درآمد کشور در قبال آنها، تسلط خارجیان بر نیروی نظامی ایران، اداره دیویزیون قزاق بدست متخصصان و فرماندهان روسی، همهٔ اینها اساس استقلال سیاسی و اقتصادی ایران را متزلزل ساخت و بخصوص اختلال سریعی که در وضع مالی و اقتصادی کشور در اوایل قرن چهاردهم ه.ق پیش آمد تأثیر عمیقی در کلیه طبقات اجتماعی ایران بخشید.

امکان بهره برداری از منابع طبیعی ایران برای خارجیان، تنظیم معاهدات تجارتی زیان‌بخش بحال اتباع ایرانی، زیانهای آزادی واردات بخصوص وارداتی که از حقوق گمرکی معاف بودند، ضربت سختی بصنعت و کشاورزی کشور وارد میکرد، واین امر برای بورژوازی تاجر وسرمایه‌دار ایرانی بخصوص مسئله حیاتی را بوجود می‌آورد که خواه ناخواه واکنش نارضایی از آن به صورت انقلاب بر ضد وضع موجود بموجب سیرهٔ تاریخی بود.

مسئلهٔ پریشانی و ورشکستگی طبقات بزرگی از اجتماع را، فرار از ده بشهر و یا مهاجرت تولید کنندگان ثروت کشور چون روستائیان و کارگران بخارج از کشور، و یا ترك تابعیت گفتن و بحمایت دولتهای استعمارگر در آمدن، نمیتوانست درمان بخشد، محدود شدن منافع

مادی مردم بوسیله شرکتهای خارجی و بخصوص تهدید هر یک از طبقات اجتماع ، خودبخود موجبات وحدت و پیوستگی افراد را بایکدیگر بوجود می‌آورد و این نیروو گاهی هم نیروهای متشکل همسود و همدرد برای دفاع از حقوق مسلم طبیعی خود بتدریج برای مبارزه بر ضد عوامل وعللی که منافع آنها را بمخاطره انداخته بود مجهز می‌شدند و در برابر فشار تراکم این نیروها هیچ عاملی جز از هم پاشیدن وضع موجود آن زمان و تأمین امنیت مالی و از بین رفتن علل اصلی نمیتوانست بمقاومت پردازد و آنرا در هم شکند. خواسته‌های عناصر انقلابی ایران پس ازبدست آوردن حکومت مشروطه ، از مجلس اول اینها بود: اصلاح وضع اقتصادی ایران ، از راه محدود ساختن مخارج زاید دستگاه حاکم یا طبقه فرمانروا ، مخالفت با قرضهٔ خارجی ، تأسیس بانک ملی با بکار انداختن سرمایه‌های داخلی ، نسخ قاعده تیول و تسعیر. مخالفت با امتیازات خارجی که همهٔ آنها بهترین نشان و معرف عامل سازندهٔ انقلاب و محرك و انگیزهٔ واقعی تودهٔ ملت در جنبش مشروطیت بوده است و ما در فصول آینده این مجموعه بتفصیل دربارهٔ کیفیت دخالت و تأثیرهریک ازطبقات مختلف اجتماع درانقلاب مشروطه وهدف واقعی آنها درمبارزات ملی باجمال گفتگو خواهیم کرد.

درپایان این مقال باید بایجاز درباره تغییراتیکه در ترکیب جمعیت و طبقات ایران‌حاصل شدسخن گوئیم و تفصیل‌آن را بفصل دیگر این کتاب موکول کنیم.

با شروع مناسبات اقتصادی بین ایران و ممالک غربی‌و اقداماتیکه در زمینهٔ تسهیل روابط تجارتی دراین کشوررخ داد و باتوسعه‌تجارت ورشداقتصادیات کشور در ربع‌اول قرن چهاردهم هجری ، موجبات تحولات عمیقی در ساختمان طبقات اجتماعی ایران بوجود آمد.

جمعیت ایران که در دورهٔ صفوی در حدود ۴۰ میلیون تن‌تخمین زده شده است در دورهٔ پادشاهان قاجاری بموجب آمارهایی که سر رالینسن و دکتر اف- ج- پولاك و دکتر شیندلر در حدود سالهای بین ۱۸۵۰ تا ۱۸۸۸ میلادی داده‌اند به ۶ تا ۱۰ میلیون تن تقلیل یافت «۱» بموجب آمار دکتر شیندلر از میان «هفت میلیون و نیم» جمعیت ایران نزدیک به دو میلیون تن جمعیت شهر نشین و در حدود پنج میلیون‌ونیم تن جمعیت روستا نشین بوده است.

اختلاف فاحش بین جمعیت شهر نشین و روستا نشین که بسبب نظام اجتماعی و وضع زندگی اقتصادی و عدم ارتباط نزدیک بین روستا و شهر پدید آمده بود در اواخر قرن سیزدهم

---

۱ - لرد کرزن. ایران صفحه ۱۰۲-۱۰۳

هجری بحداعلا رسیده بود. بخصوص که با پیشرفت تجارت وبازرگانی خارجی ودرسواردی‌خاص واستثنائی براثر توسعهٔ صنعت جدید طبقات ثروتمند تازه‌ای در برخی‌از شهرهای ایران رشد کردند تبدیل اکثر شهرهای مهم ایران ، بخصوص شهرهای شمالی و جنوبی کشور و همچنین اصفهان وتهران بمراکز مهم تجارتی و تأسیس کمپانیهای‌تجارتی و تعداد معدودی کارخانه های‌صنعتی دربرخی از نواحی فوق ، تعداد جمعیت این شهرها را بتدریج افزون ساخت ، همچنانکه اشاره کردیم طبقه سرمایه‌دار و تاجر توسعه یافت و چون سوانعی در راه رشد صنایع موجود بود بورژوازی ایران بجای سرمایه گذاری در زمینهٔ صنعت و تأسیس کارخانه های صنعتی سرمایه‌خود را صرف خرید زمینهای زراعتی کرد و بتدریج جای مالکان اشراف و فئودال را گرفت.

فزون شدن تعداد تحصیل کردگان دانشهای جدید در مغرب زمین یا در داخل ایران وبروی کار آمدن طبقات متوسط که در جریان تکون حکومتهای ملی از عوامل مفید و مؤثربوده است و همچنین هوشیاری و بیداری نسبی تودهٔ مردم ، بدنبال تحولاتیکه در نتیجهٔ اقتباس‌تمدن مادی و نشر فلسفه آزادی و تساوی حقوق ملل غرب در ایران پیش آمد و نیز نفرت ازاستعمارو گسترش نفوذ خارجی در ایران سبب شد که طبقات ممتاز و روشنفکر ایران بمعایب عصر خود پی ببرند و همراه با طبقهٔ بورژوازی تاجر و روحانیان که بعلل بسیار جانبدار بازاریان و پیشه‌وران وبازرگانان بودند، بر ضد مظالم حکومت استبداد و بخصوص استثمار انحصاری استعمار طلبان روس و انگلیس قیام کنند و دیری نگذشت که باشروع جنبشها و اعتصابات عمومی و ملی پایه تخت سلاطین مستبد قاجار را متزلزل ساختند.

# فصل دوم

## نهضت فکری

تماس وارتباط ایران با دول غرب نه فقط موجب تحول عمیق در اوضاع اقتصادی ایران گردید ـ بشرحی که درفصل اول بتفصیل بیان شد ـ بلکه موجبات انتقال تمدن ازغرب بشرق وانتشار فلسفه های آزادیخواهی وافکارجدید را نیز در ایران فراهم کرد.

مقدمات تدریجی تحول افکار وبوجود آمدن گروههای روشنفکر درایران حتی قبل از سلطنت ناصرالدینشاه فراهم شده بود، وازجمله عباس میرزا «نایب السلطنه» همت بر اخذ بعضی از آداب وفنون غربی ازطریق استخدام هیأتهای معلمان فرانسوی وانگلیسی مصروف داشت واقداماتی که این هیأتها درزمینهٔ احداث کارخانه های اسلحه‌سازی واستخراج بعضی ازمعادن وهمچنین سازمان دادن سپاه بسبک اروپایی نمودند، راه را بر نفوذ تمدن مادی غرب درایران هموار کرد.

ازطرف دیگر گسیل کردن دانشجو برای تخصص دررشته های مختلف فنی به لندن در زمان سلطنت محمدشاه ودایر کردن چاپخانه ومبادلهٔ سفرا بین ایران ودول اروپایی تاحدی درزمینهٔ نشر افکار اروپایی درایران مؤثر بوده است. ولی پیشرفت شایان توجه دراسر نفوذ افکار آزادیخواهی را باید ازنیمهٔ دوم قرن سیزدهم هـ. ق دانست که دورهٔ اقتباس تمدن جدید توسط میرزا تقی‌خان امیر کبیر صدراعظم بود، وبدنبال مساعی آن وزیر با تدبیر واقدامات اصلاح‌طلبانه وی همت بعضی ازوزراء ورجال روشنفکر نیز ازجمله عوامل مؤثر بشمار میرود.

دراینجا شایسته است قبل ازبیان تحولات عمده اجتماعی وفرهنگی وفکری که درایران حاصل شد ازشخصیتهای برگزیده‌ای که دردگرگونی اوضاع قدیم ونفوذ تمدن واندیشه های تازه وظیفهٔ قابل ملاحظه‌ای برعهده داشتند باجمال یاد کنیم.

ازجمله نخست باید میرزا تقی‌خان امیر کبیررا نام برد که خود مستقیم زیرتأثیر مکتب تمدن جدید و آزادیخواهی غرب قرار گرفت ودر نمایندگیهای سیاسی خود بخارج از کشور (روسیه ۴۴-۱۲۴۵ هـ. ق، و ایروان دررجب ۱۲۵۳ هـ. ق، وارزنةالروم درسال ۶۳ - ۱۲۵۹ هـ. ق) و بازدید از مؤسسات مختلف صنعتی ونظامی و تشکیلات اداری وبهداری کشور روسیه، شیفتهٔ ترقیات و

تمدن جدید گردید. تماس بادنیای آزاد وبخصوص آگاهی از پیشرفتهای مادی ومعنوی روسیه آن چنان تأثیری درروحیهٔ او باقی گذاشت که چون بمقام صدارت ایران رسید هیچ عاملی اورا ازاجرای نقشه هایی که از پیش برای چاره‌جویی عقب‌ماندگی کشورطرح کرده بود بازنداشت و بیک رشته اصلاحات درزمینه های مختلف ازآنجمله: امورفرهنگی، قضایی واقتصادی و بخصوص صنعت دست زد و با اینکه مدت صدارتش کوتاه بود ولی میتوان گفت نقشه های مترقیانهٔ وی مقدمهٔ تحولات بزرگ و اساسی درکشورایران گردید.

مهمترین مؤسساتی که در روسیه مورد توجه امیرکبیر واقع گردید، مؤسسات فرهنگی آنکشور بودند که وی تحت تأثیر آن بتأسیس دارالفنون اقدام کرد واینکار رامیتوان از مهمترین و مفیدترین اقدامات امیرکبیر درترویج علوم جدید وفرهنگ نو درایران دانست.

بدنبال اولین کاروان معرفت که درنیمهٔ اول قرن سیزدهم ه ق رهسپارمغرب زمین شد، امیرکبیر عده‌ای هنرآموز و صنعتگر روانه روسیه کرد تا صنایع جدید را درکارخانه های مسکو و پطرزبورگ یاد گیرند، هنرآموزان فوق پس ازمراجعت بوطن بمشاغل مختلف گمارده شدند وافکار نو و ترقی خواهی را با خود بهمراه آوردند.

علاوه بر تأسیس مؤسسات فرهنگی مشابه مدارس غربی، گسیل کردن دانشجو بخارج از کشور و مسافرت نمایندگان سیاسی ورجال آزادیخواه وافرادی ازطبقات سرمایه‌دار کشوربممالک غربی خود یکی ازعوامل مؤثر نشر تمدن جدید وافکار آزادیخواهی بود.

فکر تأسیس اولین مطبعه چاپ کتابهای فارسی وهمچنین ایجاد اولین روزنامه فارسی در ایران از میان گروه تحصیل کردگان مکتب غرب برخاست. میرزاصالح شیرازی که در سال ۱۲۳۰ ه. ق مطابق با ۱۸۱۵ میلادی از طرف دولت ایران بانگلستان اعزام شده بود، درضمن تحصیل درآن سرزمین تحت تأثیر محیط تعلیم خود قرارگرفت ودرمراجعت بایران درضمن اشتغال بکارهای سیاسی بتأسیس روزنامه‌ای در ایران پرداخت، تجلیات افکار تجدد خواهانه او درسفرنامه‌اش بخوبی نمودار است که درآن ضمن ازقوانین و مؤسسات اجتماعی وحکومت ملی انگلستان و مقایسه‌ای میان آن نوع حکومت باحکومتهای مطلق و مظالم ناشی از آنها بحث میکند.

توجه بلزوم تأسیس شورای دولتی را در ایران بشرحی که در ذیل خواهد آمد، می‌توان

نتیجهٔ فکر و اقدام میرزا جعفرخان مشیرالدوله که از پرورش یافتگان غرب است دانست[1].

پس از امیرکبیر در زمان وزارت علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه در سال ۱۲۷۶ ه‍. ق گام دیگری درهمین راه برداشته شد وازمیان بهترین فارغ التحصیلان دارالفنون ۴۲ تن برای آموختن فنون وعلوم مختلف بفرانسه گسیل شدند. همراه با اقداماتی که از طرف دولت درزمینهٔ تربیت - متخصص چه درداخل کشورو چه درخارج صورت میگرفت جمعی از افراد دوراندیش وروشن بین نیز نظر بمقتضیات زمان فرزندان خود را برای اخذ تعلیم وتربیت جدید باروپا گسیل داشتند، از میان همین گروه اقلیت، رجال سیاسی و مردان بزرگی برخاستند که نقشهای مؤثری در ادارهٔ امور مملکت برعهده گرفتند.

میرزا حسینخان سپهسالار، میرزا ملکم خان ناظم الدوله، میرزا یحیی خان مشیرالدوله رجال سیاسی مؤثر عصر ناصری را که هریک به نحوی دراشاعهٔ تمدن جدید و اندیشه های آزادیخواهی سهمی بسزا داشته‌اند میتوان بعنوان نمونه وشاخص این گروه نام برد.

میرزا حسینخان سپهسالار، علاوه برآنکه تحت تأثیر محیط تعلیم وتربیت فرانسه قرار گرفت، دردوران دوازده سالهٔ نمایندگی سیاسی خود در اسلامبول تحولات اجتماعی وسیاسی عثمانی که باعلان حکومت مشروطه درآن مملکت منجر گردید نیز در وی تأثیر بخشید، وچون بمقام صدارت عظمی در ایران رسید، بمنظور بیدار کردن مردم و نشر افکار صحیح بکارهای اصلاح طلبانه‌ای در امور حکومت و دستگاه قضا دست یازید.

منزلت ومقام میرزا ملکم خان ناظم الدوله، و اثر مثبتی که دربیداری ایرانیان داشته است مورد اتفاق اکثر مورخان میباشد: ناظم الاسلام کرمانی درمورد میرزا ملکم خان چنین می گوید: «شرح خدمات لایقات آن مرحوم درجنبش خفتگان وبیداری ایرانیان دفتری علیحده رادرخور است میتوان گفت اول کسی است که تخم قانون دراین سرزمین کاشت ونیز یکی از نویسندگان در مورد او چنین نوشته است: مقام پرنس ملکم خان در ایران همان مقام ولتر، ژان ژاک روسو،

---

۱- میرزا سید جعفرخان مشیرالدوله یکی ازرجالی است که ازاواسط عهد فتحعلیشاه تا اواسط سلطنت ناصرالدینشاه دارای مشاغل مهم دولتی بوده‌است. وی ازاولین تحصیل کردگان اروپاست، درسال ۱۲۳۰ ه‍. ق موقعی که عباس میرزا نایب السلطنه تصمیم گرفت عده ای راجهت فراگرفتن علوم جدید روانهٔ انگلستان کند میرزا جعفر نیز ازجانب ایشان برای تحصیل علوم مهندسی عازم آن مملکت گردید، نامبرده قریب بسه سال و نیم بتحصیل فنون وهندسه وصنایع مربوط بنظام مشغول بود، ودرسال ۱۲۵۲ هجری قمری بعنوان سفارت مأمور عثمانی شد. نقل از تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی ج۲. صفحهٔ ۱۶۴

ویکتورهوگو است درملت فرانسه . فضیلت ملکم خان در اینست که او وقتی سازتمدن آغازنمود که از هزار نفر یکنفر باین مراتب آشنا نبود و کلمات او اثری شایان درقلوب ایرانیان نمود[۱] » .

میرزا یوسفخان مستشارالدوله را که ازرجال و نمایندگان مهم سیاسی عصر ناصری است میتوان ازجمله پیشروان فکر آزادی دانست وی از رجال آزادیخواهی بود که تحت تأثیر تمدن فرانسه و کارهای اصلاح طلبانه عثمانی قرار گرفت، وی از پیروان مسلک ملکم خان بود و درضمن مسافرتهای متعدد خود بخارج با روش حکومت قانونی و افکار آزادیخواهی آشنا شد ، لزوم اخذ تمدن جدید و برقراری حکومت قانون را در ایران در ضمن بیان اصول افکار سیاسی خود در چندین رساله مدون ساخت . کتاب «یک کلمه» او بهترین معرف افکار آزادیخواهانه اش میباشد وخود درمعنی آن چنین میگوید « یک کلمه ای که جمیع انتظامات فرنگستان در آن مندرج است کتاب قانون است که جمیع شرایط و انتظامات معمول بها که بامور دنیویه تعلق دارد در آن محرزومسطوراست ودولت و امت معاً کفیل بقای آن است، شاه وگدا ورعیت ولشکری در بند آن مقید هستند و احدی قدرت مخالفت با کتاب قانون ندارد[۲] » .

علاوه برگروه تحصیل کردگان مکتب غرب دسته دیگری که دراشاعهٔ تمدن تازه وفکر آزادیخواهی مؤثر بودند، طبقهٔ بازرگانان بودند که بسبب رونق تجارت خارجی ایران وافزایش سرمایه، بمنظور صدور کالاهای خود بتأسیس کمپانیهای تجارتی و ایجاد شعب آن در ممالک خارجی اقدام کردند .

این گروه اغلب ازوطن خود دورشدند وبا سیر وسیاحت در دنیای متمدن ( بخصوص در روسیه و عثمانی و هندوستان وانگلیس) وبرخورد باتمدن معاصر اندیشه های نو پیدا کردند وتأثیر این دگرگونی بصورت اموری از قبیل: میل بپرورش وتعلیم فرزندان بسبک جدید وفرستادن آنها بممالک اروپایی و کوشش در تغییر وضع موجود سیاسی مملکت در آن زمان بروزو خودنمایی کرد .

کمی دیرتر پس ازنفوذ سرمایه های خارجی درایران وتعطیل کارخانه های نوبنیادایرانی و بیرونق شدن کارگاههای صنایع دستی وهمچنین بر اثر تعدیات حکام وملاکان فؤدال بطبقه روستاییان وپیشه وران، عده ای از کارگران وروستاییان ناراضی برای جستجوی امنیت و کاربقفقاز روی آوردند واز نزدیک ناظر وشاهد جنبشها وانقلابهای بلشویکی قفقاز شدند، وهم ایشان یک

---

(۱) ـ تاریخ بیداری ایرانیان صفحهٔ ۱۲۱

(۲) ـ فکر آزادی صفحهٔ ۱۸۷

نیروی ملی مبلغ آزادی و جنبش بر ضد استعمار خارجی و طبقه فؤدال داخلی را بوجود آوردند.

بطور کلی تماس و ارتباطی که دردورهٔ سلطنت پنجاه ساله ناصرالدینشاه و همچنین بروزگار مظفرالدینشاه بسعی و اهتمام بعضی از وزراء ورجال خوشفکر آزادیخواه میان ایران واروپا برقرار گردید و مسافرتهای متعددی که هر دو پادشاه مذکور بممالک اروپایی کردند، ایرانیان را از نزدیک با تمدن غربی آشنا ساخت. ازطرف دیگر مأموریتهای سیاسی بعضی ازرجال وعناصر درباری درممالک غربی وگزارشهایی که ازتحولات سیاسی واجتماعی و اقتصادی اروپا وازجمله ازتغییرات در اصول مملکتداری و برقراری حکومت قانون وحاکمیت ملی و تأمین آزادی وتساوی حقوق فردی درممالک غرب بحکومتهای وقت میدادند، افکار بعضی ازاولیای امور را آماده پذیرش تمدن غربی و اقتباس پاره‌ای از اصلاحات در دستگاه حکومت کرد.

مجموع عوامل فوق سبب شد تا ایرانیان خارج ازکشور که از نزدیک ترقیات وتشکیلات جدید اروپایی را می‌دیدند و با قوانین تازه و فرهنگ و تمدن نو آشنا می‌شدند چون بمیهن باز می‌گشتند افکار تازهٔ آنان موجب تغییرات اساسی و نوین درسازمانهای مملکتی و سبب ایجاد تشکیلات تازه فرهنگی گردد ازجمله این تأثیرات، انتظام دستگاه قضایی ایران بسبک جدید بود. میرزا حسینخان سپهسالار بموجب فرمان ناصرالدینشاه در سال ۱۲۷۹ ه. ق کتابچهٔ قانونی که شامل اصول ادارهٔ دیوان عدلیهٔ اعظم بود در دو فصل تنظیم کرد و بموجب آن دستورعمل اختیارات وزارت عدلیه که بصحه شاه هم رسیده بود صادر گردید این دستور عمل تا حدودی از اختیارات وزراء وحکام کاست ودر پاره‌ای ازموارد به نمایندگان عدلیه اجازه داد تا هرگاه ازحکام امری خلاف قانون ببینند بوزارت عدلیه گزارش دهند تا مطلب بعرض شاه برسد وحاکم متخلف مجازات شود[۱].

تحول مهم دیگر تشکیل شورای دولتی یا هیأت وزراء بود: شورای دولتی ابتدا در سال ۱۲۷۵ ه. ق توسط میرزا جعفر خان مشیرالدوله تأسیس شد و شش وزارت‌خانه که عبارت از: وزارت خارجه، وزارت مالیه، وزارت داخله، وزارت جنگ، وزارت وظایف، وزارت علوم باشند سازمان گرفت. بعضی ازرجال کهنه‌پرست که مخالف تغییر اوضاع بودند بسعایت ازمیرزاجعفرخان نزد شاه پرداختند ودرنتیجه شورای دولتی درعمل تعطیل گردید وآنگاه باردیگر «اساسنامه تشکیل

---

(۱) ـ تاریخ اجتماعی واداری دورهٔ قاجاریه ج ۱ صفحه ۹۹

دربار اعظم» که توسط میرزا حسینخان سپهسالار تهیه شده بود بتصویب ناصرالدینشاه رسید.[۱]

در تاریخ دوم شوال ۱۲۸۹ رسماً مجلس مشورت وزراء تشکیل و نه وزارتخانه جدید که عبارت باشند از: وزارت داخله، وزارت خارجه، وزارت جنگ، وزارت مالیات، وزارت عدلیه، وزارت فوائد، وزارت تجارت وزراعت، وزارت دربار و صدارت عظمی، افتتاح یافت.

دیگر از تشکیلات وسازمانهای نوین اداره پلیس وپستخانه واداره پست وتلگراف و تلفون است که چنانکه درفصل آینده درضمن بیان وقایع جنبش مشروطیت خواهیم دید اغلب پناهگاه آزادی‌خواهان و محل تحصن ایشان قرار گرفته است.

تحول بسیار مهم دیگر افتتاح مدارس بسبک جدید ومهمتر از آن پیشرفت مطبوعات وبدنبال آن تشکیل جمعیتها واحزاب پنهانی بود که با انتشار شبنامه ها وبیانیه ها مردم را بشور و هیجان آوردند، ازمؤثرترین عوامل تکان دهنده ملت بود. شبهه‌ای نیست که هریک از تحولات فوق بنوبه خود عامل مؤثری دربیداری افکار بوده وراه را بر پیشرفت بسوی هدف آزادیخواهان و پیشروان انقلاب هموار ساخته است.

تصویب لایحه شورای دولتی مقدمهٔ اصلاح تشکیلات اداری بود وتوانست درعمل مقداری ازقدرت مطلق سلطنت بکاهد، پدیدآمدن وزارتخانه های جدید وتقسیم امورجاری مملکت در دست واحدهای متعدد، ازتمرکز یافتن قدرت تام وتمام دردست صدراعظمهای خودمختار می کاست، از طرف دیگر انجام گرفتن اصلاحاتی درامورقضایی و بتوسط وزارت عدلیه که اختیارات بیشتری

---

(۱) - ازاین نظر که اساسنامه مزبورمقدمات اعطای اختیارات قانونگذاری بهیأت دولت «قوه مجریه» را فراهم میسازد دراینجا متن مقدمه آنرا نقل مینمائیم.

«محسنات تشکیل درباراعظم را مکرربندگان اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه ودولته بیان و تصدیق فرموده‌اند باقتضای همان فرمایشات ملوکانه این دولت ابد مدت باید حکماً یک هیئت رسمی داشته باشد، فوائد چنان هیئت رسمی با منظورات جدید شاهانه از برای دولت علیهٔ ایران محسوس است. بخصوص ازبرای این عهد که بندگان اقدس شاهنشاهی عازم مسافرت فرنگستان هستند درغیاب همایون زیاده ازحدلازم است که دولت ایران یک هیئت رسمی و یک صورت باعظم وشکوهی داشته باشد:

خلاصه اصول درباراعظم راعرض کرده‌ام وچون این معانی دراین صفحات چندان بروزوظهوری نداشته‌اند بنظر خیلی ساده وسهل وبی‌نتیجه خواهد آمد. همین قدرعرض میکنم که انتظام کل اموردولت بسته باین چند فقره مطالب ساده است: نتایج این مطالب را باید درامتحانات سایر دول مشاهده کرد امیدوارم که از یمن تربیت وتقویت همت شاهنشاهی براین اساس ساده یک بنائی ساخته شود که نام نامی شاهنشاهی راتاانقراض تواریخ مایهٔ تشکرات ملت ایران وموجب تمجید کل آیندگان بسازد.» تاریخ اجتماعی واداری قاجاریه ج ۱ صفحه ۱۲.

قابل توجه است که دراین مقدمه، برای بار اول دراسناد رسمی اهمیت رضا و «تشکر» ملت تذکر داده‌شده‌است.

یافته بود موجبات محدود شدن قدرت محاکم شرعی شد که درضمن زمینهٔ نارضائی روحانیان را که جمعی ازایشان بعدها درصف انقلاب جانب مخالفان دولت وقت را گرفتند فراهم نمود.

پیشرفت اموری پست وتلگراف وتلفون وهمچنین اقداماتی که درزمینه راهسازی انجام گرفته بود، ازطرفی وسیله ارتباط نزدیک مردم با یکدیگر وازطرف دیگر عامل تمرکز حکومت و نفوذ او درسراسر مملکت گردید و این هر دو تحول درجریان مشروطیت ایران تأثیر آشکار دارد.

مؤسسات فرهنگی دردنبالهٔ تأسیس دارالفنون در ایران بوجود آمد: دارالفنون همچنانکه درصفحه های پیشین اشاره نمودیم ازاقدامات امیر کبیرودرزمان ناصرالدینشاه بود، مقدمات ایجاد مؤسسه مزبور ازسال ۱۲۶۶ ه. ق با استخدام معلمان خارجی «اتریشی» که تعداد آنها هفت تن بود و هر یک دررشته‌ای ازعلوم و فنون تخصص داشتند فراهم شد [۱] وافتتاح آن در پنجم ربیع الاول سال ۱۲۶۸ ه. ق با وجود مخالفت میرزا آقاخان نوری که پس از عزل امیر کبیر صدراعظم ایران شد ازطرف ناصرالدینشاه صورت گرفت. تأسیس دارالفنون را باید مبدأ تحول فرهنگ ایران دانست، چه اولین مؤسسه فرهنگی بسبک جدید بود که بخرج دولت بوجود آمد و تحصیل درآن مجانی بود.

ازنتایج مفید ایجاد این مؤسسه اشاعه آثار مختلف خارجی در زمینهٔ علوم و فنون جدید در ایران بود، ترجمه و نشر کتب خارجی توسط معلمان اتریشی و فرانسوی و دانشجویان فارغ‌التحصیل آن انجام میگرفت، تأثیر مستقیم افکار معلمان خارجی دربین دانشجویان دارالفنون که از میان طبقات و قشرهای مختلف جامعه گرد آمده بودند عامل مهم دیگر تحول فکری بود...

تعداد دانش‌آموزان دارالفنون دررشته های مختلف درنخستین سال تأسیس بشرح زیر بوده‌است:

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱ - رشته توپخانه | ۲۶ تن | ۴ - رشته سواره‌نظام | ۵ تن |
| ۲ - رشته طب | ۲۰ تن | ۵ - رشته مهندسی | ۱۲ تن |
| ۳ - رشته پیاده نظام | ۳۰ تن | ۶ - رشته معدن شناسی | ۵ تن |
| ۷ - رشته دواسازی | ۷ تن | | |

**جمع ۱۰۵ تن**

لرد کرزن که در سال ۱۳۰۷ ه. ق مطابق با ۱۸۸۰ میلادی بایران مسافرت کرده است، عدهٔ شاگردان دارالفنون را درآن سال حدود ۳۸۷ تن تخمین زده است بدین شرح:

(۱) - مترجمان معلمان مزبورازمیان دانشجویان گسیل شده بفرانسه «۱۲۶۰ هجری قمری» انتخاب شده بودند.

| | | | |
|---|---|---|---|
| ۱- صنف مختلف نظام | ۷۰ تن | ۳- شعبه زبان فرانسه | ۴۵ تن |
| ۲- شعب مختلف علوم و صنایع | ۱۴۰ تن | ۴- شعبه زبان انگلیسی | ۳۷ تن |
| ۵- شعبه نقشه کشی | ۸۰ تن | ۶- شعبه زبان روسی | ۱۰ تن |

**جمع ۳۸۷ تن** [۱]

محمدحسنخان صنیع الدوله ، عدهٔ شاگردان دارالفنون را درسال ۱۲۹۶ هـ. ق مطابق ۱۸۷۹ میلادی بالغ بر ۴۶۵ تن و عده معلمان را جمعاً ۱۱ تن ذکر کرده است [۲].

تاریخ تأسیس اولین دبستان بسبک جدید را سال ۱۲۷۰ ش مطابق با ۱۳۱۴ هـ.ق ذکر کرده‌اند. این دبستان توسط میرزا حسن رشدیه درتبریز بوجود آمد، وباید دانست که در زمان صدارت میرزا حسینخان سپهسالار (۱۲۹۰ هـ. ق) مدرسه‌ای بسبک جدید بنام مدرسه مشیریه در تهران تأسیس یافت درسال ۱۲۹۳ هـ. ق در تبریز مدرسه‌ای بسبک دارالفنون با معلمان ایرانی و اروپائی ازطرف دولت تأسیس شد که میتوان گفت بعد از دارالفنون دومین مدرسهٔ عالی دولتی درایران محسوب میشود.

علاوه بر مدارسی که از طرف ایرانیان درکشور بسبک تازه ونوین تأسیس شد از طرف اقلیت‌های مذهبی وخارجیان نیز مدارسی بوجود آمد که ازآنجمله است :

مدرسهٔ پسرانهٔ آمریکایی دراورمیه درسال ۱۲۵۲ هـ. ق

نخستین مدرسهٔ دخترانهٔ آمریکایی در اورمیه سال ۱۲۵۴ هـ. ق

مدرسهٔ سن‌لوئی بتوسط لازاریستهادرتهران که درسال ۱۲۷۷ هـ. ق افتتاح شد.

مدارس دخترانه درتبریز وارومیه وسلماس واصفهان درسال ۱۲۸۲ هـ ق ازطرف خواهران سن ونسان دوپل برپاشد.

مدارس مشابه که درتبریز درسال ۱۲۹۰ هـ. ق ودرهمدان بسال ۱۲۹۸ هـ. ق ودر رشت در سال ۱۳۰۰ هـ. ق بوجود آمد. درسال ۱۲۹۲ هـ. ق جمعیت خواهران سابق الذکر مدرسهٔ دخترانهٔ سن‌ژزف را در تهران باز کرد. جمعیت آلیانس فرانسه مدرسه ای بهمین نام در تهران درسال ۱۳۱۳ هـ. ق افتتاح کرد ، و جمعیت مذهبی انگلیسی استوارت‌مریال کالج را دراصفهان درسال ۱۳۲۲ هـ. ق و سپس مدارس دیگری‌در شیراز و کرمان و یزد تأسیس کرد [۳].

ازجمله مدارس مهمی که می‌توان آنها را پایگاه دانشگاه در ایران دانست مدرسه علوم

---

(۱) - امیر کبیر وایران صفحه ۱۰۳ (۲) مرآب‌البلدان ج ۳ (۳) - تاریخ فرهنگ صفحه ۳۴۴

سیاسی است که در سال ۱۳۱۷ ه. ق از طرف وزارت امور خارجه تأسیس گشت[1] و همچنین مدرسهٔ فلاحت که در سال ۱۳۱۸ ه. ق پایه گذاری شد.

تأسیس مدارس بسبک جدید توسط اتباع خارجی وهمچنین ایرانیان واستقبال بی‌نظیری که از طرف طبقات خاصی از آنها انجام گرفت درعین اینکه نشانهٔ هوشیاری و بیداری مردم ایران بود بنوبهٔ خود ازعوامل مؤثر روشن شدن افکار عامهٔ ملت نیز گردید، تعداد این مدارس با وجود مخالفت بعضی ازملانمایان بر اثر پشتیبانی و حمایتی که برخی از روحانیان روشنفکر و بنام مانند: شیخ هادی نجم‌آبادی و سید محمد طباطبائی مینمودند رو بفزونی گذاشت و این افزایش که با پشتیبانی توده‌های مردم صورت میگرفت بخصوص در زمان مظفرالدینشاه با توجه بشرایط زمان درخورستایش میباشد.

آمار دقیق وصحیحی ازمدارس قبل از مشروطیت در دست نداریم ولی ناظم‌الاسلام کرمانی تعداد مدارسی را که درعهد مظفرالدینشاه فقط درتهران تأسیس شده‌است درحدود ۴۸ باب میداند درضمن باید دانست که همزمان با افزایش مؤسسات فوق درتهران، درسایر شهرستانها از قبیل آذربایجان، اصفهان، یزد، کرمان، مشهد وهمدان، کرمانشاهان، شیراز، بوشهر، رشت نیزمدارس جدید تأسیس یافته و تعداد آنها رو بفزونی رفته است.

---

تأثیر مطبوعات مطلب دیگری است که شایان توجه میباشد: روزنامه‌ها ومطبوعات بااینکه در اواخر قرن سیزدهم وربع اول قرن چهاردهم به تعداد کم واغلب درخارج ایران انتشار مییافت بازهم ازعوامل عمده انتشارنهضت تجدد طلبی وحکومت ملی بود و درمیان موجبات وعلل بیشمار روشن شدن افکار و استقبال ازحکومت قانون مشروطه، تأثیر بسزائی داشت. ازجمله نخستین روزنامه های ایرانی که بسبک نوین در ایران منتشر شد، روزنامهٔ وقایع اتفاقیه است[2] که بفرمان و هدایت میرزا تقی‌خان امیر کبیر و مدیریت میرزا جبار تذکره‌چی در سال ۱۲۶۷ ه. ق انتشار یافت. مندرجات روزنامه مزبور دردو قسمت وبدون سرمقاله سیاسی وانتقادی واجتماعی حاوی اخبار

---

(۱) - مدرسه علوم سیاسی بهمت میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله وهمچنین میرزا حسن خان مشیرالدوله پسر میرزا نصرالله خان ایجاد شد.

(۲) - اولین روزنامه ایرانی در سال ۱۲۵۳ هجری قمری توسط میرزا صالح شیرازی درزمان سلطنت محمدشاه انتشاریافت ومندرجات آن دردو صفحه حاوی اخبارداخله وخارجه تحت عنوان (اخبارممالک شرقیه) و اخبار ممالک غربیه بوده است.

داخله وخارجه است، مضامین قسمت اول تحت عنوان (اخبارممالک محروسه پادشاهی) بیشتر در زمینهٔ گزارش عملیات دولت وحوادث و وقایع شهری میباشد وقسمت دوم تحت عنوان اخبار دول خارجی یا احوالات متفرقه است که اغلب از روزنامه های خارجی ترجمه ونقل شده است. مضامین قسمت دوم ازآنجاکه شمه‌ای ازاوضاع سیاسی و اجتماعی همراه با سایر مطالب متنوع و مفید ممالک غربی ومتمدن را بدست میداده است شایان توجه میباشد. انتشار روزنامه مزبور با اینکه جنبهٔ انقلابی نداشته است، با گزارش نحوهٔ حکومت ملی و پارلمانی وبخصوص قیام و مبارزات آزادیخواهان و عناصرانقلابی بعضی ازممالک اروپایی ومهمتر ازآن جریان پیشرفتهاوترقیات ممالک غربی درزمینهٔ صنعت جدید، بی تأثیر در هوشیاری ملت نسبت بعقب‌ماندگی خودازتمدن جدید وآگاهی ازتحولات سیاسی و فکری دنیای آزاد وتأثیرصنعت جدیددر بهبود اوضاع اجتماعی آن ممالک نبوده ودرهشیارساختن وبیداری افکارآنها سهم قابل ملاحظه‌ای داشته است. وما دراینجا بنقل بعضی ازمندرجات روزنامهٔ فوق که جنبهٔ دولتی داشته وبموجب فرمان دولت خریداری آن برای پاره‌ای ازطبقات اجباری بوده [۱] و ناچار خواننده بسیارداشته است میپردازیم:

ازآنجمله درشماره ۲٤ پنجشنبه ۱۷ رمضان سنه ۱۲٦۷ ه. ق در اخباردول خارجه خبری از پارلمان انگلیس در آن شماره بدین شرح دیده می‌شود. «چونکه اکثر اهل مشورتخانه در باب بعضی از امورات رأیشان مخالف رأی وزراء است مدتیست که راه بردن امورات دولتی برای وزراء مشکل شده است» و نیزدر شماره ۲٦ پنجشنبه دوم شوال سنه ۱۲٦۷ ه. ق صفحه ٤ ازپارلمان فرانسه چنین خبر میدهد «در مشورتخانه فرانسه گفتگو شده است درخصوص عوض کردن بعضی قانون گرفتن وکلای رعایا و راه بردن امورات دولتی ودراین باب رأی اهل مشورتخانه بسیار مخالف یکدیگر است بعضی میخواهند که پادشاهی دوباره درفرانسه برقرارشود وبعضی رأیشان این است که زور راندن امورات دولتی دردست عامه مردم باشد.»

همانطورکه دربالا اشاره شدمسئله مبارزاتی که‌ملت‌هایی چون ایتالیا واسپانیاداشته‌اند در

---

(۱) ازآنجاکه منظور اعلیحضرت پادشاهی در راه انداختن این روزنامه ترتیب واستحضار وآگاهی عموم خلق این دولت علیه ازاحکام دیوانی واخبار داخله و خارجه است، لهذا حکم و مقرر فرموده‌اند که امناء واعیان وارکان دولت ومقربان حضرت وحکام وعمال ومباشرین وخوانین، معاریف وتجارمعتبر ولایات وخوانین وایل بگیان ایلات وعموم صاحب منصبان نظام برسبیل حکم دیوانی از این روزنامه ها بایدبگیرند وسایرخلق باختیار و میل خودشان هرکس طالب باشد از این روزنامه ها اخبار نماید و بگیرد.....)
روزنامه وقایع اتفاقیه صفحه ۲ شماره ٤۲ سال ۱۲٦۷- ق

اکثر شماره‌های روزنامه مزبور منعکس است وما برای نمونه خبری ازشماره ۱۶۶ پنجشنبه هشتم رجب سال ۱۲۷۰ ه. ق وشماره ۲۰۰ پنجشنبه ۹ ربیع‌الاول ۱۲۷۱ ه. ق از ستون اخبار خارجی نقل مینماییم:

« دراخبار ایتالیا: درزمستان گذشته معلوم شده است که بعضی‌ازاهل آنجا باز بنای برهم زدن پاپا را داشتند بعضی‌شان خیال داشتند که پادشاه بجهت ایتالیا برقرار شود که کل ممالک ایتالیا درزیر حکومت یک پادشاه باشد وبعضی هم خیال اینرا داشتند که درآنجا دولت جمهوریه برپا شود. »

« درمملکت اسپانیول، بنا داشتند درهر بلوکی وشهری چنانکه قاعده دارند وکیل معین کنند که بپایتخت برود و قرار درست در امورات آنولایت بگذارد و لکن هنوز نظم نگرفته است و از طوریکه مردم درفرنگستان گمان میبرند بسیار مشکل است که این‌ولایت نظم درست‌بگیرد. »

و نیز درشماره ۳۶ مورخ ۱۶ ذیحجه ۱۲۶۷ ه. ق درضمن اخبارخارجه از فرانسه به آزادی مطبوعات وحدودآن اشاره کرده وبدینوسیله تصور آزادی قلم‌ومطبوعات را دراذهان بتدریج بوجود آورده‌است. (درولایت فرانسه چونکه مانند ولایت انگلیس واکثر ولایات فرنگستان قانون‌آزادی است روزنامه‌نویسان آنچه دلشان میخواهد درروزنامه مینویسند، مگر چیزی که ضرربدولت‌داشته باشد نباید بنویسند. اما در این روزها بعضی از روزنامه‌نویسان که طالب‌فساد و بهم خوردگی دولت بودند زیاد از قانون خودشان بیرون رفته‌اند آنهارا بعدالت خانه کشیده‌اند و تقصیرشان را ثابت کرده‌اند.»

باید دانست که مطبوعات بطورکلی درعهد ناصرالدینشاه آزادی نداشتند، و اداره‌ای‌جهت سانسور و تفتیش کتب وروزنامه‌ها بسرپرستی محمدحسنخان اعتمادالسلطنه تأسیس شده‌بود [۱]

بااینکه هدف دولت از این‌اقدام کنترل مطبوعات وجرائد انتشار یافته درخارج ازمملکت بود، بازهم‌نشریات وروزنامه‌های‌متعددی بزبان فارسی‌قبل‌ازاعلام‌مشروطیت ازطرف آزادیخواهان درخارج از ایران انتشاریافت وناشران آنها که اغلب درقفقاز، استانبول ، بمبئی، کلکته، مصر و لندن بسرمیبردند باتحمل‌سختیهای فراوان بتوزیع روزنامه ونشریات خود بوسایل پنهانی‌پرداختند و این جرائد را توسط بازرگانان‌و جهانگردان وهمچنین زوار روانه ایران میکردند و ازاین راه در ترویج‌افکار تازه وعلاقه‌مند کردن مردم بحکومت قانون درکشورمیکوشیدند.

---

(۱) ـ المآثروالآثار صفحهٔ ۱۱۷و۱۱۸ .

درمیان روزنامه های ملی که درخارج از کشورمنتشر میشده وبطورمخفی بایران میرسید وتأثیر بسزایی دربیداری افکارو نهضت مشروطیت داشته‌است روزنامه های، قانون، حبل المتین، پرورش، ثریا، اختر، چهره‌نما، حکمت و ارشاد قابل ذکر است.

روزنامهٔ قانون بمدیریت میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله در هشت صفحه بقطع وزیری بزرگ بود و اولین شماره آن در ۳۰ رجب سال ۱۳۰۷ ه. ق درلندن منتشر شد[۱].

مندرجات روزنامه مزبور دردو قسمت زیر عنوان شعارهای «اتفاق وعدالت، ترقی» بعدازعنوان قانون، بتشریح فساد هیأت‌حاکمه ایران می‌پردازد و بلزوم تغییرحکومت وضرورت برقراری‌حکومت دمکراسی‌وتشکیل پارلمان درایران اشاره‌می‌کند وخود این مطلب رادراولین شماره روزنامه مورخ ۳۰ رجب ۱۳۰۷ ه. ق چنین توضیح میدهد «ما چندنفرکه بسعادت بخت و بتقدیر الهی مؤسس این جریده قانون شده‌ایم، برذمت دولت‌پرستی خود حتم کرده‌ایم که از روی علم و سررشتههای دنیا بقدری که درقوه ما باشد بخلق ایران یاد ونشان بدهیم که از برای اجرای قوانین چه نوع همت وچه قسم مساعی بکاربرند.» «وازاین‌ناله ما مقصود بهیچوجه این نیست که یعنی در ایران قانون خوب نوشته نشده است، کتب ما وسینه علمای ما پراست از قوانین خوب حرف در اجرای آنهاست....»

روزنامه قانون در میان روزنامه های ملی‌جنبه انقلابی برگزیده و سهم بیشتری‌نسبت به دیگر جراید در بیداری وتحول افکار توده مردم داشته است و در این مورد ادوارد براون بحق میگوید «این روزنامه در عقاید وافکار مردم‌انقلاب عظیمی‌بوجود آورد، مقام‌وموقعیت تاریخی‌این روزنامه و بطورکلی آثار نویسندهٔ آن از لحاظ سیاسی مأخذ عمدهٔ بانیان انقلاب و تجدد ایران و پدید آورندگان نهضت آزادی بشمار میرود.»

ومادر اینجا بنقل پاره‌ای ازمندرجات شماره‌های مختلف روزنامه مزبورکه مربوط بمجلس و لزوم اجرای قوانین درایران است اشاره می‌کنیم:

درذم‌ازسیاست اداری‌مملکت دراولین‌شمارهٔ روزنامه ۳۰ رجب ۱۳۰۷ ه. ق، چنین‌می‌نویسد: «ایران مملو از نعمات خداداد است، چیزی که همهٔ این نعمات را باطل گذاشته نبودن قانون است هیچکس در ایران مالک هیچ چیز نیست، زیرا که قانون نیست، حاکم تعیین میکنیم بدون قانون، سرتیپ معزول میکنیم بدون قانون، حقوق دولت را میفروشیم‌بدون قانون، بندگان

---

(۱) ـ در روزنامه مزبور بغیر از چند شماره اول تاریخ انتشار آنها دیده نمی‌شود.

خدا را حبس میکنیم بدون قانون، شکم پاره میکنیم بدون قانون، درملکی که هیچکس مأذون نباشد لفظ قانون واسم حقوق بزبان بیاورد.... درملکی که هر جاهل نانجیب بتواند بر مسند وزارت خود را مالک رقاب کل ملت قراربدهد درآن مملکت همت ملوکانه وعدالت ظل الهی‌چه معنی خواهد داشت...»

درصفحهٔ سوم ازشمارهٔ دوم مورخ ۳ شعبان ۱۳۰۷ هـ. ق در باب دستگاه اجرای قانون (مجلس وزراء) درضمن انتقاد ازدستگاه شورای دولتی نظریات اصلاحی‌خودرا با این بیان باولیای امور تذکرمی‌دهد: «اینقدرکه‌از قانون میگوییم، قانون‌را درکجا وچه نوع اشخاص باید‌ترتیب بدهند، ترتیب قانون در ایران باید کار مخصوص مجلس شورای دولت باشد، و از برای اینکه شورای دولت ایران معنی پیدا کند دو شرط لازم است: ۱- حقوق وقدرتی که لازمهٔ این مجلس است بایدباین‌مجلس داده شود، مجلس‌شورای‌دولت بایداختیارکامل‌داشته‌باشد که برجمیع مصالح بزرگ دولت بآزادی مذاکره کند وبر هریک ازمواد لازمه باکثریت آراء وبتصدیق پادشاه‌قوانین وضع کند.» عدد مشیران شورای دولتی‌خیلی کم است، باید دایرهٔ این مجلس رابقدرامکان‌وسعت داد، باید مجتهدین بزرگ و دانشمندان نامی و ملاهای قابل واعیان هر ولایت، حتی جوانان باعلم ازاعضای این شورای کبرا باشند، باید بزرگان دین و دولت وعموم‌ارباب شعورباقتضای بیداری این‌عهد باتفاق‌همدیگر دوراین مجلس را بگیرند وبهرنوع تدبیر بخلق ایران حالی‌نمایند که احیای ایران بسته باجرای قانون واجرای قانون بسته باعتبار وکفایت این‌مجلس است...»

ملکم‌خان درشمارهٔ چهارم روزنامهٔ قانون مورخ ۳۰ شوال ۱۳۰۷ هـ. ق نظریات خود را دربارهٔ تفکیک قوای مملکت براساس حکومت مشروطه ولزوم مجلس شورای‌ملی بیان داشته‌است واین معنی را درمضمون نامه‌ای که قبل ازانتشارجریدهٔ قانون بعرض اعلیحضرت ناصرالدینشاه پادشاه وقت ایران رسانده است بااین عبارات نقل مینماید. «سوء حرکات وزراء ایران بهیچوجه ازسوءخلقت ایشان‌نبوده است، عیب اصلی دراینست که هنوزبه ذهن طوایف آسیا نرسیده است که درمقابل قدرت وزراء چه نوع سد اعتدال میتوان برقرارکرد. درسایر دول بجهت تحدید حرکات حکمرانی، قوانین متین ومجالس معتبر برپا نموده‌اند. شخص یکنفر پادشاه هرقدر هم جامع فضائل باشد چگونه ممکنست به تنهائی بتواند اقتدارعمال یک دولت بزرگ را درهرنقطهٔ اموربر سر اعتدال نگاه بدارد....»

ونیز درشمارهٔ ۶ مورخ ۳ ذیحجه سال ۱۳۰۷ ه.ق. درباب لزوم تأسیس مجلس شورای ملی چنین اشاره مینماید «بعضیها چنین تصور میکنند که ما میخواهیم بواسطهٔ این جریده درایران قانون تازه نشر بدهیم، این تصوربکلی غلط است ما اصلاً حرف ومنظوری نداریم که یک مسلمان باشعورفی الفورتصدیق نکند؛ مثلا ما میگوئیم ازبرای اینکه دولت وخلق ایران بتوانند بعدازاین دردنیا زندگانی بکنند لامحاله بایدجان ومال وناموس وحقوق آنها در پناه عدالتخانه هائی از شر تعدی کاملا ایمن ومحفوظ باشند. میپرسید راه کدام وچاره چیست؟

جواب ما وجواب دنیا منحصر است باین دوکلمه: قانون وقانون. بسیارخوب آقا حرف در اینست که ما این قانون را ازکجا تحصیل بکنیم وچطورمجرا بداریم... و درصفحهٔ دوم ستون اول همین شماره: درمورد حصول قانون با این بیان متذکر میشود: باید اقلا صدنفر از مجتهدین بزرگ وفضلای نامی وعقلای معروف ایران را درپایتخت دولت دریک مجلس شورای ملی جمع کرد وبآنها مأموریت و قدرت کامل دادکه اولاً آن قوانین وآن اصولی که برای تنظیم ایران لازم است تعیین وتدوین ورسماً اعلام نمایند. ثانیاً موافق یک قرارمضبوط خود را یعنی آن مجلس شورای ملی را مواظب ومراقب و موکل اجرای قانون قرار بدهند. بدون این شرط آخری یعنی بدون وجود یک مجلس ملی که دائم مراقب اجرای قوانین باشد، بهترین قوانین دنیا بی‌اثر و بی‌معنی خواهندماند.» ونیز درشمارهٔ ۱۸ ازروزنامه مزبورملکم خان لزوم مسؤلیت هیأت وزراء را در مقابل مجلس شورای ملی با این بیان توضیح میدهد: «همه وزراء باید درحضورمجلس شمامسئول باشند یعنی مجلس شما حق خواهد داشت که هر وزیری که درادارهٔ اموردولت برخلاف قانون حرکتی کرده باشد اورا بمقام محاکمه بیاورد وپس ازاثبات تقصیر اورا موافق قانون تنبیه نماید.» در بارهٔ وظایف مجلس در همین شماره چنین اشاره مینماید. جمع وخرج دولت باید تماماً باطلاع و باجازه مجلس شما باشد باین معنی که هرسال قبل ازوقت باید بحکم یک قانون صریح نقطه به نقطه مقرربدارید که وزراء دولت باید چقدرمالیات بگیرند وبچه تفصیل خرج بکنند. باید نصب شمادر این مجلس مشیران بحکم قانون، وانفصال شما ازاین مجلس بحکم قانون باشد دراکثرشماره‌های روزنامهٔ قانون، علاوه برسرمقاله های انتقادی، صفحات روزنامه بنقل نظریات و عقاید آزادیخواهان وپیروان مکتب آدمیت، بصورت نامه های رسیده بدفترروزنامه وگاهی جوابهائی که

بآنها داده میشود اختصاص دارد. وما بنقل ازشمارهٔ ۶ روزنامهٔ مزبوربنامهٔ یکنفر ازتجار قزوین که بروزنامهٔ مزبورفرستاده است اشاره می کنیم.

درشماره ششم مورخ ذیحجه سال ۱۳۰۷ ه. ق. صفحه ۳ تحت عنوان مضامین ومطالبی که ازایران رسیده، چنین آورده است: « یکی ازتجارقزوین مینویسد، کسی نیست ازاین جوان نجیب بپرسد؛ این حقوق واین امتیازات دولت مارا بچه قانون باوباش خارجه میفروشد، این معاملات تجارتی موافق شرع اسلام وموافق‌قانون هردولت، حق ومال خلق این ملک است، این‌معاملات وسائل و سرمایه گذران ما هستند. شما این وسائل گذران مسلمین را بچه جسارت بکفارسیفروشید مگر خلق ایران واقعاً مرده‌اند که ترکهٔ آنها را اینطورحراج میکنید...»

جواب: سرکارتاجر، اینها حق دارند که مارا یکلی مرده بدانند. درملکی که یک شعاع حیات دیده میشود ودرگروهی که یک رگ حس باقی مانده باشد کدام‌وزیر نجیب میتواندااینهمه حقارت وپریشانی را برآن ملک بارنماید.....»

چون ناصرالدینشاه از ورود روزنامهٔ « قانون » بایران ممانعت کرد ، شماره های روزنامهٔ مزبور بوسائل پنهانی‌بایران میرسید ودرمجامع نهانی که ازپیروان مسلک و مکتب ملکم تشکیل می‌شد قرائت میگردید.

دیگر از روزنامه های معروف که تأثیر مهمی در انقلاب ایران برعهده داشته‌است روزنامهٔ « حبل المتین » است که درکلکته ازسال ۱۳۱۱ ه. ق. مطابق با ۱۸۹۲ میلادی بمدیریت سید جلال‌الدین الحسینی ملقب بمؤیدالاسلام انتشار یافت. بااینکه توزیع این روزنامه در ایران ازطرف دولت بمدت‌چهارسال‌ممنوع گردیده بود، بازهم آن روزنامه بوسائل‌مختلف بایران می‌رسید و خوانندگان بسیاری داشت. حبل المتین قبل از مشروطیت با تیراژ پنجهزار نسخه در هفته منتشر میشد، ولی‌پس‌ازاعلان مشروطیت و آزادی مطبوعات روزنامهٔ حبل المتین بصورت روزانه و درخودایران انتشاریافت(۱) روزنامهٔ‌مزبوردرمیان‌روزنامه هایی که درخارج انتشار پیدامیکرد ، دربیداری افکارایرانیان تأثیر بسزایی داشت وحاوی اخبارداخله ایران واخبارسیاسی واقتصادی ممالک غربی‌بود وبطرق‌مختلف اوضاع اجتماعی‌ایران‌را انتقاد میکرد وبا نشان دادن‌پیشرفت‌های

---

(۱) - روزنامه مزبوربمدیریت میرزا سید حسن کاشانی درسال ۱۳۲۵ هجری قمری انتشارمییافت

ممالک غربی ومتمدن اثبات می کرد که پیشرفت ایران دراستقرار حکومت قانونی و اخذ تمدن غرب میباشد. و برای مثال و نمونه یکی از سرمقاله های آنرا تحت عنوان «اصلاحات جدید یا خیالات عالیه وزیر اعظم» نقل می کنیم.

درشماره ۳۷ - ۱۳ ربیع الثانی سال ۱۳۲۲ ه. ق. دراثبات حکومت قانون بمنظور اصلاح اوضاع ایران چنین می نویسد: «فعلاً امور یکه محتاج باصلاح و قوام ملک وملت منوط بوجود آنها میباشد، امر یست چند که بترتیب ذکر نموده صورت اصلاح هریک ازآنها را مینماییم. اول آنها که عمده و مهم ازهمه و دوام سلطنت وترقی و پیشرفت کاردر جمیع امم منوط بوجود او شناخته شده وضع قوانین اساسی است مملکتی که دارای قانون نباشد، امید ترقی وفلاح ازآن مقطوع است»...

ودرجای دیگر ازاین مقاله گوید: «بالجمله بجهت جعل قانون لازم است جمعی از مردمان بااطلاع ازقوانین دول وهم ازقانون اسلام گردشوند تا آنچه را مناسب ملک ودولت وملت وموافق شریعت اسلام یافته است انتخاب نمایند، اول باید ترجمهٔ قوانین دول متمدنه را نموده بعداز آن میزان هریک را با علت بطریق تناسب موازنه کرد تاهر کدام مناسب حال امروزی مملکت است انتخاب شود ونیز باید دانست که دراین کارشخص واحد هر چند با علم واطلاع باشد نمیتواند قانونی برای یک مملکت وضع نماید، پس ناچار محتاج بوضع انعقاد مجلس است.

بعضی مردمان ناقص العقل بی اطلاع را عقیده براین است که جعل قانون و وضع نظام و ترتیب صحیح منافی با استقلال سلطنت و مانع از اختیارات کاملهٔ ذات اقدس همایونی است وحال آنکه این خبطی است بزرگ وخطائی فاحش. زوال سلطنت وانهدام درمملکتی ممکن نیست مگر دربی قانونی وظلم شدید که خلق ازشدت ظلم واعتساف بستوه آمده اقدام بحرکات ناشایسته نمایند. وبالعکس عدل موجب تعمیر بلاد ورفاه عباد و امتنان از ذات اقدس همایونی و تشکر و دعا گوئی درحق دولت است وعمدهٔ فایده آن راجع بشخص سلطان است... آقا میرزا علی اصغر خان صدراعظم سابق ایران دید اجرای قانون منافی باخیالات او است چرا که درظل قانون حیله وتقلب ودسیسه کمتر ممکن شود وسد مداخل وهواجس نفسانی وخیالات شیطانی عام وخاص خواهدشد، ونیز مملکت ایران ترقی فوق العاده حاصل نموده تالی ژاپون شده که امروزبایکی ازقویترین دول اروپ دعوی تقابل بلکه تقدم وتفوق مینماید (راستی خوبست دراینجا شمه‌ای ازوضع مجلس شورای - دولتی ژاپون ذکر شود ومعلوم گردد که در سایه نظام صحیح چه کارها میتوان کرد) پس از

توصیف ازسازمان دومجلس درمملکت ژاپون چنین ننیجه میگیرد ... « حالا بایدتصورنمود که‌آیا بواسطه افتتاح این دو مجلس ووضع قانون دراین مملکت هیچ صدمه‌ای بعزت وسلطه ونام میکادو وارد شده؟ ... همه کس میداند که هیچیک ازاینها نشده وبالعکس ملت اورا پرستش مینماید و پدر بلکه خدای خود میشناسند نام نامیش عالم را فراگرفته، درپرتو همین دو مجلس وقانونست که این همه ترقیات محیرالعقول حاصل نموده وبر چین مسلط شده، کوبا را تصاحب کرده‌وامروز دولت روس را متزلزل نموده است.

درباره روزنامهٔ حبل‌المتین درتاریخ جرائد ومجلات چنین‌آمده است: « این روزنامه بزرگترین خدمت را ببرقراری اساس مشروطیت وآزادی ایران نمود، مدیر این روزنامه ازپیروان سیدجمال الدین اسدآبادی است و درسال ۱۳۱۱ ﻫ. ق. که درهندوستان بود وسید جمال‌الدین هم در انگلستان وپرنس ملکم‌خان وزیرمختارایران درلندن بود، درنتیجه‌مکاتبات بین‌سه نفرآزادیخواه نامبرده چنین اتفاق نظر حاصل شد که ایرانیان‌احتیاج بانقلاب ورفرم فکری دارند واین‌انقلاب جز ازراه جراید آزاد طریق دیگر ندارد ، این هم‌آهنگی بین‌سه نفر فوق باعث انتشار روزنامهٔ‌قانون درلندن وحبل‌المتین درکلکته گردید(۱).

روزنامهٔ پرورش و ثریا را بعد از روزنامهٔ قانون میتوان از مهمترین روزنامه‌هـای انقلابی دانست ادوارد برون برای روزنامه‌های فوق سهم عظیمی درتهییج و بیداری افکارعامه قایل‌است واین‌دو روزنامه را منادی شکایات ومظهر عدم رضایت ونفرت عامه ازاصول ادارهٔ موجود وهیأت حاکمه میداند(۲).

روزنامهٔ پرورش درقاهره بسردبیری ومدیری میرزا علی محمد پرورش بطورهفتگی درسال ۱۳۱۸ ﻫ. ق. مطابق ۱۹۰۰ میلادی و روزنامهٔ ثریادر قاهره بمدیریت میرزا علی محمدخان کاشی بطورهفتگی بسال ۱۳۱۶ ﻫ. ق. مطابق ۱۸۹۸ میلادی منتشر شده است.

روزنامهٔ اختر را باید اززمرهٔ نخستین روزنامه‌های فارسی که درخارج ازایران انتشار پیدا کرده دانست، روزنامهٔ مزبوردراسلامبول بمدیریت محمد طاهر تبریزی درسال ۱۲۹۲ ﻫ. ق. منتشر شده ومطالب آن تأثیری عمیق درافکارباقی گذاشت.

---

(۱) ـ تاریخ جرائد ومجلات تألیف محمد صدرهاشمی ج ۲

(۲) ـ تاریخ مطبوعات ادوارد برون: ج ۱

بطور کلی سهم روزنامه هایی که درخارج ازایران انتشارمییافت بسبب آزادی قلم درشکل دادن بافکارعمومی وبازکردن راه انقلاب مشروطیت قابل ملاحظه بوده است.

پس ازاعلام مشروطیت وآزادی مطبوعات تعداد وتیراژ روزنامه ها افزایش کلی یافت چنانکه ازمجموع ۲۱۰ روزنامه‌ای که ازسال ۱۲۵۳ ه. ق. چه درایران وچه درخارج از ایران و بزبان فارسی ازطرف ایرانیان تا تاریخ ۲۵ - ۱۳۲۶ ه. ق. انتشاریافت، بیش از ۵۰ درصد آنها درخلال سالهای ۲۵و۱۳۲۶ ه. ق. وبعدازمشروطیت بوده است. بموجب آماری که ادواردبرون میدهد، تیراژروزنامه ها پس از انقلاب افزایش قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد چنانکه تیراژ روزنامهٔ مساوات که ازجراید مهم ومؤثر انقلاب شمرده میشدبه ۳ هزار و ازآن روزنامهٔ صوراسرافیل به ۵ هزارو تعداد نسخ روزنامهٔ مجلس بتدریج از۷ هزاربه ۱۰ هزار و از آن روزنامهٔ انجمن ملی تبریز به ۵ هزارنسخه میرسیده است. روزنامهٔ صوراسرافیل درتهران بمدیری میرزا جهانگیرخان شیرازی ومیرزاقاسم خان تبریزی درسال ۱۳۲۵ ه.ق. منتشرشد وبسبب تفسیرونشراخبار سیاسی روز تحت عنوان چرند وپرند بقلم علی‌اکبر خان دهخدا محبوبیت بی‌اندازه‌ای پیدا کرد ومورد پسند کلیه طبقات ملت قرارگرفت ومادر اینجا بعنوان نمونه بنقل یکی ازسرمقاله های روزنامهٔ فوق تحت عنوان چرند و پرند که با سبک و شیوه خاصی به تحلیل اوضاع سیاسی و اجتماعی روز پرداخته است میپردازیم.

دهخدا در شماره ۲۹ روزنامه صور اسرافیل با قلمی شیرین و ساده مسئله نفوذ و مداخله خارجیان را در امور داخلی ایران و مخالفت آنها را با هرگونه اجرای نقشه های مترقیانه بیان - داشته است: «همهٔ ملل دنیا چه بواسطه اخبارانبیاء وچه بواسطهٔ پیش بینی حکمای خود منتظرند که یکروز دنیا نمونهٔ بهشت عدن بشود، ماایرانی‌ها هم درقدیم می گفتیم که نور بر ظلمت غلبه کند وحالا میگوئیم زمین پر ازعدل وداد شود پس از آنکه پر از ظلم وجور بود.

من هر چه که ایرانی و مسلمان بودم اما بازگاهی که محمداوف‌ها را در آذربایجان و مرتضویها را در «زنوز» وصدرالعلماها را دریزد وشریعتمدارها را دررشت واقبال‌الدوله ها را در محمدآباد، وحاجی ملک‌التجارها را درگودزورخانه، ومجدالاسلام ها را درسفارتخانه ها میدیدم یک‌چیزی مثل بال بعوضه برخلاف عقیدهٔ مذهبی‌خودم بذهنم خطورمیکرد ومیگفتم بلکه استغفرالله

استغفرالله این اخبار راجعهٔ باصلاح دنیا مثل خیلی از مطالب دیگر برای ارشاد عوام و محمول برحکمتی باشد، اما بعد زود ملتفت میشدم که این وسواس شیطان است که میخواهد عقاید مرا سست کند آنوقت زود دودفعه استغفارمیکردم ویکدفعه‌میان‌انگشت شست وسبابه‌ام را گازمیگرفتم ودوسه دفعه تف تف میکردم وازگیر شیطان لعنتی‌خلاص میشدم. اماحالا دیگر بدون‌یک ذره تردید می‌فهمم که راستی راستی دنیا رو بترقی میرود وبنی نوع انسان روزبروزبمحبت‌ومودت‌نوعی وانتشارعدالت مطلقه دردنیا میل‌میکنند وازین معلوم میشودکه واقعاًیکروزدنیا پرازعشق‌ومحبت وتسویه وعدالت کلی شده «دورهٔ طلائی» شعرا برمیگردد. برای اثبات این مدعا مجبورم که‌مثالی برای شما بیاورم که قدری مطلب واضحتر بشود.

درزمان طفولیت در «برلن» یک روزتعطیل صنیع‌الدوله ازمدرسه بیرون آمده بحوالی شهر بگردش رفت هوا خیلی سرد وبقدریکوجب هم برف روی زمین نشسته بود خود صنیع‌الدوله هر چند لباسهایش کوک بود اما باز احساس سرما را بخوبی میکرد. یکدفعه دید که صدای سوت «ماشینی»بلند شد و پشت سرش سروکلهٔ «لوکوموتیف»بادویست وپنجاه‌وپنج‌اطاق وهفت هزار و پانصد ونود ویک مسافر نمودارگردید. صنیع‌الدوله گذشته ازاینکه ازتماشای این‌منظرهٔ غریب خیلی خوشش آمد بفکر عمیقی هم فرو رفت، درآن عوالم بچگی بخودش میگفت که ببین این مسافرها ازکجا میآیند؟ ازچین؟ ازماچین؟ ازجابلقا جابلسا؟ نزدیکیهای کوه قاف خدا میداند، اما ببینید که چطوردرین هوای سرد اطاقها شان‌گرم، ناهار و شامشان حاضر. اسباب شست وشوشان مهیا وکتاب و روزنامه شان آماده مثل اینکه درست توی خانه‌های شخصی خودشان هستند! بعدازاین فکرها گفت: خدایا من نذرکردم که اگر این هفته یک کاغذ خوبی ازتهران رسید همانطورکه استدعاکردم هفته‌ای «دومارک»بخرج جیبی من افزودند منهم وقتی بزرگ شدم و به‌تهران برگشتم درایران ازین راه آهن‌ها درست کنم.

اواین خیالها را درخاطر جولان میداد وقطارراه‌آهن هم کم کم ازو دورمیشد تا وقتی که بکلی ازنظرش ناپدید شد واو هم برای پختن این فکر تازهٔ خودش بمدرسه برگشت. این خیال عهدکودکی عادةً بایستی چند دقیقه، چند ساعت یانتها دو سه‌روز دوام کرده و بعد فراموش شود، اما بعکس هرچه صنیع‌الدوله بزرگتر شد این خیال هم بااو بزرگ شد. کم کم دیگرشبها

نخوابید روزها آرام نگرفت هی نوشت و نوشت حساب کرد نقشه کشید تاوقتی که بعد ازسی چهل سال وزیر مالیهٔ ایران شد. حالا دیگر وقتی بود که خیالات چهل ساله خودش را بمحل اجرا بگذارد. حالا موقعی بود که تمام شهرهای ایران را بواسطه راه‌آهن بهم متصل نماید، امااینکار پول لازم داشت، بخزانهٔ دولت نگاه کرد دید مثل مغز منکرین استقراض خالی است، بدهنهٔ جیب تجارو شاهزادگان ایران تماشا کرد دید با قاطمه بخیهٔ دورو زده‌اند عاقبت عقلش باینجا قد داد که یک مالیات غیر مستقیم ببعضی ازواردات ببندد وبوسیلهٔ این مالیات کارخیال یک عمرخودرا محکم کند و راستی هم نزدیک بود کارتمام بشودکه یکدفعه برادرهای روز بدندیده، در تمام انگلستان، درتمام روسیه یک شورو غوغائی برپا یک قیامت والم‌سرائی‌راه افتاد که نگو ونپرس، داد، فریاد، بگوواگو، قشقرق همهٔ دنیا را پر کرد. این شورو غوغا ازکجا بود؟ ازطرف انجمنهای حامیان حیوانات «سوسیته پروتکتوردانیمو» شاید بعضی هموطنان ما اسم این جمعیت را نشنیده و ازمقصود آنها اطلاعی نداشته باشند، بله، اروپائی‌ها عموماً و همسایه‌های ما خصوصاً همانطور که انبیاء خبر داده‌اند و حکما پیش‌بینی کرده‌اند کارعدل وانصاف و مروت را بجایی رسانده‌اند که گذشته ازاینکه هوادارتمام ملل مشرق‌زمین میباشند، گذشته ازاینکه میلیاردها برای آزاد کردن سیاه‌پوستها خرج میکنند حالا میگویند که ما حیوانات را هم نمیگذاریم بعدازاین اذیت کنند، بحشرات وسباع هم مانع میشویم که آزاری وارد بیارند، ازین جهت انجمن‌ها مجمعها، جمعیت‌ها و هیئت‌های بزرگ برای اینکارتشکیل کرده‌اند. حالا لابد خواهید پرسید که این انجمنها چه ربطی براه‌آهن ایران دارد - هان! همین‌جاهاست که‌من‌میگویم شما ازمرحله‌پرتید!! درست گوش بدهید ببینید اگر ایندو مطلب من بهم ربط نداشت من هم اسم خودم‌را برمیگردانم وبجای دخو بعد ازاین بخودم وکیل خطاب میکنم. خوب ما گفتیم که انجمن‌های زیاددراروپا تأسیس شده که مقصودش حمایت حیوانات است، بله! جناب صنیع‌الدوله هم میخواهد درایران راه‌آهن بکشد همچو نیست؟ خیلی خوب، نتیجه چه خواهد شد؟ نتیجه این نخواهد شد که‌چل صد هزارهزاررأس الاغ، یابو، شتر وقاطر دستشان را بگذارند رو هم بنشینند و مثل انجمن شصت نفری بعد ازتشریف‌فرمائی احتشام‌السلطنه و میرزاآقای اصفهانی بربر بروی هم نگاه کنند؟.

خوب، اینها زبان ندارند که مثل جناب سعدالدوله بردارند روزنامه چاپ کنند و بگویند بی‌انصافها چراکارما را ازدست ما میگیرید؟ چرا مارا خانه‌نشین‌میکنید؟ اما انصاف و مروت

اروپائیها که جائی نرفته، فطرت پاک آن آسایش‌خواه‌های عمومی که سرجای خودش است. این بود که آنها هم برداشتند تلگراف کردند بسفارت‌خانه‌های خودشان که باین ایرانی‌های وحشی بگوئید که اگر شما راه‌آهن کشیدید و حیوانات بارکش را بیکارو سلندر گذاشتید ماهم از روی قوانین حقوق بین‌الملل حقاً میآئیم وشما را مثل «کپسول‌سانتال» و «کوپاهو» دانه دانه قورت میدهیم.

حالا راستی راستی که نمیآمدند مارا قورت بدهند. اما ازهمین اقدامات بما ایرانیها بلکه تمام ملل مشرق‌زمین فهماندند که «عصرطلائی» برگشته، زمان ظهوراخبارانبیاء وحکماءنزدیک شده وآسایش‌مطلقه تمام دنیا راازماهی‌های‌دریا تامرغهای‌هوا فراگرفته‌است. منتهی همسایه‌های نوع پرست ما درین راه پیش قدم شده‌اند. باری مطلب خیلی داشتم و میخواستم بیش ازین دردسر بدهم. اما نمیدانم چطورشد که حواسم رفت پیش عهدنامه‌های منعقدهٔ مابین دولت‌علیهٔ ایران ودول متحابه وبعدهم این شعر عربی امرؤالقیس یادم آمد که میگوید:

«ازچشم خود بپرس که‌مارا که میکشد جانا گناه طالع وجرم ستاره چیست؟»

بی‌مناسبت نیست درمیان روزنامه‌هائی که پس ازپیروزی نهضت مشروطیت درایران‌انتشار پیدا کرد از روزنامهٔ مجلس بمدیریت میرزا محمد صادق طباطبائی نام برد. روزنامهٔ مزبور در سال ۱۳۲۴ ه. ق مطابق با ۲۵ نوامبر ۱۹۰۵ میلادی بطور روزانه در تهران انتشار یافت واخبارمجلس اول را منتشرکرد.

ازروزنامه‌های معروف وانقلابی دیگرکه بعدازنهضت مشروطیت انتشارپیدا کرد روزنامه ایران نو «ارگان حزب دموکرات ایران» است که اولین روزنامه بسبک اروپائی بود، مطالب و مندرجات آن با اینکه مورد اعتراض روحانیان نجف واقع شد وبیانیه‌ای نیز مبنی بر منع مسلمانان ازمطالعهٔ آن صادرگردید بازهم ناشر آن با پشتکاری‌خستگی‌ناپذیر علی‌رغم‌توقیفهای متعدد بکار خود ادامه داد. روزنامهٔ مزبور بمدیریت سید محمود شبستری آذربایجانی ملقب به ابوالضیاء و نویسندگی‌محمد امین‌رسول زاده درسال ۱۳۲۷ ه. ق درتهران انتشاریافته‌است ازجمله‌انتشارات و مطبوعات دیگری که کمک شایان توجهی به بیداری ایرانیان کرد، کتابهای حاج میرزا عبدالرحیم نجارزاده طالبوف تبریزی(احمد، مسالک‌المحسنین، مسائل‌الحیات) وهمچنین سیاحتنامهٔ ابراهیم بیک است که انتشارآن با دوران طغیان ونارضایی‌مردم مقارن بوده ومطالب ومندرجاتش

موجبات تحریک حس نفرت و انزجار آنها را نسبت باصول حکومت وقت بر میانگیخته است ، دیگر از کتابهای معروف دراین زمینه کتاب حاجی بابا تألیف سرجان موریه منشی اول سفارت انگلیس در ایران معاصر فتحعلیشاه است که توسط شیخ احمد روحی کرمانی از انگلیسی بفارسی ترجمه شده است.

شبنامه ها نیز از جمله انتشاراتی است که در تهییج افکار مردم بی‌تأثیر نبوده ، تاریخ انتشار شبنامه را باید درحدود سالهای ۱۳۱۹-۲۰ ه. ق دانست واولین مرتبه درتبریز ازطرف علیقلی‌خان صفراف مدیر روزنامهٔ هفتگی احتیاج وپس ازآن ازطرف اعضاء انجمن مخفی شبنامه هائی ژلاتینی که مضمون اکثر آنها انتقاد ازهیئت حاکمه وقت ومخالفت با اتابک‌اعظم «امین‌السلطان» بود منتشر شد. ادوارد برون ازشبنامه‌ای بنام شاهسون که دراسلامبول انتشار یافته ومندرجات آن درذم ازروش دیرین واصول ادارهٔ حکومت بوده است و همچنین از نشریات مخفی دیگری تحت‌عنوان لسان‌الغیب وغیرت وشبنامهٔ ژلاتینی‌بنام نشریهٔ حمام ذکری بمیان‌میاورد.

***

پس ازجراید و مطبوعات باید دربارهٔ تأثیر انجمن ها واحزاب سیاسی سخن گفت، گرچه‌آغاز تشکیل گروههای متشکل ملی وسیاسی بصورت انجمن وحزب را باید بعد از اعلام مشروطیت دانست ولی ناگفته نماند که قبل ازفرمان مشروطیت با وجود فشاراستبداد جمعی ازآزادمردان و روشنفکران بمنظورترویج افکارنوین وفلسفهٔ آزادیخواهی مجامعی سری وپنهانی بطورنامنظم تأسیس کردند اعضای‌انجمنهای مزبور درضمن فعالیتهای‌مختلف ازجمله تهیهٔ‌مقالات سودمند ودرج آن درروزنامه های فارسی که درخارج ازمملکت انتشارمییافت وهمچنین پخش وتوزیع شبنامه ها و بیانیه ها و رساله های مختلف در زمینهٔ حکومت قانون و با توزیع روزنامه هاییکه در خارج انتشار می‌یافت‌وحاوی مطالب مفید ومتنوع تمدن و علم جدید و اصول حکومتهای آزاد بود به بیداری افکارعامه کمکهای شایان وثمربخشی کردند.

نخستین مجمعی که تحت عنوان جمعیت سیاسی وگروه متشکل ملی که قبل ازاعلام مشروطیت درایران تشکیل یافت. جمعیت فراماسون بنام انجمن فراموشخانه بود که‌بعدها بنام انجمن آدمیت معروف شد. انجمن مزبوربهمت میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله درحدود سال ۱۲۷۶ ه. ق درایران تأسیس شد هدف اصلی ملکم خان در این انجمن آشنا ساختن ملت بنظام و تمدن جدید دول اروپایی وتبلیغ آزادی وحمایت ازبرقراری حکومت‌مشروطه ودفاع ازحقوق‌فردی تغییر اساس رژیم حکومت وقت ایران بود. عده زیادی ازاعیان وشاهزادگان وروحانیان وهمچنین

جوانان روشنفکر فارغ التحصیل دارالفنون ازاین مجمع وافکارو مرام ملکم استقبال کردند و بدان پیوستند، تبلیغات اعضای آن ابتدا بطورمحرمانه صورت میگرفت، انجمن مزبورنظر بمخالفت درباریان وبخصوص شخص ناصرالدینشاه بصورت‌ظاهر برچیده شد و از طرف شاه اعلامیه‌ای مبنی برتعطیل انجمن مزبور در روزنامهٔ دولتی منتشر شد و عده بسیاری ازرجال و طرفداران این‌مرام تبعید شدند و تحت‌تعقیب قرارگرفتند (۱).

ناظم‌الاسلام کرمانی درباره مجمع‌فراموشخانه وتأثیر مرام آن درافکارمردم‌چنین یادمیکند: میرزا ملکم‌خان برای اتحادکامل بین ارباب حل وعقد وازبین بردن نفاق ملت و دولت و دربار مجلسی درتهران تشکیل داد. ولی منافقین درباری ودشمنان ترقی ایران او را بدخواه دولت‌قلم دادند وموجبات تعطیل فراموشخانه را فراهم نمودند[۲]

ولی باید دانست که پس از بقتل‌رسیدن ناصرالدینشاه وآزادی نسبی که در زمان سلطنت مظفرالدینشاه برای فعالیت روشنفکران واصلاح‌طلبان بوجود آمد، زمینهٔ تشکیل مجامع‌وانجمنهای ملی که فعالیت پنهانی داشته‌اند وجلسات آنها بطورسری تشکیل میشده درتهران و در بعضی از شهرستانها ازجمله کرمان و اصفهان وتبریز فراهم شد، ازجمله روشنفکرانی که شیفتهٔ آزادی و از پیروان مکتب ملکم بودند و با تبعید وی بخارج از ایران ، ازفعالیت خود درراه نشر افکار نوین ودنبال کردن مرام اودست برنداشتند، اعضای انجمن، جامع آدمیت را برهبری‌میرزا عباسقلیخان آدمیت که از پرورش یافتگان مکتب ملکم و پیرو افکار وی بود ، تأسیس کردند ، انجمن‌مزبور مروج افکار آزادیخواهی‌وطرفدارآثارو عقاید ملکم‌خان بود که خوداو در آن زمان در خارج‌ازایران بسرمیبرد، وتوان گفت‌انجمن‌مزبور شاید تنها گروه متشکل سیاسی‌بود که درمسیر انقلاب‌مشروطیت

---

(۱) ـ متن اعلامیهٔ دولت که در تاریخ پنجشنبه ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۲۷۸ هجری قمری درروزنامهٔ دولتی منتشرشده است «دراینروزها بعرض رسید که بعضی‌ازاجامر واوباش شهر گفتگو ازوضع وترتیب‌فراموشخانه های (یوروپ) میکنند وبترتیب آن اظهارمیل مینمایند. لهذا حکم صریح همایون شد که اگر بعدازاین عبارت‌ولفظ فراموشخانه ازدهن کسی بیرون آید، تاچه رسد بترتیب آن مورد کمال سیاست وعقوبت دولت خواهد شدالبته این لفظ را ترک کرده وپیرامون این خرافات نروند که یقیناً مواخذهٔ کلی خواهند دید)
اقتباس ازکتاب فکرآزادی تألیف دکتر فریدون آدمیت وجزوه دوم رهبران مشروطه (تألیف‌ابراهیم‌صفائی)

(۲) ـ تاریخ بیداری ایرانیان صفحه ۱۱۸ ـ ناگفته نماند که دولت روسیه نیز با انتشار افکار فراماسونی در ایران موافق نبود وبا تلقینات وتحریکات دائمی خود بناصرالدینشاه ذهن ویرا متوجه خطر مرام انجمن مزبور می کرد وبدین‌وسیله ازانتشار افکار وفعالیت آشکار آنها جلوگیری‌می‌شد.

وتعطیل بعدی آن توسط محمدعلیشاه براساس نوین منظم حزبی فعالیتهای پنهانی داشته است ۱ قبل از آغاز انقلاب وجنبشهای عمومی وملی ایران « ۲۳-۱۳۲۴ ﻫ. ق» جمعی از آزادمردان که در دورهٔ استبداد ناصری نیز جلساتی با گروههای کوچک وپراکنده بدون فعالیت مداوم داشتند در تاریخ ۱۲ ربیع الاول سال ۱۳۲۲ ﻫ. ق مجمعی عمومی بنام انجمن مخفی با عضویت قریب ۶۰ تن از سران آزادیخواهان درتهران تشکیل دادند، هدف اعضای انجمن برقراری آزادی و مخالفت باحکومت استبداد بود و قطعنامه‌ای تحت ۱۸ ماده تنظیم کردند ، بموجب ماده نهم و دهم و یازدهم قطعنامهٔ مزبوراعضاء انجمن موظف بودند با وسایل مختلف در بیداری افکار وتوسعهٔ فرهنگ بکوشند وباتهیهٔ مقالاتی درذم حکومت استبداد ودرج آن درجراید وهمچنین با انتشار شبنامه هایی مردم را بحکومت قانون وآسایشی که ازراه حکومت ملی حاصل میشود آشنا سازند، ناگفته نماند که درمورد تشکیل انجمنهای مخفی درتهران محمد ناظم الاسلام کرمانی مؤلف تاریخ بیداری ایرانیان، نخستین مجمع عمومی آن را بتاریخ ۱۸ ذیحجهٔ سال ۱۳۲۲ ﻫ. ق یاد می کند و درضمن توضیح می دهد که انجمن مزبور برهبری سید محمد طباطبائی و بنیانگذاری مؤلف تاریخ مذکور تشکیل یافته است (۲)

بطور کلی هدف اعضاء انجمن مخفی بموجب ماده اول نظامنامهٔ انجمن مخفی، بیداری ملت و آگاهی او بحقوق حقهٔ خود واجرای قانون اسلام وقوانین عرفی بوده است تا بتواند سلطنت را مشروط کند وحدود تکالیف وزراء و حکام را معین نماید ، دیگر از خواسته های مجمع مخفی که درنظامنامهٔ آنها نیز مندرج بود، مسئله محدودساختن قدرت و نفوذ اتباع خارجه درایران باید ذکر شود .

---

(۱) - اقتباس از کتاب فکرآزادی . صفحه ۲۰۶

(۲) - تاریخ بیداری ایرانیان. همچنین محمد صدر هاشمی در تاریخ جرائد و مجلات اشاره بانجمنی به نام آزادمردان مینماید که درآغازانقلاب وقبل ازاعلام مشروطیت یعنی درتاریخ ۲۱ ربیع الاول سال ۱۳۲۱ هجری قمری و با عضویت چهل نفر از آزادیخواهان تشکیل شده است و در معرفی از اعضاء انجمن مزبور که اکثریت آنها ازصاحبان جرائد ومطبوعات بودند بذکر اسامی چند تن ازآنها ازجمله: ملک المتکلمین، سیدجمال الدین واعظ، حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی، میرزا سلیمان خان میکده، مجدالاسلام کرمانی ، معین العلمای اصفهانی، میرزاجهانگیرخان صوراسرافیل ومحمدرضامساوات میپردازد. (تاریخ جرایدومجلات ایران جلد ۴ صفحه ۲۰۹)

احمد پژوه تاریخ تشکیل انجمن سری تهران را در اواخر سال ۱۳۲۲ هجری قمری و اوائل سال ۱۳۲۳ هجری قمری ذکر نموده وآنها را از علقات فراموشخانه میداند

تاریخ انقلاب ایران صفحه ۱۱۱

- انجمنهای مخفی چه درتهران وچه درشهرستانها ازآن نظرکه دولتهای وقت باآن مخالف بودند همانطورکه اشاره شد بطورسری درمنازل اعضای انجمن ویا دربعضی ازمدارس از آنجمله «مدرسه ناصریه» تشکیل میشد، و نیز بموجب نظامنامه ، پیروان مذاهب مختلف نیز در صورت ایرانی بودن حق عضویت انجمن را داشتند وازلحاظ مذهبی محدودیتی درپذیرفتن اعضا در این انجمن وجود نداشت. انجمن مخفی تهران ضمن توزیع شبنامه ها که مفاد آن انتقاد ازمداخلات بیگانگان وشکایت ازمسئله قرضهٔ روس ومظالم عین الدوله بود نه فقط درمیان تودهٔ مردم بلکه در دربار سلطنتی نیز به پیشرفت فکر آزادیخواهی کمک کردند(۱)

ازشعبه های وابسته بمجمع عمومی مخفی، کمیتهٔ انقلاب است ملکزاده تشکیل آنرا قبل از مشروطیت وپس ازآغازتشکیل اولین مجمع عمومی مخفی مورخ ۱۲ ربیع الاول سال ۱۳۲۲ ه. ق یاد می کند ، ولی محمد صدر هاشمی(۲) تاریخ تشکیل کمیتهٔ مزبور را در تهران بعد از فوت مظفرالدینشاه و بتخت نشستن محمدعلیشاه و مخالفت او با مشروطه خواهان ذکر میکند. اعضاء کمیته مزبور ۹ تن و عبارت بودند از «ملک المتکلمین ، سیدجمال الدین واعظ ، میرزا جهانگیرخان، سید محمدرضا مساوات ، ابراهیم حکیم الملک، سیدحسن تقی زاده، سید عبدالرحیم خلخالی، سید جلیل اردبیلی، ونیز سه نفر بنام میرزا محمد نجات ، حسین آقا پرویز ، میرزا محسن نجم آبادی رابط کمیته باخارج بودند ، کمیتهٔ مزبور هر روز جلسات خود را تشکیل می داد ولی بعد ازنیمه شب ، و با رهبری واداره کردن نهضت سهم مؤثر وشایان توجهی درانقلابات مشروطیت واعاده آن داشته است.

دیگر ازانجمنهایی که میتوان گفت درابتدای تأسیس کمتر جنبهٔ سیاسی داشته ولی فعالیت اعضای آن درجنبش ملی تا اندازه‌ای مؤثر بوده انجمن اخوت بود، است که ابتدا درسال ۱۳۱۷ ه. ق بوجود آمد و در دورهٔ تاریک استبداد بصورت مجمعی از روشنفکران در تهران در آمد ، مؤسس آن حاج میرزاحسن صفی علیشاه بوده است، وقتی عضویت انجمن مورد قبول ظهیرالدوله صفی علیشاه قرارگرفت نام آن بانجمن اخوت تبدیل شد واعضای این انجمن برای مبارزه باخرافات واستبداد خدمات گرانبهایی انجام دادند.

---

(۱) - موقرالسلطنه که خود از درباریان آزادیخواه و از بانیان و هممسلکان انجمن مخفی بود و کمکهای شایانی در ابتدا بمشروطه خواهان کرد مأمور توزیع شبنامه در دربار بود وفاش شدن این امر بچوب خوردن وی بدستور مظفرالدینشاه منجر گردید:

(۲) - تاریخ جرائد ومجلات ج چهارم شماره صفحه ۲۱.

این مجامع و محافل که جنبهٔ ملی وغیررسمی داشتند پس ازاعلام مشروطیت وطرح قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی که بموجب آن اجتماعات قانونی شد، فعالیت خود را بدو صورت وتحت عنوان انجمنهای رسمی وغیررسمی بطورآشکارو علنی شروع کردند .

پس ازاعلام مشروطه وبخصوص دورهٔ اول مجلس «مشروطهٔ اول» تعداد مجامع عمومی و انجمنها افزایش یافت و نظر بشرایط زمان عده‌ای ازروشنفکران برآن شدند که بمنظور مبارزه و مقاومت دربرابر مخالفان رژیم مشروطه مراکز ثقلی که مرجع عموم باشد و موجبات حفظ اتحاد و اتفاق فکری مشروطه‌خواهان را فراهم سازد تأسیس کنند، ازاینرو به تشکیل جمعیتهای سیاسی و انجمنهایی که براساس اصول حزبی و تشکیلات منظم متکی بود مبادرت ورزیدند .

پاره‌ای ازانجمنهای مزبور با حمایت و پشتیبانی از نمایندگان منتخب خود در تدوین نظامنامهٔ انتخابات وقانون اساسی سهم وحصهٔ بزرگی دراستقرارمشروطیت داشتندو پس ازآن نیز در انقلابات ناشی از استبداد صغیر برای اعاده مشروطیت می کوشیدند. در شهرستانهایی که بسبب موقع جغرافیایی خود با مراکز سازمانهای انقلابی و تمدن جدید نزدیکتر بودند و افراد آنها افکار نوین و پیشرفته داشتند اینگونه انجمنها نضج بیشتر یافته و فعالیتهای مثبتی داشته‌اند ازجمله: در تبریز. انجمنی مخفی بنام مراکز غیبی با عضویت عدهٔ بیشماری از طبقات مختلف ، کسبه وپیشه‌وران برهبری عده‌ای ازآزادیخواهان تشکیل گردید. کمیتهٔ مزبورازطریق سازمان هومت با فرقه سوسیال دموکرات قفقازارتباط داشت وبراهنمایی و هدایت آنها موفق بایجادتشکیلات منظم حزبی گردید و پس ازمدتی نیز بمنظورتجهیز قوای جنگی بتشکیل گارد محافظ ملی بنام فدائیان پرداخت(۱) :

این کمیته درضمن دارای شعبه هایی بود که تحت ریاست عده‌ای ازاشخاص مطلع وروشنفکر اداره میشد، مرکز فعالیت کمیته ابتدا محرمانه و سری بود وکلیه دستورات کمیتهٔ مرکزی بدون تخلف توسط فداییان که بعدها بنام مجاهدین معروف شدند اجرا میشد، سازمان مجاهدین تبریز و همچنین انقلابیون فرقهٔ سوسیال دموکرات قفقازنقش بزرگی دراستقرارمشروطیت ودفاع تبریز و

---

(۱) ـ مقارن اعتصابات وانقلابات مشروطیت در ایران ، ایرانیان مقیم باکو، جمعیتی بنام «اجتماعیون عامیون» برهبری نریمان نریمانوف تشکیل دادندکه مرامنامهٔ آنها ازروی مرامنامهٔ «سوسیال دموکرات» روس نوشته شده بود، پس ازاعلام مشروطیت وجنبش مشروطه‌خواهی درایران، چند تن ازآزادیخواهان بنام تبریز چون علی مسیو، وحاجی علی دوافروش، حاج رسول صدقیانی، کمیته‌ای تشکیل دادند ومرامنامه فرقه‌سوسیال دموکراتهای قفقاز را ترجمه کردند ومواد واصول آن‌را اساس برنامهٔ خود قراردادند.

فتح تهـران برعهده داشتند، کمیتهٔ انقلاب ولایت قفقاز ازطریق فرستادن افراد و وسایل جنگی و همچنین ازطریق تأسیس مؤسسات برای تهیهٔ بمب و سازمانهایی جهت متشکل‌ساختن توده‌های عوام درتمام نقـاط آذربایجان کمک شایانی بسوسیال‌دموکرات‌های تبریز کردند ، این آزادی خواهان درجنگ با استبداد صغیر تعداد زیادی کشته دادند ، بطورکلی باید تصدیق کرد که حزب سوسیالیست روسیه از بدو ظهور انقلاب مشروطیت ایران مشوق ایرانیان بوده وباکمک به‌نهضت وبیداری افکارایرانیان مقیم قفقازو تبریز سهم وحصه‌ای داشته است.

انجمنهای رسمی درتهران وسایر شهرستانها مقارن انقلاب و بخصوص هنگام مشروطهٔ اول تشکیل‌یافت، انجمنهای مزبورابتدا بدنبال طرحی که درمجلس درمورد قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی در دست تهیه بود ولی هنوزصورت قانونی پیدا نکرده بود تأسیس شد ودراکثر شهرستانها انجمنهای مزبورکه بنام انجمن ایالتی و ولایتی معروف بودند چون هنوز بموجب قانون حدود نظارت و مداخلهٔ آنها در امور مملکتی معین نشده بود درکارهای عمومی مداخلات فراوان و گاهی‌هم تندرویهایی‌در مقابل عمال حکومتی‌می‌کردند و طبقات مختلف اجتماع نیز بحمایت از اعضای انجمن بنا برخصیصه روحی‌مخالفت باحکومت، دستورهای‌انجمن رااجرا مینمودند وهرروز با مجتمع‌شدن درمحیط انجمنها بتقویت نمایندگان خود کمک بیشتر میکردند.

ادوارد برون انگلیسی ازانجمنهایی‌که بعدازانقلاب مشروطیت تشکیل شدوجنبهٔ‌انقلابی‌و سیاسی داشت چنین یاد میکند «اینها رلی دراینـدوره تاریخی بعهده‌گرفتند خصوصاً درواقعهٔ کودتا پشتیبانی توده را بعهده‌گرفتند، ودوباره پس ازبمباران ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ که دیگر پای مجلس‌در میان نبود هم اینها بودندکه مقاومت ملی را اداره‌کرده وتا سرحد امکان کوشیدند تاسرانجام به برانداختن محمد علیشاه موفق شدند. باکمک انجمنهای بیمانندی درخارجه بویژه انجمن‌سعادت استانبول، انجمنهای مذکورتماس‌خودرا باکشورهای‌بیگانه‌حفظ کردند وهمه‌جا راازپیشرفت‌های خود آگاه ساختند و توانستندکه اراجیف و بیهوده گوییهایی‌راکه بتوسط منابع و اشخاص ذینفع ساخته واشاعه میشد باطل وعاطل سازند[۱].»

ایوانف، ازانجمنهایی‌یادمی‌کندکه درآغازمشروطیت بوجود آمد وهدف‌آنهانظارت برصحت انتخابات‌مجلس شورای ملی بود و اولین انجمن ملی ایران را بنام انجمن ملی تبریزدرسال ۱۹۰۵

---

(۱) ـ انقلاب ایران تألیف ادوارد برون صفحه ۲۰۴

میلادی میداند که با پشتیبانی گروه‌های بزرگ مردم از طرف حکومت آذربایجان شناخته شد.
این انجمن بی‌اندازه قدرت یافت و با کمک نمایندگان منتخب آذربایجان مجلس را برای اجرای مقاصد و نیات خود تحت فشار قرارداد، بدنبال انجمن تبریز در سایر شهرستانهای ایران تعداد کثیری انجمنها و کلوبهای سیاسی و اتحادیه های صنفی و کشاورزی ایجاد گردید، درشهرتهران به‌تنهایی بیش از ۱۳۰ انجمن وجود داشت [۱] تقی‌زاده تعداد انجمنهای ملی را درشهرتهران بعد از انقلاب مشروطیت درحدود ۱۴۰ تخمین زده است.

بطورخلاصه انجمنها و گروههای متشکل که مقارن انقلاب ویا قبل ویا بعد از آن در ایران پیدا شدند. بطرق مختلف تأثیر عمیق در بیداری و هوشیاری تودهٔ خلق داشته‌اند و فعالیت و گاهی هم فداکاری بعضی ازاعضای آنها بخصوص اعضای برخی ازانجمنهایی که بعد ازانقلاب نضجی گرفت ویا تازه سازمان یافت، از قبیل انجمن ملی تبریز دراستقرارحکومت مشروطه تأثیری نمایان داشته است.

ناگفته نگذاریم که مقارن اعلام مشروطیت و بخصوص درزمان استبداد صغیر، ایرانیان مقیم ممالک خارجی ومهاجران مشروطه‌خواه، بخصوص تجاری که درعثمانی و قفقازو باکوبودند، هیجان وصف‌ناپذیری دربرقراری حکومت مشروطه و آزادی ابرازکردند.

تجارروشنفکر وآزادیخواه ایرانی مقیم اسلامبول باوجود محدودیتی که درقلمرو حکومت استبداد عثمانی داشتند بتأسیس انجمن سعادت پرداختند «۱۳۲۶ ه. ق» اعضای این انجمن همراه باایرانیان مقیم اسلامبول پس ازاقداماتی که محمد علیمیرزا بمنظور ازبین بردن مشروطیت کرد وانقلاباتی که دراکثر نواحی ایران بخصوص برای اعاده مشروطیت روی داد، با پیوستن نمایندگان مجلس و مهاجران آزادیخواه ایرانی بمملکت عثمانی، دامنهٔ فعالیت سیاسی خود را وسیعتر کردند، اعضای انجمن مزبوردرمواقع حساس بآزادیخواهان هموطن خود چه درداخل ایران وچه در خارج خدمات شایان توجهی کردند و با وسائل مختلف از جمله تشکیل جلسات سخنرانی وانتشارروزنامه موجبات جلب عواطف دیگران را بنفع مشروطیت ومشروطه‌خواهان فراهم‌آوردند، وبا انجمنها وکمیته هائی که درایران وسایر ممالک وجود داشت وبخصوص حوزهٔ علمی نجف نیز ارتباط برقرار کردند، ودراعادهٔ مشروطیت سهم قابل توجهی بدست آوردند.

---

(۱) ـ تاریخ مشروطیت ایران تألیف ایوانف صفحه ۳۴

دیگر ازانجمنهائی که درخارج از مملکت بوجود آمده بود ، کمیته‌ای بوده‌است برهبری سیدحسن تقی‌زاده وهمکاری معاضدالسلطنه که دراکتبر ۱۹۰۸ درلندن تشکیل یافت، ونیز انجمن بزرگی درپاریس بنام فرانکوپرسان توسط ایرانیان مقیم آن شهر باریاست افتخاری آقای دیولافوا M. Dieulafoy درژوئیه ۱۹۰۸ تأسیس شد [۱].

کمیتهٔ آزادیخواهان لندن با همراه ساختن عده‌ای از نمایندگان آزادیخواه مجلس عوام انگلیس وهمچنین عده‌ای ازطرفداران آزادی ایران بفعالیت پرداخت و با انتشارمقالات واعلامیه های متعددی بنفع مشروطیت ایران بااستبداد حکومت درافتاد . درفرانسه نیز مهاجران مشروطه خواه که درحدود پنجاه تن بودند همراه باچند تن ازشاهزادگان و اعیان که ازمخالفان محمدعلیشاه بشمارمیرفتند بمبارزه بادستگاه استبداد ایران برخاستند وبدین ترتیب مقدمات قیام سردار اسعد بختیاری که درآنزمان در پاریس می‌زیست وخود ازرنجیدگان هیأت حاکمهٔ ایران بود فراهم شد ودراثر تماس با مهاجران وآزادیخواهان ایرانی آمادهٔ مبارزه برضد دستگاه استبداد گردید . ارتباط انجمنهای ملی خارج ازایران بایکدیگر وتماسهای تلگرافی که بین آنها ازطرفی، وحوزهٔ علمی نجف از طرف دیگر وجود داشت نوعی اتحاد و اتفاق نظر بین آزادیخواهان ایرانی ومراکز ملی آنها بوجود آورد واین امر اثرات ونتایج مفیدی دربرچیدن استبداد صغیر واعادهٔ مشروطیت ایران داشت .

دیگر ازمراکزی که بنفع مشروطه‌خواهان درخارج ازکشوربفعالیت پرداخت کمیتهٔ اختلاط درکشور عثمانی بود ، کمیتهٔ مزبور پس از ظهور مشروطیت در آنکشور بمساعی عده‌ای از بازرگانان آزادیخواه ایرانی مقیم اسلامبول ومهاجران ایرانی باپیوستن سید محمد صادق طباطبائی بآنان وعضویت عده‌ای ازاعضای حزب اتحاد وترقی که درآنموقع نفوذ فوق‌العاده‌ای درعثمانی داشت تأسیس‌شد، رهبران حزب اتحاد وترقی کشورعثمانی درپیشرفت مشروطیت ایران همکاری مؤثر و نزدیکی باکمیتهٔ مختلط داشتند .

رهبری انجمنهای سیاسی را بیشتر طبقات روشنفکر بعهده داشتند ولی اعضاء از قشرها و طبقات مختلف بودند . مرامنامهٔ آنها بر اصول آزادی و مساوات و مخالفت با حکومت استبداد وستمگری خانهای فئودال وهمچنین دشمنی با استعمار وتسلط بیگانگان پی‌ریزی شده بود .

ناگفته‌نماندکه همزمان وهمراه باتشکیل جمعیتهای سیاسی بموافقت مشروطیت، سازمانهای

---

۱ ـ انقلاب ایران تألیف ادواردبراون ، صفحه ۲۷۵.

های دیگری ازطرف عناصر ارتجاعی نیز برضد مشروطیت ومشروطه‌خواهان بوجود آمد. از آنجمله است انجمن اسلامیه در تبریز که ازطرف عده‌ای از روحانیان مرتجع و طرفداران محمد علیشاه اداره میشد وروزنامه‌ای تحت عنوان «ملاعمو» منتشر می کردند.

همچنین انجمن قاجاریه که از طرف شاهزادگان وعناصر ارتجاعی تحت عنوان « انجمن وداد و اتحاد قاجاریه » در ربیع‌الاول ۱۳۲۵ هـ. ق در تهران تأسیس یافت و روزنامه‌ای بنام قاجاریه برای انتشارخواسته‌ها وافکارخود منتشر ساخت و بموجب نخستین مقاله طلیعه روزنامه‌قاجاریه، انجمن مذکور بمنظورحمایت ازخواسته های محمدعلیشاه درمقابل مجامع مشروطه - خواهان بوده‌است«مقصود انجمن ترتیب ورعایت ازاقوام ذوی‌الاحترام خودمان‌است وخدمت بوجود مبارک اعلیحضرت شاهنشاه اسلام که شرف قومیت ما مربوط بآن وجود مبارک است »[۱]

ونیزانجمنی بنام انجمن آل محمد، ازطرف روحانیان مخالف مشروطه وبرهبری حاج شیخ فضل الله نوری تأسیس شد، همچنین برای خنثی کردن فعالیتهای انجمن محلی آذربایجان در تهران، انجمنی از طرف آذربایجانیان مخالف مشروطه بنام انجمن فتوت تشکیل شد. این انجمن بظاهر ازطرفداران حکومت مشروطه بود ولی درعمل بنفع حکومت وقت وبرچیدن اساس مشروطیت فعالیت می کرد.

کلیهٔ انجمنهای مزبور مخالفت خودرا باسازمانهای مشروطه‌خواهان وطرفداری خود رااز محمدعلیشاه‌آشکارا اظهارمی‌داشتند وصدمات بسیاری بمشروطه‌خواهان‌وانجمنهای‌ملی‌وارد آوردند

در میان عوامل بیشمار بیداری افکارو جنبش ملی ، عامل‌مهم و مؤثری که در هشیاری و تهییج افکار توده مؤثر بوده و درواقع جنبش ایران برضد استعمار خارجی و استبداد را باید تا حدودی‌معلول‌آن‌محسوب‌داشت،انتشارافکار ومرام جمعیت مذهبی خاصی را باید در نظر گرفت که تحت عنوان «نهضت اتحاد اسلامی» تشکیل شد، این نهضت توسط مبلغ بزرگ نظریه‌اتحادملل مسلمان جهان سیدجمال‌الدین اسدآبادی درزمان سلطنت ناصرالدینشاه درایران طرفدارپیدا کرد و هدف آن اتحاد وقیام کلیهٔ مسلمانان جهان برضد استثمار دولتهای مسیحی‌و دفع صدماتی‌بوده‌که ازناحیه‌آن دولت‌ها بر ممالک اسلامی وارد میآمده است.

سید جمال‌الدین از مردان بزرگ انقلابی مشرق زمین بشمار میرود که با تقویت فکر اتحاد اسلام‌در بیداری ملل مسلمان شرق «افغانستان، مصر، ترکیه، ایران» تأثیر قابل توجهی داشته

---

۱ تاریخ جرائد و مجلات ایران ، ج ٤، صفحه ۹۵.

است سید با انتشار روزنامه ومجله وتشکیل جلسات وحوزه‌های درسی بنشر افکار خود پرداخت. وازآنجا که مبارزات قلمی وزبانی وی همه جا برضد استبداد و مظالم وبیدادگری حکومتها وبخصوص استعمار واستثمار ممالک ضعیف ازطرف کشورهای سرمایه‌دار بوده است فلسفهٔ او طرفداران بیشماری پیدا کرد و درایران بخصوص عدهٔ بسیاری از رجال وروحانیان به پیروان سید پیوستند.

تحریکات وتبلیغات سید جمال‌الدین درایران، برضد شاه وصدراعظم وی درمجلهٔ ماهیانه «ضیاء الخافقین» آغاز شد که درلندن بزبان عربی وانگلیسی نوشته میشد وبا همکاری میرزا ملکم خان انتشار می یافت[1]. وپس ازوی دراستانبول نیز پیروانش بادرج مقالات تند وانقلابی درروزنامه اختر افکار مردم ایران را برضد اقدامات هیأت حاکمه ومبارزه باآنها برمیانگیختند وآنها را بواژگون ساختن اساس رژیم استبداد تشجیع وتحریض میکردند.

درتأثیر ونفوذ رهبری فکری وحتی تحریکات سیاسی سیدجمال‌الدین در پیدایش انقلاب ایران شبهه‌ای نیست، ازجمله موفقیت علماء وروحانیان درمسئله تحریم دخانیات وقیامی که ملت بفتوای پیشوایان روحانی خود بر ضد اعطای امتیازتنباکو بدولت خارجی وجلوگیری ازمداخلات بیگانگان درایران کرد، وهمچنین نقشهٔ بقتل رساندن ناصرالدینشاه بدست میرزا رضای کرمانی از فدائیان و پیروان نهضت را درسال ۱۳۱۳ هـ. ق میتوان در نتیجهٔ تبلیغات دائمی سید دانست مدارک و اسنادی چند در تأئید نظریه فوق در دست میباشد و ما در اینجا بنقل قسمتی از مفاد نامهٔ سید که درموقع قیام مردم ایران علیه قرارداد انحصار توتون وتنباکو بعنوان حجةالاسلام میرزا محمدحسن شیرازی نوشته وبانتقاد ازشاه وقت واوضاع داخلی ایران وتشجیع پیشوای روحانی مذکور بمداخله درامور رهبری سیاسی جامعهٔ ایران پرداخته است اشاره مینمائیم، متن نامه فوق بعربی بوده است و ما ترجمه نامه مزبور را ازکتاب انقلاب ایران نقل می کنیم:

«حق سبحانه وتعالی بشما مقام ارجمندی کرامت فرموده که بزرگترین حجت بالغهٔ خودرا بظهور رساند...» و پس از ادای عباراتی در همین زمینه چنین ادامه می دهد: «مردم از کهتر و مهتر ساکن وسیار، وضیع وشریف خود را تسلیم بمقام عالی روحانی شما نموده وبا تعظیم وتکریم

---

۱ سید جمال‌الدین عقاید انقلابی خود رابراساس اتحاد جامعه اسلامی وبرضد دولتهای استعمارگر وزیان حکومت استبداد درروزنامهٔ سیاسی دیگری بنام عروة الوثقی بزبان عربی وفرانسه درپاریس منتشر میساخت. در انتشار این روزنامه شیخ محمد عبده مفتی بزرگ مصر که از طرفداران مسلک اتحاد اسلامی واز هواخواهان سید بود همکاری نزدیک داشت:

درهر پیش‌آمدی چشم امید را بسوی شما داشته است ودرهر بلیه‌ای انظارشان بطرف شما دوخته است... آنها خیال میکنند (وحقیقت هم همین امر است) که یک کلمه ازشما آنها را متحدویک برهان ازطرف شما آنانرا مصمم تواند ساخت چه امر شما مؤثر است وکسی نمیتواند ازآن تخلف نماید واگر شما بخواهید میتوانید بایک کلمه ازطرف خود پراکندگان را بهم پیوسته وازآن ترسی که ازدشمن خدا وخلق دردلها جای گرفته، بوسیلهٔ اتحاد مصون ازکینه وعناد کفار گردیده، آن رنج وتنگدستی که آنانرا احاطه کرده ازمیان رفته، وازاین شدت ودشواری که رفع آن بسی آسان است رها میگردند، بدینطریق میتوان ازایمان دفاع نمود وحدود وثغوراسلامی رامحروس ومصون داشت» ودرجای دیگر ازهمین نامه پس ازنکوهش ازرفتارخصوصی شاه وامین السلطان بانتقاد از اقدامات آنهادراداره امور کشورو بخصوص مسئلهٔ مداخلات ونفوذ اجانب می‌پردازد وچنین متذکر میگردد: «لیکن ازآنها گذشته قسمت اعظم سرزمین ایران را با استثمار از معادن‌طرق مربوطه، وراههای اتصالی بامرزهای کشور، بدشمنان دین‌فروخته است که مهمانخانه هائی درحدود کنارطرق مواصله درقلمرو سلطنت ازطرف آنها ساخته شود. بالاتر ازهمه بانک است که اقتضا دارد مفهوم آنرا که چه عواقبی دربردارد معروض داشت. یعنی زمام کامل اموراقتصادی دولت را دودستی تقدیم دشمن اسلام کردن، مردم را بنده وزرخرید آن دشمن ساختن، تسلیم آنان باکلیهٔ جنبهٔ سیادت و اختیار حیاتشان بدست دشمن. ازآن پس آن خاین نادان متوقع است مردم را بادلایل بیهوده آرام نموده و وانمود کند که این قراردادها موقتی ومحدود است بدوره‌ایکه ازیکصد سال تجاوزنخواهد کرد. خداوندا! چه دلیل سستی که حتی خائنین را از آن متعجب ساخته است!»

ودراینجا بیمورد نمیدانیم، اشاره‌ای نیز بمضمون یکی از شماره‌های مجله ضیاءالخافقین (شماره دوم مجله که دراول مارس ۱۸۸۲ انتشاریافته) بشود. درانتقاد ازتشکیل نیروی قزاق وسیاست ناصرالدینشاه دراداره حکومت چنین بیان مینماید: «چون این افسران ایرانی‌ومسلمانند، از احکام علما تخلف نورزیده وراضی به مبارزه و صدمه‌زدن بآنها نخواهند شد. بنابراین برای اجرای ارادهٔ حکومت باید آنها به افسران اروپائی تبدیل گردند. بآن احمق خاین برای انجام منظور خودجهت فرماندهی گارد همایونی، وکنترل بریگاد قزاق فهرستی نشان داده‌اند.

اکنون این مشرک [کذا] ورأی‌زنان بیدینش برای روی کارآوردن افسران بیگانه جدیت مینمایند شاه با فکر دیوانه‌وارش این نقشه را تصویب کرده و سرشار از خشنودی است. «بجان جهان آفرین

سوگند، که دیوانگی و کفر با هم همعنان وحرص وحماقت دربرانداختن دین وفنای آئین مقدس وتقدیم اسلام به بیگانگان (بدون دفاع یا مقاومتی) همداستان گشته» سید در آخرین مقالهٔ مجلهٔ خود (مورخ فوریه سال ۱۸۹۲) بذکر پریشانی اوضاع داخلی ایران و مظالم و فشار هیأت حاکمه بر طبقات مختلف مردم چنین اشاره می کند «حکومت بر قانون مقدس مستولی، وآنرا نابود ساخته، و اتخاذ جنبهٔ تمدن و تجدد را بیمورد میداند. قوانین اسلامی را ازاستدلال به نفع عام خلع وبکلی آنها را انکارنموده است. فقط شکنجه وآزارسلطنت میکند. تنها حرص قیادت دارد. نیروی جورو غرور فرمانرواست. شمشیر، تازیانه وداغ ودرفش حاکم است. او ازخون ریزی شادان است. افتخار بهتک احترام، و غارت دارائی بیوه‌زنان ویتیمان میکند. امنیت ازآن دیاررخت بربسته، باشندگان آن کشورهیچگونه راهی را برای نجات جانشان اززندان آن ستمگرنمی بینند مگر فرار. یک پنجم از ایرانیان بسرزمین ترکی یا روسیه فرار کرده‌اند، که‌میتوان آنانرا در کوچه و بازارسرگردان دید... حکمرانان بحکم جبران آنچه را ابتدا برسم رشوه بدربار سرکیسه شده ـ وآنچه تعهد پرداخت به مرکز (دردوره حکمرانی) خود نموده‌اند از هیچگونه اعمال پستی فروگذار نمیکنند....» [۱]

درزمرهٔ عواملی که دربیداری افکارو نهضت تجددطلبی ایران مؤثر بوده است بی‌شبهه باید دو جنبش مذهبی بابی وبهایی را ذکر کرد که عقاید مذهبی زمانه راد گرگون کرد وافکارتازه‌ای عرضه داشت اما چون مطالعات کافی درباره نوع ودرجهٔ تأثیر این دو آئین نشده است بحث آن‌را به‌محققان تاریخ واگذارباید کرد. مدارکی دردست است که جانبداری بابیان و بهاییان را از حکومت مشروطه وحقوق بشری آشکارا حکایت میکند، وبیجهت نبوده است که به بسیاری از رهبران انقلاب مشروطیت ایران تهمت بابی بودن زده‌اند ودر حقیقت درعرف زمان بابی بودن با تجدد خواهی وآزادی طلبی مترادف بوده است.

همچنانکه‌درگذشته اشاره کردیم اطلاع ایرانیان برقیام های ملل اروپائی برای بدست آوردن حکومت ملی وحقوق تضییع‌شده خود تأثیر مهم واساسی دربیداری افکارداشته است. در ایران علاوه بر عواملی که درفوق اشاره شد، نهضت اصلاح طلبانهٔ جوانان ترک که به برقراری حکومت مشروطه درسال ۱۸۷۶ میلادی برهبری شناس‌افندی وضیاءپاشا وکمال‌بک درکشور

---

۱ـ انقلاب ایران، صفحات ۱۷ تا ۲۹.

عثمانی منجر گردید در هوشیاری ملی و سیر تعقل اجتماعی ایران تأثیر داشته است[۱].

رژیم مشروطه وتدوین قانون اساسی وانقلاباتی که برای بدست آوردن آن در کشور عثمانی روی داد، در ایران بی تأثیر نیست و بخصوص برخی از جلوه های آن را در اصلاحاتی که از طرف وزرایی چون میرزا حسینخان سپهسالار در مورد سازمانها و تشکیلات اجتماعی ایران صورت گرفت میتوان باز یافت.

از طرف دیگر ارتباط ایران با همسایهٔ شمالی خود دولت روسیه تزاری از عوامل تکان دهنده وسؤثر برای سرایت افکار انقلابی با یران وتغییر حکومت استبداد بمشروطه بوده است، رفت وآمد نمایندگیهای تجارتی و سیاسی این دولت با یران و بطور متقابل سفرهای ایرانیان بروسیه وتأثیر انقلاب ضد تزاریسم در افکار مهاجران ایرانی مقیم نواحی قفقاز بخصوص کارگران و روستائیانی که برای جستجوی کار و یا بازرگانانی که برای کسب و تجارت بصفحات قفقاز مهاجرت میکردند از جمله راههای مؤثری بود که ایرانیان را با دنیای تازه‌ای از تمدن جدید آشنا کرد و همراه آن افکار انقلابی با یران ارمغان آورده شد.

شگفت نیست اگر، شکست دولت روسیه تزاری را که در آن زمان از بزرگترین دولتهای نظامی اروپا بود، درجنگ با دولت ژاپون و از آن سهمتر انقلاب وجنبش ۱۹۰۵ میلادی ملت روسیه را یکی از عوامل تحریک وتسریع نهضت مشروطیت در ایران محسوب میداریم.

---

۱- مشروطیت عثمانی با شروع جنگ بین آندولت و دولت روسیه و برقراری حکومت استبداد بصورت شدید با شروع حکومت سلطان عبدالحمید در آن کشور تعطیل گردید ولی در ۲۴ ژوئیه ۱۹۰۸ میلادی همزمان با تعطیل مشروطه اول در ایران (بتوپ بسته شدن مجلس اول بدست قزاقان روسی) بار دیگر حکومت مشروطه در آن کشور برقرار گردید.

# فصل سوم

# مختصر وقایع انقلاب مشروطیت

امروزامید همه‌زی مجلس شوری‌است
سر باید کاسوده نگه دارد تن را
**ملك‌الشعراء بهار**

نخستین قیاسی که مقدمهٔ انقلاب ایران گردید، درزمان سلطنت ناصرالدینشاه بود که بصورت مبارزهٔ با امتیازات اقتصادی خارجی خودنمایی کرد. پیش از این درفصل اول این مجموعه‌سخن رفت که درسال ۱۳۰۸ هـ. ق (مطابق با ۱۸۹۰ میلادی) ناصرالدینشاه چون احتیاج مبرمی‌بپول داشت، امتیاز انحصار دخانیات ایران را بیکی از اتباع دولت انگلیس واگذار کرد، بموجب این امتیازنامه تولید کنندگان ناگزیر بودند محصول‌خودرا بقیمت غیر عادلانه نازلی بفروشند ومنافع حاصل از تجارت توتون که در واقع نوعی تجارت داخلی محسوب میشد درانحصار کمپانی‌تالبوت درآمد. این امر نه‌تنها بستگی تام با منافع تجار داشت بلکه بصورت مستقیم در زندگی مردم مؤثر بود زیراکه در آن هنگام استعمال توتون و تنباکو جنبهٔ تفننی‌خودرا از دست داده وبراثر رواج وشیوع این اعتیاد ازضروریات زندگی مردم‌شده بود. ازسوی دیگر پس ازتنظیم قرارداد و شروع کار کمپانی، چون عدهٔ بسیاری از اتباع انگلیس خواه زن و خواه مرد بعنوان کارکنان و مأموران کمپانی بایران آمده و درضمن فعالیت اقتصادی به تبلیغ مذهبی پرداخته‌بودند اقدامات کمپانی مزبور تأثیر نامطلوب در مردم گذاشت (۱) بنابراین کلیهٔ طبقات که از این امتیاز ناراضی

---

(۱) شیخ ذبیح‌الله محلاتی درکتاب‌مآثر الکبراء فی‌تاریخ سامرا در این باره‌چنین اشاره می‌کند: «دراین‌موقع ازطرف فرنگیان عدهٔ‌زیادی مبلغ که در حدود صدهزار زن ومرد بود بایران آمدند ومرکز تبلیغ خودرا درتهران قرار دادند، طولی‌نکشید که این عده بین شهرستانها پخش‌گشتند و در هر نقطه مشغول تبلیغ مردم بدیانت مسیح شدند، کلیساها ساختند و برای پیشرفت خود مریضخانه‌هایی بناکردند و دختران مسلمان راکه تا آن روز زیر پردهٔ عصمت بودند برای پرستاری استخدام‌کردند وآنان را بی‌حجاب بامور پرستاری واداشتند، مردم‌که آن روزتااندازه‌ای پایبند بامور شرعی بودند واین‌کارها را مخالف‌شرع میدیدند درصدد مخالفت برآمدند».

نقل‌ازکتاب تحریم تنباکو صفحهٔ ۴۲ بااندکی تصرف‌لفظی‌که درگوشه نموده شده است).

بودند آن‌را مقدمهٔ استعمار اقتصادی ونفوذ درشؤن مملکتی میدانستند زمزمهٔ مخالفت رادر کلیهٔ شهرستانها و تهران آغاز کردند ، از آنجمله در شهر شیراز چون مأموران کمپانی مزبور در ماه رمضان سال ۱۳۰۸ ه . ق بمنظور تهیهٔ مقدمات و دایر کردن شعبهٔ خود میخواستند وارد شهر شوند ، کلیهٔ کسبه و مردم شهر بتحریک تجار عمده فروش تنباکو بازار را تعطیل کردند و برهبری یک تن از علما و وعاظ معروف (علی اکبر فال‌اسیری‌شیرازی) در مسجد وکیل اجتماع کردند و بتظاهرات پرداختند ، این شورش توسط مأموران دولتی بطور موقت آرام شد و باتبعید علی اکبر فال اسیری بعراق و متفرق ساختن مردم بکمک اسلحه موضوع چندی مسکوت ماند . در شهرستان تبریز با انتشار خبر مخالفت آیة‌الله میرزا محمد حسن شیرازی با انحصار دخانیات ، کلیهٔ طبقات شهر بخصوص کسبه تعطیل عمومی کردند . پس از بستن بازارها و مسلح شدن در حدود بیست هزار تن ، آماده قیام شدند و توسط نمایندگان خود از ناصرالدینشاه تلگرافی تقاضا کردند که امتیاز نامه لغو شود و با پافشاری تمام از دایر شدن کمپانی مزبور در آنجا جلوگیری کردند .

امتیاز تنباکو در شهر اصفهان با مخالفت حاج شیخ محمد تقی معروف بآقانجفی که نفوذ بی‌اندازه‌ای در میان مردم داشت روبرو شد بدستور وی مردم بمقاومت منفی پرداختند و در دیگر شهرستانها و تهران نیز برهبری و حمایت دو تن از بزرگترین مجتهدان و پیشوایان مذهبی ، حاج میرزا محمد حسن مجتهد شیرازی مقیم سامره و حاج میرزا حسن آشتیانی گروهها وطبقات ناراضی خواه روحانی و بازرگانان و خواه افراد عامی جناح متحدی در برابر حکومت و سیاست استثماری دولتهای اجنبی تشکیل دادند . بموجب فتوای مجتهد سامره مبنی بر تحریم استعمال دخانیات تظاهرات دامنه‌داری صورت گرفت ، بازارها بسته شد و در مدت کوتاهی استعمال دخانیات بکلی متروک گردید .

دکتر فوریه طبیب دربار میگوید که : «همهٔ بازرگانان وخرده‌فروشان تنباکو دکانهای خود را تخته کردند وغلیانها را بدور افکندند و هیچ کس چه درشهر وچه درخانه‌ها و حتی دراندرون و منازل زنان شاه ، لب به غلیان نمیزد[۱] .

درطول مدت دوماه تحریم ، تظاهرات بصورت‌جدی وواقعی باپشتیبانی کلیهٔ طبقات بصورت

---

(۱) نقل ازکتاب انقلاب ایران ، تألیف ادوارد برون ، صفحهٔ ٥٠ .

اجتماعات منظم، کندن اعلامیه های کمپانی و انتشار و نصب اعلامیه های مخالفت آمیز بجای آن علی رغم تضییقاتی که از طرف دستگاههای دولتی فراهم میشد ادامه داشت . از طرف ناصرالدینشاه حاج میرزا حسن آشتیانی را تهدید به تبعید کردند . ولی عامهٔ مردم مانع خروج مجتهد مزبور از تهران گردیدند و قریب چهارهزار تن از طبقات مختلف مردم درحالی که پارچه سفیدی را کفن وار بگردن انداخته بودند با چوب و چماق، بهمراهی عدهٔ بسیاری از زنان که با روبنده سفید و پیچه و چاخچور بروی سر لچن مالیده و ناله وزاری میکردند بطرف قصر سلطنتی رهسپار شدند و وقتی به میدان ارک رسیدند بتظاهرات شدیدی پرداختند . قوای دولتی با اسلحه بمبارزه انقلابیها پرداخت ولی با اینکه در این ماجرا عده‌ای از تظاهر کنندگان کشته ومجروح شدند . و عده‌ای از رجال مخالف و تجار و افراد دیگر نیز توقیف و تبعید گردیدند باز هم انقلابیها دست از مقاومت منفی خود بر نداشتند .

تحریم تنباکو خسارات جبران ناپذیری بکمپانی خارجی وارد آورد و سهام آن شرکت در سال ۱۸۹۱ میلادی در بورس لندن معادل ۵۰ درصد تنزل کرد .

مبارزهٔ هماهنگ و یک شکل طبقه های مختلف ایران دولت را وادار ساخت که امتیاز مذکور را لغو سازد ، هر چند که پس از آن دولت ناچار شد بمنظور پرداخت خسارت به کمپانی بقرضه های کلانی از بانک شاهنشاهی متوسل گردد ومشکلات تازه‌ای بوجود آورد .

لغو امتیازنامه رژی و موفقیت ملت درنخستین جنبش خود لطمهٔ بزرگ وجبران ناپذیری بقدرت مطلق حکومت وارد آورد و مفتاح انقلابات و حوادث تاریخی بعدی گردید . که از آنجمله بقتل رسیدن ناصرالدینشاه درسال ۱۳۱۳ ه.ق بدست میرزا رضای کرمانی یعنی شخصی که در واقعهٔ رژی جزء توقیف شدگان و از طرفداران سید جمال الدین اسدآبادی بود . با کشته شدن ناصرالدینشاه آتش نارضایی خاموش نشد ،بلکه دامنهٔ مبارزهٔ ملت بر ضد توسعهٔ روز افزون تسلط سرمایه های خارجی بر ایران صورت جدی تری بخود گرفت .

توضیح آنکه پس از بقتل رسیدن ناصرالدینشاه وروی کار آمدن مظفرالدینشاه و پیداشدن زمینه های مساعدی برای فعالیت آزادیخواهان وروشنفکران، عواملی مانند اعطای امتیازات تازه، تهی شدن خزانهٔ مملکت بر اثر اسراف و ولخرجیهای درباریان و دولتیان واخذ وامهای متعدد از دولتهای خارجی و مهمتر از آن هم وضع مالیاتهای سنگین نوین و تعرفه های جدید گمرکی که اثر

مستقیم در زندگی عامه و بخصوص سرمایه‌داری و خرده بورژوازی بازار داشت و نیز بروز قحطی درتهران و شهرستانها همه موجبات خشم و نارضایی عمومی را فراهم ساخت.

از سوی دیگر ظلم و تعدی که از طرف عمال دولتی بخصوص صدراعظم وقت(عین الدوله) نسبت بافرادملت میشدآتش خشم‌وهیجان‌مردم‌را شعله‌ورتر میساخت،واکنش این ناخشنودیهای پنهانی ، بصورت شورشهایی در نواحی مختلف ایران تجلی کرد از جمله در سال ۱۲۸۲ شمسی (مطابق‌با ۱۳۲۱ ه. ق و ۱۹۰۳ م)نارضایی از تعرفه‌های گمرکی جدید و نابسامانی اوضاع وقت سبب بروز طغیان و شورشهایی‌در تهران و شهرستانها گردید .در شهرستان یزدو اصفهان نارضایی اجتماعی بصورت کشتار دسته جمعی فجیع و ظالمانه بابیان خودنمایی کرد.

درتبریز بازرگانان‌ناراضی‌همراه باقیامی که ازطرف روحانیان‌برضدمدارس‌جدید،میخانه‌ها ومهمانخانه‌های بسبک اروپائی برهبری یکی‌ازمجتهدان معروف بنام حاج میرزاحسن شده‌بود. دست بتظاهراتی زدند و بازارها را بستند و در مسجد شاهزاده تحصن گزیدند وازمحمد علیمیرزا ولیعهد برکناری مسیو پریم بلژیکی سرپرست گمرک و تعطیل دبستانها و همچنین میخانه‌ها و مهمانخانه‌های جدید را خواستار شدند. موافقت محمد علیمیرزا با بست نشینان بختم تحصن دو روزه و غارت و تخریب مدارس و میخانه‌ها و اخراج موقتی مسیو پریم منجر گردید. ولی ازاین انقلاب نتیجه‌ای که منظور بازرگانان بود حاصل نشد و تعرفه‌های جدید بقوت‌خودباقی و سرپرست بلژیکی نیز بدستور محمد علی میرزا دو باره بکار خود درگمرک بازگشت.

مقارن این ایام در تهران و شهرستانها تظاهراتی بر ضد اتابک اعظم (امین السلطان) که او را عامل نفوذ اجنبی میدانستند صورت گرفت و مخالفت و ضدیت بعضی از روحانیان مؤثر سبب شدکه شاه، امین‌السلطان را از صدارت عزل کندو عین‌الدوله راکه از شاهزادگان و درباریان مستبد بودبصدارت برگزینند. نخستین اقدام‌عین‌الدوله که با نارضایی بیش‌از پیش روحانیان مواجه‌شد دستگیرساختن وکتک‌زدن چندتن از علما وطلاب معروف وبنام و تبعید آنها به اردبیل بود (رجب ۱۳۲۱ ه.ق)، توضیح آنکه طلاب مدرسه محمدیه و مدرسه صدریه که هریک از این مدارس دارای موقوفات بسیاربود، بر سر موقوفات باهم‌اختلاف پیدا کردند و دامنهٔ این اختلاف بجدال و زدخورد کشید و دسته‌ای ازطلاب بآقای سیدعبدالله بهبهانی‌و جمعی دیگر بعلمای دیگر متوسل گشتند و اختلاف مزبور بصورت دو دستگی بین دوگروه روحانیان درآمد. عین‌الدوله صدراعظم که میانهٔ خوبی با آقای بهبهانی نداشت ازاین موقع

برای سرکوب ساختن مخالفان خود استفاده کرد و دستور توقیف چهارده تن از طلاب را صادر نمود. دستگیرکنندگان را پس از توقیف ومؤاخذه درگاری نشاندند و درحالی که پانصد سوار اطراف گاری را گرفته بودند با وضعی اهانت بار در خیابانهای شهر بگردش درآوردند، سپس بلشگرگاه بردند و آنها را چوب زدند. پس از دو روز در حالی که هرهفت‌تن را با هم بزنجیری محکم بسته بردند آنهارا باردبیل روانه ساختند.[۱]

واکنش این اقدام مستبدانهٔ عین‌الدوله درشهرستان زنجان بصورت خشم وهیجان عمومی خودنمایی کرد دکانها وتجارتخانه‌ها تعطیل گردید، عامهٔ مردم زنجان بر آن شدند که از ادامهٔ حرکت زندانیان و تبعیدشدگان بطرف اردبیل جلوگیری کنند و در نتیجه مأمورین دولت مجبور میشوند دستگیرشدگان را از بیرون شهر بطرف اردبیل حرکت دهند. سرانجام در نتیجهٔ فعالیت و پافشاری زنجانیان، طلاب مزبور پس از دو ماه توقیف در اردبیل با موافقت شاه و بدستور عین‌الدوله بزنجان منتقل ومدت پنج ماه‌درهمان زنجان تحت نظر قرار گرفتند.

واقعهٔ مزبور در تهران نیز سبب شد که بین علما و روحانیان که از زمان امین‌السلطان بدو دسته‌متمایز تقسیم‌شده‌بودند‌از طرف دستهٔ مخالف‌دولت‌وقت‌صدای‌اعتراض دربارهٔ‌عمل صدراعظم و توهینی که نسبت بطبقهٔ روحانی شده بود بلند شود و مخالفت هر دودسته آغاز گردد رهبران این دو گروه عبارت بودند از «حاج شیخ فضل‌الله‌نوری» مجتهدزیرک و متعین و دارای مریدان بسیار و «حاجی میرزا ابوالقاسم امام‌جمعه» یکی از روحانیان‌ثروتمندو مالک عمده که‌دارای موقوفات فراوان بود، و گروه دیگرمرکب بودنداز«آقای سیدعبدالله بهبهانی» مردی که‌صاحب نفوذ کلام بسیار و از روحانیان فهمیده بودو «آقای سید محمدطباطبائی» یکی از پیشوایان روحانی آزادیخواه و دشمن سرسخت ظلم واجحافات وآشنا بسیاست روز واوضاع جهان. در جریانات‌بعدی ومبارزاتی - که از طرف‌ملت بهمراهی روحانیان‌برای کسب آزادی و بدست‌آوردن‌حکومت مشروطه وقیام ملی برضد استبداد صورت گرفت خواهیم دید که رهبران دو دسته چه وظایف مهمی در انقلاب و تغیر مسیر تاریخ بعهده داشته‌اند.

نارضایی طبقهٔ بازرگان وکوشش آنان برای اعادهٔ منافع مادی خود بصورت اعتصابات عمومی در تاریخ نمودار گشت. در تهران بسیاری از بازرگانان‌دکانها و بازارهاراتعطیل کردند و در حرم حضرت عبدالعظیم متحصن شدندوشرایط خروج خود را از تحصن، برکناری «مسیونوز» و سایر کارمندان بلژیکی اداره گمرک و لغو تعرفه‌های جدید گمرکی اعلام داشتنددر این ایام

---

(۱) ازکتاب عین‌الدوله ورژیم مشروطه، بقلم مهدی داودی، صفحه ٦٤.

که مظفرالدینشاه عازم سفر اروپا بود محمدعلیمیرزا بعنوان نایب السلطنه انتخاب گردید وی اجابت تقاضاهای بست نشینان را ببازگشت شاه از اروپا موکول کرد، در نتیجه پس از پنج روز که بازارها بسته و فعالیت اقتصادی بازار متوقف مانده بود غایله بدون نتیجهٔ آنی بطور موقت خاتمه یافت، بدنبال آن دیری نگذشت که در بوشهر نیز پس از روی کار آمدن مدیر جدید بلژیکی و اجرای شدید مقررات جدید گمرک، بازرگانان بمخالفت برخاستند و در ضمن تلگراف بشاه شرط ادامهٔ فعالیت بازرگانی و وارد کردن کالاهای خارجی را بایران لغو مقررات جدید اعلام داشتند واز ترخیص کالاهای تجارتی خود از گمرک خودداری کردند.

در شهرستان کرمان ( آبان ماه سال ۱۲۸۴ شمسی ) طغیان عمومی بصورت انقلابی آغاز گردید که منشأ و بهانهٔ مستقیم آن را باید در اختلاف مذهبی دایم بین دو طایفه شیخیه و متشرعه و نیز نارضایی عمومی از مظالم و بدرفتاری رکن الدوله حاکم کرمان جستجو کرد. توضیح آنکه دو طایفه مذهبی مزبور برسر امامت مسجد بازار شاه که دارای موقوفات بیشماری بود با یکدیگر اختلاف و کشمکش داشتند و در این واقعه چند تن از مجتهدان معروف و طلاب وقت بدستور حاکم توقیف شدند و مورد اهانت قرار گرفتند، کتک خوردن چند تن از علمای، بنام از جمله حاج میرزا محمد رضا مجتهد که تازه از نجف آمده و اندیشهٔ پیشوایی در سر داشت وسه تن دیگر از ملایان و تبعید آنها برفسنجان سبب خشم و هیجان عمومی مردم کرمان گردید، از اینرو بسیاری از علما و پیشنمازان بعنوان تعرض باهانتی که نسبت بروحانیان وارد شده بود از رفتن بمسجد و ادای نماز جماعت خودداری کردند. انتشار این خبر در تهران و نیز اشاعهٔ بدرفتاری دیگر حکمرانان از جمله در قزوین و سبزوار نسبت بملایان که بصورت شدیدتری عملی گردیده بود در کلیهٔ محافل روحانیان و عوام تأثیری نامطلوب بخشید و سبب شد که رؤسای روحانیان مخالف دولت دور هم گرد آیند و طرحی اساسی برای مبارزه با عین الدوله بریزند. مقارن این ایام (سال ۱۲۸۴ شمسی مطابق با ۱۳۲۲ ه.ق) در تهران نیز اقدام بانک استقراضی دایر بخرید زمین موقوفه مدرسه و گورستانی در مرکز شهر و بنای ساختمان جدید برای بانک مزبور با مخالفت علما که در دل از مظالم عین الدوله و واقعهٔ کرمان ناراضی بودند، روبرو شد و علما اعتراض خود را از این عمل دولت آشکارا اعلام داشتند و چون عامهٔ مردم نیز خراب کردن قبرستان و غصب اراضی موقوفه را امری نامشروع میدانستند، مخالفت علنی و آشکار روحانیان بصورت وعظ در مساجد بر هیجان و نارضایی آنها افزود و هنگامی که در تاریخ چهارم آذر ماه ۱۲۸۴ شمسی مطابق با ۲۷ رمضان ۱۳۲۲ ه. ق شیخ محمد واعظ اصفهانی در ضمن وعظ بکیفیت خلاف شرع بودن

ساختمان بانک در اراضی موقوفه و توجه‌نکردن دولت باین امر اشاره کرد و با تمهید مقدماتی خاص و ادای عبارتی بدین مضمون به سخن خود خاتمه داد:

«اکنون کاری که ازما ساخته‌است اینست که زحمت‌دو قدم راه بخود دهیدواز اموات‌واجداد خود زیارتی بکنید، بلکه یک وداع آخرین از قبور و استخوانهای آنها بنمایید و فاتحه برآنها بخوانید و ارواح آنها را شاد کنید»[1] و بیان عبارت مزبور خشم و هیجان عمومی را برانگیخت و در ظرف مدت خیلی کوتاهی که بیش‌ازدو ساعت‌طول نکشید، بنیاد ساختمان‌بانک ویران شد واین عمل مورد اعتراض مقامات بانک استقراضی روس قرار گرفت و دولت با پرداخت بیست هزار تومان بدولت روسیه جبران خسارت کرد.

جنگ روس وژاپون (در سال ۱۹۰۵ میلادی) دروضع بازار ایران تأثیر کرد قیمت‌اجناس از جمله قند که از کالاهای‌وارداتی‌دولت‌روسیه بود بالا رفت‌ودر اواخر ماه‌رمضان‌سال ۱۳۲۲ ه. ق قند در تهران کمیاب شد. علاءالدوله حاکم تهران که مردی سختگیر بود و خودرا نمایندهٔ قدرت صدراعظم میدانست در روز چهاردهم شوال هفده تن از تجار را که معاملهٔ قند و شکر بازار در انحصار آنها بود بدارالحکومه احضار کرد. دعوت وی بظاهر برای پایین آوردن قیمتها بود ولی در باطن بقصد تنبیه وگوشمالی تجاری که بمخالفت با مسیو نوز در حضرت عبدالعظیم متحصن شده بودند، سیاست‌جابرانه‌ای‌پیش گرفت وچون از آنها التزام کتبی‌خواست که قندوشکر را بقیمت پیشین بفروشند وارزان کنندوتجار نپذیرفتند، دستورداد چندتن از بازرگانان معمر و نیکوکار ازجمله سید هاشم قندی و حاجی سید اسماعیل را بفلک بستند و چوب زدند، نتیجهٔ چنین سیاستی که با تصویب عین‌الدوله بود خشم همگانی را برانگیخت و بدنبال آن اعتصابات و مبارزات عمومی و خونینی در تهران و شهرستانها آغازگردید، بازرگانان وکسبه دکانهای خود را بستند و تعطیل عمومی و خونینی‌در تهران و شهرستانها آغازگردید، و در مسجد شاه تحصن گزیدند.

فعالیتهای اقتصادی راکدماندوتظاهرات دامنه دار ادامه‌داشت، دولت‌بمددنیروی پلیس وقشون با بست نشینان بمقابله پرداخت. پس از این تحصن که از طرف تجار و رؤسای اصناف در ایران (در تاریخ ۱۴ شوال ۱۳۲۳ ه. ق و مطابق با ۲۲ آذرماه ۱۲۸۵ شمسی و ۱۳ دسامبر ۱۹۰۵ میلادی) شروع شد، روحانیان طراز اول تهران نیز بمنظور پشتیبانی‌از بازاریان‌در مسجد شاه اجتماع کردند و در جریان‌این‌اجتماع بعلت‌مخالفت شخصی‌بعضی‌از روحانیان که از ایادی

(۱) از تاریخ‌بیداری ایرانیان، صفحهٔ ۲۶۳.

حکومت وقت و مخالف انقلاب بودند پس از آغاز وعظ توسط سید جمال‌الدین اصفهانی و نکوهش وی از مظالم عین‌الدوله و گفتن جملهٔ تاریخی «اعلیحضرت شاه اگر مسلمان است با علمای اعلام همراهی خواهد فرمود و عرایض بیغرضانه آنها را خواهد شنید والا اگر برخلاف مصالح ملت کار کنند ملت او را ...» بدستور امام‌جمعه تهران جمعی از پیروان او بهمراهی فراشان حکومتی بطرف منبر هجوم بردند و بزدوخورد باروحانیان آزادیخواه پرداختند و بدین وسیله جمعیت واجتماع مسجد را متفرق ساختند.

بدنبال این حادثه سید محمد طباطبائی که میتوان وی را از پیشروان انقلاب ایران و از طرفداران جدی مشروطیت دانست تصمیم گرفت به حضرت عبدالعظیم عزیمت کند و همراه باآقای سید عبدالله بهبهانی و چندتن ازعلمای معروف وگروه کثیری درحدود دوهزار تن از طلاب وچند تن از بازرگانان در تاریخ ۱۷ شوال ۱۳۲۳ ه.ق درحضرت عبدالعظیم متحصن شدند.

در این بست‌نشینی نکتهٔ شایان تذکر پیوستن شیخ مهدی پسرشیخ فضل‌الله‌نوری از موافقان دولت، همراه‌با شصت‌تن دیگر از طلبه‌ها بروحانیان آزادیخواه و متحصنان بود (وی عضو مجمع آزادیخواهان بود و در تمام مبارزاتی که بخاطر مشروطیت و برقراری حکومت ملی صورت گرفت با دیگرمشروطه خواهان همراه بود تادر انقلابات دورهٔ استبداد صغیر بقتل رسید).

شماره بست‌نشینان با وجود مخالفت عین‌الدوله که توسط سپاهیان‌مانع از پیوستن توده‌های مردم بمتحصنان میشد بتدریج روی بافزایش میگذاشت و بااینکه عین‌الدوله بطور رسمی اعلانی منتشرساخت و از رؤسای اصناف وکسبه التزام گرفت که درصورت تعطیل بازار باشد مجازات محکوم خواهند شد بازهم تجار معتبر از ادامه کار خودداری می کردند و در عمل اغلب دکانها و تجارتخانه‌ها بسته و تعطیل شد. سران بست‌نشینان در طی اعلامیه‌ای درخواستهای خود را در تحت چند ماده که کمتر جنبهٔ عمومی و ملی داشت پس از تشکیل جلسه‌ای در ۹ ذیقعده‌سال ۱۳۲۳ ه.ق وتصویب اکثریت بدین شرح بدولت اعلام داشتند:

۱- برکناری مسیونوز بلژیکی ازگمرک و مالیه‌ایران،

---

(۱) از روحانیان ومجتهدان بنام‌که با منظور دو سید همراه بودند باید از آقایان ، حاج‌شیخ مرتضی آشتیانی صدرالعماء ، سیدجمال‌الدین افجه‌ای ، میرزا مصطفی آشتیانی، شیخ محمدصادق کاشانی وشیخ‌محمدرضا قمی نام برد، ازمیان طلابی‌که با آقایان همراه شدند طلاب مدرسه صدر ودارالشفا نیز با اینکه تولیت آن با امام جمعه تهران بود شرکت داشتند.

۲- برکناری علاءالدوله حاکم تهران،

۳- بازگردانیدن حاجی میرزا محمد رضا مجتهد از رفسنجان بکرمان.

و چند ماده دیگر که بیشتر در بارهٔ منافع صنفی روحانیان بود، آخرین ماده‌ای که علما پیشنهاد کرده بودند یعنی ماده هفتم، اصلاح در کلیهٔ امور بارعایت نظر علما بود. در باره مادهٔ اخیر توضیحی به پیشنهاد چندتن از آزادیخواهان وتوصیهٔ سفیر عثمانی ازآن نظر که جنبهٔ عمومی و ملی داشته باشد بدین شرح اضافه شد: «توضیح ماده هفتم- مراد از قرارداد دراصلاح کلیهٔ امورتأسیس دیوان عدالت است برطبق شرع مقدس اسلام از روی کتاب و تشکیل یک مجلس مشورتخانهٔ ملی برای اجرای قانون مساوات در تمام نقاط ایران که فرق میان وضیع و شریف گذارده نشود وهر ذیحقی بحق خود برسد.» این تقاضانامه با وساطت ابراهیم بیک عثمانی بوسیله میرزا نصرالله خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه در حضور خود عین‌الدوله بعرض شاه رسانده شد شاه درمقابل تقاضاهای گروههای متشکل ملی بظاهر تسلیم شد ودرضمن دستخطی بتاریخ ذیقعده ۱۳۲۳ ه.ق اجرای درخواستهای آنها را وعده داد و ما در اینجا متن دستخط شاه راکه بعنوان عین‌الدوله نوشته شده است نقل میکنیم:

«جناب اشرف اتابک‌اعظم. چنانکه مکرر این نیت خودمان‌را اظهار فرموده‌ایم ترتیب و تأسیس عدالتخانه دولتی برای اجرای احکام شرع مطاع و آسایش رعیت ازهر مقصودمهمی واجبتراست واینست بالصراحه مقرر میفرماییم برای اجرای این نیت‌مقدس قانون معدلت اسلامیه که عبارت از تعیین‌حدود و اجرای احکام شریعت مطهره است باید در تمام‌ممالک محروسهٔ‌ایران عاجلا دایر شود بروجهی که میان هیچ یک از طبقات رعیت فرقی گذاشته نشود و در اجرای‌عدل و سیاسات بطوریکه در نظامنامهٔ این قانون اشاره خواهیم کرد ملاحظهٔ اشخاص و طرفداریهای بیوجه قطعاًو جداًممنوع باشد. البته بهمین‌ترتیب کتابچهٔ‌نوشته مطابق‌قوانین‌شرع مطاع فصول‌آن را ترتیب دهید و بعرض برسانید تا در تمام ولایات دایر و ترتیبات مجلس آنهم بروجه صحیح داده شود و البته این قبیل مستدعیات علمای اعلام که باعث مزید دعاگویی است همه وقت مقبول خواهد بود. همین دستخط ما را هم بعموم ولایت‌ابلاغ کنید. شهرذیقعده ۱۳۲۳ ه.ق.» دستخط مذکور دایر بافتتاح عدالتخانه واجرای مستدعیات دیگر درمجمع بست‌نشینان درحضرت عبدالعظیم‌قرائت گردید وازطرف بست نشینان فریاد **زنده باد پادشاه اسلام. زنده باد ملت ایران**

بلند شد ، جالب توجه این است که برای نخستین بار در تاریخ اجتماعات ملت ایران صدای تکان دهنده وهیجان انگیز، **زنده باد ملت** بلند شد .

مهاجران پس از این پیروزی بتحصن خود در تاریخ ۲۲ دی ماه شمسی وجمعه ۱۶ ذیقعده ۱۳۲۳ ه.ق (مطابق با ۱۲ ژانویه ۱۹۰۶ میلادی) خاتمه دادند ، و از این پس پیشوایان روحانی وبطور کلی علما نفوذ بیشتری حاصل کردند وتوانستند با اعتباری تمام درامور سیاسی ودولتی مداخله کنند.

ازطرف دولت بمنظور اجرای درخواستهای انقلابیها کمیسیونی مرکب از هیأت دولت و مجتهدان تشکیل شد ومأمور تهیهٔ نظامنامه (مجمع مشاورهٔ قانونی) و سایر اصلاحات کشوری گردیدند. ولی نتیجهٔ کار این کمیسیون بعلت مخالفت و کارشکنی عین الدوله وسران ارتجاع از پیش نرفت ومنظور ملیون برآورده نگردید.

مردم هوشیار و بیداردل که از تعقیب منظور خود دست برنمیداشتند بار دیگر بتظاهرات شدیدتری چه در تهران و چه در شهرستانها بصورت بست نشینی در اماکن زیارتی وسفارتخانه و قنسولگریهای انگلیس روی آوردند از آن جمله:

در شهرستان شیراز اغتشاشات وشورشهایی که ناشی ازنارضایی مردم ازحکومت شعاع السلطنه[1] و نایب الحکومه بود باردیگر بروز کرد ومردم شیراز برای چاره‌جویی و رهایی از شدت ظلم و فشار تعدیات کارمندان حکومتی بشاه‌چراغ که یکی از اماکن زیارتی است شتافتندو متحصن گردیدند. این تحصن بدستور سردارمکرم بکشتار سی‌تن ومجروح شدن صدهاتن از متحصنان و سرانجام به بست‌نشینی در قنسولگری انگلیس وتلگرافخانه منجر گردید، وعلمای شیراز تلگرافی بشاه و محمد علیمیرزا ولیعهد بامضای آقای میرزاابراهیم محلاتی که از علمای معروف زمان بود مخابره کردند وبدین وسیله ازشاه وصدراعظم تقاضای دادخواهی نمودند. نکتهٔ شایان توجه وتذکردرتلگراف علمای شیراز جملهٔ معروفی است که در آن از حکومت اسلامی بمعنی حکومت جمهوری و ملی یاد میکنند: «دولت اسلامی دولت جمهوریست و باید در دست مردمان کاردان و شریف وخداپرست وعدالتخواه باشد نه مردمان پست و مستبد» [2]

---

(۱) ملک منصورشعاع السلطنه پسر مظفرالدینشاه درفارس تحت عنوان خرید دههای خالصه از شاه، املاک مردم را هم بزور متصرف شد وظلم و تعدی فراوانی بمالکان وروستائیان آنجا میکرد و پس ازآنکه تصمیم بمسافرت اروپا گرفت سردار مکرم راکه مردی ظالم ومستبد بود به نیابت حکومت انتخاب کرد وی نیزهمان رفتار شاهزاده شعاع السلطنه را پیش‌گرفت واز ظلم وتعدی نسبت برعایا کوتاهی نکرد .

۲- ازکتاب مشروطیت ملکزاده جلد دوم .

در شهرستان مشهد در فروردین ماه ۱۲۸۵ شمسی بالا رفتن قیمت ارزاق بخصوص نان و گوشت بهانهٔ مستقیمی برای جنبش و اعتراض برضد حکومت جابرانهٔ آصف‌الدوله حاکم خراسان بدست مردم داد ودسته های منظم ومتشکلی از مردم وافراد گرسنه درصحن حرم حضرت رضا (ع) متحصن شدند، حکومت‌وقت بجای تلاش در بهبود وضع بسربازان دستورداد که بطرف بست‌نشینان گلوله شلیک کنند و در نتیجه چهل تن کشته وعدهٔ کثیری مجروح گشتند، واکنش شدید مأموران دولت در مقابل بست‌نشینان موجبات خشم عمومی را در تهران وسایر شهرستانها فراهم ساخت.

در تهران روحانیان و آزادیخواهان پس از مذاکرات طولانی وممتد که با مظفرالدینشاه و هیأت دولت‌وقت کردند، چون برخلاف اصلاحات معهود از طرف مظفرالدینشاه و وعده‌های بهبود اوضاع، دریافتند که دولت بتأسیس عدالتخانه واجرای دیگر خواسته های آنها حاضر نیست بلکه برعکس با استبداد شدیدتر عین‌الدوله مواجه هستند دوباره بمبارزهٔ آشکار باعین‌الدوله پرداختند.

مقدمات مبارزه در ضمن انتشار بیانیه‌ها وشبنامه‌ها وتبلیغ وعاظ در مساجدومنابر آغاز گردید بخصوص که شرایط زمانی از نظر تصادف وقایع مزبور با ایام محرم و عزاداری موجود بود و از اینرو تشکیل اجتماعات در اماکن مقدس زیارتی بیشتر شدمساجد و منابر صحنهٔ مبارزهٔ سیاسی شد، وعاظ معروف وبنام از قبیل سید جمال‌الدین اصفهانی - که نفوذ بسیاری در میان طبقات بازاری و تودهٔ عوام داشت - مظالم وخلافکاریهای عین‌الدوله و مفاسد اوضاع را با زبان عوام فهم تشریح میکردند وتودهٔ ملت را در ضمن نکوهش وبدگویی از حکومت ظلم در نهان برای انقلاب آماده میساختند وآنهارا بمخالفت بااعمال دستگاه ارتجاع تشویق وتحریض می کردند. دو سید پیشوای روحانیان آزادیخواه نیز در بالای منبر در مساجد (سرپولک) و (چاله حصار) از اوضاع آشفته و پریشان ایران و اعمال دولت انتقاد می کردند و مردم را برای مبارزه آماده می‌ساختند. آقای سیدمحمد طباطبایی خطاب بمردم بالای منبر بصراحت گفت «ای مردم بیدار شوید دردخودرا بدانید و دوای آنرا پیدا کنید. درد استبداد - ودرمان شور و مشورت است اگر ده سال طول بکشدما عدالتخانه ومجلس میخواهیم که شاه و گدا در برابر قانون مساوی باشند» آقای سیدعبدالله بهبهانی در ضمن ارسال نامه‌ای بسفارت انگلیس از سفیر آن دولت درخواست کرد که با خواسته های ملت ایران و کوشش آنهادر رفع ظلم و استبداد کمک کند.

عین‌الدوله از فعالیت و اقدامات آزادیخواهان ناراحت و متغیر گشت وبرای جلوگیری از آن بتفرقه انداختن بین انقلابیها وترساندن مردم بوسایل مختلف شروع کردوبحبس وتبعیدوتوقیف پاره‌ای از اشخاص پرداخت از آنجمله در تاریخ ۲۵ خردادماه ۱۲۸۵ شمسی مطابق با ۲۴ ربیع الثانی

۱۳۲۴ هـ.ق (۱۷ ژوئن ۱۹۰۶ میلادی) حاج میرزا حسن رشدیه، مجدالاسلام کرمانی ومیرزا آقا اصفهانی را بکلات نادری تبعید کرد. همچنین پس از تبعید سید جمال‌الدین واعظ مشهوردر روز ۱۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۴ هـ.ق دستور توقیف حاجی محمد واعظ معروف به «سلطان‌الواعظین» را صادر ساخت، اقدام اخیر عین‌الدوله بهانه‌ای بدست مردم ناراضی داد و در موقعی که بدستور مأمور بازداشت (یاور احمدخان) میخواستند واعظ را از جلو مدرسهٔ «حاجی ابوالحسن معمارباشی» عبوربدهند طلاب ومردم بهواخواهی شیخ بتظاهرات پرداختند وبرای نجات وی بطرف قراولخانه که سید را در آن زندانی ساخته بودند هجوم آوردند، حملهٔ مهاجمان از طرف سربازان بی واکنش نماند، فرمانده از آزاد شدن سید برآشفته شد و بعدهٔ خود دستور داد تا بطرف جمعیت شلیک کنند. در این حادثه پانزده‌تن کشته شدند واز جمله کشته‌شدگان طلبه‌ای موسوم به «سید عبدالحمید» بود که از حوزه درس مراجعت میکرد چون صحنهٔ مبارزه را دید بفرمانده پرخاش کرد و فرمانده نیز سینه سید را هدف تیر قرار داد، با کشته شدن طلبهٔ مذکور هیجان عمومی ومقاومت و پافشاری مردم در مقابل دولت شدیدتر وافزون‌تر گردید عدهٔ کثیری از طبقات مختلف از جمله بازرگانان و پیشه‌وران و کارگران در مسجد جامع اجتماع کردند، شهر تهران را شور وغوغایی فرا گرفت ومردم بعنوان اقامهٔ مجلس عزاداری جهت طلبهٔ مزبور موقع را برای رسیدن بمقصود و دفع ظلم وفساد هیأت حاکمه مناسب دانستند وبتظاهرات دامنه‌داری دست زدند.

عین‌الدوله برای متفرق ساختن اجتماع عظیم روحانیان وبازاریان در مسجدجامع دستوری صادرکرد وبا اینکه از طرف مجریان دستور تصمیمات شدید مخالفی دایر براخراج آنها ازمسجد گرفته شد ومانع رساندن آذوقه به بست‌نشینان گردیدند، باز هم پیشوایان مذهبی با عدهٔ دیگری از علمابتحصن خود ادامه دادند. چون از طرف دولت پیوسته وضع تحصن را طاقت‌فرسا می کردند متحصنان بدولت اعلام کردند یا عدالتخانه تأسیس بشود یا اجازهٔ خروج ومهاجرت بعتبات بآنها بدهند ویا اینکه بزندگی آنهاخاتمه دهند.

مظفرالدینشاه درضمن دستخطی اجازه خروج آنها را از شهر با حفظ تأمین صادرساخت متحصنان در تاریخ ۲۳ جمادی‌الاول سال ۱۳۲۴ هـ.ق برابر با ۲۴ تیر ماه ۱۲۸۵ شمسی (مطابق با ۲۱ ژوییه ۱۹۰۶ میلادی) به‌پیشوایی‌ورهبری آقایان سید محمد طباطبایی‌وسیدعبدالله بهبهانی با افراد خانواده خود و چندتن ازعلمای‌معروف ازجمله شیخ‌فضل‌الله‌نوری که ازمجتهدان متنفذ و از یاران وهمدستان عین‌الدوله بود از آنجا که در مقابل هیجان عمومی مصلحت خودرا

در همراهی با روحانیان آزادیخواه میدید در تحصن مسجد جامع و مهاجرت با ملیون همراهی کرد وهمراه با روحانیان طراز اول و قریب هزارتن ازطلاب نیز بطرف قم حرکت کردند.

مهاجران در تاریخ ۳۰ تیرماه ۱۲۸۵ شمسی بقم وارد شدند. آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی درموقع حرکت از تهران بار دیگر نامه‌ای بسفارت انگلیس نوشت و از دولت مزبور برای مبارزه با بیدادگری ومظالم هیأت حاکمه استمداد طلبید ،وبدینوسیله مقدمات وزمینهٔ بست نشینی در سفارت را که از پیش نیز با کمک چند تن از تجار معتبر آزادیخواه و رؤسای اصناف و دیگر آزادیخواهان مهیا شده بود فراهم ساخت . و با اینکه کاردار سفارت انگلیس بظاهر بنامهٔ آقای بهبهانی جواب مخالف داده بود باز هم بدنبال مهاجرت علما بقم که معروف بهجرت کبری است در تهران بازار ها تعطیل و در حدود پنجاه تن از بازرگانان و طلبه ها در تاریخ پنجشنبه ۲۷ تیرماه ۱۲۸۵ شمسی مطابق با ۲۶ جمادی‌الاول سال ۱۳۲٤ ه.ق در سفارت انگلیس متحصن شدند[1] و روزبروز بر تعداد بست‌نشینان افزوده میشد تا آنجا که بقول مورخان تعداد آنان در ظرف پنج روز درحدود ۱۲ تا ۱٤ هزار تن بالغ گشت.

بست‌نشینان بمنظور برقراری حکومت مشروطه وتشکیل مجلس باوجود کوششهای فراوانی که ازطرف دولت ودرباریان برای درهم شکستن اتحاد ملت انجام می گرفت بتحصن خود ادامه دادند.

ادوارد برون در این باره چنین متذکر شده است که در حدود ۱۲ هزار تن در هر نقطه از سفارت چادری برپا کرده و از هر نقطه بازرگانان و پیشه‌وران در هم فشرده شده‌اند، روزان وشبان با گردنهای کشیده و بابردباری گرد هم نشسته پافشاری میکنند که تا بمراد مطلوب خود نرسند پای از سایهٔ بیرق انگلیس فراتر نخواهند گذاشت. آنها با متانت و انضباط شایستهٔ تحسینی موقع گرفته‌اند وبا وجود شماره قابل ملاحظه‌شان کمتر مزاحمتی دارند[2]

بست‌نشینان در قریب پانصد چادر بسر میبردند و هرصنف از اجتماع کنندگان چادری مخصوص بخود داشت. این بست نشینی دارای تشکیلات منظم و دستگاه‌های انتظامات ، تهیهٔ اطلاعات و نشر عقاید و تبلیغ بود ، دستگاه نشرعقاید وتبلیغ هرشب بوسیلهٔ وعاظ ومبلغان مشهور مجالس وعظ سیاسی تشکیل میداد ودر ضمن تشریح مظالم دستگاههای حکومتی از حکومت قانون

---

۱- در مورد تعداد اولین دسته متحصنان بسفارت انگلیس اختلاف نظر است، ناظم‌الاسلام کرمانی تعداد نخستین دسته متحصنان را درحدود ۹ تن و تاریخ آن را در دوشنبه ۲٤ جمادی‌الاول سال ۱۳۲٤ ه.ق ذکر کرده‌است

۲- انقلاب مشروطیت ایران تألیف برون

وعدالت سخن میراند وبتدریج مردم را با معنی مشروطیت وحکومت قانون آشنا می کرد. اعتصابات عمومی مردم تهران و مهاجرت علماء و گروههای ملی بقم، در شهرستانها نیز موجبات هیجانات عمومی و طرفداری از مشروطه خواهان را فراهم ساخت و نمایندگانی از طرف خود بقم که یکی از مراکز فعالیت مشروطه خواهان شده بود گسیل داشتند وباتشکیل اجتماعات و تحصن در تلگرافخانه ها و مخابرهٔ تلگراف بشاه و ولیعهد مبنی بر درخواست گشایش مجلس واعطای مشروطیت پشتیبانی خودرا باگروههای ملی تهران اعلام داشتند.

تصمیم خلل ناپذیر قاطبهٔ ملت ایران بتغییر رژیم حکومت و کشمکش بین ملیون ومستبدان درباری سرانجام بغلبه وپیروزی آزادیخواهان وانقلابیها منتهی گشت ، و مظفرالدینشاه وادار شد که اساسی ترین و آخرین درخواستهای بست نشینان سفارت را که مورد تأیید وتقویب همه گروههای ملی خارج از تحصن قرار گرفته بود درتحت ۵ ماده زیر بپذیرد.

۱- علمای اعلام بشهر و خانه های خود برگردند
۲- شاهزاده اتابک اعظم از صدارت عزل شود
۳- مجلس شورای ملی افتتاح یابد
۴- قصاص قاتلان شهدای وطن عملی شود
۵- تبعیدشدگان از جمله میرزا حسن رشدیه و دیگران بشهر خود برگردند.

عین الدوله روز یکشنبه هفتم جمادی الاول ۱۳۲۴ ه.ق از صدارت ایران عزل شد و میرزانصرالله خان مشیرالدوله که تا حدودی با نیات گروه های ملی همراه بود بجای وی انتخاب گردید وعضدالملک رئیس ایل قاجار و حاجی نظام الدوله برای برگرداندن علما بتهران رهسپار قم شدند.

**فرمان اعطای مشروطیت** در روز یکشنبه ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ ه.ق برابر با ۱۳ مرداد ماه ۱۲۸۵ شمسی (مطابق با ۵ اوت ۱۹۰۶ میلادی) از طرف مظفرالدینشاه بدین شرح صادر شد:

«جناب اشرف صدراعظم: از آنجا که حضرت باریتعالی جل شأنه سررشته ترقی و سعادت ممالک محروسهٔ ایران را بکف کفایت ما سپرده وشخص همایون مارا حافظ حقوق قاطبهٔ اهالی ایران و رعایای صدیق خودمان قرارداده لهذا دراینموقع که رأی و ارادهٔ همایون ما بدان تعلق گرفت که برای رفاهیت و امنیت قاطبهٔ اهالی ایران وتشیید وتأیید مبانی دولت اصلاحات مقتضیه بمرور در دوایر

دولتی و مملکتی بموقع اجرا گذارده شود چنان مصمم شدیم که **مجلس شورای ملی از منتخبین و شاهزادگان و علما و قاجاریه واعیان و اشراف ملاکین و تجار و اصناف بانتخاب طبقات مرقومه در دارالخلافهٔ تهران تشکیل و تنظیم شود** که در مهام امور دولتی ومملکتی ومصالح عامه مشاوره ومداقه لازم را بعمل آورده وبهیئت وزرای دولتخواه مادر اصلاحاتی که برای سعادت وخوشبختی ایران خواهد شد اعانت وکمک لازم را بنماید ودر کمال امنیت و اطمینان عقاید خودرا در خیر دولت وملت ومصالح عامه واحتیاجات قاطبهٔ اهالی مملکت بتوسط شخص اول دولت بعرض برساند که بصحهٔ همایونی موشح وبموقع اجراء گذارده شود. بدیهی است که بموجب این دستخط مبارک نظامنامه و ترتیبات این مجلس و اسباب ولوازم تشکیل آن را موافق تصویب و امضای منتخبین از این تاریخ مرتب ومهیا خواهد نمود که بصحهٔ ملوکانه رسیده وبعون‌الله تعالی مجلس شورای مرقوم که نگهبان عدل ما است افتتاح و باصلاحات لازمهٔ امور مملکت واجراء قوانین شرع مقدس شروع نماید و نیز مقرر میداریم که سواد دستخط مبارک را اعلان و منتشر نمائید تا قاطبه اهالی از نیات حسنه ما که تماماً راجع بترقی دولت وملت ایران است کماینبغی مطلع و مرفه‌الحال مشغول دعاگویی دوام این دولت و این نعمت بی‌زوال باشند.

«قصر صاحبقرانیه بتاریخ ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ ه.ق»
«درسال یازدهم سلطنت ما»

مشیرالدوله دستخط فرمان افتتاح مجلس را توسط فرزند خودمیرزاحسین خان مؤتمن‌الملک بسفارت انگلیس فرستاد[۱] مؤتمن‌الملک متن فرمان را برای متحصنان قرائت کرد و چون بیان داشت که مجلس از نمایندگان انتخابی تهران تشکیل خواهد شد، بست‌نشینان که در طی مدت تحصن با تعلیماتی آشنا شده وجز مشروطیت وحاکمیت ملی هدف ومنظوری نداشتند از این اعلام برآشفتند ومتفقاً با اعتراض اعلام داشتند ما خواهان «مجلس ملی» هستیم که حاکم مطلق باشد وعموم افراد ملت از هرشهرستان و هرنقطه در آن شرکت داشته باشند با این کیفیت ملت‌فرمان مشروطیت راکه دایر برتشکیل مجلس مشورتی بود کافی ندانست و بست‌نشینان سفارت‌انگلیس از تحصن خارج نشدند و مهاجران نیز در مقابل وعدهٔ نمایندهٔ دولت نظر بعدم‌اعتماد تسلیم نشدند و بتهران بازنگشتند. ناچار پس از جلسه‌ای که سران متحصنان با حضور صدراعظم تشکیل دادند (۱۷ جمادی‌الاخر ۱۳۲۴ ه.ق) ومذاکرات مفصلی که در مورد مجلس اسلامی پیشنهاد دولت

---

۱- دوشنبه ۱۳ جمادی‌الثانی سال ۱۳۲۴ ه.ق

ومجلس ملی پیشنهادی گروههای ملی و خواسته‌های دیگر در همین زمینه، فرمان مشروطیت را مطابق خواستهٔ انقلابیها با صدور دستخط مجددی بدین شرح از طرف مظفرالدینشاه کامل کردند «جناب اشرف صدراعظم: درتکمیل دستخط سابق خودمان مورخه ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ که‌امر وفرمان صریحاً در تأسیس مجلس منتخبین ملت فرموده بودیم مجدداً برای آنکه عموم اهالی و افراد ملت از توجهات کاملهٔ همایون ما واقف باشند امر و مقرر میداریم که مجلس مزبور را بشرح دستخط سابق صریحاً دایر نموده بعداز انتخاب اجزای مجلس فصول و شرایط نظام مجلس شورای اسلامی را موافق تصویب و امضای منتخبین بطوری که‌شایسته ملت و مملکت وقوانین شرع مقدس باشد مرتب نمایند که بشرف عرض و امضای همایونی ما موشح و مطابق نظامنامهٔ مزبور این مقصود صورت و انجام پذیرد.»

بدین طریق فرمان مشروطیت بنا باراده ملت مبنی برانتخابات کلیهٔ نقاط ایران و بنام شورای ملی با صدور فرمان مجددی که مکمل فرمان مورخ ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ ه. ق بود در روز پنجشنبه ۱۸ جمادی‌الثانی بامضاء مظفرالدینشاه رسید، اعتصابات ملی و مبارزات عمومی با موفقیت وپیروزی ملت پایان‌یافت وباب نوی در تاریخ سیاسی واجتماعی ایران بوجود آمد.

آزادیخواهان پس از این موفقیت، برای انتخاب نمایندگان وتهیهٔ مقدمات افتتاح مجلس وتسلط حکومت ملی بر اوضاع آشفتهٔ ایران درصدد تهیهٔ نظامنامهٔ انتخابات برآمدند، وبرای این منظور در تاریخ ۲۶ مرداد ماه ۱۲۸۵ شمسی مطابق با ۲۷ جمادی‌الاخر سال ۱۳۲۴ ه. ق اولین «مجلس شورای ملی» بطور موقت که در واقع میتوان از آن بعنوان **اولین مجلس مؤسسان** یاد کرد در مدرسهٔ نظام با حضور بیش از دوهزار تن از علماء وبازرگانان واصناف و همچنین اعیان و وزراء ورجال درباری بمنظور تمهید مقدمات گشایش اولین دورهٔ مجلس شورای ملی وتهیهٔ قانون انتخابات تشکیل شد.

در اولین جلسهٔ این مجلس مشیرالدوله صدراعظم نطقی از طرف هیأت دولت ایراد کرد و سپس با خطابهٔ ملک‌المتکلمین مبنی برسپاسگزاری از طرف ملت در جواب صدراعظم مجلس خاتمه یافت وپس از آن جلسات عمومی مرکب از آزادیخواهان وعلما برای تنظیم نظامنامهٔ انتخابات مرتباً در هر هفته‌ای دو روز تشکیل می‌شد و بشور ومذاکره در بارهٔ مواد قانون انتخابات مجلس می‌پرداخت ازطرف مشیرالدوله کمیته‌ای مرکب از روشنفکران بعضویت مخبرالسلطنه هدایت، مرتضی قلیخان صنیع الدوله، محتشم السلطنه، میرزا حسنخان مشیرالملک، میرزا حسین خان مؤتمن الملک مأمورتهیه وتنظیم نظامنامهٔ انتخابات شد.

تنظیم نظامنامهٔ انتخابات نظر باختلاف منافع طبقات مختلف و بخصوص کارشکنی درباریان وشاهزادگان امر مشکل ودشواری را پیش آورده بود. خواست اشراف درباری خواهی نخواهی در تساوی حقوق با اصناف و طبقات متوسط برطبق پیشنهاد روشنفکران نبود، تمایل باطنی آنها حفظ تسلط و قدرت خود براساس حکومت سلطنتی مطلق بود وبآسانی نمیتوانستند از حکومت خودمختاری و منافع حاصل از آن چشم بپوشند. روحانیان و علما که از پیشروان انقلاب بودندو برای خود سهمی عظیم قائل بودند وبخصوص درجریان وقایع اخیر قدرت ونفوذ بیشتری یافته بودند در تنظیم مواد قانون انتخابات با روشنفکران که خواهان مجلس بمعنی ومفهوم واقعی ملی ورعایت تساوی حقوق وامتیازات برای همهٔ طبقات بود توافق نداشتند از اینجهت پس از آنکه نظامنامهٔ انتخابات از طرف هیأت مذکور در فوق تهیه و تنظیم گشت ودرجلسات عمومی که مرکب از: رجال واعیان وروحانیان و تجار ورؤسای اصناف بود قرائت گردید مورد موافقت همگان قرارنگرفت ونسبت به بعضی از مواد آن بخصوص از طرف روحانیان اعتراض شد، مشیرالدوله صدراعظم بمنظور اجرای خواست ملت اختیار تغییر مفاد نظامنامه پیشنهادی هیأت را بخود آنها واگذار کرد ودرنتیجه درجلسهٔ عمومی روزدوشنبه سیزدهم رجب نظامنامه‌ای که روشنفکران تهیه دیده بودند با تغییراتی اندک که بیشتر درآن خواست تجار واصناف رعایت گشته وباجدیت وپشتکار خود آنها آماده شده بود قرائت گردید ومورد موافقت وقبول همه نمایندگان طبقات مختلف قرار گرفت وبرای توشیح پادشاه توسط میرزا شفیع خان مستشارالملک گرکانی که نمایندهٔ دولت در جلسات مجلس بود فرستاده شد ولی همچنانکه بیان داشتیم مخالفت با مفاد نظامنامهٔ انتخابات از طرف رجال درباری بمنظور حفظ قدرت ومنافع گروهی خودخواه وهمچنین حفظ قدرت مطلق سلطنت، عامل ومانع بزرگی رادر راه اجرای خواست روشنفکران و آزادیخواهان بوجود آورد و مدتی امر امضای نظامنامه رابتأخیر انداخت. تعویق توشیح قانون انتخابات مورد اعتراض وشورش طبقات مختلف قرار گرفت وبار دیگر عده‌ای بسفارت انگلیس پناهنده شدند، تجار و اصناف بازار را تعطیل کردند و دوباره اعتصابات عمومی شروع گردید.

مخالفان مشروطیت وشاهزادگان ودرباریان استبدادپرست در مقابل هیجان عمومی ملت و از بیم شورشها وهیاهوی بیشتر حاصل از آن تسلیم شدند ونظامنامهٔ انتخابات در تاریخ ۱۹ رجب ۱۳۲۴ ه.ق ۱۷ شهریور ماه ۱۲۸۵ شمسی بامضای مظفرالدینشاه رسید و درجلسهٔ مورخ

دوشنبه ۲ رجب ۱۳۲۴ ه.ق مجلس شورای موقت (مجلس مؤسسان) میرزا نصرالله خان مشیرالدوله با جمعی از رجال دولت حضور یافتند و از طرف دولت قانون انتخابات را که در تحت دو فصل و سی و سه ماده تنظیم شده و بتوشیح شاه رسیده بود قرائت کردند.

بموجب نظامنامهٔ فوق، انتخابات در سراسر کشور طبقاتی تعیین شد و مطابق ماده اول از فصل اول نظامنامه[۱] طبقات زیر در انتخابات نماینده مجلس توفیق یافتند شاهزادگان و قاجاریه، علما و طلاب، اعیان و اشراف، تجار، مالکان، فلاحان و اصناف. در مادهٔ هشتم از نظامنامه برای طبقات فوق محدودیتی از لحاظ تعیین نماینده برای مجلس پذیرفته نشده بود و انتخاب کنندگان آزاد بودند از هر طبقهٔ اجتماعی که مورد اعتماد آنها باشد نمایندهٔ خود را انتخاب کنند و الزامی در اینکه از طبقه و صنف خودشان باشد در بین نبوده است[۲].

نکته شایان توجه در مورد نظامنامهٔ انتخابات این است که در مورد ماده دوم[۳] از شرایط انتخاب کنندگان مسئله مالکیت و اعتبار مادی افراد از هر طبقه و صنف میباشد در بند چهارم از مادهٔ فوق، مالک و فلاحی میتواند در انتخابات شرکت جوید و نمایندهٔ خود را انتخاب کند که صاحب ملکی باشد و حداقل ملک وی هزار تومان قیمت داشته باشد، بنابراین اصل کشاورزان و

---

۱- **ماده اول:** انتخاب کنندگان ملت در ممالک محروسه ایران از ایالات و ولایات باید از طبقات ذیل باشند:
شاهزادگان و قاجاریه: علما و طلاب: اعیان و اشراف: تجار و ملاکین: فلاحین و اصناف:
تنبیه اول: ایلات هر ایالت جزو سکنهٔ آن ایالت محسوب و با شرایط مقرره حق انتخاب دارند.
تنبیه دوم: ملاک عبارت از ارباب ملک: فلاح عبارت از زارع

۲- ماده هشتم: عدهٔ انتخاب شدگان برای مجلس شورای ملی در تمام ممالک محروسهٔ ایران بیش از ۲۰۰ نفر نمیتواند باشد، در شهرهای جزء ایالتی هر طبقه علیحده جمع شده یکنفر را انتخاب نموده بکرسی ایالت میفرستند این انتخاب شدگان باید در همان شهری که انتخاب میشوند و یا در محال شهر سکنی داشته باشند. انتخاب شدگان در شهرهای جزء ایالت در کرسی ایالت جمع شده بعده‌ای که در صورت فوق برای هر ایالت معین شده از برای مجلس شورای ملی اعضا انتخاب میکنند تا در مجلس شورای ملی حضور بهم رسانیده در مدت مأموریت بوظیفه و تکلیف خود که حفظ حقوق دولت و ملت است عمل نمایند؛ انتخاب کنندگان مجبور نیستند که حتماً از صنف و طبقه خودشان انتخاب کنند.

۳- **ماده دوم:** انتخاب کنندگان باید دارای مقامات ذیل باشند:
۱- سن آنها کمتر از ۲۵ سال نباشد: ۲- رعیت ایران باشند ۳- معروفیت محلی داشته باشند: ۴- ملاکین و فلاحین آنها باید صاحب ملکی باشند که هزار تومان قیمت داشته باشد ۵- تجار آنها حجره و تجارت معینی داشته باشند ۶- اصناف آنها باید از اهل صنف و کار معین صنفی داشته باشند و دارای دکانی باشند که کرایهٔ آن دکان مطابق کرایه های حدوسط محلی باشد

روستاییانی که صاحب زمین و ملک شخصی نبودند ویا اگر بودند زمین وملک آنهااز قیمت‌مقرر کمتر بود از حق انتخاب کردن محروم گردیدند.

ونیز در بند پنجم وششم از همین ماده در شرایط تجار واصناف برای تعیین‌نماینده ،داشتن تجارت معین و تجارتخانه برای تاجر وکار معین صنفی وداشتن دکانی که کرایه‌آن مطابق با کرایه‌های حدوسط محلی باشد برای‌اصناف قید شد.

در بنداول و پنجم از ماده سوم[1] در محروم بودن اشخاص از انتخاب وکیل و بعبارت دیگر محرومیت از حقوق اجتماعی «طایفه نسوان‌واشخاصی که بفساد عقیده‌معروف‌هستند» ذکر شده‌اند و از اینجا بخوبی میتوان تأثیر عامل مذهب و سنت و عقاید زمان را در تدوین نظامنامهٔ انتخابات دریافت و این خصوصیت را در ماده پنجم[2] بند اول و هفتم آن در مورد اشخاصی که از انتخاب‌شدن بوکالت مجلس نیز محروم هستند باز می‌بینیم.

عدهٔ نمایندگان مجلس بموجب مادهٔ هشتم از نظامنامه از دویست تن نباید تجاوز کند و این عده باید بموجب مادهٔ ششم[3] نظامنامه نمایندگان منتخب هر حوزه در کلیهٔ نقاط کشور متناسب با سکنه وجمعیت هر ایالت باشند واز هر ایالت بین شش تا دوازده‌نفرانتخاب بشوند.

---

**۱- ماده سیم:** اشخاصی که از انتخاب نمودن کلیهً محروم هستنداز قرار تفصیلند:

۱- طایفه نسوان۲- اشخاص خارج از رشد و آنهایی که محتاج بقیم شرعی میباشند ۳- تبعهٔ‌خارجه ۴- اشخاصی که سنشان کمتر از۲۵ سال‌باشد: ۵ اشخاصی که معروف‌بفسادعقیده هستند۶- ورشکستهٔ که بی‌تقصیری خود را ثابت نکرده باشد ۷- مرتکبین قتل و سرقت و مقصرین و آنهایی که مجازات اسلامی قانونی دیده اند و متهمین بقتل و سرقت‌و غیره که شرعاً رفع تهمت از خود نکرده باشند ۸- اهل نظام‌بری که مشغول خدمتند

**۲- ماده‌پنجم:** اشخاصی که از انتخاب شدن محروم هستند:

۱- طایفهٔ نسوان ۲- تبعهٔ خارجه۳- اهل نظام‌بری وبحری که مشغول‌خدمتند ۴-ورشکسته بتقصیر ۵- مرتکبین بقتل و سرقت ومقصرین و آنهایی که مجازات قانونی اسلامی‌دیده‌اند ومتهمین بقتل وسرقت و غیره که شرعاً رفع تهمت از خود نکرده باشند: ۶- آنهایی که سنشان از.۳سال کمتر باشد ۷- اشخاصی که معروف بفساد عقیده‌هستند و متجاهر بفسق

**۳- ماده‌ششم:** عدهٔ انتخاب‌شدگان‌ملت در بلاد ایران متناسب با جمعیت سکنهٔ آن بلاد است و ازهر ایالتی شش یا دوازده‌نفر موافق صورت ذیل باید انتخاب شودمگر تهران که عدهٔ انتخاب‌شدگان آن بموجب تفصیل ذیل است.

۱- شاهزادگان و قاجاریه ۴ نفر　　　۳- تجار ۱۰ نفر

۲- علما وطلاب ۴ نفر　　　۴- ملاکین وفلاحین ۱۰ نفر

اصناف از هر صنفی یکنفر که جمعاً ۳۲نفر میشود

«درسایر ایالات و ولایت از قرار تفصیل است؛.....»

در تنظیم و تدوین مواد نظامنامهٔ انتخابات تأثیر نابسامانی اوضاع و عدم امکانات از هر حیث بخوبی دیده میشود. بیم از استبداد و کارشکنی حکام ولایات و عدم ارتباط نزدیک بین شهرستانها با مرکز، تنظیم کنندگان نظامنامه را بر آن داشت که به پیش‌بینی موارد احتمالی و جلوگیری از کارشکنی و مخالفت دشمنان رژیم جدید بپردازند و برای اینکه زودتر مجلس را تشکیل دهند و حکومت قانون را بر اوضاع آشفتهٔ مملکت مسلط سازند با گنجاندن ماده ۱۹ در نظامنامه در تسریع گشایش مجلس شورای ملی بکوشند.

بموجب این ماده مقرر گشت که هرگاه انتخابات تهران که حدنصاب نمایندگان را تشکیل میدهد خاتمه یافت ونمایندگان منتخب درمجلس حضور بهم رساندند، مجلس جلسات خودرا تشکیل دهد ونمایندگان وظایف قانونی خودرا شروع کنند وتأخیر ورود وحضور وکلای شهرستانها بمرکز وبمجلس شورای ملی مانع ازگشایش مجلس وتعطیل آن نخواهد بود. ونیز برای حصول منظور فوق در نظامنامه بموجب ماده ششم: تعداد نمایندگان منتخب شهرستان تهران بطور استثنایی ۶۰ تن بشرح زیر تعیین شد.

| | |
|---|---|
| ۱- شاهزادگان و قاجاریه ۴ نفر | ۳- ملاکین و فلاحین ۱۰ نفر |
| ۲- علما و طلاب ۴ نفر | ۴- تجار ۱۰ نفر |

۵- اصناف از هر صنف یکنفر که جمعاً ۳۲ نفر میشوند

وحال انکه ازمجموع ۱۰۶ تن وکلای مجلس اول ۹۶ تن سهم استانها و شهرستانهای تابع آنها بوده است.

نکتهٔ شایان توجه در بررسی مادهٔ فوق، سهم و حصه‌ای است که برای اصناف و تجار در تدوین نظامنامه در نظرگرفته شده‌است. واین خود تأثیر نفوذ وقدرتی را که اصناف و بازاریان در جریان وقایع مشروطیت وسهم عظیمی را که دراعتصابات و مبارزات ملی داشته‌اند نشان میدهد، وما در فصول آینده این مجموعه درضمن گفتگو ازتأثیر طبقات وتحقیق در منشأ اجتماعی نمایندگان مجلس شورای ملی بتفصیل درباره آن بحث خواهیم کرد ونیزنشان خواهیم داد که باتغییر نظامنامهٔ انتخابات در نتیجه جریاناتی که پس از مشروطه اول واستبداد صغیر پیش آمدومسیر انقلاب را بخاطر کسب حکومت ملی عوض کرداین سنت در ادوار بعدی مجلس شورای ملی حفظ نشد وطبقهٔ بازاری و

اصناف سهم گذشتهٔ خود را ازدست دادند.

ماده نهم [1] از فصل اول نظامنامه، درباره تشکیل انجمنهای رسمی تحت عنوان انجمن ایالتی ومحلی یکی ازقدمهای مؤثر وسفیدی بود که تدوین کنندگان قانون انتخابات برای برقراری مداخلهٔ مستقیم ملت درحسن جریان انتخابات وتعیین نمایندهٔ واقعی وبرگزیدهٔ ملت (بخصوص در استانها وشهرستانها که هنوز درتحت تسلط ونفوذ صاحبان قدرت وحکام وفرمانروایان مستبد بود) برداشتند وهمین امر مقدمهٔ تشکیل مجامع سیاسی وایجادنیروهای مقاومت ملی درمقابل حکومت استبداد صغیر گردید.

انجمن ایالتی درمراکز استانها وانجمنهای محلی درشهرستانهای تابع هر استان بمنظور نظارت در انتخابات و باعضویت معاریف ومعتمدان طبقات ششگانه تأسیس شد و بموجب ماده دهم [2] حق رسیدگی بشکایات مربوط بامر انتخابات از جمله وظایف انجمنهای فوق تعیین شد.

بموجب ماده ۲۳ نظامنامه [3] نمایندگان ملت مصونیت پارلمانی پیدا کردند و درصورت ارتکاب عملی خلاف قانون، بااجازه مجلس وسلب مصونیت ازآنها محاکم دادگستری حق تعقیب قانونی ورسیدگی بجرم آنها را خواهند داشت. بدین وسیله تنظیم کنندگان قانون انتخابات قبل از تدوین وتنظیم قانون اساسی وتفکیک قوای سه گانه مملکت وتعیین حدود وظایف هریک، حیثیت و منزلت اجتماعی هیأت قانونگذاری رامحفوظ داشتندواز تسلط قدرت هیأت حاکمهٔ دولت برنمایندگان ملت جلوگیری کردند.

---

۱- **ماده نهم:** درهر محلی که انتخاباب بعمل میآید، انجمنی برای نظارت انتخابات از معاریف طبقات ششگانه انتخاب کنندگان آن محل مرکب از شش نفر در تحت نظارت موقتی حاکم یا نایب الحکومه همان محل تشکیل خواهدشداز اینقرار: دوانجمن تشکیل میشود، انجمن محلی وایالتی، انجمن محلی در شهرهای جزء ایالات و اجمن ایالتی درکرسی ایالت.

۲- **ماده دهم:** شکایات راجعه بانتخابات مانع از اجرای انتخابات نخواهد بود یعنی انجمنهای مذکور درمادهٔ نهم رسیدگی خواهند کرد بدون اینکه انتخابات توقیف شود.

۱- **ماده بیست وسوم:** بدون اجازه مجلس احدی از اجزای مجلس رانمیتوان بهیچ عنوان گرفتار ودستگیر نمود مگر مرتکب بجنحه یا جنایتی باشند بطور علنی وکلیه تحریر و تقریر اعضای مجلس در مصالح دولت و ملت آزاد و هیچکس حق مزاحمت آنها را ندارد مگر درصورتیکه تحریرات و تقریرات عضوی برخلاف مصالح عامه و موافق قوانین شرع انور مستوجب مجازات باشد در اینصورت با اجازه مجلس این نوع اشخاص بمحکمه عدلیه جلب خواهند شد.

بموجب ماده ۲۱ نظامنامه «عمرمجلس ملی دوسال تمام مقرر گشت»[1].

پس ازمشروطیت اول وقیامها ومبارزات ملی که در زمان استبداد صغیربرای برقراری مجدد مشروطیت از طرف گروههای ملی انجام گرفت نظامنامهٔ انتخابات در تاریخ ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ ه.ق توسط هیأتی مرکب از ۱۶ تن که از طرف دولت مرکزی وبا موافقت انجمنهای ایالتی تعیین شده بودند تغییراتی حاصل کرد، وقانون انتخابات دو درجه وغیرمستقیم در تحت نه فصل و ۶۳ ماده تهیه وتنظیم گردید.

بموجب مادهٔ اول عدهٔ وکلای مجلس شورای ملی از ۱۵۶ تن به ۱۲۰ تن تقلیل پیدا کرد ومقررشد که انتخاب کنندگان بموجب بندچهار از ماده چهارم دارای علاقه ملکی باشند یا درسال مالیاتی بمبلغ ۱۰ تومان پرداخت کنند ویاداشتن سالیانه پنجاه‌تومان عایدی شرط شد افراد انتخاب کننده در صورت داشتن تحصیلات از قید شروط فوق معاف بودند[2].

نظامنامهٔ انتخابات دودرجه در تاریخ ۲۸ شوال ۱۳۲۹ ه.ق باردیگر تغییریافت ودر مجلس دوم بموجب تصویب نامهٔ هیأت دولت مبنی براعطای حق تغییرنظامنامه انتخابات به نمایندگان مجلس شورای ملی اصلاحاتی پیدا کرد. بموجب نظامنامهٔ جدید مأخذ تمول ملغی شد وانتخابات درتمام کشور بصورت یکدرجه وعمومی ومستقیم درآمد. عدهٔ وکلا از ۱۲۰ تن به ۱۳۶ تن افزایش یافت وبموجب بند۳ از مادهٔ ۹ انتخاب کنندگان میباید در حوزهٔ خودمتوطن و یا لااقل شش ماه قبل از تاریخ انتخابات در آن حوزه ساکن باشند. انتخابات دورهٔ سوم قانونگذاری و ادواربعدی مجلس شورای ملی تااین تاریخ براساس قانون انتخابات جدید صورت گرفته است جزاینکه بعضی از مواد آن در دوازدهم شهریورماه وپنجم ودوازدهم مهرماه ۱۳۰۴ شمسی و ۲۸ خرداد و ۲۲ تیر ماه ۱۳۰۶ ودهم مهرماه ۱۳۱۳ و ۲۷ مردادماه ۱۳۳۲ اصلاح وبه تصویب نمایندگان رسیده است وبموجب اصلاح وتغییری که در مواد ٤ و ٥ و ٦ قانون اساسی در مجلس واحد «کنگره» که مرکب

---

۱- **ماده بیست ویک:** مدت مأموریت نمایندگان ملت دو سال خواهد بود و بعد از دو سال در تمام ممالک ایران تجدید انتخابات خواهد شد

۲- ماده چهارم: انتخاب کنندگان اشخاصی خواهند بود که دارای شرایط ذیل باشند:

۱- تبعه ایران باشند ۲- لااقل بیست سال داشته باشند ۳- معروفیت محلی داشته و اگر بومی یا متوطن آن محل نباشند لااقل شش ماه قبل ازانتخاب درمحل انتخاب یا توابع آن سکنی داشته باشند ٤. لااقل دارای دویست و پنجاه تومان علاقهٔ ملکی یاد تومان مالیات بده باشند یاپنجاه تومان عایدی سالیانه داشته ویا تحصیل کرده باشند.

از نمایندگان دومجلس وبرطبق رأی مجلس مؤسسان درسال ۱۳۲۸ ودر اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۶ تشکیل شد به تبعیت از آن مفاد مواد ۱ و ۴۸ و ۵۰ قانون انتخابات نیز تغییر یافت و بموجب آن عدهٔ نمایندگان برطبق آمار رسمی کشور به نسبت هریکصد هزارتن جمعیت یک‌تن اضافه شد ودر نتیجه عده نمایندگان مجلس از ۱۳۶ تن به ۲۰۰ تن افزایش یافت، وبموجب اصل ششم قانون اساسی مصوب مجلس واحد مورخ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۶ شمسی مربوط بماده ۴۸ قانون انتخابات درمورد اکثریت حاصل کردن نمایندگان برای افتتاح مجلس «نصف بعلاوه یک‌تن ازنمایندگان ملت درتهران» به دو ثلث نمایندگان افزایش یافت.

و نیز بموجب اصل پنجم قانون اساسی مصوب مجلس واحد مورخ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۶ مدت دورهٔ نمایندگی مجلس شورای‌ملی از۲سال به۴سال تمام افزایش پیدا کرد وبموجب همین اصل ابتدای هر دوره از تاریخ تصویب اعتبارنامه بیش از نصف‌نمایندگان تعیین گردید.

آخرین نظامنامهٔ انتخابات آن است که بموجب لایحه اصلاحی قانون انتخابات که درچهار ماده تنظیم شد ودر تاریخ ۶ بهمن ماه ۱۳۴۱ بتصویب کنگرهٔ ملی رسید. بر اساس این لایحه تغییراتی در نظامنامهٔ انتخابات بشرح زیر صورت گرفت:

۱- بموجب مادهٔ چهار لایحهٔ قانونی‌اصلاحی‌قانون انتخابات که در ششم بهمن‌ماه ۱۳۴۱ شمسی بتصویب کنگرهٔ ملی رسید. ماده چهاردهم[۱] از فصل‌چهارم‌قانون انتخابات درمورد تعیین اعضای‌انجمن نظار تغییر یافت وترکیب طبقات ششگانه که اعضای انجمن مزبورمی‌باید از میان آنها انتخاب شوند دگرگون شد، بدین‌معنی که طبقات کارگران ودهقانان(کشاورزی که مالک زمین زراعتی خود میباشد) جایگزین طبقات اعیان ومالکان گردیدند باید دانست که این تغییر بجای خود در تاریخ انتخابات ایران بی‌سابقه بوده است.

---

**۱- ماده‌چهاردهم:** در مرکز هرحوزهٔ انتخابیه مطابق جدولی که‌منضم باین قانون است حکومت محل بمحض وصول دستور وزارت داخله برای تعیین انجمن نظارت مرکزی بیست و چهار نفر از طبقات ششگانه: (علماء. اعیان، مالکین- تجار- اصناف و زارعین). و دوازده نفرمعتمدین اهل‌محل که معروف بامانت‌وباسواد و دارای شرایط انتخاب نمودن باشندد‌عوت میکند مدعوین در همان مجلس از میان خود یا خارج برأی مخفی واکثریت نسبی نه‌نفر رابرای عضویت‌انجمن تعیین نموده و نه‌نفر دیگر را نیز بعنوان عضو علی‌البدل از همان مدعوین انتخاب‌مینمایند. در انتخاب مزبور حضور دو ثلث مدعوین کافی خواهد بود در نقاطی که یک‌یاچند طبقه از طبقات‌ششگانه وجود نداشته باشند ازطبقهٔ دیگر عدهٔ منظور تکمیل خواهد شد.

۲- و نیز بر اساس مادهٔ سوم لایحهٔ مصوب ملی و بر طبق مادهٔ ۱٤ آیین نامهٔ اجرایی قانون انتخابات دو مجلس مصوب تیرماه ۱۳٤۲ ، بند ۳[1] از ماده بیست ویکم از فصل پنجم قانون انتخابات در مورد کیفیت دادن تعرفه و گرفتن رأی، بدین ترتیب اصلاح شد که رأی دهندگان بجای استفاده از کاغذهای بی نشان برای ثبت اسامی کاندیداهای انتخاباتی خود از کارتهای مخصوص چاپی استفاده نمایند.

ونیز بموجب آیین نامهٔ فوق ماده ۲۳[2] وماده واحدهٔ ذیل آن وهمچنین ماده ۲٤[3] درخصوص تعرفه وترتیب ثبت آنها حذف شده است.

ماده ۲۸[4] از همین فصل بموجب ماده ۲ قانون اصلاح انتخابات مصوب ۶ بهمن ماه ۱۳٤۱ بدین کیفیت اصلاح ومقررشد که انتخابات در سراسر کشور دریک روز انجام گیرد.

دیگر از تغییراتی که در قانون انتخابات ایران ابتدابا تصویب نامهٔ قانونی بشماره ۵۱۱۸٤ مورخ ٤۱/۲/۱۶ هیأت وزیران و سپس با تصویب نهایی نمایندگان حاصل شد درجلسهٔ مورخ دهم اردیبهشت ماه ٤۳ مجلس شورای ملی اعطای حق شرکت بانوان در انتخابات مجلس شورای ملی است.

بموجب این تصویب نامه در فصل دوم وسوم نظامنامه اصلاحات زیر انجام گرفت بند ۱ از ماده دهم[5] در مورد کسانی که از حق انتخاب کردن محروم اند وبند ۲ از ماده سیزدهم[6] در مورد

---

۱- **بند ۳ از ماده بیست ویکم:** ترتیب گرفتن تعرفه و دادن رای با توضیح این نکته که (گرفتن تعرفه و دادن رای در یک مجلس به عمل می آید ورای دهندگان بایدقبل از ورود به انجمن رای خود را روی کاغذ بی نشان نوشته حاضر داشته باشند).

۲- **ماده بیست وسوم:** تعرفه که بانتخاب کنندگان داده میشود محتوی فقرات ذیل خواهد بود

۱- نمره وتاریخ ۲- اسم دارندهٔ تعرفه و اسم پدر او و شغل و منزل او ۳- مهر یا امضای اعضای انجمن نظارت.

ماده واحده- انجمنهای نظارت در موقع دادن تعرفه اخذ رای مکلفند ورقه شناسنامه رای دهنده را نیز ملاحظه کنند و شماره آن را در دفاتر ثبت و شناسنامه را بمهر انجمن برسانند

۳- انجمن نظارت یاشعب آن تمام تعرفه هایی را که میدهد بترتیب نمره در کتابچهٔ مخصوص ثبت میکنند.

٤- ماده بیست وهشتم: در محل هایی که انتخاب در یک روز تمام نمیشود در ختام مجلس آن روز تمام اعضا با احتیاطات لازمه جعبه و دفاتر راجع به انتخاب را بسته محفوظ گذاشته مهر کرده روزبعد همان اعضا آن را باز می کنند.

۵- **ماده دهم:** کسانی که از حق انتخاب کردن محروم اند:

بقیه پاورقی درصفحهٔ بعد

**اشخاصی که از انتخاب شدن محروم‌اند حذف شد وبا حذف این دو بند از نظامنامۀ انتخابات، زنان ایران حق شرکت در انتخابات چه در رأی دادن وچه در انتخاب‌شدن را بدست آوردند.**

---

بقیه پاورنی ازصفحۀ قبل

۱- طایفه نسوان ۲- کسانیکه خارج از رشد وآنهایی که در تحت قیمومیت شرعی هستند ۳- تبعه خارجه ٤- اشخاصی که خروجشان ازدین حنیف اسلام درحضوریکی ازحکام شرع جامع الشرایط به ثبوت رسیده باشد ٥- اشخاصی که کمتر ازبیست سال دارند ٦- ورشکستگان بتقصیر ۷- متکدیان واشخاصی که بوسایل بیشرفانه تحصیل معاش مینمایند ۸- مرتکبین قتل وسرقت وسایر مقصرینی که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده‌اند ۹- مقصرین سیاسی که برضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام واقدام کرده‌اند

**٦- ماده سیزدهم:** اشخاصی که از انتخاب شدن محروم‌اند

۱- شاهزادگان بلافصل (ابناء واخوان واعمام پادشاه) ۲- نسوان ۳- تبعه خارجه ٤- مستخدمین امنیه ونظمیه واهل نظام بری وبحری باستثنای صاحب منصبان افتخاری ٥- حکام کل و جزء ومعاونین ایشان در قلمرو مأموریت خود ٦- مأمورین مالیه در قلمرو مأموریت خود ۷- کلیه رؤسای محاکم و مدعی العموم ها و وکلای عمومی در حوزه مأموریت خودشان اعم از ولایت یا ایالت از انتخاب شدن بوکالت مجلس شورای ملی محروم‌اند.

۸- رؤسای دوایر دولتی از انتخاب شدن بعضویت مجلس شورای ملی در حوزۀ مأموریت خود محروم خواهند بود و همچنین وزراء و معاونین در موقع انتخابات از تمام مملکت

تبصره- سایر مستخدمین دولتی قابل انتخاب هستند بشرط آنکه پس از انتخاب برای مدت نمایندگی از شغل خود استعفا دهند.

# تحلیلی از قانون اساسی

مبارزه و کشمکش بین دو نیروی استبدادی وملی با صدور فرمان مشروطیت ورفع اختلاف نظر در مورد تنظیم مواد نظامنامهٔ انتخابات خاتمه نیافت ، بلکه تصادم این دو نیروی آشتی ناپذیر بصورت شدیدتر نهانی ادامه داشت ودامنهٔ آن بصحنهٔ فعالیت های پارلمانی و بخصوص به مسئلهٔ مهم پی ریزی بنای حکومت ملی وبرقراری حاکمیت قانون برمملکت، یعنی تدوین وتنظیم قانون اساسی کشیده شد . رجال درباری واشراف فئودال و در رأس آنها محمد علیمیرزا که بظاهر بخاطر جلب گروههای ملی خود را همرنگ «محیط مشروطه» ساخته بودند، در نهان نقشهٔ برهم زدن مشروطه وحکومت چندماههٔ ملی را طرح می کردند . سعی محمد علیمیرزا که بسبب کسالت مظفرالدینشاه امور مملکت را اداره می کرد برآن بود که بانحاء مختلف حقوقی راکه بموجب فرمان مشروطیت بملت داده شده بود محدود کندوچه بسا که آن را از بین ببرد ودر این راه اشراف درباری نیزباوی هماهنگی داشتند وسی کوشیدند در موقع تنظیم وتدوین قانون اساسی که شالودهٔ حکومت قانونی آیندهٔ کشور بود، حقوق وامتیازات سابق خود را محفوظ ومستحکم سازند . چون قانون اساسی از طرف هیأتی آماده وبرای امضای مظفرالدینشاه فرستاده شد، رجال درباری که بنا بخصیصهٔ ذاتی باحکومت مشروطه وآزادی وتساوی ملت در حقوق اجتماعی مخالف بودند دربارهٔ حفظ قدرت سلطنت و حفظ اختیارات، امتیازات بیشتری برای مجلس سنا، با برخی از موادقانون مزبور که موجب محدودیت قدرت خود آنها نیز بود مخالفت کردند ومانع امضای قانون اساسی و برگرداندن آن بمجلس گشتند .

کشاکش نمایندگان مجلس و آزادیخواهان با درباریان برسر این مسئله با تقویت نیروهای ملی خارج از مجلس بخصوص گروههای ملی شهرستانها که با تحصن در تلگرافخانه و مخابرهٔ تلگرافات متعدد بنمایندگان وعلما تسریع در تنظیم وتوشیح قانون اساسی را خواستار بودند باینجا منتهی شد که درجلسهٔ روز ۵شنبه ۱۱ ذیقعده ۱۳۲۴ ه.ق مشیرالملک وحاج محتشم السلطنه و مؤیدالسلطنه بوکالت ازجانب دولت برای مباحثه و مذاکره درفصول قانون اساسی و موارد اختلاف دولت و نمایندگان بمجلس شورای ملی حاضر شدند، مذاکرات جلسه مزبور تنها دربارهٔ

رد یا ایراد وطرد وقبول وتوضیح اصول ۸- ۱۱-۱۲-۱۵- ۲۰- ۲۱- ۲۸- ۴۰- ۴۱- ۴۲- ۴۷-
قانون اساسی بود در خاتمهٔ آن جلسه که مدت هفت ساعت طول کشید قانون مزبور تنقیح شد و
باتمام رسید و رأی برآن قرار گرفت که پس از مذاکره در دو فقره استدعاییه با محمد علیمیرزا
(اصول ۴۱ و ۴۲) آن را برای امضای مظفرالدینشاه حاضر کنند[۱]

بدین کیفیت تدوین وتنظیم قانون اساسی در تحت ۵۱ اصل در شرایط سخت مبارزهٔ شدید
بین آزادیخواهان و دولتیان انجام گرفت ودر تاریخ ۸دی ماه ۱۲۸۵ شمسی مطابق با ۱۴ ذیقعدهٔ
سال ۱۳۲۴ ه.ق بتوشیح مظفرالدین شاه رسیدومحمدعلیمیرزانیز بظاهر امرباوساطت بین نمایندگان
مجلس شورای ملی و دولتیان برخلاف میل باطنی بخاطر جلب نظر گروههای ملی در اختلاف
فیمابین میکوشید، قانون اساسی را امضا ودستور ابلاغ آنرا صادر کرد با امضای قانون اساسی و
رسمیت یافتن آن اختیارات مطلق سلطنت وهیأت حاکمه مشروط ومحدودشد وحکومت‌قانون‌برای
نخستین بار در تاریخ ایران برقرار گشت وبموجب آن تمام قدرت ناشی از ملت و وضع قوانین و
تصویب بودجهٔ‌مملکت وهمچنین نظارت براجرای قوانین‌وبعبارت دیگر نظارت‌براعمال هیأت دولت
از وظایف واختیارات مجلس‌شورای ملی گردید، وبموجب قانون اساسی، آزادی مطبوعات وجراید
وسانسورنکردن مکاتبات خصوصی، آزادی تشکیل اجتماعات ،احترام‌مالکیت افرادومصونیت‌افراد
در پناه قانون اعلام‌شد.

تنظیم‌قانون اساسی‌از آنجا که درفرصتی کوتاه وبدون دقت‌لازم‌انجام‌پذیرفت ملت‌و بخصوص
اعضای‌انجمن های متشکل از آزادیخواهان و روشنفکران آن را کافی بمقصود ندیدند واز مجلس
شورای ملی‌تکمیل آن را تقاضا کردند.

محمد علیشاه با آنکه پس از بسلطنت رسیدن نیز با اساس حکومت مشروطه مخالف بود و
درنهان نقشهٔ برهم زدن آن را طرح می کرد بظاهر در مقابل خواسته های ملت برای‌اصلاح‌قانون
اساسی‌دستخطی بدین شرح صادر ساخت.

«جناب اشرف‌صدراعظم: سابق هم دستخط فرموده بودیم که نیات مقدسهٔ‌ما در توجه‌باجرای

---

(۱)- اصل ۴۱ مربوط بمجلس سنا وعدهٔ اعضاوطریقهٔ انتخابات‌اعضای آن بود واختلاف نظر نمایندگان
ملت با نمایندگان دولت در پیرامون فزونی‌نمایندگان منتخب از طرف ملت دور میزد و پیشنهاد آنها بردوثلث
از طرف‌ملت ویک ثلث ازطرف دولت بود، مسئله‌دیگر برسر اصل ۴۲ بود نمایندگان مجلس‌خواستار شدندکه
امور مربوط بمالیه مملکت ازوظایف مختص مجلس شورای ملی مقررشود

اصول قوانین اساسی که امضای آن را خودمان از شاهنشاه مرحوم انارالله برهانه گرفتیم بیش از آن است که ملت نتواند تصور کند واین بدیهی است ازهمان روزکه فرمان شاهنشاه مبرور انارالله برهانه شرف صدور یافت وتأسیس مجلس شورای ملی شد، دولت ایران در عداد دول مشروطه صاحب کنس تی توسیون (Constitution) بشمار میآید منتهی ملاحظه‌ای که دولت داشته این بوده است که قوانین لازمهٔ برای انتظام وزارتخانها و دوایر حکومتی ومجالس بلدی مطابق شرع محمدی (ص) نوشته آنوقت بموقع اجراء گذارده شود. عین این دستخط ما رابرای جنابان حجج اسلام سلمهم الله تعالی ومنتخبین شورای ملی ابلاغ نمایید ۲۷ ذیحجه سال ۱۳۲٤ ه.ق » مجلس شورای ملی نیز در جلسهٔ ۲۸ ذیحجه ۱۳۲٤ ه.ق هیأتی مرکب از آقایان سعدالدوله ، سیدحسن تقی‌زاده، میرزا محمود خان مشاورالملک ، حاج حسین آقامهدوی (امین الضرب)،حاجی سید نصرالله سادات اخوی ومستشارالدوله (صادق-صادق) را مأمور اصلاح قانون اساسی کرد[۱] هیأت مذکورمتمم قانون اساسی را درشرایط سخت ترومحیطی متشنج بعلت دو دستگی واختلافی که بتدریج بین مشروطه خواهان پیش آمدوبتحریک درباریان وشخص محمدعلیشاه بداستان «مشروطه» و«مشروعه» منجر گردید، آماده ساختند. ولی مجلس از آن نظر که با مخالفت علما وروحانیان مواجه نگردد ناگزیر شد قانون را از نظر رهبران روحانی مشروطیت وسایر علما بگذراند، برای این منظور کمیسیونی مرکب از آقایان سید عبدالله بهبهانی و سیدمحمدطباطبایی وحاجی شیخ فضل الله نوری وعدهٔ دیگری از نمایندگان روحانی مجلس تشکیل گردید ودربارهٔ مواد جدید قانون اساسی وتطبیق آن با موازین شرعی بمطالعه ومذاکره پرداختند.

اختلاف نظر وسلیقهٔ روحانیان وروشنفکران ازیکسو ودودستگی رهبران روحانی مشروطیت برسر مسائل خصوصی ومنافع شخصی از سوی دیگر وتحریکات ودسایس درباریان نیز بجای خود ازعواملی بودند که موجبات تأخیر درتدوین متمم قانون اساسی وتصویب آن در مجلس ودرمواردی اعمال نفوذ روحانیان را در برخی از مواد آن پیش آورد وما درجای دیگر این مجموعه بتفصیل از آن سخن خواهیم گفت.

عوامل فوق سبب شد که عده‌ای بعنوان اعتراض باعمال نفوذ روحانیان مشروعه خواه مخالف با مشروطیت واعتراض به تأخیر در تصویب مواد متمم قانون اساسی که از طرف روشنفکران تنظیم شده بود بتظاهراتی بپردازند. این امر بخصوص در استانهای مهم از جمله استان آذربایجان وبویژه

---

۱- نقل از شماره ۱٤ روزنامه مجلس مورخ ۲۹ ذیحجهٔ ۱۳۲٤ ه.ق مطابق با ۲٤ دلو ۱۲۸۵ شمسی- و فوق‌العاده روزنامهٔ مزبور (ضمیمه همین شماره)

تبریز گروههای ملی رابهیجان آورد واینان باجوش وخروشی خاص در ضمن تحصن در تلگرافخانه و مخابرات تلگرافی با نمایندگان خود در مجلس شورای ملی و تعطیل بازار واعتصابات عمومی خواستار تصویب متمم قانون اساسی براساس مشروطه ملی نه شریعت‌خواهی شدند. حاصل مبارزات گروههای ملی در خارج از مجلس ونمایندگان آنها درداخل آن بدانجا رسید که متمم قانون اساسی براثر نفوذ وقدرت روحانیان در تاریخ ۱۰ مهرماه ۱۲۸۶ شمسی بامضای محمد علیشاه رسید.

***

درپایان این مقال ناگزیر ازذکر این نکته میباشیم که قول باینکه همهٔ قانون اساسی ایران ومواد واصول آن درمعنی اقتباس از قانون اساسی ممالک اروپایی است خالی ازگزافه گویی نیست. چه باتوجه بوقایع وحوادثی که درطول نیم قرن قبل از مشروطیت در ایران رخ داده وبررسی علل و اسباب آن وقایع و تطبیق آنها با مضامین مواد قانون اساسی این نکته برما آشکار میشود که تنظیم کنندگان قانون اساسی ایران بخوبی تحت تأثیر اوضاع سیاسی واجتماعی واقتصادی زمان خود قرار گرفته‌اند وهریک از مواد واصول قانون اساسی و متمم آن در عین اینکه نمودار طرز فکر روشنفکران اروپا دیده یا متأثر از افکار اروپایی است، در عین حال منعکس کنندهٔ نارضاییهای طبقات مختلف ملت از اوضاع آشفته و نابسامان عصر وپاسخگوی احتیاجات آنها نیز میباشدوشاید بتوان گفت قانون اساسی ممالک بلژیک وفرانسه وبالکان عنوان راهنما وهادی قانونگذاران ونقطهٔ الهام آنان را داشته است وبس.

در جریان وقایع و حوادث مشروح این فصل و معرفی ضمنی نیروها و طبقات عامل سازندهٔ مبارزات ملی وبررسی علل وموجباتی که منشأ بروز انقلاب عمومی در ایران گردید بی شبهه نا رضایی طبقات جامعه از غیر عادلانه بودن مالیاتهای سنگین و عوارض مختلف و ناخشنودی از نفوذ سرمایه های خارجی در ایران، سپرده شدن منابع ثروت کشور به بیگانگان، تقلیل درآمد دولت و استقراضهای پی درپی از دولتهای خارجی، تعدیات ومظالم شاهزادگان وحکام وخانها، ناامنی مالی و حقوقی وجانی افراد ملت از جمله مهمترین علل واسبابی بوده است که طبقات مختلف جامعه را بطرف انقلاب و جنبش آزادی خواهی سوق داده است.

انعکاس اوضاع عصر وخواسته ها وتمنیات ملتی که برای نخستین بار در طول تاریخ قدرت مداخلهٔ مستقیم در وضع قوانین و سرنوشت کشور پیدامیکند از مهمترین نکاتی است که شایان توجه و بررسی عمیق میباشد.

متن قانون اساسی و متمم آن با صراحت کامل معرف سنتها و عقاید و تمایلات طبقات مختلف افراد جامعه و نیروها و قدرتهای آشکار و پنهان مسلط براوضاع میباشد و در بررسی از موادو اصول آن بخوبی درمیابیم که چگونه هریک از آنها نمایندهٔ انعکاس علل فوق و تأثیر قدرت و نفوذ عامل سازندهٔ انقلاب است.

معتقدات و سنتهای مذهبی رایج زمان و نظارت روحانیان، بموجب چندین ماده و اصل از قانون اساسی و متمم آن در کلیهٔ شؤن اجتماعی بصورت قانونی پذیرفته میشود.

در اصل ۳۵ متمم قانون اساسی، اساس حکومت و سلطنت در ایران جنبهٔ الهی خود را حفظ میکند و برطبق سنت قدیم و بخصوص مطابق نظر پیروان مذهب شیعه و همچنین نظریهٔ بعضی از آباء مسیحی چون سن اگوستن (قرن پنجم میلادی) و سن توماس (قرن سیزدهم میلادی) سلطنت ودیعه‌ای الهی شناخته میشود. و شرط حاکمیت بر ملت برای مقام سلطنت و هیأت دولت و همچنین نمایندگان بموجب اصل اول و اصل ۵۸ متمم قانون اساسی و اصل ۴۰ قانون اساسی داشتن مذهب اسلام و متدین بودن قید میشود.

تسلط مذهب بر حاکمیت و قدرت دنیوی بموجب اصل ۲ و ۲۷ متمم قانون اساسی در قوهٔ قانونگذاری که نظارت مجتهدان طراز اول را بر وضع قوانین و تطبیق آن با موازین شرعی تا زمان ظهور حضرت حجت عصر عجل الله فرجه مقرر داشته تضمین گردیده است.

و اصل ۲۷ با صراحت کاملی استقرار قوانین را موقوف به مخالف نبودن با موازین شرعی منظور کرده است و بموجب همین اصل و اصول ۷۱ و ۸۳ متمم قانون اساسی حق مداخلهٔ مستقیم در قوهٔ قضایی را برای روحانیان باقی گذاشته است، از جمله حق قضاوت برای محاکم شرع را در کنار محاکم عرفی صورت قانونی بخشیده است، و نیز اصل ۸۳ در تعیین مدعی العموم که از طرف پادشاه بموجب قانون انتخاب میشود اعمال نظر و رضایت حاکم شرع را مداخله داده است.

باید دانست که دامنهٔ توسعه و نفوذ عامل مذهب بآزادیهای طبیعی نیز کشانده شده است و این آزادی بقید موازین شرعی و دین مقید میگردد.

در اصول ۲۰ و ۲۱ متمم قانون اساسی، آزادی مطبوعات و جراید و تشکیل اجتماعات و بعبارت دیگر احترام آزادی فکر و عقیده که از حقوق مسلم هرفردی است بشروطی محدود میشود که از آنجمله موافقت آنها با موازین شرعی است.

نکتهٔ شایان توجه در مسئلهٔ فرهنگ و تعلیم و تربیت افراد کشور است. بموجب اصل ۱۸ متمم قانون اساسی فقط تحصیل علوم و صنایعی آزاد است که در شرع ممنوع نباشد.

در ضمن فصول گذشته بطور مشروح بیان داشتیم که عوامل اقتصادی و نارضایی طبقاتی خاص از آنجمله بورژوازی تاجر و کسبه واصناف ازجمله عوامل وعللی بودند که درتسریع انقلاب و سوق بطرف حکومت مشروطه مؤثر بودند، و ما انعکاس عوامل و موجبات نارضایی این طبقات ملت را در بررسی مواد و اصولی از قانون اساسی بخوبی و روشنی باز می‌یابیم. از آن‌جمله اصول ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ قانون اساسی میرساند که ملت وبویژه بورژوازی ایران از اعطای امتیازات مختلف بخارجیان و استقراض از دولتهای خارجی که استقلال مملکت را بمخاطره انداخته وموجبات استثمار منابع ثروت و استعمار کشور را فراهم ساخته ناراحت است ومیل دارد در پناه قانون از رکود اقتصادیات مملکت بخصوص در زمینهٔ صنعت وتجارت جلوگیری کند و خود را از قید استثمار خارجی و تسلطی که در طی نیم قرن در کلیهٔ شؤن اجتماعی و شریانهای حیاتی کشور پیدا شده بود رهایی بخشد. از اینجهت اعطای هر گونه امتیازات تجارتی وصنعتی و فلاحتی و تشکیل کمپانیها و شرکتهای عمومی را بدون تصویب مجلس منع میکند.

انعکاس نارضایی ملت از استقراض خارجی و مسئلهٔ راهسازی بدست دولتهای خارجی را اصول ۲۵ و ۲۶ قانون اساسی صریحتر تکرار میکند و انتقال و فروش قسمتی از عایدات و یا دارایی دولت را اصل ۲۲ قانون اساسی بتصویب مجلس موکول می‌سازد.

اصل ۱۰۶ متمم قانون اساسی از نگرانی و بیزاری ملت در امر سپردن نیروی نظامی، بمستشاران اجنبی و فرماندهی و سرپرستی قزاقان روسی حکایت میکند و بمدد قانون میل دارد از رسوخ وتسلط خارجی درحیاتی‌ترین امور کشور جلوگیری کند.

انقلاب اجتماعی ایران با شرکت طبقات متوسط تنها بقصد بدست آوردن حقوق سیاسی و آزادیهای عرفی نبود، بلکه مبارزات آنها بمنظور از بین بردن نظام اجتماعی اشرافی واز بین بردن اختلافات فاحش اقتصادی و خارج ساختن کشور از قید استثمار عناصر متنفذ و خانها نیز بوده است و برای درهم شکستن اختلافات طبقاتی و عدم تساوی حقوقی لازم بود اسباب و علل ابتدایی عدم تساویهای اجتماعی که مبنای اقتصادی داشت تغییر داده شود و بطریقی از تمرکز ثروت که بدنبال آن قدرت سیاسی و منزلت اجتماعی نیز بوجود میآید جلوگیری شود.

همچنانکه درگذشته اشاره کردیم، وضع آشفتهٔ مقررات مالیاتی ووجود عوارض وتعرفه‌های گمرکی غیرعادلانه ازعوامل مهمی بودندکه زندگی اقتصادی ملت را دچار آشفتگی کرده و بخصوص بازار را از دست بورژوازی تاجر و خرده بورژوازی ایرانی (کسبه واصناف) خارج ساخته بود و بطورکلی هرروز بطریقی طبقات مختلف اجتماع را از هستی ساقط و مجبور بمهاجرت وترک تابعیت می کرد.

مجموعهٔ علل فوق سبب شدکه پس از پیروزی در انقلاب و بدست آمدن حکومت قانون. نگرانی وتشویش طبقات مذکوردر چندین ماده از مواد قانون اساسی منعکس شود واینان باسلاح قانون و بمدد آن در لغو اجحافها و استثمار ها بکوشند. وضع مالیاتها وعوارض بموجب اصل ۱۸ قانون اساسی و اصول ۹٤- ۹۵- ۹۶- ۹۷- ۹۸- متمم قانون اساسی بنظر وکلای مجلس موکول میشودو از هوسرانی و اجحاف‌های حکام جابربیرون میآید. دو اصل ۹۹ و ۱۰۰ متمم قانون‌اساسی با صراحت کاملتری عنوان‌می کندکه غیراز مواقعی که قانون بصراحت معلوم بدارد بهیچ عنوان نباید از ملت چیزی مطالبه شود، دریافت انعام و مرسومات وپیشکشیها از طرف دولت بموجب قانون منسوخ میگردد.

واکنش نارضایی از اختلاف طبقاتی فاحش و مبارزهٔ طبقات متوسط را بانظام اشرافی‌عصر در اصل ۸ و اصل ۹۷ متمم قانون اساسی‌میتوان دیدکه با صراحت کاملی عموم ملت را درمقابل قانون دولتی متساوی‌الحقوق قرارمیدهد.

واکنش نارضایی ملت، در برابر تعدیات مستبدان زمانه و فقدان تأمین جانی ومالی که‌در سه‌اصل ۱۵ و۱۶ و۱۷ متمم قانون اساسی منعکس شده‌است، نشان‌میدهدکه چگونه‌ملت خواستار بوده است ملک و اموال خود را از تصرف غاصبانه حکام و خانها و هیأت حاکمه مصون دارد. ونیز میتوان‌با توجه باصول ۲۶و۲۷ متمم قانون‌اساسی و موادواصول‌دیگر آن دریافت که چگونه ملت از تمرکز قدرت در دست فردی واحدو سپردن امور دولت بافراد معین ومظالم‌وبیدادگری ناشی از این نوع حاکمیت بجان آمده و در پرتو قانون قوای مملکت را ناشی از ملت دانسته و با تفکیک آن‌بسه قوه مجریه، قضاییه، مقننه، سلطنت‌رامقید و محدود بشروطی میسازد و بمدد اصل ۵۹ متمم قانون‌اساسی از مداخلهٔ شاهزادگان بلا فصل در امور حساس مملکت چون وزارت و وکالت و جزاینها جلوگیری میکند.

اصل ۵۶ قانون اساسی با وضوح بیشتری نارضایی‌طبقات متوسط‌راازمخارج‌سنگین و کمرشکن

دستگاه سلطنت وقت واسراف وزیاده‌رویهای هیأت‌حاکمه درآن‌زمان منعکس میسازد.

بایددانست که متمم قانون اساسی بنابمقتضیات زمان دردو نوبت باتشکیل مجلس مؤسسان تغییراتی‌حاصل کرد. از آن جمله :

مجلس مؤسسان مورخ ۲۱ آذرماه ۱۳۰۴ هنگام انتقال سلطنت از خاندان قاجار بخاندان پهلوی ، اصول ۳۶ و۳۷ و۳۸ متمم قانون‌اساسی‌را بموجب مادۂ واحده ملغی ساخت، همچنین در مجلس مؤسسان دیگری که در تاریخ ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۸ تشکیل یافت‌اصل ٤۸ قانون اساسی‌تغییر یافت و بموجب آن‌حق انحلال‌مجلس‌شورای‌ملی‌ومجلس‌سنارا جداگانه یاهردو را در آن‌واحد باعلیحضرت پادشاه‌وقت تفویض کرد واصل٤۸ وهریک ازاصول دیگرقانون اساسی‌مورخ ۱٤ ذیقعدۂ ۱۳۲٤ ه.ق ومتمم‌آن که مخالف مقررات اصل٤۸ قانون‌اساسی‌شده‌باشدنسخ گردید.

# فصل چهارم

## تأثیر و اهمیت گروهها و طبقات اجتماعی ایران در انقلاب مشروطیت

منشأ انقلاب و جنبش ملتها برای کسب آزادی و برقراری حکومت ملی و آزاد را باید در نا رضایی مردم از مظالم حاکمیتهای مطلق و قدرتهای متعدی سیاسی و نبودن مساوات اجتماعی و اقتصادی جستجو کرد. در پاره ای از موارد نیز انقلاب ومبارزه بمنظور تأمین استقلال وبر ضد قدرت وحاکمیت اجنبی صورت پذیرفته است.

در پیدایش انقلاب مشروطهٔ ایران و تبدیل حکومت از استبداد بمشروطیت هم عوامل فوق و هم عوامل دیگری مؤثر بوده است. مقام سلطنت درایران قبل از مشروطیت تنها قدرت سیاسی محسوب میشد و قوای مختلف مملکتی، « قوهٔ مجریه » و «قوهٔ مقننه » و « قوهٔ قضائیه» از یکدیگر منفک نبوده و این هرسه قوهٔ در شخص سلطان وقت جمع بود. با اینکه در اواخر نیمهٔ دوم قرن سیزدهم تأسیس مجلس شورای دولتی بسبک دول غربی درایران معمول گردید ولی از آن نظر که وزراء و هیئت دولت در عمل مغلوب ارادهٔ سلاطین بودند قدرتی که بتواند موجبات محدودیت و تعدیل قدرت مطلق سلطنت را فراهم سازد وجود نداشت.

حکومت استبداد و مالکیت تاج و تخت در تحت عنوان ظل اللهامکان اعمال هرنوع قدرت را بسلاطین می بخشید، از سوی دیگر فرمانروایان استانها و شهرستانها که از شاهزادگان، پسران و برادران شاه تشکیل میشد، در اغلب موارد سدی در راه برقراری حکومت قانون بود در انتخاب هیأت وزراء و حکام موضوع اطلاع و تخصص و صلاحیت در میان نبود، بلکه بموجب یک قاعدهٔ کلی مقامات کشوری و لشکری موردمعامله قرار میگرفت. از میان شاهزادگان و خانها و بزرگان و گاهی طبقات دیگر هر فردی که میزان پیشکشی های تقدیمی را بالاتر میبرد، ویا برای اجرای نقشه های قوهٔ مرکزی قابل اعتمادتر بود بحکومت نواحی مختلف مملکت و حتی بمقام وزارت و صدارت عظمی میرسید. حاکم هر ایالت با پرداخت مالیات بدهی آن شهر که برحسب معمول در کتابچه های مخصوصی ثبت میشد میتوانست فرمان حکومت را دریافت

دارد و بموجب آن در محل مأموریت خود چون شاه کوچکی حاکم مطلق باشد ، و با افزودن میزان هدایا و پیشکشی های سالانه بشاه و وزراء و سایر رجال نیرومند مرکز از عزل خود جلوگیری کند و با استبدادی مطلق بفرمانروایی بپردازد حکام مزبور هزینهٔ تحصیل مقام و قدرت خود را برحسب معمول ضمن وصول مالیات و از طرق مختلف دیگر که تحمیل آن منحصراً بر گردهٔ کارگران و روستائیان و طبقات پائین بود تأمین می کردند .

فقدان ترتیبات و اصول قانونی و اخذ مالیات ، بحکام محل آن قدرت را می بخشید که علاوه بر میزان مالیات ممیزی شده در دفاتر مستوفیان با اعمال جابرانه وجوهی تحت عناوین مختلف بنفع خود دریافت دارند وازاین راه هزینهٔ هدایا و پیشکشی های موظفی خود را از ملاکان وسرمایه داران محل مأموریت خود مطالبه نمایند ، دراین سلسله مراتب قدرت ، طبیعی است که ملاکان و سرمایه داران نیز فشار افزایش مالیات و عوارض را بر طبقات ضعیف تر تحمیل خواهند کرد واین طبقات بودند که می بایست سنگینی و فشار کسر درآمدو ریخت و پاش خزانهٔ مملکت را تحمل می کردند ، بعبارت دیگر اصناف و پیشه وران و روستائیان قربانی این گونه نظام بودند [1]

---

۱- بعنوان نمونه آن چه سرپرسی سایکس در مورد استان خراسان گفته است نقل میشود: جمع مالیات وعواید دراین ایالت در سال ۱۹۰۵ میلادی بالغ بر ۱۳۷۷۱۳ لیره و ۳۱۷۷۸ تن غلات بوده است، و از این مقدار مالیات جنسی مقداری صرف جیرهٔ قشون میشده است و فقط ۱۱۶۰ تن برای فروش باقیمانده است ، والی خراسان مبلغی درحدود سی هزار لیرهٔ انگلیسی بیش از حد نصاب مالیات خراسان جمع میکرده است واز این مبلغ ۱۴ هزار لیره سهم شاه و ۶ هزار لیره بعنوان پیشکش بصدراعظم میپرداخته است بدینطریق ده هزار لیره باقی میماند که بین وزیر و والی تقسیم میگردد ولی باید دانست که این مبلغ فقط چند صدم منافع والی بوده است و برآن منافع دیگری از جمله ارقام زیر باید افزوده شود

الف- چند درصد از حقوق کلیهٔ مستمریات نقدی بعلاوه ۲۰ درصد از وظایف وانعامات جنسی

ب- منافعی از محل دادگستری

ج- منافعی از حکومتهای کوچک و بخشداریها و دیگر مشاغل،چنانکه شخصی مبلغی میپرداخت تابه شغلی منصوب گردد ، چند ماه بعد اورا از آن کار منفصل مینمودند و جانشین او مبلغی برای همان شغل می پرداخت و امید داشت که آن پست را مدتی کوتاه نگاهدارد .

د- مزدهای حاصل از طریق گسیل کردن مأموران مخصوص برای تحقیق و بازجویی در موردشکایات واقعی یا ساختگی. حکام محلی از ترس مبالغ زیادی باین مأموران می‌پرداختند و آنها هم بنوبهٔ خودمیبایست آن پول را بارباب های خود می‌پرداختند فقط صدی چند آنرا برای خود نگاه میداشتند

هـ- تمول های باد آور همچون بهنگام مرگ ثروتمندان، استانداران یا فرمانداران بزور مبالغ زیادی از وراث میگرفتند .

بدیهی است حرص جمع در آمد و اندوختهٔ بیشتر در نزد حکامی که وضع اجتماعی ومقام آنها متکی براصل دریافت و پرداخت رشوه واخاذی و بعبارت دیگر خرید و فروش مقام بامنافع سرشار اتکا داشت ، مسئله تضاد و اصطکاك منافع آنها را با طبقات مردم بوجود میآورد و چون مرجع صالح و دادگاهی برای رسیدگی بشکایات وجود نداشت ، برحسب معمول خلافکاریها وظلم و تعدی حکام ، مأمورین مالیاتی نسبت بمظلومین و ستمدیدگان مورد باز خواست قرارنمیگرفت .

نتیجهٔ این سیستم غارت وزورگویی بخصوص در اوایل قرن چهاردهم هجری که دوران تهی بودن خزانهٔ مملکت و افزایش مخارج فوق العاده دستگاه حکومت بود سبب ازدیاد روز افزون میزان مالیاتها و وضع عوارض مختلف و حقوق گمرکی جدید شد و آن هم بنوبهٔ خود موجب آن گردید که در انقلاب مشروطیت ایران چون انقلاب کبیر سیاسی و اجتماعی فرانسه پریشانی وضع مالی حکومت و نحوهٔ وصول مالیاتها و تحمیلاتی که از طرف حکام و مأمورین مالیاتی بمردم میشد نقش واثر مهمی داشته باشد . محرومیت طبقات پائین اجتماع از حقوق انسانی همراه با بیم متفکران ازخطر زوال استقلال مملکت بسبب نفوذ اجنبی رفته رفته موجب اتحاد و بستگی طبقات مختلف شهر نشین برضد حکومت زور و نفوذ سرمایه های خارجی در ایران گردید .

شبهه ای نیست که نارضایی از حکومت و بجان آمدن از نابسامانی اوضاع در میان همهٔ طبقات محروم از حقوق اجتماعی پدیدار بود ، ولی در کشوری که اطاعت افراد از حکومت وقت براساس اعتقاد بمنزلت ظل اللهی مقام سلطنت استوار بوده است، تمایل بتغییر رژیم وقبول مشروطه مخصوص طبقاتی بود که باصول حکومت دمکراسی و آزادیخواهی آشنایی داشتند و با علم به چنین اصولی در نهضت مشروطیت و انقلاب آزادیخواهان شرکت جستند و چنانچه شرح آن خواهد آمد با سمت رهبری گروههای ناراضی ملت، ایران را از حکومت استبدادی بسوی سلطنت مشروطه سوق دادند

بشهادت تاریخ رهبری انقلاب را اقلیت روشنفکر که سالها شیفتهٔ تمدن غرب و ازتربیت یافتگان معارف ومکاتب آزادیخواهی باختر زمین بودند بهمراهی وکمک دو طبقهٔ مؤثر اجتماع یعنی روحانیان وبازرگانان بعهده گرفت وبامساعی وازخود گذشتگی طبقات متوسط و تودهٔ مردمی عامی که بدرستی معنی و مفهوم حکومت مشروطه درك نمیکردند ولی از اوضاع آشفتهٔ زمان و مظالم طبقهٔ حاکمه بجان آمده بودند نهضت مشرطیت برقرار شد . وما دراین فصل بذکر مختصری

از نحوهٔ فعالیت و تأثیر هریک از طبقات و گروههای اجتماعی و سهمی که در جنبش مشروطه در ایران داشته است میپردازیم :

**تأثیر روشنفکران**

گسیل داشتن دانشجو بخارج از کشور بر اثر احتیاج به متخصصان و آشنایی با مدنیت غربی و تأسیس سازمانهای فرهنگی بسبک جدید در ایران، گروه خاصی را در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هـ. ق در ایران بوجود آورد که روشنفکران باشند.

پیش از تأسیس دارالفنون ، بهره مندی از تمدن غرب آغاز گشت ، علوم جدید همسانند علوم قدیم تا پیش از تأسیس دارالفنون خاص اشراف درباری و سرمایه دارانی بود که توانایی وامکان تحصیل در خارج از کشور را داشتند ولی پس از پدید آمدن دارالفنون و امکان ورود دانشجویان با استعداد از هرطبقه بآن مؤسسه و بدنبال آن تأسیس مدارس جدید دیگری که از اواخر سلطنت ناصرالدین شاه از طرف ایرانیان و بعضی اقلیتهای مذهبی ایجاد گشت، نه تنها قسمت سهمی از حوزهٔ تعلیم از مساجد و مدارس قدیم و در نتیجه از نفوذ روحانیان قشری خارج گشت و مقدمات تحول تمدن روحانی و درهم شکسته شدن تسلط عقاید وسنتهای مذهبی بر کلیهٔ شؤن علمی و قضایی تهیه شد ، بلکه تشکیل نیروی فعال جدیدی در صحنهٔ سیاست مقدور شد وگروه روشنفکران به گردانندگان چرخ مشروطیت پیوستند.

در ایران پیش از مشروطیت روشنفکران (صاحبان مشاغل تخصصی عالی چه از طبیب چه مهندس وحقوق دان وخواه نویسندگان ودانشمندان که تحت تأثیر تمدن و فرهنگ جدید تعلیم یافته باشند بشماره قلیل بودند و قسمت ناچیزی از طبقهٔ متوسط را تشکیل میدادند ، با اینهمه باید اذعان کرد که بیداری و آگاهی ملی در آغاز بصورت فعالیت گروه روشنفکران چه در ایران وچه از خارج از ایران ظاهر شد، این گروه گرچه از لحاظ کمیت قلیل بودند ولی از نظر کیفیت مؤثرترین ومهمترین نیروی موافق و عامل سازندهٔ جنبش و انقلاب مشروطیت بشمار رفتند.

سهم مؤثر و سهم اقلیت روشنفکران را در زمینهٔ تحولات اجتماعی و سیاسی که از نیمهٔ دوم قرن سیزدهم و بخصوص در اوائل قرن چهاردهم هجری درایران پدیدآمده است باید عامل اساسی بشمار آورد و ما در فصل دوم ازاین بخش بطور اختصار بعواملی که موجبات بیداری ونهضت فکری ایرانیان را بدست اینگروه فراهم ساخت اشاره کرده ایم. بنابراین تاریخ فعالیت

روشنفکران و مبارزهٔ دامنه دار آنها با عناصر ارتجاعی و استبداد بخاطر کسب حکومت مشروطه وتحول بیسابقه و عمیقی که در نتیجهٔ فعالیت این گروه در نحوهٔ حکومت مطلق ایران بوجود آمد سابقه ای طولانی تر از سایر طبقات اجتماعی ایران دارد و بحق باید گفت که سهم و ارزش واقعی این نیرو با توجه به فعالیت آنها برای درهم شکستن سنن و آداب کهن و مقابلهٔ آنان با دشواریها وموانعی که بقیمت از دست دادن جان و مقام ووضع اجتماعی آنها تمام میشده است عظیمتر و مؤثر تر ازعوامل دیگر سازندهٔ نهضت چون روحانیان و بازرگانان بوده است.

درتاریخ تحول حکومت و رژیم جدید ایران بحق باید گفت فشاندن بذر آزادیخواهی و هوشیاری ملی و تهیهٔ زمینهٔ مساعد انقلاب در عصری که استبداد بحد شدت خود بود و هرگونه فعالیت بمنظور رشد فکری و آگاهی تودهٔ مردم در خفا و نهان صورت میگرفت خاص گروهٔ روشنفکران بوده است ، تشکیل انجمنها، انتشار روزنامه ها که از ارکان سهم مشروطیت گردید و مندرجات آن از اخبار سیاسی دولتهای متمدن و انتقاد و استهزای اوضاع وقت ایران بود بیشتر بقیمت تبعید و حبس و شکنجه و درپاره ای موارد بقیمت جان اقدام کننده تمام میشد.

ازبررسی وقایع اجتماعی ایران ازسال «۱۲۶۵ هـ. ق» ببعد که نشان دهندهٔ بیداری ایرانیان وشروع باخذ تمدن و علوم جدید است معلوم میشود که سبب پیدایش آن رجال روشنفکربودند، روشنفکرانی که پاره ای از آنها با تصدی مقامات مهم صدارت و وزارت و نمایندگیهای سیاسی درزمان کوتاه زمامداری خود بر رغم محدودیت وسایل و کار شکنی دولتهای خارجی که برای هرنقشهٔ اصلاحی درایران بمخالفت برمیخاستند توفیق حاصل کردند.

خدمات میرزا تقی خان امیر کبیر و میرزا حسینخان سپهسالار و همچنین میرزا علیخان امین الدوله و دیگر وزیران آزادیخواه درزمان تصدی مقامات دولتی و صدارت عظمی ، در زمینهٔ اصلاحات فرهنگی با تأسیس مدارس و انجمن معارف وسعی در تربیت عامهٔ مردم و هوشیار ساختن آنها با ترویج جرائد و تأمین آزادی نسبی مطبوعات ، همچنین اصلاحات اداری مخصوص درزمینهٔ تشکیلات قضایی و دارائی مملکت و ترویج صنایع جدید و اصلاحات مختلف دیگر که برنامهٔ آن براساس محکمی تدوین و آغاز شده بود درعین آنکه نور ضعیفی از علم و آزادیخواهی دربین طبقات مردم و حتی در بار پرتو افکن ساخت موجبات مخالفت معاندان و رجال کهنهٔ پرست سودجو را فراهم کرد. و دسته های مختلفی از مردم بخصوص مذهبیان قشری که تجدد در شؤن و

رسوم مملکت را مغایر استقلال ملک و مخالف شریعت تلقی کردند با اقدامات مختلفه مانع از اجرای نقشه های اصلاح طلبانهٔ رجال ـ روشنفکر گردیدندو با مخالفت خود موجبات برکناری و احیاناً تبعید و قتل آنها راازکار فراهم ساختند.

نکتهٔ شایان توجه در تأثیر فعالیت آزادیخواهان آن است که اینگروه با قدرت روحی فوق ـ العاده و با علم و ایمان باصول آزادیخواهی و حکومت ملی بمبارزه پرداختند. استبداد مطلق زمان مانع از اجرای نقشه های آنهانگردید. انگیزهٔ آنها دراین مبارزات تبدیل حکومت ایران بسلطنت مشروطه مطابق حکومتهای ملی دولتهای غربی و نشر آزادی و تساوی حقوق بود و در این راه استبداد زمان و یا بیم از دست دادن مقام و منزلت اجتماعی در دستگاههای حکومتی مانع از آن نبود که در ضمن تشریح مفاسدزمان و حکومت در بارذهن اولیای امور را از خلال گزارشهای سیاسی و نامه های خصوصی باصول آزادیخواهی و تغییر روش مملکتداری آشنا سازند. مطالعهٔ دقیق این گزارشها و نامه ها که در عین حال از روح شهامت و شجاعت نویسندگان آنها نیز حکایت میکند خالی از لطف نیست و ما دراینجا بنقل مفاد برخی از آن نامه ها میپردازیم :

روح آزادیخواهی و قدرت فکری میرزاتقی خان امیرکبیر صدراعظم سلطان مستبد زمان، ناصرالدینشاه و میل مفرط او به برقراری انتظامات و اصلاحات اجتماعی بحدی بود که هیبت و عظمت مقام سلطنت مانع از آن نشد که وی در نامهٔ خود بناصرالدین شاه او را با این بیان بتکالیف حکومتی متذکر سازد :

« ثانیاً در باب سان سوارهٔ نانکلی، مقرر فرموده بودید که در میدان نمیشود بیرون بروید ، اگرآجودان باشی عرض کرده یاخود اختیار فرموده اید امر با قبلهٔ عالم است ولیکن باین طفره ها وامروز و فردا کردن و از کار گریختن در ایران باین هرزگی حکماً نمیتوان سلطنت کرد . . . . . شما باید سلطنت بکنید یانه؟ اگر شما باید سلطنت بکنید چرا طفره میزنید ، هر روز از حال شهر چرا خبردار نمیشوید؟ که چه واقع میشود و بعد از استحضار چه حکم میفرمایید [۱].

---

۱ـ بی مناسبت نیست اگر از نظر مقایسه بذکر قسمتی از مفاد نامهٔ جانشین چنین شخصیتی، که بتحریک دولتهای خارجی برعلیه اصلاحات تجدد خواهانه امیرکبیر قدم برداشته و موجبات اختلال امور ایران را ـ فراهم ساخته اشاره کنیم:
میرزا آقاخان نوری « اعتماد الدوله » صدراعظم و جانشین امیرکبیر در تاریخی که شاه برای سان قشون میبایست بمیدان مشق می‌رفت ، در عریضه ای بحضور شاه معروض داشت «هوا سرد است ممکنست بوجود مبارک صدمه ای برسد. . . . . . . . .» و با این عبارت او را از رسیدگی بأمور کشور باز داشته وباستراحت و تفریح دعوت نمود. نقل از متن نامهٔ میرزا تقی خان و میرزا آقاخان نوری بناصرالدینشاه، از کتاب سیاستگران دورهٔ قاجار، صفحات ۱۷ و ۱۸

میرزا حسینخان مشیرالدوله که از رجال روشنفکر ایران بود در طی اقامتهای طولانی خود در ممالک خارج بخصوص در زمان تصدی سفارت ایران در عثمانی، تحت تأثیر تحولات تجدد خواهی و حکومت ملی قرار گرفته و اصول افکار سیاسی و نتیجهٔ تجربیات خود را بصورت گزارش-هایی بدربار ناصرالدین شاه و همچنین امنای دربار و دولت ارسال میداشت ، این گزارش ها در بیداری و تنویر افکار هیأت حاکمه بی تأثیر نبوده است. بیشتر گزارش های وی مربوط به تحول حکومت و نهضت آزادی افکار و تمایلات مشروطه طلبی در کشور عثمانی است : از آنجمله در گزارش مورخ ۱۹ ذیعقدهٔ سال ۱۲۸۳ قمری ، مبانی حکومت ملی و نهضت مشروطیت و خواست ملت عثمانی را دربارهٔ انعقاد مجلس شورای ملی بدینطریق تشریح می کند.

« سلاطین عثمانی در هیچ عصر و ایام مردمان عاقل مدبر که از عهدهٔ مملکت داری توانند بر آیند نبوده‌اند، ولکن وکلای مدبر و عاقل همیشه وجود داشته اند و ادارهٔ مملکت در عهدهٔ آنها بوده است ، و سلاطین را از اسراف منع نموده و خزانهٔ دولت را معمور نگاه میداشته اند ، وکلای حاضر چنانکه باید در مقابل اوامر و خواهشهای سلطان مقاومت نمیتوانند ، و روز بروز کار ملت عثمانی عقب افتاده عوض اینکه اداره شصت کرور عباداللہ و سرنوشت همهٔ آنها در ید قدرت چهار ، پنج نفر وکلا است ، بهتر نمیشود که در دست سیصد یا چهار صد نفر مبعوثان ملت بیفتد ، و وکلای دولت در نزد مجلس « پارلمنت » مسئول و مؤاخذ باشند و افعال ایشان محل ایراد و تحسین عمومی واقع شود و اگر خطایی کردند، این دسته معزول و دستهٔ دیگری روی کار آمده، مشغول خدمت دولت و ملت گردند ، اگر قرار بشود که اشخاص معدود همیشه تا زنده‌اند در سر کار باشند و دولت را بقول خود قرار بدهند، سایر مردم بچه امید خدمت خواهند نمود، و این بلیه بطور عمومی شده است ، که در مجلس و محفل جمیع طبقات تبعهٔ عثمانی بجز ذکر این فقرات حرفی گفته و شنیده نمیشود. »[1] و نیز مطالعهٔ مفاد نامهٔ [2] میرزا یوسف خان مستشار-الدوله که یکی از روشنفکران و رهبران نشر فکر آزادی است و در تاریخ ۱۳۰۶ هـ. ق در عین شدت حکومت استبداد، بمظفرالدین میرزا ولیعهد، معروض داشته است شایان تأمل است و ما در اینجا به برخی از مطالب آن اشاره میکنیم میرزا یوسف خان ضمن انتقاد از اوضاع وقت در نامه‌ای

---

۱- از کتاب فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، صفحه ٦٤

۲- از کتاب بیداری ایرانیان، تألیف ناظم الاسلام کرمانی، صفحات ۱۷٦ تا ۲۰٤

بحضور مظفرالدین میرزا ، افکار خود را در بارهٔ اصلاح مملکت و لزوم حکومت قانون چنین توضیح میدهد:

« رفع خطرات و چارهٔ اشکالات ایران را بهمین دو کلمه میتوان اصلاح نمود: باید از اعمال گذشته چشم پوشید و شروع بتأسیس قوانین تازه نمود. » برای متذکر ساختن اشتباه درباریان و وزراء که مورد طرفداری آنها از وضع موجود و استبداد و مخالفت با اصلاحاتی که متقدمان روشن فکر در اتخاذ اصول جدید مملکتداری و حکومت قانون کردند چنین بیان می کند « و الابـا این حال باشتباه وزراء و درباریان دولت ازحیز امکان و قدرت انسان بطور یقین خارج است که بتوان عظمت و اقتدار سلطنت قدیمهٔ ایران را دراین دوروزمان مجدداً بوسایل نیاکان خود درخارجه وداخله مملکت نگاهداری وحفظ نمود» درجای دیگراز همین نامه لزوم وضع قانون و اجرای آن را درمملکت بااین عبارات متذکر میگردد: « پس بعهدهٔ مأمورین سیاسی و ملکی است، همیشه بر وفق مقتضای عصر و احتیاج زمان رفتار نموده، هفته ای یکروز بمفاد آیه کریمه « وشاورهم فی-الامر » با توافق یکدیگر ازروی حقیقت در تصفیهٔ امور دولت و ملت شور نمایند ، زیر ازبدیهیات است، احکام خداوندی در هر دین واضح و آشکار است و حق آفتابی است علی السویه عالم را روشن و نورانی میکند و پوشیدن آن در میان هیچ ملت ممکن نیست ، پیر غلام شاید بقدر کفایت ازاحکام قرآن مجید و احادیث نبوی «ص» اطلاع داشته باشد. شریعت مطهرهٔ اسلام ابداً منافی قوانین عادلانه نیست خاطر مقدس بندگان اقدس اسجداسعدوالا، روحنا فداه را ازپیش آمد امور روزگار مطلع مینمایم که با این ترقیات فوق العاده اروپائیان چندی نخواهد گذشت ، موقع حال اهالی ایران مقتضی آن خواهد شد که لابد و لاعلاج دولت ایران در سخت ترین روزگار در عداد دول Constitution بر میآید و باقتضای ملک و مملکت مناسب وضع و طبایع مواد قانون را مجری مینماید و نتیجه معتنابه حاصل میکند ، این ممالک وسیعه و اهالی و ملل متبوعه دراجرای قانون بیک اسم وبیک چشم در تحت بیرق وطن پرستی میآورد و احکام عادلانه حریت افکار و مساوات حقوقیه راجاری نموده، دیگر گوش بسخنهای واهی نمیدهد، چون پیش آمد کار از آینده خبر میدهد، لهذا بشخص حضرت اعظم والا روحنافداه ، واجب و متحتم است که قلب مبارک شاهنشاه اسلام را بعرایض صادقانه از استنباطات مزورانه درباریان آگاه نمایند که جد و جهدایشان برای منافع دوروزه خودشان است، نه از برای قوام سلطنت ایران»

ونیز در خاتمهٔ نامه در باره لزوم مساوات و برابری سیاسی چنین متذکر میشود: «عموم طبقات باید در امور خیر وشر مملکت سهیم و شریک باشند» از جملهٔ حقوق بشری آزادی قلم و بهره‌مندی از معارف را توصیه مینماید: «باید آزادی قلم داده شود و در نشر معارف و تأسیس مدارس جدید جد بلیغ نمایند، و برای بار آوری درخت مساوات بیشتر ازهمه واجب است، بدیوانخانه های عدلیه و ملکیه و محکمه نظم درست داده شود که برطبق آن قوانین عادلانه، مال و مکنت جمیع تبعه، بلاتفاوت و بدون توفیرو ملاحظه مصون از تعرض داخله و خارجه باشد، آنوقت خود دولت در دایر نمودن بانک، ایجاد کارخانجات، کشیدن خطوط راههای آهن؛ از مکنت وثروت اهالی وطن محتاج بدیگران نخواهد شد».

آثار قلمی و نوشته ها و رساله های آزادیخواه معروف، میرزا ملکم خان ناظم الدوله و تعالیم وی اثری عمیق در افکار دیگر روشنفکران، خواه رجال سیاسی در بار، خواه روحانیان و تحصیل کردگان آن عصر داشته است، نامبرده بحق مکتبی بوجود آورد که اکثر آزادیخواهان آنعصر از پرورش یافتگان آن بشمار می آمدند. تشکیل اولین مرکز تجمع سیاسی «فراموشخانه» ووحدت و توافق فکری روشنفکران بمنظور طرح مشترك و منظم برنامهٔ اصولی حکومت قانون درایران بتوسط میرزا ملکم خان و پس از آن از طرف پیروانش بنام «جامع آدمیت» و تأثیر سهمی راکه این مجامع در بیداری طبقات خاصی از مردم داشته است، بجای خود از مهمترین وشایسته ترین خدمات گروه روشنفکران به برقراری حکومت مشروطه باید دانست. تجمع اقلیت روشنفکران فوق، مقدمهٔ تأسیس مجامع وانجمنهای سیاسی دیگری در آغاز انقلاب وپس از اعلام مشروطیت گردید که فعالیت اعضاء آن برهبری تحصیل کردگان آزادیخواه در قیامهای ملی تأثیر بی اندازه داشته است.

در سلسله عوامل و موجبات انقلاب در فصل دوم، از همین بخش بمقام مطبوعات وانتشاراتی که موجب هوشیاری و نهضت فکری عمومی شده است اشاره کردیم و بیان داشتیم که ناشران روشنفکر با قلم سحر آسای خود بتهیهٔ مندرجات تند و انتقادی روزنامه ها وسایر انتشارات انقلابی پرداختند و بدین وسیله نهال انقلاب را مدتی پیش از انقلاب تاریخی ۱۳۲٤ ه.ق «۱۹۰٦ میلادی» نشاندند، انتشار اصول افکار سیاسی پیشروان نهضت آزادیخواهی که بصورت رساله هایی مدون شده بود[۲] در مجامع و انجمنهای مخفی که مقارن انقلاب

---

۱- برای اطلاع از متن کامل نامه، بکتاب بیداری ایرانیان، صفحات ۱۷٦ تا ۲۰٤ رجوع شود.

۲- مانند رسالهٔ یک کلمه، تألیف میرزایوسف خان ستشار الدوله، سیاحتنامه ابراهیم بیک و رساله های میرزا ملکم خان:

بوجود آمده بود بهترین وسیلهٔ راهنمایی و بیداری و تحریک توده های مختلف مردم واقع میشد وبانشان دادن راه واسلوب صحیح حکومت بافکار و خواسته های انقلابیها وحدت وهماهنگی می بخشید.

اقلیت محدود تحصیل کردگان در انقلاب مشروطیت از آن جهت که مظهر اصلاحات - اروپایی و علوم جدید بودند از حمایت طبقات عامی و تودهٔ ملت برخوردار نبودند ، و بااینکه مخالفان انقلاب برای خنثی کردن فعالیت این اقلیت با نسبت بیدینی و طبیعی گری و بابیگری بمبارزه برخاستند و بدینوسیله از وجههٔ ملی آنها میکاستند بازهم قدرت معنوی و حسن تدبیر آنها در مبارزهٔ مشروطیت اثری غیر مستقیم ولی عمیق در میان طبقات مختلف داشته است وعلاوه براینکه در «نهضت فکری نیم قرن پیش از مشروطیت» بحق این گروه عامل اصلی بوده اند در قیامهای ملی سالهای ۲۳ و ۲٤ ه. ق با نقش رهبری و مدیریت پنهانی و علنی اثر قابل ملاحظه ای داشته اند.

پاولویج در بیان شرکت طبقات مختلف ملت در جنبش ملی ، بسهم قابل توجه دانش- جویان ایرانی نیز اشاره نموده و معتقد است : صفوف مقدم تظاهرات خونین سال ۱۹۰٦ میلادی را جوانان و دانشجویان مدرسهٔ پلی تکنیک و دانشکدهٔ فلاحت و مدرسهٔ علوم سیاسی تشکیل میداد، شور و هیجان ملی برای کسب آزادی در میان نسل جوان بپایه‌ای بود که توان گفت گروه بسیاری از دانشجویان ایرانی مقیم ممالک فرانسه و انگلستان و بلژیک تحصیل خودرا ترک کردند و برای شرکت بر ضد اصول ادارهٔ مندرس قدیمی مملکت بایران بازگشتند [۱].

سهم تحصیل کردگان را در تدارک نظامنامهٔ انتخابات و مواد و اصول قانون اساسی و متمم آن نادیده نمیتوان گرفت.

افراد کمیتهٔ وضع قانون انتخابات بوظیفهٔ خطیر خود در برابر مساعی و جانبازی انقلابیها در سالهای پر تشنج انقلاب ، با احاطه و اطلاع کاملی که در علم حقوق و مسائل حکومت ملی داشتند، آگاه بوده و با گنجاندن لفظ Constitution درفرمان و دستخط مظفرالدین شاه قدرت را از دست درباریان خارج ساختند.

سازش و اتحاد دو نیروی مؤثر روحانیان و روشنفکران در انقلاب ملی ایران با سابقهٔ

---

۱- انقلاب مشروطیت ایران تألیف پاولویچ

مخالفت اصولی که دراجرای برنامهٔ واحد تمدن و علم جدید از ابتدای شروع آن در عهد ناصر-الدین شاه بایکدیگر داشتند ، در تاریخ تحول حکومتهای ملی از لحاظ شرکت طبقات اجتماعی باتضاد هدفها شایان توجه است و وجه تمایز انقلاب ایران از جنبشهای تاریخی آزادیخواه دنیا درقرن نوزدهم میباشد . روشنفکران که بمنظور حفظ حقوق اساسی و آزادی فرد با حکومت استبداد بمبارزه برخاستند حصول منظور خود را در تقسیم قدرت دولت و تفکیک و انفصال قوا در لوای حکومت مشروطه بسبک دولتهای غربی میدانستند و یکی از شرایط پایداری و استقرار حکومت ملی را در محدود ساختن قدرت روحانی و تفکیک آن از قدرت دولت می‌شمردند و این منظور در تنظیم و اجرای برنامه های اصلاحی بدست بعضی از رجال روشنفکر دوراندیش هشیارانه پیش بینی شده بود ، و حال آنکه روحانیان بخاطر کسب قدرت بیشتر و مداخلهٔ روز افزون در امور سیاسی مملکت در انقلاب شرکت کردند و ما در تأثیر روحانیان روشن خواهیم ساخت که یکی از علل شرکت روحانیان در انقلاب مشروطیت تمایل ضد اجنبی بوده‌است، باید متوجه بود که تنها محدود ساختن نفوذ اقتصادی دولهای خارجی منظور نظر نبوده است، بلکه بیم روحانیان بیشتر از بسط نفوذ تمدن غربی در شؤن معنوی و فرهنگی و اجتماعی مملکت بوده است؛ وحال آنکه اهتمام روشنفکران در انقلاب مصروف و معطوف این بود که جنبش را بمسیر طبیعی هدایت کنند و اصول حکومت دمکراسی را که موافق اخذ فرهنگ و تمدن جدید اروپایی و برانداختن عوامل پذیرش حکومت مطلقه و استبداد بوده است جاری گردانند .

عدم تجانس فکری و مغایرت هدفهای انقلاب کنندگان ، بخصوص روحانیان و روشنفکران سبب شد که دوران اتحاد و بستگی ایندوگروه دیری نپاید و پس از تحصیل فرمان مشروطیت وتشکیل مجلس اول دوام نیاورد ، چنانکه تباین خواسته ها و تضاد افکار وسلیقه ها در مرحلهٔ تنظیم نظامنامهٔ انتخابات و تدوین متمم قانون اساسی آغاز گشت .

بقول یکی از مؤلفین[۱] « جمعی از آزادیخواهان و اشخاص مطلع مانند صنیع الدوله ، مخبر السلطنهٔ، مشیر الملک ، محتشم‌السلطنهٔ ، بعضی از نظامنامه های انتخابات ملل دیگر را ترجمه وتعدیل کردند و نظامنامهٔ انتخابات را ترتیب دادند و حال آنکه با دو اشکال برخورد کردند واین اشکال از طرف دوگروه روحانیان و رجال مستبد درباری بود که ولیعهد درباطن در رأس

---

۱- ازتاریخ معاصر دولت آبادی صفحه ۸۶

آنها قرار گرفته بود ، روحانیان چنین نظر داشتند که ازبابیهای ناصرالدینشاهی یعنی منورالفکران وبی اعتقادان بروحانی نمایان کسی داخل مجلس نشود و منظور رجال مستبد این بود که قوای مملکت فقط درتحت ارادهٔ شاه باشد و تجزیه نگردد » ونیزدرتأییداختلاف سلیقهٔ اصولی روحانیان وروشنفکران در مورد تدوین متمم قانون اساسی چند نمونه میتوان آورد .

آزادیخواهان شریعت خواه با **اصل هشتم** متمم قانون اساسی « اهالی مملکت در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود . » بمخالفت برخاستند و مسئله عدم تساوی مسلمان و کافرذمی را در مورد حدود ودیه عنوان نمودند و در مورد **اصل نوزدهم** متمم قانون اساسی « تأسیس مدارس بمخارج دولتی و ملی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم ومعارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالیه و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد . » از آن نظر که تحصیلات اجباری مخالف شرع تلقی شده بود مورد اعتراض روحانیان قرار گرفت و همین گروه در مورد **اصل بیستم** « عامهٔ مطبوعات غیر ازکتب ضلال و مواد مضره بدین مبین آزاد و ممیزی در آن ممنوع است » . بمخالفت برخاستند .

مسئلهٔ حاکمیت ملی و شرعی علاوه براینکه موجبات تغییر جهت رهبران روحانی وسایر علما و روحانیان را بعد از فرمان مشروطیت فراهم ساخت ، در مشروطهٔ اول در درون مجلس نیز بین رهبران جنبش ملی اختلافاتی ایجاد کرد و به تشکیل دو جبهه یکی اقلیت تندرو متشکل از روشنفکران و آزادیخواهان با حمایت انجمنهای ملی و مطبوعات برهبری « سیدحسن تقی‌زاده » ودیگری اکثریت برهبری و پیشوایی رؤسای روحانی انقلاب « سید عبدالله بهبهانی » و سایر متنفذان مجلس که ازتجاروسرمایه داران بزرك بودند منجر شد و بدین ترتیب اتحاد روشنفکران وروحانیان را برهم زد و این جدائی در مراحل بعدی و انقلاباتی که منجر باستبداد صغیر وحوادث دیگر گردید مؤثر افتاد .

### تاثیر روحانیان

قبل از انقلاب مشروطیت در تاریخ حکومت های ایران ، مسئلهٔ حاکمیت ملت هرگز در میان نبود، برای قدرت شاهان و سلاطین مبداء « الهی » قائل بودند و درواقع حکومت را نماینده ای از مشیت الهی میدانستند . این اعتقاد موجب نوعی سازش میان دو قدرت مذهبی و سیاسی گردید و این امربخصوص باظهور دین اسلام و تمرکز هر دو قدرت دینی و دنیوی در وجود خلفا تقویت شد .

رسوخ احکام و قوانین این شریعت که بجنبهٔ دینی و غیر دینی تقسیم نشده و براساس

عدالت اجتماعی و مساوات و برابری افراد است و استقرار مقررات آن، با اینکه موجب از بین رفتن اختلاف طبقاتی فاحش رژیم مبنی براستیازات نسبی زمان ساسانیان گردید ولی بالمآل نتوانست منشأ تحولی عمیق در نظام سیاسی و اجتماعی ایران گردد. در طول تاریخ ایران باروی کارآمدن تدریجی سلسلهٔ سلاطین بعد از اسلام با اینکه بموجب سوازین شرعی بطور کلی رابطهٔ شاه ورعیت باید مبنی براساس عدالت و حقوق متقابل باشد، بازهم استبداد شاهان و حکومت اشرافی حکام وظلم و تعدی مأموران نسبت بطبقات پائین اجتماع تا ظهور مشروطیت ادامه یافت.

طبقهٔ روحانیان ایران که پیرو مذهب شیعه میباشند اعتقاد باین اصل دارند که پیغمبر اسلام «ص» جنبهٔ روحانیت را با رهبری سیاسی و حکومت دینی توأم ساخته و برای رهبری جامعهٔ مسلمانان بامرحق حکومت را پس از خود بحضرت علی (ع) که جانشین منصوص است تفویض کرده است و در تفسیر آیهٔ معروف « اطیعواالله و اطیعوا الرسول و اولی الامرمنکم. آیه ۶۲ از سوره نساء » میگویند که **اولی الامر**، امامان و پس از آنها جانشینان ائمه هستند. بنابراین اصل پس از حضرت محمد «ص» حکومت جامعهٔ اسلامی باید بدست حضرت علی (ع) و جانشینان آنحضرت که ایمه اطهار باشند بطور موروثی اداره شود و پس از غیبت آخرین امام در اواخر قرن سوم هجری (نهم میلادی)، در غیاب آن حضرت مجتهدان و فقهای دین سمت رهبری جامعهٔ مسلمانان را بامرخداوند خواهند داشت.

تفسیر اصل امامت مذهب شیعه موجب آن گردید که طبقهٔ روحانی در ایران بسلاطین بچشم غاصب مقام خلافت وحکومت بنگرد و دعوی قدرت وحکومت دنیوی راداشته باشد وخود را حافظ نظم و عدالت اجتماع وحاکم حقیقی بداند. ونیز همین عامل خودسبب شده است که بین روحانیان و تودهٔ ملت که بمعتقدات دینی خود پایبندمیباشند یک نوع عاطفهٔ حمایت و طرفداری ازیکدیگر در مقابل دولتهای غاصب بوجود آید. قبول اصل اتحاد دو قدرت دینی و دنیوی از طرف روحانیان شیعه و وحدتی که بین این طبقه با عامهٔ ملت وجود داشت ایجاد یک نیروی مقتدر در برابر نیروی دولتی کرد ودر پرتو آن روحانیان موفق شدند که قدرت خود را در امورات سیاسی نیز اعمال نمایند و در جریان وقایع وحوادث تاریخی بنام دین و قوانین شرعی سهمی مؤثر داشته باشند. حکومتهای وقت نیز ازاین نیروی مذهبی که اعتماد قسمتی از عامهٔ ملت را پشت سرداشت و در واقع با داشتن حق اختیار و تصرف در حصهٔ بزرگی از مالیات اسلامی که از منابع مهم درآمد ملی میتوانست

محسوب شود برحسب معمول عموم مردم باميل و رغبت بروحانيان سپرداختند درباطن ناراضی بودند و دخالت روحانيان را در امور مملکت سدی در برابر نقشه های اصلاحی خود میدانستند. دربررسی وقايع تاريخی در پاره ای از موارد بطور استثناء بر ميخوريم باين که دولتهای وقت بنا بمقتضيات زمان و عواملی چند ازبرای پيشرفت مقاصد خويش ازاين نيروی متشکل مذهبی استفاده نموده و ببزرگداشت وحمايت آنها مبادرت ورزيده در نتيجه موجبات اقتدار زياد آنها را درجريان سياست مملکت فراهم ساخته اند، از موارد استثنائی که بگذريم سلاطين بنا بمصالح وقت ودر پرتو تمرکز قدرت کوشيده اند از اعمال قدرت و مداخلهٔ بيش از حداين طبقه در صحنهٔ سياست وامور ديگر جلوگيری نمايند، در اينحال و در چنين موارد آن تضاد باطنی بصورت تصادم آشکار وعلنی بين دو قدرت دولتی و دينی خود نمايی و جلوه گری نموده است، نمونهٔ اين تصادمات و مبارزات بين دو نيروی دولتی و روحانی را میتوانيم در حوادث مهم تاريخی ايران از اواخر قرن سيزدهم و اوايل قرن چهاردهم ه. ق وطی تحولاتی که در شؤن سياسی و اجتماعی ايران مقارن انقلاب مشروطيت روی نموده است بآسانی باز يابيم:

ازجمله علل مهم اين تضاد و مقابله آشکار در انقلابات اخير ايران باوجود معتقدات قوی که ظاهراً شاهان و پاره ای از درباريان نسبت بمسايل دينی و اصول مذهبی خود داشتند و احترام بشعاير مذهبی را رعايت ميکردند. اختلاف ودودستگی جامعهٔ روحانيت آن زمان برسر مسايلی چون رياست جامعهٔ روحانيت و منافع مادی حاصل از توليت موقوفات معتبر بوده است. بعبارت ديگر تضاد و اختلاف داخلی طبقهٔ روحانيان و جانبداری و حمايت پاره‌ای از آنها از اعمال و نيات هيأت حاکمه وقت، موجبات واردساختن اهانت و تضييقاتی از طرف هيأتهای حاکمه نسبت بعده ای از روحانيان را فراهم ساخت[1] و سبب شد که در بحرانهای تاريخی و انقلاب مشروطيت ايران اين دو نيرو در صف برابر يکديگر قرار گيرند.

روحانيان، همچنانکه اشاره شد نفوذ شديد در ميان عوام داشتند، قدرت و اعتبار آنها پس ازروی کار آمدن سلسلهٔ صفويان که سلاطين آن خوداز ميان اين طبقه برخاسته بودند، افزايش يافت و پاره ای از آنها در نتيجهٔ تصدی موقوفات و منافع حاصل از تيولداری در صف متعينين و مالکان بزرگ درآمدند و اين وضع را کمابيش در دوره قاجاريان نيز حفظ نمودند.

---

۱- رجوع شود بفصل سوم اين مجموعه

باید دانست همکاری دو قدرت دینی و دنیوی که در زمان سلطنت صفویان بحد شدت خود رسید پس ازروی کار آمدن جانشینان صفویان بتدریج کیفیت خودرا از دست داد ، چنانکه در انقلاب مشروطیت ، روحانیان بعللی چند برضد سلاطین وقت و استبداد زمان و مفاسد درباریان ومهمتر از آن در مقابل نفوذ اجنبی در شؤن مملکت قیام کردند. با اینکه برخی از روحانیان ـ متعین بخاطر تنعم و بهره مندی از دستگاه حکومت وقت درباطن با انقلاب مخالف بودند و در حفظ سنن پافشاری میکردند، و عده ای دیگر نیز بسبب محافظه کاری جنبه بیطرفی رابرگزیده بودند. باز هم اکثریت پیشوایان و علماء با توجه به بیداری طبقات مختلف مردم و نارضایی از اجحافات دستگاه حاکمه ، بخصوص نفوذ بیگانگان مداخله خود را بطور مؤثر وقاطعی درجریانات وقایع سیاسی و جنبشهایی که بمنظور برقراری عدالت وقطع دست اجنبی از شؤن مملکت روی داد آغاز کردند و وظیفهٔ خودرا باحصول موفقیت وگرفتن فرمان مشروطیت انجام دادند.

حاج میرزا حسن مجتهد آشتیانی ، با حکم بحرمت استعمال دخانیات اولین قدم را ازطرف روحانیان برضد تسلط و استثمار خارجی برداشت و چون باو تکلیف شد که بمنظور رفع حرمت استعمال دخانیات یا در ملاء عام غلیان بکشد یا ازایران خارج شود ، وی با قبول شق دوم شور وهیجان خاصی در مردم بوجود آورد، وموجبات وحدت طبقات ملت را فراهم کرد. روحانیان بحمایت از منافع صنفی تجار در ضمن ارسال تلگرافاتی چند بتوسط پیشوایان خود بشاه وقت و متذکر ساختن زیانهای ملی ناشی از اعطای امتیازات خارجی، همچنین با تشکیل دسته هایی منظم از علماء و طلاب ، با تظاهرات دامنه دار و وسیع و شعارهای مذهبی قوه و قدرت ملی را در مقابل قدرت دولتی که تا این تاریخ مطلق العنان بوده وتالی نداشت نمودار کرده وباوحدت وهماهنگی ملی موفقیت خودرا تضمین کردند.

پس از موفقیت ملت در واقعهٔ رژی قدرت روحانیان درامور سیاسی و اجتماعی افزون شد. ظلم و اجحافات که از طرف حکام ولایات نسبت بعموم و بخصوص اهانتی که از طرف آنها در بعضی از نقاط ایران نسبت بطبقهٔ علماء و طلاب صورت میگرفت از جمله عواملی بودند که موجبات مخالفت این طبقه و نفوذ آنها را در امور جاری شدید ترکرد. پیوستن دو تن از مجتهدان بنام تهران آقایان سیدمحمدطباطبایی وسیدعبدالله بهبهانی که ازبزرگترین ومؤثرترین مقامات روحانی درانقلاب مشروطیت بودند، بمنظور حفظ موقع و منافع صنفی پس از توهینی که بامرعین الدوله

بمنظور خائف ساختن طبقه روحانی نسبت بیک تن از مجتهدان بنام کرمان و چندتن دیگر ازعلماء انجام گرفت موجبات تقویت و وحدت بیش از پیش این طبقه را فراهم کرد و از این پس بطور آشکارا در مقام مخالفت و ضدیت باحکومت وقت برآمدند.

وعاظ ضمن بیانات مذهبی بذکر مظالم مأموران دولت و اقدامات مظفرالدین شاه می‌پرداختند و مذمت از نفوذ خارجی و بخصوص مسئلهٔ گمرك احساسات مردم‌و بخصوص طلاب وسادات و دیگر گروههای ملی راکه خود زمینهٔ مساعد و آماده ای داشتند برمیانگیختند. در بر انگخیتن مردم و بیدار ساختن آنها مساعی وعاظ بنام و مشهور تأثیر مهمی داشته است، شیخ محمدواعظ اصفهانی «سلطان المحققین» باسحربیان خودواقعهٔ انهدام ساختمان نیمهٔ تمام بانک استقراضی‌روس را بوجود آورد، و همچنین شهامت‌و صراحت‌لهجهٔ‌واعظ مشهوردیگر سیدجمال‌الدین اصفهانی که در غالب مواعظش با تشریح مفاسد زمان توده های عوام را بحقوق خود آشنا میکرد وظیفهٔ مهمی را در پیدایش هیجان ملی‌ایفا کرد. مواعظ ومطالب مؤثر علماء و واعظان معروف زمینهٔ تمایل توده های عوام را بهمراهی و پشتیبانی‌از مقاصد علماء و تجار در وقایع و حوادث تاریخی که بصورت اعتصابات عمومی و ملی جلوه گری کرد فراهم ساخت و موجب بیداری و قیام آنها برضد مظالم استبدادی گردید. دامنهٔ فعالیت روحانیان بصورت مهاجرت باماکن زیارتی‌وبست نشینهای متعدد همراه با تبلیغات گوناگون تاصدور فرمان مشروطیت‌بصورت شدید ادامه داشت.

بطور کلی باید دانست که فعالینهای مداوم این گروه و بخصوص پشتیبانی که علماء و مجتهدین نجف در ضمن انتشار بیانیه ها و فتاوی خود کردند تأثیر فوق العاده عمیقی در بین طبقات متوسط «کسبه و پیشه وران» بخشید و تکان محکمی‌بتوسعهٔ نهضت انقلابی ایران داد.

موافقت و همراهی آیة الله میرزا حسن‌شیرازی، مقیم سامره در مورد مسئلهٔ تحریم تنباکو با آیة الله میرزا حسن آشتیانی و تلگرافاتی که وی بمنظور پشتیبانی از علماء ایران بناصرالدین شاه مخابره کرد و بدنبال آن فتاوی علمای نجف و تلگرافهای آنها مبنی بر تأیید خواسته های علماء ایران، در تأسیس‌مجلس شورای ملی و حکومت مشروطهٔ همانطورکه فوقاً اشاره شد در تقویت مشروطه طلبان تأثیر مهمی داشت[1].

---

۱- متن تلگراف ثانی حضرت آیةالله میرزای شیرازی بحضور ناصرالدین شاه چنین بود « بشرف عرض حضور اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه میرساند: سابقاً دعاگو عریضه‌ای تلگرافاً درباب مفاسد مداخله خارجه در داخله مملکت ایران بحضور مبارک عرض‌نموده بود. جوابی ازجانب اولیاء دولت قویشوکت نقل نمودند که کاشف بود از آنکه بمفاسد اجرای این

بقیه پاورقی درصفحه بعد

از بررسی تاریخ انقلاب ملتها برای بدست آوردن حکومت ملی و دمکراسی از آنجمله: انقلاب کبیر فرانسه بدست میآید که مبارزهٔ ملت بر ضد قدرت مطلق دولت و هم برضد روحانیت و کلیسا صورت گرفته است. زیرا روحانیان در شمار طبقات ممتازه و حامی و حافظ امتیازات حکومت وقت بودند و حال آنکه در ایران روحانیان برای نیل بمشروطیت در صف اول مبارزه در میان بازاریان و روشنفکران و آزادیخواهان قرار داشتند.

---

بقیه پاورقی ازصفحهٔ قبل

امور حق التفات نفرمودند و چون اغماض از آن منافی رعایت حقوق اسلام بود. لهذا ثانیاً بعرض مبارک می رساند که مفاسد انفاذ این امور بمراتب اعظم تر (کذا) ازمفاسد صرف‌نظر از آنهاست. کدام مفسده بااختلال قوانین ملت و عدم استقلال سلطنت و تفرق کلیه رعیت و یأس آنها از مراحم ملوکانه برابری میکند. چگونه می شود که با وجودابنکه در قرون متداوله اولیاء دین مبین و سلاطین مسلمین شکرالله مساعیهم آنهمه اتلاف نفوس و بذل اموال خطیره دراعلای کلمه اسلام بفرمایند. امروز باندک فایده با ترتیب مفسده از تمام اغماض نموده وکفره را بروجوه معایش و تجارات آنها مسلط کرد تا بالاخره اضطرار با آنها مخالطه ومواده - کنند و بخوف و بارغبت ذلت نوکری آنهارا اختیار نمایندو کم کم بیشتر منکرات شایع و متظاهرشود و رفته رفته عقایدشان فاسد و شریعت اسلام مختل النظام گشته و خلق ایران بکفر قدیم خود برگردند. البته شدت‌واضطراب و وحشت رعیت و استنکاف علماء اعلام را درانفاذ این امور بعرض مبارک نرسانیدند و بردولت اغفال نمودند زیرا که این امور قابل انفاذ نیست و نخواهد شد. هرچند منجر باتلاف نفوس شود والا از حزم خسروانه - مأمول نبود رضا دهند رعیت که فی الحقیقة خزانهٔ عامره دولتند بالمره از وجوهٔ تجارت و مکاسب خود مسلوب - الاختیار ومقهور کفار باشند بدیهی‌است اولیاء دولت قویشوکت‌را از اجرای این امور جز ترقی مقصدی در نظر نیست. بهتر آن بود که‌این رنج‌رادر ترتیبت‌اتباع دولت قویشوکت‌متحمل‌شوند که هم سبب جمعیت قلوب رعیت و امیدواری آنها گردد و هم‌منافی‌با قوانین‌ملت و استقلال دولت نباشد. مأمول از عنایات ملوکانه چنانست که عرایض‌صادقانهٔ‌دعاگو را با تأمل‌ملحوظ‌نظر انور و در جمع قلوب‌رعیت بذل مرحمت فرمائید تا بکمال‌امیدواری و شکرگزاری مشغول دعاگوئی دوام ذوات جاویدمدت باشند الامرالاقدس الاعلی‌مطاع محمدحسن‌الحسینی»

تاریخ وصول این تلگراف چهارم رجب ۱۳۰۹ هجری قمری بوده است: بنقل از کتاب بیداری‌ایرانیان تألیف ناظم‌الاسلام کرمانی.

ونیز متن بیانیه مجتهدان مقیم نجف را در جواب سؤال روحانیان تهران در مورد تأسیس مجلس شورای ملی نقل مینمائیم:

بسمه‌تعالی وبه‌نستعین: بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم: صلی‌الله علی‌محمد وآله‌الطاهرین ولعنه‌الله علی‌القوم الظالمین الی‌الیوم‌القیامه:

«اما بعد. با تأئیدات الهی و مراحم سماوی و زیر توجهات هادی عالی‌شأن حضرت صاحب الزمان - «روحنافداه» قوانین مجلس مذکوره همانطورکه بیان کرده‌اید مقدس و محترم بوده و بر جمیع مسلمانان فرض است که قوانین مجلس مزبور را قبول و بموقع اجراء بگذارند. اقدام برعلیه مجلس بمنزلهٔ مقاومت در برابر احکام دین‌حنیف میباشد بناء علیه تکرار نموده میگوئیم: وظیفهٔ مسلمین است که در هر جنبش علیه مجلس جلوگیری نمایند:

امضاء محمد کاظم خراسانی

نقل ازکتاب مشروطیت تألیف پاولویچ صفحه ۳۰

شایان توجه دراین جنبش آن است که حربهٔ آزادیخواهان و مشروطه طلبان ازطرفی و مستبدین و مخالفان از طرف دیگر مسئلهٔ شریعت و دین بود . هریک از دو طرف باسلاح دین و مطرح نمودن قوانین شرعی بمبارزه میپرداختند ، مستبدان برای برگرداندن مردم از آزادیخواهان نسبت بیدینی وبابی بودن را بمجاهدین راه مشروطیت میدادند و اساس حکومت مشروطه و عدالتخانه راخلاف موازین و احکام شرعی قلمداد میکردند ، آزادیخواهان نیز در اعلامیه ها ونشریات و موعظه های خود بااستناد بآیات عدیدهٔ قرآن واحادیث واخبار در مذمت سلطنت مطلق وظلم و استبداد، توجهٔ طبقات مختلف ملت را بسوی خود جلب و آمادهٔ انقلاب بر ضد حکومت ستمگر میکردند .

شرکت روحانیان در انقلاب مشروطیت و اینکه بدنبال روشنفکران و تحصیل کردگان مکتب تمدن غرب درصف اول مبارزه قرارگرفتند ، این مسئله رابرای ما پیش میآورد که هدف واقعی و انگیزهٔ آنها از مبارزه برای انقلاب و حکومت مشروطهٔ چه بوده است؟ باحتمال علل متعددی درکار بوده و ماهم آنها را بعنوان فرضیاتی مطرح می کنیم:

در درجهٔ اول شاید بتوان گفت تمایل ضد اجنبی در روحانیان اسلام سبب شد درمقابل امتیازاتی که بخارجیان داده میشد وهمچنین نفوذ بیحد وحصر آنها در شؤنات اجتماعی، سر مخالفت بردارند . شرکت روحانیان در شورش برضد امتیازتنباکو «۱۳۰۹ ه. ق» که درحقیقت باید آن را مبدأ نهضت مشروطیت نامید ، به پشتیبانی از منافع صنفی تجار ، همچنین درقیامهای دیگری که ازطرف بورژوازی تاجر ایران برضد نفوذ سرمایه های خارجی و امتیازات اعطائی صورت میگرفت، علاوه بر تأئید مطلب فوق نکتهٔ دیگری را نیز بر ما آشکار میدارد که عامل وحدت بیشتر ایندوطبقه (روحانیان و بازاریان) وابستگی اقتصادی روحانیان بتجاروکسبه است و نشان میدهد که بازاریان بعلت اعتقادات مذهبی بیش از همهٔ طبقات دیگر فرایض مذهبی را اجرا میکردند و در پرداخت واجبات مالی « خمس ، زکات ، و سهم امام و جزاینها » به روحانیان ساعی تربوده و اهمال وسستی در آن را جایز نمیدانستند .

این اتحاد وبستگی بامجاورت مرکزفعالیت آنها « بازار ومسجد » و اینکه مسجد مرکز تجمع تجار و بخصوص کسبه و پیشه وران بوده تقویت می‌شد. در حوادث و وقایع تاریخی که بمنظور برقراری مشروطیت روی داده است، بازاریان و روحانیان هستهٔ مرکزی انقلاب را در

بازار و مسجد تشکیل داده اند. «س. ایرانسکی، مخالفت با استعمار ایران را توسط بیگانگان انگیزهٔ مبارزه روحانیان در انقلاب ندانسته بلکه معتقد است از اولین روزی که سرمایهٔ خارجی بآرامی درایران نفوذ کرد روحانیان ازاینکه شاهان ودرباریان عایدات حاصلهٔ ازامتیازات ودریافت وامهای متعدد و غیره را بخود تخصیص میدادند و ضمن معامله سهم وحصه ای ازاین منافع بروحانیان تعلق نمیگرفته است دلتنگ بوده اند[۱].

بررسی عمیق وقایع تاریخی نیم قرن پیش ازانقلاب این فرض را پیش میآورد که روحانیان علاوه برآنکه بعلت تمایل ضداجنبی درپاره‌ای از اصلاحات بسبک اروپایی: همچون موضوع فرهنگ ودستگاههای اداری و قضایی درزمان ناصرالدینشاه و اقدامات صدراعظم اوامیر کبیر وسایروزیران آزادیخواه بعمل میآمد ناراضی بودند، از نظر آنکه این کیفیت بیشتر وضع اقتصادی و سیاسی آنها را نیز بمخاطره میانداخت و بمنافع ایشان لطمه وارد میآورد دلخور بوده اند: از آنجمله امیر کبیر با تنظیم دادگاههای عرفی و توسعهٔ دامنهٔ فعالیت و اختیارات مأموران آنها، بقدرت وصلاحیت دادگاههای مزبور افزود و حق رسیدگی بدعاوی حقوقی اقلیتهای مذهبی را از محاضرشرع سلب کردو درصلاحیت دادگاههای عرفی قرار داد. پس ازامیر کبیر وزیران دیگر از جمله میرزا حسینخان مشیرالدوله «درسال ۱۲۸۷ ه. ق آغاز تصدی وزارت عدلیه و پس از آن درزمان صدارت‌عظمی وسپهسالاری) اقدامات وی‌را دنبال کرد، و بتدریج متصدیان دیوان عدلیه با سلب حق‌قضاوت درامور جنایی و حقوقی از روحانیان، همچنین اعزام مأموران دیوان عدلیه بعنوان ناظر دراداره دستگاههای مذهبی و نظارت براملاك موقوفه دایرهٔ نفوذ و منافع روحانیان‌را محدودتر کردند. همهٔ این ها سبب شدکه نقشه های اصلاح طلبانه و اقدامات مترقیانه ای که در ادارهٔ امور اجتماعی و فرهنگی مملکت اجرا میشد با مخالفت دسته های مختلفی از مردم از آنجمله روحانیان روبرو گردد بویژه که روحانیان ترویج آداب و رسوم غربی را مخالف شریعت اسلام تلقی می کردند وتجدد در شؤن مملکت را اعلام خطری میدانستند[۲]

---

۱- انقلاب مشروطیت ایران: ترجمه باقر هوشیار صفحه ۱۳۹

(۲) مخالفت حاج ملاعلی کنی،مجتهد متنفذ تهران بااقدامات میرزا حسینخان مشیر الدوله در زمان صدارت از عوامل مؤثر و مهم سقوط و معوق ماندن نقشه های اصلاحی‌او گردید. در بر کناری میرزا علیخان امین الدوله و بعضی دیگر نیز مخالفت علماء بی تأثیر نبوده است.

بنابراین احتمالاً میتوان گفت یکی از علل شرکت این طبقه در انقلاب مشروطیت ،حفظ وضع اجتماعی و تقویت و تحکیم حقوق و امتیازاتی بوده که بتدریج بیم ازدست دادن آنها میرفته است ولی باید دانست که روحانیان درعین اینکه بخاطر تحکیم و حفظ منافع مادی خود ازجریان روز و عدم رضایت تجار استفاده کردند و بمبارزه با دستگاهٔ حاکمه برخاستند به مسئله جلب تمایل عموم ملت نیز متوجه بوده اند.

تودهٔ ملت رافشار استبداد و فساد دربار وتضییقات و تعدیات حکام و عمال دولتی همچنان که در صفحه های پیش اشاره شدبجان آورده بود، پاره ای ازافراد ملت بسبب عوامل متعددی که در فصول گذشته از آن‌ها سخن رفت صاحب‌افکار نوی گشتندوتشنهٔ اصلاحات و اجراء‌عدالت واحقاق حق خودبودند. هیچ چیز جز اجرای خواسته ها و تمایلات آنها را قانع و راضی‌نمیکرد، گروههای عظیمی از انقلابیان درابتدای مبارزه اگر چه مفهوم مشروطیت را درک نمیکردند ولی خواهان تحولاتی مبنی براجرای قانون شرع بمنظور رفع ظلم و اجحافات بودند ، از طرف دیگر برای توده‌های عوام‌نیز که‌عاجز ازدرك روح زمان بودند زمینهٔ پذیرش‌تبلیغات علما وروشنفکران، نظر بسختی معیشت ونابسامانی ونا ایمنی وضع آنها دز نتیجهٔ تعدی و ظلم مأموران دیوان ازهر حیث آماده بود و خواه ناخواه بصف انقلاب طلبان کشانده میشدند.

مجتهدان بزرك و دیگر روحانیان به پیروی ازخواسته های اکثریت ملت بمنظور رفع‌ظلم وبیعدالتی باسلاح دین ازآن نظر که مبانی و اصول حکومت مشروطیت راباأصل عدالت ومساوات درمذهب اسلام منطبق میدانستند بمبارزه برخاستند. شبهه ای نیست که باقبول این فرض‌مبارزهٔ مجتهدان طرازاول وسایر علماء و طلاب بصورت تبلیغ در اماکن زیارتی و حوزه های درس و همچنین بست نشینی‌های متعدد، در درجه اول به سبب مفاسد دستگاه فرمانروایی و مظالم‌حکام وبمنظور برقراری حکومت قانونی براصل موازین شرع مبتنی بوده است ، ولی این مسئله باعوامل احتمالی که‌قبلاً توضیح داده شد نمیتواند مانعة الجمع باشد. هدف کسب قدرت بیشتر و نفوذ درامور سیاسی مملکت که روحانیان اسلام آنرا از جملهٔ حقوق مسلم خود میدانسته اند نیز در دل واندیشه آنها مؤثر بوده و همچنین تمایل ضد اجنبی و مخالفت با نفوذ سرمایه های خارجی وهمچنین عدم موافقت بااصلاحات مترقیانه مبنی برتمدن اروپایی محرك آنان گردید و آنان را بمنظور مبارزه با استبداد و ظلم در صف انقلاب‌وارد ساخت.

توجه بآمار نمایندگان روحانی درعصر اول مشروطیت این نکته را بر ما آشکار میدارد

که این گروه بمقاصد اصلی خود که کسب قدرت سیاسی بیشتر و نفوذ در شؤن اجتماعی مملکت باشد بطور محسوسی توفیق یافتند . در مجلس اول رهبران روحانی انقلاب در صف نمایندگان جای داشتند قدرت آنها در صحنهٔ سیاست پارلمانی در مورد تدوین و تنظیم قانون اساسی و متمم آن نافذ و عملی گشت . این طبقه بموجب اصل دوم متمم قانون اساسی حقوق و امتیازات ازدست رفتهٔ خود را تأمین کردند و با تعیین ٥ نفر از علمای طراز اول بنمایندگی از طرف طبقهٔ روحانیان بمنظور نظارت در وضع قوانین مجلس و تطبیق لوایح و طرحها باموازین و احکام شرعی موجبات بسط نفوذ خودرا در قوهٔ قانونگذاری کشور فراهم ساختند .

ولی باید توجه داشت که چنانکه یاد آور شدیم حمایت و پشتیبانی روحانیان و اتحاد آنها با روشنفکران که بقول ادوارد برون انگلیسی بجنبش ملی ایران سیمای خوش آیندی داده بود دیری نپایید و پس از اعلام مشروطیت و افتتاح مجلس شورای ملی روحانیان با اتکاء بحقی که قانون اساسی بآنها اعطانموده بود با پاره ای قوانین اصلاحی و آزادی مطبوعات و جراید مخالفت کردند . عدهٔ زیادی از روحانیان با پشتیبانی گروهی از علمای نجف که خود از آغاز انقلاب با علماء و مجتهدان مجاهدایران برای گرفتن مشروطیت درباطن هماهنگی نداشتند وپیشروی وتوسعهٔ جنبش ملی را مغایر و مخالف شرع قلمداد کردند . برخی از علماء نجف ضمن ارسال پیامها و تلگرافات عدیده طبقات مختلف مردم و انجمنها و اتحادیه های اصناف را از مداخلهٔ در امورسیاسی کشور منع می کردندو با ارباب جراید بسبب انتشار مقالاتی که از نظر آنها مخالف مصالح دین بود باب مخالفت باز کردند .

شک نیست که مسئلهٔ تفاوت و اختلاف هدف مبارزان در انقلاب مشروطیت سبب شد که پس از افتتاح مجلس شورای ملی و برقراری حکومت مشروطهٔ جناح متحد آزادیخواهان در هم شکسته شود و بخصوص نفاق و اختلاف طبقهٔ روحانیان بزرك شیعه و پیوستن بعضی ازآنها بطرفداران محمدعلیشاه و درباریان وی و حمایت از خواسته های مرتجع درایام فترت ، همچنین تبلیغات سوئی که برضد آزادیخواهان میکردند به پیدایش دو جبهه با افکار متضاد یکی «شریعت طلب » و دیگری « مشروطه خواه »منجر شد، و بدینوسیله موجبات تضعیف جبههٔ آزادیخواهان وتقویت و تشجیع مرتجعان فراهم گردید . و نیز باید دانست که در این مورد بخصوص ،حمایت روحانیان عتبات تأثیر مهم و شایان توجه داشته است .

رهبری روحانیان مخالف مشروطیت با شیخ فضل الله نوری بود ، و علت مخالفت نامبرده

ظاهراً برسر مسئلهٔ ریاست روحانی و حسادت و رقابت وی با پیشوایان روحانی مشروطیت بوده است، چون شیخ فضل الله نوری درباطن با مشروطهٔ موافقت نداشته و از طرفی احتمال می رود که از ایادی دربار وموافقین عین الدوله بوده ودر نهان بنفع مستبدین فعالیت می کرده است. چه وی در جریان مشروطیت وبرقراری مجلس در صف رؤسای آزادیخواه پذیرفته نمیشود و مورد اعتماد ملیون واقع نمیگردد، نامبرده برای راه یافتن بمجلس و داشتن سهم وحصه ای در نظام جدید، در موقع تنظیم وتدوین قانون اساسی در میان روحانیان و تجار وکسبه متدین که با اصول حکومت مشروطهٔ چندان آشنا کامل نداشتند به تبلیغ پرداخته و مسئلهٔ مغایرت بعضی ازاصول قانون اساسی را با قوانین شرع عنوان مینماید و بتدریج زمینهٔ شریعت خواهی را بوجود میآورد، و نیز برای اینکه بتواند راهی بمجلس شورای ملی بیابد، اصلی مبنی برلزوم هیأتی مرکب از پنج تن از علماء طرازاول را بامید آن که شامل حال خودش هم بشود عنوان میکند و برای قبولاندن آن بوسیلهٔ بعضی از طرفداران و هواخواهان خودش تنگرافی حمایت و پشتیبانی علماء نجف را درانیمورد خاص جلب مینماید، ولی چون ازاینراه هم برای سیادت و ریاست خود نمیتواند طرفی ببندد، باکمک درباریان وچند تن از مجتهدان و علماء معروف دیگر: مانند حاجی میرزا حسن مجتهد تبریزی، حاجی خمامی و سید احمد طباطبائی، حاج شیخ عبدالنبی، ملا محمد آملی، وحاجی میرزالطف الله راباخود همراه میسازد. ابتدا بطور نهانی بمبارزه شروع میکندو گروه کثیری از علماء وطلاب راباخود همداستان می سازد. این عده پس ازچندی آشکارا باوسایل مختلف به بدگوئی از مشروطیت پرداختند ودرزمان بست نشینی در حضرت عبدالعظیم برای نشر عقاید مشروعه خواهی و مخالفت با مشروطیت بانتشار روزنامه ای بنام شیخ فضل الله مبادرت ورزیدند. مقالات روزنامهٔ مزبور مردم را برضد مشروطیت تحریک می کرد.[۱] از سوی دیگر گروه مزبور با تأسیس انجمنی بنام انجمن آل محمد

---

(۱) دراینجا بی مناسبت نیست که بذکر قسمتی از مفاد مندرجات یکی از شماره های این روز نامه بپردازیم «جماعت آزادی طلب بتوسط دو لفظ دلربای عدالت و شوری برادران مارافریفته و بجانب بی دینی میرانند وگمان میرود که عصر ریاست روحانی شما تاریخ انقراض دولت اسلام و انقلاب شریعت خیر الانام واقع بشود و چیزی نگذرد که حریت مطلقه رواج و منکرات مجاز و مسکرات مباح و مخدرات مکشوف وشریعت منسوخ و قرآن مهجور بشودواین سوء ذکر و عوارعظیم در شرح احوال شماها ابدالدهر باقی بماند، شماها که بهتر میدانید که دین اسلام اکمل ادیان و اتم شرایع است و این دین دنیارا بعدل و شوری گرفت آیا چه افتاده است که امروز باید دستور عدل ما از پاریس برسد و نسخهٔ شوری ما از انگلیس بیاید نقل از تاریخ جراید و مجلات ج دوم صفحه ۳۳۲

مرکزی برای تجمع ملاهای مستبد و مردم عوام تشکیل دادند و با ایراد نطقهایی بر ضد مشروطیت و بدگویی از اساس آن جمعی از اشرار را گردخودجمع کردند و بازار آزادیخواهان و مخالفت با مشروطه خواهان پرداختند، و در حوزهٔ علمی نجف نیز که مخالفت و موافقت آنها در انقلاب مشروطیت بیش ازهر عاملی مؤثر بوده است روحانیان سهم وحصه ای مهم در اختلافات بین مشروعه و مشروطه داشته و بتشکیل دو جبهه موافق و مخالف مشروطه پرداخته اند. عده ای برهبری از سید کاظم یزدی که دارای مقلدان بسیار درایران و همچنین عراق عرب بوده وبخصوص عشایر شیعه ازاو تقلید میکردند و او را پیشوای مطلق میدانستند نسبت بمشروطه‌ـ خواهان اظهار بدبینی کردند و آنها را بیدین شناختند و دسته ای دیگر از طلاب روشنفکر برهبری آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آخوند مازندرانی و حاجی میرزا حسین و حاجی میرزا خلیل که از علماء معروف شیعه بودند از انقلاب ایران حمایت کردند و در تقویت حکومت ملی و مخالفت با حکومت وقت مساعی بسیار مبذول داشتند[۱].

**تأثیر بازاریان**

بازرگانان و بطور کلی بازاریان که نیروی عظیم متشکلی را تشکیل میدهند در میان طبقات مختلف اجتماع ایران قبل از انقلاب تنها طبقه‌ای بودند که منافع اقتصادی و شغلی موجبات وحدت و اتفاق آنها را فراهم کرده بود و با داشتن تشکیلات و سازمانهای صنفی با حقوق مستقل، منزلت اجتماعی و اهمیت اقتصادی خاصی را

---

(۱)- و ما در اینجا بی مناسبت نمیدانیم بنقل تلگرافی مبنی بر حمایت از مجلس و مشروطه که ازطرف روحانیون مشروطه خواه نجف بمجلس شورای ملی مخابره شده است بپردازیم:

مجلس محترم شورای ملی رفع الله قواعده

تلگراف موحش انجمن شریف واصل و از مخالفت مخالفین با مجلس محترم اسلامی خاطر قاطبهٔ اهل اسلام ملول گشته، عموم اهل علم و کافهٔ ممتخبین شریعت مطهرهٔ حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله وسلم را اعلام میدارد که خداوند متعال گواه است که ما غرضی جز تقویت اسلام و حفظ دماء مسلمین و اصلاح امور عامه نداریم، علیهذا مجلسی که تأسیس آن برای رفع ظلم و اغاثه مظلوم و اعانت ملهوف و امر بمعروپ و نهی از منکر و تقویت ملت و دولت و ترفیه حال رعیت و حفظ بیضهٔ اسلام است قطعاً وعقلا و شرعاً و عرفاً راجح و بلکه واجب است و مخالف و معاند او مخالف شرع انور و مجادل با صاحب شریعت است، رجاء واثق که تاکنون انشا الله تعالی کسی مخالفت نکرده و نخواهد کرد و هرگاه بر خلاف این مضمون کتباً و تلگرافاً نسبتی بما داده شود کذب محض است. احضار را صلاح ندیدیم، مهات را اطلاع دهید.

الاحقر نجل حاجی میرزا خلیل - الا حقر محمد کاظم خراسانی - الاحقر عبدالله مازندرانی.

نقل از تاریخ مشروطیت ایران صفحه ۷۱-

که از دیر باز داشتند حفظ کرده بودند ، این موقع بخصوص با بسط روابط بازرگانی ایران با دولتهای خارجی وتوسعهٔ اقتصاد تجارتی و افزایش تعداد تجار در اواخر قرن سیزدهم تحکیم شد. در عمل طبقه بورژوازی قبل از برقراری نظام جدید درایران تنها از کسبه و بازرگانان تشکیل میشد.

بازار که حکم مرکز فعالیت اقتصادی و سرمایه داری را دارد مانند شهر کوچک و واحد بسته ای است دراین واحدبازرگانان بزرك، صرافان، وبانکداران همراه با کسبه جزء و پیشه وران مرکز اساس فعالیت شهری راتشکیل میدهند.

تمرکز واحد های اقتصادی و برقراری مؤسسات مذهبی «مسجد» و تفریحی «چون قهوه خانه ها» وسایر سازمانهای مورد احتیاج دریک جایگاه «بازار» ببازار جنبهٔ مرکزیت قدرت اجتماعی خاصی را در انقلابات و جنبشهای اوایل قرن چهاردهم ه. ق ببعدبخشیده‌است. پاره‌ای ازبازرگانان عمده، سرمایه گذاران بزرك و نمایندگان کمپانیهای تجارتی و واسطه های آنها ، گروه خاصی رادراین تجمع تشکیل میدادند که بسبب ارتباط تجارتی با دول غربی واقامتهای متوالی وطولانی در ممالک متمدن همجوار و تماس و آشنایی نزدیک با تمدن جدید و احیاناً مشاهده انقلابات ملل دیگر بخاطر بدست آوردن حکومت ملی ، همچنانکه خود صاحب افکار تازه ونوینی شده بودند بطور غیر مستقیم در بیداری اجتماعی و هوشیاری دیگر بازاریان عامل مؤثر گردیدند. این گروه قلیل همراه با توزیع کالا های تجارتی ، اخبار دست اول از دنیای آزادی را نیزتوزیع میکردند روحیهٔ کنجکاوانه و تمایل سود جویانهٔ طبقات بازاری با دریافت نسیم تمدن وایده های آزادیخواهی از دنیای غرب موجبات تشکل افکار آنها را فراهم‌ساخت. در برابر اقداماتی که‌از طرف دولت در بازگذاشتن سرحدات ایران در برابر سیل کالا های خارجی بعمل آمده بودروحیهٔ محافظ کاری طبقهٔ بازاری راازمیان بردوبیش از پیش بایجاد اتحاد و هم بستگی دسته های مختلف شاغل دربازار « اعم از تجار ثروتمند و مغازه داران و صاحبان حرف » و نیز بر قدرت‌آنها افزود وسبب شد که این نیروی متشکل در مواقع حساس تاریخی ، بخصوص پس از ظهورانقلاب، گاه برای حفظ منافع صنفی خود و زمانی در ظاهر بمنظور پشتیبانی از نیروی مذهبی با جریانات سیاست روز بمخالفت برخیزد و باشیوه اعتصاب و تحصن چرخ اقتصاد مملکت و زندگی روزمره اکثریت مردم را از کار بیندازد. در حوادث مشروطیت و همچنین انقلابهای بعدی که در طی بیش از نیم قرن پس از برقراری حکومت مشروطه بخصوص در عصر اول و سوم مشروطیت رخ

داده است. اینگروه همیشه سهم مؤثر و مهمی را بهمراهی روحانیان و به پیروی اصلاح طلبان آزادیخواه درصفوف مقدم صحنهٔ مبارزه برضد ارادهٔ حکام مستبد و عمال آنها برعهده داشته است.

درانقلاب مشروطیت در درجهٔ اول منافع اقتصادی انگیزهٔ بازرگانان بمخالفت با حکومت استبداد بود. همچنانکه در فصل اول در ضمن بحث از عوامل اقتصادی انقلاب اشاره کردیم، مسئله اعطای امتیازات اقتصادی بدولتهای روسیه و انگلستان و توسعهٔ نفوذ سرمایه های خارجی در ایران ایجاد یک نوع اسارت اقتصادی را در مملکت پدید آورد، و طبعاً سبب دشواری فعالیت تجارتی اتباع ایرانی در بازارهای داخلی و خارجی گردیده بود، و نیز روشن کردیم که چگونه مأموران گمرک و مالیاتی باوضع حقوق و عوارض جدید بعنوان خدمت بخزانهٔ دولت بر تعدیات خود نسبت به تجار و اصناف ایرانی میافزودند و نیز چگونگی اثر اقتصادی گمرکهای داخلی و معاف کردن اتباع خارجی را از ادای تعرفه های گمرکی و فشار و تحمیلی که ازاین راه برتجار ایرانی وارد میشده است و شرایط رقابت را در بازار تجارت سخت میکرده است بیان داشتیم.

باید دانست که علاوه برعلل سابق الذکر، مسئله هرج ومرج و ناامنی راهها بسبب راهزنهای منظم وجود داشته است که غالباً قبیله های راهزن با حمایت دولت کاروانهای تجارتی راغارت میکردند، واین خود یکی از عوامل موجد وخامت اوضاع بازرگانان داخلی بوده است. همراه با عوامل فوق، تعدیاتیکه بخصوص از طرف حکام براین طبقه چون سایر طبقات وارد میآمد سبب شد که گروه کثیری از تجار و اصناف بستوه آیند و برای کسب و تجارت بخارج ازکشور «بخصوص روسیه» مهاجرت کنند و عده ای نیز از تجار بزرک برای حفظ موقع خود در بازار تجارت، بتابعیت و در مواردی هم تحت حمایت دولت روسیهٔ تزاری درآیند. و چون زمینهٔ مساعد برای اعتراض و شکایت از نابسامانی اوضاع از هرجهت فراهم گردید، عکس العمل نارضایی این طبقه نیز بصورت انقلابات و جنبشهای عمومی بروز و خودنمائی کرد و در نخستین جنبش اعتراضی ملت بعملیات خودسرانهٔ حکومت و درباریان، بازرگانان عامل سازندهٔ شورش بودند.

انحصار دخانیات ایران و اعطای آن بکمپانی خارجی، زیانهای فاحشی ببازرگانان تنباکو فروش که در بین آنها تجار بزرک نیز بودند میزد و از هنگامی که کمپانی رژی مشغول تهیهٔ مقدمات کار خود بود، تجار بیکار ننشستند و مخالفت خود را برضد انحصار اظهار میداشتند. در آغاز کار و فعالیت کمپانی مزبور، تجار عمده فروش تنباکو با همراه ساختن کسبه و دیگر بازاریان

دراغلب شهرستانها ازجمله: شیراز ، تبریز ، اصفهان، مشهد ، کرمان و در تهران برای لغوامتیاز شروع بفعالیت کردند و از پذیرفتن نمایندگان کمپانی در بعضی نواحی جلوگیری نمودند.

شورش ومخالفت آنها بصورت اعتصابات عمومی وبستن دکانها وتجارتخانه ها انقلاب را که ابتدا جنبهٔ صنفی داشت با مداخلهٔ علماء و تحریم پیشوایان روحانی جنبهٔ شرعی و عمومی بخشید. تجار در این مبارزه که بااسلحهٔ مؤثر تحریم تقویت شده ، و موجبات هیجان عمومی ، و همراه ساختن قاطبه ملت را فراهم ساخته بودند، پیروزی یافتند و مقاومت منفی عمومی از ادامهٔ فعالیت خارجیان جلوگیری کرد.

پیروزی در نخستین مبارزه منشأ مبارزات و جنبشهای دیگری از طرف بازاریان گردید وما نمونه های متعدد آنها را در بررسی وقایع تاریخی و انقلابات سالهای ۲۳ و ۲٤ ه. ق ، «۱۹۰۵-۱۹۰۶ میلادی» برضد قدرت مرکزی که اقتصاد مملکت را در استعمار خارجی قرار داده بود ، وهمراه با نارضایی از معاهدات تجارتی دولت و تعرفه های جدید گمرکی تحمیلی ، بصورت فعالانه میبینیم:

نمونهٔ بارز مخالفت بازار با اقدامات خود خواهانهٔ شاه ، بصورت تحصن عده بسیاری در حدود ۱٤ هزار نفر بسفارت انگلیس شایان توجه بوده و سهمی بزرک درپیروزی نهضت مشروطیت داشته است. باید دانست که دراین مبارزات همراه با بازرگانان و صاحبان سرمایه های آزاد ، دسته ای از طبقات متوسط رو بپائین که مرکب از اصناف و پیشه وران بودند نیز در جریان جنبش های آزادیخواهی شرکت فعالانه داشتند. اصناف و پیشه وران نیز که مانند تجار مورد تضیقات و فشار های شدید داخلی و خارجی قرارگرفته بودند مانند ایشان در مقابل ظلم قیام کردند. باید اذعان کرد سهم و اثر اصناف و پیشه‌وران که حدود سه میلیون وپانصدهزارنفر از جمعیت ایران را تشکیل میدادند[۱]. بیگمان قابل ملاحظه بوده است و حتی تأثیر آنها در آغاز رابیش از تجار بود، ونیروی عظیمی از انقلابیان را تشکیل میداده اند.

اثر فعالیت این گروه در مجلس اول بیش از همهٔ ادوار قانونگذاری نموداراست چه ایشان اکثریت مجلس را داشته اند. اشتراک منافع گروههای بازاری ، موجبات پایداری وحدت آنها در اتخاذ خط مشی سیاسی ثابت در تمام جریانات تاریخی بعد از مشروطیت فراهم ساخته است. لیکن باید دانست که در نهضت مشروطیت ، گرچه محرک عمومی این طبقه یک انگیزهٔ صنفی بود

(۱)- انقلاب مشروطیت ایران، تألیف پاولویچ، تالیف صفحه ۲۰

که خاتمه دادن بتسلط نفوذ خارجی باشد، ولی همچنانکه درگذشته اشاره نمودیم در میان آنها اقلیت قابل ملاحظه ای نیز بودند که چون روشنفکران با آشنایی باصول حکومت ملی و آگاهی بنواقص وعقب افتادگی کشورنسبت به تمدن جدیدوتوجه به زیان حکومت سلطنتی غیرمشروط، هم در قیام ملی و هم در نهضت فکری بخاطر کسب آزادی شرکت جستند.

شهامت و پشتکار بازاریان و تاکتیک آنها در مبارزات چنانکه در تواریخ مشروطیت مضبوط است. انقلاب ایران را بحق صورت انقلاب بورژوازی تاجر داده است. با اینهمه بدلایلی که بجای خود بیان خواهد شد تجار ایران بهره ای را که طبقات ممتازهٔ فئودال و کارمندان عالی فئودال مشرب در انقلاب گرفتند نتوانستند بدست بیاورند

**تأثیر کارگران**

همچنانکه در فصل تحولات اقتصادی اشاره شد، ایران موقع صنعتی خود را با پیشرفت صنایع جدید در غرب از دست داده و بخصوص صنایع دستی ایران چه در داخل وچه در خارج از مملکت تنزل فاحشی کرده بود، در اواخر قرن سیزدهم واوایل قرن چهاردهم هجری بدنبال سیاست اقتصادی نا درست و بر اثر ورود انبوه کالاهای خارجی در بازار های اینکشور کارخانه های نوبنیادی که بسبک نو و بهمت سرمایه داران ایرانی اززمان ناصرالدین شاه ببعد تأسیس یافته بود بتدریج تعطیل گردید. چنین اوضاع خواه ناخواه نارضایی طبقهٔ سرمایه داران و صاحبان کارخانه ها و همچنین کارگران بیکار ایرانی را سبب گردید. صاحبان صنایع ملی بمنظور حفظ و توسعهٔ صنایع خود در برابر تجاوزات خارجی بمبارزه پرداختند، در پاره ای از نقاط ایران بدنبال این نارضایی تعداد کثیری از کارگران برای تهیهٔ کار عازم ترکستان و قفقاز وکشور های همجوار شدند (۱)

در داخل مملکت با اینکه آمار صحیح و دقیقی از کلیهٔ کارگران در دست نداریم با این همه میدانیم که در برخی از نواحی ایران از آنجمله: در شهرستانهای شمالی و تهران واصفهان تعداد معدودی کارخانه که با اصول تولیدی جدید تأسیس شده بودند با شرایط رقابت سخت اجناس خارجی بکارخود ادامه میدادند[۲] در این کارخانه های نوبنیاد اتحادیه هایی ازکارگران

---

(۱) ایوانف در تاریخ مشروطیت ایران تعداد مهاجران کارگر ایرانی را در باکو بسال ۱۹۰٤ - میلادی قریب بهفت هزار نفر که ۲۲ درصد مجموع کارگران باکو را تشکیل میدادند یاد میکند، احمد کسروی تعداد کارگران ایرانی که درکانهای نفت قفقاز «صابونچی وبالاخانی» کار میکردند قریب ده‌هزار تن تخمین زده است

(۲)- از آنجمله پاولویچ تعداد کارخانه ها وکارگاههای کوچک را در اوایل قرن بیستم فقط در تبریز در حدود صدوکارگرانی راکه در آن کارخانه ها کارمیکردند متجاوز از ده هزار تن تخمین زده است «ریشه های اجتماعی و اقتصادی انقلاب ایران، صفحه ۵۰»

در رشته های مختلف صنایع با تشکیلات منظم که البته تعداد آنها خیلی اندک بوده در اوایل انقلاب بتدریج بوجود آمد.

بطور کلی باید دانست که در کلیهٔ نقاط ایران کارگاههای صنایع دستی کوچک با کارگرانی که در شرایط سخت و بدون تشکیلات گروهی تحت نظر کار فرمایان بکار های صنعتی مشغول بودند وجود داشته است. این کارگاهها با اصول قدیمهٔ تولید بدون رعایت قوانین کار واتحادیه‌های کارگری سوقع خود را با وضع دشوار بازار تا حدی حفظ کردند و بکار ادامه میدادند.

جنبش و انقلاب مشروطیت همچنانکه برروی اکثریت طبقات شهر نشین تأثیر گذاشت و هیجان ملی بیسابقه‌ای در تاریخ بوجود آورد، و صفوفی از طبقات مختلف ناراضی از حکومت مطلق واستعمار خارجی را متحداً بمبارزه برانگیخت، برروی کارگران شهری نیز مؤثر گردید. کارگران کارگاهها به تبعیت از کار فرمایان و استادکاران خود بمنظور حفظ صنایع ملی و منافع صنفی خود در مقابل بیگانگان در صفوف انقلابیان وارد شدند.

ولی باید دانست که سهم کارگران بصورت مبارزهٔ طبقاتی و منظم در جنبش ملی پس از صدور فرمان مشروطیت و بصورت اعتصابات متعدد آنهم خیلی محدود بروز کرده و کارگران در نواحی مختلف بخصوص در صفحات شمالی ایران که افکار ساکنان آنها تحت تأثیر نهضت انقلابی ۱۹۰۵ روسیه قرار گرفته بود تأثیر بیشتری داشته اند. کارگران مهاجر ایرانی مقیم باکو چون بازرگانان و اصناف ایرانی مقیم آن نواحی، پیش از مشروطیت نیز با انقلابیان تبریز ارتباط داشتند وپس از اطلاع از جنبش آزادی و افتتاح مجلس شورای ملی، بمنظور شرکت در بدست آوردن حکومت ملی و بهبود وضع زندگی بخیال مراجعت بوطن افتادند. و چون سایر مهاجران توسط نمایندگانی از طرف خود از مجلس شورای ملی خواستار شدند که آنان نیز نمایندگانی انتخاب کنند و بمجلس بفرستند، مراجعت مهاجران اعم از کارگران و بازرگانان از ماوراء قفقاز بایران باافکار آزادیخواهی وروح مبارزه برضد دستگاه حاکمه واستعمارگران، وشرکت آنها در مبارزات تاریخی آزادیخواهان تبریز نیز برای حفظ مشروطیت شایان توجه بوده است، و شرکت آنها در انجمنهای انقلابی مجاهدان بخصوص موجبات تقویت انقلابیان را در ضمن انجام خدمات مختلف دیگر فراهم میساخت. ایوانف در مورد جنبش کارگران در انقلابهای مشروطیت چنین اشاره مینماید «در اعتصابات عمومی تابستان سال ۱۹۰۶ میلادی کارگران ایرانی چاپخانه های تهران اولین اتحادیهٔ کارگری را در ایران تشکیل دادند» درسال ۱۹۰۷ میلادی جنبش اعتصابی کارگران و کارمندان

ایران آغاز گردید . از آنجمله : درماه مارس ۱۹۰۷ میلادی اعتصابات عمومی تلگرافچیها که درخواست اضافه دستمزد و مطالبات دیگری داشتند در گرفت ، درسال ۱۹۰۸ میلادی چندین بار در مؤسسات ماهیگری لیانازوف در بحر خزر عصیان و اعتصابات کارگری بوقوع پیوست که برای سرکوب آنها مقامات دولتی مجبور شدند دسته های قزاقان ایرانی را گسیل دارند و در طی سالهای ۱۹۰۸-۱۹۱۰ میلادی کارگران بندر انزلی باربران وقایقرانان اعتصاب کردند ، در تهران درشکه‌چیها ، کارگران چاپخانه ها ، کارکنان تراموا ها ، کارمندان وزارتخانه ها در اعتصابات شرکت جستند [۱]

**تأثیر روستائیان**

استقرار اصول عمده مالکی باشدت کامل خود در ایران وبستگی زارع بزمین ، عدم ارتباط نزدیک روستاها با شهر ، جهل و بیخبری روستائیان از جریان وکیفیت زمان ، حس اطاعت و انقیاد بیحد و حصر نسبت باربابان که خاص طبقهٔ کشاورزان ایرانی است ، و عوامل بیشمار دیگر موجب شد که روستائیان در انقلاب مشروطیت سهم سهمی نداشته باشند . هر چند که شرایط سخت زندگی و نارضایی عمومی زارعین می بایست آنان را آمادهٔ انقلاب کند با اینهمه قشر بزرگ از ملت ایران تحت بردگی و استثمار طبقه عمدهٔ مالکان وارباباں باقی ماند . درانقلابی که بخاطر بدست آوردن حقوق اجتماعی وسیاسی بوجود آمده بود کشاورزان باوجود کینه و نفرت شدیدی که نسبت باربابان و مالکان داشتند سهمی ثمر بخش بدست نیاوردند .

قبل از فرمان مشروطیت در پاره ای از نقاط ایران که روستائیان بامراکز انقلابی ارتباط نزدیکتر داشتند واکنشهای محدودی از طرف این طبقه بصورت فرار از ده و پناهنده شدن بشهرها وگاهی هم مهاجرت دسته های قلیلی از آنها بممالک همجوار برای نجات از چنگال فقر دیده شده است .

روستائیان مهاجر چون دیگر مهاجران ایرانی مقیم ماوراء قفقاز و ماوراء بحر خزر تحت تأثیر محیط تازه ، و جنبشهای آزادیخواهی برضد تزاریان قرار گرفتند ، آشنائی با اصول آزادی خواهی آنها را نیز صاحب افکار نوینی ساخت ، آنها که ارتباط خود را با وطنشان قطع نکرده بودند ، در انقلابهای دوران اول مشروطیت با علم بمفاسد حکومت استبدادی و اصول ادارهٔ قدیم شرکت کردند ، و بصورت جمعیتی قلیل با ناراضیان شهری دست اتحاد دادند ، و بخاطر بهبود وضع زندگی خود بمبارزه پرداختند . صفحات تواریخ مشروطیت ایران که منعکس کنندهٔ فعالیت گروههای مختلف اجتماع است ، اشارهٔ مختصری به جنبش روستائیان در پاره ای از نواحی ایران

---

(۱)- انقلاب مشروطیت ایران تألیف ایوانف صفحهٔ ۳۲

درسالهای ۲۳- ۱۳۲۴ هـ. ق. بصورت مقاومت منفی در مقابل مالکان و خانها و مأموران دولت و امتناع از پرداخت مالیات و عوارض میکند. از آنجمله: ایوانف بااستناد بگزارشهای نمایندگان سیاسی روس درسوردشرکت روستائیان وتأثیرآنها درانقلاب مشروطیت چنین مینویسد. «درسال ۱۹۰۶ نهضت خود بخودی دهقانان رو بتوسعه گذاشت، نخست این نهضت در- ایالات شرقی ایران که همجوار روسیه بود (آذربایجان، گیلان، مازندران، استرآباد، خراسان،) بوجود آمد. پس از آن بجنوب ایران (کرمان. بلوچستان، اصفهان و ایالات دیگر) سرایت کرد. نهضت دهقانان اشکال گوناگون بخود گرفت، امتناع دهقانان از پرداخت مالیاتها و سهم مالکانه، خود داری از اجرای وظایف گوناگون که بآنها محول میشد، نافرمانی نسبت به مأموران شاه. تعداد وقایعی که در آن دهقانان برخانه های خانها و مالکان حمله میبردند، روز بروز بیشترمیشد دهقانان انبار آذوقهٔ خوانها را تصرف میکردند و بین فقرا قسمت میکردند[۱].

**تأثیراشراف وعمده‌مالکان**

تا اینجا سخن از گروه‌ها و طبقاتی بود که نهضت را بوجود آوردند وبرای برقراری و ثبات آن وظیفهٔ مؤثر ومثبتی بر عهده داشته اند.

درمقابل این طبقات، عوامل منفی چون مالکان بزرگ و اشراف قرار گرفته بودند که باتمام وسایل ممکنه باحمایت بعضی از دولتهای خارجی برضد جنبش ملی قیام نموده و مانع نضج مشروطیت و حکومت ملی میگردیدند. اشراف و نجبای ایران در عهد قاجاریان را شاهزادگان و گروههائی که مقام و منزلت بلند اجتماعی در دستگاههای دولتی و دربار داشتند تشکیل میدادند. این طبقه با اینکه قدرتشان متکی بر مالکیت اراضی مزروعی وسیعی درکشور بودو در اجتماع مقام اول را داشتند ولی بجهاتی چند بصورت طبقهٔ خاص که دارای قدرت سیاسی مداوم باشد گروه متشکلی تشکیل نمیدادند.

مالکان بزرگ ایران را اغلب همین طبقهٔ اشراف و شاهزادگان تشکیل میدادند که اکثر آنها با در دست داشتن مقامات عالی دولتی از جمله: وزارت و صدارت و حکمرانی ولایات در سیاست و ادارهٔ امور مملکتی دخالت مؤثر داشتند. همراه با این گروه خانها و ایلخانیان بزرگ نیز با حکمرانی نواحی مختلف مملکت و فرماندهی ارتش که بصورت بنیچه و چریک بود جبههٔ واحدی از عمال حکومت استبدادی را تشکیل میدادند.

براین طبقه چنانکه در فصل اول سخن رفت از اواخر قرن سیزدهم هـ. ق «قرن نوزدهم

---

(۱)- انقلاب مشروطیت ایران تألیف ایوانف صفحه ۳۱

میلادی » گروه جدیدی از بورژوازی تاجر افزوده شد. گروه مالکان جدید با استفاده از سرمایه‌های روز افزون حاصله از سود تجارت توانسته بودند بزرگترین و آبادترین اراضی مزروعی را از چنگ مالکان جزء و روستاییان که دچار فقر و افلاس شده بودند خارج سازند، و با تصرف آنها برقلمرو وسیع قدرت و نفوذ سیاسی خود بیفزایند، اشراف و مالکان بزرگ که در رأس آنها شاهزادگان قاجار قرار گرفته بودند، صنف مرتجعی را تشکیل میدادند، شروع هرگونه اصلاحات جدید از طرف روشنفکران از آن جهت که با منافع آنها اصطکاک داشت با مخالفت روبرو می‌شد، و با تحریک شاه باتخاذ تصمیمات ارتجاعی از طرف این گروه متوقف میماند.

درجریان وقایع و حوادث مشروطیت، طبقات مختلف مردم بصورت قشر بزرگی در مقابل عمال حکومت و ایادی وی در آمده بودند. جنبش و انقلاب مشروطیت پدیده‌ای نبود که مالکان واشراف از آن طرفی ببندند و برله آن قیام کنند، جزاینکه بسیستم مالکیت و بهره برداری آنها از املاک مزروعی که براساس فئودالیته و استثمارطبقهٔ روستاییان بودوهمچنین قدرت آنان رامحدود می‌کرد لطمه وارد میساخت.

پس از تشکیل مجلس اول و نضج جنبش آزادیخواهی، و تأسیس انجمنها ایالتی و ولایتی توسعهٔ مبارزه ای که روشنفکران و طبقات متوسط یعنی تجار و کسبه و اصناف در راه ازبین بردن حاکمیت فئودالها و عناصر ارتجاعی و بخصوص استعمارگران فعالیت میکردند، سبب شد سران فئودال و تیولداران و خانهابحمایت از شاه و اشراف درباری که در جریان نهضت بادولتهای خارجی و استعمارگران ساخته بودند برخاستند، و جبهه واحد مرتجعی را تشکیل دهند. در دنبالهٔ تصمیمی که از طرف محمد علیشاه به از بین بردن مجلس و تعطیل مشروطیت بتحریک همین گروه گرفته شده بود، گروهٔ ارتجاعی با ایجاد نا امنی در نواحی حکومت، و تبعیت نکردن ازاحکام مجلس به مبارزهٔ مستقیم باانقلابیان روی آورند و برای سرکوب ساختن عناصر آزادیخواه کمکهای مؤثر و مفیدی بکودتای ضد انقلابی کردند. بعد ها نیز در جریان حوادث و وقایعی که برضد حکومت مشروطه و نا امنی و هرج و مرج مملکت پیش آمد، تأثیر این گروه را آشکارا از خلال صفحات تاریخ میتوان دریافت. پس از جنگ جهانی اول و آرامش نسبی اوضاع داخلی ایران و از بین رفتن ایام فترتهای مجلس بخصوص از دورهٔ چهارم قانونگذاری ببعداشراف فئودال با استفاده از ضعف طبقهٔ متوسط و با کمک عوامل ذینفوذ داخلی و خارجی موقع ازدست رفتهٔ خود را در مجلس اول و دوم بتدریج باز یافتند و در صحنهٔ سیاست پارلمانی با قبول رنگ

مشروطه خواهی مبارزان و مخالفان خود را که مشروطیت بمساعی آنها بوجود آمده بود، کنارزدند وموقع خود را دیگر باره مستحکم کردند. در پایان این مقال ناگزیر از ذکر این نکته میباشیم که تعمیم یک مورد جزئی و خاص مبنی بر شرکت خانهای ایل بختیاری و بزرگترین ملاکان فئودال گیلان برضد کودتای محمد علیشاه نمیتواند ملاك موافقت طبقهٔ فئودال با مشروطیت باشد بخصوص همانطورکه قبلایادشد، جنبش مشروطه خواهی ایران برضداستبدادومظالم شاهزادگان و حکام که در رأس آنها فئودالها و ملاکان قرار داشتند صورت گرفته است[۱].

**دولتهای خارجی و انقلاب مشروطیت**

در پایان این فصل بی‌مناسبت نمیدانیم به مداخلهٔ مستقیم یا غیرمستقیم دولتهای خارجی در مبارزات ملی ایران که منجر تغییر رژیم حکومت ، و انقلابات بعدی‌تاتثبیت‌اوضاع داخلی ایران گردید بایجاز اشاره ای بشود.

مسئلهٔ رقابت بین دولت روسیهٔ تزاری و انگلستان بر سر منافع اقتصادی خود در ایران ،و تحولی که بدنبال آن در اقتصاد مملکت بوجود آورد، اساس و پایهٔ مادی نفوذ دولتهای خارجی در سیاست و امور اجتماعی کشور ایران در اوایل قرن چهاردهم ﻫ. ق ، گردید. این عوامل همراه با علل و اسباب مختلف دیگری که بتفصیل در فصول گذشته بیان گردید، به پیدایش - مشروطیت ایران منجرشد.

این انقلابات و مبارزات ملی مزبور مسئله ای نبود که نتایج آن در نقشهٔ دول‌استعمارگر در ایران بی تأثیر باشد و در مقابل آن بعناوین مختلف بنفع سیاست واحد خود عکس‌العمل نشان ندهند و از مداخلهٔ مستقیم له و علیه چشم بپوشند.

دولت روسیهٔ تزاری ، خواه ناخواه بحمایت و جانبداری حکومت وقت و حفظ رژیم استبداد از آنجا که منافع و خواسته های دولت مزبور بسبب نفوذ فوق العاده در دربار و اوضاع داخلی ایران ازهر جهت تأمین بود علاقه داشت ، و با انقلاب مشروطیت و جنبشهای ملی خوش بین نبود ، و با تمهید مقدمات و وسایل مختلف ، بخصوص پس از بسلطنت نشستن محمد علیشاه و

---

۱- انگیزه قیام و جنبش گروه های مزبور در درجهٔ اول جلوگیری از تحدید منافع اقتصادی خود بوده است. درثانی مسئلهٔ رقابت ایلات و عشایر برسر مسئلهٔ توسعهٔ منطقه قدرت و حفظ موقع خود ، و احیاناً بدست آوردن ریاست و حکومت بر ایلات و عشایر دیگر میتواند محرك سران ایل بختیاری شده باشد. توضیح آنکه سلطنت خاندانی‌ازایل قاجار بر ایران ، محدود شدن منافع اقتصادی ایل بختیاری‌بمناسبت موقع اقتصادی زمان ونفوذ و توسعهٔ تجارت روسیه درایران و از طرفی لطمه ایکه با انتصاب حکام غیر محلی با ستقلال آنهادرحوزهٔ حکومتشان وارد شده بود ممکن است انگیزهٔ جنبش و قیام آنها شده باشد.

شناخت طبیعت و خوی مستبد وی سوجبات تقویت مرتجعان و تضعیف نیروی‌ملی را فراهم‌ساخت وبا ایجاد اشکالاتی چند از داخل و خارج ایران ، از پیشرفت حکومت مشروطه جلوگیری کرد . علاوه بردولت فوق همسایهٔ دیگر ایران دولت عثمانی با حکومت مطلقی که سلطان عبدالحمید تشکیل داده بود، طبعاً با جنبش آزاد یخواهی ایران بهیچ عنوان موافقت نداشت ، و از بیم سرایت آن بعثمانی ، و تحریک و برانگختین افکار و اندیشه های آزاد یخواهی در ملت عثمانی که در آن زمان در زیر یوغ و سلطه استبداد سلطان عبدالحمید مجال بروز و خودنمائی نداشت بعناوین مختلف و وسایل امکان پذیر بمخالفت با مشروطه برمیخاست. گرچه این حکومت درآن سرزمین دیری نپایید ، و همزمان با تعطیل مشروطهٔ اول و بمباران مجلس ، حکومت استبدادی بر چیده شد و حکومت ملی و آزاد عثمانی اعاده یافت. همانطورکه جنبش جوانان ترک برای بدست آوردن حکومت ملی در بیداری و تنویر افکار ملت و آمادگی آنها بمبارزهٔ ضد استبدادتأثیر غیر مستقیم ولی مهمی داشته ، هماهنگی و همراهی آزادیخواهان ملت عثمانی و دولت جدید آن کشوربامليون ایران بروز کاراستبدادصغیردربرقراری مجدد مشروطیت و مبارزات و جنبشهائی که جهت برکناری محمد علیشاه از سلطنت روی داد مؤثر بوده است.

دولت امپراطوری انگلستان بسبب موقع از دست رفتهٔ خود در مقابل حریف و رقیب سر سخت‌ش دولت روسیهٔ تزاری، در ابتدا نسبت به انقلابات و اعتصابات عمومی بظاهر خوشبین بوده و برای پیشروی و اجرای نقشهٔ استعماری خود در ممالک آسیائی و بخصوص و بمنظور - تأمین تسلط کامل خود بر هندوستان و اجتناب از بسط نفوذ دولت روسیهٔ تزاری در مناطق مستعمراتی مورد نظر ، جانب مخالفان رژیم تزاری را گرفت. دولت انگلستان بمنظور جبران شکست خود در مورد از دست دادن بازار تجارت ایران و برای بدست آوردن موقع اقتصادی دیرین و بویژه نفوذ در هیأت حاکمه ، از نهضت و جنبش آزاد یخواهان در ایران جانبداری کرد و بدینوسیله باروی کار آوردن رژیم جدید، از نفوذ توسعهٔ روسیهٔ تزاری در دربار ایران و تضعیف موقع اقتصادی و سیاسی خود در ایران کاست و بررقیب خود غالب آمد.

روی اصل مزبور دولت انگلیس از مشروطه طلبان بصورت پناه دادن آزادیخواهان در سفارتخانه و قونسولگریهای خود در شهرستانها و ایفای نقش واسطه بین آزادیخواهان و شاه و تدبیر وسایل مختلف دیگر تأثیر مهمی در انقلابات ایران داشت.

ولی مسئله‌رقابت وتضادبین دودولت روسیهٔ تزاری وانگلستان درمورد انقلاب مشروطیت

ایران دیری نپائید و عوامل مختلفی سبب شد که این دو نیروی آشتی ناپذیر بظاهر سیاست واحد وهماهنگی را در مقابل رژیم جدید ایران پیش گیرند از آنجمله:

ترس دولت انگلستان از سرایت جنبش ملی ایران بمنطقهٔ نفوذ و مستعمره اش «هندوستان» ومهمتر از آن تغییر سیاست بین المللی دول غربی بود که مسئلهٔ سازش دولت انگلستان رابادولت روسیهٔ تزاری بوساطت دولت فرانسه پیش آورد و دراین امر پیدایش نیروی ثالثی در عرصهٔ سیاست خارجی ایران چون دولت آلمان که از رقبای دولت انگلستان بود، عامل مؤثر و مهمی محسوب میشد. سیاست استعمار دولتهای آسیایی توجهٔ دولت آلمان را بایران جلب کرد ونتیجه آن شد که دولت مزبور با توسعهٔ نفوذ سیاسی و بخصوص اقتصادی خود درایران بطورغیرمستقیم درسیاست بین المللی دو دولت روسیه و انگلیس در مورد نظام جدید و حکومت ایران تأثیرقابل ملاحظه و عمیقی پیدا کرد.

دولت آلمان با دولت انگلستان ازراه اجرای سیاست تعرفه های ارزانقیمت، وپیشنهادهایی در زمینهٔ تأسیس بانک، و امتیاز راه آهن و بخصوص پیشنهاد قرضه بایران رقابت میکرد. واز طرف دیگر جانبداری و حمایتی که این دولت از ملیون و مشروطه خواهان کرد، موجب شد که در صحنهٔ سیاست استعماری کشورهای اروپایی در آسیا و بخصوص ایران رقیب تازه ای که نقش موافق انقلاب را بر عهده داشت، و نظر گروههای ملی و آزادیخواهان را بطرف خودجلب کرده بود وارد شود.

مجموعهٔ عوامل فوق، و بخصوص عدم تمایل واقعی دولت انگلستان به پیشرفت حکومت ملی وترقی وضع سیاسی و اقتصادی ایران سبب شد که این دولت از رقابت و مبارزهٔ ظاهری خود با دولت روسیهٔ تزاری بطور موقت در مورد جنبش ملی ایران دست بردارد، و امر تسریع در اجرای نقشهٔ تقسیم ایران بمناطق نفوذ دو دولت انگلیس و روسیهٔ تزاری با تشکیل کمیسیونی مرکب از نمایندگان دولتهای انگلیس و روس و عثمانی فراهم شود. نزدیکی دو دولت رقیب بمنظور اجرای هدف واحد، و حفظ پایگاههای خود در آسیا، نتیجه اش تنظیم و تصویب و اجرای - موافقتنامه و قرارداد ننگین معروف ۱۹۰۷ میلادی گردید.

مسلم است که پس از تنظیم چنین موافقتنامه ای، هیچیک از دول مزبور با حکومت ملی ایران همراه و موافق نبودند، و بخصوص پس از آنکه نمایندگان مجلس با تنظیم و تدوین قانون اساسی و متمم آن به محدود ساختن نفوذ اجنبی در امورات داخلی ایران، و تجدید اعطای

امتیازات و پایگاههای اقتصادی خارجی در ایران اهتمام کردند، این عدم سوافقت شدید ترشدو نیز پس از آنکه نمایندگان با پیشنهاد دولت وقت ، مبنی بر استقراض تازه ای از دولت روسیهٔ تزاری و انگلیس مخالفت ورزیدند ، دولتهای اخیر باب مخالفت و کارشکنی را با دلایل پوچ و واهی باز نمودند، و با کمک ایادی خود در دربار ، و همچنین بیاری پاره ای از خانها وحکام در شهرستانها ، با ایجاد اغتشاشات و هرج و سرج داخلی ، محیط متشنج و نا امنی در ایران بوجود آوردند، و با اتخاذ روشهای خاصی وضع مالی‌ایران را در چنان موقعیت بحرانی، سخت‌تر ساختند، و بااین کیفیت ببرآوردن خواسته و تمایل باطنی محمدعلیشاه که برقراری مجددحکومت مطلق باشد کمک شایان توجه کردند. بخصوص دولت روسیهٔ تزاری ، با در دست داشتن نیروی نظامی ایران ، و نفوذ و تسلط برمقام سلطنت هدف خود را بطور مؤثر تری اجرا کرد ، و بااینکه ظاهراً عوامل داخلی از جمله روحانیان مشروطه خواه و خانها و حکام محلی ببرانداختن مجلس برچیدن اساس مشروطیت اقدام و محمد علیشاه را یاری کردند، و استبداد صغیر را بوجود آوردند. ولی بموجب مدارك و اسناد موجود دولتهای خارجی و بخصوص دولت روسیهٔ تزاری عامل عمده دراین قیام ضد ملی بوده است.

تأثیر عامل مداخلهٔ دولتهای خارجی در تحولات عمیقی که در عصر اول مشروطیت در اوضاع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی روی داده است شایان توجه و بررسی عمیق میباشد. و-میتوان در واقع نا پایداری و بی ثباتی عصر اول مشروطیت و فترتهای طولانی و انقلاباتی‌را که به تغییر سلطنت‌منجر گردید مولود آن‌دانست. دو دولت « روسیه وانگلیس» بعناوین‌مختلف با وارد ساختن قشون در مناطق نفوذ خود ، مداخله بیش از حد در امور داخلی ایران میکردند، وسد بزرگی در راه پیشرفت گروههای ملی گردیده بودند. دولت انگلستان با اینکه در باطن از نفوذ روز افزون روسها پس از تعطیل مشروطهٔ اول و فرمانروایی مطلق آنها بمدد نیروی قزاق وتسلیم دستگاه حکومتی ایران در مقابل تمایلات روسها ناراضی و نگران بود، بازهم از تعقیب سیاست سازش خود دست برنداشت ، و این امر حتی پس از اعادهٔ مشروطیت و تشکیل مجلس دوم ، و وقایع پس از آن کما بیش همچنان ادامه داشت ، و موقعی که مبارزات ملی و مساعی آزادی خواهان در برچیدن بساط استبدادی محمد علیشاه و اعاده مشروطه و افتتاح مجلس شورای ملی در شرف نتیجه گیری بود ، و حکومت ملی برای اجرای اصلاحات و قوانین بمحیط آرام و بدون تشنج احتیاج داشت ، دولت مزبور در مقابل هر نقشهٔ اصلاحی و اقدامی که دولتها و مجلس -

بمنظور تقویت بنیهٔ مالی و اقتصادی کشور و دیگر اصلاحات داخلی در نظر میگرفتند ، باوسایل وحیل مختلف و بمدد ایادی پنهانی خود رادع و مانعی میگذاشتند . از آنجمله:

دولت و مجلس ایران بمنظور اصلاح امور اقتصادی کشور از دولتهای خارجی که جنبهٔ بیطرفی را در ایران داشتند استمداد کرد و برای جلب مستشاران اقتصادی و استخدام آنها با دولت امریکا وارد بحث و مذاکره شد، بموجب قرار دادی که دولت ایران با وزارت امورخارجهٔ امریکا تنظیم کرد ، موقعیکه میسیون امریکایی بریاست مستر مورگان شوشتر امریکایی بنام خزانه‌داری کل ایران مأمور اجرای طرح اقتصادی مبنی بر تجدید سازمان مالیهٔ ایران گردید .

دول استعمارگرروسیه و انگلیس با عملیات هیأت گسیل شده ازامریکا مخالفت کردند، دراین مورد خاص دولت روسیهٔ تزاری از بیم بمخاطره افتادن منافع اقتصادیش درایران ضمن اولتیماتومی چند که بدولت ایران داد ، هم از اجرای نقشهٔ اصلاحی شوستر امریکائی درایران جلوگیری نمود،وهم بدین وسیله باردیگردرمقابل عدم تمکین نمایندگان مجلس ازخواسته های آنها موجبات انحلال مجلس دوم و دوران فترت طولانی را فراهم ساخت .

نظیراین گونه مداخلات درامور داخلی مملکتی که باتغییر دادن نحوهٔ حکومت چند هزار ساله و برسرکار آوردن رژیم و نظام جدید خواه ناخواه گرفتار مشکلاتی داخلی شده بود فراوان است:

# فصل پنجم

## تاریخ مختصر ادوار قانونگذاری

**توضیحات مقدماتی** - ذکر جریان مفصل و مشروح وقایع و حوادث تاریخی و تحولات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ایران از آغاز مشروطیت تا زمان حاضر از موضوع این تحقیق وبررسی خارج و مستلزم مطالعات و بررسیهای عمیق تری است که باید مورخان با نکته سنجی خاص خود برشته تحریر درآورند. ما دراین فصل بذکر تاریخ مختصر ادوار قانونگذاری و اشارهٔ اجمالی به وقایع مهم هر دوره با ذکر قوانین موضوعه بدون توضیح و تفسیر آن ها می پردازیم.

برای این منظور تاریخ ایران را از آغاز مشروطیت تا زمان حال بر اساس خصوصیات سیاسی بسه عصر متمایز تقسیم میکنیم:

**الف** - عصر اول مشروطیت که از مهر ماه ۱۲۸۵ ش. و پس از صدور فرمان مشروطیت توسط مظفرالدینشاه قاجار با افتتاح نخستین مجلس شورای ملی شروع شده و تا آذر ماه ۱۳۰۴ ش. ادامه یافته و شامل پنج دورهٔ قانونگذاری است. این عصر مقارن با دورهٔ آخر سلطنت خاندان قاجار و بروز جنگ جهانی اول میباشد.

**ب** - عصر دوم مشروطیت- آغاز آن تفویض مقام سلطنت بموجب رأی مجلس مؤسسان بتاریخ آذرماه ۱۳۰۴ ش. به سرسلسله خاندان پهلوی بوده است و ۷ دورهٔ قانونگذاری از دورهٔ ششم تا سیزدهم میباشد.

**ج** - عصرسوم مشروطیت: شروع این عصر مصادف باجنگ جهانی دوم واستعفای اعلیحضرت رضا شاه پهلوی و تفویض مقام سلطنت بجانشین قانونی ایشان اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی در تاریخ ۲۰ شهریور ماه ۱۳۲۰ ش. میباشد، و تا زمان تدوین این مجموعه هشت دورهٔ قانونگذاری طی شده است. و چون دورهٔ بیست ویکم مجلس شورای ملی که از جملهٔ هشت دوره این عصر میباشد مراحل اولیهٔ خود را طی میکند از بحث در بارهٔ وقایع قانونگذاری دراین دوره صرفنظر و به گفتگو در بارهٔ مشخصات نمایندگان این دوره در فصل مربوط اکتفا میکنیم.

## الف - عصر مشروطیت

**دورهٔ اول قانونگذاری**

نخستین جلسهٔ رسمی مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۲۸۵ ش. مطابق با ۱۷ شعبان ۱۳۲٤ ه.ق (۷ اکتبر ۱۹۰٦ م.) با نطق افتتاحی مظفر الدینشاه قاجار که باوجود شدت بیماری بمجلس آمده بود بی حضور نمایندگان شهرستانها گشایش یافت. مظفر الدینشاه قبل از ایراد نطق افتتاحی خود که متن آن در صفحهٔ مقابل گراور شده است چنین آغاز سخن کرد:

«سالها دارآرزوی چنین روزی بودم وخدارا شکر که بآرزوی خود رسیدم.» و بعد خطابه مذکوررا ایراد نمود. نمایندگان این دورهٔ مجلس را بموجب مادهٔ شش نظامنامهٔ انتخابات از بین طبقهٔ اشراف و شاهزادگان و تجار و مالکان و روحانیان و اصناف تشکیل میدادند و با اینکه کار نخستین مجلس ملی ایران و طرح مسائل مورد بحث بر اساس نظام و برنامه خاصی صورت نمیگرفت، با اینهمه باید مجلس اول را هم از جهت ترکیب طبقات مختلف نمایندگان و هم از نظر وظیفهٔ خطیر از مهمترین ادوار قانونگذاری ایران دانست. در واقع مجلس اول از لحاظ برنامهٔ کار و نحوهٔ فعالیت خالق و بنیانگزار مشروطیت ایران است چه این مجلس توانست با مخالفت اصولی درباریان مستبد و برغم قدرت شاهزادگان وخانهای مرتجع و گاهی هم اعمال نفوذ عمال خارجی قانون اساسی ایران را که مشتمل بر ٥۱ اصل بود در تاریخ ۸ دی ماه ۱۲۸٥ ش. (مطابق با ۳۰ دسامبر ۱۹۰٦ م) بتوشیح مظفر الدینشاه و پس از فوت وی متمم قانون اساسی را در ۱٥ مهرماه ۱۲۸٦ ش. (مطابق با اکتبر ۱۹۹۷ م) در شرایط بسیار سخت و مبارزات آزادیخواهان با مخالفان بامضای جانشین مستبد او محمد علیشاه برساند.

جنبش ملی ایران بر ضد اعطای امتیازات بخارجیان نمایندگان ملت را در مجلس اول تحت تأثیر قرار داد و برای نخستین بار مخالفت خود را در مورد امتیازاتی که در زمان حکومت استبدادی تحمیل شده بود آشکار ساختند. از آنجمله دادن امتیاز نفت بشرکت دارسی در زمان مظفر الدینشاه (۱۹۰۱ - م) که عامه مردم از مفاد مواد آن اطلاعی نداشتند، نمایندگان را برآن داشت که از وزیر معدن وقت راجع بامتیازنامه دارسی توضیحاتی بخواهند، و در جلسه پنجم ذیحجه ۱۳۲٤ ه.ق مطابق با ۱۲ دی‌ماه ۱۲۸٥ ش. باحضور وزیر معادن و کمیسر نفت مذاکراتی در این باره در مجلس بمیان آمد.

واکنش نمایندگان مجلس در برابر مخالفت متنفذان و خانهای مستبد با حکومت مشروطه بصورت اخراج آنها از حوزهٔ حکمرانی و سلب مقام و اختیارات چندین ساله از آنها در اموراداری

بسم الله الرحمن الرحیم

صحت این خط [illegible] ۲۵ [illegible] ۱۸ شعبان ۱۳۲۴

منت خدای را که آنچه سالها در نظر داشتیم امروز بعون الله تعالی از قوه بفعل آمد و بانجام آن مقصود مهم بعنایات الهیه موفق شدیم زهی روز مبارک و میمونی که روز افتتاح مجلس شورای ملی است

مجلسی که رشته های امور دولتی و مملکتی را بهم مربوط و متصل میدارد و علایق مابین دولت و ملت را متین و محکم میسازد مجلسی که مظهر افکار عامه و احتیاجات اهالی مملکت است مجلسی که

نگهبان عدل و داد شخص همایون ماست در حفظ ودایعی که ذات واجب الوجود بکف کفایت ما سپرده امروز روزیست که بر وداد و اتحاد مابین دولت و ملت افزوده میشود و اساس دولت و ملت

بر شالوده محکم گذارده میشود و امروز روزیست که یقین داریم رؤسای محترم ملت و وزرای دولتخواه و اعیان و تجار و عموم رعایای صدیق مملکت در اجرای قوانین شرع انور

و ترتیب و تنظیم دوایر دولتی و اجرای اصلاحات لازمه و تهیه اسباب و لوازم امنیت و رفاهیت طبقه اهالی وطن با کمال اتفاق کوشیده هیچ منظوری نداشته باشند جز مصالح دولت و ملت و منافع

اهالی و مملکت و البته میدانید که نیست اساسی مقدس تر که بملاحظات شخصی مشوب و مختل نشود و باغراض نفسانی فاسد نگردد حالا بر انتخاب شدگان است که تکالیف خود را چنانچه منظور دولت

و ملت است انجام بدهند بدیهی است که هیچکدام از شماها منتخبین انتخاب نشده اید مگر بواسطه تفوق و رجحانی که از حیث اخلاق و معلومات بر اغلب از مردم داشته اید و خود این نکته

باعث اطمینان خاطر و قوت قلب ماست و چاره نداریم که با کمال دانش و بینش و بی غرضی در این جاده مقدس قدم خواهید زد و تکالیف خود را با کمال صداقت و درستی انجام خواهید داد

ولی با وجود این چون طبقات اهالی را مثل فرزندان خود دوست داریم و نیک و بد آنها را نیک و بد خود میدانیم و در خوشنودی و مسرت و غم و الم آنها سهیم و شریکیم بالاترین

خاطر شما را باین نکته معطوف داریم که تا امروز نتیجه اعمال هر کدام از شماها فقط عاید بخودتان بود و بس ولی از امروز شامل حال هزاران نفوس است که شماها را انتخاب کرده اند

و منتظرند که شماها با خلوص نیت و پاکی عقیده در دولت و ملت خود خدمت نمائید و از اموریکه باعث فساد است احتراز نمائید پس باید کاری بکنید که در پیش خدا مسئول و در نزد ما

شرمنده و خجل نباشید این پند و نصیحت ما را هیچوقت فراموش نکنید و آنی از مسئولیت بزرگی که برعهده گرفته اید غافل نباشید و بدانید که خداوند متعال ناظر حقیقی اعمال ما

و حافظ حق و حقانیت است دست خدا همراه شما بروید مسئولیتی که برعهده گرفته اید با صداقت و درستی انجام بدهید و بفضل خداوند متعال و توجه ما مستظهر و امیدوار باشید هیجدهم شهر شعبان المعظم ۱۳۲۴

پدیدآمد، همچون برکناری شاهزاده ظل‌السلطان فرمانروای مقتدر ومتنفذاصفهان وعزل کامران میرزا عمو و پدرزن شاه از وزارت‌جنگ وآصف‌الدوله‌حکمران‌خراسان . در اینجا بجاست یادآوری شود، که‌یکی‌از اقدامات سود بخش مجلس‌اول که با مخالفت شدید دربار و عمال دولتی روبرو شد و قدرت مستبدانه هیأت دولت را در هم شکست مسئول شناختن هیأت وزیران در برابر دو مجلس بود که قانون آن در تاریخ ذیحجه ۱۳۲٤ ه.ق بتصویب مجلس رسید.

رد لایحه چهار صد هزار لیره قرضه از دولت روسیه و انگلستان که پروژه آن در روسیه و لایحهٔ آن در انگلستان بتصویب رسیده بود از جمله خدمات مفید و مهم مجلس اول بوده و این لایحه در موقع طرح در مجلس با مخالفت ٦۰ تن از نماینده‌گان که بکار انداختن‌سرمایه‌های ملی را ترجیح میدادند روبرو شد (بتاریخ رمضان ۱۳۲٤ ه.ق «مطابق ۱۹۰٦ میلادی».

نماینده‌گان دورهٔ اول باستشاران بلژیکی که در آن تاریخ اقتدار بسیار بدست آورده‌بودند ودر امور داخلی ایران مداخله می‌کردند و در نتیجه نا رضایی عموم طبقات را برانگیخته‌بودند مخالفت کردند و شاه را ببرکناری مسیو نوز و همکارانش ازگمرکات ایران مجبورساختند وباین ترتیب مجلس درمهمترین و حیاتی ترین مسئله روزکه ممنوعیت اخذ هرگونه وامی از دودولت روسیه و انگلیس وکوتاه کردن دست بلژیکیها از امور داخلی ایران بود توفیق حاصل کرد.

از اهم مسائلی که مجلس اول برای جلوگیری از قرض روز افزون و قطع نفوذ سیاسی و اقتصادی بانکهای خارجی و ترمیم وضع مالی خزانه که استقلال مملکت را بمخاطره میانداخت مورد توجه قرار داد، اصلاح بودجه و تعدیل آن و محدود ساختن مخارج شاه ودربار بود. همچنین برای بکار انداختن سرمایه های داخلی درضمن تقدیم طرحی‌مبنی بر تأسیس بانک‌ملی‌درمقابل بانک شاهنشاهی قدم مؤثری برداشت. در تاریخ ۵ آذرماه ۱۲۸۵ ش. و ۹ ذیعقده ۱۳۲٤ ه.ق (مطابق اول فوریه ۱۹۰۷ م) اساسنامهٔ بانک ملی ایران بتصویب رسید و اعلان آن در تاریخ ۹ آذرماه ۱۲۸۵ ش. منتشر گردید، با اینکه عموم‌طبقات‌مردم ازجمله زنان و کودکان ومردمان فقیر با جزیی پس‌انداز و طلاب با فروش کتاب خود به پشتیبانی نماینده‌گان برای رفع‌نیاز مندی کشور پیشقدم شدند باز هم تأسیس‌بانک ملی بسبب اشکالات و موانع بیشمار عملی نگردید.

مجلس اول درجلسهٔ ۲۲ رجب ۱۳۲۵ ه.ق خود باموافقتنامهٔ ۱۹۰۷ تقسیم ایران بمناطق نفوذ دو دولت روسیه و انگلستان مخالفت‌کرد و با تصویب تشکیل محاکمات عرفی متمرکز ساختن محاکمات در دادگاههای دادگستری که تا آن تاریخ در محاضر روحانیان‌انجام میگرفت باصلاح دستگاه قضایی پرداخت.

برقراری تساوی حقوق پیروان مذاهب مختلف و نسخ قاعده تیول که از زمانهای دراز درایران معمول بوده و باعث بی نظمی در امور مالی کشور و همچنین موجب تسلط ارباب تیول واستثمار رعایا گشته بود و همچنین نسخ قاعده تسعیر که بموجب آن برعایدات دولت افزوده میشد از جمله خدمات شایان توجه مجلس اول بود.

مهمترین قوانینی که دراین دوره وضع شد عبارت اند از.

۱- قانون آزادی مطبوعات مشتمل بر ۵۳ ماده که در تاریخ ۱۸ بهمن ماه ۱۲۸۶ ش. مطابق با ٥ محرم ۱۳۲۶ ه.ق بتصویب رسید، و بموجب این قانون انتشار مجله و روزنامه های ملی درایران رو بفزونی گذاشت و تعداد آن در طی دو سال عمر مجلس اول در حدود ۵۰ درصد افزایش یافت.

۲- قانون تشکیلات ایالات و ولایات و دستور کار حکام مشتمل بر ۴۳۳ ماده و ۲۶ ماده ضمیمه که در تاریخ ۱۷ آذرماه ۱۲۸۶ ش. مطابق با ٤ ذیعقده ۱۳۲۵ ه.ق بتصویب نماینده گان مجلس رسید.

۳- قانون انجمن ایالتی و ولایتی مشتمل بر ۱۲۲ ماده که در تاریخ ۸ خرداد ماه ۱۲۸۶ ش. (مطابق با ربیع الثانی ۱۳۲۵ ه.ق) بتصویب نماینده گان رسید، انجمنهای فوق مطابق قانون شروع بکار کرد و فعالیت بعضی از انجمنها در پاره ای از شهرستانها تا اندازه ای از تمرکز قدرت در دست هیأت حاکمه کاست و زمینهٔ مداخله مردم را در ادارهٔ امور اجتماعی و بهبود بخشیدن به اوضاع شهر خود شان را فراهم ساخت.

٤- قانون بلدیه که در تاریخ ۱۲ خرداد ماه ۱۲۸۶ ش. بتصویب رسید.

۵- قانون وظایف که در تاریخ اول اردیبهشت ماه ۱۲۸۷ ش. بتصویب رسید.

مجلس اول پیش از پایان دوسال دورهٔ قانونی خود بعلت مخالفت محمدعلیشاه با مشروطه خواهان و تحریکات دولتهای خارجی از طریق عناصر ارتجاعی، توسط کلنل لیاخوف رئیس قزاقهای ایران و چند افسر روسی دیگر در ۲ تیر ماه ۱۲۸۷ ش. و ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۲۶ ه.ق (مطابق با ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ م) بتوپ بسته شد و چند تن از نماینده گان و روز نامه نگاران و مشروطه طلبان در باغشاه زندانی شدند و پاره ای از آنها بقتل رسیدند و عدهٔ بسیاری از نماینده گان نیز بسفار تخانه ها پناهنده شدند و با این کیفیت دورهٔ اول مجلس شوری منحل و حکومت نظامی در سراسر کشور اعلام شد.

**استبداد صغیر** (فترت بینی مجلس اول و دوم) پس از کودتای سه شنبه دوم تیرماه و تعطیل مشروطهٔ اول و برقراری حکومت استبدادی توسط محمد علیشاه و عناصر مرتجع طرفدار وی بحمایت دولتهای خارجی و با متواری شدن آزادیخواهان سکوت و آرامش موقتی که بر خلاف میل طرفداران حکومت قانون و روشنفکران و روحانیان آزادیخواه بود برقرار شد ولی در زیر این سکوت و آرامش ، نطفهٔ انقلاب و جنبش آزادیخواهی برشد خود ادامه می داد و عملیات جابرانهٔ شاه مستبد و عناصر طرفدار سلطنت مطلق نتوانست آتشی را که درزیر خاکستر استبداد نهان بود خفه کند و ملت ایران بگفتهٔ حافظ شیرین سخن « آتشی » را که هرگز « نمیرد همیشه در دل » خود داشت .

رهبران و سران آزادیخواه ، در شهرستانها آرام ننشستند و برای برقراری مجدد حکومت ملی و برانداختن سلطنت محمدعلیشاه قیام کردند و این جنبش از نواحی مختلف مانند آذربایجان و گیلان و اصفهان و دیگر نقاط چون فارس و کرمان و جز اینها آغاز شد .

در آذربایجان پس از بتوپ بستن مجلس اول آزادیخواهان آرام ننشستند و با تشکیل قوای مجاهد ملی بسرداری ستارخان و باقرخان قیام کردند. دولت مرکزی با فرستادن چند هزار تن سرباز و قشون شهر تبریز را محاصره کرد و با ممانعت از ورود آذوقه و جز آن بر آزادیخواهان سخت گرفت .

این وضع بهانه و فرصت مناسبی برای دولت روسیهٔ تزاری بود که بعنوان حمایت از اتباع خارجی در آوریل ۱۹۰۹ قشون خود را از سرحدات ایران بگذراند و شهر تبریز را اشغال کند . مبارزات دلیرانه آزادیخواهان تبریز ، انقلابیان سایر شهرستانها را نیز بجنبش و قیامهای ملی دامنه داری وادار کرد از آنجمله: در هنگامی که تبریز در محاصره و فشار قشون دولتی و سربازان روسی بود نیروهای نجات بخش ملی و گروههای آزادیخواه و بختیاریها با تشکیل دسته های منظم و حفظ ارتباط با یکدیگر در تاریخ ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷ ﻫ.ق از رشت و اصفهان بطرف تهران حرکت کردند و پایتخت در محاصرهٔ انقلابیان قرار گرفت ، اکثریت مردم تهران هم بکمک مهاجمان برخاستند و در نتیجه پس از ورود قوای مجاهد و بختیاری بتهران و تصرف مسجد سپهسالار و بهارستان جنگ بین دو نیروی آزادیخواه مشروطه طلب و قوای دولتی که تحت فرمان لیاخوف روسی بود درگرفت . و با اینکه قریب بدو هزار تن از قشون روس در قزوین تمرکز یافته بودند و دولت روسیه نیروهای مهاجمان را تهدید بورود در صحنهٔ نبرد کرد باز هم این تهدیدها نتیجه نبخشید و نیروهای نجات بخش ملی از شمال و جنوب به نبرد دلاورانهٔ خود که آغاز آن از تاریخ ٤ تیرماه ۱۲۸۷ ش . (مطابق با ژوئیه ۱۹۰۹ م) بود ادامه دادند و پس

از چهار روز زد و خورد توانستند تهران را بتصرف خود درآورند. محمد علیشاه با ۵۰۰ تن از بستگان خود و سران مرتجعان و سربازان محافظش بمحل ییلاقی سفارت روس پناهنده گشت و بیرق روس و انگلیس بعنوان حمایت مشترک از شاه فراری برسر در عمارت سفارت افراشته شد و مبارزات ملت ایران و سران آزاد یخواه با دولت محمد علیشاه خاتمه یافت.

برای برقراری و رفع بلاتکلیفی و حفظ امنیت، جلسهٔ خاصی از نمایندگان مجلس اول و پیشوایان عامهٔ مردم و مجتهدان و رجال آزاد یخواه در مجلس شورای ملی منعقد شد و پس از مذاکره و مشاوره بسیار مسئله برکناری محمد علیشاه از تخت و تاج و انتخاب فرزند او احمد میرزا ولیعهد که شاهزاده خردسالی بود بجای پدر بانیابت سلطنت عضدالملک مطرح شد و بتصویب رسید.

شاه مخلوع «محمدعلیشاه» ازایران خارج شد و دولت انقلابی جدید باوساطت سفرای روس و انگلیس یک میلیون ریال مستمری برای محمد علیشاه معین کردند مشروط بر اینکه‌شاه مخلوع درامور داخلی ایران مداخله نکند.

مجلس شورای ملی که مرکب از ۲۵ تن از مشروطه طلبان‌بود بتعیین هیأت دولت جدید ونظارت بر اعمال آنها پرداخت و مقدمات انتخابات مجلس دوم را فراهم کرد و بار دیگرحکومت ملی آغاز شد و آزادی مطبوعات تأمین گشت و روز نامه‌هایی که با پیدایش مشروطیت افزایش یافته و با تعطیل آن ناپدید شده بود از نو زندگی تازه ای یافتند و مبارزهٔ قلمی خود را برای‌ثبات حکومت ملی آغاز کردند، سازمانهای سیاسی‌تجدید شد، و قانون جدید انتخابات از طرف دولت تصویب و منتشرگردید و انتخابات مجلس دوم آغاز گردید.

**دورهٔ دوم قانونگذاری**

دومین دورهٔ قانونگذاری پس از یک سال و ٤ ماه و ۲۱ روز فترت در تاریخ ۲٤ فروردین ماه ۱۲۸۸ ش. و دوم ذیعقده ۱۳۲۷ ﻫ.ق (مطابق با ۱۵ نوامبر ۱۹۰۹ م) افتتاح یافت و نخستین جلسهٔ رسمی آن در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۲۸۸ و ٦ ذیعقده ۱۳۲۷ ﻫ.ق تشکیل گردید[۱].

انتخابات این دوره از مجلس بموجب نظامنامهٔ انتخابات مورخ ۱۲ جمادی الثانی - ۱۳۲۷ ﻫ.ق بطریق غیر مستقیم و دو درجه‌ای صورت گرفت و در برابر دورهٔ اول مجلس‌که انتخابات در انحصار طبقاتی از اجتماع بود دراین دوره سیستم صنفی ملغی گردید.

مجلس دوم با بحرانهای سخت و مشکلات ناشی از قوای خارجی، و بسی دشوار یهای

---

۱- مراد از رسمیت موقعی است‌که اعتبار نامهٔ سه ربع از نمایندگان حاضر در مرکز بتصویب رسیده باشد.

دیگر داخلی رو برو شد و در طی دوران کوتاه عمر خود با موانع بسیار گامهای بلندی در راه حفظ مشروطیت و اصلاحات داخلی برداشت.

از جمله اقدامات اساسی مجلس دوم استخدام مستشارانی که از امریکا و سوئد وفرانسه بمنظور اصلاح امور دارایی و دستگاههای اداری چون ژاندارمری و شهربانی و وزارت کشور بود در زمینهٔ فرهنگ با فرستادن دانشجوی ایرانی باروپا و امریکا خدمتی انجام داد.

یکی از کار های سودمند مجلس دوم مقاومت شدید آن در برابر تحمیلات دولتهای خارجی (روسیه و انگلیس) بود. توضیح آنکه دولت روسیهٔ تزاری که راضی باصلاحات اساسی در ایران نبود با اقداماتی که توسط خزانه دارکل ایران مستر مورگان شوستر امریکایی برای اصلاح امور دارایی انجام می گرفت مخالفت کرد و با موافقت وتبانی دولت انگلیس که در باطن با اقدامات اصلاحی شوستر، و نفوذ دولت امریکا در ایران راضی نبود در دو نوبت بایران اولیتماتوم داد تا شوستر و اتباع وی از ایران خارج شود، نوبت نخست در تاریخ ۱۴ آبان ماه ۱۲۸۹ ش. و نوبت دوم در ۱۸ آذرماه ۱۲۸۹ ش. (مطابق ۲۹ نوامبر ۱۹۱۱ م) بود دولت مزبور ایران را تهدید کرد که هرگاه با خواسته های آنها موافقت نکند قشون بایران خواهد کشید.

پذیرفتن اولیتماتوم دولت روس از طرف مجلس و دولت ایران گذشته از اینکه نقشهٔ اصلاح امور اقتصادی کشور را که شوستر باجدیت و سرعت کاملی بدان شروع کرده بوددچار وقفه و تعطیل می کرد اساس استقلال کشور را نیز متزلزل می‌ساخت و بدان آسیب فراوان می رسانید، از اینرو انتشار خبر مزبور خشم و نارضایی میهن پرستان را سخت برانگیخت وملت ایران در برابر آن از راه اعتصابات عمومی نفرت خود را نشان داد و روش مقاومت منفی در پیش گرفت و استعمال کالا های روس را تحریم کرد از اینرو نمایندگان مجلس هم در برابر خواست مردم و بمنظور حفظ استقلال و حاکمیت ملی با اولتیماتوم دولت روسیهٔ تزاری بشدت مخالفت کردند.

ولی مخالفت ملت و نمایندگان مجلس مانع از اجرای خواسته دولت روس نگردید، ناصر الملک نایب السلطنه ایران بتحریک و تهدید دولت مزبور و دیگر بیگانگان از مجلس تقاضا کرد کمیسیونی برای رسیدگی باین امر تشکیل یابد. کمیسیون مزبورکه مرکب از پنج تن از نمایندگان معمر بود در دومین جلسهٔ مشورتی خود بامرناصرالملک و تهدید روسیهٔ‌تزاری بانحلال مجلس رأی داد و در نتیجه مجلس دوم در تاریخ ۳ دیماه ۱۲۸۹ ش. مطابق با ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۹ ه.ق (۲۴ دسامبر ۱۹۱۱ م) منحل شد وگرو ههای بسیاری از نمایندگان و هیأت

دولت بفرمان نایب السلطنه بقم تبعید شدند و جراید ومطبوعات توقیف گردید.

ازوقایع مهم مقارن مجلس دوم قیام فئودالها و برادران شاه مخلوع «محمد علیشاه» درآذربایجان وکردستان و سایر نقاط ایران برضد حکومت ملی بود که بطور علنی آمادهٔ حمله بآن شده بودند ازسوی دیگر شاه مخلوع نیزکه ازطریق ایادی خود از اوضاع داخلی‌ایران با خبر بود بکمک نیرو های روسیهٔ تزاری که بایران وارد شده بودند بفعالیت پرداخت و با مساعدت و حمایت دولت مزبور رؤسای قبایل ترکمن‌را برانگیخت، و از عناصر دیگرارتجاعی نیز یاری طلبید و قشونی فراهم آورد و بسوی تهران رهسپار شد.

نیروی نجات بخش مشروطه طلبان و سوار های بختیاری وقشون دولتی بمبارزه با کردها و ترکمانان‌که لشکریان شاه مخلوع را تشکیل میدادند برخاستند، و جنگ بین گروههای ملی ونیروی محمد علیشاه و برادرانش بافتح آزادیخواهان خاتمه یافت و آخرین ضربت و لطمه شدید بامیدواری شاه مخلوع وارد آمد و با این کیفیت بار دیگر وی بارو پا گریخت.

نمایندگان مجلس دراین واقعه درتاریخ ٧ مراد ماه ١٢٩٠ ش. مطابق دوم شعبان ١٣٢٩ ه.ق (٢٩ ژوئیه ١٩١١ م.) قانونی تصویب کردندکه بموجب آن‌یکصدهزار تومان جایزه برای اعدام محمد علیمیرزا و بیست و پنج هزار تومان برای قتل برادرانش تعیین گشت با تصمیم هیأت دولت در ١٠ شوال ١٣٢٩ ه.ق (مطابق ١٤ اکتبر ١٩١١ م) مبنی برضبط اموال و املاک شاهزاده شعاع السلطنه و سالار الدوله بنفع خزانهٔ دولت موافقت‌کرد و اجرای حکم مزبور بر عهدهٔ مستر شوستر امریکایی بود ولی موضوع مزبور نیز مانند هرگونه اقدام دیگری‌که از طرف مستشار مزبور انجام میگرفت با اعتراض دولت روسیهٔ تزاری روبرو شد و بمرحله اجرا در نیامد.

قوانین مهمی‌که دراین دورهٔ مجلس بتصویب رسیده است ازاین قرار است:

١- قانون اساسی معارف در ٩ آبان ماه ١٢٩٠ ش. مطابق ١٠ ذیعقده ١٣٢٩ ه.ق بموجب این قانون کلیهٔ دستگاههای تعلیم و تربیت «دولتی و ملی» درتحت نظارت وزارت فرهنگ درآمد و نیز درضمن این قانون، تعلیمات ابتدایی درسراسرکشور برای کودکان از هفت سالگی مجانی گردید.

٢- قانون جدیدانتخابات مجلس شورای ملی‌درتاریخ ٢٩مهرماه ١٢٩٠ ش. بتصویب نمایندگان مجلس شورای ملی رسید و بموجب نظامنامهٔ آن، انتخابات بصورت مخفی ومستقیم و یکدرجه شد.

۳- قانون دیوان محاسبات عموسی سورخ ٤ اسفند ماه ۱۲۸۹ ش.

٤- قانون محاسبات عموسی سورخ ۲ اسفند ماه ۱۲۸۹ ش.

٥- قانون ثبت اسناد سورخ ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۲۹۰ ش.

٦- قانون سوقتی اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و حکام صلحیه که با سعی و کوشش مرحوم حسن پیرنیا «مشیر الدوله» وزیر عدلیه وقت تهیه شده بود در تاریخ ۲۷ تیرماه ۱۲۹۰ م ش بتصویب رسید.

برای نخستین بار در تاریخ مجلس شورای ملی تشکیلات حزبی و گرو ههای سیاسی که مولود حکومت دمکراسی بود در صحنهٔ سیاست پدید آمد و بموجب قانون اساسی دولت حق استفاده از آزادی تشکیل انجمنها را بملت اعطا کرد و احزاب سیاسی فعالیت خود را در کشمکشهای پارلمانی آغاز کردند، از آنجمله: دو حزب نیرومند یکی بنام حزب دمکرات عامیون دارای ۲۸ نماینده، و دیگری اجتماعیون اعتدالیون دارای ۳٦ نماینده در مجلس بود و نمایندگان مزبور با خط مشی ثابت و سازمان حزبی منظم و مرامنامهٔ خاص گروه متشکل حزبی خود را در مجلس دوم تشکیل دادند.

اعضای حزب اعتدال نظر بمرام و مسلک خاصی که داشتند مورد حمایت روحانیان و همچنین اعیان بودند و این گروه بانمایندگان حزب دیگری بنام اتفاق و ترقی که شمارهٔ نمایندگان آن اندك بود، و همچنین با عده ای از علمای طراز اول و چند تن از منفردان ائتلاف کردند واکثریت مجلس را تشکیل دادند. حزب مزبور بارهبری میرزا محمد صادق طباطبایی ومیرزا علی اکبر خان دهخدا و علیمحمد دولت آبادی اداره میشد.

حزب دمکرات در خارج از مجلس با عقاید انقلابی و مرام انتقادی مورد استقبال و پشتیبانی گرو ههای جوان و روشنفکر قرار گرفته بود، و نمایندگان آن در مجلس به رهبری سید حسن تقی زاده و حسینقلی خان نواب و سید محمد رضا مساوات فراکسیون اقلیت مجلس را تشکیل میدادند.

وجود این دو حزب از نظر اختلاف خط مشی سیاسی موجب تفرقه بین نمایندگان شد واینان بدشمنی و ضدیت بایکدیگر پرداختند و کاراین نفاق در مجلس بمنازعه و کشتار درخارج مجلس کشید.

**فترت**
**(بین مجلس دوم وسوم)**

پس از تعطیل مجلس دوم که بزور و تعدی عمال خارجی صورت گرفت و نمایندگان مجلس تبعید و متواری شدند، آزادیخواهان و اکثریت مردم که از اوضاع مغشوش و در هم مملکت و از دست دادن حکومت مشروطه ناراضی بودند

بهیجان آمدند و در نقاط مختلف مملکت از آنجمله: در نواحی شمالی چون آذربایجان، گیلان، و خراسان و شهرهای جنوبی بمقاومت بر ضد قشون روسیهٔ تزاری و همچنین قوای دولت انگلیس و حکومت مطلق ناصر الملک قیام کردند. در این مبارزات وقیامهای ملی با همهٔ مقاومت و سرسختی بسیاری که گروههای ملی ازخود نشان دادند باز هم شکست خوردند، روسها بادستیاری شجاع الدوله در تبریز آزاد یخواهان را تحت فشار سخت قرارداده و بقتل و عام پرداختند، از آنجمله در ایام عاشورا ثقةالاسلام را که از روحانیان معروف بود بدار آویختند و در این کشتار عدهٔ بسیاری از روزنامه نگاران و واعظان مشروطه خواه و دیگر عناصر ملی نیز بقتل رسیدند.

در مشهد فجایع روسها بشکل دیگری خودنمایی کرد، و آن بتوپ بستن حرم حضرت رضا «ع» وکشتار دسته جمعی زایران بود. عوامل فوق و حمایت کردن دولتهای خارجی از دوران فترت با ایجاد نا امنی زمینه را برای حکومت مطلق ناصرالملک برای مدت درازتری تحکیم کرد. در خلال فترت مجلس دو دولت روسیه و انگلیس در ضمن بدست آوردن امتیازاتی از ایران و دادن قرضه ای رویهمرفته بمیزان ۶۸۰۰ لیرهٔ انگلیسی بیش از پیش زنجیر های اسارت اقتصادی و سیاسی را برگردن ملت ایران بیشتر فشرده و استقلال اقتصادی و سیاسی میهن ما را دستخوش مطامع خویش کردند.

پس از آنکه احمد شاه بسن بلوغ رسید زمامداری ناصر الملک نایب السلطنه در تاریخ ۳۰ تیرماه ۱۲۹۳ ش. مطابق با ۲۷ شعبان ۱۳۳۲ هـ. ق سپری شد در حالی که پیش از سقوط فرمان انتخابات دورهٔ سوم قانونگذاری را صادر کرده بود، پس از رفتن ناصر الملک انتخابات دورهٔ سوم مجلس مطابق قانون جدید انتخابات مورخ مهر ماه ۱۲۹۰ ش. آغاز گشت.

**دورهٔ سوم قانونگذاری**

بسعی و اهتمام آزادیخواهان سومین دورهٔ قانونگذاری پس از سه سال فترت در تاریخ ۱۴ آذر ماه ۱۲۹۳ ش. (مطابق ۱۷ محرم ۱۳۳۳ هـ.ق و ۶ دسامبر ۱۹۱۴ م) توسط احمد شاه قاجار افتتاح یافت و تاریخ رسمیت این دوره از مجلس در روز ۱۹ دیماه ۱۲۹۳ ش. (مطابق با ۲۳ صفر ۱۳۳۳ هـ.ق) بود دورهٔ سوم مجلس شورای ملی بیش از یک سال دوام نیافت زیرا مواجه با جنگ جهانی اول شد و با اینکه نمایندگان مجلس بیطرفی ایران را در جنگ اعلام داشتند (دوم نوامبر ۱۹۱۴) باز هم بزودی اثرات شوم جنگ جهانی در ایران پدید آمد، انزجار و تنفر از تجاوزات و مداخلات فزون از

حد دو دولت روس و انگلیس در ایران و تمایل افکار عمومی نسبت بدولت آلمان ومتحدان او سبب شد که دو دولت روس و انگلیس بعنوان اعتراض وبمنظور جلوگیری از نفوذ بیش از حد دولت آلمان و تحریکاتی که این دولت بر ضد دو دولت مزبور می کرد بر تعداد قوای خود در ایران بیفزایند و مناطق این کشور را اشغال کنند.

حرکت قشون روسیهٔ تزاری از قزوین بطرف پایتخت و سیاست دولت وقت ایران بمنظور جلوگیری از این تهاجم وحوادث بعدی آن، موجب آن شد که عده‌ای از نمایندگان فراکسیونهای حزب دمکرات واعتدالی ومنفردان باتفاق جمعی از رجال دولت و آزادیخواهان از تهران بقم مهاجرت کنند (اول محرم ۱۳۳۴ هـ.ق) رؤسای کمیتهٔ حزب دمکرات برای ایجاد و تمرکز دادن یک نیروی ملی در مقابل تهاجم قوای دولت روسیهٔ تزاری در قم بتشکیل کمیتهٔ دفاع ملی پرداختند.

پس از تصمیم دولت دایر بتغییر پایتخت از تهران باصفهان و اعلام آن از طرف شاه بدربار لندن و پترگراد در روز هفتم محرم ۱۳۳۴ هـ.ق، انقلاب و شورشی شدید در تهران و نگرانی و اضطراب در دیگر شهرستانها بوجود آمد، گروه بسیاری از تجار و کسبه و طبقات مختلف دیگر از تهران عازم قم شدند.

نمایندگان فراکسیونهای مختلف مجلس بتدریج از قم بکرمانشاه مهاجرت کردند و پس از اشغال قم توسط سربازان روسی کمیتهٔ دفاع ملی و عده‌ای از نمایندگان مجلس که هنوز بعنوان حفظ مرکز ستاد ملی و مقابله با مهاجهان در قم باقی مانده بودند بناچار از قم بکرمانشاه و سپس بخاک عثمانی مهاجرت کردند.

با مهاجرت نمایندگان از تهران بقم که عدهٔ آنها بیش از نصف کلیهٔ نمایندگان مجلس بود ناگزیر بموجب مادهٔ ۴۹ قانون انتخابات که باید نصف عدهٔ وکلای مجلس در مرکز حاضر باشند تا جلسات مجلس تشکیل و رسمیت یابد، مجلس شورای ملی پیش از پایان دوران رسمی خود در تاریخ ۲۱ آبان ماه ۱۲۹۴ ش. (مطابق با ۶ محرم ۱۳۳۴ هـ.ق و ۱۴ نوامبر ۱۹۱۵ م) تعطیل شد.

مجلس سوم علی رغم گرفتاریهای خود طی یکسال عمر پر اضطراب و تلاطم و باوجود جنگ جهانی اول و فشارهای دولتهای متفق و مشغله های دیگر موفق شد تعدادی قوانین مهم را از تصویب بگذراند

۱- قانون تشکیلات وزارت مالیه مصوب ۱۵ خرداد ماه ۱۲۹۴ ش.

۲- قانون مالیات مستغلات مورخ ۹ شهریور ماه ۱۲۹۴ ش.

۳- قانون سربازگیری مصوب ۹ آبان ماه ۱۲۹۴ ش.

۴- قانون منع خروج طلا و نقره مصوب ۷ اردیبهشت ماه ۱۲۹۴ ش.

از اقدامات سودمند و مهم مجلس سوم اخراج مرنارد و دیگر مستخدمان بلژیکی ازمالیه ایران بود مرنارد و همکارانش پس از برکناری شوستر از مالیه ایران از آنجاکه مرعوب دو دولت روس و انگلیس بودند از قانون اختیارات ۲۳ جوزا ۱۳۲۹ بنفع دو دولت مزبوراستفاده کردند و در نتیجه با افتادن اختیار امور مالی ایران بدست بلژیکیها که در واقع مخلوق روسها بودند نقشه های اصلاحی شوستر در گمرکات و امور دارایی مملکت عقیم ماند و هر گونه اقدامی دراین زمینه موکول به رضا مندی دو دولت مزبور گردید. مجلس سوم بالغو قانون ۲۳ جوزا در تاریخ ۲۶ اسفند ماه ۱۲۹۳ ش. دست خارجیان را از گمرکات ایران کوتاه کرد.

**فترت**
**بین مجلس سوم و چهارم**

اثرات شوم جنگ جهانی اول و تعطیل مشروطیت و تضعیف قدرت مرکزی و تحریکات و نفوذ فزون از حد دولتهای خارجی همه اینها موجب نا امنی داخلی، اختلال امر حکومت و نضج حکومت خانخانی و رقابت ایلات در نواحی مختلف کشور بتحریک و حمایت دولتهای خارجی و برخاستن زمزمهٔ حکومتهای خود مختاری در صفحات خراسان و آذر بایجان و خوزستان و گیلان گردید.

جنگ داخلی روسیه و غلبه دمکراتها و نمایندگان کارگر و تغییر سلطنت روسیهٔ تزاری بحکومت کمونیستی در سیاست جهانی و بخصوص در اوضاع داخلی ایران و مناسبات آن با دولتهای خارجی بی تأثیر نبود. تخلیه ایران از قوای روس بدستور حکومت شوروی و رکودو وقفه مناسبات اقتصادی آن دولت بایران، دولت انگلیس رقیب دیرینه روسیه را برآن داشت که به بهانه های مختلف از قبیل مبارزه با یکی از دولتهای متحدین (دولت ترکیه) وهمچنین بمنظور جلوگیری از نفوذ مرام باشویک و تجاوز کمونیستها بایران، قشون خود را درقسمتهایی از خاك ایران متمرکز سازد، برای‌قبضه کردن ایران و بسط نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در این کشور، دولت را تحت فشار قرار دهد و وادار به قبول قراردادی کند که بموجب آن ایران از هر جهت جزو منطقهٔ نفوذ انگلیس‌و تحت تسلط و تفوق سیاست آن دولت درمی‌آمد.

اعلامیه قرارداد از طرف دولت وقت ( وثوق‌الدوله ) در روز ۱۸ مرداد ۱۲۹۸ ش. و مطابق با ۱۳ ذیعقدهٔ ۱۳۳۷ ه.ق و (اوت ۱۹۱۹ م) بضمیمه متن قرار داد در تحت ٦ ماده بوسیله جراید در تهران منتشر شد.

بموجب این قرار داد امتیاز راه آهن و راههای شوسه در سراسر کشور بدولت مزبور واگذار می گردید و با پرداخت وامی از طرف آن دولت مالیه و قشون ایران زیر نظر مستقیم مستشاران و فرماندهان انگلیسی اداره میشد اما انتشار مواد قرارداد با مخالفت شدید ملت ایران مواجه شد.

وثوق الدوله رئیس دولت وقت برای ارعاب و سرکوب کردن مخالفان قرار داد بدستگیری و زندانی کردن ۱۷ تن از معاریف مخالفان پرداخت و عده‌ای از رجال متنفذ را نیز ازجمله حاج میرزا حسنخان محتشم‌السلطنه ، مستشار الدوله ( صادق صادق ) میرزا اسماعیل خان ممتاز الدوله و مختار الملک تبریزی و حاج آقا محمد معین‌التجار بوشهری را بکاشان تبعید کرد .

احمد شاه نیز که دراین موقع خارج از کشور بسر میبرد در لندن از قبول این قرار داد و امضای آن‌خودداری کرد و تصدیق‌و قبول آن‌را بتصویب مجلس شورای ملی موکول کرد .

کابینهٔ وثوق الدوله عاقد این قرار داد بر اثر هیجان مردم و مخالفتهای بسیار پس از مراجعت احمد شاه بایران سقوط کرد در حالی که قسمتی از انتخابات دورهٔ چهارم مجلس را که نمایندگان آن میبایست قرار داد را امضا کنند انجام داده بود .

از وقایع مهم‌دوران فترت قیام اصلاح‌طلبان تبریز برهبری شیخ‌محمد خیابانی برضدقرارداد تحمیلی ۱۹۱۹ م . وقطع رابطهٔ تهران با آذر بایجان بود ، و این غایله با شهید شدن مرحوم خیابانی توسط مأموران‌مهدیقلی‌خان‌مخبرالسلطنه هدایت والی آذربایجان درتابستان ۱۲۹۹ ش . خاتمه یافت .

دیگر از وقایع مهم دوران فترت ، کودتای سوم اسفند ماه ۱۲۹۹ ش . ( مطابق‌با ۱۱ - جمادی‌الاخر ۱۳۳۹ ه.ق و۲۱ فوریه ۱۹۲۱ م) بودکه مقدمات تغییر سلطنت و شروع فصل جدیدی را در تاریخ ایران فراهم ساخت . این کودتا به دست عده ای قزاق بسر پرستی مردی دلیر بنام رضاخان میر پنج صورت گرفت . پس از تصرف شهر تهران و تعطیل ادارات و توقیف عده‌ای از شاهزادگان و رجال معروف کودتا کنندگان بر اوضاع مسلط شدند و روز ۶ اسفندماه ۱۲۹۹ ش . فرمان نخست وزیری سیدضیاءالدین طباطبایی مدیر روزنامه رعدکه از عاملهای کودتا بود از طرف احمد شاه صادر شد ، و در اردیبهشت ماه ۱۳۰۰ با استعفای مسعود کیهان وزیر جنگ ، رضا خان سردار سپه بسمت وزیر جنگ کابینه سید ضیاء الدین معرفی گردید . این کابینه تاچهارم‌خرداد ماه ۱۳۰۰ ش .طول کشید و دراین تاریخ پس ازانفصال سیدضیاءالدین از طرف احمد شاه سقوط کرد و سید ضیاء الدین‌از طریق قزوین ببغداد رفت و از آنجابارو‌پامسافرت کرد .

**دورهٔ چهارم‌قانونگذاری** چهارمین دورهٔ قانونگذاری پس از ۵ سال و هفت ماه و هشت روز فترت در اول تیرماه ۱۳۰۰ ش .(مطابق با ۱۰ شوال ۱۳۳۹ ه.ق و۲۱ژوین

۱۹۲۱ م) توسط احمد شاه قاجار گشایش یافت و تاریخ رسمیت آن در ۲ مرداد ماه ۱۳۰۰ ش. (مطابق ۱۰ ذیحجه ۱۳۳۹ ه.ق) بود.

انتخابات این دوره از مجلس بنا بمقتضیاتی در موعد قانونی خود وبطور منظم صورت نگرفت وبا اینکه انتخابات تهران درزمان نخست وزیری وثوق الدوله خاتمه یافته بود بازهم انتخابات در شهرستانها بتأخیر افتاد، از سوی دیگر چون انتخاب نمایندگان برخی از نواحی تحت تأثیر ونفوذ مسئولان قرار داد ۱۹۱۹ م. صورت پذیرفته بود مورد اعتماد ملت نبود و مخالفتهایی صورت گرفت مشیر الدوله نخست وزیر با اتخاذ سیاستی خاص زمینهٔ بر هم زدن قرار داد ۱۹۱۹ م. را در مجلس آینده فراهم کردودرتاریخ ۶ مرداد ماه ۱۲۹۹ ش. بیانیه‌ای مبنی برتجدیدانتخابات و مراجعه بآراء عمومی در مورد وکلای انتخاب شده در صورت نارضامندی مردم از انتخابات گذشته صادر کرد. نتیجه صدوراین بیانیه آن شد که وکلای منتخب زمان وثوق الدوله اعلامیه‌ای منتشر کردند و درضمن آن مخالفت خود را با قرار داد ۱۹۱۹ م. اعلام داشتند.

مجلس چهارم که وارث یک دوران فترت طولانی و پر اضطراب و اغتشاشات داخلی و خارجی بود بیشتر عمر خودرا در تشنج و کشمکش گذرانید.

از جمله نابسامانیهای دوران عمر مجلس چهارم، قیام ها و شورشهایی بود که دربعضی از نواحی ایران بمنظور استقلال و تشکیل حکومت خود مختاری صورت گرفت چنانکه در مناطق آذر بایجان (غربی) باقیام کردها (بسر کردکی اسمعیل آقای سمیتگو فرمانده اکراد بمنظوراستقلال کردستان) و درگیلان بوسیلهٔ مجاهدان بریاست میرزا کوچک خان جنگلی و در خراسان باقیام کلنل محمد تقی خان برای برقراری حکومت جمهوری در خراسان وضع آشفته‌ای پدید آمد و دولت در هر سه مورد پس از جنگها و تحمل خساراتی موفق شد شورشهای سه گانه را سرکوب کند و پیروزی دولت مرکزی بتدریج موجبات تمرکز دولت و اقتدار حکومت مرکزی را فراهم ساخت.

در داخل مجلس نمایندگان با تشکیل فراکسیونهای مختلف و تشکیل دو گروه اقلیت واکثریت وضع خاصی در صحنهٔ پارلمانی بوجود آوردند و بر سر مسئلهٔ وضع قوانین و اتخاذ آراء و روی کار آوردن دولتها بصف آرایی پرداختند.

اقلیت مجلس چهارم را نمایندگان وابسته بحزب سوسیالیستها تشکیل میدادند. حزب سوسیالیستها ترکیبی از لیدرهای حزب دمکرات و اعتدالی قدیم بود و مرام و مسلک این گروه جدید حزبی از نظر سیاسی متمایل بسیاست دولت شوروی بود و عقاید تند انقلابی آنها سبب شد

که روحانیان و همچنین بازاریان و بطور کلی طبقات متوسط و عامی نسبت بآنها خوش بین نباشند واغلب در صحنهٔ سیاست پارلمانی نیز طرفداران اقلیت و اکثریت مجلس به پشتیبانی نیرو های خارج از مجلس باسلاح تکفیر مذهبی و سیاسی بمبارزه با یکدیگر بر میخاستند.

اکثریت مجلس برهبری سید حسن مدرس لیدر حزب اصلاح طلبان فعالیت پارلمانی خود را با اتخاذ خط مشی سیاسی خاصی با جنبهٔ احتیاط و بی طرفی خاص در مسئلهٔ جانبداری از دولتهای خارجی شروع کرد. اصلاح طلبان با اینکه در خارج ازمجلس دارای تشکیلات وسازمان منظم حزبی با مرامنامه و اساسنامهٔ خاصی نبودند با اینهمه وجههٔ ملی داشته و طرفدارانی بسیار گرد خود آورده بودند.

اختلاف نظر و کشمکشهای داخلی بین نمایندگان اقلیت و اکثریت مجلس شورای ملی موجب تضعیف نیروی حاکم ملی گردید و بتدریج زمینهٔ اعمال قدرت و نفوذ دولتها را بیش از حدود اختیارات قانونی آنها فراهم ساخت و سیستم حکومت مشروطه را در ایران تحت الشعاع قدرت ارشادی دولت در آورد.

باید دانست که عوامل خارجی و مرتجعان داخلی مانع از انجام گرفتن اقدامات اصلاحی و سودمند ازطرف نمایندگان مجلس چهارم نگردید. نخستین اقدام پر ارزش مجلس چهارم تنظیم طرحی از طرف فراکسیون اکثریت مجلس برهبری سید حسن مدرس بود که بموجب آن قرارداد ۱۹۱۹ م. ملغی گشت و اعلامیه الغای آن نیز در تهران بصورت رسمی بدولت انگلستان تسلیم شد.

از طرف دولت نیز اقدامی مفید انجام گرفت و آن تشکیل کنفرانسی در بوشهر بمنظور انحلال دفاتر پستی خارجه (انگلستان) در تاریخ ۱۳ آذرماه ۱۳۰۱ ش. (مطابق ٥ دسامبر ۱۹۲۲ م) بود بموجب قرار داد تنظیم شده بین نمایندگان ایران و انگلیس مقرر شد که از تاریخ ۷ آذرماه ۱۳۰۱ ش. (۹ دسامبر ۱۹۲۲ م.) کلیهٔ دفاتر پستی دولتهای خارجی در ظرف دو ماه از خاک ایران برچیده شود و دولت ایران نیز بطور رسمی در تاریخ فروردین ماه ۱۳۰۲ ش. بتأسیس دوایر پست و تلگراف در بندر های جنوب و دیگر نقاطی که از پیش منطقهٔ نفوذ دولتهای خارجی بود اقدام کرد.

دیگر از جملهٔ اقدامات اصلاحی مجلس چهارم استخدام مستشاران امریکایی برای اصلاح

امور مالیه (بموجب قانون مصوب ٤ مرداد ماه ۱۳۰۱ ش.) بود.

در پاسخ تقاضای قوام‌السلطنه رئیس الوزراء وقت در مورد لایحهٔ تنظیمی نفت شمال از مجلس چهارم و درخواست جلسهٔ سری برای رسیدگی بمواد قرار داد، مجلس شورای ملی در دو جلسهٔ علنی قانون واگذاری نفت شمال را بکمپانی (استاندارد اویل) امریکایی با اکثریت قریب باتفاق در تحت ٥ ماده تصویب کرد(۳۰ عقرب آبان ۱۳۰۰ ش.). ولی پس از دو روز از تاریخ تصویب این قانون از طرف دو دولت روسیه و انگلستان اعطای این امتیاز مورد اعتراض واقع و مقدمات بی اثر گذاشتن لایحهٔ مزبور فراهم گردید.

قانون مذکور پس از مدتی در عمر همین مجلس و از طرف کابینهٔ دوم قوام‌السلطنه بار دیگر درمجلس مطرح شد وبموجب مادهٔ واحده‌ای درتفسیرمادهٔ اول قرارداد تخصیص(استاندارد اویل) به تعمیم (هر کمپانی امریکایی دیگر) تغییر واصلاح گردید (۲٥خرداد ماه ۱۳۰۲ش.) ولی باوجود همهٔ این مقدمات دولت ایران موفق بختم معاملهٔ نفت شمال واخذ نتیجهٔ نهایی از این قرار داد نشد. از جمله قوانین مهمی که دراین دوره وضع شد قوانین ذیل را باید نام برد:

۱- تصویب قانون‌فرستادن ٦۰ تن دانشجو بخارج‌ازکشور مورخ ۱۸ خردادماه ۱۳۰۱ ش.

۲- تصویب‌قانون‌ثبت‌اسنادواملاك‌مورخ ۲۱فروردین‌ماه۱۳۰۲ ش.(مصوب کمسیون‌قوانین)

۳- عقد عهد نامهٔ مودت بین دولت جدید بلشویکی‌روسیه مصوب۲۳ آذر ماه ۱۳۰۰ش.

٤- الغای کنترات مستشاران انگلیس در وزارت دارایی‌که بموجب قرار داد ۱۹۱۹م. انجام وظیفه میکردند.

٥- تقاضای عضویت ایران بجامعهٔ ملل که در تاریخ ۹ دی ماه ۱۳۰۰ بتصویب نمایندگان مجلس شورای ملی رسید.

از لوایح مفید دیگراین دوره که درکابینهٔ دوم قوام السلطنه تنظیم گردید و بمجلس‌داده شد، لایحهٔ قانونی محاکمهٔ وزراء مشتمل بر ۱۳۱ ماده میباشدکه از طرف دولت در تاریخ ۷ آبان ماه ۱۳۰۱ ش. برئیس مجلس تقدیم شد.

مجلس چهارم در تاریخ ۳۰ خردادماه ۱۳۰۲ ش. مطابق۷ ذیعقدهٔ ۱۳٤۱ ه.ق پایان یافت.

**دورهٔ پنجم قانونگذاری**

پنجمین دورهٔ قانونگذاری در تاریخ ۲۲ بهمن ماه ۱۳۰۲ ش. (مطابق با ۵ رجب ۱۳۴۲ هـ.ق و ۱۱ فوریه ۱۹۲۴ م.) افتتاح شد. تاریخ رسمیت این دوره در ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۳ ش. برابر ۹ شعبان ۱۳۴۲ هـ.ق بود.

فرمان انتخابات دورهٔ پنجم پیش از انقضای مجلس چهارم صادر و انتخابات تهران با رسمیت داشتن مجلس چهارم شروع گشت و خاتمه یافت. ولی انتخابات دیگر نقاط کشور پس از مدت قانونی و پایان یافتن مجلس چهارم بدست امرای لشکر و وزارت جنگ و گروههای متنفذ دیگر انجام پذیرفت.

دورهٔ پنجم مجلس شورای ملی و تأثیری که نحوهٔ فعالیت نمایندگان این دوره از مجلس در تاریخ ایران باقی گذاشت شایان توجه و بررسی عمیق میباشد.

فعالیت نمایندگان اقلیت واکثریت این دوره و واکنش آن دربرابر حوادث و وقایعی که بر طبق طرح و نقشهٔ اساسی رخ میداد تأثیر قابل ملاحظه ای در تغییر مسیر حکومت ایران و جریانهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آینده گذاشت. اکثریت مجلس را دراین دوره‌نمایندگان ائتلافی فراکسیون تجدد (حدود ۴۰ تن) برهبری سید محمد تدین و فراکسیون سوسیالیستها (حدود ۱۴ تن) برهبری سلیمان میرزا تشکیل میداد و در برابر این اکثریت فراکسیون اقلیت قرار داشت که بالیدری سیدحسن مدرس اداره میشد. اقلیت‌واکثریت بموجب سنت پارلمانی در برابر یکدیگر بفعالیت پرداختند و جریانات و حوادث سیاسی روز بیش از پیش مسئلهٔ ناهماهنگی نمایندگان را مطرح کرد و بحران و تشنج پدید آمده درصحنهٔ پارلمان که تحت‌تأثیر اوضاع خارج از مجلس بود درجلسهٔ پنجم سورخ ۷ اسفند ماه ۱۳۰۲ (مطابق ۱۱ شعبان ۱۳۴۲ هـ ق) بنزاع و مناقشه بین نمایندگان اقلیت و اکثریت منجر گردید و با سیلی ای که ازطرف یکی ازنمایندگان اکثریت بلیدر اقلیت سید حسن مدرس نواخته شد، زمینهٔ تظاهراتی از طرف مردم در خارج از مجلس مهیا شد.

منشأ این تظاهرات را در نهضت جمهوریخواهی برهبری سردار سپه باید جستجو کرد که در تاریخ اسفند ماه ۱۳۰۲ ش. با پشتیبانی فراکسیون اکثریت دست بکار شد. توهین به لیدر اقلیت که بسبب شخصیت بارز سیاسی و خصوصیات و امتیازات اخلاقی دارای وجههٔ ملی خاصی بود سبب شد که طبقات مختلف مردم و بازاریان با حمایت و پشتیبانی از علما تهران در صدد

مخالفت بارژیم جمهوری بر آمدند و با تشکیل اجتماعات در مسجد شاه زمینهٔ انقلاب را فراهم کردند.

در داخل مجلس نیزواکنش کتک خوردن لیدراقلیت بصورت امتناع عده‌ای‌ازنمایندگان مجلس از همکاری با اکثریت پدید آمد. پاره ای از آنها بگروه اقلیت پیوستند و عده‌ای دیگر نیزدرشمارمنفردان مجلس درآمدند: . بدین کیفیت جنبش جمهوریخواهی بعلت مخالفت‌فراکسیون اقلیت و منفردان در داخل مجلس و مخالفت علما و روحانیان و رؤسای محلی و اصناف که در تاریخ ۲ فروردین ماه ۱۳۰۲ ش. در محوطهٔ عمارت مجلس و میدان بهارستان اجتماع بزرگی تشکیل دادند بتظاهرات پرداختند عقیم و خنثی ماند.

ولی نغمهٔ مخالفت با خاندان قاجاریه با بر هم خوردن نقشهٔ جمهوریخواهی خاموش نگردید زمینهٔ برچیده شدن بساط این خاندان را عوامل مختلف بسیاری‌از هر حیث فراهم‌ساخت انعکاس مطلب در مجلس شورای ملی بصورت آشکار و علنی نخست از طرف‌یکی ازنمایندگان مجلس درجلسهٔ ۲۹ خرداد ماه ۱۳۰۳ ش. هنگام ادای مراسم سوگندکه در متن قسم نامه تحریف کردپدیدار شد. سرانجام در جلسهٔ ۹ آبان ماه ۱۳۰٤ ش. (مطابق با ۳۱ اکتبر ۱۹۲۵ م) با خلع احمد شاه قاجار بر طبق مادهٔ واحده [۱] بااکثریت ۸۰ رأی موافق درمقابل ۵ رأی مخالف سلطنت قاجاریه انقراض پیدا کردو حکومت موقتی بسردار سپه واگذار شد.

مجلس برای تعیین پادشاه و ولیعهد تأسیس مجلس مؤسسان را ضروری دانست و پیش از اختتام مجلس پنجم انتخابات مجلس مؤسسان شروع شد واین مجلس نخستین جلسهٔ خود را در ۱۵ آذر ماه ۱۳۰٤ ش. تشکیل داد و در ۲۱ آذر ماه همین سال (مطابق با ۱۳ دسامبر ۱۹۲۵ م.) در طی چهارمین جلسهٔ خود در ضمن تفسیر مواد ۳۶ و ۳۷ و ٤۰ متمم قانون‌اساسی سلطنت را با اعلیحضرت رضاشاه پهلوی و اعقاب ذکورایشان واگذاشت.

مجلس پنجم در تاریخ ۲۲ بهمن ماه ۱۳۰٤ ش. (مطابق با ۲۷ رجب ۱۳٤٤ ه.ق) خاتمه یافت. اعلیحضرت رضا شاه پهلوی در تاریخ ٤ اردیبهشت ماه ۱۳۰۵ ش. (مطابق با

---

(۱) مادهٔ واحده (مجلس شورای ملی بنام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی بشخص آقای رضا خان پهلوی واگذار- میکند. تعیین‌تکلیف قطعی حکومت موکول بنظر مجلس مؤسسان است‌که برای تغییر مواد ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ٤۰ متمم قانون اساسی تشکیل میشود)

۲۵ آوریل ۱۹۲۶ م) بطور رسمی تاجگذاری کرد.

قوانین مهمی که در دورهٔ پنجم وضع‌شده عبارت از اینها است:

۱- قانون معافیت ماشینهای صنعتی و فلاحتی از تأدیه حقوق گمرکی تا ده سال مورخ ۷ بهمن ماه ۱۳۰۳.

۲- قانون تجارت مورخ ۲۵ بهمن ماه ۱۳۰۳ ش.

۳- قانون خدمت نظام اجباری مورخ ۱۶ خرداد ماه ۱۳۰۴ ش.

۴- قانون اعطای نود هزار تومان اعتبار جهت مخارج مجلس مؤسسان مورخ ۶ بهمن ماه ۱۳۰۴ ش.

۵- قانون اعطای صد هزار تومان اعتبار برای مخارج جشن جلوس و تاجگذاری مورخ ۲۱ بهمن ماه ۱۳۰۴ ش.

۶- قانون سجل احوال مورخ ۱۴ خرداد ماه ۱۳۰۴ ش.

۷- قانون مالیات اربابی و دواب مشتمل بر ۱۸ ماده مورخ ۲۰ دی‌ماه ۱۳۰۴ ش از جملهٔ قوانین مهمی بود که جهت اصلاح امور مملکت وضع شد و بموجب این قانون مالیات اراضی بطور یکسان درسراسر کشور برقرار شد و مبنای آن جمع کل محصولی بود که میباید بوسیلهٔ ممیزی جدید تعیین گردد.

**۸ - قانون اجارهٔ انحصار دولتی قند و چای مصوب ۹ خردادماه ۱۳۰۴ بموجب این قانون خرید و فروش و صدور کلیهٔ چای و قند و شکر مملکت بانحصار دولت درآمد و بموجب همین قانون یک ملیون تومان اعتبار سرمایه برای مؤسسه «انحصار دولتی قند و چای» تعیین شد.**

**۹ - قانون مجازات عمومی مصوب ۲۳ دی‌ماه ۱۳۰۴ ش (مصوب کمیسیون عدلیه).**

## ب : عصر دوم مشروطیت

عصر دوم مشروطیت از سال ۱۳۰۵ ش. آغاز شده و تا ۱۳۲۰ ش. دوام یافته (مطابق با ۱۳۴۲ تا ۱۳۶۰ هـ.ق و ۱۹۲۶ تا ۱۹۴۱ م.) آغاز سلطنت رضا شاه پهلوی و ۷ دورهٔ قانونگذاری از دورهٔ ششم تا دورهٔ سیزدهم مجلس شورای ملی مقارن این عصر است. در این عصر نظر به ثبات سیاسی عمر مجلسها بآرامش گذشت و انتخابات هر دوره بدون فترت آغاز و در موعد قانونی خود مجلسها افتتاح میشد[۱].

(۱)- در ادوار عصر اول مشروطیت: تاریخ افتتاح شروع دورهٔ قانونی مجلس محسوب میشده است ولی از عصر دوم مشروطیت ابتدای دورهٔ قانونگذاری از تاریخ رسمیت یافتن بوده (یعنی تصویب اعتبارنامه سه ربع نمایندگان حاضر در مرکز) است.

**دورهٔ ششم قانونگذاری**

دورهٔ ششم قانونگذاری در تاریخ ۱۹ تیرماه ۱۳۰۵ ش. (مطابق ۳۰ - ذیحجهٔ ۱۳۴۴ ه.ق و ۱۹۲۶ م) توسط رضاشاه پهلوی افتتاح شد و تاریخ رسمیت آن در ۲۲ مرداد ماه ۱۳۰۵ ش برابر ۵ صفر ۱۳۴۵ ه.ق بود.

این مجلس قدمهای مفیدی در وضع قوانین اقتصادی و مالی و عقد قراردادهای سیاسی واقتصادی برداشته است از جمله اقداماتی که در زمینهٔ تشکیلات اداری و عمرانی مملکت انجام گرفته است می‌توان اینها را نام برد:

۱- آغاز ساختمان راه آهن سرتاسری ایران.

۲- وزیردادگستری وقت دراسفندماه ۱۳۰۵ ش. بموجب قانونی که در مجلس تصویب شد اجازه و اختیارات تام گرفت تا چگونگی محاکمات و استخدام اعضای عدلیه را تغییر دهد و تشکیلات پیشین وزارت دادگستری را تعطیل کند و دادگستری را از نو بنیاد نهد.

گذشته از اینها دراین دوره ادارهٔ ثبت اسناد و املاک تأسیس یافت و قوانینی برای اصلاح آن وضع شد که از جمله اقدامات سودمند اداری و اجتماعی است، همچنین تأسیس ادارهٔ آمار و وضع قوانین اصلاحی یکی دیگر از کارهای پر ارزش دورهٔ مزبور است.

از جملهٔ اقدامات مهم دیگر تهیه زمینهٔ الغای کاپیتولاسیون بود که از اهم مسایل سیاسی و قضایی کشور بشمار میرفت ولی باید دانست حق قضاوت قونسولها درایران که زائیدهٔ عهدنامهٔ ترکمانچای بین دولت ایران و روسیهٔ تزاری بود پس از انقلاب روسیه و برچیده شدن دولت استبدادی روس ابتدا در سال ۱۲۹۷ ش. در زمان نخست وزیری صمصام السلطنه بموجب تصمیم هیأت دولت در جلسهٔ مورخ شنبه چهارم اسد ۱۲۹۷ ه.ق مطابق شوال ۱۳۳۶ ه.ق طی اعلامیه ای که مبنی بر الغای کلیهٔ عهدنامه‌ها و مقاولات و امتیازات ایران با دولت روسیهٔ تزاری بود سلب شد ولی از آنجا که موجبات الغای کاپیتولاسیون از هر جهت فراهم نبوداجرای آن بتعویق افتاد تا اینکه مجدداً دولت ایران در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ ش. (مطابق با دهم مه ۱۹۲۷ م) بوسیله سفارتخانه‌های خود درکشور های آلمان و ایتالیا و بلژیک و هلند و سویس و اسپانی فسخ عهود خود را در مورد قضاوت قونسولها و مزایای اتباع خارجه در ایران اعلام داشت و مدت یک سال از تاریخ فرق یعنی تا ۱۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۰۷ ش. (مطابق دهم مه ۱۹۲۸ م) را مدت لازم برای بلااثر گذاشتن عهود مزبور تعیین کرد و نظیر

چنین اخطاری را نیز بدولتهایی که حق قضاوت قونسولها برای آن‌ها تصریح نشده بود ولی بعنوان دول کاملة الوداد از مزیای مزبور استفاده میکردند ارسال داشت.

مهمترین قوانین که دراین دوره وضع شده عبارت از اینها است:

۱- قانون اجازهٔ تأسیس بانک ملی برای پیشرفت تجارت و کشاورزی و صنعت در ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ ش.[۱]

۲- قانون اعزام محصل بخارج در ۷ خردادماه ۱۳۰۷ ش.

۳- قانون محرومیت کارمندان دولت از انتخاب شدن بنمایندگی مجلس در جلسهٔ پنجشبه ۲۲ تیرماه ۱۳۰۶ ش. تحت دو ماده.

مادهٔ اول: محرومیت کلیه رؤسای دوایر دولتی از انتخاب شدن بوکالت مجلس شوری در حوزهٔ مأموریت خود.

مادهٔ دوم: نمایندگان مجلس تا انقضای هر دورهٔ قانونگذاری از خدمات دولتی بطورموظف محروم و کارمندان دولت در صورتی میتوانند بوکالت انتخاب شوند که سه ماه قبل از انتخاب شدن بوکالت استعفا داده باشند.

۴- عقد پیمان دوستی و امنیت متقابل بین ایران و دو همسایهٔ غربی و شرقی (ترکیه و افغانستان) در ۲ اردیبهشت ماه ۱۳۰۵ ش. (مطابق ۲۲ آوریل ۱۹۲۶ م).

۵- قانون محاکمهٔ وزراء وهیأت منصفه مورخ ۱۶ تیرماه ۱۳۰۷ ش. (مصوب کمسیون عدلیه)

۶ - قانون انحصار دولتی تریاك مشتمل بر ۱۶ ماده مصوب ۲۶ تیرماه ۱۳۰۷ ش مجلس ششم درتاریخ ۲۲ مرداد ماه ۱۳۰۷ ش. (مطابق ۶ صفر ۱۳۴۷ ه.ق و ۱۳ اوت ۱۹۲۸ م) پایان یافت.

**دورهٔ هفتم قانونگذاری**

هفتمین دورهٔ قانونگذاری در تاریخ ۱۴ مهر ماه ۱۳۰۷ ش. (مطابق با ۲۱ ربیع الثانی ۱۳۴۷ ه. ق و ۶ اکتبر ۱۹۲۸ م) افتتاح شد وتاریخ رسمیت آن در ۱۴ آبان ماه ۱۳۰۷ ش. (برابر ۲۱ جمادی الاول ۱۳۴۹ ه.ق) بود.

---

۱- پس از تصویب لایحهٔ (قانون اجازه تأسیس بانک ملی ایران) و تصویب قانونی (استخدام متخصص بانکی از اتباع سویس یا آلمان (مورخ ۱۴ آبان ماه ۱۳۰۶ ش) و همچنین تصویب اساسنامهٔ بانک مورخ ۱۴ تیرماه ۱۳۰۷ ش درکمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی: بانک ملی در تاریخ ۱۷ شهریور ماه ۱۳۰۷ (ش) (مطابق با ۸ سپتامبر ۱۹۲۸ م) با سرمایهٔ بیست میلیون ریال شروع بکار کرد.

مهمترین قوانینی که در این دوره وضع شده عبارت از اینها است:

۱- قانون منع خرید و فروش برده در خاك ایران و آزادی برده در موقع ورود بمملکت مورخ ۱۸ بهمن ماه ۱۳۰۷ ش.

۲- قانون اتحاد شکل لباس مورخ ۶ دی ماه ۱۳۰۷ ش.

۳- قانون اجازه تأسیس بانک فلاحتی مشتمل بر ۱۶ ماده مصوب ۹ شهریورماه ۱۳۰۹ ش

از اقدامات مفید این دوره در تعقیب گشایش بانک ملی ایران اعطای اجازه نشراسکناس ببانک مزبوربود که بموجب قانون اجازهٔ مبادله ضمیمه نمرهٔ ۵ استیازنامهٔ بانک شاهنشاهی ایران (لغو اسکناس بانک شاهنشاهی) نشر اسکناس از بانک مزبور پس گرفته شد (مورخ خردادماه ۱۳۰۹ ش.) و بموجب این قانون حق نشر اسکناس که از مهمترین وسایل هدایت اقتصادی بود پس از ۴۳ سال که دراختیار بیگانان قرار داشت بملت ایران باز داده شد.

هفتمین دورهٔ مجلس شورای ملی در تاریخ اول آبان‌ماه ۱۳۰۹ ش. (مطابق ۳۰ جمادی الاول ۱۳۴۹ ه.ق و برابر با ۲۳ اکتبر ۱۹۳۰ م) پایان‌یافت.

**دورهٔ هشتم قانونگذاری**

هشتمین دورهٔ قانونگذاری در تاریخ ۲۴ آذرماه ۱۳۰۹ ش. (مطابق ۲۳ رجب ۱۳۴۹ ه ق و ۱۵ دسامبر ۱۹۳۰ م) افتتاح شد و تاریخ رسمیت آن در ۲۰ دی ماه ۱۳۰۹ ش. برابر ۲۰ شعبان ۱۳۴۹ ه. ق) بود.

مهمترین قوانین این دوره که بتصویب مجلس رسیده بدین شرح بوده است:

۱- قانون مربوط بتصرف عدوانی و استرداد املاك مورخ اردیبهشت ماه ۱۳۰۹ ش.

۲- قانون واگذاری انحصار تجارت خارجی مملکت بدولت و متمم آن مصوب ۶ و ۲۰ اسفند ماه ۱۳۰۹ ش.

۳- قانون راجع بورود و اقامت اتباع خارجه درایران مصوب ۱۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۰

۴- قانون ممنوعیت‌مالکیت ارضی برای بیگانگان مصوب ۱۶ خرداد ماه ۱۳۱۰ ش.

۴- در تاریخ ۶ آذرماه ۱۳۱۱ ش. (برابر با ۲۷ نوامبر ۱۹۳۲ م.) وزیر دارایی وقت لغو امتیاز نامهٔ دارسی و حاضر بودن دولت را برای پذیرفتن قرار داد جدید اعلام کرد و مجلس شورای ملی در تاریخ پنجشنبه ۱ آذرماه ۱۳۱۱ ش (مطابق با ۱ دسامبر ۱۹۳۲ م) نظریهٔ‌دولت راتأیید کرد ولغو آن را بتصویب رسانید.

ازاقدامات مفید این دوره می‌توان اینها را یاد آوری کرد:

تحویل گرفتن خطوط تلگرافی از شرکت هند و اروپا وگشایش تلگراف بیسیم :

دورهٔ هشتم مجلس شورای ملی در تاریخ ۲۴ دی ماه ۱۳۱۱ ش. (برابر با ۱۷ رمضان ۱۳۵۱ ه.ق و ۱۴ ژانویه ۱۹۳۳ م) پایان یافت.

**دورهٔ نهم قانونگذاری**

نهمین دورهٔ قانونگذاری در ۲۴ اسفند ماه ۱۳۱۱ ش ( برابر با ۱۸ ذیعقده ۱۳۵۱ ه. ق و ۱۹ مارس ۱۹۳۳ م) افتتاح یافت وتاریخ رسمیت آن در ۲۴ فروردین ماه ۱۳۱۲ برابر ۱۷ ذیحجه ۱۳۵۱ ه. ق بود.

از جمله اقدامات اساسی و مفیدی که دراین دوره انجام گرفت: افتتاح دانشگاه تهران بود که در تاریخ ۸ خرداد ماه ۱۳۱۳ قانون آن بتصویب مجلس شورای ملی رسید و در تاریخ ۱۵ بهمن ماه ۱۳۱۳ ش. بطور رسمی گشایش یافت.

دراین دورهٔ مجلس در دنبالهٔ لغو امتیاز نامه دارسی و شکایت دولت انگلستان بشورای جامعهٔ ملل مذاکراتی میان دولت ایران و انگلستان در بارهٔ امتیاز شرکت نفت ایران و انگلیس انجام یافت و امتیاز نامهٔ جدید شرکت بر حسب تمایل دولت انگلستان از طرف وزیر دارایی وقت برای تصویب به مجلس شورای‌ملی‌تسلیم شد و مجلس‌نیز در تاریخ ۷ خردادماه ۱۳۱۲ ش. ( برابر ۱۹۳۳ م) مفاد آن امتیاز نامه را بتصویب نمایندگان‌رسانید.

قوانین مهمی که دراین دوره از مجلس گذشت بدین شرح بوده است:

۱- قانون فروش خالصه ها و قرضه های فلاحتی و صنعتی مورخ ۱۷ دی ماه ۱۳۱۲ ش.

۲- قانون الغای مالیات ارضی و دواب مورخ ۲۴ آذر ماه ۱۳۱۳ ش.

و نیز بموجب قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۲ ش. تعلیمات ابتدایی از اول فروردین ماه ۱۳۱۲ در سراسر کشور مجانی گردید.

دورهٔ نهم مجلس شورای ملی در تاریخ ۲۱ فروردین ماه ۱۳۱۴ ش. (مطابق‌با ۷ محرم ۱۳۵۴ ه. ق و ۱۱ مارس ۱۹۳۵ م) پایان یافت:

**دورهٔ دهم قانونگذاری**

دهمین دورهٔ قانونگذاری روز پنجشنبه ۱۵ خرداد ماه ۱۳۱۴ ش. ( برابر با ۴ ربیع الاول ۱۳۵۴ ه. ق و ۶ ژوین ۱۹۳۵ م ) افتتاح شد

وتاریخ رسمیت آن در ٢٢ خرداد ماه ١٣١٤ ش برابر ١١ ربیع الاول ١٣٥٤ ه.ق بود.

آغاز مذاکرات عقد پیمان سعد آباد میان چهار دولت (ایران ، ترکیه ،افغانستان وعراق) دراین دورهٔ مجلس صورت گرفت و در تاریخ ١٨ تیرماه ١٣١٦ ش. (مطابق با٩ ژوئیه ١٩٣٦م) پیمان بسته شد و مذاکرات خاتمه یافت.

آزادی بانوان (کشف حجاب) دراین دوره از مجلس بتاریخ ١٧ دی ماه ١٣١٤ ش. روی داد.

درپانزدهم بهمن ماه ١٣١٥ ش. (مطابق با ژانویه ١٩٣٧م) قانونی بتصویب مجلس شورای ملی رسید که بموجب آن حق انحصار و تفتیش و استخراج نفت در قسمتی از شرق و شمال شرق ایران برای مدت شصت سال بشرکت نفت ایران و آمریک « امیرانین » واگذار میگردید و در تاریخ ١٨ بهمن ماه ١٣١٥ ش. قانون اجازهٔ ساختن ونگاهداری لولهٔ حمل نفت بشرکت لولهٔ نفت ایران بتصویب مجلس رسید. مقصود ازاین قرار داد اعطای اجازه بشرکت امیرانین برای حمل نفت افغانستان در لوله های خود و پرداخت سه پنس « ربع شلنیگ » برای هر تن نفت بدولت ایران بود. شرکت امیرانین پس از دو سال کاوش از ادامهٔ عملیات خود صرف نظر کرد.

از جمله قوانین مهمی که دراین دورهٔ مجلس وضع شده است عبارتند از:

قانون کدخدایی سورخ ٢٠ آذر ماه ١٣١٤ ش. بود که بموجب آن کدخدا در حوزهٔ مأموریت خود نمایندهٔ مالک و مسئول اجرای قوانین و نظامنامه های دولت گردید.

دهمین دورهٔ مجلس شورای ملی در ٢٢ خرداد ماه ١٣١٦ ش (مطابق با ٣ ربیع الثانی ١٣٥٦ ه.ق و ١٩٣٨م) پایان یافت.

**دورهٔ یازدهم قانونگذاری**

یازدهمین دورهٔ قانونگذاری در ٢٠ شهریور ماه ١٣١٦ ش. (مطابق با ٥ رجب ١٣٥٦ و ١١ سپتامبر ١٩٣٨ م) افتتاح شد و تاریخ رسمیت آن ٢٧ شهریور ماه ١٣١٦ ش. برابر ١٢ رجب ١٣٥٦ ه.ق بود.

ازجملهٔ وقایع این دوره: وقوع جنگ جهانی دوم ، و اعلام بیطرفی دولت ایران بود مهمترین قوانینی که دراین دوره از مجلس گذشت :

١- قانون روابط مالک و زارع است که از قوانین عمده و اساسی است و در جلسهٔ ٢٥

شهریور ماه ۱۳۱۸ ش. تحت عنوان (تعیین سهم مالک وزارع نسبت بمحصول زمینهای زراعتی) بتصویب نمایندگان مجلس رسید.

۲- قانون آئین دادرسی مدنی (اصول محاکمات مدنی) مصوب ۲۵ شهریور ماه ۱۳۱۸ ش.

در این دورهٔ مجلس در تفسیر اصل ۳۷ متمم قانون اساسی «موضوع کلمه ایرانی الاصل» مادهٔ واحده ای در جلسهٔ ۱۴ آبان ماه ۱۳۱۷ ش. بتصویب مجلس ایران رسید و بموجب آن در جلسه ۸ آذر ماه قانونی مشتمل بریک ماده از تصویب مجلس گذشت دایر براینکه بوالاحضرت فوزیه دختر ملک فؤاد و خواهر پادشاه مصر صفت «ایرانی الاصل» اعطا کرد و والا حضرت مذکور بهمسری ولیعهد وقت «اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی» در آمد.

قانون عمران مصوب ۲۰ آبان ۱۳۱۶ ش.

قانون خدمت نظام وظیفهٔ عمومی مصوب ۲۹ خرداد ۱۳۱۷ ش.

قانون تقسیمات کشور و وظایف فرمانداران و بخشداران مصوب ۱۶ آبان ۱۳۱۶ ش.

قانون سرشماری مصوب ۱۰ خرداد ماه ۱۳۱۸ ش.

قانون اجازهٔ فروش خالصجات اطراف تهران مصوب ۲ آبان ماه ۱۳۱۶ ش.

دورهٔ یازدهم قانون گذاری در تاریخ ۲۷ شهریور ماه ۱۳۱۸ ش. (برابر با ۴ شعبان ۱۳۵۸ ه.ق و ۱۹۳۹ م) پایان یافت.

## دورهٔ دوازدهم قانونگذاری

دوازدهمین دورهٔ قانونگذاری در تاریخ ۳ آبان ۱۳۱۸ ش. (مطابق با ۲۱ رمضان ۱۳۵۸ ه.ق و ۳۱ اکتبر ۱۹۳۹ م) افتتاح و تاریخ رسمیت آن در ۹ آبان ماه ۱۳۱۸ ش. (برابر ۱۹ رمضان ۱۳۵۸ ه.ق) بود.

دراین دورهٔ مجلس بعلت بروز جنگ جهانی دوم تحولات گوناگون در اوضاع اجتماعی و اقتصادی و امور سیاسی کشور پدید آمد هزینهٔ زندگی بیش از حد ترقی کرد و مشکلات اقتصادی بیشماری پیش آمد.

در تاریخ سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ ش. وزیر مختار دولت انگلیس و سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی بملاقات نخست وزیر وقت رفتند و ببهانهٔ مداخلات دولت آلمان در امور ایران و وجود اتباع آلمانی دراین کشور و نا امنی حاصل از آن، ورود ارتشهای خود را بخاک ایران

باطلاع دولت وقت رساندند ، نواحی شمالی و شمال شرق و غرب و جنوب غربی با اعلام بیطرفی ایران از طرف لشکریان دولتهای متفق اشغال گردید .

در تاریخ ۸ شهریور ماه ۱۳۲۰ ش. حکومت نظامی اعلام شد، پس از اشغال خاک ایران از طرف ارتشهای خارجی ودگرگونی اوضاع هیجان و انقلابی در افکار عمومی طبقات مختلف مردم پدید آمد وطبقهٔ ناراضی از حکومت وقت را برآن داشت که از عملیات و اقدامات گذشته انتقاد کنند، این انتقادات نخست از طرف نمایندگان ناراضی مجلس شورای ملی شروع گشت و رفته رفته بسایر طبقات ملت سرایت کرد از قبیل مدیران جراید و روشنفکرانی که در گذشته تحت فشار سخت قرار گرفته بودند و همچنین رؤسای طوایف و عشایر و ایلات ، و صاحبان قدرت ونفوذ محلی که بسبب قدرت مرکزی از آنها سلب خود مختاری شده بود جرأت بخشید که آزادانه خرده گیریهای خود را برزبان آورند .

در جلسهٔ فوق‌العادهٔ سه شنبه ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ ه.ق مجلس‌شورای ملی ، هیأت دولت جدید در مجلس حضور یافت و نخست وزیر وقت استعفای اعلیحضرت رضا شاه پهلوی را ازمقام سلطنت قرائت و سلطنت محمد رضا پهلوی ولیعهد را اعلام داشت و اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی درجلسهٔ چهارشنبه ۲۶ شهریور ماه ۱۳۲۰ ش. سوگند نامهٔ خودرادر مجلس‌شورای ملی «مبنی بر حفظ استقلال ایران و رعایت اصول قوانین مشروطیت » قرائت فرمودند .

اعلیحضرت شاه سابق پس از بیست سال زمامداری که چهار سال آن در پستهای وزارت جنگ و نخست وزیری و فرماندهی کل قوا و ریاست موقت دولت بودند و ۱۶ سال آن مقام سلطنت را بر عهده داشتند در روز سه شنبه ۲۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ ش. با عده ای از افراد خاندان سلطنت ایران را ترک کردند .

پنجشنبهٔ ۲۷ شهریور ماه ۱۳۲۰ فرمان عفو عمومی بموجب مادهٔ ۵۵ قانون کیفر عمومی صادرگردید ، و بموجب این فرمان بدولت اجازه داده شد نسبت بکسانی که بخشودگی آنها طبق مادهٔ ۵۴ قانون کیفر عمومی نیاز به تصویب قانون خاصی دارد ، وزارت دادگستری لایحهٔ آن را تهیه و بمجلس شورای ملی پیشنهاد کند تا پس از تصویب آن را بمرحلهٔ اجرا بگذارد .

در جلسهٔ سه شنبه اول مهرماه لایحهٔ الغای قانون ریاست عالیه کل قوا مصوب ۲۵ بهمن

ماه ۱۳۰۳ که از امتیازات اعلیحضرت شاه سابق بود از طرف وزیر دادگستری بمجلس تقدیم شد و بتصویب نمایندگان رسید.

مجلس دوازدهم بتاریخ ۹ آبان ماه ۱۳۲۰ ش. (مطابق ۹ شوال ۱۳۶۰ ه.ق و ۱۹۴۱ م) پایان یافت.

## ج ـ عصر سوم مشروطیت

**دورهٔ سیزدهم قانونگذاری**

سیزدهمین دورهٔ قانونگذاری در تاریخ ۲۲ آبان ماه ۱۳۲۰ ش. (مطابق ۲۳ شوال ۱۳۶۰ ه.ق و ۱۲ نوامبر ۱۹۴۱ م) توسط اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی افتتاح شد. و تاریخ رسمیت آن اول آذر ماه ۱۳۲۰ ش. برابر ۲ ذیعقده ۱۳۶۰ ه.ق بود.

انتخابات این دورهٔ مجلس در اواخر عمر دورهٔ دوازدهم قانونگذاری و در زمان سلطنت اعلیحضرت رضا شاه فقید صورت گرفت. ازاین نظر پس از استعفای اعلیحضرت شاه سابق برخی از نمایندگان مجلس و گروههایی از مردم از مقامات رسمی تقاضا کردند که انتخابات دورهٔ سیزدهم تجدید شود، ولی بنا بمقتضیات زمان مجلس سیزدهم با نمایندگان منتخب پیشین افتتاح شد.

یکی از اقدامات اساسی و مهم این دورهٔ مجلس این بود که برای تنظیم امور مالی و درآمد دولت اختیارات نا محدودی به میلسپو مستشار امریکایی اعطا کرد، وی درگذشته نیز مدت شش سال بهمین سمت درایران مشغول کار بوده است.

اقدام دیگر بموجب قانون مصوب ۶ بهمن ماه ۱۳۲۰ ش. پیمان دوستی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولتهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و پادشاهی انگلستان منعقد ـ گردید

اعلام جنگ دولت ایران بدولت آلمان از طرف نخست وزیر وقت در جلسهٔ پنجشنبه ۲۷ شهریور ماه ۱۳۲۲ ش. (مطابق با ۸ رمضان ۱۳۶۲ ه.ق و ۲۹ سپتامبر ۱۹۴۳ م) بمجلس شورای ملی تسلیم گردید و بتصویب نمایندگان رسید.

در دنبالهٔ عقد قرارداد مودت بین دولت ایران و دولتهای متفق، کنفرانس سران سه

دولت متفق ، امریکا و انگلیس و روسیه از روز ٥ آذر ماه ۱۳۲۲ ش . (مطابق با ۲۷ نوامبر ۱۹٤۳ م) در تهران تشکیل شد و پس از خاتمه کنفرانس که مدت پنج روز بطول انجامید ،از سه دولت متفق طرح متن قرارداد سه جانبه مبنی بر تضمین کمک اقتصادی با یران و شناسایی تمامیت ارضی و استقلال سیاسی و حاکمیت ایران امضا شد و اعلامیهٔ آن بوزیر امور خارجهٔوقت ایران تسلیم گشت .

قوانین مهمی که دراین دورهٔ مجلس بتصویب رسیده است:

۱- تصویب قانون تعلیمات اجباری عمومی مورخ ٦ مرداد ماه ۱۳۲۲ ش

۲- اجازه صدور تزاید اسکناس بموجب قانون چاپ و نشر هشتصد ملیون ریال اسکناس .

۳- اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۳ دی ماه ۱۳۲۱ ش

٤- قانون دعاوی اشخاص نسبت باملاك واگذاری مصوب ۱۲ خرداد ماه ۱۳۲۱ ش .

٥ - قانون بیمه کارگران دولتی و غیر دولتی مصوب ۲۹ آبان ماه ۱۳۲۲

دراین دورهٔ مجلس احزاب و دسته‌های سیاسی به پشتیبانی‌و تقویت برخی‌از نمایندگان مجلس بوجود آمد، روزنامه ها و مطبوعات آزاد و بر تعداد آنها افزوده گردید:

مجلس سیزدهم در تاریخ اول آذر ماه ۱۳۲۲ ش ( برابر با ۲٤ ذیعقده ۱۳٦۲ هـ. ق ۲۳ نوامبر۱۹٤۳ م ) پایان یافت:

**دورهٔ چهاردهم قانونگذاری**

چهارد همین دورهٔ قانونگذاری در تاریخ ٦ اسفند ماه ۱۳۲۲ ش ( مطابق با اول ربیع الاول ۱۳٦۳ هـ.ق و ۲٦ فوریه ۱۹٤٤ م ) افتتاح یافت و تاریخ رسمیت آن ۲۱ اسفند ماه ۱۳۲۲ ش برابر ۲۷ ربیع الاول ۱۳٦۳ هق بود

انتخابات دورهٔ چهاردهم مجلس هنگامی صورت گرفت که نیرو های نظامی کشور های متفق در ایران بودند و احزاب و دسته های سیاسی که پس از وقایع شهریور ماه ۱۳۲۰ ش. بامرامهای مختلف سیاسی متأثر از اوضاع روز بوجود آمده بودند بفعالیت سیاسی پرداختند و در انتخابات نیز مجدانه فعالیت میکردند. ازسوی دیگر عوامل متنفذ داخلی نیز خواه ناخواه چون دورهٔ سیزدهم انتخابات را تحت سلطه و قدرت خود داشتند.

نمایندگان دورهٔ چهاردهم تحت تأثیر اوضاع اجتماعی و سیاسی روز در ضمن تشکیل گرو هها و فراکسیو نهای مختلفی با خط مشی سیاسی خاص و گاه با روشها و عقاید افراطی ،

فعالیت پارلمانی خود را آغاز کردند . در این دورهٔ مجلس حزب متشکل سیاسی توده ( حزب کمونیست ) توانست در انتخابات پارلمانی شرکت کند و ۸ تن کاندیداهای خود را بمجلس شورای ملی بفرستد .

نکتهٔ شایان توجه دراین دوره شرکت رجال و عناصری بود که درتمام دوران عصر دوم مشروطیت از صحنهٔ سیاست رانده شده بردند ، از قبیل سید ضیاءالدین طباطبائی عامل کودتای ۱۲۹۹ ش و نخست وزیر کابینهٔ مزبور که مدت ۲۲ سال دور ازوطن بسر میبرد . وی با کمک دولت وقت بعنوان نمایندهٔ مردم شهرستان یزد انتخاب گردید . همچنین دکتر محمد مصدق نیز که با اقامت در ایران ، درعصر دوم مشروطیت از صحنهٔ سیاست خارج بود در این دوره بعنوان نمایندهٔ اول از طرف مردم تهران انتخاب گردید .

حوادث سیاسی و عوامل مختلف دیگر بتدریج درداخل مجلس تفکیک دوگروه اکثریت واقلیت را موجب گردید ، اقلیت مجلس برهبری دکتر محمد مصدق وهمراه با فراکسیون حزب توده وعناصرافراطی دیگر برهبری کمیتهٔ مرکزی حزب توده (ازمیان ۱۱ نفر عضو کمیتهٔ مرکزی حزب توده ۶ نفر آنها بنمایندگی مجلس برگزیده شده بودند) درمقابل اکثریت مجلس برهبری کسانی همچون سید ضیاءالدین طباطبایی و دکتر طاهری و جلیلی قرار گرفت .

مجلس چهاردهم بیشتر عمر خود را با تشنجات داخلی ناشی از اختلاف عقیده و عدم تجانس و سلیقهٔ گروههای فوق و همچنین تحریکات دولتهای خارجی گذرانید . ولی بایددانست که با وجود کیفیات فوق توانست تا حدی قدمهای مؤثر و مفیدی بردارد .

از جمله قوانین مهم دورهٔ چهاردهم باید از قوانین زیر نام برد :

۱ ـ لغو اختیارات دکتر میلسپو رئیس کل دارایی مورخ ۱۸ دی ماه ۱۳۲۳ ش .

۲ ـ طرح پیشنهاد دولت شوروی برای اعطای امتیاز نفت شمال بآن کشور از طرف هیأت دولت در جلسهٔ ۲۷ مهرماه ۱۳۲۳ ش . مطرح شد و با وجود کوششهایی که از طرف موافقان واگذاری امتیاز نامهٔ نفت شمال بدولت روسیهٔ شوروی انجام گرفت نمایندگان مجلس درجلسهٔ ۱۱ آذر ماه ۱۳۲۳ ش . قانون ممنوعیت دولت را از مذاکره و عقد قرارداد راجع بامتیاز نفت با خارجیها بتصویب رساندند .

۳ ـ درجلسهٔ ۱۹ مهرماه ۱۳۲۴ ش . طرح تحریم انتخابات دورهٔ پانزدهم تا زمانی که

کشور از نیروی دولتهای متفق تخلیه نشده است ، با توافق نمایندگان اکثریت تقدیم مجلس شد و بتصویب رسید، بموجب این طرح انتخابات دورهٔ پانزدهم بتعویق افتاد و نخستین فترت در عصر سوم مشروطیت بمدت یک سال و چهار ماه و یک روز پیش آمد .

از جمله وقایع مهمی که در این دورهٔ مجلس روی داد واقداماتی که مجلس و دولت در برابر آن انجام دادند غایله آذربایجان و قیام سید جعفر پیشه‌وری از نمایندگان آذربایجان بود که پس از رد شدن اعتبارنامه‌اش در مجلس شورای ملی به آذربایجان رفت و در آنجا فرقهٔ دموکرات را تشکیل داد و در آذرماه ۱۳۲۴ ش . حکومت خود مختاری را با پشتیبانی دولت اتحاد جماهیر شوروی اعلام کرد . در کردستان نیز کردها بسرکردگی قاضی محمد اعلام استقلال کردند . پیشه‌وری با تشکیل کنگره‌ای ملی بنام مجلس مؤسسان و تنظیم نظامنامهٔ خاص که بتصدیق اعضای کنگرهٔ ملی رسیده بود برای تشکیل حکومت خود مختاری براساس دمکراسی بتشکیل مجلس ملی آذربایجان پرداخت . دولت عده‌ای از نیروهای انتظامی را برای برقراری امنیت درنواحی آذربایجان تجهیز کرد ولی ارتش شوروی مانع شد که قوای مزبور از شریف آباد قزوین جلوتر بروند .

بموجب تقاضای دولت ایران مبنی برخارج شدن ارتش خارجی ازایران ( ۲۱ شهریورماه ۱۳۲۴ ش . مطابق با ۱۱ سپتامبر ۱۹۴۶ م) دولت امریکا درآبان‌ماه ۱۳۲۴ ش . و دولت انگلیس در اسفند ماه ۱۳۲۴ ش . نیروهای خود را از ایران خارج کردند . ولی نیروهای دولت روسیهٔ شوروی برخلاف قرار داد سه جانبهٔ کنفرانس تهران ، ایران را ترک نگفتند . نمایندهٔ ایران در سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۹ دی‌ماه ۱۳۲۴ ( ۱۹ ژانویه ۱۹۴۶ میلادی) بموجب اصل ۳۵ منشور ملل متحد از سازمان ملل تقاضا کرد که شورای امنیت بقضیهٔ ایران و شوروی رسیدگی کنند . شورای امنیت نیز در تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۲۴ ( ۳۰ ژانویهٔ ۱۹۴۶ م . ) قطعنامه‌ای صادر و به ایران وشوروی توصیه کرد که برای رفع اختلاف مذاکرات مستقیم را با یکدیگر شروع کنند و شورای امنیت را در جریان بگذارد .

قوام السلطنه نخست وزیر وقت برای انجام گرفتن مذاکرات مستقیم با دولت شوروی بآن کشور مسافرت کرد وچون باپیشنهاد شش ماده‌ای آن دولت مبنی بر برسمیت شناختن خودمختاری آذربایجان ازطرف دولت ایران وامتیاز تأسیس شرکت مختلط نفت ایران و شوروی برای استخراج

نفت شمال و جزاینها موافقت حاصل نشد هیأت نمایندگی ایران پس از تسلیم اعتراضنامه بدولت شوروی بایران بازگشت.

پس از بازگشت هیأت نمایندگی ایران ، حزب توده و جراید طرفدارآن در ضمن تبلیغات دامنه دار خود دولت را بقبول پیشنهاد های دولت اتحاد جماهیر شوروی ترغیب و مردم را مرعوب می ساخت. دولت ایران شکایت مجدد خودرا در مورد مداخلهٔ اجانب در امور داخلی ایران در تاریخ ۱۷ مارس ۱۹۴۶ بشورای امنیت بااکثریت نه رأی در مقابل دو رأی ممتنع تصمیم گرفت قضیهٔ ایران در دستور شوری باقی بماند.

در تاریخ ۱۵ فروردین ماه ۱۳۲۵ ش. ( برابر با ٤ آوریل ۱۹٤٦ )در ایام فترت موافقت نامه ای بین قوام السلطنه نخست وزیر وقت و سادچیکف سفیر شوروی درسه بند زیر امضا شد.

۱- تخلیه ایران از قوای شوروی، ۲- قرارداد ایجاد یک شرکت مختلط نفت ایران و شوروی که شرایط مندرج آن از تاریخ ۲٤ مارس تا انقضای هفت ماه برای تصویب بمجلس پانزدهم پیشنهاد شد، ۳- دراین موافقتنامه مسألهٔ آذربایجان بصورت اتخاذ رویهٔ مسالمت آمیز از طرف دولت ایران نسبت باهالیآذربایجان و مداخله نکردن دولت اتحاد جماهیر شوروی درسرکوب حکومت خود مختاری پیشه وری پیش بینی شده بود.

با این کیفیت دولت ایران در ایام فترت از راه مذاکرات سیاسی و تعقیب آن در سازمان ملل متحد موفق شدکه دولت اتحاد جماهیر شوروی را وادار سازد تا در تاریخ اول خردادماه ۱۳۲۵ ﻫ.ق نیروهای خودرا احضار کند و در آذر ماه ۱۳۲۵ نیزبا گسیل کردن سپاه بآذربایجان برای سرکوب متجاسران حکومت خود مختاری آذربایجان خاتمه پذیرفت. پیشه‌وری با سران حکومت خود بروسیه گریخت و غایله کردستان نیز با اعدام قاضی محمد و برادران وی پایان یافت. وزمینه برای انتخابات دورهٔ پانزدهم مجلس شورای ملی آماده گردید.

**دورهٔ پانزدهم قانونگذاری**

پانزدهمین دورهٔ قانونگذاری پس از یک فترت طولانیدر تاریخ ۲۵ تیر ماه ۱۳۲۶ ش. (مطابق با ۲۸ شعبان ۱۳۶۶ ﻫ.ق و ۱۷ ژوئن ۱۹٤۷ م) افتتاح شد. و تاریخ رسمیت آن ٦ مرداد ماه ۱۳۲٦ ش. برابر ۱۱ رمضان ۱۳۶۶ ﻫ.ق بود.

قوانین مهمیکه دراین دورهٔ مجلس بتصویب رسیده است عبارت اند از:

١- در جلسهٔ ٢٩ مهرماه ١٣٢٦ ش. طرحی از طرف جمعی از نمایندگان تحت عنوان مادهٔ واحده بقید دو فوریت بمجلس تقدیم شد و بموجب آن بند ٢ و ٣ موافقتنامهٔ سادچیکف و قوام مورخ ١٥ فروردین ماه ١٣٢٥ ش. در باب ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی باکثریت قریب باتفاق نمایندگانی که انتخابشان تحت تأثیر چنین موافقتنامه‌ای صورت گرفته بود رد شد (درجلسه ٣٠ مهرماه ١٣٢٦ ش.) و نیز بموجب همین قانون مجلس شورای ملی استیفای حقوق ملت را در بارهٔ منابع ثروت کشور از آن جمله نفت جنوب بعهدهٔ دولت محول ساخت و در واقع مجلس با تصویب این قانون اعلام کرد که قرار داد ١٩٣٣ برخلاف مصالح کشور وتضییع حقوق ملی ایران بوده است و دولت باید در صدد اصلاح و رفع این تضییع برآید.

٢- مطرح شدن قرار داد الحاقی «گس وگلشاییان» توسط گلشاییان نمایندهٔ تام الاختیار دولت در تاریخ ٢٨ تیرماه و ارجاع آن بکمیسیونهای دارایی و پیشه و هنر و تصویب آن در کمیسیونهای مربوط بدان ولی این لایحه در موقع مطرح شدن گزارش کمیسیو نهای ارجاعی در جلسهٔ عمومی مجلس شورای ملی با مخالفت نمایندگان اقلیت مجلس روبرو شد ونمایندگان مزبور در ضمن مذاکرات مخالفت آمیز خود در اطراف نفت جنوب از طریق دفع الوقت کردن مانع بتصویب رسیدن لایحه قرار داد جدید «گس وگلشاییان» گردیدند.

٣- نظر بسوء قصدی که در واقعهٔ پانزدهم بهمن ماه ١٣٢٧ نسبت باعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی در محیط دانشگاه انجام گرفت لایحهٔ غیر قانونی بودن حزب توده با استناد باصل ٢١ متمم قانون اساسی در مجلس مطرح و بتصویب نمایندگان مجلس شورای ملی رسید. و دنبالهٔ این سوء قصد تشنجات سیاسی عظیمی بوجود آورد که موجب برقراری حکومت نظامی و تشکیل مجلس مؤسسان شد.

مجلس مؤسسان در تاریخ اول اردیبهشت ماه ١٣٢٨ افتتاح گردید و از اهم اقدامات آن تجدید نظر در مواد ٤٨ قانون اساسی و تأسیس مجلس سنا بود.

دیگر از قوانین مهم موضوعه ایندورهٔ مجلس قانون بازگشت املاک اعلیحضرت شاهنشاه فقید به مالکیت اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی مورخ ٢ تیرماه ١٣٢٨ ش. قانون اجازهٔ اجرای موقت برنامهٔ هفت ساله مصوب ١٣ تیرماه ١٣٢٨ ش.

قانون تأسیس دانشگاههای شهرستانها مصوب ۳ خرداد ماه ۱۳۲۸ ش.

مجلس پانزدهم در تاریخ ۶ مرداد ماه ۱۳۲۸ ش. (مطابق با دوم شوال ۱۳۶۸ ه.ق) پایان یافت،

**دورهٔ شانزدهم قانونگذاری**

شانزدهمین دورهٔ قانونگذاری در تاریخ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۱۸ ش (مطابق با ۲۱ ربیع الثانی ۱۳۶۹ ه.ق و دهم فوریه ۱۹۵۰ م) با نخستین دورهٔ مجلس سنا توسط اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی پس از شش ماه و سیزده روز فترت افتتاح گردید. و تاریخ رسمیت آن ۲۱ بهمن ماه ۱۳۲۸ ش. برابر با ۳۰ ربیع الثانی ۱۳۶۹ ه.ق بود.

انتخابات این دوره از مجلس نیز خالی از تشنج نبود و جمعی بعنوان اعتراض بسوءجریان انتخابات در تاریخ ۲۲ مهرماه ۱۳۲۸ ش. برهبری دکتر محمد مصدق در دربار تحصن اختیار کردند. قرائت آراء انتخابات تهران از تاریخ ۱۹ آبان موقوف شد تا اینکه در تاریخ ۲۲ فروردین ماه ۱۳۲۹ انتخابات با موفقیت اعضای جبههٔ ملی و بدست آوردن کرسیهای نمایندگی تهران خاتمه یافت.

مسألهٔ نفت از جملهٔ مسایلی بود که بیشتر فعالیت و اوقات مجلس را مانند دورهٔ پانزدهم بخود مشغول داشته و محیط متشنجی را بوجود آورده بود. در تاریخ ۲۰ مهرماه رهبر اقلیت ملی مجلس دولت را در مورد نفت استیضاح کرد و در تاریخ ۱۹ آذرماه ۱۳۲۹ کمیسیون مخصوص نفت قرارداد الحاقی «ساعد و گس» را بنفع دولت ایران ندانست و مخالفت خود را با آن اظهار داشت و پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت ایران در روز سوم اسفند ماه ۱۳۲۹ ش. بمجلس داده شد ودر تاریخ ۱۶ اسفند ماه ۱۳۲۹ نخست وزیر وقت که مشغول مذاکرات دربارهٔ حل مسئلهٔ نفت بود در مسجد شاه ترور گردید.

کمیسیون مخصوص نفت تصمیم خودرا تحت یک مادهٔ واحده و دو تبصره در مورد ملی شدن صنعت نفت برای تصویب بمجلس تقدیم کرد و مجلس نیز در جلسهٔ ۲۴ اسفند ماه ۱۳۲۹ ش. بتصویب رسانیدو عین مادهٔ واحده در تاریخ ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ بتصویب مجلس سنا رسید.

طرح خلع ید و ملی شدن صنعت نفت در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۳۰ ش. (مطابق با اول مه ۱۹۵۱ م) بتصویب دو مجلس و توشیح شاهنشاه رسید در نتیجه شرکت نفت ایران وانگلیس و دولت انگلستان دولت ایران را مورد اعتراضات شدیدی قرار دادند و قانون ملی شدن

نفت را نقض یک جانبه قرار داد ۱۹۳۳ قلمداد کردند و نمایندهٔ شرکت نفت در تهران بر طبق سواد قرار داد ۱۹۳۳ تقاضا کرد اختلافات بدیوان داوری ارجاع گردد.

دولت انگلستان در تاریخ ٤ خرداد ماه ۱۳۳۰ دادخواستی بر ضد ایران تقدیم دادگاه لاهه کرد و دیوان مزبور در تاریخ ۱٥ خرداد ماه قراری بعنوان اقدامات تأمینی برای جلوگیری ازاجرای خلع ید که دولت ایران شروع کرده بود صادر کرد و دولت ایران نیز آنرا بعلت عدم صلاحیت دیوان بی‌اعتبارشناخت. ونیزدرتاریخ ۱۷ مهرماه ۱۳۳۰ لایحهٔ اولیهٔ دولت انگلستان راجع بصلاحیت دعوای آن دولت بر علیه ایران بدیوان تسلیم شد و باطلاع دولت ایران نیز رسیده جواب لایحهٔ مزبور پس از آنکه مورد بررسی و مشاورهٔ متخصصین حقوقی قرار گرفت درتاریخ ۱٥ بهمن ماه ۱۳۳۰ ش. مبنی بررد صلاحیت دیوان از طرف دولت ایران تسلیم دیوان گردید.

درتاریخ دی ماه ۱۳۳۰ ش. تمام کنسولگریهای دولت انگلستان در ایران بسته شد.

مجلس شانزدهم در تاریخ ۲۹ بهمن ماه ۱۳۳۰ ش. (مطابق با ۲۲ جمادی الاول ۱۳۷۱ ه.ق و ۱۹۵۲ م) پایان یافت.

**دورهٔ هفدهم قانونگذاری** هفدهمین دورهٔ قانونگذاری در تاریخ ۷ اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ ش. (مطابق با ۲ شعبان ۱۳۷۱ ه.ق و ۱۷ آوریل ۱۹۵۲ م) افتتاح شد. و تاریخ رسمیت آن ۸ خردادماه ۱۳۳۱ برابر ٤ رمضان ۱۳۷۱ ه.ق بود. انتخابات این دوره از مجلس مانند دورهٔ شانزدهم خالی از جنجال نبود و مسألهٔ نفت موضوع اصلی تبلیغات در انتخابات بود انتخابات اکثر حوزه ها بعلت تشنجات سیاسی و مخالفت گروههای متنفذ تا پایان عمر غیرطبیعی خود معوق ماند و از ۱۳٦ کرسی نمایندگی فقط ۷۹ کرسی آن دارای نماینده بود. حزب زیر زمینی توده در انتخابات این دوره باردیگر فعالیت خودرا آغاز کرد ولی موفق نشد کاندیداهای خودرا بمجلس بفرستد، با اینهمه در جریان سیاست روز و بخصوص در بارهٔ مسئلهٔ نفت تظاهرات دامنه داری بظاهر بنفع دولت وقت انجام میداد و همین امر موجب نگرانی دولتهای غربی گشت.

**وقایع مهم این دورهٔ:**

در دنبالهٔ لایحهٔ مجددی که دولت انگلستان در تاریخ ٤ فروردین ماه ۱۳۳۱ تسلیم

دیوان بین المللی دادگستری لاهه کرد دکتر محمد مصدق نخست وزیر وقت روز هفتم خرداد ماه با موافقت مجلس شورای ملی باتفاق هیأتی بلاهه رهسپارشد. دادگاه مزبور نخستین جلسهٔ خود را درروز ۹ خردادماه تشکیل داد، در جلسهٔ ۳۱ تیرماه دیوان بین‌المللی با اکثریت ۹ رأی در برابر پنج رأی صلاحیت نداشتن خود را نسبت بادعای انگلستان در قضیهٔ نفت اعلام داشت. نکته جالب توجه دراین مورد خاص رأی قاضی انگلستان بودکه در زمرهٔ اکثریت قرار گرفت و صلاحیت نداشتن دادگاه را نسبت بادعای انگلستان در قضیهٔ نفت اعلام داشت.

دیگر از وقایع مهم این دوره تظاهرات ملی در تعقیب تصمیم شاهنشاه دایر بخروج از کشور درروز ۹ اسفندماه ۱۳۳۱ ش. و انصراف اعلیحضرت همایونی ازاجرای این تصمیم بود.

از فروردین‌ماه ۱۳۳۲ تا اواخر خردادماه، کشمکشهای فراوانی بین نمایندگان طرفدار دولت و مخالفان در مجلس شورای ملی ادامه داشت، در ۲۴ تیرماه ۱۳۳۲ شمسی ( مطابق با ۱۰ ژوئیه ۱۹۵۳ م) ۲۵ تن ازنمایندگان فراکسیون جبههٔ ملی باضافه ۲۰ تن دیگرازنمایندگان به پشتیبانی از رئیس دولت وقت از نمایندگی مجلس شورای ملی استعفا دادند و بدین ترتیب تشکیل جلسات مجلس شورای ملی بواسطهٔ فقدان حد نصاب ممکن نشد.

در تاریخ ۱۲ و ۱۹ مردادماه دکتر محمد مصدق در مورد انحلال مجلس شورای ملی در تهران و شهرستانها رفراندم ( مراجعه بآراء عمومی) کرد و روز ۲۰ مردادماه ۱۳۳۲ انحلال مجلس را اعلام و شروع انتخابات دورهٔ هجدهم را موکول باصلاح قانون انتخابات کرد.

در تاریخ ۲۰ مردادماه از طرف اعلیحضرت محمد رضا شاه که فرمان رفراندم را توشیح نفرموده بودند ابلاغ عزل دکتر محمد مصدق وانتصاب سرلشکر فضل‌الله زاهدی بسمت نخست وزیری صادر شد.

دکتر محمد مصدق فرمان عزل را از آنجاکه خود را نخست وزیر قانونی میدانست نپذیرفت. بدنبال این امر تظاهرات و تشنجاتی در تهران رخ دادکه در قبال آن اعلیحضرت و ملکه صلاح برآن دیدندکه چندی درخارج ازکشوراقامت نمایند. عوامل فوق منجر بجنبش موفقیت آمیزطرفداران شاهنشاه در ۲۸ مردادماه گردید وسرلشکر زاهدی که قبلاً مأمور تشکیل کابینه‌شده بودزمام اموررابدست گرفت ودکترمحمدمصدق وهمکاران نزدیکش توقیف گردیدند.

در تاریخ ۳۰ مردادماه ۱۳۳۲ اعلیحضرت محمد رضا شاه و ملکه بایران بازگشتند و در ۲۸ آبانماه ۱۳۳۲ (مطابق با ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۷۳ ه‍.ق و ۱۹ دسامبر ۱۹۵۳ م ) شاه فرمان

انحلال دو مجلس را صادر کرد و محاکمهٔ دکتر محمد مصدق در آبان ماه ۱۳۳۲ در دادگاه نظامی شروع شد .

قوانین مهمی که در این دوره بتصویب رسید اینها است :

۱ - تصویب قانون اعطای اختیارات تام از طرف مجلس شورای ملی بنخست وزیر وقت دکتر محمد مصدق ، مبنی بر وضع قوانینی که بصلاح مملکت باشد و اجرای آن بعنوان آزمایش و طرح قانون مزبور پس از شش ماه از اجرای آن در مجلس بمنظور تصویب نهایی (مردادماه ۱۳۳۱ س. مطابق با اوت ۱۹۵۲ م.)

۲ - قطع روابط سیاسی ایران با دولت انگلستان در مهر ماه ۱۳۳۱ ش. (مطابق اکتبر ۱۹۵۲ م).

۳ - رد پیشنهاد سران کشور انگلستان و امریکا در بارهٔ نفت ایران .

۴ - پایان قرارداد ۱۳۰۶ دولت ایران و شوروی در بارهٔ شیلات و ملی شدن تأسیسات آن در بهمن ماه ۱۳۳۱ ( مطابق با فوریه ۱۹۵۳ م ).

۵ - قانون ملی شدن ارتباط تلفنی در سراسر کشور مصوب ۲۵ آذر ماه ۱۳۳۱ ش .

۶ - تمدیدمدت اختیارات دکترمحمد مصدق نخست‌وزیر وقت‌در ۲۹ دی‌ماه ۱۳۳۱ ش. بمدت یک سال .

۷ - قانون منع تهیه و خرید و فروش و مصرف نوشابه‌های الکلی و تریاك و مشتقات‌آن مصوب ۱۹ بهمن ماه ۱۳۳۱ ش.

**دورهٔ هجدهم قانونگذاری** هجدهمین دورهٔ قانونگذاری در تاریخ ۲۷ اسفندماه ۱۳۳۲ ش.( مطابق با ۱۲ رجب ۱۳۷۳ هـ.ق و ۱۸ مارس ۱۹۵۴ م ) افتتاح شد وتاریخ رسمیت آن ۲۶ فروردین‌ماه ۱۳۳۳ ش . (برابر ۱۰ شعبان ۱۳۷۳ هـ.ق) بود . از وقایع مهم این دوره مسئلهٔ نفت بود که از جمله مسایل مهم مورد بحث سه دورهٔ پیشین مجلس شورای ملی بشمار می‌رفت. موافقتنامهٔ نفت و واگذاری استخراج وحمل وفروش آن بکنسرسیوم بین‌المللی درتاریخ ۶ آبان ماه ۱۳۳۳ ش. ( مطابق با ۲۸ اکتبر ۱۹۵۴ م ) بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

الحاق ایران به پیمان دفاعی بغداد مورخ ۳۰ مهرماه ۱۳۳۴ شمسی. دومین شورای پیمان

بغداد در تاریخ ۲۷ فروردین ماه ۱۳۳۰ ش . باحضور نخست وزیران ترکیه ، عراق ، ایران ، پاکستان و امریکا و همچنین نمایندگان انگلیس در تهران تشکیل یافت.

قوانین مهمی که دراین دورهٔ در مجلس بتصویب رسید عبارت است از:

۱- قانون برنامهٔ عمرانی هفت سالهٔ کشور مصوب ۸ اسفند ماه ۱۳۳٤ ش.

۲- قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مشتمل بر ۶ ماده و یک تبصره. مصوب ۱۱ مهرماه ۱۳۳٤.

۳- بموجب قانون تمدید مدت رسیدگی کمیسیونهای مشترک بلوایح تصویبی زمان دکتر محمد مصدق ، قانون سازمان عمرانی کشور و ازدیاد سهم کشاورزان (که برطبق قانون اعطای اختیارات مصوب مردادماه ۱۳۳۱ شمسی مشتمل بر ٤٠ ماده و ۱۰ تبصره در تاریخ ۱٤ مهرماه ۱۳۳۱ ش. در دولت دکتر مصدق بتصویب رسیده‌بود) درتاریخ ٥ مردادماه ۱۳۳٤ بتصویب کمیسیون مشترک دو مجلس (شوری و سنا) رسید.

طرح الغای کلیهٔ لوایح مصوب دکتر محمد مصدق ناشی از اختیارات بتاریخ مرداد ماه ۱۳۳۱ ش. و تمدید آن مصوب بهمن ماه ۱۳۳۱، مشتمل بریک ماده و یک تبصره در تاریخ ۱۸ آبان ماه ۱۳۳۱ ش.

بموجب مادهٔ واحده این طرح ، چون لوایح دکتر محمد مصدق برخلاف قانون اساسی تشخیص داده شده بود ملغی گردید و بموجب تبصرهٔ طرح مزبور دولت مکلف شد ازمیان لوایح مذکور آنهائی راکه ادامه اجرای آن را ضروری میداند ظرف پانزده روز بهریک از دو مجلس تقدیم کند و کمیسیونهای مربوطهٔ هر دو مجلس مکلف شدند ظرف مدت سه ماه لوایح مزبور را رسیدگی کنند.

ازمیان نزدیک به ۲۱۳ لایحهٔ مصوب دکتر مصدق ناشی از اختیارات حدود ٥۹ فقرهٔ آن در کمیسیو نهای مشترک مجلسین بتصویب رسید و ۲۱ فقرهٔ آن در جلسه ٥ دیماه ۱۳۳٤ مجلس شورای ملی بتصویب نمایندگان رسید.

هجدهمین دورهٔ قانونگذاری در تاریخ ۲۶ فروردین ماه ۱۳۳٥ مطابق با ۳ رمضان ۱۳۷٥ ه.ق پایان یافت.

**دورهٔ نوزدهم قانونگذاری**

نوزدهمین دورهٔ قانونگذاری در تاریخ ۱۰ خرداد ماه ۱۳۳۰ ش. (مطابق با ۲۰ شوال ۱۳۷۰ ه.ق و ۳۱ ماه مه ۱۹۵۶ م) افتتاح شد و تاریخ رسمیت آن در ۲۰ خرداد ماه ۱۳۳۰ ش. برابر با اول ذیعقدهٔ ۱۳۷۰ ه.ق بود.

از جملهٔ اقدامات مفیدی که در زمینهٔ عمرانی کشور انجام گرفت، گشایش راه آهن تهران و مشهدو تبریز، ساختمان سد دز و آبیاری خوزستان، سرشماری عمومی کشور و تشکیل کنفرانس سران کشور های اسلامی در تهران و عقد پیمان سنتو بود.

قوانین مهمی که دراین دورهٔ در مجلس بتصویب رسید عبارت است از:

۱- قانون اصلاحات ارضی مصوب ۲٤ اسفند ۱۳۳۹ ش.

۲- قانون منع شرکت کارمندان دولت، و کلای دو مجلس «شوراوسنا» در معاملات دولتی مصوب ۲ دی ماه ۱۳۳۷ ش.

۳- قانون ازکجا آورده ای تحت عنوان (قانون مربوط برسیدگی بدارایی وزراء و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشگری و شهرداریهاو مؤسسات وابسته) بآنها مصوب ۹ اسفند ماه ۱۳۳۷ ش. بموجب این قانون از کارمندان لشگری و کشوری خواسته شد تا منبع ثروت و در آمد خودرا نشان دهند.

٤- قانون مربوط بموافقتنامهٔ نفت ایران و ایتالیا به نسبت ۷۵ درصد برای ایران و ۲۵ درصد برای ایتالیا مصوب ۲٤ مرداد ماه ۱۳۳٦ ش.

۵- قانون اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات مشتمل بر ۳۳ ماده مصوب ۲٦ تیر ماه ۱۳۳۵ ش.

در این دوره از مجلس قانونی بتصویب رسید که بموجب آن دورهٔ اجلاسیهٔ شورای ملی از ۲ سال به ٤ سال افزایش یافت و همچنین تعداد نمایندگان مجلس از ۱۳٦ تن به ۲۰۰ تن ازدیادحاصل کرد.

دوران چهار سالهٔ مجلس نوزدهم در تاریخ ۱۹ خرداد ماه ۱۳۳۹ ش. (مطابق با ۱٤ ذیحجهٔ ۱۳۷۹ ه. ق و چهارم ژوین ۱۹٦۰ م) بپایان رسید.

**دورهٔ بیستم قانونگذاری**

در خلال فترت بین مجلس نوزدهم و بیستم که قریب ۹ ماه بطول انجامید مبارزات انتخاباتی بین سه گروه شروع شد و منجر به تشنجات و نارضایی

مردم از بدی جریان انتخابات گردید. سه گروهی که در انتخابات تابستانی دورهٔ بیستم فعالیت داشتند عبارت بودند از:

۱- حزب ملیون برهبری نخست وزیر وقت دکتر منوچهر اقبال با دویست داوطلب (کاندیدا).

۲- حزب مردم برهبری اسداله علم با دویست داوطلب (کاندیدا).

۳- منفردان برهبری چند تن از قبیل دکتر علی امینی، سید جعفر بهبهانی، ارسلان خلعتبری و فتح الله فرود.

در جریان انتخابات حزب مردم و منفردان دولت وقت را بمداخله در امر انتخابات متهم کردند و این امر مقدمهٔ تشنجات و نارضاییهایی گردید که تا تاریخ ۵ شهریور ماه ۱۳۳۹ وابطال انتخابات همچنان ادامه داشت، پس از آنکه اعلیحضرت محمد رضا شاه در مصاحبهٔ مطبوعاتی بعلت بدی جریان انتخابات به استعفای دسته جمعی نمایندگان منتخب فرمان دادند در نتیجه کابینهٔ دکتر منوچهر اقبال رهبر حزب ملیون و همچنین نمایندگان منتخب استعفای خود را - تسلیم کردند و مهندس شریف امامی مأمور تشکیل کابینهٔ جدید گردید و تجدید انتخابات موکول بانجام یافتن انتخابات انجمن شهر و مجلس سنا گردید. دراین هنگام علاوه بر احزاب نوبنیاد ملیون و مردم، سایر دسته ها و احزاب با سابقه نیز دوباره فعالیت سیاسی خودرا آغاز کردند. پس از آنکه مجلس سنا در ۱۴ مهرماه ۱۳۳۹ ش. (مطابق با ۶ اکتبر ۱۹۶۰ م) گشایش یافت انتخابات مجدد دورهٔ بیستم مجلس شورای ملی نیز تحت نظارت دولت مهندس شریف امامی آغاز گردید.

از جمله احزاب و دسته های سیاسی که در مبارزات انتخاباتی شرکت کردند حزب زحمتکشان ملت ایران بود که ازاحزاب با سابقه بشمار میرفت و برهبری دکتر مظفر بقایی کرمانی اداره میشد. این حزب گروهی از عناصر ملی راکه دارای مسلکهای سیاسی متفاوت بودند زیر عنوان جبههٔ (نگهبانان آزادی انتخابات) گردهم آورد و جبههٔ مزبور باکمک حزب زحمتکشان بفعالیت انتخاباتی پرداخت و در امر آزادی انتخابات دورهٔ بیستم نظارت و مبارزه میکرد وبدینسان حزب زحمتکشان بار دیگر در صحنهٔ سیاست پدید آمد و موجودیت خودرا نشان دادولی درجریان

مبارزات بعدی فعالیت این جبهه و حزب مزبور متوقف ماند.

علاوه بر حزب ملیون و حزب مردم ، جبهۀ ملی نیز که پس از مدتها سکوت و تعطیل ، فعالیت سیاسی خودرا آغاز کرده بود دراین موقع بمبارزۀ انتخاباتی پرداخت و موفق شد ازحوزۀ کاشان نمایندۀ خودرا بمجلس بیستم بفرستد.

دورۀ بیستم قانونگذاری در روز دوم اسفند ماه ۱۳۳۹ ش. مطابق با ۵ رمضان ۱۳۸۰ ه.ق و ۱۹۶۱ م افتتاح شد و در تاریخ ۱۱ اسفند ماه ۱۳۳۹ ش. برابر ۱۴ رمضان ۱۳۸۰ ه.ق رسمیت یافت.

عمراین مجلس بجهات سیاسی دیری نپایید و در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ ش. (مطابق با ۲۳ ذیعقدۀ ۱۳۸۰ و ۹ ماه مه ۱۹۶۱ م) با استعفای کابینۀ مهندس شریف امامی و آغاز حکومت دکتر علی امینی بفرمان شاهنشاه منحل و تجدید انتخابات موکول باصلاح قانون انتخابات گردید.

# بخش دوم

## ترکیب طبقاتی ومنشاء اجتماعی نمایندگان مجلس شورای ملی

### در بیست دورهٔ قانونگذاری

**توضیحات مقدماتی**

چنانکه درمقدمه بیان داشتیم تعیین نحوه ترکیب طبقاتی مجلس شورای ملی ومنشأ اجتماعی نمایندگان و بحث در اینکه چه طبقات و گروه‌های اجتماعی درایران قوهٔ قانونگذاری را در ادارهٔ امور حکومت مشروطه داشته‌اند هدف اصلی این تحقیق وتهیه این مجموعه بوده است.

اطلاعات محدودی که میتوانست درتشخیص طبقهٔ نمایندگان بما کمک کند، تعیین شغل ومیزان تحصیلات وسن نمایندگان و شغل پدرآنان بود وما هریک از این مشخصات را دربیست دورهٔ مجلس شورای ملی ودرسه عصر مختلف مورد بررسی قرارمیدهیم.

ادوار قانونگذاری را بر اساس تقسیم بندی سیاسی تاریخ مشروطیت ایران بسه عصر مختلف: **عصر اول** (دورهٔ قاجاریه) **عصر دوم** (سلطنت رضاشاه پهلوی) **عصرسوم** (دمکراسی جدید ودوران سلطنت محمدرضاشاه پهلوی) تقسیم میکنیم.

**پنج دورهٔ** اول مجلس شورای ملی را تحت عنوان عصر اول مشروطیت و **دورهٔ ششم تا چهاردهم** مجلس شورای ملی را بنام عصر دوم مشروطیت مینامیم، هرچند که مجلس سیزدهم را **ازنظر** تقارن زمانی بطور اصولی میباید درعصر سوم مشروطیت بحساب آوریم ولی ازآنجا که انتخابات آن دوره ازمجلس درزمان اعلیحضرت فقید وپیش از وقایع شهریورماه ۱۳۲۰ صورت گرفته و طبقات نمایندگان متشکل دراین دوره نمودار تمایلات و خواست گروه‌های ذینفوذ عصر دوم میباشد ما آن‌را در زمرهٔ ادوار قانونگذاری همان عصر بشمار آوردیم.

عصرسوم مشروطیت نمودار تحول دمکراسی جدید وآغاز تمایل به گروه‌های تازه‌است وشامل ۸ دوره قانونگذاری از دورهٔ **چهاردهم** ببعد میباشد. ازمیان هشت‌دوره عصرسوم دورهٔ آخرین یعنی دورهٔ بیست‌ویکم مجلس شورای ملی را که هم اکنون درحال اجلاس است درذیل فصل جداگانه‌ای مورد تفسیر و گفتگو قرار میدهیم.

# فصل اول

## تحول شغل نمایندگان در بیست دورهٔ قانونگذاری

**توضیحات مقدماتی** بیشتر ملاک تشخیص طبقه‌را وضع فرد درنظام اقتصادی ونحوهٔ‌معیشت ومیزان تقریبی درآمدیاثروت اودانسته‌اند . برای بررسی وتحقیق دراین باب ما ناگزیر بودیم بملاک های دیگری توسل جوئیم وازجمله اطلاع از فعالیت عمدهٔ نمایندگان وهمچنین شغل پدرآنان که‌معیار اساسی برای سنجش منشأاجتماعی آنهاازنظرما میباشد . ولی تحقیق دراین موردخاص بجهت فقدان مدارک واسناد کافی وموثق‌مشکل ودشواربود . ما درتعیین شغل نمایندگان بذکرفعالیت عمدهٔ آنان اکتفاء نکردیم وبه‌بیان کلیهٔ مشاغل هروکیل پیش ازوکالت و تا آنجاکه امکان‌داشت سیر تحولی مشاغل راکه بیشتر ازراه مصاحبه باافراد مطلع و بررسی اسنادمکتوب ازجمله اعتبار نامه‌ها بدست‌آمده‌بود منظور داشتیم .

بموجب جدول شماره ۱ از آنجاکه بسیاری از نمایندگان مشاغل متعدد داشته‌اند و بدرستی روشن نبود که شغل‌اصلی ومهمتر آنان چیست، ناچارشدیم برای تعیین طبقهٔ نمایندگان کلیهٔ مشاغل آنان‌را چنانکه مذکورافتاد بحساب آوریم برای این‌منظور براساس جدول‌شماره ۲ که نسبت نمایندگان‌را براساس شغل یا مشاغل متعددآنان دربیست‌دورهٔ قانونگذاری بدست می‌دهد وجدول اصلی و بنام **چند شغلی** خوانده میشود ، به‌تنظیم جدول مجددی در هفت‌گروه شغلی خاص پرداختیم باتوجه باین اصل که یک فرد بیشتر دریک یا دو و یا حتی سه گروه از مشاغل مختلف میتواند قرارگیرد . جدول مزبور (جدول شماره ٤) که از آن بنام **یک شغلی** یادکرده‌ایم نسبت هریک از مشاغل متعدد مندرج درجدول شماره ۲ را از مجموعهٔ مشاغل مجلسیان کسر کردیم تا معلوم‌شود کدام گروهٔ شغلی در هردوره از ادوار قانونگذاری در مجلس اکثریت‌را داشته است. ازآنجاکه یک‌فرد گاهی همچنانکه اشاره‌شد درچند گروه شغلی بحساب آمده است مجموع نسبتهای جدول یک‌شغلی ما ازصد متجاوز خواهد بود .

چنانکه ازنمایش جداول شغلی ما مستفاد میشود ، نمایندگان مجلس‌را باتوجه‌بمنابع درآمد واشتغالات مختلف‌آنها میتوان درهفت گروه شغلی‌ذیل مورد‌بررسی وبحث قرارداد .

۱- نمایندگان مالک

## جدول شماره۱ وضع نمایندگان صاحب یک شغل و چندشغلی

(بحسب درصد)

| ادوار قانونگذاری | یک شغلی | چند شغلی | جمع |
|---|---|---|---|
| دوره اول | ۸٤ | ۱٦ | ۱۰۰ |
| « دوم | ٦۸ | ۳۲ | ۱۰۰ |
| « سوم | ٤۹ | ٥۱ | ۱۰۰ |
| « چهارم | ٥۸ | ٤۲ | ۱۰۰ |
| « پنجم | ٥٥ | ٤٥ | ۱۰۰ |
| « ششم | ٥٤ | ٤٦ | ۱۰۰ |
| « هفتم | ٥۷ | ٤۳ | ۱۰۰ |
| « هشتم | ٥۸ | ٤۲ | ۱۰۰ |
| « نهم | ٥۳ | ٤۷ | ۱۰۰ |
| « دهم | ٥۸ | ٤۲ | ۱۰۰ |
| « یازدهم | ٥۷ | ٤۳ | ۱۰۰ |
| « دوازدهم | ٦۱ | ۳۹ | ۱۰۰ |
| « سیزدهم | ٦۰ | ٤۰ | ۱۰۰ |
| « چهاردهم | ٦۲ | ۳۸ | ۱۰۰ |
| « پانزدهم | ٥٦ | ٤٤ | ۱۰٥ |
| « شانزدهم | ٥٦ | ٤٤ | ۱۰۰ |
| « هفدهم | ٦٤ | ۳٦ | ۱۰۰ |
| « هجدهم | ٦۱ | ۳۹ | ۱۰۰ |
| « نوزدهم | ٥٥ | ٤٥ | ۱۰۰ |
| « بیستم | ٦۳ | ۳۷ | ۱۰۰ |

## جدول شمارهٔ ۲ - وضع مشاغل نمایندگان در بیست دوره قانونگذاری (باعتبار چند شغلی) برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | ادوار قانونگذاری / مشاغل وکلاء | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هیجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | عده معلوم وکلاء | ۱۳۳ | ۱۰۵ | ۱۰۳ | ۱۰۵ | ۱۳۹ | ۱۲۵ | ۱۳۱ | ۱۲۵ | ۱۳۰ | ۱۳۴ | ۱۳۵ | ۱۳۴ | ۱۳۴ | ۱۳۳ | ۱۳۵ | ۱۳۱ | ۷۸ | ۱۳۴ | ۱۳۲ | ۱۷۴ |
| | عده کل وکلاء | ۱۵۳ | ۱۱۱ | ۱۰۴ | ۱۰۵ | ۱۳۹ | ۱۲۶ | ۱۳۲ | ۱۲۵ | ۱۳۰ | ۱۳۴ | ۱۳۵ | ۱۳۴ | ۱۳۴ | ۱۳۴ | ۱۳۵ | ۱۳۱ | ۷۹ | ۱۳۴ | ۱۳۳ | ۱۷۶ |
| ۱ | ملاک | ۸ | ۶ | ۶ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | ۲۲ | ۱۹ | ۲۴ | ۲۴ | ۲۶ | ۲۴ | ۲۵ | ۱۸ | ۱۸ | ۱۷ | ۲۶ | ۲۳ | ۲۹ |
| ۲ | ملاک و تاجر | ۴ | ۳ | ۱ | ۱ | ۳ | ۲ | ۵ | ۴ | ۵ | ۴ | ۶ | ۶ | ۶ | ۲ | ۴ | ۷ | ۶ | ۸ | ۵ | ۳ |
| ۳ | ملاک و کارمند دولت | ۴ | ۱۴ | ۲۸ | ۲۶ | ۲۴ | ۲۱ | ۲۴ | ۲۳ | ۲۰ | ۱۴ | ۱۶ | ۱۴ | ۱۶ | ۱۶ | ۲۵ | ۲۳ | ۱۸ | ۲۲ | ۲۴ | ۱۶ |
| ۴ | ملاک و کارمند دولت و مشاغل آزاد تخصصی | ۱ | ۱ | ۲ | — | — | ۲ | ۲ | ۳ | ۳ | ۴ | ۵ | ۵ | ۷ | ۶ | ۶ | ۴ | ۴ | ۲ | ۴ | ۵ |
| ۵ | ملاک و کارمند و مؤسسات ملی وغیر دولتی | ۱ | — | ۳ | — | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۲ | ۱ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۱ | ۳ | ۳ | ۱ | ۳ | ۲ |
| ۶ | ملاک و روحانی | ۳ | ۶ | ۹ | ۶ | ۸ | ۱۰ | ۸ | ۵ | ۶ | ۶ | ۵ | ۵ | ۴ | ۶ | ۲ | ۲ | ۱ | ۱ | — | — |
| ۷ | بازاری: تاجر | ۱۰ | ۵ | ۲ | ۶ | — | ۴ | ۸ | ۱۰ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۰ | ۱۰ | ۵ | ۳ | ۱۰ | ۶ | ۴ |
| ۸ | بازاری: تاجر و کارمند دولت | ۱ | ۲ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | — | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | — | ۱ | ۱ | ۱ | — | — | — | ۱ |
| ۹ | بازاری: اصناف | ۲۶ | — | ۲ | ۱ | — | — | ۲ | ۱ | ۱ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — |
| ۱۰ | روحانی | ۱۴ | ۱۴ | ۱۸ | ۱۴ | ۱۰ | ۱۲ | ۹ | ۴ | ۲ | ۱ | — | — | ۱ | — | — | — | ۱ | ۱ | — | ۱ |
| ۱۱ | روحانی و کارمند دولت | ۲ | ۵ | ۳ | ۳ | ۶ | ۱ | — | ۲ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۲ | ۲ | — | — | — | — | — |
| ۱۲ | روحانی ومشاغل آزاد تخصصی | ۱ | — | ۱ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — |
| ۱۳ | کارمند دولت | ۱۶ | ۲۴ | ۱۳ | ۲۱ | ۱۸ | ۲۰ | ۱۶ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۰ | ۱۴ | ۱۸ | ۲۲ | ۲۳ | ۱۴ | ۲۰ | ۲۱ |
| ۱۴ | کارمنددولت و مشاغل آزاد تخصصی | — | ۲ | ۲ | ۴ | ۲ | ۳ | ۲ | ۳ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۴ | ۴ | ۳ | ۴ | ۵ | ۴ | ۸ | ۷ |
| ۱۵ | کارمنددولت و ملاک و مشاغل آزاد تخصصی | — | — | — | — | — | ۲ | ۱ | ۱ | — | ۱ | ۱ | — | — | — | — | — | — | — | — | ۳ |
| ۱۶ | کارمند مؤسسات ملی | ۴ | ۲ | ۱ | — | — | — | — | ۱ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — |
| ۱۷ | کارمندمؤسسات ملی ومشاغل آزاد تخصصی | — | — | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | ۱ | ۱ | — |
| ۱۸ | مشاغل آزاد تخصصی | ۵ | ۱۶ | ۶ | ۴ | ۱۲ | ۴ | ۴ | ۶ | ۶ | ۸ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۰ | ۱۰ | ۷ | ۷ |
| ۱۹ | طبقه پائین | — | — | — | — | ۱ | ۲ | ۲ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | — | — | — | — | — | ۱ |
| | جمع | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

جدول شماره ۳ـ وضع مشاغل نمایندگان درسه عصر مشروطیت ( باعتبار چند شغلی ) برحسب درصد

| شماره ترتیب | عصر اول مشروطیت | | عصر دوم مشروطیت | | عصر سوم مشروطیت | | ملاحظات |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | نوع مشاغل | درصد | نوع مشاغل | درصد | نوع مشاغل | درصد | |
| ۱ | ملاك وكارمند دولت | ۱۹ | ملاك | ۲۱ | ملاك | ۲۳ | |
| ۲ | كارمند دولت | ۱۸ | ملاك وكارمند دولت | ۱۹ | ملاك وكارمند دولت | ۲۰ | |
| ۳ | روحانی | ۱٤ | كارمند دولت | ۱٤ | كارمند دولت | ۱۹ | |
| ٤ | ملاك | ۹ | تاجر | ۱۰ | صاحبان مشاغل آزاد تخصصی | ۹ | |
| ۵ | صاحبان مشاغل آزاد تخصصی | ۹ | صاحبان مشاغل آزاد تخصصی | ۸ | تاجر | ۷ | |
| ٦ | ملاك وروحانی | ٦ | ملاك وروحانی | ٦ | ملاك وتاجر | ۵ | |
| ۷ | اصناف | ٦ | ملاك وتاجر | ۵ | كارمنددولت وصاحبان مشاغل آزاد تخصصی | ۵ | |
| ۸ | تاجر | ۵ | كارمند دولت وصاحبان مشاغل آزاد | ٤ | ملاك وصاحبان مشاغل آزاد تخصصی | ٤ | |
| ۹ | روحانی وكارمنددولت | ٤ | ملاك وصاحبان مشاغل آزاد تخصصی | ٤ | ملاك وكارمند مؤسسات ملی | ۲ | |
| ۱۰ | ملاك وتاجر | ۳ | روحانی | ٤ | ملاك وروحانی | ۲ | |
| ۱۱ | كارمنددولت ومشاغل آزاد تخصصی | ۲ | ملاك وكارمند مؤسسات ملی وغیردولتی | ۲ | روحانی | ۲ | |
| ۱۲ | كارمند مؤسسات ملی و غیردولتی | ۲ | طبقه پائین | ۱ | تاجر وكارمند دولت | ۱ | |
| ۱۳ | تاجر وكارمند دولت | ۱ | روحانی وكارمند دولت | ۱ | كارمند دولت وملاك ومشاغل آزاد تخصصی | ۱ | |
| ۱٤ | ملاك وكارمند مؤسسات ملی وغیردولتی | ۱ | اصناف | ۱ | روحانی وكارمند دولت | — | |
| ۱۵ | ملاك ومشاغل آزاد تخصصی | ۱ | كارمنددولت وملاك ومشاغل آزاد | — | مشاغل آزادتخصصی وكارمندمؤسسات ملی غیردولتی | — | |
| ۱٦ | مشاغل آزاد تخصصی وكارمند مؤسسات ملی | — | تاجر وكارمند دولت | — | طبقه پائین | — | |
| ۱۷ | روحانی ومشاغل آزاد تخصصی | — | مشاغل آزادتخصصی وكارمندمؤسسات ملی غیردولتی | — | كارمند مؤسسات ملی و غیردولتی | — | |
| ۱۸ | طبقهٔ پائین | — | كارمندمؤسسات ملی وغیردولتی | — | روحانی وصاحبان مشاغل آزاد تخصصی | — | |
| ۱۹ | كارمند دولت ومشاغل آزاد تخصصی وملاك | — | روحانی ومشاغل آزاد تخصصی | — | | | |
| | جمع | ۱۰۰ | جمع | ۱۰۰ | جمع | ۱۰۰ | |

۲- نمایندگان کارمند دولت،

۳- نمایندگان بازاری (بازرگانان واصناف) ،

٤- نمایندگان دارای شغل آزاد تخصصی (پزشکان، روزنامه نگاران، وکلای دادگستری، صاحبان دفاتر اسناد رسمی) ،

۵- نمایندگان کارمند بنگاههای ملی وغیر دولتی ،

٦- نمایندگان روحانی ( مجتهدان ، علمای دینی ، وعاظ وطلاب) ،

۷- طبقهٔ پائین (زارع - خدمتگزاران خصوصی وجزاینها).

درتحقیق ازگروهها وطبقات متشکل نمایندگان مجلس شورای ملی ، برای هریک از هفت گروه مذکور درفوق دونوع جدول باعتبار یک‌شغلی وچندشغلی تهیه کردیم .

**نمایندگان مالک**

شماره نمایندگان مالک که بموجب جدول شمارهٔ ۷ دردورهٔ اول ودوم قانونگذاری ۲۱ و ۳۰ درصد کرسیهای مجلس‌را اشغال کرده بودند از ازدورهٔ سوم قانونگذاری روبافزایش میگذارد وبین ۵۰ تا ٦۰ درصد وکلای مجلس شورای‌ملی‌را تشکیل میدهد واین وضع از دورهٔ سوم وبخصوص از دورهٔ ششم (که آغاز عصر دوم مشروطیت است) ببعد منظم میباشد .

جدول تفصیلی شمارهٔ ٤ وجدول شمارهٔ ۵ میانگین مشاغل نمایندگان در سه عصر مشروطیت درضمن تعیین ترتیب تقدم براساس بزرگترین فراوانی نمودار این‌تحول‌میباشد .

بنابراین ، گفته گروهی که برآنند مجلس ایران همواره تحت تسلط طبقهٔ مالک‌بوده و عمدهٔ مالکان وفئودالها بخصوص ازآغاز عصردوم مشروطیت مجلس را وسیله‌ای برای سیادت و حکومت خود بر توده‌های ملت وبخصوص طبقات متوسط قراردادند سخن گزافی نیست .

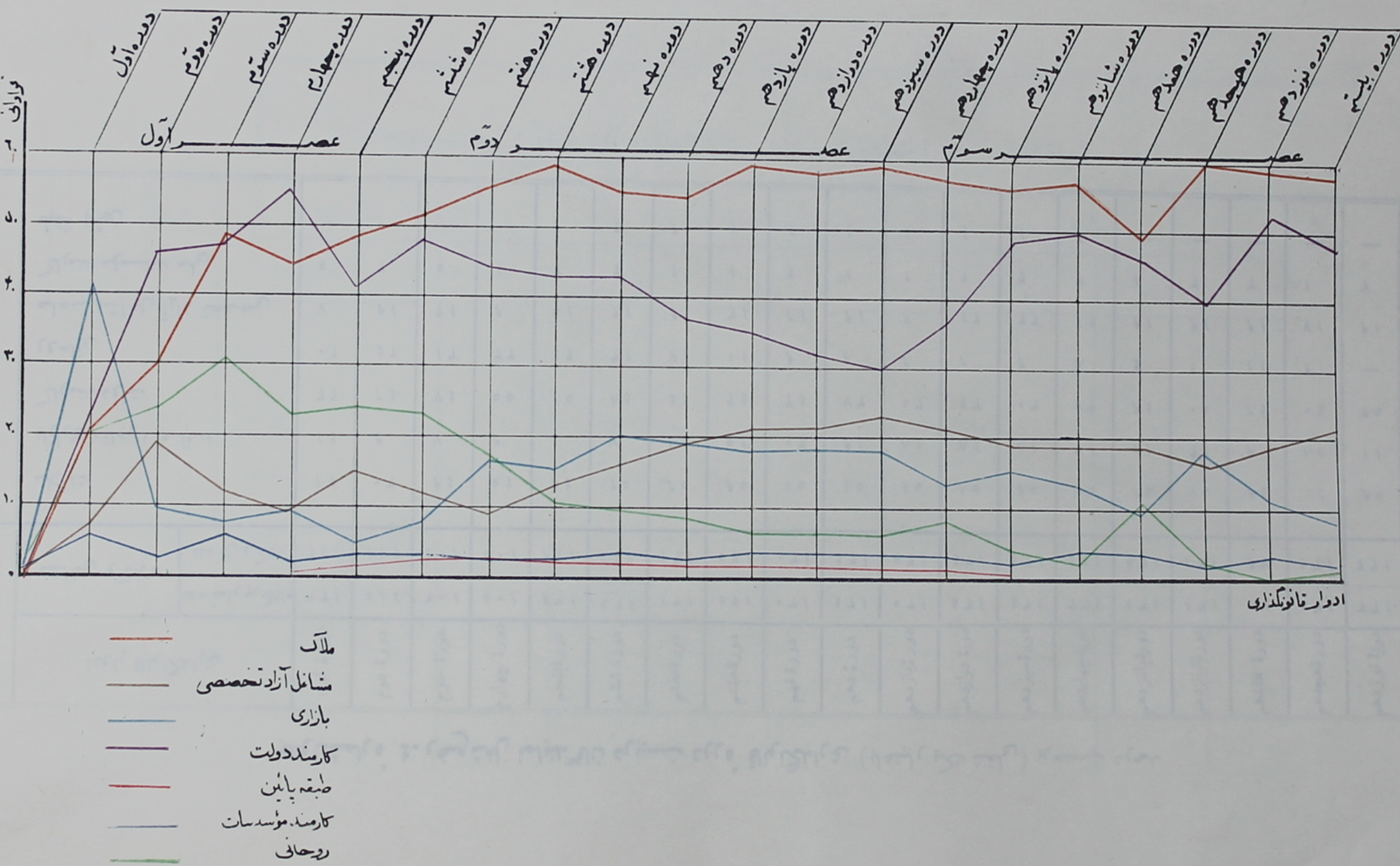
جدول شمارهٔ ٦ نشان‌میدهدکه درعصر دوم وسوم مشروطیت بطور محسوس بیش از عصراول مشروطیت ملاکان بمجلس راه داشته‌اند .

جدول شمارهٔ ۸ - ازآن حکایت‌میکندکه آنچه دربارهٔ تمایل سه عصر مشروطیت گفتیم صادق است ونسبت افرادی که فقط بعنوان ملاک خوانده‌شده‌اند ودرعصر اول مشروطیت‌بیش‌از ۸ درصد است درعصر دوم وسوم مشروطیت از ۲۱ و۲۳ درصد میگذرد .

نکته بسیار جالب توجه در جدول شمارهٔ ۸ نسبت قابل ملاحظه ملاکانی است که کارمند دولت هستند . درکتاب مالک وزارع میس‌لمتون این نکته را بدرستی یادکرده است که تجار برای کسب احترام و منزلت اجتماعی بطریق ملکداران نیمه اشرافی قدیم بتحصیل اراضی مزروعی ودهکده‌ها پرداختند و درزمرهٔ مالکان درآمدند . ازتحقیق‌ما این فکرنیز بخاطر

نمودار

مشاغل نمایندگان و تغییرات آن در بیست دوره قانونگذاری



جدول شمارهٔ ٤ـ وضع شغل نمایندگان در بیست دورهٔ قانونگذاری (باعتبار یک شغلی) برحسب درصد

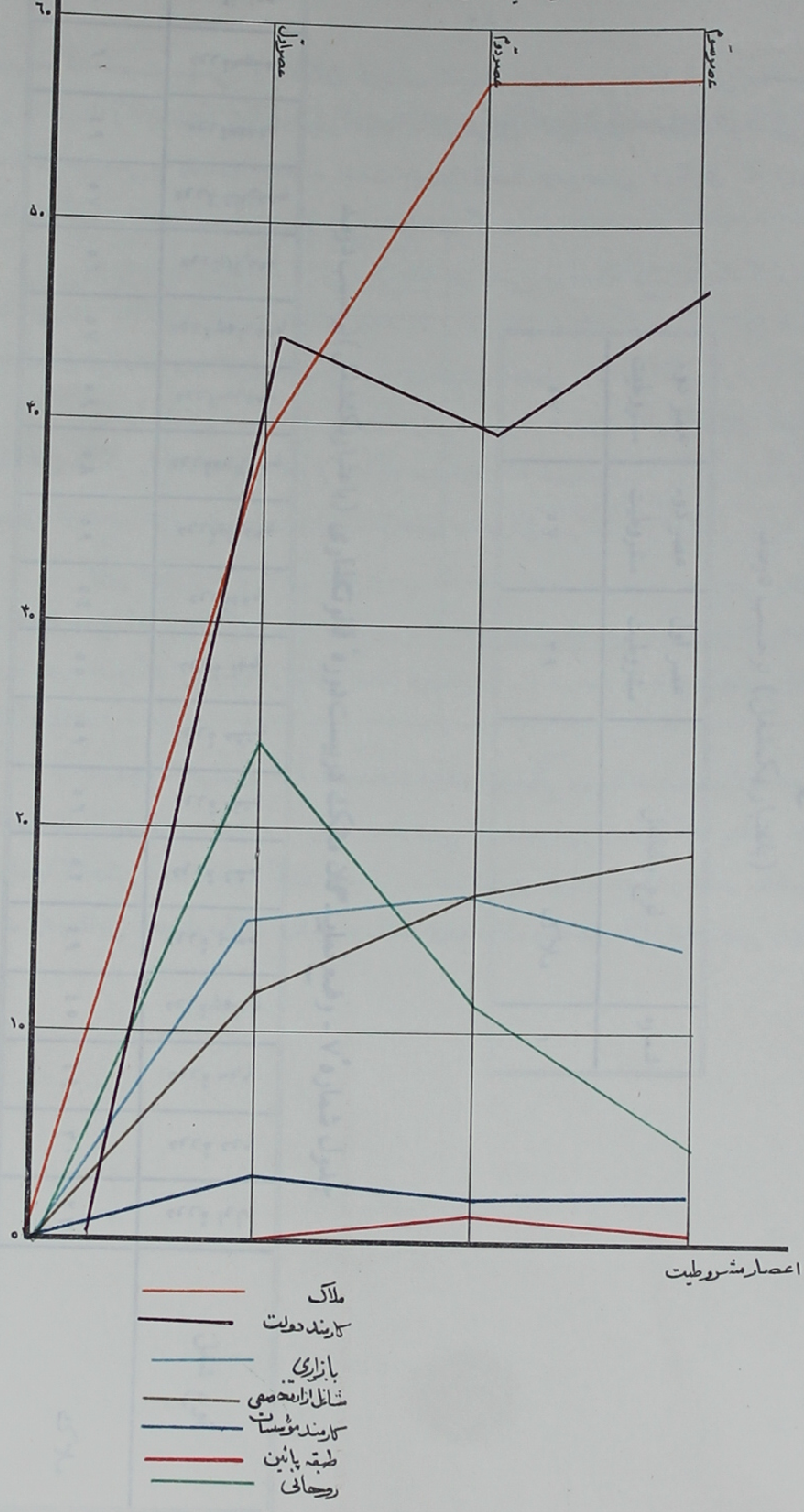
| شمارهٔ ترتیب | ادوار قانونگذاری | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| مشاغل وکلاء | عده معلوم وکلاء | ١٣٣ | ١٠٥ | ١٠٣ | ١٠٥ | ١٣٩ | ١٢٥ | ١٣١ | ١٢٥ | ١٣٠ | ١٣٤ | ١٣٥ | ١٣٤ | ١٣٤ | ١٣٣ | ١٣٥ | ١٣١ | ٧٨ | ١٣٤ | ١٣٢ | ١٧٤ |
|  | عده کل وکلاء | ١٥٣ | ١١١ | ١٠٤ | ١٠٥ | ١٣٩ | ١٢٦ | ١٣٢ | ١٢٥ | ١٣٠ | ١٣٤ | ١٣٥ | ١٣٤ | ١٣٤ | ١٣٤ | ١٣٥ | ١٣١ | ٧٩ | ١٣٤ | ١٣٢ | ١٧٦ |
| ١ | ملاک | ٢١ | ٣٠ | ٤٩ | ٤٥ | ٤٩ | ٥٢ | ٥٦ | ٥٩ | ٥٥ | ٥٤ | ٥٩ | ٥٨ | ٥٩ | ٥٧ | ٥٦ | ٥٧ | ٤٩ | ٦٠ | ٥٩ | ٥٨ |
| ٢ | بازاری «تاجر، اصناف» | ٤١ | ٩ | ٧ | ٩ | ٤ | ٧ | ١٦ | ١٥ | ٢٠ | ١٩ | ١٨ | ١٨ | ١٨ | ١٣ | ١٥ | ١٣ | ٩ | ١٨ | ١١ | ٨ |
| ٣ | کارمند دولت | ٢٣ | ٤٦ | ٤٧ | ٥٥ | ٥١ | ٤٨ | ٤٤ | ٤٢ | ٤٢ | ٣٧ | ٣٥ | ٣٢ | ٣٠ | ٣٧ | ٤٩ | ٥٠ | ٤٦ | ٤٠ | ٥٢ | ٤٨ |
| ٤ | روحانی | ٢٠ | ٢٤ | ٣١ | ٢٣ | ٢٤ | ٢٣ | ١٧ | ١٠ | ٩ | ٨ | ٦ | ٦ | ٦ | ٨ | ٤ | ٢ | ١١ | ٢ | — | ١ |
| ٥ | صاحب مشاغل آزاد تخصصی | ٧ | ١٩ | ١٢ | ٩ | ١٥ | ١٢ | ٩ | ١٣ | ١٦ | ١٩ | ٢ | ٢١ | ٢٣ | ٢١ | ١٩ | ١٩ | ١٩ | ١٧ | ١٩ | ٢٢ |
| ٦ | کارمند مؤسسات ملی | ٥ | ٢ | ٥ | ١ | ٢ | ٢ | ١ | ١ | ٢ | ١ | ٢ | ٢ | ٢ | ٢ | ١ | ٣ | ٣ | ٢ | ٣ | ٢ |
| ٧ | طبقهٔ پائین | — | — | — | — | ١ | ٢ | ٢ | ١ | ١ | ١ | ١ | ١ | ١ | ١ | — | — | — | — | — | ١ |

**جدول شمارهٔ ۵ وضع شغل نمایندگان در سه‌عصر مشروطیت (باعتبار یک شغلی)**

| شمارهٔ ترتیب | عصر اول مشروطیت | | عصر دوم مشروطیت | | عصر سوم مشروطیت | | ملاحظات |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | نوع مشاغل | درصد | نوع مشاغل | درصد | نوع مشاغل | درصد | |
| ۱ | کارمند دولت | ۴۴ | ملاک | ۵۷ | ملاک | ۵۷ | |
| ۲ | ملاک | ۳۹ | کارمند دولت | ۳۹ | کارمند دولت | ۴۶ | |
| ۳ | روحانی | ۲۴ | صاحبان‌مشاغل آزادتخصصی | ۱۷ | صاحبان.شاغل آزادتخصصی | ۱۹ | |
| ۴ | بازاری «تاجر،اصناف» | ۱۵ | بازاری «تاجر، اصناف» | ۱۶ | بازاری «تاجر ، اصناف» | ۱۳ | |
| ۵ | مشاغل آزاد تخصصی | ۱۲ | روحانیون | ۱۱ | روحانیون | ۴ | |
| ۶ | کارمند مؤسسات ملی | ۳ | کارمند مؤسسات ملی | ۲ | کارمند مؤسسات‌ملی | ۲ | |
| ۷ | طبقهٔ پائین | — | طبقهٔ پائین | ۱ | طبقهٔ پائین | — | |

نمودار

مشاغل نمایندگان در سه عصر مشروطیت



## جدول شمارهٔ ۶ـ وضع نمایندگان مالک در سه عصر مشروطیت

(باعتبار یک‌شغل) برحسب درصد

| شماره | نوع مشاغل | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر دوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | ملاک | ۳۹ | ۵۷ | ۵۷ |

## جدول شمارهٔ ۷ ـ وضع نمایندگان مالک در بیست دورهٔ قانونگذاری (باعتبار یک‌شغل) برحسب درصد

| نوع شغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ملاک | ۲۱ | ۳۰ | ۴۹ | ۴۵ | ۴۹ | ۵۲ | ۵۶ | ۵۹ | ۵۵ | ۵۴ | ۵۹ | ۵۸ | ۵۹ | ۵۷ | ۵۶ | ۵۷ | ۴۹ | ۶۰ | ۵۹ | ۵۸ |

میرسد که نسبت مهمی از مالکان درصف کارمند دولت بوده‌اندامااین مطلب که چنین افرادی از مالکیت بکارمندی دولت رسیده‌اند یا از طریق کارمندی دولت توانایی تحصیل و تملک املاک مزروعی را بدست آورده‌اند بدقت روشن نیست ودرفصل دیگری که دربارهٔ مشاغل پدران نمایندگان ملاک است ازآن بازسخن خواهیم گفت .

درهرصورت نسبت قابل ملاحظه ای یعنی درحدود $\frac{1}{5}$ نمایندگان مجلس در سه عصر مشروطیت ملاک وکارمند دولت بوده‌اند و درحققیت بایدگفت که این دسته مهمترین گروه مجلسیان بوده‌اند وما این مطلب را درجای خود بتفصیل یاد خواهیم کرد .

جدول شمارهٔ ۹ با تفصیل بیشتری درمورد هردورهٔ قانونگذاری نسبت مالکان صاحب مشاغل دیگر را نشان میدهد و معلوم میدارد که نسبت مالکان از دورهٔ چهارم قانونگذاری وبویژه از عصر دوم مشروطیت با استثناهای معدودی مرتب درافزایش بوده است .

ولی درموردملاکانی که درضمن کارمند دولت هم بوده‌اند بجز دردورهٔاول وتاحدودی در دورهٔ دوم که نسبت آنها چندان قابل ملاحظه نبوده است ، دردوره‌های بعد بخصوص ازآغاز دورهٔ سوم قانونگذاری روبافزایش نهاده وبیش از ۲۰ درصد را بانوسانهایی اندک تادورهٔ بیستم حفظ میکنند .

در مورد افرادی که هم ملاک وهم روحانی بوده‌اند نسبت آنها درعصر اول و دوم مشروطیت ثابت ودرحدود ۶ درصد است ولی از عصرسوم همچنانکه بجای خود خواهیم گفت همراه باکاهش عدد نمایندگان روحانی ، نسبت روحانیان مالک عضو مجلس هم تقلیل یافته است ودرمقابل نسبت ملاک وتاجر وملاک وصاحبان مشاغل آزادتخصصی روبفزونی نهاده‌است .

### جدول شمارهٔ ۸ - وضع نمایندگان مالک درسه عصر مشروطیت (باعتبار چند شغل)

برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | ملاک | ۹ | ۲۱ | ۲۳ |
| ۲ | ملاک و تاجر | ۳ | ۵ | ۵ |
| ۳ | ملاک و کارمند دولت | ۱۹ | ۱۹ | ۲۰ |
| ٤ | ملاك وصاحب مشاغل آزاد تخصصی | ۱ | ٤ | ٤ |
| ۵ | ملاک و کارمند مؤسسات ملی | ۱ | ۲ | ۲ |
| ۶ | ملاک و روحانی | ۶ | ۶ | ۲ |
| ۷ | ملاک وصاحب مشاغل آزاد تخصصی و کارمند دولت | — | — | ۱ |
| | جمع | ۳۹ | ۵۷ | ۵۷ |

جدول شمارهٔ ۹- وضع نمایندگان مالک در بیست دوره قانونگذاری (باعتبار چندشغلی) برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | ۲۱ | ۳۰ | ۴۹ | ۴۵ | ۴۹ | ۵۲ | ۵۶ | ۵۹ | ۵۵ | ۵۴ | ۵۹ | ۵۸ | ۵۹ | ۵۷ | ۵۶ | ۵۷ | ۴۵ | ۶۰ | ۵۹ | ۵۸ |
| ۱ | ملاک | ۸ | ۶ | ۶ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | ۲۲ | ۱۹ | ۲۴ | ۲۴ | ۲۶ | ۲۴ | ۲۵ | ۱۸ | ۱۸ | ۱۷ | ۲۶ | ۲۳ | ۲۹ |
| ۲ | ملاک وتاجر | ۴ | ۳ | ۱ | ۱ | ۳ | ۲ | ۵ | ۴ | ۵ | ۴ | ۶ | ۶ | ۶ | ۲ | ۴ | ۷ | ۶ | ۸ | ۵ | ۳ |
| ۳ | ملاک وکارمند دولت | ۴ | ۱۴ | ۲۸ | ۲۶ | ۲۴ | ۲۱ | ۲۴ | ۲۳ | ۲۰ | ۱۴ | ۱۶ | ۱۴ | ۱۶ | ۱۶ | ۲۵ | ۲۳ | ۱۸ | ۲۲ | ۲۴ | ۱۶ |
| ۴ | ملاک ومشاغل آزاد تخصصی | ۱ | ۱ | ۲ | — | — | ۲ | ۲ | ۳ | ۳ | ۴ | ۵ | ۵ | ۷ | ۶ | ۶ | ۴ | ۴ | ۲ | ۴ | ۵ |
| ۵ | ملاک وکارمند مؤسسات ملی | ۱ | — | ۳ | — | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۲ | ۱ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۱ | ۳ | ۳ | ۱ | ۳ | ۲ |
| ۶ | ملاک وروحانی | ۳ | ۶ | ۹ | ۶ | ۸ | ۱۰ | ۸ | ۵ | ۶ | ۶ | ۵ | ۵ | ۴ | ۶ | ۲ | ۲ | ۱ | ۱ | — | — |
| ۷ | ملاک و مشاغل آزاد تخصصی و کارمند دولت | — | — | — | — | — | ۲ | ۱ | ۱ | — | ۱ | ۱ | — | — | — | — | — | — | — | — | ۳ |
| | جمع | ۲۱ | ۳۰ | ۴۹ | ۴۵ | ۴۹ | ۵۲ | ۵۶ | ۵۹ | ۵۵ | ۵۴ | ۵۹ | ۵۸ | ۵۹ | ۵۷ | ۵۶ | ۵۷ | ۴۹ | ۶۰ | ۵۹ | ۵۸ |

**نمایندگان بازاری بازرگانان واصناف**

بارشد بورژوازی بازرگان درایران وباتوجه باین مسئله که سرمایه داران و بازاریان درانقلاب مشروطیت ایران وظیفهٔ سهمی داشته اند واز عوامل سازندهٔ آن محسوب میشوند وحتی درمجلس اول ٤۱ درصد نمایندگان را همین بازاریان و تجارتشکیل می دادند، «بموجب جدول شمارهٔ ۱۱» انتظار میرفت که این طبقه در دوره‌های بعدی مجلس وپس از برچیده شدن استبداد صغیر واستقرار نسبی مشروطیت وثبات سیاسی ایران نه تنها موقع خود را حفظ کند بلکه رشد وتوسعهٔ بیشتری یابد. ولی درضمن بررسی آمار نمایندگان مجلس درمی یابیم که نفوذ این طبقه درسیاست بجز دورهٔ اول قانونگذاری که انتخابات برطبق نظامنامهٔ طبقاتی انجام شد و سهم طبقهٔ بازاری در تهران به تنهایی بیش از ۵۰ درصد نمایندگان تعیین گردید در دوره‌های بعدی نفوذ آن گروه محدود بوده است و پس از تجدید قانون انتخابات براثر عوامل مختلف دیگر این طبقه نتوانست بقدر کافی کرسیهای مجلس را بدست آورد.

جدول شمارهٔ ۱۰ نشان میدهد که نسبت طبقهٔ تاجر در عصر دوم مشروطیت بیش از عصراول وسوم بوده است وبااینهمه بایدتوجه داشت که درمقابل این طبقه که ۱٦ درصد نمایندگان عصردوم مشروطیت را تشکیل میدهند اکثریت ازآن دوطبقهٔ ملاك و کارمند دولت بوده است.

درمجموع سه عصر مشروطیت ازنظر شمارهٔ نمایندگان مشاغل مختلف به ترتیب تقدم چنین بوده است.

نخست گروه مالکان، دوم کارمند دولت و سوم صاحبان مشاغل آزاد تخصصی، بازاریان «بازرگانان واصناف» درمرتبهٔ چهارم قرارداشته اند (بموجب جدول شمارهٔ ۵).

جدول شمارهٔ ۱۱ کاهش تدریجی گروهٔ تاجر وبازاری‌را درعصر اول مشروطیت تا پیش از آغاز عصر دوم مشروطیت نمودار میسازد چرا که نسبت گروه مذکور از ٤۱ درصد در دورهٔ اول قانونگذاری به ٤ درصد دردورهٔ پنجم که سرآغاز عصر دوم مشروطیت و مقارن فرمانروایی رضاشاه فقید بوده است میرسد.

جدول شمارهٔ ۱۲ که براساس تفکیک مشاغل هرفرد تنظیم شده است همان نمودار جدول شمارهٔ ۱۰ را درمورد افزایش نسبت بازرگانان در ادوار قانونگذاری عصردوم مشروطیت نسبت بعصر اول وسوم نشان میدهد.

با اینهمه دراین مورد تفاوتی میان دو جدول وجود دارد که درعصر اول مشروطیت قسمت سهمی از بازاریان درشمار اصناف نیزهستند وبعبارت دیگر ازکسبه‌اند و درطی سه عصر

**جدول شمارهٔ ۱۰ - وضع نمایندگان بازاری (بازرگانان واصناف) در سه عصر مشروطیت (باعتبار یک‌شغلی) برحسب درصد**

| شمارهٔ | نوع شغل | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | بازاری «تاجر ، اصناف» | ۱۵ | ۱۶ | ۱۳ |

**جدول شمارهٔ ۱۱- وضع نمایندگان بازاری (بازرگانان واصناف) دربیست دورهٔ قانونگذاری (باعتبار یک‌شغلی) برحسب درصد**

| نوع شغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| بازاری «تاجر ، اصناف» | ۴۱ | ۱۰ | ۷ | ۹ | ٤ | ۷ | ۱۶ | ۱۵ | ۲۰ | ۱۹ | ۱۸ | ۱۸ | ۱۸ | ۱۳ | ۱۵ | ۱۳ | ۹ | ۱۸ | ۱۱ | ۸ |

**جدول شمارهٔ ۱۲ ـ وضع نمایندگان بازاری** (بازرگانان و اصناف)

**درسه‌عصر مشروطیت** (باعتبار چندشغلی) برحسب درصد

| شماره ترتیب | نوع شغل | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر دوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | تاجر | ۵ | ۱۰ | ۷ |
| ۲ | « وکارمنددولت | ۱ | — | ۱ |
| ۳ | « وملاك | ۳ | ۵ | ۵ |
| ٤ | اصناف | ٦ | ۱ | — |
| | جمع | ۱۵ | ۱٦ | ۱۳ |

مشروطیت بتدریج نسبت بیشتری از بازرگانان درعین اشتغال به‌تجارت شاغل مالکیت نیز هستند و این سوافق بانظریهٔ میس‌لمتون است که درگذشته بآن اشاره کرده‌ایم .

جدول شمارهٔ ۱۳ با تفصیل بیشتری نسبت تجاری راکه درضمن صاحب‌مشاغل دیگر هستند نشان میدهد و روشن میسازد که نسبت افراد تاجر از عصر دوم مشروطیت بطور منظم روبافزایش میباشد و این نسبت در ادوار عصر سوم مشروطیت گرچه بطور قابل ملاحظه‌ای روبه کاهش می‌گذارد ولی نسبت بعصر اول (بجز دورهٔ اول قانونگذاری) بیشتر است ، نسبت بازرگانانی که بمشاغل دیگری‌ازقبیل کارمندی دولت‌وشغل‌آزاد تخصصی‌وجزاینهامی پرداخته‌اند ناچیز است .

بررسی جدول شمارهٔ ۲ و ٤ نشان می‌دهد که طبقهٔ بازرگانان نتوانسته‌اند بیش از $\frac{۱}{٦}$ کرسیهای مجلس‌را در ادوار مختلف قانونگذاری اشغال کنند .

نکتهٔ شایان‌توجه اینست که‌ازهنگامی که نظامنامهٔ‌انتخابات‌شیوهٔ صنفی‌رافروسی گذارد نسبت اصناف وپیشه‌وران درمجلس کاهش می‌یابد چنانکه بگواهی جدول شمارهٔ ۲ دردورهٔاول ٦ ۲درصد مجلسیان ازاصناف بودند درحالی که در ادوار بعد از جمله اواخر عصردوم مشروطیت فردی بعنوان پیشه‌ور و کاسب نتوانسته است به‌مجلس راه‌یابد .

**جدول شماره ۱۳ - وضع نمایندگان‌بازاری (بازرگانان واصناف) دربیست‌دورهٔ قانونگذاری (باعتبار چندشغلی) برحسب درصد**

| شماره ترتیب | نوع مشاغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | ۴۱ | ۱۰ | ۷ | ۹ | | ۷ | ۱۶ | ۱۵ | ۲۰ | ۱۹ | ۱۸ | ۱۸ | ۱۸ | ۱۳ | ۱۵ | ۱۳ | ۹ | ۱۸ | ۱۱ | ۸ |
| ۱ | تاجر | ۱۰ | ۵ | ۳ | ۶ | — | ۴ | ۸ | ۱۰ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۰ | ۱۰ | ۵ | ۳ | ۱۰ | ۶ | ۴ |
| ۲ | تاجر و کارمند دولت | ۱ | ۲ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | — | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | — | ۱ | ۱ | ۱ | — | — | — | ۱ |
| ۳ | اصناف | ۲۶ | — | ۲ | ۱ | — | — | ۲ | ۱ | ۱ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — |
| ۴ | تاجر و ملاک | ۴ | ۳ | ۱ | ۱ | ۳ | ۲ | ۵ | ۴ | ۵ | ۴ | ۶ | ۶ | ۶ | ۲ | ۴ | ۷ | ۶ | ۸ | ۵ | ۳ |
| | جمع | ۴۱ | ۱۰ | ۷ | ۹ | ۴ | ۷ | ۱۶ | ۱۵ | ۲۰ | ۱۹ | ۱۸ | ۱۸ | ۱۸ | ۱۳ | ۱۵ | ۱۳ | ۹ | ۱۸ | ۱۱ | ۸ |

بررسی جدولهای فوق بخوبی نظریهٔ انحراف مسیر انقلاب ملی ایران را از جنبش بورژوازی ضد فئودالی نشان میدهد وهمچنین باصراحت کامل نظریهٔ قبلی مارا تأیید میکند که درجریان مبارزه چگونه طبقهٔ بورژوا تحت تأثیر عوامل مختلفی از نظر سیاسی ضعیف گردید و این ضعف موجبات تقویت طبقهٔ مالک و عناصر وابسته بآن را بیش از پیش فراهم کرد ودست طبقات متوسط بخصوص بورژوازی تاجر و خرده بورژوازی (اصناف وپیشه‌وران) را ازعرصهٔ سیاست وادارهٔ حکومت ملی کوتاه ساخت .

**نمایندگان کارمند دولت**

درعصر اول مشروطیت ( جز دورهٔ اول قانونگذاری که غلبه بااصناف میباشد) مجلس تابع کارمندان دولت‌است واینان ٤٤ درصدنمایندگان مجلس شورای ملی‌را تشکیل میدهند (جدول شمارهٔ ٥) .

جدول شمارهٔ ١٤ درضمن تأیید مطالب فوق این نکته‌را آشکارمیسازد که نسبت کارمندان دولت درعصر دوم مشروطیت که مصادف باسلطنت اعلیحضرت رضاشاه فقید است نسبت بدوعصر اول وسوم مشروطیت کمتر ودرحدود ٣٩ درصد است وحال آنکه درعصر اول وسوم مشروطیت این نسبت بالغ بر ٤٤ و ٤٦ درصد است .

درمورد عصر اول مشروطیت ، همچنانکه در بخش اول این مجموعه اشاره کردیم نهضت مشروطیت برهبری وپشتیبانی طبقاتی خاص ازآنجمله اقلیت تحصیل کرده وآشنا بمدنیت غربی وآگاه‌باصول حکومت‌مشروطه بوجودآمد. دراینجا اگر این نکته را بپذیریم که کارمندان دولت واغلب مستوفیان درآن روزگاران اکثریت طبقهٔ باسوادرا تشکیل میداده‌اند سخن گزافی نخواهد بود . پس باید افزونی نسبت کارمندان دولت‌را درعصر اول مشروطیت بعلت دانایی و رشد سیاسی این طبقه بدانیم . واما درمورد عصر سوم مشروطیت که نسبت کارمندان دولت به‌وجه قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است جای تعجب نیست زیرا سازمانهای اداری که در زمان اعلیحضرت فقید بوجود آمد بتدریج توسعه یافت و رفته رفته گروه اداری به عنوان قدرت قابل ملاحظه و گروه ذینفوذ درصحنهٔ سیاست پدیدآمد. گذشته ازاین کارمندان دولت‌بانزدیکی بمنبع قدرت در پاره‌ای از دوره‌های مختلف انتخابات میتوانستند بآسانی خود را بنمایندگی مجلس برسانند .

جدول تفصیلی شمارهٔ ١٥ تحول واختلاف نسبتهارا درادوار بیستگانهٔ مجلس شورای ملی نشان میدهد . جدول شمارهٔ ١٦ مربوط به کارمندانی است که درحین کارمندی دولت

### جدول‌شمارهٔ ۱۴ - وضع نمایندگان کارمند دولت

### درسه عصر مشروطیت (باعتبار یک‌شغلی) برحسب درصد

| شمارهٔ | نوع مشاغل | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | کارمند دولت | ۴۴ | ۳۹ | ۴۶ |

### جدول شمارهٔ ۱۵ - وضع نمایندگان کارمند دولت دربیست دورهٔ قانونگذاری (باعتبار یک‌شغلی) برحسب درصد

| نوع مشاغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| کارمند دولت | ۲۳ | ۴۷ | ۴۷ | ۵۵ | ۵۱ | ۴۸ | ۴۴ | ۴۲ | ۴۲ | ۳۷ | ۳۵ | ۳۲ | ۳۰ | ۳۷ | ۴۹ | ۵۰ | ۴۶ | ۴۹ | ۵۲ | ۴۸ |

به‌مشاغل دیگرهم اشتغال داشته‌اند ویا ازمنابع مختلف دیگری امرار معاش می کرده‌اند. این جدول نشان میدهد که نسبت کارمندان دولت که در عین حال ملاك هم بوده‌اند درسه عصر مشروطیت درحدود ۱۹ تا ۲۰ درصد ونسبت کارمندان دولت بدون‌شغل دیگر درحدود ۱۸ درصد است وحال آن که نسبت کارمندانی که دارای مشاغل دیگر بوده‌اند ناچیز است .

**جدول شمارهٔ ۱۶- وضع نمایندگان کارمنددولت درسه‌عصر مشروطیت**

(باعتبار چند شغلی) برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | عصراول مشروطیت | عصردوم مشروطیت | عصرسوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | کارمند دولت | ۱۸ | ۱٤ | ۱۹ |
| ۲ | « وصاحب مشاغل آزادتخصصی | ۲ | ٤ | ٥ |
| ۳ | « و « و ملاک | — | ۱ | ۱ |
| ٤ | « و ملاك | ۱۹ | ۱۹ | ۲۰ |
| ٥ | « و تاجر | ۱ | — | ۱ |
| ٦ | « و روحانی | ٤ | ۱ | — |
| | جمع | ٤٤ | ۳۹ | ٤٦ |

افرادی که علاوه برکارمندی دولت بشغل آزاد تخصصی از قبیل پزشکی و روزنامه‌نگاری وجزاینها پرداخته‌اند اگرچه‌نسبتشان درسه عصر مشروطیت بتدریج افزایش یافته واز ۲ درصد به ٥ درصد رسیده است بااینهمه رقم ناچیزی‌را تشکیل میدهند .

جدول شمارهٔ ۱۷ مربوط به کارمندان دولت دربیست دورهٔ قانونگذاری حاکی از آن است که نسبت کارمندان دولت وملاك از دورهٔ سوم قانونگذاری برکارمند دولت بطور مطلق فزونی میگیرد .

رقم جالب‌توجه دراین جدول مربوط به‌دسته‌ای ازکارمندان دولت است که درضمن شغل روحانیت برای آنها ذکرشده است. گویا این گروه نخست روحانی بوده و بعد بکارمندی دولت روی آورده‌اند و چون مادرباره همهٔ مشاغل نمایندگان مجلس پیش از وکالت‌بپرسش و تحقیق پرداختیم چنین نتیجه بدست آمده است .

## جدول شماره ۱۷- وضع شغل نمایندگان کارمند دولت در بیست دورهٔ قانونگذاری (باعتبار چند شغلی) برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | ۲۳ | ۴۷ | ۴۷ | ۵۵ | ۵۱ | ۴۸ | ۴۴ | ۴۲ | ۴۲ | ۳۷ | ۳۵ | ۳۲ | ۳۰ | ۳۷ | ۴۹ | ۵۰ | ۴۶ | ۴۰ | ۵۲ | ۴۸ |
| ۱ | کارمند دولت | ۱۶ | ۲۴ | ۱۳ | ۲۱ | ۱۸ | ۲۰ | ۱۶ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۱ | ۱۲ | ۴۲ | ۱۴ | ۱۸ | ۲۲ | ۲۳ | ۱۴ | ۲۰ | ۲۱ |
| ۲ | « ومشاغل آزاد تخصصی | — | ۲ | ۲ | ۴ | ۲ | ۳ | ۲ | ۳ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۱۴ | ۴ | ۳ | ۴ | ۵ | ۴ | ۸ | ۷ |
| ۳ | « مشاغل آزاد وملاک | — | — | — | — | — | ۲ | ۱ | ۱ | — | ۱ | ۱ | — | ۱۳ | — | — | — | — | — | — | ۳ |
| ۴ | « وتاجر | ۱ | ۲ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | — | ۱ | ۱ | ۱ | — | ۶ | ۱ | ۱ | ۱ | — | — | — | ۱ |
| ۵ | « . و روحانی | ۲ | ۵ | ۳ | ۳ | ۶ | ۱ | — | ۲ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱۹ | ۲ | ۲ | — | — | — | — | — |
| ۶ | « و ملاک | ۴ | ۱۴ | ۲۸ | ۲۶ | ۲۴ | ۲۱ | ۲۴ | ۲۳ | ۲۰ | ۱۴ | ۱۶ | ۱۵ | ۱ | ۱۶ | ۲۵ | ۲۳ | ۱۸ | ۲۲ | ۲۴ | ۱۶ |
| | جمع | ۲۳ | ۴۷ | ۴۷ | ۵۵ | ۵۱ | ۴۸ | ۴۴ | ۴۲ | ۴۲ | ۳۷ | ۳۵ | ۳۲ | ۳۰ | ۳۷ | ۴۹ | ۵۰ | ۴۶ | ۴۰ | ۵۲ | ۴۸ |

درمورد کارمندانی که صاحب شغل آزاد وملاك قلمداد شده‌اند عدد آنها بسیاراندك وبی اهمیت است چنانکه میتوان از احتساب آن صرف نظر کرد .

ناگفته نماند که بیش از ۱۰ درصد مجموع نمایندگان مجلس به مقام وزارت نیز رسیده‌اند . اما این مطلب درخور تفصیل بیشتر است وما درتحقیق دیگری که دربارهٔ کابینه های ایران از صدر مشروطیت تا عصر حاضر آغاز کرده‌ایم بدان خواهیم پرداخت .

**نمایندگان روحانی**

درفصل چهارم ازبخش اول این مجموعه بیان داشتیم که روحانیان وبازاریان دوعامل مؤثر انقلاب ودرواقع گردانندگان جنبش مشروطیت بوده‌اند . بااینهمه همچنانکه طبقهٔ بورژوازی تاجر واصناف درصحنهٔ پارلمان سهم بسزایی بدست نیاوردند، روحانیان نیز جز در عصر اول مشروطیت که درحدود $\frac{1}{4}$ کرسیهای مجلس را بدست آوردند در دوعصر بعدی مشروطیت بخصوص در دورهٔ دمکراسی جدید بطور محسوس کاهش عددی پیدا کردند .

جدول شمارهٔ ۱۸ نشان میدهد که این نسبت از ۲٤ درصد در عصر اول مشروطیت به ۱۱ درصد در عصر دوم و ۳ درصد در عصرسوم مشروطیت میرسد . کاهش نسبت روحانیان بموجب جدول شمارهٔ ۱۹ از دورهٔ چهارم قانونگذاری شروع میشود وسپس بطور منظم ادامه می‌یابد درحالی که در دورهٔ سوم قانونگذاری نزدیک به **یک‌سوم** نمایندگان از زمرهٔ روحانیان هستند ، این نسبت درپایان عصر دوم مشروطیت به یک‌ششم ودر دورهٔ نوزدهم وبیستم به کمتر **از یک‌صدم** تنزل می‌یابد .

دورهٔ استثنایی در ادوار اخیر قانونگذاری دورهٔ هفدهم است که نظر به وضع خاص سیاسی کمک به افزایش نسبت روحانیان به بیش از ۱۱ درصد کرده‌است . درمورد افزایش گروه روحانیان درعصر اول مشروطیت باید درنظرداشت که این گروه درآن زمان از مقبولیت ومحبوبیت بسیار در نزد عامهٔ مردم بهره‌مند بوده . بطور کلی هرگاه انتخابات تحت رهبری گروههای مختلف صاحب وجههٔ ملی اداره میشده، ترکیب طبقاتی نمایندگان متمایز از زمانی بوده است که دارای ثبات سیاسی وتمرکز قدرت هیأت حاکمه بوده است .

واما درمورد افزایش قابل ملاحظه نسبت روحانی درمجلس سوم و اینکه دورهٔ اول و دوم قانونگذاری از لحاظ نسبت روحانی کمتر ازدورهٔ سوم است میتوان چنین تفسیر کرد که دورهٔ اول قانونگذاری نظامنامهٔ انتخابات به موجب مادهٔ ٦، انتخابات را درطبقات خاصی محدود ساخته وسهم طبقهٔ روحانی را درمرکز به $\frac{1}{15}$ معین کرده است و در دورهٔ دوم قانونگذاری نیز

### جدول شمارهٔ ۱۸- وضع نمایندگان روحانی در سه عصر مشروطیت

(باعتبار یک شغلی) برحسب درصد

| شمارهٔ | نوع شغل | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | روحانی | ۲۴ | ۱۱ | ۳ |

### جدول شمارهٔ ۱۹- وضع نمایندگان روحانی در بیست دورهٔ قانونگذاری (باعتبار یک شغلی) برحسب درصد

| نوع شغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| روحانی | ۲۰ | ۲۵ | ۳۱ | ۲۳ | ۲۴ | ۲۳ | ۱۷ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۶ | ۶ | ۶ | ۸ | ۴ | ۲ | ۱۱ | ۲ | — | ۱ |

به‌موجب اصل دوم متمم قانون اساسی، روحانیان بعنوان نظارت در وضع قوانین مصوب مجلس، ـ ونه بعنوان وکیل منتخب ـ در جلسات حاضر میشدند و بدین وسیله تسلط خود را برقوهٔ قانونگذاری تحمیل می کردند. ولی در دورهٔ سوم نظر برفع محدودیت و لغو سهم بندی طبقاتی وبراثر شرکت آزادانهٔ تودهٔ مردم در انتخابات وشرایط زمان، نسبت روحانی بطور فاحش مساعدتر گردید ودرحدود ۳۱ درصد نمایندگان مجلس از روحانیان تشکیل شد چنانکه جدول شمارهٔ ۱۹ نشان میدهد هیچیک از ادوار قانونگذاری از لحاظ نسبت روحانی به پایهٔ دورهٔ سوم نمیرسد.

واما درمورد جمع چندشغل چنانکه درجدول شمارهٔ ۲۰ و ۲۱ دیده میشود روحانیان اغلب بمشاغل دیگری نپرداخته واگرهم پرداخته‌اند دردرجهٔ اول ملکداری بوده است وچون این دوامر مانعةالجمع نیست. دردرجهٔ بعد روحانیان کارمند دولت هستند که بظاهر همچنانکه دربحث ازکارمند دولت سخن رفت. ظاهراً از روحانیت بکارمندی دولت روی آورده‌اند.

**جدول شمارهٔ ۲۰ ـ وضع نمایندگان روحانی درسه عصر مشروطیت**

(باعتبار چند شغلی) برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | نوع شغل | عصراول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | روحانی | ۱۴ | ۴ | ۲ |
| ۲ | « وکارمند دولت | ۴ | ۱ | — |
| ۳ | « وصاحبان مشاغل آزاد تخصصی | — | — | — |
| ۴ | « وملاك | ۶ | ۶ | ۲ |
| | جمع | ۲۴ | ۱۱ | ۴ |

جدول شمارهٔ ۲۱-وضع نمایندگان روحانی در بیست دورهٔ قانونگذاری ( باعتبار چندشغلی ) برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | ۲۰ | ۲۵ | ۳۱ | ۲۳ | ۲۴ | ۲۳ | ۱۷ | ۱۱ | ۹ | ۸ | ۶ | ۶ | ۶ | ۸ | ۴ | ۲ | ۱۱ | ۲ | — | ۱ |
| ۱ | روحانی | ۱۴ | ۱۴ | ۱۸ | ۱۴ | ۱۰ | ۱۲ | ۹ | ۴ | ۲ | ۱ | — | — | ۱ | — | — | — | ۱۰ | ۱ | — | ۱ |
| ۲ | « وکارمند دولت | ۲ | ۵ | ۳ | ۳ | ۶ | ۱ | — | ۲ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۲ | ۲ | — | — | — | — | — |
| ۳ | « و صاحبان مشاغل آزاد تخصصی | ۱ | — | ۱ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — |
| ۴ | « و ملاک | ۳ | ۶ | ۹ | ۶ | ۸ | ۱۰ | ۸ | ۵ | ۶ | ۶ | ۵ | ۵ | ۴ | ۶ | ۲ | ۲ | ۱ | ۱ | — | — |
| | جمع | ۲۰ | ۲۵ | ۳۱ | ۲۳ | ۲۴ | ۲۳ | ۱۷ | ۱۱ | ۹ | ۸ | ۶ | ۶ | ۶ | ۸ | ۴ | ۲ | ۱۱ | ۲ | — | ۱ |

**نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی**

سهم این گروه درعصر اول مشروطیت نسبت بعصر دوم و سوم اندک میباشد. جدول تفصیلی شمارهٔ ۲۳ نشان میدهد که بخصوص در دورهٔ اول قانونگذاری این افراد درمقابل بازرگانان واصناف و کارمندان دولت نسبت ناچیزی دارند وبیش از ۷ درصد مجموع نمایندگان را تشکیل نمیدهند ولی از دورهٔ دوم ببعد باجزئی نوسانهایی نسبت آنان روبافزایش میگذارد. چنانکه در دورهٔ اخیر به بیش از ۲۰ درصد میرسد و در دورهٔ بیستم درحدود $\frac{1}{8}$ کرسیهای مجلس را بدست می‌آورند.

جدول شمارهٔ ۲۲ این تحول را در سه‌عصر مشروطیت نمودار میسازد ومیتوان گفت که عصر سوم مشروطیت بیش از دوعصر دیگر برای این گروه مساعد بوده است. با اینهمه جدول شمارهٔ ۲ نمودار آن است که این گروه در دورهٔ دوم قانونگذاری نسبت بتمام ادوار بیستگانهٔ مجلس وضع بهتری داشته‌اند، وپس از طبقهٔ کارمند دولت که اکثریت مجلس را داشتند این گروه قرار گرفته بود و ۱۶ درصد نمایندگان مجلس را تشکیل می‌دادند.

جدول شمارهٔ ۲۴ حاکی ازآن است که نسبت دارندگان شغل آزاد تخصصی درعصر دوم مشروطیت کمتر از دو عصر اول وسوم میباشد ونسبت صاحبان مشاغل آزادی که بملکداری و کارمندی دولت هرسه می‌پرداخته‌اند درعصر دوم وسوم مشروطیت نسبت بعصر اول افزایش قابل ملاحظه‌ای می‌یابد.

**جدول شمارهٔ ۲۲ - وضع نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی**
**در سه عصر مشروطیت** (باعتبار یک‌شغلی) برحسب درصد

| شماره | نوع مشاغل | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر دوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | مشاغل آزاد تخصصی | ۱۲ | ۱۷ | ۱۹ |

جدول شمارهٔ ۲۳ - وضع نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی در بیست دورهٔ قانونگذاری (باعتبار یک شغلی) برحسب درصد

| نوع شغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| مشاغل آزاد تخصصی | ۷ | ۱۹ | ۱۲ | ۹ | ۱۵ | ۱۲ | ۹ | ۱۳ | ۱۶ | ۱۹ |

| نوع شغل | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| مشاغل آزاد تخصصی | ۲۱ | ۲۱ | ۲۳ | ۲۱ | ۱۹ | ۱۹ | ۱۹ | ۱۶ | ۱۹ | ۲۲ |

جدول شمارهٔ ۲۴ - وضع نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی

درسه عصر مشروطیت (باعتبار چند شغلی) برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | صاحب مشاغل آزاد تخصصی | ۹ | ۸ | ۹ |
| ۲ | « « وملاك | ۱ | ٤ | ٤ |
| ۳ | « « وکارمند دولت | ۲ | ٤ | ۵ |
| ٤ | « « مؤسسات ملی | — | — | — |
| ۵ | « « و روحانی | — | — | — |
| ٦ | « « وملاك و کارمند دولت | — | ۱ | ۱ |
| | جمع | ۱۲ | ۱۷ | ۱۹ |

## جدول شمارهٔ ۲۵- وضع نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی در بیست دورهٔ قانونگذاری (باعتبار چندشغلی) برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | ۷ | ۱۹ | ۱۲ | ۹ | ۱۵ | ۱۲ | ۹ | ۱۳ | ۱۶ | ۱۹ | ۲۲ | ۲۱ | ۲۳ | ۲۱ | ۱۹ | ۱۹ | ۱۹ | ۱۷ | ۱۹ | ۲۲ |
| ۱ | مشاغل آزاد تخصصی | ۵ | ۱۶ | ۶ | ۴ | ۱۲ | ۴ | ۴ | ۶ | ۶ | ۸ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۰ | ۱۰ | ۷ | ۷ |
| ۲ | « و کارمند مؤسسات ملی | — | — | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | ۱ | — | — |
| ۳ | « و کارمند دولت | — | ۲ | ۲ | ۴ | ۲ | ۳ | ۲ | ۳ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۴ | ۴ | ۳ | ۴ | ۵ | ۴ | ۸ | ۷ |
| ۴ | « وملاك و کارمند دولت | — | — | — | — | — | ۲ | ۱ | ۱ | — | ۱ | ۱ | — | — | — | — | — | — | — | — | ۳ |
| ۵ | « وملاك | ۱ | ۱ | ۲ | — | — | ۲ | ۲ | ۳ | ۳ | ۴ | ۵ | ۵ | ۷ | ۶ | ۶ | ۴ | ۴ | ۲ | ۴ | ۵ |
| ۶ | « و روحانی | ۱ | — | ۱ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — |
| | جمع | ۷ | ۱۹ | ۱۲ | ۹ | ۱۵ | ۱۲ | ۹ | ۱۳ | ۱۶ | ۱۹ | ۲۲ | ۲۱ | ۲۳ | ۲۱ | ۱۹ | ۱۹ | ۱۹ | ۱۷ | ۱۹ | ۲۲ |

جدول تفصیلی شمارهٔ ۲۵ تحول هریک ازاین نسبتهارا در ادوار مختلف مجلس آشکار می‌سازد . بطور کلی درحدود ۷۵ درصد صاحبان مشاغل آزاد تخصصی درعصر اول مشروطیت مشاغل دیگری نداشته وتنها ازیک منبع امرارمعاش می کرده‌اند ودرعصر دوم وسوم است که قسمت مهمی از نمایندگان صاحب شغل‌آزاد تخصصی درعین‌حال دارای مشاغل دیگری‌ازجمله مالک و کارمند دولت بوده‌اند . درمورد مالکیت بدیهی است که با مشاغل آزاد تخصصی مانعةالجمع نیست و درمورد کارمندی دولت درموارد استثنایی مانند روزنامه‌نگاری و طبابت هردوشغل باهم جمع بوده است .

**نمایندگان کارمند مؤسسات‌ملی‌وغیردولتی**

جدول شمارهٔ ۲۶ نسبت کارمندان مؤسسات ملی‌را درسه‌عصرمشروطیت نشان میدهد وجدول شمارهٔ ۲۷ مربوط به‌نسبت این گروه دربیست‌دورهٔ قانونگذاری چنین نمودار می‌سازد که کارمندان بنگاههای ملی‌درتمام ادوار مجلس جز دورهٔ اول ودوم که درحدود ۵ درصد نمایندگان‌را تشکیل می‌دادند، درمقابل طبقهٔ کارمندان دولت که سهم ممتازی را دراحراز کرسیهای مجلس داشته‌اند نسبت ناچیزی دارند .

چنانکه جدول شمارهٔ ۲۸ آشکار میدارد درمیان این افراد نسبت کسانی که بملکداری نیز اشتغال داشته‌اند بیش ازکارمندان مؤسسات ملی بدون شغل دیگر وهمچنین بیش‌از آنهایی است که بمشاغل آزاد تخصصی می‌پرداخته‌اند .

## جدول شمارهٔ ۲۶ - وضع نمایندگان کارمند مؤسسات ملی وغیر دولتی

(باعتبار یک‌شغلی) **درسه عصرمشروطیت** برحسب درصد

| شمارهٔ | نوع شغل | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | کارمندان مؤسسات ملی‌وغیر دولتی | ۳ | ۲ | ۲ |

## جدول شمارهٔ ۲۷ - وضع نمایندگان کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی دربیست دورهٔ قانونگذاری (باعتبار یک‌شغلی) برحسب درصد

| نوع شغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| کارمندان مؤسسات ملی‌وغیردولتی | ۵ | ۲ | ۵ | ۱ | ۲ | ۲ | ۱ | ۱ | ۲ | ۱ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۱ | ۳ | ۳ | ۲ | ۳ | ۲ |

**جدول شمارهٔ ۲۸ - وضع نمایندگان کارمند مؤسسات ملی وغیر دولتی**
**درسه عصر مشروطیت** (باعتبار چند شغلی) برحسب درصد

| شماره ترتیب | نوع مشاغل | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | کارمندمؤسسات‌ملی‌وغیردولتی | ۲ | — | — |
| ۲ | « ومشاغل آزاد تخصصی | — | — | — |
| ۳ | « وملاک | ۱ | ۲ | ۲ |
| | جمع | ۳ | ۲ | ۲ |

جدول تفصیلی شمارهٔ ۲۹ مربوط به‌نمایندگان کارمند بنگاههای ملی و غیر دولتی بطور محسوسی‌این مطلب را درهریک از ادوار بیستگانهٔ مجلس معلوم میدارد.

**طبقهٔ پائین**

این افراد جز درادوار عصر دوم مشروطیت آنهم با اقلیت اندکی نتوانستند کرسیهای مجلس را اشغال کنند.

جدول تفصیلی شمارهٔ ۳۰ وجدول شمارهٔ ۳۱ نمودار نمایندگانی است که ازطبقهٔ پائین به‌وکالت‌رسیده‌اندومعلوم میدارد که‌درعصر اول‌وسوم مشروطیت جز دورهٔ اول‌قانونگذاری ودورهٔ چهاردهم وبیستم این‌طبقه درمجلس جا و منزلتی نداشته‌اند بطورکلی اگر شغل را نمایندهٔ طبقهٔ اجتماعی‌فردتلقی کنیم‌ودرنظرآریم که همهٔ‌مالکان‌وقسمتی‌ازکارمندان‌و بازرگانان‌وصاحبان‌مشاغل آزادتخصصی‌بطورمسلم‌درزمرهٔ‌طبقات‌ممتاز ومتوسط‌بوده‌اندبایدبپذیریم که‌نسبت کمی‌ازنمایندگان مجلس ازطبقهٔ پایین‌اجتماع برخاسته‌اند واین‌مطلب با تحقیقی که دربارهٔ شغل پدران‌نمایندگان شده است تأیید می‌گردد. (رجوع شود به‌فصل چهارم) ازهمین بخش.

جدول شمارهٔ ۲۹-وضع نمایندگان کارمند مؤسسات ملی وغیر دولتی در بیست دورهٔ قانونگذاری (باعتبار چندشغلی) برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | ۵ | ۲ | ۵ | ۱ | ۲ | ۲ | ۱ | ۲ | ۲ | ۱ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۱ | ۳ | ۳ | ۲ | ۳ | ۲ |
| ۱ | کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی | ٤ | ۲ | ۱ | — | — | — | — | ۱ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — |
| ۲ | « و مشاغل آزاد تخصصی | — | — | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | ۱ | — | — |
| ۳ | کارمندان مؤسسات ملی وغیردولتی و ملاک | ۱ | — | ۳ | — | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۲ | ۱ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۱ | ۳ | ۳ | ۱ | ۳ | ۲ |
| | جمع | ۵ | ۲ | ۵ | ۱ | ۲ | ۲ | ۱ | ۲ | ۲ | ۱ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۱ | ۳ | ۳ | ۲ | ۳ | ۲ |

جدول شمارهٔ ۳۰ـ وضع نمایندگان از طبقهٔ پایین در بیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

| نوع شغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| طبقهٔ پائین | — | — | — | — | ۱ | ۲ | ۲ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | — | — | — | — | — | ۱ |

جدول شمارهٔ ۳۱ـ وضع نمایندگان از طبقهٔ پایین

درسه عصر مشروطیت برحسب درصد

| شمارهٔ | نوع شغل | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | طبقهٔ پائین | — | ۱ | — |

## فصل دوم

# تحصیلات نمایندگان و تحول آن در بیست دورهٔ

### قانونگذاری

**توضیحات مقدماتی**

تعیین دقیق نوع و میزان تحصیلات نمایندگان از آنجا که مدارك و اسنادی در دست نبود و اطلاعات در این زمینهٔ بخصوص، تنها از راه مصاحبه و کسب اطلاع از مطلعین و درپاره‌ای موارد از طریق ملاحظهٔ بیوگرافی نمایندگان در چند کتاب معدود بدست آمد، طبعاً امری دشوار بود و بویژه در مورد نمایندگان دوره‌های اول و تحصیل کردگان مدارس قدیم این مشکل بیشتر دیده میشد.

برای تعیین و ارزش یابی سطح تحصیلات نمایندگانی که دارای تحصیلات کلاسیك نبوده و معلومات قدیمه داشتند بنکات زیر توجه شد.

۱- تحصیل در مکتبخانه‌ها را در این تحقیق معادل دورهٔ دبستانی امروز بحساب آوردیم (تحت عنوان معلومات متعارف).

۲- تحصیل در مدارس قدیم: گروهی در رشته‌های فقه و حکمت قدیم و ادبیات و جز اینها بتحصیل می‌پرداخته‌اند و مراحل مختلفی را در هریك از رشته‌های مزبور طی نموده‌اند که اگر آن را با مراحل تحصیلات کلاسیك جدید بسنجیم نتیجهٔ زیر بدست خواهد آمد.

الف- تحصیل کردگانی که علاوه بر ادبیات عرب در فقه و اصول و کلام و حدیث و رجال متون را میدیدند و از سطح میگذشتند و درس خارج (اصول) را نیز در نزد مجتهدان فرامیگرفتند و بدرجهٔ اجتهاد میرسیدند ما این پایه را معادل دکترا (حقوق) منظور داشتیم.

ب - آن دسته از طالبان علم را که پس از فرا گرفتن زبان و ادبیات عرب در رشته حکمت قدیم و عرفان بمرحلهٔ نهایی میرسیدند، پایهٔ تحصیلات آنان را معادل دکترا (فلسفه) بشمار آوردیم.

ج - آن دسته که پس از فرا گرفتن مقدمات زبان عربی و فارسی، ادبیات عرب و فارسی را

بکمال فرا می گرفتند و ادیب خوانده می شدند، درجهٔ تحصیلات آنان را معادل دکترای دانشگاهی (در رشتهٔ ادبیات) بحساب آوردیم .

د ـ آن دسته ازطالبان علم که درمدارس قدیم در رشته های مذکور درفوق معلوماتی درحدود دانشکدهٔ معقول ومنقول بدست می آوردند ویا کسانی که دررشتهٔ ریاضیات ونجوم وهیئت و یا طب قدیم مطالعات خود را بدرجه‌ای از نهایت میرساندند تحصیلات آنان را معادل درجهٔ لیسانس امروز بحساب آوردیم .

هـ ـ آن گروهی که پس از فرا گرفتن مقدمات ادبیات عرب دررشته های وعظ و مذکری (حدیث و تاریخ انبیاء و ادیان) تخصص می یافتند و بوعظ می پرداختند ، ماسیزان تحصیلات این گروه وآن دسته‌ای که تنها مقدماتی از ادبیات عرب و اندکی فارسی را تحصیل می کردند معادل دورهٔ کامل متوسطه منظور کردیم .

باتوجه بمقدمات مذکور مااز اصطلاح وعرف اساتید دانشکدهٔ معقول ومنقول که درجهٔ اجتهادرا معادل دکترا می دانند ویکدرجه پایین تر از آن را درجهٔ مدرسی (معادل حدودلیسانس می خوانند) وسطح را معادل با دیپلمهٔ کامل امروز محسوب می دارند استفاده کرده‌ایم .

**تحصیلات عالی دکترا ـ اجتهاد ـ لیسانسیه ومدرسی**

پیش از دوره‌ای که آن را بنام عصر دوم مشروطیت خوانده‌ایم (پیش از دوران سلطنت اعلیحضرت رضاشاه فقید) تحصیلات عالی در ایران بصورت قدیم صورت می گرفت ، تنها دارالفنون بود که ازسال ۱۲۶۸ هـ ـ ق . بجدیت میرزا تقی‌خان امیر کبیر تأسیس شدودررشته های مختلف، فنون نظامی، مهندسی پزشکی ، داروسازی ، کان‌شناسی ، تحصیلات عالی جدیدرا بجوانان می آموخت .

دانشگاه تهران بموجب قانون تأسیس دانشگاه در عصر دوم مشروطیت بتاریخ ۸ خرداد ۱۳۱۳ بتصویب نمایندگان دورهٔ نهم مجلس شورای ملی رسیدودرتاریخ ۱۵ بهمن ماه ۱۳۱۳ شمسی افتتاح گردید .

بنابراین بآسانی میتوان حدس زد که چرانسبت تحصیل کردگان عالی‌جدید که دارای درجهٔ دکترا یا لیسانسیه باشند در ادوار عصر سوم مشروطیت پیوسته روبافزایش بوده‌است .

جدول شمارهٔ ۱ نسبت نمایندگان دارای تحصیلات عالی جدید دانشگاهی در بیست دورهٔ قانونگذاری را نشان میدهد . ۴۷ و ۴۸ درصد نمایندگان دوره‌های نوزدهم وبیستم دارندهٔ تحصیلات عالی جدید بوده‌اند وحال آن که در ادوار دوازدهم وسیزدهم مثلاً به‌نسبت ۱۳ و ۱۴ برخورد می کنیم واین گواه افزایش روزافزون تحصیل کردگان عالی درمجلس است .

**جدول شمارهٔ ۱- وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی جدید** (حدود دکترا ولیسانس) **دربیست دورهٔ قانونگذاری** برحسب درصد

| نوع و میزان تحصیلات | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات عالی جدید (لیسانس و دکترا) | ۱۹ | ۲۵ | ۱۷ | ۱۲ | ۱۶ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۵ | ۱۶ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۴ | ۲۶ | ۳۱ | ۲۸ | ۳۸ | ۴۳ | ۴۷ | ۴۸ |

**جدول شمارهٔ ۲ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی جدید**

(حدود دکترا و لیسانس) **در سه عصر مشروطیت** برحسب درصد

| نوع ومیزان تحصیلات | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت | ملاحظات |
|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات عالی جدید (دکترا ولیسانس) | ۱۸ | ۱۳ | ۳۶ | |

جدول شمارهٔ ۲ آشکارا اختلاف نسبت نمایندگان دارای تحصیلات عالی جدید را در سه‌عصر مشروطیت نشان میدهد وبموجب این جدول‌نسبت تحصیل کردگان عالی‌جدید درعصر سوم مشروطیت نزدیک بسه‌برابر عصر دوم ودوبرابر عصر اول مشروطیت میرسد وبعکس نسبت تحصیل کردگان عالی قدیم اعم‌از درجهٔ اجتهاد ودرجه‌های دیگر (مدرسی) بموجب جدول ۳ و٤ بتدریج روبکاهش میرود چنانکه از ۳۰ درصد عصراول مشروطیت به ۲۰ درصد درعصر دوم و ۱۲ درصد درعصر سوم میرسد .

**الف : تحصیلات‌عالی (اجتهادودکترا)**

جدول شمارهٔ ٦ حاکی ازآن است که درعصر اول مشروطیت ۱۱ درصد ودرعصر سوم مشروطیت ١٤ درصد نمایندگان مجلس بدرجهٔ دکترا واجتهاد نایل شده‌اند . اما نسبت تحصیل کردگان درجهٔ عالی اجتهاد درعلوم قدیم ومعادل آن یعنی دکترا در رشته‌های مختلف علوم جدید درعصر دوم مشروطیت کمتر از هردوعصر مشروطیت اول وسوم بوده است .

جدول شمارهٔ ٥ مربوط به‌نسبت تحصیل کردگان عالی قدیم وجدید (دکترااواجتهاد) است واین اختلاف وتحول‌را در هر دورهٔ قانونگذاری بخوبی نمایان میسازد .

درضمن بررسی جداول شمارهٔ ۷ و ۸ مربوط به نسبت نمایندگان دارای تحصیلات عالی قدیم ملاحظه می‌شود که‌حدود ۷ درصد نمایندگان دارای تحصیلات‌عالی اجتهاد درعصر اول مشروطیت بوده‌اند و ۲ درصد درعصر دوم .

علت تقلیل نسبت‌تحصیل کردگان عالی‌درحدوددکترارا درعصردوم‌مشروطیت میتوان چنین تفسیرکرد که درزمان شاه فقید نسبت بعصر اول مشروطیت امکان ورود عدهٔ کمتری از روحانیان مجتهد وجود داشته و ازسوی‌دیگر چنانکه درگذشته اشاره کردیم دانشگاه تهران در دورهٔ نهم مجلس شورای ملی و نهمین‌سال‌سلطنت‌اعلیحضرت رضاشاه فقید تأسیس شد وقانون فرستادن محصل بخارج‌نیز دراول خردادماه ۱۳۰۷ بتصویب نمایندگان‌دورهٔ ششم قانونگذاری رسید . ازاینرو نبایدانتظارداشت که‌دردورهٔ آن شاه نسبت نمایندگان دکتراقابل‌ملاحظه باشد .

در تأیید مطلب‌اخیر جدول تفصیلی‌شمارهٔ ۹ نسبت دارندگان تحصیلات جدید دکترا وهمچنین جدول شمارهٔ ۱۹ میانگین آن نسبت‌را درسه عصر مشروطیت معلوم می‌دارد و روشن می‌کند که ازاواخرعصر دوم مشروطیت بتدریج پس از بمورد اجرا گذاشتن قانون تأسیس

جدول شمارهٔ ۳ ـ وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی قدیم (حدود اجتهاد و مدرسی) دربیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

| نوع ومیزان تحصیلات | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات عالی قدیم (حدود اجتهادومدرسی) | ۲۵ | ۳۳ | ۳۴ | ۲۵ | ۳۰ | ۳۱ | ۲۴ | ۱۹ | ۱۹ | ۲۲ | ۱۷ | ۱۷ | ۱۷ | ۱۵ | ۱۴ | ۱۲ | ۱۵ | ۱۴ | ۸ | ۵ |

جدول شمارهٔ ٤ ـ وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی قدیم

(حدود اجتهاد ومدرسی) درسه عصر مشروطیت برحسب درصد

| نوع و میزان تحصیلات | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت | ملاحظات |
|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات عالی قدیم (اجتهاد ومدرسی) | ۳۰ | ۲۰ | ۱۲ | |

### جدول شمارهٔ ۵ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی قدیم وجدید (دکترا واجتهاد) دربیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

| نوع ومیزان تحصیلات | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات عالی (حدود دکترا و اجتهاد) | ۹ | ۱۳ | ۱۷ | ۸ | ۸ | ۱۰ | ۸ | ۹ | ۷ | ۹ | ۹ | ۸ | ۹ | ۹ | ۱۱ | ۱۳ | ۱۵ | ۱۱ | ۲۰ | ۲۰ |

### جدول شمارهٔ ۶ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی قدیم وجدید (حدود دکترا واجتهاد) درسه عصر مشروطیت برحسب درصد

| نوع و میزان تحصیلات | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت | ملاحظات |
|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات عالی (حدود دکترا واجتهاد) | ۱۱ | ۸ | ۱۴ | |

دانشگاه وهمچنین قانون فرستادن محصل بخارج برشمارهٔ وکلای دکترا افزوده میشود تابجایی که بیش از $\frac{1}{5}$ نمایندگان دورهٔ بیستم قانونگذاری درجهٔ دکترا در یکی از علوم و فنون را دارا بوده‌اند .

با اینهمه باید چند مطلب در اینجا مورد توجه قرارگیرد : نخست آنکه دورهٔ سوم درعصر اول مشروطیت‌نسبت دارندگان درجهٔ حدود دکترا (اعم ازدکترا درعلوم جدیدومعادل آن اجتهاد درعلوم قدیم) بموجب جدول شمارهٔ ۵ بالا است و معادل ۱۷ درصد می‌باشد و از لحاظ نسبت تحصیل کردگان عالی حدود دکترا درتمام ادوار قانونگذاری بجز دو دورهٔ اخیر (نوزدهم وبیستم) دورهٔ مزبور مشخص است وحتی میتوان گفت باتوجه بسطح پایین تحصیلات متعارف (خواندن ونوشتن) دراین دوره که بموجب جدول شمارهٔ ۲۰ درحدود ۱۲ درصد بوده است ونسبت همین گروه در دورهٔ نوزدهم وبیستم که ۱۶٫۹۲ درصد می‌باشداکثریت‌نمایندگان دورهٔ سوم مجلس شورای ملی از لحاظ سطح تحصیلات عالی از دو دورهٔ مزبور جلوتر بوده است .

نکتهٔ دوم آن است که در عصر سوم مشروطیت جز دورهٔ هفدهم تحصیل کردگان عالی قدیمی ومجتهدان بمجلس راه نداشتند واین‌مطلب بجای خود درهنگام بحث از مشاغل نمایندگان روشن شد که نسبت نمایندگان روحانی مجتهد از دورهٔ ششم و هفتم قانونگذاری بآن‌سوی کاهش بسیار یافت چنانکه درعمل مجتهدان درهفت دورهٔ اخیر عصرسوم مشروطیت جز دورهٔ هفدهم سهمی از نمایندگی مجلس‌شورای‌ملی بدست نیاوردند . مقایسهٔ‌نسبت‌دارندگان تحصیلات قدیم اجتهاد درجدول شمارهٔ ۸ درسه‌عصر مشروطیت‌این گفته‌را تأیید می کندوجدول تفصیلی شمارهٔ ۷ باوضوح بیشتری کاهش تدریجی این گروه را تا عصر سوم مشروطیت و قطع ناگهانی‌آن جز در دورهٔ هفدهم قانونگذاری نشان میدهد .

مطلب سوم آن است‌که اگر دو دورهٔ اخیر قانونگذاری را مبنا قراردهیم بایدبگوئیم که شانس روشنفکران و دارندگان تحصیلات عالی در ورود بعرصهٔ سیاست بیش از پیش فزونی می‌یابد .

**جدول شمارهٔ ۷ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی قدیم** (حدود اجتهاد) **دربیست دورهٔ قانونگذاری** برحسب درصد

| نوع و میزان تحصیلات | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات قدیمه (حدود اجتهاد) | ۵ | ۵ | ۱۳ | ۶ | ۴ | ۷ | ۵ | ۳ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | — | — | — | ۱ | — | — | — |

**جدول شمارهٔ ۸ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی قدیم**

(حدود اجتهاد) **در سه عصر مشروطیت** برحسب درصد

| نوع و میزان تحصیلات | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | ملاحظات |
|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات قدیمه (حدود اجتهاد) | ۷ | ۲ | — | |

## جدول شمارهٔ ۹- وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی جدید (حدود دکترا) دربیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

| نوع و میزان تحصیلات | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات عالی جدید (حدود دکترا) | ٤ | ٨ | ٤ | ٢ | ٤ | ٣ | ٣ | ٦ | ٦ | ٨ | ٨ | ٧ | ٨ | ٩ | ١١ | ١٣ | ١٤ | ١١ | ٢٠ | ٢٠ |

## جدول شمارهٔ ۱۰ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی جدید

(حدود دکترا) در سه عصر مشروطیت برحسب درصد

| نوع و میزان تحصیلات | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت | ملاحظات |
|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات عالی جدید (حدود دکترا) | ٤ | ٦ | ١٤ | |

**ب- تحصیلات عالی درحدود لیسانس**

در تحقیق سطح تحصیلات نمایندگان همچنانکه بیان داشتیم، ماآنچه را که قدما درحدود مدرسی میگفتند معادل تحصیلات دانشگاهی حدود لیسانس تصور کرده‌ایم وچون تحصیلات قدیمی باتجدید نظام فرهنگ در زمان اعلیحضرت شاه فقید اهمیت خود را بتدریج از دست میدهد جای تعجب نیست اگر نسبت تحصیل کردگان دانشگاهی قدیم (درحدود مدرسی) بموجب جدول شمارهٔ ۱۲ (میانگین نسبت دارندگان تحصیلات قدیم در حدود لیسانس در سه عصر مشروطیت) کم می‌شود و از عصر اول مشروطیت که نسبت آن ۲۳ است در عصر سوم مشروطیت به نزدیک ۰ درصد تنزل می‌یابد.

جدول تفصیلی شمارهٔ ۱۱ کاهش تدریجی نسبت همین گروه‌را دربیست دورهٔ قانونگذاری روشن می‌سازد.

آنچه بیشتر درجدول شمارهٔ ۱٤ قابل توجه می‌باشد نسبت تحصیل کردگان جدید در حدود درجهٔ لیسانس است که نسبت آن در عصر سوم مشروطیت آشکارا بیش از عصر دوم مشروطیت می‌باشد.

درصورتی که نسبت دارندگان تحصیلات عالی جدید درحدود لیسانس را بموجب جدول شمارهٔ ۱۳ درحدود ۲۸ درصد نمایندگان دورهٔ بیستم بدانیم و نسبت دارندگان تحصیلات قدیمی معادل دانشگاهی‌را برآن بیفزاییم بموجب جدول شمارهٔ ۱۵ باید بگوییم که ۳۰ درصد نمایندگان درآخرین دورهٔ قانونگذاری از تحصیلات عالی برخوردار بوده‌اند واینکه گفتیم روشنفکران بیش ازپیش برسرکار می‌آیند ودرسیاست مداخله ونفوذ پیدا می‌کنند با همین توضیح تأیید میشود.

درجدول تفصیلی شمارهٔ ۱۵ وجدول شمارهٔ ۱٦ که درآن نسبت کلیهٔ تحصیل کردگان عالی قدیم و جدید در بیست دورهٔ قانونگذاری‌را بر یکدیگر افزوده‌ایم ممکن است نتیجه مایهٔ حیرت شود، زیرا از جهت نسبت تحصیل کردگان عالی (دکترا ولیسانسیه ومعادل‌آن اجتهاد ومدرسی در علوم قدیم) عصر اول مشروطیت باعصر سوم رقابت می‌کند، بهرحال دراین‌جا نیز عصر دوم مشروطیت ازنظر تحصیلات عالی عقبتر است.

### جدول شمارهٔ ۱۱ـ وضع نمایندگان صاحب تحصیلات قدیم حدود مدرسی (معادل درجهٔ لیسانس دانشگاهی) در بیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

| نوع و میزان تحصیلات | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات قدیمه (حدود مدرسی) | ۲۰ | ۲۸ | ۲۱ | ۱۹ | ۲۶ | ۲۴ | ۱۹ | ۱۶ | ۱۸ | ۲۱ | ۱۶ | ۱۶ | ۱۶ | ۱۵ | ۱۴ | ۱۲ | ۱۴ | ۱۴ | ۸ | ۵ |

### جدول شمارهٔ ۱۲ـ وضع نمایندگان صاحب تحصیلات قدیم حدود مدرسی در سه عصر مشروطیت برحسب درصد

| نوع و میزان تحصیلات | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت | ملاحظات |
|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات قدیمه (حدود مدرسی) | ۲۳ | ۱۸ | ۱۲ | |

**جدول شمارهٔ ۱۳ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی جدید (حدود لیسانس) در بیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد**

| نوع ومیزان تحصیلات | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات عالی جدید (حدود لیسانس) | ۱۵ | ۱۷ | ۱۳ | ۱۰ | ۱۲ | ۹ | ۹ | ۹ | ۱۰ | ۵ | ۵ | ۶ | ۶ | ۱۷ | ۲۰ | ۱۵ | ۲٤ | ۲۲ | ۲۷ | ۲۸ |

**جدول شمارهٔ ۱٤ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی جدید**

**(حدود لیسانس) درسه عصر مشروطیت برحسب درصد**

| نوع ومیزان تحصیلات | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت | ملاحظات |
|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات عالی جدید (حدود لیسانس) | ۱٤ | ۷ | ۲۲ | |

**جدول شمارهٔ ۱۵ ـ وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی قدیم و جدید** (حدود دکترا و لیسانس ـ اجتهاد و مدرسی) **در بیست دورهٔ قانونگذاری** برحسب درصد

| نوع و میزان تحصیلات | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات عالی قدیم و جدید | ۴۴ | ۵۸ | ۵۱ | ۳۷ | ۴۶ | ۴۳ | ۳۶ | ۳۴ | ۳۵ | ۳۵ | ۳۰ | ۳۰ | ۳۱ | ۴۱ | ۴۵ | ۴۰ | ۵۳ | ۴۷ | ۵۵ | ۵۳ |

**جدول شمارهٔ ۱۶ ـ وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی قدیم و جدید**

**در سه عصر مشروطیت** برحسب درصد

| نوع و میزان تحصیلات | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت | ملاحظات |
|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات عالی قدیم و جدید | ۴۸ | ۳۳ | ۴۸ | |

نکتهٔ شایان‌توجه درجدول شمارهٔ ۱۰ (نسبت تحصیل کردگان عالی قدیم وجدید در بیست دورهٔ قانونگذاری) است . بموجب نمایش این جدول درخشانترین ادوار قانونگذاری از لحاظ سطح تحصیلات عالی دورهٔ دوم مجلس شورای ملی و بانسبت ۵۸ درصد می‌باشد . باتوجه بجدول تفصیلی شمارهٔ ۲۰ ونسبت قلیل نمایندگان دارای تحصیلات متعارف در ادوار عصر اول مشروطیت وبخصوص دورهٔ دوم وسوم مجلس‌شورای‌ملی‌این نکته آشکارا تأیید می‌شود که درعصر سوم مشروطیت باوجود افزایش سازمانهای عالی آموزشی و تحولاتی که در زمینهٔ فرهنگ مملکت بعمل آمده با اینهمه روشنفکران و دارندگان تحصیلات عالی در هیچیک از ادوار عصر سوم نتوانستند اکثریت دوره‌های دوم وسوم قانونگذاری را درمجلس شورای ملی بدست‌آورند .

نکتهٔ جالبتر این جدول نسبت ٤٤ درصد همین گروه در دورهٔ اول مجلس شورای‌ملی است که موجب شگفتی می‌تواند باشد . شاید بتوان علت این کثرت تحصیل کردگان عالی را این‌امر دانست که در دورهٔ مذکور انتخابات بموجب نظامنامهٔ طبقاتی انجام گرفته بود وسهم خاصی ازکرسیهای‌مجلس ازآن‌طلاب وعلما بود وهمچنین تعداد بیشتری از اعیان وشاهزادگان که‌دارای تحصیلات‌عالی بودند دراین مجلس شرکت‌داشتند، درنتیجه نسبت تحصیل کردگان عالی بالا بوده است (تنها ازمیان ده‌تن نمایندگان اعیان ومالکان منتخب از تهران ٦ تن آنها دارای تحصیلات عالی جدید از دانشگاههای خارج از کشور بودند و دو تن دیگر آنان نیز از تحصیل کردگان دارالفنون ودارندگان معلومات قدیم درحدود عالی بوده‌اند) .

با اینهمه ناگفته نماند که نظامنامهٔ انتخابات در این دوره ودوره‌های بعدی هرگز تحصیلات عالی را شرطوکالت قرارنداده وسواد خواندن‌و نوشتن را کافی میداند ( رجوع شود به‌نظامنامهٔ انتخابات دورهٔ اول ، فصل اول مادهٔ دوم و اصلاح نظامنامهٔ انتخابات دو درجه مورخ ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ قمری وفصل۲۳ مادهٔ ۷ ، وهمچنین نظامنامهٔ انتخابات مصوب مجلس دوم بتاریخ ۲۸ شوال ۱۳۲۹ قمری ) .

بالا بودن نسبت دارندگان تحصیلات‌عالی درسه دورهٔ اول مجلس شورای ملی خود پدیده‌ای است که می‌تواند نحوهٔ تأثیر رهبری اقلیت روشنفکران وفعالیت عمدهٔ آنها را درانقلاب ملی و استقرار حکومت مشروطه آشکار سازد . ازسوی دیگر راه‌یافتن روشنفکران بعرصهٔ سیاست پارلمانی در حالی که گروه اقلیتی را درجامعهٔ ایرانی درعصر اول مشروطیت تشکیل می‌دادند

**جدول شمارهٔ ۱۷- وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی قدیم (حدود سطح) در بیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد**

| نوع و میزان تحصیلات | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات عالی قدیم (حدود سطح) | ۲۱ | ۱۷ | ۳۵ | ۳۲ | ۲۴ | ۳۱ | ۳۴ | ۲۵ | ۲۶ | ۲۶ |

| نوع و میزان تحصیلات | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات عالی قدیم (حدود سطح) | ۳۰ | ۳۲ | ۲۴ | ۲۲ | ۱۶ | ۲۰ | ۲۵ | ۱۴ | ۹ | ۶ |

**جدول شمارهٔ ۱۸ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات عالی قدیم**

**(حدود سطح) در سه عصر مشروطیت** برحسب درصد

| نوع و میزان تحصیلات | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت | ملاحظات |
|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات عالی قدیم (حدود سطح) | ۲۵ | ۲۹ | ۱۵ | |

و بدست‌آوردن اکثریت کرسیهای نمایندگی بخصوص در سه دورهٔ اول مجلس شورای ملی را درواقع می‌توان نشانهٔ استقبال طبیعی تودهٔ ملت از پیشوایان و رهبران اصلی قیام ملی‌دانست، جریانات وحوادث سیاسی جهان و به‌تبع‌آن کشور ایران ، انتخاب کنندگان را برآن داشت که باقتضای زمان کسانی‌را بعنوان نمایندهٔ ملت انتخاب کنند که رشد فکری وسیاسی بیشتری‌داشته باشند و بتوانند درمسائل سیاسی وسملکتداری باطرز فکر نوی وارد شده و بادیدهٔ روشن‌بین‌تری باسور نگریسته وازعهدهٔ رهبری وحل مشکلات حکومت نوزادملی برآیند .

**تحصیلات متوسطه**

چنانکه جدول شمارهٔ ۲۲ حکایت میکند نسبت تحصیل کردگان‌حدود متوسطه چه‌قدیم وچه جدید درسه‌عصر مشروطیت تغییر مهمی نکرده است و اگر این‌نسبت درعصر سوم مشروطیت نسبت بدوعصر اول و دوم اندکی پایین‌تر است بیشتر بعلت کاهش‌یافتن رونق تحصیلات قدیم حدود سطح است که ما آن را معادل با حدود متوسطهٔ جدید گرفته‌ایم .

جدول شمارهٔ ۱۸ نشان‌میدهد که‌عصر سوم مشروطیت نسبت بعصر دوم ازجهت‌سطح تحصیلات قدیم حدودمتوسطه درحدود ۵ درصد کاهش‌یافته‌است ولی ازجهت نسبت‌تحصیلات متوسطهٔ جدید عصر سوم مشروطیت آشکارا بردو مشروطیت گذشته رجحان دارد .

تأیید این مطلب را درجداول‌شمارهٔ ۲۰ و۹۱ می‌توان‌یافت جدول نخستین مربوط‌است به میانگین نسبت تحصیلات متوسطه جدید درسه‌عصر مشروطیت وجدول دوم همین گروه‌را در بیست دورهٔ قانونگذاری نشان می‌دهد .

### جدول شمارهٔ ۱۹ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات جدید (حدود متوسطه) دربیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

| نوع و میزان تحصیلات | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات جدید (حدود متوسطه) | ۱۲ | ۱۰ | ۲ | ۶ | ۱۳ | ٤ | ٤ | ۹ | ۹ | ۶ | ۶ | ۶ | ۹ | ۱۳ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۶ | ۲۵ |

### جدول شمارهٔ ۲۰ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات جدید (حدود متوسطه) در سه عصر مشروطیت برحسب درصد

| نوع و میزان تحصیلات | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | ملاحظات |
|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات جدید (حدود متوسطه) | ۹ | ۷ | ۱۶ | |

جدول شمارهٔ ۲۱ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات قدیم وجدید (حدود متوسطه وسطح) دربیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

| نوع ومیزان تحصیلات | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات حدود متوسطه | ۳۳ | ۲۷ | ۳۷ | ۳۸ | ۳۷ | ۳۵ | ۳۸ | ۳٤ | ۳۵ | ۳۲ | ۳۶ | ۳۸ | ۳۳ | ۳۵ | ۳۱ | ۳۵ | ۳۷ | ۲۷ | ۲۵ | ۳۱ |

جدول شمارهٔ ۲۲ - وضع نمایندگان صاحب تحصیلات قدیم وجدید

(حدود متوسطه وسطح) درسه عصر مشروطیت برحسب درصد

| نوع ومیزان تحصیلات | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت | ملاحظات |
|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات حدود متوسطه | ۳٤ | ۳۶ | ۳۱ | |

**تحصیلات متعارف**

چنانکه از جداول ما بدست میآید عصر دوم مشروطیت در مقام مقایسه با دوعصر دیگر نسبت بیشتری افراد کم سواد ونسبت کمتری افراد دارای تحصیلات بالا داشته است .

جدول شمارهٔ ۲٤ میانگین نسبت افراد واجد تحصیلات ابتدایی را نشان میدهد که درپنج دورهٔ قانونگذاری عصر اول مشروطیت ۱۸ درصد بوده ودرعصر دوم مشروطیت ۳۱ درصد وپس از شهریورماه ۱۳۲۰ وشروع عصر سوم مشروطیت معادل ۲۱ درصد بوده است .

ازاین مطلب که سخن پیشین ما را تأیید می کند معلوم میشود که روشنفکران خواه پیش از عصر دوم مشروطیت و خواه پس ازآن سهم ونفوذ بیشتری درصحنهٔ سیاست پارلمانی داشته‌اند .

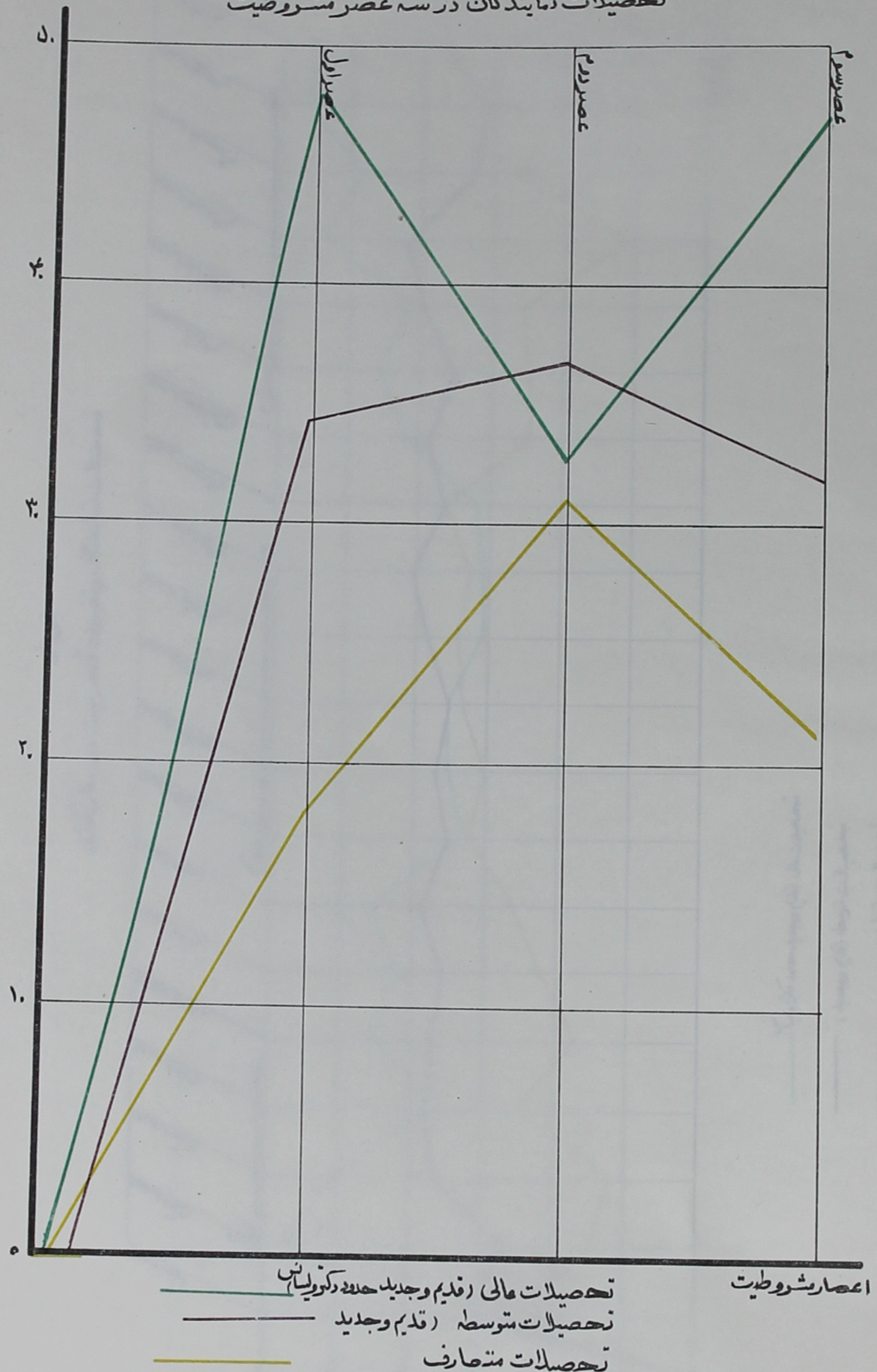
### جدول شمارهٔ ۲۳ ـ وضع نمایندگان صاحب تحصیلات متعارف در بیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

| نوع و میزان تحصیلات | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات متعارف (ابتدائی) | ۲۳ | ۱۵ | ۱۲ | ۲۵ | ۱۷ | ۲۲ | ۲۶ | ۳۲ | ۳۰ | ۳۳ | ۳۴ | ۳۲ | ۳۶ | ۲۴ | ۲۴ | ۲۵ | ۱۰ | ۲۶ | ۲۰ | ۱۶ |

### جدول شمارهٔ ۲۴ـ وضع نمایندگان صاحب تحصیلات متعارف
### درسه عصر مشروطیت برحسب درصد

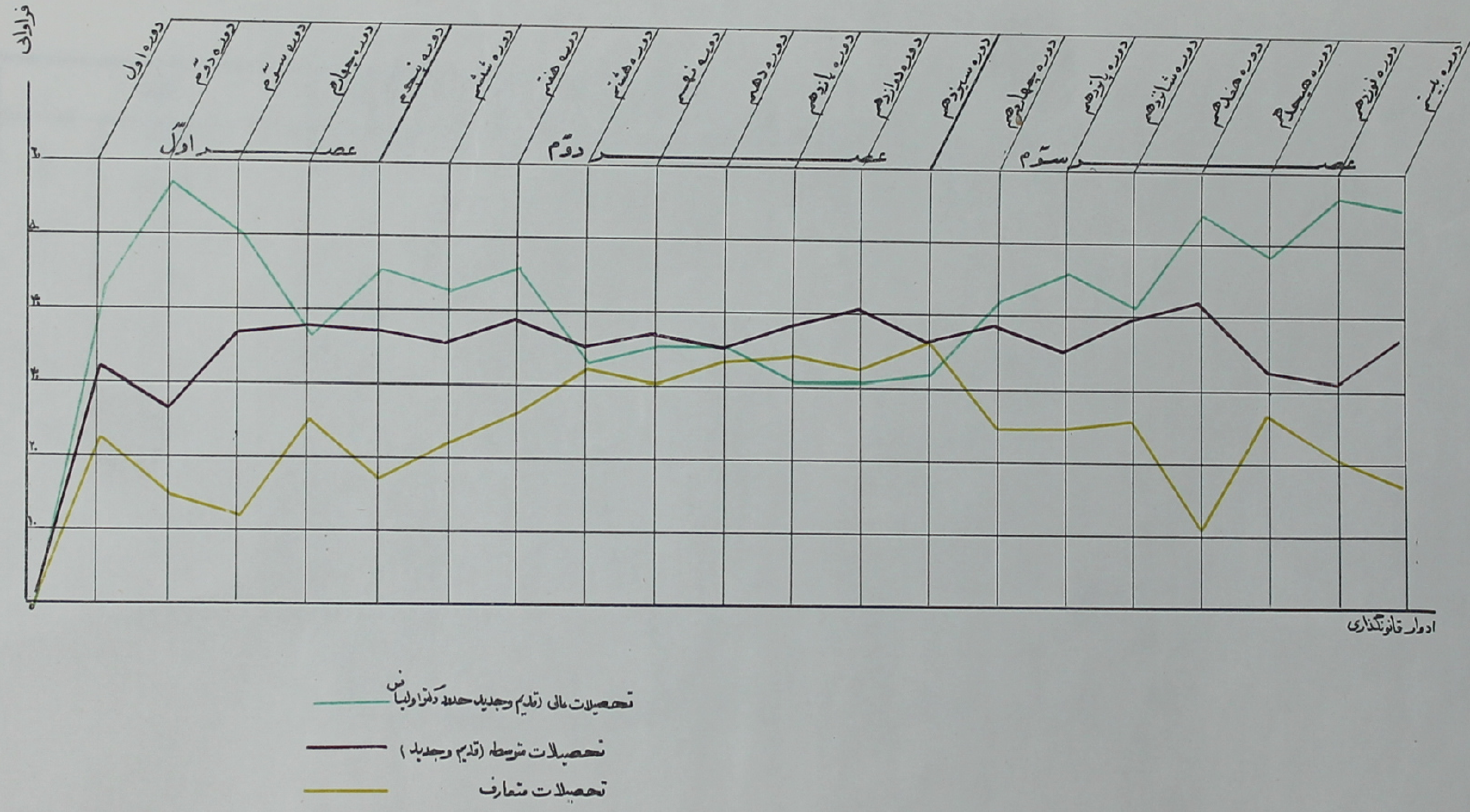
| نوع و میزان تحصیلات | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت | ملاحظات |
|---|---|---|---|---|
| دارندگان تحصیلات متعارف (ابتدائی) | ۱۸ | ۳۱ | ۲۱ | |

## نمودار
## تحصیلات نمایندگان در سه عصر مشروطیت



## نمودار

## تحصیلات نمایندگان وتغییرات آن در بیست دوره قانونگذاری



## جدول شماره ۲۵ - وضع تحصیلات نمایندگان دربیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

| شماره ترتیب | نوع ومیزان تحصیلات | | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | عده معلوم وکلاء | | ۱۰۶ | ۱۰۳ | ۹۷ | ۹۸ | ۱۳۵ | ۱۲۰ | ۱۲۸ | ۱۱۹ | ۱۲۹ | ۱۲۸ |
| | عده کل وکلاء | | ۱۵۳ | ۱۱۱ | ۱۰۴ | ۱۰۵ | ۱۳۹ | ۱۲۶ | ۱۳۲ | ۱۲۵ | ۱۳۰ | ۱۳۵ |
| ۱ | تحصیلات قدیم | اجتهاد | ۵ | ۵ | ۱۳ | ۶ | ۴ | ۷ | ۵ | ۳ | ۱ | ۱ |
| ۲ | | مدرسی | ۲۰ | ۲۸ | ۲۱ | ۱۹ | ۲۶ | ۲۴ | ۱۹ | ۱۶ | ۱۸ | ۲۱ |
| ۳ | | سطح | ۲۱ | ۱۷ | ۳۵ | ۳۲ | ۲۴ | ۳۱ | ۳۴ | ۲۵ | ۲۶ | ۲۶ |
| ۴ | تحصیلات جدید | دکترا | ۴ | ۸ | ۴ | ۲ | ۴ | ۳ | ۳ | ۶ | ۶ | ۸ |
| ۵ | | لیسانسیه | ۱۵ | ۱۷ | ۱۳ | ۱۰ | ۱۲ | ۹ | ۹ | ۹ | ۱۰ | ۵ |
| ۶ | | متوسطه | ۱۲ | ۱۰ | ۲ | ۶ | ۱۳ | ۴ | ۴ | ۹ | ۹ | ۶ |
| ۷ | | متعارف | ۲۳ | ۱۵ | ۱۲ | ۲۵ | ۱۷ | ۲۲ | ۲۶ | ۳۲ | ۳۰ | ۳۳ |
| | جمع | | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

| شماره ترتیب | نوع ومیزان تحصیلات | | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | عده معلوم وکلاء | | ۱۳۱ | ۱۳۲ | ۱۳۲ | ۱۲۸ | ۱۳۱ | ۱۲۶ | ۷۷ | ۱۲۵ | ۱۲۸ | ۱۴۲ |
| | عده کل وکلاء | | ۱۳۵ | ۱۳۴ | ۱۳۴ | ۱۳۴ | ۱۳۵ | ۱۳۱ | ۷۹ | ۱۳۴ | ۱۳۳ | ۱۷۶ |
| ۱ | تحصیلات قدیم | اجتهاد | ۱ | ۱ | ۱ | — | — | — | ۱ | — | — | — |
| ۲ | | مدرسی | ۱۶ | ۱۶ | ۱۶ | ۱۵ | ۱۴ | ۱۲ | ۱۴ | ۱۴ | ۸ | ۵ |
| ۳ | | سطح | ۳۰ | ۳۲ | ۲۴ | ۲۲ | ۱۶ | ۲۰ | ۲۵ | ۱۴ | ۹ | ۶ |
| ۴ | تحصیلات جدید | دکترا | ۸ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۱ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۱ | ۲۰ | ۲۰ |
| ۵ | | لیسانسیه | ۵ | ۶ | ۶ | ۱۷ | ۲۰ | ۱۵ | ۲۴ | ۲۲ | ۲۷ | ۲۸ |
| ۶ | | متوسطه | ۶ | ۶ | ۹ | ۱۳ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۶ | ۲۵ |
| ۷ | | متعارف | ۳۴ | ۳۲ | ۳۶ | ۲۲ | ۲۴ | ۲۵ | ۱۰ | ۲۶ | ۲۰ | ۱۶ |
| | جمع | | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

## فصل سوم

# گروه‌های سنی و تحول آن در بیست دورهٔ قانونگذاری

درمورد سن نمایندگان مجلس تحقیق ما ازجهات متعدد دشوار بود .

نخست آنکه ثبت احوال در ایران امری بالنسبه تازه است ودیگر آنکه در اعتبارنامه ها در همهٔ موارد بجز چند دورهٔ اخیر تنها حدود سن مشخص گردیده است و ذکری از سال تولد بمیان نیامده است (و در پاره‌ای از موارد نیز سن نمایندگان در دوره‌های مختلف بنابمقتضیاتی اغلب قوس نزولی را طی میکند) .

ازملاحظهٔ جدول شمارهٔ ۲ میانگین نسبت سن نمایندگان مجلس درسه عصر مشروطیت بر میآید که درعصر اول ۸۲ درصد نمایندگان کمتر از ۵۰ سال داشته‌اند درحالی که این نسبت برای دوعصر دیگر مشروطیت بین ۵۷ و ۶۰ درصد است .

بنابراین باید گفت که مجلس در دوره‌های اخیر قانونگذاری پیرتر شده است .

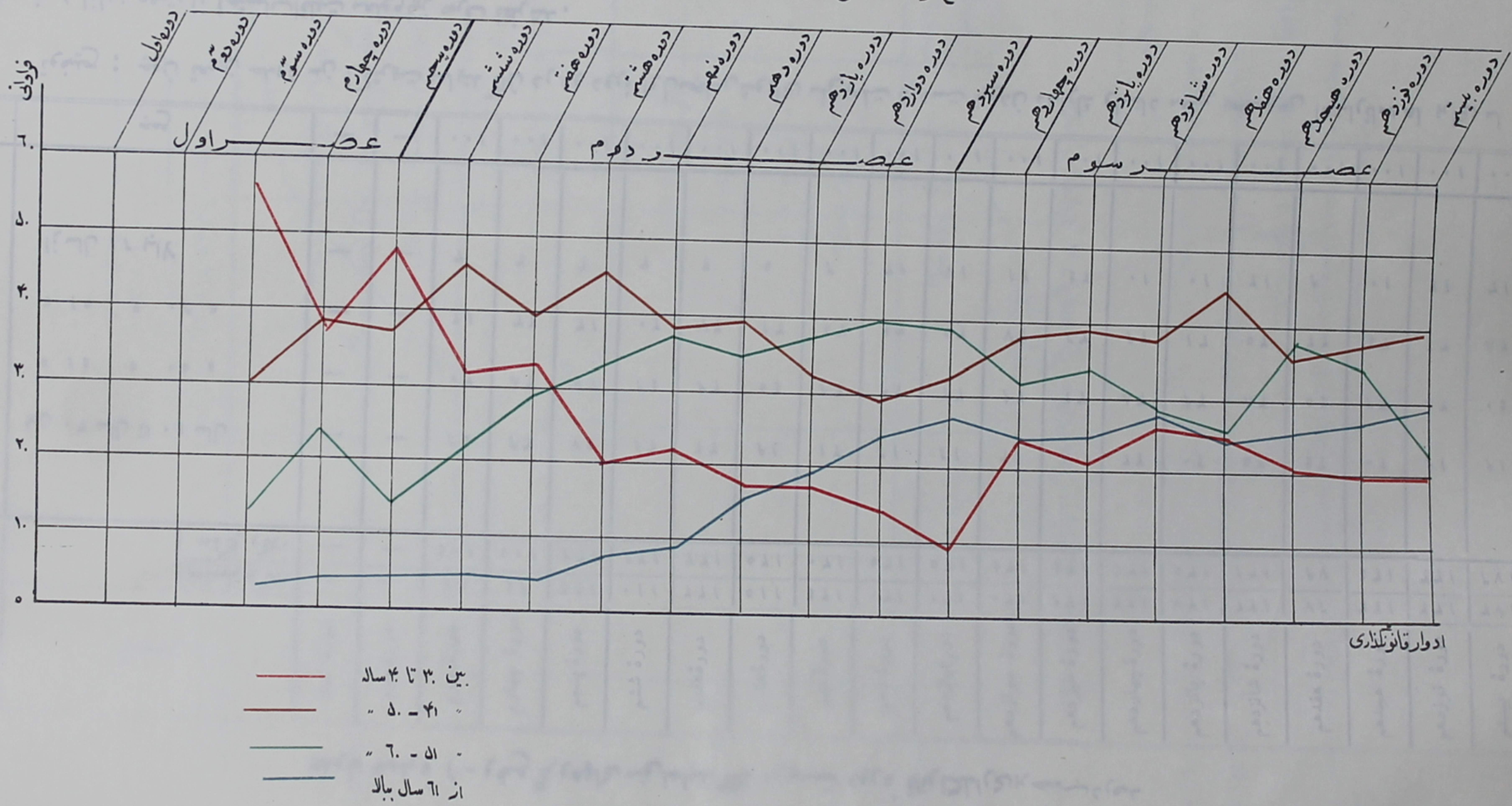
بررسی جدول شمارهٔ ۱ مربوط به سن نمایندگان دربیست دورهٔ قانونگذاری این تحول را بخوبی آشکار میسازد و معلوم میکند که گروه جوان بین ۳۰ تا ۴۰ سال ۵۶ درصد نمایندگان دورهٔ سوم قانونگذاری را تشکیل میداده وحال آنکه در دوره‌های دوازدهم و سیزدهم قانونگذاری این نسبت ۱۳ و ۱۸ درصدوسه دورهٔ اخیر عصر سوم مشروطیت ۱۹ و ۲۰ درصد بوده است .

کاهش تدریجی گروه جوان و افزایش نسبت نمایندگان ۵۰ ساله ببالا دراین جدول بخوبی نمایان است . نسبت افزایش دربعضی ازادوار عصرسوم مشروطیت درمقام مقایسه باادوارعصر اول بحدود سه برابر میرسد موجبات این اختلاف محسوس را شاید بتوان در عوامل زیر جستجو کرد .

نخست آنکه در ادوار عصر اول مشروطیت شناسنامه رایج نبوده و قانون ثبت احوال

نمودار

وضع گروههای سنی نمایندگان در بیست دوره قانونگذاری



جدول شمارهٔ ۱ - وضع گروههای سنی نمایندگان در بیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | گروه سنی | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | عدهٔ معلوم وکلاء | — | — | ۸۷ | ۹۴ | ۱۳۲ | ۱۱۰ | ۱۲۲ | ۱۱۵ | ۱۲۴ | ۱۳۰ | ۱۳۲ | ۱۳۰ | ۱۲۹ | ۱۲۲ | ۱۲۷ | ۱۲۲ | ۶۷ | ۱۳۳ | ۱۳۲ | ۱۷۳ |
| | عدهٔ کل وکلاء | — | — | ۱۰۴ | ۱۰۵ | ۱۳۹ | ۱۲۶ | ۱۳۲ | ۱۲۵ | ۱۳۰ | ۱۳۵ | ۱۳۵ | ۱۳۴ | ۱۳۴ | ۱۳۴ | ۱۳۵ | ۱۳۱ | ۷۹ | ۱۳۴ | ۱۳۳ | ۱۷۶ |
| ۱ | بین ۳۰ سال تا ۴۰ سال | — | — | ۵۶ | ۳۶ | ۴۷ | ۳۱ | ۳۲ | ۱۹ | ۲۱ | ۱۶ | ۱۶ | ۱۳ | ۸ | ۲۳ | ۲۰ | ۲۵ | ۲۴ | ۲۰ | ۱۹ | ۱۹ |
| ۲ | « ۴۱ » ۵۰ » | — | — | ۳۰ | ۳۸ | ۳۷ | ۴۶ | ۳۹ | ۴۵ | ۳۸ | ۳۹ | ۳۲ | ۲۹ | ۳۲ | ۳۸ | ۳۹ | ۳۸ | ۴۵ | ۳۶ | ۳۸ | ۴۰ |
| ۳ | » ۵۱ » ۶۰ » | — | — | ۱۲ | ۲۳ | ۱۳ | ۲۰ | ۲۷ | ۳۱ | ۳۵ | ۳۲ | ۳۵ | ۳۷ | ۳۶ | ۲۹ | ۳۱ | ۲۵ | ۲۲ | ۳۴ | ۳۱ | ۲۸ |
| ۴ | از سال ۶۱ ببالا | — | — | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۲ | ۵ | ۶ | ۱۳ | ۱۷ | ۲۱ | ۲۴ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۲ | ۹ | ۱۰ | ۱۲ | ۱۳ |
| | جمع | — | — | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

توضیح : چون تعیین حدود سن اکثریت نمایندگان در دو دورهٔ اول مجلس شورای ملی بعلت دردست نبودن مدارک واسناد معتبر بخصوص اعتبارنامه‌ها برای ما مقدور نبود ازاین جهت از احتساب اقلیت معلوم نیز صرف نظر شد.

چهارگانه درتاریخ ۱۴ خردادماه ۱۳۰۴ ودر دورهٔ پنجم قانونگذاری بتصویب رسیده وپس‌از آن تاریخ بتدریج معمول گردیده است.

دوم‌آنکه بسیاری از نمایندگان‌درعصر دوم وسوم مشروطیت بیش از یک‌دوره‌وکیل بوده‌اند و جدول شمارهٔ ۲ در فصل پنجم مربوط به‌تکرار دوره‌های نمایندگی مؤید این مطلب خواهد بود.

**جدول شمارهٔ ۲ ـ وضع گروههای سنی نمایندگان درسه عصر مشروطیت** برحسب درصد

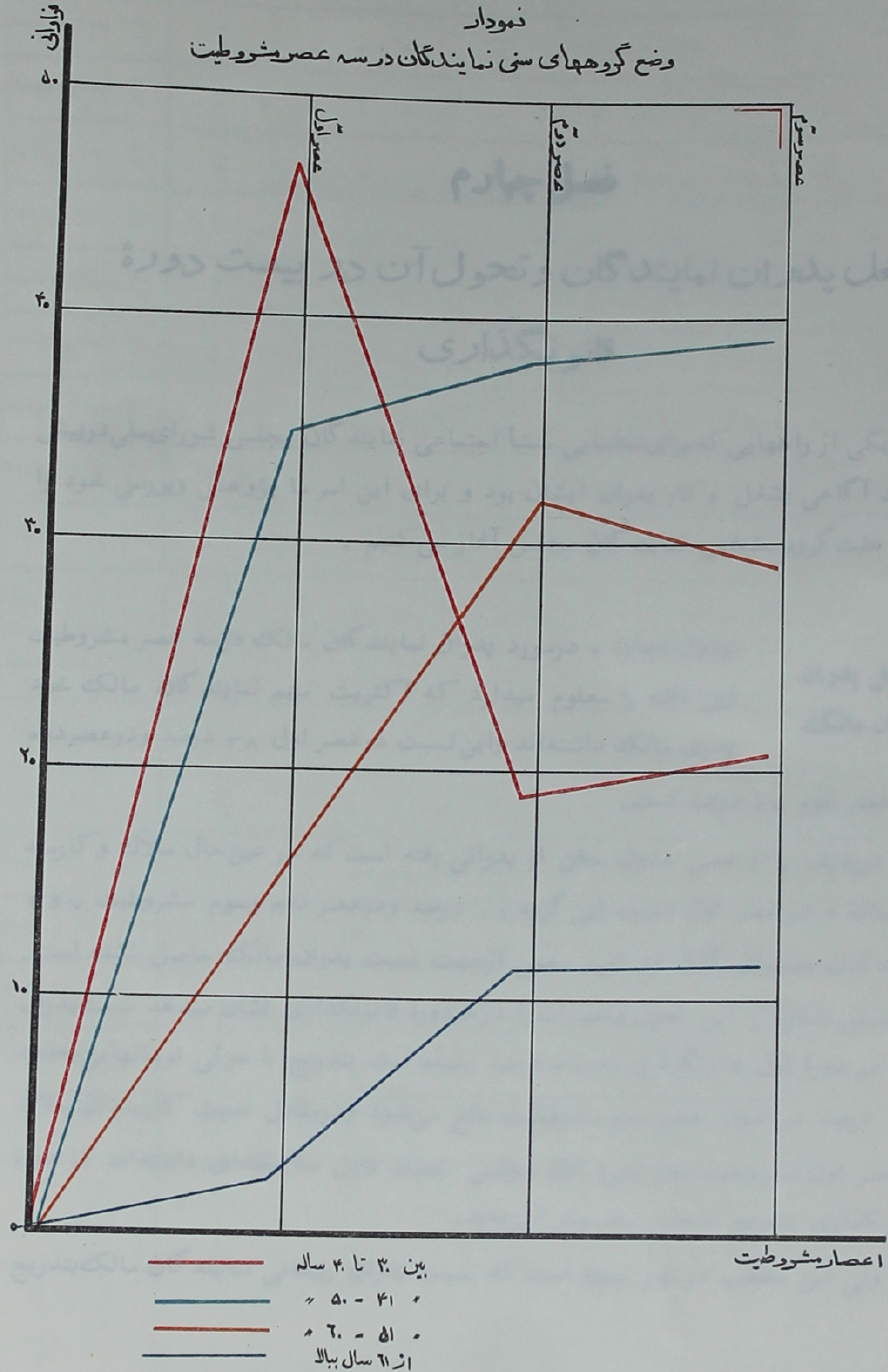
| شمارهٔ ترتیب | گروه سنی | عصراول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | بین ۳۰ تا ۴۰ سال | ۴۷ | ۱۹ | ۲۱ |
| ۲ | « ۴۱ تا ۵۰ » | ۳۵ | ۳۸ | ۳۹ |
| ۳ | « ۵۱ تا ۶۰ » | ۱۶ | ۳۲ | ۲۹ |
| ۴ | از ۶۱ سال ببالا | ۲ | ۱۱ | ۱۱ |
| | جمع | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

سوم آنکه میتوان گفت که رویهمرفته عمر متوسط درایران بالا رفته است وشاید این عامل در پیرشدن مجلس مؤثر بوده است.

چهارم‌آنکه دیر رسی رشداجتماعی افرادو ورود آنهارا بعرصهٔ زندگی فعال اجتماعی ممکن است عامل مؤثر ومهمی دانست.

نمودار

وضع گروههای سنی نمایندگان در سه عصر مشروطیت



## فصل چهارم

# شغل پدران نمایندگان وتحول آن در بیست دورهٔ قانونگذاری

یکی از راههایی که برای شناسایی منشأ اجتماعی نمایندگان مجلس شورای ملی درپیش پای ما بود آگاهی بشغل و کار پدران ایشان بود و برای این امر ما پژوهش وبررسی خود را در داخل هفت گروه مشخص نمایندگان مجلس آغاز می کنیم .

**وضع شغل پدران نمایندگان مالک**

جدول شمارهٔ ۲ درمورد پدران نمایندگان مالک درسه عصر مشروطیت این نکته را معلوم میدارد که اکثریت مهم نمایندگان مالک خود پدری مالک داشته‌اند واین نسبت درعصر اول ۳۸ درصد ودرعصردوم ۴۹ ودر عصر سوم ۵۳ درصد است .

درردیف ۷ از همین جدول سخن از پدرانی رفته است که در عین حال ملاك و کارمند دولت بوده‌اند و درعصر اول نسبت این گروه ۱۰ درصد ودرعصر دوم وسوم مشروطیت ۷ و ۹ درصد بوده است ومیتوان گفت که تغییر سهمی ازجهت نسبت پدران مالک حاصل نشده است. جدول تفصیلی شمارهٔ ۱ این تحول وتغییرات‌را درهردورهٔ قانونگذاری نشان میدهد نسبت‌پدران مالک که در دورهٔ اول قانونگذاری به ۳۰ درصد رسیده است بتدریج با جزئی نوسانهایی‌بحدود ۵۹ تا ۶۰ درصد در ادوار عصر سوم مشروطیت بالغ می‌شود ودرمقابل نسبت کارسندان ملاك که در عصر اول مشروطیت بجز دورهٔ اول مجلس نسبت قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند از دورهٔ ششم قانونگذاری بتدریج کاهش محسوس می‌یابد .

ولی این مطلب درخور توجه است که نسبت پدران روحانی نمایندگان مالک‌بتدریج

جدول شمارهٔ ۱ ـ وضع مشاغل پدران نمایندگان مالک در بیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | تعداد نمایندگان مالک در هر دوره | ۲۸ | ۳۲ | ۵۰ | ۴۸ | ۶۸ | ۶۵ | ۷۳ | ۷۴ | ۷۲ | ۷۳ | ۸۰ | ۷۸ | ۸۰ | ۷۶ | ۷۶ | ۷۵ | ۳۸ | ۸۰ | ۷۸ | ۱۰۱ |
| ۱ | ملاک | ۳۵ | ۴۴ | ۳۸ | ۳۵ | ۳۵ | ۴۱ | ۴۷ | ۵۳ | ۴۶ | ۴۴ | ۵۲ | ۵۸ | ۵۳ | ۵۰ | ۶۰ | ۵۴ | ۴۲ | ۴۹ | ۵۹ | ۵۳ |
| ۲ | طبقهٔ پایین | ۴ | — | ۴ | ۱۱ | ۷ | ۵ | ۱ | ۳ | — | — | — | — | — | ۱ | ۳ | ۱ | ۳ | ۳ | ۱ | ۱ |
| ۳ | روحانی | ۱۴ | ۶ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۵ | ۸ | ۷ | ۶ | ۶ | ۶ | ۹ | ۱۳ | ۱۲ | ۵ | ۸ | ۸ | ۷ | ۵ | ۲ |
| ۴ | اصناف | ۴ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | ۱ | ۱ | — | ۱ | — | — |
| ۵ | ملاک و تاجر | ۴ | — | — | ۴ | ۲ | — | ۲ | ۳ | ۴ | ۴ | ۳ | ۳ | ۳ | ۱ | ۳ | ۴ | ۵ | ۹ | ۵ | ۵ |
| ۶ | کارمند دولت | ۱۰ | ۶ | ۱۰ | ۶ | ۶ | ۸ | ۱۱ | ۴ | ۶ | ۸ | ۸ | ۶ | ۹ | ۸ | ۶ | ۵ | — | ۱ | ۳ | ۳ |
| ۷ | ملاک و کارمند دولت | ۴ | ۱۶ | ۱۲ | ۲۳ | ۱۷ | ۱۲ | ۶ | ۱۰ | ۱۳ | ۱۰ | ۴ | ۴ | ۵ | ۱۰ | ۵ | ۷ | ۵ | ۱۱ | ۹ | ۱۱ |
| ۸ | مجهول | ۳ | ۳ | ۱۲ | ۴ | ۴ | ۱ | ۸ | ۶ | ۵ | ۸ | ۸ | ۵ | ۱ | ۵ | ۳ | ۶ | ۱۰ | ۷ | ۸ | ۱۴ |
| ۹ | ملاک و مشاغل آزاد تخصصی | ۴ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | ۵ | — | — | — |
| ۱۰ | ملاک و کارمند مؤسسات ملی و غیردولتی | ۴ | — | ۲ | — | ۲ | ۲ | ۱ | — | ۳ | ۴ | ۵ | ۳ | ۵ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | — | ۱ | ۳ |
| ۱۱ | تاجر | ۱۴ | ۶ | ۲ | — | ۲ | ۶ | ۷ | ۵ | ۶ | ۸ | ۶ | ۵ | ۵ | ۳ | ۴ | ۶ | ۱۱ | ۹ | ۷ | ۸ |
| ۱۲ | مشاغل آزاد تخصصی | — | ۳ | — | ۲ | — | ۲ | ۱ | ۱ | ۱ | — | — | — | — | ۱ | — | ۱ | — | — | ۱ | — |
| ۱۳ | ملاک و روحانی | — | ۱۶ | ۴ | ۴ | ۱۲ | ۸ | ۷ | ۶ | ۷ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۴ | ۳ | ۵ | ۱ | ۱ | — |
| ۱۴ | کارمند مؤسسات ملی و غیردولتی | — | — | ۲ | — | — | — | — | ۱ | ۱ | — | ۱ | ۱ | — | ۳ | ۳ | ۱ | ۳ | ۱ | — | — |
| ۱۵ | تاجر روحانی | — | — | ۲ | — | — | — | ۱ | — | ۱ | — | ۱ | ۱ | ۱ | — | — | — | — | — | — | — |
| ۱۶ | کارمند مؤسسات ملی و روحانی | — | — | — | — | ۲ | — | — | — | — | — | — | — | ۱ | — | — | — | — | — | — | — |
| ۱۷ | وکیل مجلس | — | — | — | — | — | — | — | ۱ | ۱ | ۱ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — |
| ۱۸ | روحانی و مشاغل آزاد تخصصی | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | ۱ | — | — |
| | | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

## جدول شمارهٔ ۲ - وضع مشاغل پدران نمایندگان مالک درسه عصر مشروطیت (بحسب درصد)

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | ملاك | ۳۸ | ۴۹ | ۵۳ |
| ۲ | طبقهٔ پایین | ۶ | ۱ | ۲ |
| ۳ | روحانی | ۱۱ | ۸ | ۶ |
| ۴ | اصناف | ۱ | — | ۱ |
| ۵ | ملاك وتاجر | ۲ | ۳ | ۵ |
| ۶ | کارمنددولت | ۸ | ۷ | ۴ |
| ۷ | ملاك وکارمنددولت | ۱۵ | ۷ | ۹ |
| ۸ | مجهول | ۵ | ۵ | ۷ |
| ۹ | ملاك ومشاغل آزاد تخصصی | — | — | ۱ |
| ۱۰ | ملاك وکارمندمؤسسات ملی وغیردولتی | ۱ | ۴ | ۲ |
| ۱۱ | تاجر | ۴ | ۶ | ۶ |
| ۱۲ | مشاغل آزاد تخصصی | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۱۳ | ملاك و روحانی | ۸ | ۶ | ۲ |
| ۱۴ | کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی | — | ۱ | ۱ |
| ۱۵ | تاجروروحانی | — | ۱ | — |
| ۱۶ | کارمند مؤسسات ملی وروحانی | — | — | — |
| ۱۷ | وکیل مجلس | — | ۱ | — |
| ۱۸ | روحانی وشغل آزاد تخصصی | — | — | — |
|  | جمع | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

روبه کاهش می‌رود و از ۱۱ درصد عصر اول مشروطیت به ۸ و ۶ درصد در عصر دوم و سوم مشروطیت می‌رسد . جداول شمارهٔ ۱ و ۲ این کاهش تدریجی را در سه عصر و بیست دورهٔ قانونگذاری بوضوح نشان میدهند و در مقابل نسبت تاجرزادگان مالک درعصر دوم و سوم بتدریج افزایش می‌یابد . آنچه ازاین جداول دستگیر میشود و بیش‌از همه مهم می‌باشد این است که در متجاوز از نصف موارد ، پدران نمایندگان مالک خود نیز مالک بوده‌اند ازاینرو عامل وراثت ونسب در احراز منزلتهای اجتماعی بخوبی آشکار میشود .

پیش ازاین درفصل مربوط بشغل نمایندگان دیدیم که قویترین گروه نمایندگان را مالکان تشکیل می‌داده‌اند واینک منشأ اکثریت این گروه که از بررسی جدول تفصیلی شمارهٔ ۱ وجدول شمارهٔ ۲ بدست آمده است سخن پیشین مارا تأیید می کند که قدرت و مالکیت ارضی در مراحل نخستین مشروطیت ایران بستگی بسیار با یکدیگر داشته است و مشاهدهٔ این امر در نظام فئودالی که درآستانهٔ انتقال و تحول قراردارد وهنوز بمرحلهٔ تغییرنهایی نرسیده مایهٔ تعجب نباید باشد .

**وضع شغل پدران نمایندگان بازاری**

درجدول شمارهٔ ٤ مربوط به‌نسبت شغل پدران نمایندگان تاجر درسه عصر مشروطیت وهمچنین جدول تفصیلی‌آن دربیست دورهٔقانونگذاری باز تأثیر امر وراثت درشغل وقدرت راآشکارادرمی‌یابیم .درحدود ۵۰ درصد نمایندگان تاجر از پدران تاجر هستند ونسبت قابل توجهی‌نیز پدرانشان در زمرهٔ کسبه واصناف بوده‌اند واین امر بخصوص درعصر اول مشروطیت قابل توجه می‌باشد وحال‌آنکه درعصر دوم‌و سوم مشروطیت رقم پدرانی که در زمرهٔ اصناف بوده‌اند از ٤۹ درصد عصر اول به ۱۰ و ۱۱ درصد میرسد . چنانکه درحدود ٦٤ درصد نمایندگان عصر سوم و ۷۱ درصد نمایندگان عصر دوم و متجاوز از ۸۰ درصد نمایندگان عصر اول مشروطیت که تاجر بوده‌اند پدرانشان‌هم بتجارت وکسب مشغول بوده‌اند .

در اینجا دو نکته آشکار میشود : نخست آنکه در ایران این مطالعه را اگر مقیاس جامعه کلی بدانیم انتقال شغل از پدر به‌پسر هنوز رواج دارد ، ودیگرآنکه وراثت‌شغلی‌بتدریج روبکاهش میرود چنانکه از عصر اول بسوم ۲۱ درصد کمتر شده است .

ازسوی دیگر نسبت قابل‌توجهی ازپدران نمایندگان تاجر درسلک مالکان‌هستندواین رقم از ۷ درصدعصراول‌به ۱۰ درصددرعصردوم‌و ۱۲ درصد درعصرسوم مشروطیت‌افزایش می‌یابد .

**جدول شمارهٔ ۳ - وضع مشاغل پدران نمایندگان بازاری (بازرگانان ـ اصناف) در بیست دورهٔ قانونگذاری** برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | نسبت نمایندگان بازاری درهردوره | ۵۵ | ۱۰ | ۷ | ۹ | ۶ | ۹ | ۲۱ | ۱۹ | ۲۶ | ۲۰ |
| ۱ | تاجر | ۲۶ | ۶۰ | ۸۶ | ۳۴ | ۳۳ | ۷۸ | ۶۲ | ۶۹ | ۵۴ | ۶۰ |
| ۲ | اصناف | ۶۷ | ۱۰ | ۱۴ | ۳۳ | — | — | ۱۰ | ۱۱ | ۱۵ | ۲۰ |
| ۳ | مجهول | ۵ | ۲۰ | — | ۱۱ | — | — | ۴ | ۵ | ۱۹ | ۸ |
| ۴ | ملاك وتاجر | ۲ | ۱۰ | — | ۱۱ | ۱۷ | — | ۵ | ۵ | ۴ | ۴ |
| ۵ | روحانی | — | — | — | — | ۱۶ | ۱۱ | ۴ | — | — | — |
| ۶ | طبقهٔ پائین | — | — | — | ۱۱ | ۳۴ | — | — | — | — | — |
| ۷ | ملاك | — | — | — | — | — | — | ۱۰ | ۵ | ۴ | ۸ |
| ۸ | مشاغل آزاد تخصصی | — | — | — | — | — | ۱۱ | ۵ | ۵ | ۴ | — |
| ۹ | کارمند دولت | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — |
| | جمع | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | نسبت نمایندگان بازاری درهردوره | ۲۴ | ۲۴ | ۲۴ | ۱۷ | ۲۱ | ۱۷ | ۷ | ۲۵ | ۱۵ | ۱۴ |
| ۱ | تاجر | ۵۴ | ۵۴ | ۵۴ | ۶۵ | ۶۷ | ۵۹ | ۵۷ | ۴۰ | ۳۳ | ۵۰ |
| ۲ | اصناف | ۹ | ۴ | ۹ | ۱۲ | ۱۰ | — | ۱۵ | ۱۶ | ۱۴ | ۱۴ |
| ۳ | مجهول | ۲۰ | ۱۶ | ۱۲ | ۱۷ | — | ۱۷ | — | ۱۶ | ۲۶ | ۲۹ |
| ۴ | ملاك وتاجر | ۴ | ۹ | ۸ | — | ۵ | ۱۲ | — | ۱۶ | ۲۰ | — |
| ۵ | روحانی | — | — | — | — | ۴ | — | — | ۸ | — | — |
| ۶ | طبقهٔ پائین | — | — | — | — | ۱۰ | ۶ | ۱۴ | — | — | — |
| ۷ | ملاك | ۱۳ | ۱۷ | ۱۷ | ۶ | — | ۶ | ۱۴ | ۴ | ۷ | — |
| ۸ | مشاغل آزاد تخصصی | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — |
| ۹ | کارمند دولت | — | — | — | — | ۴ | — | — | — | — | ۷ |
| | جمع | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

جدول شمارهٔ ٤ ـ وضع مشاغل پدران نمایندگان بازاری درسه عصر مشروطیت برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | عصراول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | تاجر | ۳٦ | ٦۱ | ٥۳ |
| ۲ | اصناف | ٤۹ | ۱۰ | ۱۱ |
| ۳ | مجهول | ٦ | ۱۰ | ۱٥ |
| ٤ | ملاك وتاجر | ٤ | ٥ | ۹ |
| ٥ | روحانی | ۱ | ۲ | ۳ |
| ٦ | طبقهٔ پائین | ۱ | — | ٤ |
| ۷ | ملاك | ۳ | ۹ | ۳ |
| ۸ | مشاغل آزاد تخصصی | — | ۳ | — |
| ۹ | کارمند دولت | — | — | ۲ |
| | جمع | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

**وضع شغل پدران نمایندگان روحانی**

جدول تفصیلی شمارهٔ ٥ مربوط به نمایندگان روحانی وجدول شمارهٔ ٦ مربوط به‌نسبت آنهادرسه عصر مشروطیت‌است، دراینجاهم عامل‌وراثت شغلی کاملاً نمایان است بدین معنی که حدود ٦٤ تا ۷۰ درصد نمایندگان روحانی خود روحانی‌زاده‌بوده‌اند. واین نسبت درادوار مختلفهٔ قانونگذاری جزدورهٔ نهم که به ٤۲ درصد تقلیل می‌یابد حدود ٦۰ تا ۷٥ درصد است (بانوساناتی‌اندك‌چنانکه جدول شمارهٔ ٥ نشان میدهد).

بطوریکه دو جدول فوق حاکی است نسبت قابل ملاحظه‌ای از نمایندگان روحانی ملاك زاده هستند ، چنانکه درسه‌عصر مشروطیت بین ۱۳ تا ۲۸ درصد نمایندگان روحانی

## جدول شمارهٔ ۵ - وضع مشاغل پدران نمایندگان روحانی در بیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | نسبت نمایندگان روحانی در هر دوره | ۲۶ | ۲۶ | ۳۲ | ۲۴ | ۳۳ | ۲۹ | ۲۲ | ۱۳ | ۱۲ | ۱۱ | ۸ | ۸ | ۸ | ۱۰ | ۵ | ۳ | ۱۹ | ۲ | — | ۱ |
| ۱ | روحانی | ۷۰ | ۶۶ | ۷۲ | ۷۵ | ۶۳ | ۷۲ | ۶۳ | ۶۹ | ۴۲ | ۶۴ | ۶۳ | ۶۳ | ۶۲ | ۷۰ | ۶۰ | ۷۷ | ۷۸ | ۱۰۰ | — | ۱۰۰ |
| ۲ | روحانی و ملاک | ۴ | ۱۹ | ۷ | ۵ | ۲۵ | ۱۴ | ۱۸ | ۱۶ | ۳۴ | ۲۷ | ۳۷ | ۲۵ | ۲۵ | — | ۴۰ | ۳۳ | — | — | — | — |
| ۳ | ملاک | — | — | ۳ | ۴ | — | ۴ | ۹ | ۸ | ۸ | ۹ | — | ۱۲ | — | ۲۰ | — | — | — | — | — | — |
| ۴ | تاجرروحانی | — | — | ۳ | — | — | — | ۵ | — | ۸ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — |
| ۵ | طبقهٔ پایین | — | — | ۳ | ۴ | ۳ | ۴ | ۵ | — | — | — | — | — | — | ۱۰ | — | — | — | — | — | — |
| ۶ | مجهول | ۲۶ | ۷ | ۱۲ | ۱۲ | ۹ | ۶ | — | ۷ | — | — | — | — | — | — | — | — | ۱۱ | — | — | — |
| ۷ | مشاغل آزاد تخصصی | — | ۸ | — | — | — | — | — | — | ۸ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — |
| ۸ | تاجر | — | ۴ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — |
| ۹ | اصناف | — | ۴ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | ۱۳ | — | — | — | — | — | — | — |
| ۱۰ | وکیل مجلس | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | ۱۱ | — | — | — |
| ۱۱ | کارمند دولت | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — |
| | جمع | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

در عین حال مالک هستند، وازاینجا میتوان ارتباط روحانیت ومالکیت رانیزاستنباط کرد. ومیدانیم که از مشخصات جامعهٔ فئودالی وجود چنین ارتباطی است ، گذشته از نسبت قابل ملاحظهٔ املاک در ایران که جنبهٔ موقوفه داشته است شمارهٔ قابل ملاحظه‌ای از روحانیان نیز در زمرهٔ مالکان ارضی بوده‌اند.

واگر این حدس راپپذیریم که درمورد ۱۰ تا ۱۳ درصدپدرانی که شغل آنان،مجهول است ، احتمالاً از طبقهٔ پایین بوده‌اند ، و باتوجه بارقام مربوط به نمایندگان طبقهٔ پایین میتوان این مطلب راپذیرفت همچنانکه نسبت قابل ملاحظه‌ای یعنی بیش از ۸۰ درصد از نمایندگان روحانی قشر بالای روحانیان در مجلس راه داشته‌اند ، بین ۱۰ تا ۱۵ درصد از نمایندگان روحانی نیز در پرتو وجههٔ مذهبی وقدرت روحانیت بدون استفاده از نفوذ خانوادگی توانسته‌اند به‌مجلس راه‌یابند.

**جدول شمارهٔ ٦- وضع مشاغل پدران نمایندگان روحانی**

**درسه عصر مشروطیت** برحسب درصد

| شماره ترتیب | نوع مشاغل | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | روحانی | ٦۹ | ٦٤ | ۷۰ |
| ۲ | روحانی وملاک | ۱۲ | ۲۲ | ۱۰ |
| ۳ | ملاک | ۱ | ٦ | ۷ |
| ٤ | تاجرو روحانی | ۱ | ۲ | — |
| ٥ | طبقهٔ پایین | ۲ | ۲ | ۳ |
| ٦ | مجهول | ۱۳ | ۲ | ۷ |
| ۷ | مشاغل آزاد تخصصی | — | ۱ | — |
| ۸ | تاجر | ۱ | — | — |
| ۹ | اصناف | ۱ | — | — |
| ۱۰ | وکیل مجلس | — | ۱ | — |
| ۱۱ | کارمند دولت | — | — | ۳ |
| | جمع | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

**وضع شغل پدران نمایندگان کارمند دولت**

درمورد کارمندان دولت وراثت شغلی کمتر مشاهده میشود. این نکته را جدول شمارهٔ ۸ مربوط به شغل پدران کارمند دولت درسه عصر مشروطیت بخوبی آشکار میسازد. بخصوص درعصر دوم و سوم مشروطیت که بخلاف عصر اول غلبه با کارمندان دولت است، پدران مالک مقام اول را درگروه نمایندگان کارمند دولت دارند و درحدود ۲۶ و ۲۷ درصد را درعصر دوم و سوم مشروطیت نشان میدهند.

نکتهٔ قابل توجه دراین جدول افزایش پدران روحانی است و میتوان گفت که اگر نمایندگان روحانی چنانکه درفصل اول بیان کردیم کرسیهای کمتری را درمجلس شورای ملی اشغال کرده‌اند درعوض فرزندان روحانیان که به کارمندی دولت مشغول بوده‌اند شانس وکالت داشته‌اند.

نکتهٔ دیگر آن است که گروههای روشن‌بین و روشنفکر طبقهٔ روحانی بمقتضای زمان از آنجا که لباس و شغل روحانیت درعرصهٔ سیاست خریدار نداشته است، روی خصیصه میل بارتقای اجتماعی و بامید بهره‌مندی از اعتبار ومنزلت اجتماعی بکارمندی دولت روی آورده و فرزندان خودرا درهمین راه هدایت کرده‌اند.

جدول تفصیلی شمارهٔ ۷ مربوط بوضع شغل پدران کارمند دولت، حکایت ازآن میکند که نسبت پدران کارمند از دورهٔ دوم قانونگذاری به‌بعد بتدریج کاهش پیدا میکند، بطوریکه این نسبت که در دورهٔ اول قانونگذاری ۵۰ درصد بوده است در ادوار اخیر به ۱۳ درصد میرسد و حال آنکه بخلاف نسبت پدران مالک از دورهٔ دوم قانونگذاری به‌بعد بطور منظم روبفزونی میگذارد، بطوریکه نسبت این گروه در دو دورهٔ نوزدهم وبیستم نزدیک به‌چهاربرابر دورهٔ اول قانونگذاری میرسد.

ونیز جدول شمارهٔ ۸ درضمن تأیید جدول شمارهٔ ۷ مسئلهٔ فوق را که افزایش قدرت کارمندان اداری بااصلاح وترقی ادرات درعهدرضاشاه (عصر دوم مشروطیت) باشد تأیید میکند، ونشان میدهد که مالکان اراضی مزروعی برای حفظ قدرت سیاسی وحیثیت اجتماعی خود بمقتضای زمان بااینکه کارمندی دولت ازلحاظ مادی برای آنها کارپرسودی نبوده است ازآن نظر که تنها راه نزدیک شدن بقدرت مرکزی و پیشروی بسوی مقامات سیاسی و طبقهٔ حاکمه و ممتاز است بدان روی آورده‌اند.

و نیز اگر بپذیریم نمایندگانی که شغل پدران آنها برما معلوم نبوده از طبقهٔ پایین

## جدول شماره ۷ - وضع مشاغل پدران نمایندگان کارمند دولت دربیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | نسبت نمایندگان مالک درهر دوره | ۳۰ | ۴۹ | ۴۹ | ۵۸ | ۷۱ | ۶۱ | ۵۸ | ۵۳ | ۵۵ | ۴۹ | ۴۷ | ۴۳ | ۴۰ | ۴۹ | ۶۶ | ۶۵ | ۳۶ | ۵۴ | ۶۹ | ۸۳ |
| ۱ | کارمند دولت | ۵۰ | ۲۷ | ۱۹ | ۱۶ | ۲۶ | ۱۸ | ۲۶ | ۱۹ | ۲۰ | ۲۵ | ۳۰ | ۳۵ | ۳۵ | ۲۱ | ۱۷ | ۱۷ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۳ | ۱۳ |
| ۲ | کارمند دولت وملاک | ۷ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۷ | ۱۶ | ۱۲ | ۷ | ۱۴ | ۱۳ | ۱۲ | ۴ | ۵ | ۳ | ۱۲ | ۶ | ۹ | ۶ | ۱۱ | ۱۰ | ۹ |
| ۳ | ملاک | ۷ | ۱۵ | ۳۱ | ۲۱ | ۱۸ | ۲۵ | ۲۸ | ۳۲ | ۳۱ | ۱۸ | ۲۴ | ۲۸ | ۲۳ | ۱۶ | ۳۲ | ۲۸ | ۱۹ | ۲۲ | ۳۷ | ۲۸ |
| ۴ | روحانی | ۱۰ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۷ | ۱۸ | ۱۵ | ۱۴ | ۱۱ | ۱۶ | ۲۱ | ۱۹ | ۱۴ | ۱۸ | ۲۳ | ۱۵ | ۱۵ | ۲۵ | ۱۸ | ۷ | ۱ |
| ۵ | مشاغل آزاد تخصصی | ۳ | ۶ | — | ۱ | ۳ | — | — | — | — | — | — | — | — | ۲ | ۱ | ۲ | — | — | ۷ | ۴ |
| ۶ | مجهول | ۲۰ | ۱۶ | ۱۸ | ۱۷ | ۱۱ | ۲۲ | ۱۸ | ۱۶ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۱ | ۶ | ۵ | ۱۲ | ۱۰ | ۱۲ | ۲۲ | ۱۸ | ۱۷ | ۳۳ |
| ۷ | تاجر | ۳ | ۶ | ۴ | ۲ | ۱ | ۲ | ۲ | — | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | — | ۴ | ۵ | ۳ | ۶ | ۲ | ۱ | ۵ |
| ۸ | کارمنددولت و مشاغل آزاد تخصصی | — | — | ۲ | — | — | — | — | — | — | ۲ | ۲ | ۳ | ۲ | — | — | — | — | — | — | — |
| ۹ | طبقهٔ پایین | — | ۶ | ۴ | ۵ | ۶ | ۳ | ۳ | ۴ | ۴ | ۴ | ۴ | ۳ | ۵ | ۶ | ۳ | ۶ | — | ۶ | ۲ | ۳ |
| ۱۰ | کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی | — | — | — | — | — | — | — | — | — | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۵ | ۳ | — | — | — | ۱ |
| ۱۱ | اصناف | — | ۲ | — | — | — | — | ۲ | — | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | — | ۶ | ۳ | ۳ | ۴ | ۲ | ۱ |
| ۱۲ | ملاک وتاجر | — | — | — | ۲ | — | ۳ | — | — | — | — | — | — | — | ۲ | — | — | ۳ | — | ۱ | — |
| ۱۳ | ملاک و روحانی | — | — | — | ۲ | ۱ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | ۲ | ۲ | ۲ | ۳ | — |
| ۱۴ | وکیل مجلس | — | — | — | — | — | — | — | ۲ | ۲ | ۲ | — | — | ۳ | — | — | — | ۳ | ۴ | — | ۱ |
| ۱۵ | تاجر و روحانی | — | — | — | — | — | — | — | ۲ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | ۲ | — | — |
| ۱۶ | کارمند مؤسسات ملی وروحانی | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | ۲ | — | — | — | — | — | — | ۱ |
| ۱۷ | ملاک وکارمندمؤسسات ملی وغیردولتی | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — |
| | جمع | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

**جدول شمارهٔ ۸ - وضع مشاغل پدران نمایندگان کارمند دولت**
**درسه عصر مشروطیت** (بحسب درصد)

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | کارمند دولت | ۲۵ | ۲۵ | ۱۵ |
| ۲ | کارمند دولت و ملاک | ۱۳ | ۹ | ۹ |
| ۳ | ملاک | ۱۹ | ۲۶ | ۲۷ |
| ۴ | روحانی | ۱۵ | ۱۶ | ۱۳ |
| ۵ | مشاغل آزاد تخصصی | ۲ | — | ۲ |
| ۶ | مجهول | ۱۶ | ۱۴ | ۱۹ |
| ۷ | تاجر | ۳ | ۱ | ۳ |
| ۸ | کارمند دولت و مشاغل آزاد تخصصی | — | ۱ | — |
| ۹ | طبقهٔ پایین | ۵ | ۴ | ۴ |
| ۱۰ | کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی | — | ۱ | ۲ |
| ۱۱ | اصناف | ۱ | ۲ | ۳ |
| ۱۲ | ملاک وتاجر | — | — | ۱ |
| ۱۳ | ملاک و روحانی | ۱ | — | ۱ |
| ۱۴ | وکیل مجلس | — | ۱ | ۱ |
| ۱۵ | تاجر و روحانی | — | — | — |
| ۱۶ | کارمند مؤسسات ملی و روحانی | — | — | — |
| ۱۷ | ملاک و کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی | — | — | — |
| | جمع | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

اجتماع باشند و باتوجه برقم و نسبت پدران از طبقهٔ پایین ، این فرض که گروه بسیاری از کارمندان دولت تاحدی ازمیان کشاورزان وطبقهٔ کارگر وسستخدم جزءخصوصی برخاسته‌اند، سخن گزافی نخواهد بود .

این نکته که درامر کارمندی دولت عامل وراثت شغلی کمتر مشاهده میشود نباید مایهٔ تعجب گردد ، چه همچنانکه درگذشته اشاره کردیم خدمت دولت درایران کار جدیدی است و ناچار افراد ازمشاغل بسیار مختلف و بامنشاءاجتماعی متفاوت بحرفه کارمندی دولت گراییده‌اند .

**وضع شغل پدران نمایندگان صاحب شغل آزاد تخصصی**

بررسی جدول تفصیلی شمارهٔ ۹ مربوط به‌نسبت شغل پدران نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی و جدول شمارهٔ ۱۰ مربوط به نسبت همین گروه درسه عصر مشروطیت این نکته را برای ما روشن می‌سازد که نمایندگان صاحب‌مشاغل آزادتخصصی با منشأ اجتماعی متفاوت بمشاغل تخصصی پرداخته‌اند ، وباتوجه برديف ۱۱ ازجدول شمارهٔ ۱۰ مربوط بپدران دارای دارای شغل آزاد تخصصی ، عامل وراثت شغلی‌را دراین گروه کمتر می‌یابیم .

دربررسی این دو جدول نکتهٔ بسیار جالب‌توجه اینست که بین ۲۱ تا ۲۷ درصداین گروه پدر روحانی داشته‌اند و بنابراین نباید گفت که وراثت شغلی درکار روحانیت و برای خانواده روحانی مطلق است . و در جدول شمارهٔ ۱۰ ردیف٤ مربوط بپدران مالک این گروه، حاکی از اقبال مالک‌زادگان بحرفه‌های تخصصی می‌باشد .

جدول شماره ۹ ـ وضع مشاغل پدران نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی دربیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | نسبت نمایندگان مشاغل آزادتخصصی درهر دوره | ۹ | ۲۰ | ۱۲ | ۹ | ۲۰ | ۱۵ | ۱۲ | ۱۷ | ۲۰ | ۲۵ | ۲۹ | ۲۸ | ۳۱ | ۲۸ | ۲۶ | ۲۴ | ۱۵ | ۲۱ | ۲۵ | ۳۹ |
| ۱ | ملاك ومشاغل آزاد تخصصی | ۱۱ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | ۱۳ | — | — | — |
| ۲ | روحانی | ۱۱ | ۲۵ | ۹ | ۵۶ | ۳۵ | ۴۰ | ۳۳ | ۲۳ | ۲۰ | ۱۶ | ۲۸ | ۲۹ | ۳۲ | ۳۲ | ۱۹ | ۱۷ | ۲۰ | ۳۳ | ۲۰ | ۱۰ |
| ۳ | تاجر | — | — | — | — | — | — | — | ۶ | — | ۴ | — | — | — | ۴ | — | — | ۱۳ | — | ۸ | ۵ |
| ۴ | ملاک | — | ۲۰ | ۹ | — | — | ۱۳ | ۲۵ | ۱۸ | ۲۰ | ۱۶ | ۲۱ | ۱۸ | ۲۳ | ۲۱ | ۲۷ | ۱۳ | ۷ | ۱۴ | ۱۶ | ۳۳ |
| ۵ | مجهول | ۴۴ | ۱۵ | ۴۱ | — | ۳۰ | ۱۳ | ۲۵ | ۲۳ | ۲۵ | ۲۸ | ۱۷ | ۱۰ | ۶ | ۲۱ | ۱۵ | ۱۶ | ۱۳ | ۲۳ | ۲۰ | ۱۸ |
| ۶ | ملاک و روحانی | — | — | — | — | — | ۷ | — | — | — | — | — | — | — | ۴ | ۴ | — | — | — | — | — |
| ۷ | ملاک وتاجر | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | ۴ | — | — | — | ۴ | ۷ | — | — | — |
| ۸ | ملاک و کارمند دولت | — | — | ۸ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | ۳ |
| ۹ | کارمند دولت | — | ۱۵ | ۸ | — | ۱۰ | — | — | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۴ | ۷ | ۴ | ۸ | ۸ | ۲۰ | ۱۰ | ۱۲ | ۱۳ |
| ۱۰ | کارمنددولت و مشاغل آزاد تخصصی | ۱۱ | — | — | — | — | — | — | — | — | ۴ | ۴ | ۴ | ۳ | ۴ | — | — | — | — | — | — |
| ۱۱ | مشاغل آزاد تخصصی | ۲۳ | ۱۵ | ۹ | ۱۱ | ۱۰ | ۱۳ | — | ۱۸ | ۲۵ | ۱۶ | ۱۴ | ۴ | ۱۳ | — | ۱۱ | ۱۳ | ۷ | ۵ | ۲۰ | ۸ |
| ۱۲ | طبقهٔ پایین | — | ۵ | — | ۱۱ | ۵ | ۷ | ۹ | — | — | — | — | ۱۴ | — | ۷ | ۸ | ۱۲ | — | ۵ | — | ۵ |
| ۱۳ | اصناف | — | ۵ | ۸ | ۱۱ | ۵ | — | — | — | ۵ | ۱۲ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۰ | ۳ | ۴ | ۱۷ | — | — | — | — |
| ۱۴ | کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی | — | — | ۸ | ۱۱ | ۵ | ۷ | ۸ | — | — | — | — | ۴ | ۳ | — | ۴ | — | — | ۵ | ۴ | ۵ |
| ۱۵ | تاجر و روحانی | — | — | — | — | — | — | — | ۶ | — | — | ۳ | ۴ | ۳ | — | — | — | — | — | — | — |
| ۱۶ | روحانی ومشاغل آزاد تخصصی | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | ۵ | — | — |
| | جمع | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

## جدول شمارهٔ ۱۰ - وضع مشاغل پدران نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی درسه عصر مشروطیت (بحسب درصد)

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | ملاك و مشاغل آزاد تخصصی | ۲ | — | ۱ |
| ۲ | روحانی | ۲۷ | ۲۷ | ۲۱ |
| ۳ | تاجر | — | ۱ | ٤ |
| ٤ | ملاك | ۷ | ۱۹ | ۲۱ |
| ۵ | مجهول | ۲۵ | ۱۷ | ۱۹ |
| ٦ | ملاك و روحانی | — | ۱ | ۱ |
| ۷ | ملاك وتاجر | — | ۱ | ۱ |
| ۸ | ملاك وکارمنددولت | ۲ | — | — |
| ۹ | کارمند دولت | ۹ | ٤ | ۱۰ |
| ۱۰ | کارمند دولت و مشاغل آزاد تخصصی | ۱ | ۲ | — |
| ۱۱ | کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی | ۱۳ | ۱۵ | ۱۰ |
| ۱۲ | طبقهٔ پایین | ٤ | ۱ | ٤ |
| ۱۳ | اصناف | ٦ | ۸ | ٤ |
| ۱٤ | کارمند مؤسسات ملی وغیر دولتی | ٤ | ۲ | ۳ |
| ۱۵ | تاجر و روحانی | — | ۲ | — |
| ۱٦ | روحانی ومشاغل آزاد تخصصی | — | — | ۱ |
| | جمع | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

**وضع شغل پدران نمایندگان کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی**

درمورد کارمندان مؤسسات ملی که عدهٔ قلیلی را درمجلس شورای ملی تشکیل میدهند بموجب جدول شمارهٔ ۱۱ و۱۲ اکثراً شغل پدری را انتخاب کرده‌اند ، بطوریکه جدول شمارهٔ ۱۲ نشان می‌دهد نسبت پدران کارمند مؤسسات‌ملی درعصراول مشروطیت ۵۹ درصد ودرعصر دوم ۸۸ ودرعصر سوم ۵۲ درصد بوده است[1] . ونیز بموجب نمایش همین جدول نسبت پدران مالک وپدرانی که‌درحین کارمندی مؤسسات ملی مالک‌نیز بوده‌اند درعصر دوم وسوم‌مشروطیت بیش‌از عصر اول است (عصر اول ۳۶ درصد وعصر دوم ۸۲ درصد وعصر سوم ۵۲ درصدپدران هم‌مالک وهم کارمند ومالک بوده‌اند[2]) .

**جدول شمارهٔ ۱۲ ـ وضع مشاغل پدران نمایندگان کارمند مؤسسات ملی وغیر دولتی درسه عصر مشروطیت** برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | عصراول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی | ۳۵ | ۱۸ | ۲۴ |
| ۲ | کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی‌وملاک | ۱۸ | ۷۰ | ۲۸ |
| ۳ | ملاک | ۱۲ | ۱۲ | ۲۴ |
| ۴ | طبقهٔ پایین | ۱۲ | — | — |
| ۵ | کارمند دولت و ملاک | ۶ | — | — |
| ۶ | روحانی | — | — | ۱۴ |
| ۷ | کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی‌و روحانی | ۶ | — | — |
| ۸ | مجهول | ۵ | — | ۵ |
| ۹ | کارمند دولت | ۶ | — | ۵ |
| | جمع | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

۱ـ با افزودن ارقام ردیف ۱ و۲ و۷ .

۲ـ باافزودن ارقام ردیف ۲ و ۳ و ۵ .

## جدول شماره ۱۱ - وضع مشاغل پدران نمایندگان کارمند مؤسسات ملی وغیر دولتی دربیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

| شماره ترتیب | نوع مشاغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | نسبت نمایندگان کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی درهردوره | ۶ | ۲ | ۵ | ۱ | ۳ | ۲ | ۱ | ۱ | ۲ | ۲ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۱ | ۴ | ۲ | ۳ | ۴ | ۴ |
| ۱ | کارمند مؤسسات ملی و غیردولتی | ۱۷ | ۵۰ | ۴۰ | ۱۰۰ | ۳۴ | ۵۰ | — | ۱۰۰ | ۵۰ | — | — | — | — | ۶۷ | — | ۵۰ | — | — | ۲۵ | — |
| ۲ | کارمندمؤسسات ملی و ملاک | ۱۷ | — | ۲۰ | — | ۳۳ | ۵۰ | ۱۰۰ | — | ۵۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۶۷ | ۶۷ | ۳۳ | ۱۰۰ | ۵۰ | ۵۰ | — | — | ۲۵ |
| ۳ | ملاک | ۱۷ | — | ۲۰ | — | — | — | — | — | — | — | — | ۳۳ | ۳۳ | — | — | — | ۵۰ | ۶۷ | ۵۰ | — |
| ۴ | طبقهٔ پایین | — | ۵۰ | ۲۰ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — |
| ۵ | کارمند دولت وملاك | ۱۷ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — |
| ۶ | روحانی | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | ۲۵ | ۵۰ |
| ۷ | کارمندمؤسسات ملی وغیردولتی و روحانی | — | — | — | — | ۳۳ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — |
| ۸ | مجهول | ۱۶ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | ۲۵ |
| ۹ | کارمند دولت | ۱۶ | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | — | ۳۳ | — | — |
| | جمع | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

نسبت پدران شاغل مشاغل دیگر درمیان گروه نمایندگان کارمند مؤسسات ملی خیلی پایین است ومیتوان از احتساب آن خودداری کرد . نسبت پدران روحانی نیز درمیان این گروه ناچیز است وتنها ٦ درصد از نمایندگان این گروه درعصر اول و ١٤ درصد در عصر سوم است که ازمیان خانوادهٔ روحانی برخاسته وبوکالت مجلس رسیده‌اند .

**وکلایی که پدران وکیل داشته‌اند**

یکی از پدیده‌های بسیار جالب توجهی که از مطالعهٔ شغل پدران نمایندگان مجلس شورای ملی بدست آمده است ، مسئله وراثت شغلی درمورد نمایندگی مجلس است که دربارهٔ آن پیش از این سخن رفت .

جدول شمارهٔ ١٣ و١٤ دربارهٔ آن دسته از نمایندگان مجلس است که پدرانشان نیز شاغل وکالت مجلس بوده‌اند، درجدول شماره ١٤ نمایندگانی که خود فرزندوکیل بوده‌اند درعصر دوم بیش از عصر اول وعصر سوم بیش از عصر دوم دیده میشوند .

در دوره‌های اول قانونگذاری نباید انتظار داشت که شمارهٔ چنین وکلایی افزون باشد اما از دورهٔ چهارم قانونگذاری ببعد نسبت مهمی از نمایندگان مجلس خود وکیل زاده هستند واین مطلب بخصوص در دوره‌های ١٨، ١٩ و ٢٠ بخوبی صادق است . علل چنین گرایشی را بدینسان میتوان فرض کرد .

١- بسیاری از خانواده‌های مهم که رئیس یا فرد معتبری از آنها درزمانی وکالت مجلس را داشته است کوشیده‌اند تا برای حفظ منافع خانوادگی خود درمحل ، سنت نمایندگی را درآن خانواده پایدار کنند و بنابراین اگر براثر کهولت و بیماری یا عوامل دیگری بزرگ خانواده نتوانسته است بمجلس برود کوشش شده است تا فرد دیگری از خانواده را بمجلس گسیل دارند .

٢- شبهه‌ای نیست که ذوق فعالیت سیاسی درخانوادهٔ نمایندگان مجلس بفرزندان و خویشان نزدیک ایشان سرایت میکند و باین ترتیب اگر در چند دورهٔ اخیر حتی بیش از یک پنجم نمایندگان مجلس پدری وکیل داشته‌اند این امر مایهٔ تعجب نخواهد بود .

٣- افرادی که از خانوادهٔ وکیل بوده‌اند احتمال آن می‌رود که بیشتر اعتماد و اطمینان اولیای امور وگروههای ذینفوذ را جلب کرده و از این راه با سهولت بیشتری بمجلس راه یافته‌اند .

**جدول شمارهٔ ۱۳ - وضع نمایندگانی که پدران وکیل داشته‌اند دربیست دورهٔ قانونگذاری** برحسب درصد

| نوع مشاغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| پدران وکیل | — | — | ۲ | ۶ | ۷ | ۸ | ۸ | ۷ | ۸ | ۱۰ | ۹ | ۷ | ۱۰ | ۱۴ | ۱۶ | ۱۵ | ۹ | ۲۱ | ۲۱ | ۱۵ |

**جدول شمارهٔ ۱۴ - وضع نمایندگانی که پدران وکیل داشته‌اند**
**درسه عصر مشروطیت** برحسب درصد

| نوع مشاغل | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت |
|---|---|---|---|
| پدران وکیل | ۳ | ۸ | ۱۶ |

**نمایندگانی که پدرانی از طبقهٔ پایین داشته‌اند**

اگر شغل را نمودار طبقهٔ اجتماعی فرد تلقی کنیم درمی‌یابیم که رویهمرفته نسبت اندکی از نمایندگان مجلس از طبقهٔ پایین برخاسته‌اند. گواه این مطلب جدول شمارهٔ ۵، ۶ و ۱۶ است که نشان میدهد درهر دوره و هر عصر چندتن ازنمایندگان پدرانی متعلق بطبقهٔ پایین اجتماع داشته‌اند[1].

ذکر این مطلب لازم است، همچنانکه درگذشته اشاره کردیم بسیاری ازکارمندان دولت خود از طبقهٔ پایین اجتماع برخاسته‌اند واگر بخدمت دولت روی آورده‌اند باداشتن استعداد ولیاقت ذاتی، وباسید ارتقاء و تحرک اجتماعی خدمت دولت را برگزیده‌اند، بویژه که خدمت وکارمندی دولت ازطریق ترفیعات خودبخود بسیاری ازمردم طبقهٔ پایین را که کوشا و لایق بوده‌اند بپایگاه‌های بلند رسانیده است.

گذشته ازاین درمواردی بسیار شغل پدر نامعلوم ذکر شده وشاید دربیشتر این موارد پدر از طبقهٔ پایین اجتماع بوده و شغل ناچیزی داشته است و افراد مطلع نخواسته‌اند آگاهی خویش را با مصاحبه کننده درمیان گذارند.

مطلب فوق را جدول تفصیلی شمارهٔ ۷ مربوط به شغل پدران نمایندگان کارمند دولت بطور محسوس در هردورهٔ از ادوار بیستگانهٔ مجلس تأیید می‌کند وجدول شمارهٔ ۸ مربوط بهمین گروه درسه عصر مشروطیت بوضوح نشان میدهد که درعصر اول وسوم مشروطیت این طبقه نسبت بیشتری دارند (باتوجه بارقام ردیف ۶ جدول شمارهٔ ۸ مربوط بپدران ازطبقهٔ پایین و ارقام ردیف ۹ همین جدول مربوط بآن دسته از پدرانی که شغل آنها برای ما مجهول مانده است).

---

۱- ممکن است نسبت پدران متعلق بطبقهٔ پایین بیش از اینها باشد. زیرا دورنیست که پاره‌ای ازمشاغل چون کارمندی دولت و کسب، طبقات بسیار پایین اجتماع را نیزشامل شود (مانند خدمتگزار جزء یا کارمند جزء ادارات وسازمانهای غیر دولتی و کاسب بسیار کوچک) وحال‌آنکه ما درطبقه‌بندی از مشاغل ومحاسبه منحصراً زارع وخدمتگزاران جزء خصوصی را در زمرهٔ این گروه بحساب آوردیم. ازسوی دیگر چون تنها راه ومنبع اطلاع ما ازوضع مشاغل پدران نمایندگان مصاحبه باایشان یا با مطلعان بوده است باتوجه باین نکته که غالب افراد تمایل دارند که شغل پدری را بزرگتر ازآن چه بوده است جلوه دهند، چنین نتیجه‌ای بدست آوردیم.

### جدول شمارهٔ ۱۵- وضع پدران از طبقهٔ پایین دربیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

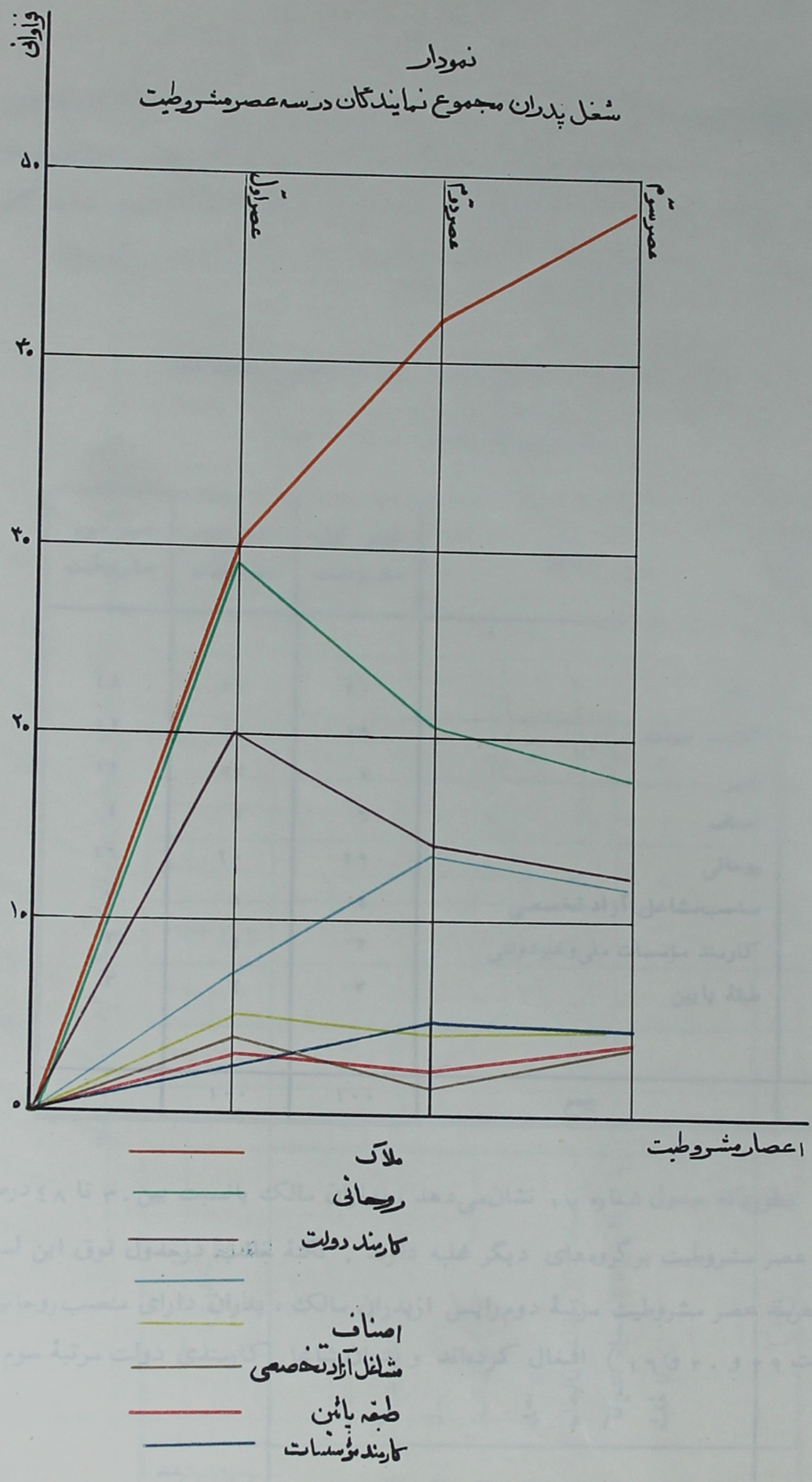
| نوع مشاغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| طبقهٔ پایین | — | ۳ | ۱ | ۶ | ۶ | ۴ | ۳ | ۲ | ۳ | — |

| نوع مشاغل | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| طبقهٔ پایین | — | — | — | ۴ | ۲ | ۵ | ۶ | ۲ | — | ۲ |

### جدول شمارهٔ ۱۶ - وضع پدران نمایندگان ازطبقهٔ پایین در سه‌عصر مشروطیت برحسب درصد

| نوع مشاغل | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت |
|---|---|---|---|
| طبقهٔ پایین | ۳ | ۲ | ۳ |

## نمودار
شغل پدران مجموع نمایندگان در سه عصر مشروطیت



**نتیجه :** بررسی آمار جداول مربوط به‌شغل پدران گروه‌های مختلف نمایندگان‌وهمچنین جدول های شماره ۱۷ و ۱۸ مربوط به‌وضع شغلی پدران مجموع نمایندگان ،مجلس‌شورای‌ملی‌در بیست دورهٔ قانونگذاری و سه عصر مشروطیت حکایت از آن می کند که اکثریت نمایندگان مجلس همچنانکه خود مالک بوده‌اند ، خانوادهٔ آنها نیز درطبقه مالک بشمار می‌آمده‌اند .

**جدول شمارهٔ ۱۷ - وضع مشاغل پدران مجموع نمایندگان**

**درسه عصر مشروطیت** برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | ملاک | ۳۰ | ۴۲ | ۴۸ |
| ۲ | کارمند دولت | ۱۹ | ۱۴ | ۱۲ |
| ۳ | تاجر | ۷ | ۱۳ | ۱۱ |
| ۴ | اصناف | ۶ | ۴ | ۴ |
| ۵ | روحانی | ۲۹ | ۲۰ | ۱۶ |
| ۶ | صاحب‌مشاغل آزاد تخصصی | ۴ | ۱ | ۳ |
| ۷ | کارمند مؤسسات ملی‌وغیردولتی | ۲ | ۴ | ۳ |
| ۸ | طبقهٔ پایین | ۳ | ۲ | ۳ |
| | جمع | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

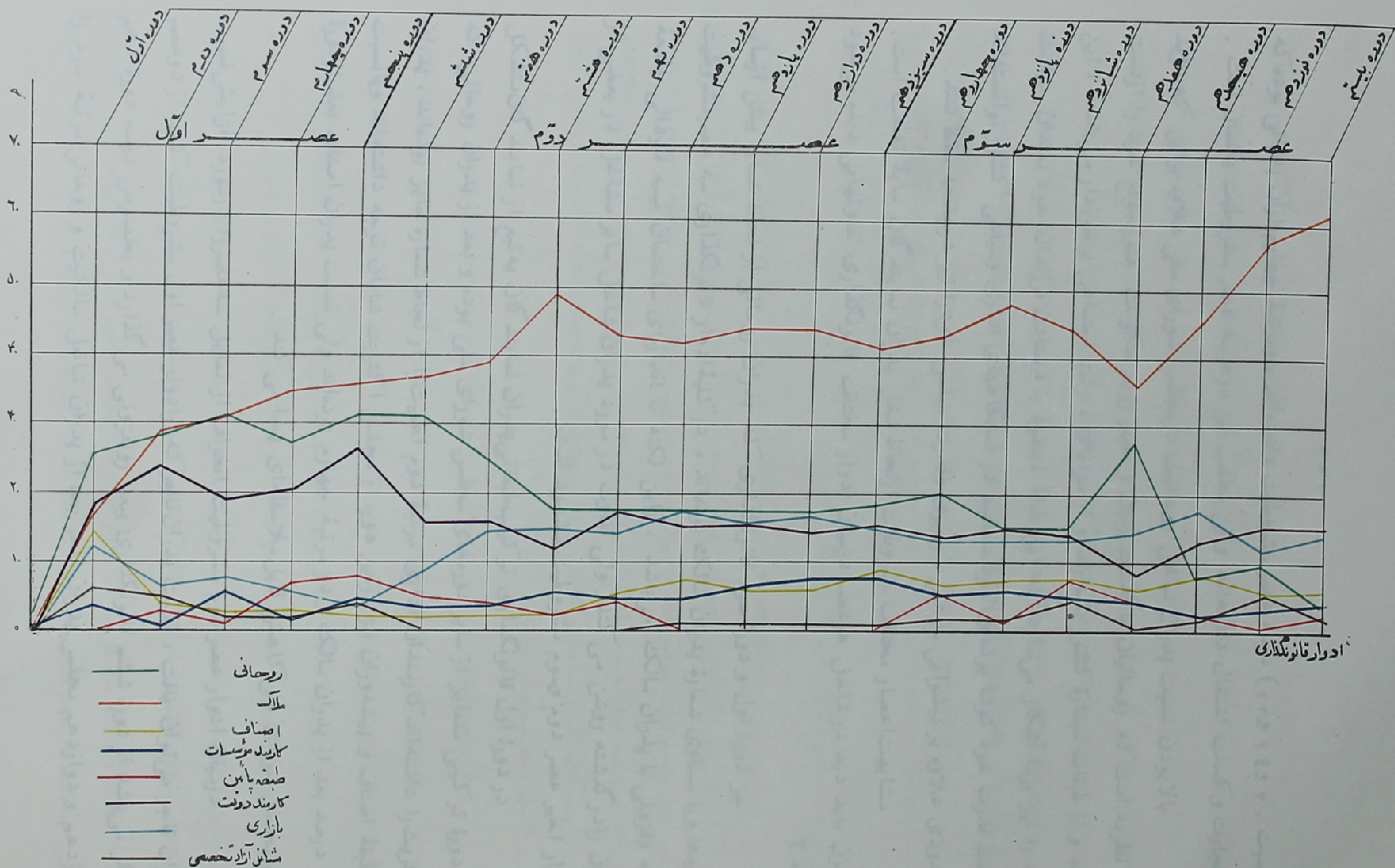
بطوریکه جدول شماره ۱۷ نشان‌می‌دهد ، پداران مالک بانسبت بین ۳۰ تا ۴۸ درصد درهرسه عصر مشروطیت برگروه‌های دیگر غلبه دارند . نکتهٔ جالب درجدول فوق این است که در هرسه عصر مشروطیت مرتبهٔ دوم‌راپس ازپدران مالک ، پدران دارای منصب روحانیت (با نسبت ۲۹ و ۲۰ و ۱۶) اشغال کرده‌اند و پدران شاغل کارمندی دولت مرتبهٔ سوم را

## جدول شماره ۱۸- وضع مشاغل پدران مجموع نمایندگان در بیست دورهٔ قانونگذاری برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | دورهٔ اول | دورهٔ دوم | دورهٔ سوم | دورهٔ چهارم | دورهٔ پنجم | دورهٔ ششم | دورهٔ هفتم | دورهٔ هشتم | دورهٔ نهم | دورهٔ دهم | دورهٔ یازدهم | دورهٔ دوازدهم | دورهٔ سیزدهم | دورهٔ چهاردهم | دورهٔ پانزدهم | دورهٔ شانزدهم | دورهٔ هفدهم | دورهٔ هجدهم | دورهٔ نوزدهم | دورهٔ بیستم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ملاک | ۱۸ | ۲۹ | ۳۱ | ۳۵ | ۳۶ | ۳۷ | ۳۹ | ۴۹ | ۴۳ | ۴۲ | ۴۴ | ۴۴ | ۴۲ | ۴۳ | ۴۸ | ۴۴ | ۳۶ | ۴۶ | ۵۷ | ۶۱ |
| ۲ | کارمند دولت | ۱۹ | ۲۴ | ۱۹ | ۲۰ | ۱۶ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۱ | ۱۶ | ۱۴ | ۱۴ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۲ | ۶ | ۱۱ | ۱۳ | ۱۳ |
| ۳ | تاجر | ۱۳ | ۷ | ۸ | ۶ | ۳ | ۸ | ۱۴ | ۱۴ | ۱۳ | ۱۶ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۳ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۰ | ۹ | ۱۱ |
| ۴ | اصناف | ۱۶ | ۴ | ۳ | ۳ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۴ | ۶ | ۴ | ۴ | ۶ | ۴ | ۴ | ۵ | ۶ | ۴ | ۳ | ۳ |
| ۵ | روحانی | ۲۵ | ۲۸ | ۳۱ | ۲۷ | ۳۱ | ۳۱ | ۲۵ | ۱۸ | ۱۸ | ۱۸ | ۱۸ | ۱۸ | ۱۹ | ۲۱ | ۱۶ | ۱۶ | ۲۹ | ۱۹ | ۱۱ | ۵ |
| ۶ | صاحبان مشاغل آزاد تخصصی | ۶ | ۵ | ۲ | ۲ | ۳ | — | — | — | — | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۲ | ۲ | ۴ | ۱ | ۲ | ۵ | ۲ |
| ۷ | کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی | ۳ | — | ۵ | ۱ | ۳ | ۳ | ۲ | ۴ | ۳ | ۳ | ۵ | ۵ | ۵ | ۳ | ۴ | ۳ | ۴ | ۱ | ۲ | ۳ |
| ۸ | طبقهٔ پایین | — | ۳ | ۱ | ۶ | ۶ | ۴ | ۳ | ۲ | ۳ | — | — | — | — | ۴ | ۲ | ۵ | ۶ | ۲ | — | ۲ |
| | جمع | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

نمودار

شغل پدران مجموع نمایندگان در بیست دورهٔ قانونگذاری



(بانسبت ۲۰ و ۱۴ و ۱۲) درسه عصر مشروطیت داشته‌اند ، ومرتبهٔ چهارم ازآن پدرانی بوده که به تجارت وکسب اشتغال داشته‌اند واین مطلب نیز درهرسه عصر مشروطیت یکسان است .

بالابودن نسبت پدران شاغل روحانیت درمجلس شورای ملی علاوه براین که مؤید این نظریه است که روحانیان باگذشت زمان و تغییر رژیم حکومت هنوز موقع خود را ازدست نداده و ازطبقات ممتازهٔ کشور بشمارند و از مزایای منزلت اجتماعی برخوردار می‌باشند ، این نکته را نیز برما آشکار می‌سازد که این طبقهٔ ذینفوذ با فرستادن فرزندان خود بمیدان سیاست درحفظ قدرت خود کوشا بوده وبانفوذ مستقیم در دستگاههای اداری وسیاسی کشور توانسته‌اند تاحدودی علاوه بر پیشوایی مذهبی ، رهبری وقدرت سیاسی خودرا نیز درجامعه حفظ کنند .

مشابهت‌اعصار مختلف مشروطیت ازلحاظ شغل پدران نمایندگان مایهٔ تعجب است. اکنون باید دید درداخل هرعصر درمیان ادوار مختلف قانونگذاری تفاوتهایی دیده می‌شود یا نه ؟

جز دورهٔ اول و دورهٔ سوم قانونگذاری که پدران روحانی از لحاظ شماره بیش ازسایر گروه‌ها ویا مساوی شمارهٔ پدران مالک بوده‌اند ، درکلیهٔ‌ادوار قانونگذاری سه عصرمشروطیت غلبه وفزونی با پدران مالک می‌باشد ، واین نکته تا اندازه‌ای ساختمان نیمه فئودالی جامعهٔ ایران رادرگذشته روشن می کند. ولی تفاوت در مورد پدران شاغل سایر مشاغل در بعضی از ادوار اخیر عصر دوم وسوم مشروطیت مشهود است .

در دورهٔ اول قانونگذاری ترکیب‌طبقاتی‌پدران نمایندگان به‌تبع از نمایندگان‌متشکل آن دورهٔ ترکیبی متمایز ازسایر دوره‌های مجلس شورای ملی بوده و بعد از پدران روحانی که اکثریت‌را داشته‌اندکارمندان اداری مرتبهٔ دوم اهمیت‌را از لحاظ شماره حایز بوده‌اند ، پدران از طبقهٔ اصناف و پیشه‌وران نیز دراین دوره از مجلس اکثریت شایان توجه داشته‌اند وبانسبت ۱۶ درصد بعد از پدران مالک و در مرتبهٔ چهارم بوده‌اند ولی نسبت پدران اصناف بعد ازدورهٔ اول مجلس شورای ملی کاهش قابل‌ملاحظه‌ای پیدا می کند .

درمیان ادوار عصر دوم مشروطیت انحراف از تمایل سه‌عصررا درمورد افزایش‌نسبت پدران تاجر می‌توان یافت ، نسبت پدران‌تاجر که‌درادوار عصر اول مشروطیت کمتر از دوعصر دیگر می‌باشد از دورهٔ ششم قانونگذاری ببعد روبفزونی می گذارد و بخصوص درسه دورهٔ دهم ویازدهم و دوازدهم مجلس پدران تاجر بعد از پدران شاغل مالکیت و روحانی مرتبهٔ سوم را

از لحاظ شماره حایز می‌شوند وجای پدران شاغل کارمندی دولت را می گیرند .

تمایل به تغییر ترکیب شغلی پدران نمایندگان درمیان ادوار عصر سوم مشروطیت وبخصوص چهار دورهٔ اخیر نیز بخوبی دیده می‌شود . دورهٔ هفدهم قانون‌گذاری از این لحاظ شایان بررسی‌است در این دوره پس از پدران مالک و روحانی و تاجر که بترتیب اکثریت را دارند . پدران کارمند دولت واصناف وپدران از طبقهٔ پایین با نسبت مساوی ۶ درصد درجهٔ چهارم اهمیت عددی‌را دارا می‌شوند . در دورهٔ نوزدهم وبیستم است که پدران روحانی موقع خود را از دست داده وجای خودرا بکارمندان اداری می‌دهند وبانسبت ۱۱ و ۵ درصد کاهش قابل ملاحظه‌ای پیدا می کنند . (درمقابل ۲۹ درصد نسبت همین گروه‌در دورهٔ ۱۷ قانونگذاری و۲۸ و ۳۱ درصد در دوره‌های عصر اول مشروطیت) .

# فصل پنجم

## تکرار دوره‌های نمایندگی در مجلس شورای ملی

چنانکه از جدول شمارهٔ ۲ مربوط به تکرار دوره‌های نمایندگی وکلای مجلس در اعصار مختلف مشروطیت برمیآید نسبت قابل ملاحظه‌ای از نمایندگان بخصوص درعصر دوم مشروطیت بیش از یک‌بار به‌وکالت مجلس شورای‌ملی رسیده‌اند.

بدیهی است که درعصر اول مشروطیت نسبت افراد بدون سابقه وکالت می‌بایست بسیار بالا باشد نظر بکوتاهی عصر اول مشروطیت که فقط شامل پنج دورهٔ قانونگذاری است وهمچنین نظر بعدم ثبات سیاسی‌فقط نزدیک به ۱۷ درصد یک‌دوره و ۵ درصد دودوره و ۲ درصد دو دوره و ۲ درصد سه دوره سابقهٔ نمایندگی داشته‌اند . ولی درعصر دوم مشروطیت شماره و نسبت نمایندگان دارای سابقهٔ وکالت فزونی می‌یابد و ۷۶ درصد نمایندگان دراین‌عصردارای سابقهٔ وکالت بدین‌شرح می‌باشند :

۲۱ درصد یک دوره و ۱۸ درصد دو دوره سابقه و ۱۳ درصد سه‌دوره و ۹ درصدچهار دوره و ۶ درصد پنج دوره و ٤ درصد شش دورهٔ سابقهٔ نمایندگی داشته‌اند و بقیه که ۵ درصد نمایندگان‌را تشکیل میدهند بیش از ۷ دوره سابقهٔ عضویت مجلس شورای‌را داشته‌اند.

بررسی جدول شمارهٔ ۱ تکرار دوره‌های نمایندگی در بیست دورهٔ قانونگذاری و رقم ٤۷ درصدگروه نمایندگان بدون سابقهٔ وکالت در دورهٔ ششم قانونگذاری و همچنین ۱۰ درصد نسبت همین گروه در دورهٔ سیزدهم قانونگذاری باوضوح بیشتری کاهش قابل‌ملاحظه و تدریجی افراد بدون سابقهٔ‌وکالت‌را درادوار قانونگذاری عصر دوم مشروطیت نشان میدهد.

علت کثرت‌نمایندگی را در عصر دوم مشروطیت بطور قطع ثبات سیاسی این عصر و همچنین دخالت قدرت‌مرکزی دراسر انتخابات نمایندگان باید دانست .

## جدول شمارهٔ ۱ـ وضع تکرار دوره‌های نمایندگی مجلس دربیست دورهٔ قانونگذاری

برحسب درصد

| دوره | گروه جدید | دارندگان یک دوره سابقه | دارندگان دو دوره سابقه | دارندگان سه دوره سابقه | دارندگان چهار دوره سابقه | دارندگان پنج دوره سابقه | دارندگان شش دوره سابقه | دارندگان هفت دوره سابقه | دارندگان هشت دوره سابقه | دارندگان نه دوره سابقه | دارندگان ده دوره سابقه | دارندگان یازده دوره سابقه | جمع |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| دوره اول | ۱۰۰ | | | | | | | | | | | | ۱۰۰ |
| « دوم | ۸۰ | ۲۰ | | | | | | | | | | | ۱۰۰ |
| « سوم | ۶۵ | ۲۹ | ۶ | | | | | | | | | | ۱۰۰ |
| « چهارم | ۶۱ | ۲۴ | ۱۳ | ۲ | | | | | | | | | ۱۰۰ |
| « پنجم | ۶۶ | ۱۹ | ۹ | ۶ | | | | | | | | | ۱۰۰ |
| « ششم | ۴۷ | ۳۴ | ۱۳ | ۴ | ۲ | | | | | | | | ۱۰۰ |
| « هفتم | ۳۸ | ۲۹ | ۲۲ | ۸ | ۲ | ۱ | | | | | | | ۱۰۰ |
| « هشتم | ۲۸ | ۲۶ | ۲۲ | ۱۴ | ۷ | ۲ | ۱ | | | | | | ۱۰۰ |
| « نهم | ۱۸ | ۲۱ | ۲۵ | ۱۷ | ۸ | ۷ | ۲ | ۲ | | | | | ۱۰۰ |
| « دهم | ۲۱ | ۱۸ | ۱۷ | ۱۹ | ۱۳ | ۶ | ۴ | ۱ | ۱ | | | | ۱۰۰ |
| « یازدهم | ۱۸ | ۱۷ | ۱۷ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۰ | ۴ | ۳ | ۱ | ۱ | | | ۱۰۰ |
| « دوازدهم | ۱۲ | ۱۶ | ۱۴ | ۱۷ | ۱۳ | ۱۴ | ۶ | ۶ | ۲ | ۱ | | | ۱۰۰ |
| « سیزدهم | ۱۰ | ۸ | ۱۶ | ۱۶ | ۱۳ | ۱۲ | ۱۳ | ۴ | ۶ | ۱ | ۱ | | ۱۰۰ |
| « چهاردهم | ۵۶ | ۸ | ۵ | ۷ | ۵ | ۴ | ۲ | ۶ | ۳ | ۳ | ۱ | | ۱۰۰ |
| « پانزدهم | ۵۷ | ۱۷ | ۴ | ۲ | ۷ | ۳ | ۴ | ۲ | ۲ | ۱ | — | ۱ | ۱۰۰ |
| « شانزدهم | ۳۵ | ۴۰ | ۸ | ۴ | ۲ | ۴ | ۲ | ۲ | ۱ | ۱ | ۱ | — | ۱۰۰ |
| « هفدهم | ۴۹ | ۱۶ | ۱۹ | ۵ | — | ۱ | ۱ | ۳ | ۳ | — | — | ۳ | ۱۰۰ |
| « هجدهم | ۵۲ | ۱۸ | ۱۹ | ۴ | ۱ | ۱ | ۱ | — | ۲ | ۲ | — | — | ۱۰۰ |
| « نوزدهم | ۴۷ | ۳۰ | ۱۶ | ۱۳ | ۲ | ۱ | — | ۱ | — | — | ۲ | — | ۱۰۰ |
| « بیستم | ۵۵ | ۱۷ | ۱۳ | ۷ | ۵ | ۱ | — | — | ۱ | ۱ | — | — | ۱۰۰ |

## جدول شمارهٔ ۲ - وضع تکرار دوره‌های نمایندگی در مجلس شورای ملی در سه عصر مشروطیت (بحسب درصد)

| شمارهٔ ترتیب | سوابق نمایندگی | عصر اول مشروطیت | عصر دوم مشروطیت | عصر سوم مشروطیت |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | گروه جدید | ۷۶ | ۲۴ | ۴۹ |
| ۲ | دارندگان یک دوره سابقه | ۱۷ | ۲۱ | ۲۱ |
| ۳ | « دو « | ۵ | ۱۸ | ۱۲ |
| ۴ | « سه « | ۲ | ۱۳ | ۶ |
| ۵ | « چهار « | — | ۹ | ۳ |
| ۶ | « پنج « | — | ۶ | ۲ |
| ۷ | « شش « | — | ۴ | ۱ |
| ۸ | « هفت « | — | ۲ | ۲ |
| ۹ | « هشت « | — | ۱ | ۱ |
| ۱۰ | « نه « | — | ۱ | ۱ |
| ۱۱ | « ده « | — | ۱ | ۱ |
| ۱۲ | « یازده « | — | — | ۱ |
| | جمع | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |

درعصر سوم مشروطیت ۹۶ درصد نمایندگان بدون سابقهٔ وکالت هستند یعنی بیش از دوبرابر عصر دوم مشروطیت . پیدا است که دراین دوره عواملی که درعصر پیش موجب تکرار نمایندگی میشد قوت خودرا ازدست میداده است وثبات سیاسی نیز نسبت بعصر دوم مشروطیت کمتر بوده است ، درنتیجه بجز درمورد نمایندگان دارای یک دوره سابقهٔ وکالت که درعصر دوم وسوم بیک نسبت بوده‌اند وهمچنین باستثنای نمایندگان دارای ۹ دوره سابقه و بیشتر، در دیگر موارد تکرار نمایندگی درعصر سوم آشکارا کمتر از عصر دوم مشروطیت است .

پیدا است که در اینجا عامل آزادی مطبوعات و تبادل آسانتر اطلاعات و همچنین پیدایش احزاب و دسته‌های سیاسی درعصر سوم مشروطیت امکان انتخاب شدن بوکالت‌رابیشتر ودایرهٔ انتخاب‌را وسیعتر کرده است ، بنابراین جای تعجب نخواهد بود که درعصر سوم نسبت بیشتری از وکلای مجلس سابقهٔ کمتر وکالت داشته‌اند .

ازسوی دیگر درعصر دوم مشروطیت همه‌کس نمی‌توانست داعیهٔ وکالت مجلس شورای ملی‌را داشته باشد وافرادی که بسلوك ایشان اطمینان کامل نبود ، توانایی نیل باین مقام‌را نداشتند . درحالی که درعصر سوم مشروطیت این مشکل بجهاتی که درفوق یادشد و عوامل دیگر تاحدی ازمیان‌میرودوعدهٔ بیشتری‌میتوانند در زمرهٔ کاندیداهای انتخابات قرارگیرند وهمین کثرت شمارهٔ نامزدهای انتخاباتی احتمال تکرار نمایندگی‌را کاهش میدهد .

در خاتمهٔ این بحث بجای خواهد بود دربارهٔ کسانی که بیش از ٤ دوره نمایندگی داشته‌اند وعوامل مشترکی‌راکه دراین گروه خاص یافته می‌شود مطالعه‌ای شود . این بررسی وپیداکردن عوامل مشترك بمانشان خواهد داد که چه‌کسانی بیش از همه شانس داشته‌اند کرسیهای مجلس‌را احراز کنند .

در تاریخ حکومتهای ملی ، سیستم انتخابات متکی بآراء احزاب و دسته‌های سیاسی مختلف و سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری واصناف تأثیر انکار ناپذیری در ترکیب نمایندگی مجالس داشته است ، وحال‌آنکه تشتت وپخش قدرت میان نیروها و دسته‌های متعدد مختلف، موجبات گسیل داشتن گروه‌هایی با تمایلات مختلف را بعنوان نمایندهٔ طبقات نامتجانس جامعه فراهم می‌سازد واین امر بجای خود از تأثیر عامل وراثت شغلی دراحراز مقامات عالی‌ومنزلتهای اجتماعی و انحصار بخصوص آن مقامات درخانواده‌های معدود جلوگیری می کند .

در طول تاریخ مجلس‌شورای‌ملی‌ایران‌در سه عصر مشروطیت بغیر از چند دورهٔ اول

قانونگذاری تحولات اجتماعی درعمل تأثیر عمیق و شایان توجهی درترکیب طبقاتی مجلس نداشته است و بعبارت دیگر بنا بسخن‌قبلی‌ما ، همیشه گروه‌خاصی‌اکثریت مجلس‌را داشته‌اند.

در عصر دوم مشروطیت، همانطورکه اشاره کردیم وجود قدرت مرکزی و فقدان تشکیلات حزبی و دسته‌های سیاسی سوجب‌شد که انتخابات مجلس شورای ملی نمایندهٔ‌تمایل طبقات مختلف اجتماع نباشد. درعصر اول وسوم مشروطیت‌نیز با اینکه تمایلات دموکراتیک ورقابت دسته‌های‌مختلف برای دردست گرفتن نیروهای سیاسی تاحدی موجود بود . بااینهمه، انعکاس درست این وضع تعادل قدرتها بصورت تحولی عمیق درساختمان طبقاتی مجلس دیده نمیشود .

درعصر سوم مشروطیت با صنعتی شدن کشور و توسعهٔ سرمایه‌داری و روی کارآمدن طبقات تازهٔ شهرنشین ورشد طبقات متوسط بخصوص بعلت توسعهٔ فرهنگ و تعلیمات عالی ، و مهمتر از همه پیدایش نهضتهای کارگری وقوت گرفتن سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری و همچنین پیدایش احزاب و دسته‌های سیاسی گوناگون دراین عصر انتظار میرفت که سیمای مجلس دگرگون شود ، بااینهمه بررسی جداول‌ما نشان میدهد که عوامل فوق بعللی نتوانسته است‌تأثیر قوی درترکیب‌طبقاتی نمایندگان‌مجلس شورای ملی داشته باشد ، بعبارت دیگر در تعیین کاندیداهای نمایندگی درسه عصر مشروطیت انعکاس تعادل نیروهای مختلف‌دراجتماع ایران در درون مجلس دیده نمیشود . بلکه انعکاس و استمرار قدرت دردست گروه‌های خاصی از جامعه درطول تاریخ مجلس بچشم می‌خورد. بخصوص نتیجهٔ بررسی و تحقیق ما دربارهٔ گروههایی‌که بیش از **چهار** دوره عضویت مجلس‌را داشته‌اند چنانکه جداول نشان میدهد ، مشخصات جامعهٔ فئودالی و تأثیر عامل وراثت شغلی‌را بصراحت معلوم می‌دارد.

از جدول شمارهٔ۳ مربوط به گروه‌های ذینفوذ نمایندگان‌چنین برمیآید که ازمیان‌بیش از ۱۲۳۰ تن نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست دورهٔ قانونگذاری بیش از ۱۹ درصد آنها سالها برمسند نمایندگی مجلس تکیه زده‌اند وازمیان این گروه ۸٤ درصدبین ۸ تا ۱۰ سال متوالی کرسی‌های مجلس را اشغال کرده‌اند و قریب۷ درصد ده تا دوازده دوره با حفظ سمت نمایندگی وعضویت مجلس درعمل برگروه‌های جدید و نورسیدهٔ مجلس تسلط داشته‌اند .

نکتهٔ شایان توجه آن است که درضمن بررسی شغل پدران نمایندگان فوق باین‌نکته برمیخوریم که‌قریب ۱۱ درصد آنها وکیل‌زاده بوده‌اند ، بنابراین می‌توان گفت تاحدی‌مشاغل

## جدول شماره ۳- وضع تکرار دوره‌های عضویت نمایندگی

### نمایندگان باسابقه (رهبر) برحسب درصد

| شماره ترتیب | تعداد دوره‌های عضویت | تعداد | |
|---|---|---|---|
| | | نفر | درصد |
| ۱ | نمایندگان باچهار دوره عضویت | ۸۱ | ۳۷ |
| ۲ | » با پنج دوره عضویت | ۴۰ | ۱۸ |
| ۳ | » باشش دوره عضویت | ۳۳ | ۱۵ |
| ۴ | » باهفت دوره عضویت | ۲۸ | ۱۳ |
| ۵ | » با هشت دوره عضویت | ۱۱ | ۵ |
| ۶ | » با نه‌دوره عضویت | ۱۰ | ۴ |
| ۷ | » با ده‌دوره عضویت | ۷ | ۳ |
| ۸ | » با یازده دوره عضویت | ۶ | ۳ |
| ۹ | » با دوازده دوره عضویت | ۴ | ۲ |
| | جمع | ۲۲۰ | ۱۰۰ |

و مناصب عالی درکشور درانحصار خانواده‌های معدود بوده وطبقات خاص که منافع آنها با اغراض اصحاب قدرت توافق داشته برمجلس تسلط داشته‌اند، وقدرت مرکزی کسانی‌را برای نیل بمقامات قوهٔ قانونگذاری یاری می کرده است که سالها با هدفهای قدرت مرکزی روی موافقت نشان‌داده ومورد اعتماد واطمینان بوده‌اند.

جدول شمارهٔ ۵ نشان میدهد که نمونهٔ این خانواده‌ها بیشتر ازمیان عمدهٔ مالکان و اربابان انتخاب می‌شدند، چنانکه ۵۹ درصد نمایندگان باسابقه‌را مالکان وتنها ۴۱ درصدآنها راکارمندان دولت‌تشکیل میدادند آنهم کارمندانی که‌بیش از ۵۰ درصد آنها درحین کارمندی دولت مالک نیز بوده‌اند.

**جدول شمارهٔ ٤ - وضع مشاغل نمایندگان باسابقه** (رهبر)

باعتبار چند شغلی (بحسب درصد)

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | تعداد نفر | تعداد درصد |
|---|---|---|---|
| ۱ | ملاك | ۵۰ | ۲۳ |
| ۲ | ملاك و کارمنددولت | ٤٦ | ۲۱ |
| ۳ | ملاك و صاحب مشاغل آزاد تخصصی | ۵ | ۳ |
| ٤ | ملاك وتاجر | ۱۲ | ۵ |
| ۵ | صاحب مشاغل آزاد تخصصی | ۱۹ | ۹ |
| ٦ | تاجر | ۱۹ | ۹ |
| ۷ | روحانی | ۷ | ۳ |
| ۸ | روحانی و کارمند دولت | ۳ | ۱ |
| ۹ | روحانی ومالك | ۱۰ | ۵ |
| ۱۰ | روحانی وملاك ومشاغل آزاد تخصصی | ۱ ❀ | — |
| ۱۱ | کارمند دولت | ۳۰ | ١٤ |
| ۱۲ | کارمند دولت و صاحب مشاغل آزادتخصصی | ۸ | ٤ |
| ۱۳ | کارمنددولت وملاك وصاحب مشاغل آزاد تخصصی | ۲ | ۱ |
| ١٤ | کارمند دولت وملاك وروحانی | ۱ ❀ | — |
| ۱۵ | تاجر وصاحب شغل آزاد تخصصی | ۲ | ۱ |
| ۱٦ | زارع (طبقهٔ پایین) | ۱ ❀ | — |
| ۱۷ | صاحب مشاغل آزاد تخصصی | ۱ ❀ | — |
| ۱۸ | ملاك و کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی | ۳ | ۱ |
| | جمع | ۲۲۰ | ۱۰۰ |

❀ توضیح - نسبت ارقام فوق کمتراز ۵٪ میباشدوچون مادر کلیه جداول پنج فصل گذشته نسبتهای اعشاری از ۵٪ ببالارا بعدد صحیح تبدیل و کمترازآن را بحساب نیاورده‌ایم. دراین جدول نیز گروههای فوق که درواقع نسبتشان ٤٪ میباشد باتوجه باینکه در گروههای مشابه فعالیتشان منظور شده است. صفر بحساب آمده است.

جدول شمارهٔ ٤ و ٥ که باعتبار یک‌شغلی وچندشغلی تنظیم‌شده است نسبت هریک از نمایندگان صاحب‌مشاغل مختلف‌را نشان می‌دهد.

**جدول شمارهٔ ٥ ـ وضع مشاغل نمایندگان‌باسابقه (رهبر)**

(باعتباریک‌شغلی) برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | تعداد نفر | تعداد درصد |
|---|---|---|---|
| ۱ | ملاك | ۱۲۹ | ٥۹ |
| ۲ | کارمند دولت | ۹۰ | ٤۱ |
| ۳ | روحانی | ۲۲ | ۱۰ |
| ٤ | بازاری (بازرگانان ـ اصناف) | ۳۳ | ۱٥ |
| ٥ | صاحب مشاغل آزاد تخصصی | ۳۸ | ۱۷ |
| ۶ | کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی | ٤ | ۲ |
| ۷ | طبقهٔ پایین | ۱ ❀ | — |
| ۸ | | | |
| ۹ | | | |

درجامعهٔ ایرانی از دیرباز خانوادهٔ رکن اساسی اجتماع محسوب شده است و از این روا‌ست که غالباً خانواده‌های دولتمند ولایات کوشیده‌اند قدرت خودرا در مرکز ازطریق نصب پاره‌ای از اعضای خود در ادارات مهم یا ارتش و یا انتخاب بعضی از آنان درمجلس شورای ملی گسترش دهند وتحکیم کنند وباین‌ترتیب علاوه برمنزلت‌اجتماعی، نفوذ سیاسی وامتیازات اقتصادی به تبع آن تحصیل‌نمایند. هنگامی که در ادوار نخستین قانونگذاری انتخاب‌وکلا براساس طبقات شش گانه بود عامل خانوادگی‌نظربارتباط نزدیکی که با مفهوم طبقه دارد در صحنهٔ سیاست مؤثر بود (مثلاً انتخاب شاهزادگان بمجلس نشانهٔ این کیفیت است) ولی از هنگامی که اساس انتخاب بر حوزه‌های جغرافیایی‌قرارگرفت تأثیر عامل خانوادگی شدیدترشد

❀- نسبت این گروه ٤٥٪ می‌باشد.

و اعیان محلی سعی کردند که امتیازات خود را از طریق فرستادن اجزای خویش به‌مجلس حفظ وصیانت کنند .

درجامعه‌ای که اشرافیت حقیقی وریشه‌دار وجود ندارد وحوادث روزگار ممکن است هرروز خون دل‌وجام می‌را نصیب افراد دیگری کندضرورت تصاحب قدرت برای حفظ‌امتیازات موقت بخوبی نمایان است و این امری است که بسیاری از خانواده‌ها طی ادوار مجلس بآن توجه داشته و بمفاد آن عمل نموده‌اند ودیدیم که مجلس تقریباً همیشه دردرجهٔ نخست‌تحت تسلط خانواده‌های ملاك بوده است.

جدول شمارهٔ ٦ مربوط بشغل پدران نماینده‌گانی است که جنبهٔ رهبری داشته و صاحب نفوذ بوده‌اند ومعلوم‌می‌داردکه پدران‌ایشان نیزمالك بوده‌اند واین مطلب سخن قبلی ماراکه حاکمیت مالکان باشد تأیید می کند .

**جدول شمارهٔ ٦ - وضع مشاغل پدران نمایندگان باسابقه**

(رهبر) (باعتبار یک شغلی) برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | تعداد: نفر | تعداد: درصد |
|---|---|---|---|
| ۱ | ملاك | ۹۷ | ۵۲ |
| ۲ | روحانی | ۳۷ | ۲۰ |
| ۳ | کارمند دولت | ۲٤ | ۱۳ |
| ٤ | تاجر | ۲۵ | ۱۳ |
| ۵ | اصناف | ۱۰ | ۵ |
| ٦ | طبقهٔ پایین: زارع | ۵ | ۳ |
| ۷ | طبقهٔ پایین: خدمتگزار | ۳ | ۲ |
| ۸ | کارمند مؤسسات ملی‌وغیردولتی | ۵ | ۳ |
| ۹ | صاحب‌مشاغل آزاد تخصصی | ۳ | ۲ |

جدول شمارهٔ ۷ مربوط بوضع تحصیلات این دسته از نمایندگان باسابقه است و نشان میدهد که دارندگان تحصیلات عالی (حدود دکترا ولیسانس) شانس بیشتری برای تملک و احراز کرسی‌های نمایندگی بمدت طولانی داشته‌اند. درضمن این فرض را برای ما پیش می‌آورد که این گروه خاص بطور قطع با قدرت فکری بیشتر بطور منطقی آسانتر و بهتر می‌توانستند نظریه‌ها و مسائل مورد نظر خود را بخصوص با تجربه‌ای که درطی سالیان متمادی وکالت داشتند بر نمایندگان دیگر بقبولانند.

**جدول شمارهٔ ۷- وضع تحصیلات نمایندگان باسابقه** (رهبر) برحسب درصد

| شمارهٔ ترتیب | میزان ونوع تحصیلات | | تعداد: نفر | تعداد: درصد |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | تحصیلات قدیم | اجتهاد | ۵ | ۲ |
| ۲ | | مدرسی | ۳۹ | ۱۹ |
| ۳ | | سطح | ۴۹ | ۲۳ |
| ۴ | تحصیلات جدید | دکترا | ۱۱ | ۵ |
| ۵ | | لیسانس | ۳۶ | ۱۷ |
| ۶ | | دیپلم (متوسطه) | ۲۵ | ۱۲ |
| ۷ | | متعارف | ۴۷ | ۲۲ |
| | جمع | | ۲۱۲ | ۱۰۰ |

نسبت ۴۳ درصد دارندگان تحصیلات عالی قدیم و جدید (حدود دکترا ولیسانس) درمقابل ۵۷ درصد دارندگان تحصیلات پایین حدود متوسطه ومتعارف رقم شایان توجه می‌باشد.

جدول شمارهٔ ۸ مربوط است به گروه‌های سنی نمایندگان باسابقه، که براساس سن نمایندگان در نخستین دورهٔ وکالت تنظیم شده است. این جدول سخن قبلی ما را تأیید می‌کند که یکی از علل پیر شدن مجلس در دوره‌های اخیر عبارت از

**جدول شمارهٔ ۸ - وضع گروههای‌سنی نمایندگان باسابقه(رهبر)**

| شمارهٔ‌ترتیب | گروههای سنی | تعداد | |
|---|---|---|---|
| | | نفر | درصد |
| ۱ | گروه سنی بین ۳۰ تا ٤۰ سال | ۸۲ | ٤۸ |
| ۲ | » ٤۱ تا ۵۰ سال | ٦۰ | ۳۵ |
| ۳ | » ۵۱ تا ٦۰ سال | ۲۸ | ۱٦ |
| ٤ | » از ٦۱ ببالا | ۲ | ۱ |
| | جمع | ۱۷۲ | ۱۰۰ |

تکرار دوره‌های نمایندگی بسیاری از وکلای مجلس‌شورای ملی است ، چه بموجب‌این‌جدول درحدود ۸۳ درصد نمایندگان دارای چهار دوره سابقهٔ عضویت مجلس،درنخستین دورهٔ وکالت سن آنان بین ۳۰ تا ۵۰ سال بوده است وحتی نسبت بیشتری از آنها درعداد گروه سنی جوان بین ۳۰ تا ٤۰ سال قرار داشته‌اند .

# فصل ششم

## ترکیب طبقاتی و منشأ اجتماعی نمایندگان دورهٔ بیست و یکم قانونگذاری

اجرای قانون ملی مصوب ششم بهمن ماه ۱۳۴۱ شمسی وقانون اصلاحات ارضی تأثیر قابل توجهی درسیمای مجلس بیست ویکم باقی گذاشت ، واین تأثیررا از بررسی ترکیب طبقات نمایندگان مجلس شورای ملی دراین دوره ومقایسهٔ آن با بیست دورهٔ گذشته قانونگذاری آشکارا درمی‌یابیم . (رجوع بجداول شمارهٔ ۱ و ۲ مربوط بوضع شغل نمایندگان دورهٔ بیست و یکم شود) . بعبارت دیگر انعکاس احوال اجتماعی‌را کمابیش در ترکیب طبقاتی مجلس بیست و یکم مشاهده میکنیم .

جدول شمارهٔ ۱ که براساس فعالیت عمدهٔ نمایندگان ومنحصراً بموجب اطلاعات حاصل از اعتبارنامه ها تنظیم شده است، معلوم می‌دارد که حدود ۶۰ درصد نمایندگان دورهٔ بیست و یکم مجلس درسلک کارمندان دولت بوده‌اندودرمیان این عده حدود ۱۱ درصد علاوه بر کارمندی دولت بمالکیت وشغل آزاد : چون روزنامه‌نگاری وطبابت و وکالت دادگستری و جز اینها اشتغال داشته‌اند ، وجود این اکثریت قابل ملاحظه درمقابل ۱۳ درصد نسبت نمایندگان مالک وکشاورز شایان توجه میباشد و در تاریخ ترکیب طبقات نمایندگان مجلس در بیست دورهٔ قانونگذاری بی‌سابقه میباشد .

همچنانکه سابق اشاره کردیم عصر دوم مشروطیت آغاز توسعهٔ سازمانهای اداری و عصر سوم مشروطیت دوران پیشرفت وتکامل این تشکیلات می‌باشد .

اجرای قانون اصلاحات ارضی و بدنبال آن کاهش قدرت عمدهٔ مالکان ، دربرابر اهمیت طبقهٔ کارمندان اداری که روزبروز رو بافزایش می‌باشد، بتدریج موجبات تسلط طبقهٔ اخیر را در ادارهٔ امور مملکت فراهم میکند و بعبارت دیگر کارمندان دولت درمیان طبقهٔ حاکمهٔ مملکت

**جدول شمارهٔ ۱ - وضع مشاغل نمایندگان دورهٔ بیست و یکم قانونگذاری براساس فعالیت عمدهٔ آنها**

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | تعداد | |
|---|---|---|---|
| | | نفر | درصد |
| ۱ | کارمند دولت | ۹۵ | ۴۹ |
| ۲ | » و ملاک | ۴ | ۲ |
| ۳ | » صاحب مشاغل آزاد تخصصی | ۱۷ | ۹ |
| ۴ | مشاغل‌آزاد تخصصی | ۱۵ | ۸ |
| ۵ | مالک | ۲۴ | ۱۳ |
| ۶ | کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی | ۱۱ | ۶ |
| ۷ | تاجر | ۸ | ۴ |
| ۸ | تاجر و مالک | ۳ | ۱ |
| ۹ | کارگر | ۹ | ۵ |
| ۱۰ | اصناف | ۳ | ۱ |
| ۱۱ | روحانی | ۱ | ۱ |
| ۱۲ | کارمند مؤسسات ملی ومشاغل‌آزاد تخصصی | ۱ | ۱ |
| ۱۳ | خانه‌دار | ۱ | ۱ |
| | جمع | ۱۹۲ | ۱۰۰ |

## جدول شمارهٔ ۲ - وضع مشاغل نمایندگان دورهٔ بیست ویکم قانونگذاری

(باعتبار چند شغلی)

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | تعداد: نفر | تعداد: درصد |
|---|---|---|---|
| ۱ | کارمند دولت | ۷۱ | ۳۶/۳ |
| ۲ | کارمنددولت و ملاك | ۳۰ | ۱۵/۳ |
| ۳ | کارمند دولت و صاحب مشاغل آزادتخصصی | ۱۹ | ۹/۷ |
| ۴ | کارمنددولت وصاحب مشاغل آزادتخصصی وتاجر | ۱ | ۰/۵ |
| ۵ | کارمند دولت و تاجر | ۲ | ۱/- |
| ۶ | کارمند دولت وملاك و تاجر | ۲ | ۱/- |
| ۷ | کارمنددولت وملاك ومشاغل آزادتخصصی | ۸ | ٤/۱ |
| ۸ | کارمنددولت و کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی | ۱ | ۰/۵ |
| ۹ | کارمند دولت و کارمندمؤسسات ملی وملاك | ۱ | ۰/۵ |
| ۱۰ | کارمند دولت وملاک وسهامدار | ۱ | ۰/۵ |
| ۱۱ | تاجر | ٤ | ۲/- |
| ۱۲ | تاجر وصاحب شغل آزاد تخصصی | ۲ | ۱/- |
| ۱۳ | تاجر وملاك | ٦ | ۳/۱ |
| ۱٤ | تاجروملاك و سهامدار کارخانه ها | ۲ | ۱ |
| ۱۵ | ملاك | ۱۷ | ۸/۷ |
| ۱٦ | ملاك و کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی | ۱ | ۰/۵ |
| ۱۷ | ملاك و صاحب مشاغل آزاد تخصصی | ۱ | ۰/۵ |
| ۱۸ | کارمندمؤسسات ملی وغیردولتی | ۵ | ۲/٦ |
| ۱۹ | کارمند مؤسسات ملی وسهامدار کارخانه ها | ۱ | ۰/۵ |
| ۲۰ | کارمندمؤسسات ملی ومشاغل آزادتخصصی | ۱ | ۰/۵ |
| ۲۱ | کارمند مؤسسات ملی و زارع | ۱ | ۰/۵ |
| ۲۲ | صاحب مشاغل آزاد تخصصی | ۸ | ٤/۱ |
| ۲۳ | صاحب مشاغل آزاد تخصصی وسرمایه دار | ۱ | ۰/۵ |
| ۲٤ | اصناف | ۳ | ۱/۵ |
| ۲۵ | کارگر | ۵ | ۲/٦ |
| ۲٦ | زارع | ۱ | ۰/۵ |
| ۲۷ | خانه‌دار | ۱ | ۰/۵ |
| | جمع | ۱۹٦ | ۱۰۰ |

جا بازمی کنند و بخصوص از طریق ورود در دستگاه قانونگذاری بتدریج جای اشراف و عمدهٔ مالکان‌را می گیرند و درسلک طبقات ممتاز درمی‌آیند .

### جدول شمارهٔ ۳ ـ وضع مشاغل نمایندگان دورهٔ بیست ویکم قانونگذاری

(باعتباریک‌شغلی)

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | تعداد نفر | تعداد درصد |
|---|---|---|---|
| ۱ | کارمند دولت | ۱۳٦ | ٦۹/٤ |
| ۲ | ملاك | ٦۹ | ۳٥/۲ |
| ۳ | صاحب مشاغل آزاد تخصصی | ٤۱ | ۲۰/۹ |
| ٤ | تاجر | ۱۹ | ۹/٦ |
| ٥ | کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی | ۱۱ | ٥/٦ |
| ٦ | کارگر | ۹ | ٤/٦ |
| ۷ | اصناف | ٤ | ۲/ـ |
| ۸ | سرمایه‌داران (سهامدار کارخانه‌ها ، صاحب کارخانه) | ٥ | ۲/٥ |
| ۹ | خانه‌دار | ۱ | ۰/٥ |
| ۱۰ | زارع | ۲ | ۱/ـ |
| | جمع | ــ | ــ |

از بررسی جداول شمارهٔ ۲ و ۳ مربوط بوضع شغل نمایندگان که براساس شغل ومنابع درآمد نمایندگان (که ازطریق اطلاعات مندرج در پرسشنامه‌های توزیع شده بین نمایندگان دورهٔ بیست ویکم بدست آمده است) تنظیم گردیده است و ما در اینجا بنا بشیوهٔ قبلی خود بنام جدول چندشغلی (جدول شمارهٔ ۲) ویک شغلی (جدول شمارهٔ ۳) ذکر کرده‌ایم،معلوم میشود که بیش از٦۹ درصدنمایندگان‌در دورهٔ بیست ویکم کارمند دولت‌بوده‌اندوباز این نکته مؤید مطلب پیشین است. باید دانست که درتاریخ انتخابات عصر دوم وسوم مشروطیت و شاید در عصر اول مشروطیت این‌نسبت و این تسلط همچنانکه گفتیم بی‌سابقه می‌باشد .

بموجب جدول شمارهٔ ۵ میانگین نسبت مشاغل نمایندگان در سه عصر مشروطیت[۱] عصر اول مشروطیت مجلس بظاهر تابع کارمندان بوده است و ٤٤ درصد نمایندگان‌را این گروه تشکیل می‌دادند ، ولی باید توجه‌داشت که در مقابل این نسبت ، رقم ۳۹ درصد مربوط به مالکان‌قرار گرفته بودواختلاف فاحشی ازلحاظ اکثریت وتابعیت بین دو گروه مزبور دیده‌نمی‌شد . جدول شمارهٔ ۳ مربوط به‌نسبت مشاغل نمایندگان دربیست دوره نشان میدهد که درمیان پنج دورهٔ عصر اول مشروطیت تنهادورهٔ اول و سوم قانونگذاری‌است که‌درآن مجلس تابع نمایندگان کارمند نبوده است و درسایر ادوار این عصر اکثریت قابل‌توجه را گروه مزبور ، درمقابل نمایندگان مالک داشته‌اند .

درمقام مقایسه می‌توان گفت که دورهٔ بیست ویکم مجلس شورای ملی ازجهت طبقهٔ اکثریت نمایندگان مجلس ، مشابهتی نزدیک با دورهٔ چهارم قانونگذاری دارد با این اختلاف که در دورهٔ چهارم مجلس، روحانیان نسبت قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند ( در حدود ۲۳ درصد نمایندگان) ودرجهٔ سوم‌را بعدازکارمندان دولت نمایندگان مالک حایز بوده‌اند وحال آنکه‌در دورهٔ بیست و یکم صاحبان شغلهای آزادتخصصی بانسبت‌نزدیک‌به ۲۱ درصداین مرتبه‌را احراز کرده‌اند .

اگر به ردیف ٦ جدول شمارهٔ ۳ نگربسته شود، رقم ٤/٦ درصد که مربوط به‌نسبت نمایندگان کارگر است ، نمودار آغاز تحولی در کیفیت ترکیب طبقات مجلس شورای ملی می‌باشد ، این گروه گرچه درمقابل نمایندگان کارمند و همچنین نمایندگان مالک و صاحب شغلهای آزاد تخصصی وگروه بازاریان دراقلیت ضعیفی قرارگرفته‌اند ولی ازآنجا که در دورهٔ فعلی نخستین گامی‌بوده‌است که طبقهٔ کارگر برای‌احراز کرسیهای‌مجلس و تحرک ارتقایی‌برداشته شایان توجه می‌باشد .

اقلیت‌دیگری که‌در ترکیب نوظهور مجلس بیست ویکم دیده‌میشود و انعکاس‌تغییر قانون انتخابات است، گروه‌زنان اعم ازشاغل وخانه‌دار است.[۲]

مقایسه‌جدول شمارهٔ۳ نسبت مشاغل نمایندگان دورهٔ بیست‌ویکم مجلس شورای‌ملی

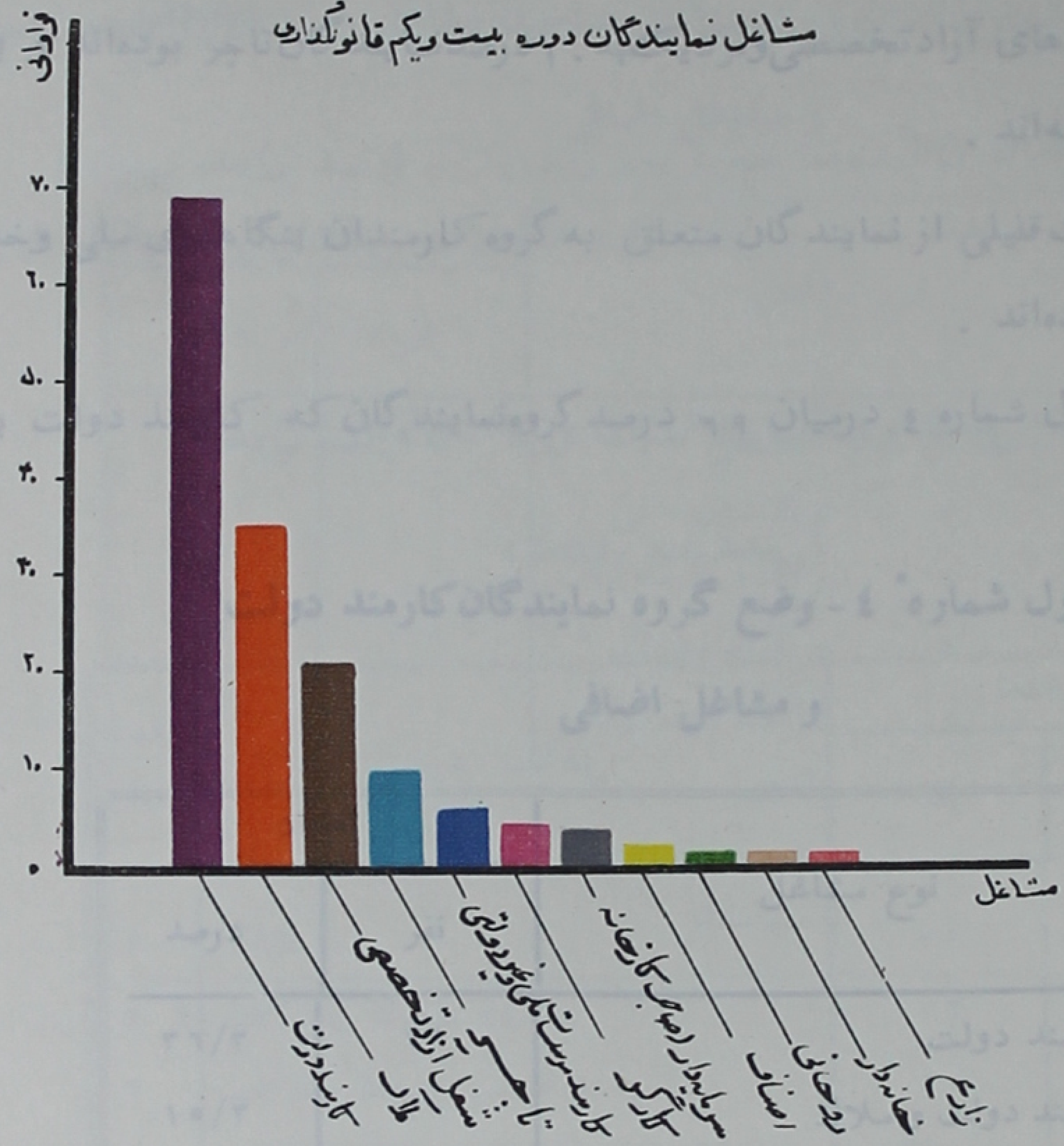
---

۱- رجوع بفصل اول ازبخش دوم صفحهٔ ۱۰ شود .

۲- ازمیان ٦ تن وکیل زن که ۳ درصدکل نمایندگان مجلس را دراین‌دوره تشکیل می‌دهند تنها یک‌تن خانه‌داری‌را بعنوان شغل خود عنوان‌کرده است .

نمودار

مشاغل نمایندگان دوره بیست و یکم قانونگذاری



باجدول شمارهٔ ۲ که مربوط به میانگین نسبت مشاغل نماینده‌گان درسه عصر مشروطیت است. مشابهت ترکیب طبقاتی مجالس عصر اول مشروطیت را مجلس بیست ویکم نشان میدهد. همچنانکه بیان داشتیم اکثریت مجلس بیست ویکم ازآن نماینده‌گان کارمند دولت است بانسبت ۶۹/۴ درصد و دردرجهٔ دوم نماینده‌گان مالک بانسبت بیش از ۳۰ درصد حدود ۲۱ درصد نماینده‌گان صاحب شغل های آزاد تخصصی ونزدیک به ۱۰ درصد نماینده‌گان تاجر بوده‌اند و بترتیب درردیف ۳و۴ قرار گرفته‌اند.

درضمن نسبت قلیلی از نماینده‌گان متعلق به گروه کارمندان بنگاههای ملی وخصوصی وکارگران واصناف بوده‌اند.

بموجب جدول شماره ۴ درمیان ۶۹ درصد گروه نماینده‌گان که کارمند دولت بوده‌اند

**جدول شمارهٔ ۴ - وضع گروه نماینده‌گان کارمند دولت و مشاغل اضافی**

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | تعداد - نفر | تعداد - درصد |
|---|---|---|---|
| ۱ | کارمند دولت | ۷۱ | ۳۶/۳ |
| ۲ | کارمند دولت و ملاک | ۳۰ | ۱۵/۳ |
| ۳ | « وصاحب مشاغل آزاد تخصصی | ۱۹ | ۹/۷ |
| ۴ | « وصاحب مشاغل آزاد تخصصی و تاجر | ۱ | ۰/۵ |
| ۵ | « و تاجر | ۲ | ۱/- |
| ۶ | « وتاجر وملاک | ۲ | ۱/- |
| ۷ | « وملاک وصاحب مشاغل آزاد تخصصی | ۸ | ۴/۱ |
| ۸ | « وکارمند مؤسسات ملی | ۱ | ۰/۵ |
| ۹ | « وکارمند مؤسسات ملی وملاک | ۱ | ۰/۵ |
| ۱۰ | « و ملاک و سرمایه‌دار | ۱ | ۰/۵ |
| | جمع | ۱۳۶ | ۶۹/۴ |

بیش از ۳۶ درصد آنها تنها بکارمندی دولت اشتغال داشته‌اند ویگانه راه درآمد آنها بنا باظهار خودشان حقوق دولتی بوده است و بیش از ۱۰ درصد آنان علاوه بر مزایای کارمندی از عواید ملکی نیز بهره‌مند بوده‌اند و در حدود ۳٫۱ درصد بمشاغل دیگری از قبیل طبابت و روزنامه‌نگاری و وکالت دادگستری نیز اشتغال داشته‌اند ونسبت قلیلی هم (٤ درصد) علاوه بر دو منبع درآمد فوق (کارمندی وشغل آزاد) از مزایای مالکیت نیز برخوردار بوده‌اند .

بموجب جدول شمارۀ ۵ ازمیان ۳۰ درصد نمایندگان مالک قریب ۹ درصد آنها تنها از راه مالکیت امرار معاش میکرده‌اند و ازمیان ۲۶ درصد بقیه ۲۲ درصد بکارمندی دولت

## جدول شمارهٔ ۵ - گروه نمایندگان مالک ومشاغل اضافی

(باعتبار چند شغلی)

| شمارۀ ترتیب | نوع مشاغل | تعداد | |
|---|---|---|---|
| | | نفر | درصد |
| ۱ | ملاک | ۱۷ | ۸/۷ |
| ۲ | ملاک و کارمند دولت | ۳۰ | ۱۵/۳ |
| ۳ | ملاک وکارمند و سرمایه‌دار | ۱ | ۰/۵ |
| ٤ | ملاک وکارمند ومشاغل آزاد تخصصی | ۸ | ٤/۱ |
| ۵ | ملاک وکارمند مؤسسات ملی وغیردولتی | ۱ | ۰/۵ |
| ٦ | ملاک وکارمند مؤسسات ملی | ۱ | ۰/۵ |
| ۷ | ملاک وصاحب مشاغل آزاد تخصصی | ۱ | ۰/۵ |
| ۸ | ملاک وتاجر | ٦ | ۳/۱ |
| ۹ | ملاک وتاجر وسرمایه‌دار (صاحبان سهام کارخانه‌ها) | ۲ | ۱ |
| ۱۰ | ملاک وکارمند دولت وتاجر | ۲ | ۱ |
| | جمع | ٦۹ | ۳۵/۲ |

اشتغال داشته‌اند ودرضمن سنابع دیگری ازجمله تجارت وشغل آزاد و سود سهام کارخانه‌های مختلف معاش ایشان‌را تأمین میکرده است .

نکتهٔ شایان توجه درجدول شمارهٔ ۶ دربارهٔ نمایندگانی است که به رشته‌ای فنی و

**جدول شمارهٔ ۶- گروه نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی و مشاغل اضافی**

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | تعداد | |
|---|---|---|---|
| | | نفر | درصد |
| ۱ | صاحب‌مشاغل آزاد تخصصی | ۸ | ۴/۱ |
| ۲ | « وملاک وروحانی | ۱ | ۰/۵ |
| ۳ | « وملاک وکارمنددولت | ۸ | ۴/۱ |
| ۴ | « و کارمنددولت | ۱۹ | ۹/۷ |
| ۵ | « کارمند دولت‌وتاجر | ۱ | ۰/۵ |
| ۶ | « وتاجر | ۲ | ۱/- |
| ۷ | « وکارمندمؤسسات‌ملی | ۱ | ۰/۵ |
| ۸ | « و سهامدار | ۱ | ۰/۵ |
| | جمع | ۴۱ | ۲۰/۹ |

تخصصی چون‌طبابت و روزنامه‌نگاری و وکالت دادگستری سی‌پرداخته‌اند ودرضمن‌از مزایای کارمندی دولت‌نیزبرخورداربوده‌اند. ازمیان‌حدود ۲۱ درصدنمایندگان‌صاحب شغل‌آزادتخصصی بیش از ۱۴ درصد ازمزایای کارمندی نیز استفاده میکرده‌اند[1] وتنها ٤ درصد آنها گویا فقط‌بکار اختصاصی خود سی‌پرداخته‌اند وسمر عایدی دیگری نداشته‌اند .

---

۱- ممکن است این سؤال مطرح شود که چگونه شغل آزاد تخصصی با کارمندی دولت توأم بوده است . باید متذکر بود که درسواردی از جمله استادی دانشگاه وجزآن کار تخصصی با کارمندی دولت مانعةالجمع نیست .

جدول شمارهٔ ۷ چنین می‌رساند که درمیان ده‌درصد نمایندگان تاجر تنها ۲ درصد آنها از راه کسب و تجارت امرار معاش میکرده‌اند و۳ درصد این گروه علاوه بر تجارت بمالکیت نیز

**جدول شمارهٔ ۷ - گروه نمایندگان تاجر ومشاغل اضافی**

| شمارهٔ ترتیب | گروههای سنی | تعداد | |
|---|---|---|---|
| | | نفر | درصد |
| ۱ | تاجر | ٤ | ۲/- |
| ۲ | تاجر ومشاغل آزاد تخصصی | ۲ | ۱/- |
| ۳ | تاجر و ملاك | ٦ | ۳/۱ |
| ٤ | تاجر و مالک وسرمایه‌دار | ۲ | ۱/- |
| ٥ | تاجر و کارمند دولت | ۲ | ۱/- |
| ٦ | تاجرو کارمنددولت وملاك | ۲ | ۱/- |
| ۷ | « ومشاغل آزاد تخصصی | ۱ | ۰/٥ |
| | جمع | ۱۹ | ۹/٦ |

اشتغال داشته‌اند و بقیه که در حدود ٥ درصد را تشکیل می‌دهند از منابع دیگری از جمله روزنامه‌نگاری و کارمندی دولت و راههای دیگر امرار معاش میکرده‌اند .

جدول شمارهٔ ۸ حاکی ازآن است ازمیان حدود ٦ درصدنمایندگان که کارمند سازمانهای ملی وغیر دولتی بوده‌اند، ۳ درصدآنهاازمزایای کارمندی‌سازمانهای مزبور بهره‌مند بوده‌اند و۳ درصد بقیه نیز از منابع دیگری ازجمله سودسهام کارخانهٔ‌های مختلف ومشاغل‌آزادتخصصی‌ومالکیت تأمین‌معاش میکرده‌اند .

چنانکه‌از منابع مکتوب ما ازجمله . اعتبارنامه‌ها وهمچنین پاسخ پرسشنامه‌ها برمیآید درحدود ۹ تن بعنوان نمایندهٔ کارگران بمجلس بیست ویکم راه‌یافته‌اند و بموجب‌جدول‌شمارهٔ ۹ از میان این‌عده درحدود ٤ تن از آنها کارمند دولت وهم کارمند مؤسسات ملی بوده‌اند که گویا درسازمانهای مزبور خدمت خود را باکارگری آغاز کرده و بتدریج بکارمندی وسپس بنمایندگی کارگران درمجلس شورای ملی‌ارتقاء یافته‌اند .

## جدول شمارهٔ ۸ - وضع گروهٔ نمایندگان کارمندمؤسسات ملی وغیر دولتی و مشاغل اضافی

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | تعداد | |
|---|---|---|---|
| | | نفر | درصد |
| ۱ | کارمندمؤسسات ملی وغیردولتی | ۵ | ۲/۶ |
| ۲ | « وسرمایه‌دار | ۱ | ۰/۵ |
| ۳ | « و ملاك | ۱ | ۰/۵ |
| ۴ | « وصاحب مشاغل آزاد تخصصی | ۱ | ۰/۵ |
| ۵ | کارمندمؤسسات ملی و کارمنددولت | ۱ | ۰/۵ |
| ۶ | « وملاك و کارمنددولت | ۱ | ۰/۵ |
| ۷ | « و زارع | ۱ | ۰/۵ |
| | جمع | ۱۱ | ۵/۶ |

## جدول شمارهٔ ۹ ـ وضع گروهٔ نمایندگان کارگر

| شماره ترتیب | نوع مشاغل | تعداد | |
|---|---|---|---|
| | | نفر | درصد |
| ۱ | کارگر | ۵ | ۲/۶ |
| ۲ | نمایندهٔ کارگران درمؤسسات ملی | ۲ | ۱/– |
| ۳ | نمایندهٔ کارگران درمؤسسات دولتی | ۲ | ۱/– |
| | جمع | ۹ | ٤/٦ |

جدول شمارهٔ ۱۰ - وضع گروه نمایندگان سرمایه‌دار (صاحبان سهام ومدیران کارخانه‌ها)

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | تعداد نفر | تعداد درصد |
|---|---|---|---|
| ۱ | سهامدار کارخانه وصاحب شغل آزاد تخصصی | ۱ | ۰/۵ |
| ۲ | « وکارمند دولت و ملاک | ۱ | ۰/۵ |
| ۳ | « وتاجرو ملاك | ۲ | ۱/- |
| ۴ | « وکارمندمؤسسات ملی وغیردولتی | ۱ | ۰/۵ |
| | جمع | ۵ | ۲/۵ |

جدول شمارهٔ ۱۰ ما از آن حکایت میکند که درمجلس بیست‌ویکم بظاهرسرمایه‌داران وصاحبان کارخانه‌ها و بنگاههای عمده سهمی سهم ندارند ، ۳ درصد مجلسیان که ازگروه سرمایه‌داران هستندفعالیت عمدهٔ خودرادر زمینه‌های مختلف مشاغل دیگری ازجمله کارمندی دولت وشغل آزادتخصصی ومالکیت ذکرکرده‌اندودرضمن بیان منابع درآمد خود ازسودحاصل ازسهام ومدیریت کارخانه‌های مختلف نام برده‌اند .

بموجب نمایش جدول شمارهٔ ۱۱ طبقهٔ زارع دراین دوره از مجلس نیز باوجود تغییر قانون انتخابات شانس وکالت مجلس‌را نداشته وظاهرآبیش‌از دونفر ازاین طبقه نتوانستندبمقام وکالت برسند .

### جدول شمارهٔ ۱۱ - وضع گروهٔ نمایندگان زارع

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | تعداد نفر | تعداد درصد |
|---|---|---|---|
| ۱ | کارمند مؤسسات ملی و زارع | ۱ | ۰/۵ |
| ۲ | زارع | ۱ | ۰/۵ |
| | جمع | ۲ | ۱ |

### شغل پدران نمایندگان دورهٔ بیست ویکم

**وضع شغل پدران نمایندگان کارمند دولت**

نکتهٔ جالب توجه درجدول شمارهٔ ۱۲ مربوط بشغل پدر نمایندگان کارمند دولت است و اگر ردیف ۱ و ۲ و ۳ و ۱۲ و ۱۳ این جدول را که مربوط به پدران مالک با مشاغل اضافی است بریکدیگر بیفزائیم معلوم می‌شود درحدود ۳۸ درصد نمایندگان کارمند اداری از خانوادهٔ مالک بوده‌اند و تنها ۱۷ درصد نمایندگان کارمند دولت از خانوادهٔ کارمند دولت بشمار می‌رفته‌اند. و بعبارت دیگر وراثت شغلی درمیان گروهٔ نمایندگان کارمند دولت و دراینمورد خاص صدق نمیکند.

**وضع شغل پدران نمایندگان مالک**

بموجب جدول شمارهٔ ۱۳ درحدود ۷۴ درصد[1] نمایندگان مالک خود پدری مالک داشته و از این رقم ۱۰ درصد آنها علاوه برمالکیت بمشاغل دیگری ازجمله کارمندی دولت وتجارت اشتغال داشته‌اند. رقم ۷۴ درصد نمایندگان مالک که پدران مالک داشته‌اند علاوه براینکه مسئلهٔ وراثت شغلی را درمورد گروه مالکان تأیید میکند این نکته را برما آشکار میسازد که اگرچه مالکیت شغل عمده واساسی نمایندگان مجلس بیست ویکم نبوده است ولی خانوادهٔ آنها درسلک مالکان بوده‌اند.

---

۱- باافزودن ارقام ردیف ۱ و ۲ و ۷ و ۸ ازجدول شمارهٔ ۱۳ .

## جدول شمارهٔ ۱۲ - وضع مشاغل پدران نمایندگان کارمند دولت در دورهٔ بیست و یکم قانونگذاری

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | تعداد | |
|---|---|---|---|
| | | نفر | درصد |
| ۱ | مالک | ۳۱ | ۲۲/۸ |
| ۲ | ملاک و کارمند دولت | ۱۴ | ۱۰/۴ |
| ۳ | ملاک و کارمند مؤسسات ملی و غیر دولتی | ۱ | ۰/۷ |
| ۴ | کارمند دولت | ۲۳ | ۱۶/۹ |
| ۵ | تاجر | ۱۲ | ۸/۸ |
| ۶ | مجهول | ۳۹ | ۲۸/۷ |
| ۷ | کارمند مؤسسات ملی و غیر دولتی | ۱ | ۰/۷ |
| ۸ | صاحب مشاغل آزاد تخصصی | ۵ | ۳/۷ |
| ۹ | کارمند دولت وصاحب مشاغل آزاد تخصصی | ۱ | ۰/۷ |
| ۱۰ | « و تاجر | ۲ | ۱/۵ |
| ۱۱ | زارع | ۱ | ۰/۷ |
| ۱۲ | ملاک و صاحب مشاغل آزاد تخصصی | ۲ | ۱/۵ |
| ۱۳ | تاجر و مالک | ۴ | ۲/۹ |
| | جمع | ۱۳۶ | ۱۰۰ |

## جدول شمارهٔ ۱۳ - وضع مشاغل پدران نمایندگان مالک

## دردورهٔ بیست ویکم

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | تعداد نفر | تعداد درصد |
|---|---|---|---|
| ۱ | ملاك | ۴۱ | ۵۹/۵ |
| ۲ | ملاك و کارمند دولت | ۷ | ۱۰/۲ |
| ۳ | تاجر | ۴ | ۵/۸ |
| ۴ | روحانی | ۱ | ۱/۴ |
| ۵ | مجهول | ۸ | ۱۱/۶ |
| ۶ | کارمند دوات ومشاغل آزاد تخصصی | ۱ | ۱/۴ |
| ۷ | ملاک و کارمندمؤسسات ملی وغیردولتی | ۱ | ۱/۴ |
| ۸ | تاجر وملاک | ۲ | ۲/۹ |
| ۹ | کارمند دولت | ۳ | ۴/۴ |
| ۱۰ | « وتاجر | ۱ | ۱/۴ |
| | جمع | ۶۹ | ۱۰۰ |

**وضع شغل پدران نمایندگان صاحب مشاغل آزادتخصصی**

جدول شمارهٔ ۱۴ مربوط بشغل پدران نمایندگان صاحب شغلهای‌آزاد تخصصی معلوم می‌داردکه دراین مورد نیزپدران مالک تفوق دارند چه درحدود ۳۷ درصد پدران[1] ازمالکان بوده‌اند و ۲۰ درصد کارمند دولت و ۱۳ درصد تاجر بشمار می‌رفته‌اند وچنانکه جدول ما حکایت میکند تنها ۵ درصد پدران از طریق حرفهٔ تخصصی خود امرار معاش می کرده‌اند .

---

۱- نتیجهٔ افزودن ارقام ردیف ۲ و۴ و۸ و۹ از جدول شمارهٔ ۱۴ .

## جدول شمارهٔ ۱۴ - وضع مشاغل پدران نمایندگان صاحب مشاغل آزادتخصصی دردورهٔ بیست ویکم قانونگذاری

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | تعداد نفر | تعداد درصد |
|---|---|---|---|
| ۱ | مجهول | ۱۰ | ۲۴/۴ |
| ۲ | ملاك وكارمندمؤسسات ملی وغیردولتی | ۱ | ۲/۴ |
| ۳ | کارمنددولت وصاحب مشاغل آزادتخصصی | ۱ | ۲/۴ |
| ۴ | ملاك | ۱۱ | ۲۶/۸ |
| ۵ | کارمند دولت | ۷ | ۱۷/۱ |
| ۶ | تاجر | ۶ | ۱۴/۷ |
| ۷ | صاحب مشاغل آزاد تخصصی | ۲ | ۴/۹ |
| ۸ | ملاك وصاحب مشاغل آزاد تخصصی | ۱ | ۲/۴ |
| ۹ | ملاك وكارمند دولت | ۲ | ۴/۹ |
| | جمع | ۴۱ | ۱۰۰ |

**وضع شغل پدران نمایندگان تاجر**

نکتهٔ مهمتر درجدول شمارهٔ ۱۵ دیده میشود وآن درمورد ۱۰ درصد نمایندگان تاجردورهٔ بیست و یکم است. اکثریت این گروه ازخانوادهٔ مالك هستند. درحدود ۴۷ درصد نمایندگان تاجر دارای پدران مالك بوده‌اند وتنها ۳۲ درصد آنها ازخانوادهٔ تاجر واصناف برخاسته‌اند.

**وضع شغل پدران نمایندگان کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی**

جدول شمارهٔ ۱۶ از آن حکایت می کند که در بین گروه نمایندگان کارمندمؤسسات ملی وغیردولتی بیش از[۱] ۴۵ درصدآنها از خانواده‌هایی برخاسته‌اند که از راه مالکیت و کشاورزی امرار معاش میکرده‌اند و ۱۸ درصدآنها کارمند مطلق بوده‌اند ودرمورد ۱۸ درصدبقیه نیزکه از پاسخ دادن بپرسش ما امتناع کرده‌اند اطلاعی بدست نیامده است.

۱ - نتیجهٔ افزودن ارقام ردیف ۱ و ۴ و ۶ از جدول شمارهٔ ۱۶ .

جدول شمارهٔ ۱۵ ـ وضع مشاغل پدران درگروهٔ نمایندگان تاجر در دورهٔ بیست ویکم قانونگذاری

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | تعداد | |
|---|---|---|---|
| | | نفر | درصد |
| ۱ | ملاک | ۸ | ۴۲/۱ |
| ۲ | تاجر | ۵ | ۲۶/۳ |
| ۳ | مجهول | ۴ | ۲۱/- |
| ۴ | کارمند دولت و ملاک | ۱ | ۵/۳ |
| ۵ | اصناف | ۱ | ۵/۳ |
| | جمع | ۱۹ | ۱۰۰ |

جدول شمارهٔ ۱۶- وضع مشاغل پدران درگروه نمایندگان کارمند مؤسسات ملی و غیردلتی دردورهٔ بیست‌ویکم قانونگذاری

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | تعداد | |
|---|---|---|---|
| | | نفر | درصد |
| ۱ | زارع | ۱ | ۹/۱ |
| ۲ | تاجر | ۱ | ۹/۱ |
| ۳ | کارمند دولت | ۲ | ۱۸/۲ |
| ۴ | ملاک | ۳ | ۲۷/۲ |
| ۵ | مجهول | ۲ | ۱۸/۲ |
| ۶ | کارمند دولت وملاک | ۱ | ۹/۱ |
| ۷ | مقاطعه کار | ۱ | ۹/۱ |
| | جمع | ۱۱ | ۱۰۰ |

## جدول شمارهٔ ۱۷ - وضع مشاغل پدران نمایندگان سرمایه‌دار

«صاحبان سهام و کارخانه‌داران»

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | تعداد | |
|---|---|---|---|
| | | نفر | درصد |
| ۱ | تاجر | ۲ | ۴۰ |
| ۲ | کارمنددولت و ملاك | ۲ | ۴۰ |
| ۳ | مالك | ۱ | ۲۰ |
| | جمع | ۵ | ۱۰۰ |

## جدول شمارهٔ ۱۸ - وضع مشاغل پدران نمایندگان کارگر در دورهٔ بیست ویکم قانونگذاری

| شمارهٔ ترتیب | نوع مشاغل | تعداد | |
|---|---|---|---|
| | | نفر | درصد |
| ۱ | مجهول | ۱ | ۱۶/۷ |
| ۲ | زارع | ۲ | ۳۳/۲ |
| ۳ | کارگر | ۱ | ۱۶/۷ |
| ۴ | اصناف | ۱ | ۱۶/۷ |
| ۵ | معمار | ۱ | ۱۶/۷ |
| | جمع | ۶ | ۱۰۰ |

بموجب جداول شمارهٔ ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ که مربوط بنمایندگان سرمایه‌دار و کارگران و اصناف است، برحسب معمول ایشان ازخانواده‌های مختلف بیرون آمده‌اند و ازمیان ۵ تن نمایندگان صاحب سرمایه سه‌تن فرزند کارمند دولت وملاک بوده‌اند و دوتن از آنها پدری تاجرداشته‌اند.

**جدول شمارهٔ ۱۹ ـ وضع مشاغل پدران نمایندگان اصناف**

**دردورهٔ بیست‌ویکم قانونگذاری**

| شماره ترتیب | نوع مشاغل | تعداد | |
|---|---|---|---|
| | | نفر | درصد |
| ۱ | اصناف | ۱ | ۳۳/۳ |
| ۲ | معمار | ۱ | ۳۳/۳ |
| ۳ | روحانی ومحضردار وزارع | ۱ | ۳۳/۳ |
| | جمع | ۳ | ۱۰۰ |

از بررسی جداول مربوط بخانوادهٔ نمایندگان و شغل پدرآنها ، این نکته برماآشکار میشود که بااینکه درحدود ۶۹ درصد نمایندگان مجلس بیست‌ویکم‌را نمایندگان کارمنددولت تشکیل میدهند با اینهمه منشأ خانوادگی و طبقهٔ قسمت بزرگی از آنها را در گروه مالکان باید جست. ناگفته نماندکه از ۱۹۶ تن نمایندگان این‌دورهٔ قانونگذاری درحدود ۵۰ تن در مقابل سؤال‌ما مربوط بشغل پدرسکوت اختیار کرده‌اند و اگراین عده از نمایندگان را که احتمالاً دراکثریت‌موارد از طبقات باصطلاح «پایین» اجتماع برخاسته‌اند کنار بگذاریم درحدود ۵۴ درصد وکلای مجلس بیست ویکم ازطبقهٔ مالک وکشاورز برخاسته‌اند.

## تحصیلات نمایندگان دورهٔ بیست ویکم

همچنانکه در فصلهای گذشته بیان داشتیم در صحنهٔ سیاست، نیروی روشنفکران و تحصیل کردگان مدارس عالی از صدر مشروطیت به‌بعد روز بروز روبتزاید رفته و بتدریج زمام حکومت واداره مملکت بدست گروه مزبور افتاده که بسبب توسعهٔ سازمانهای‌فرهنگی و ارتباطو تماس باخارج و امکان بهره‌مندی از فرهنگ غربی اکثریت قابل‌توجهی را دراواخر عصر سوم مشروطیت تشکیل داده‌اند .

بموجب جدول شمارهٔ ۲۰ مربوط‌بوضع تحصیل‌نمایندگان دورهٔ بیست ویکم، بیش از ۶۷ درصد نمایندگان دارای تحصیلات عالی دانشگاهی خواه دکترا و خواه فوق لیسانس و

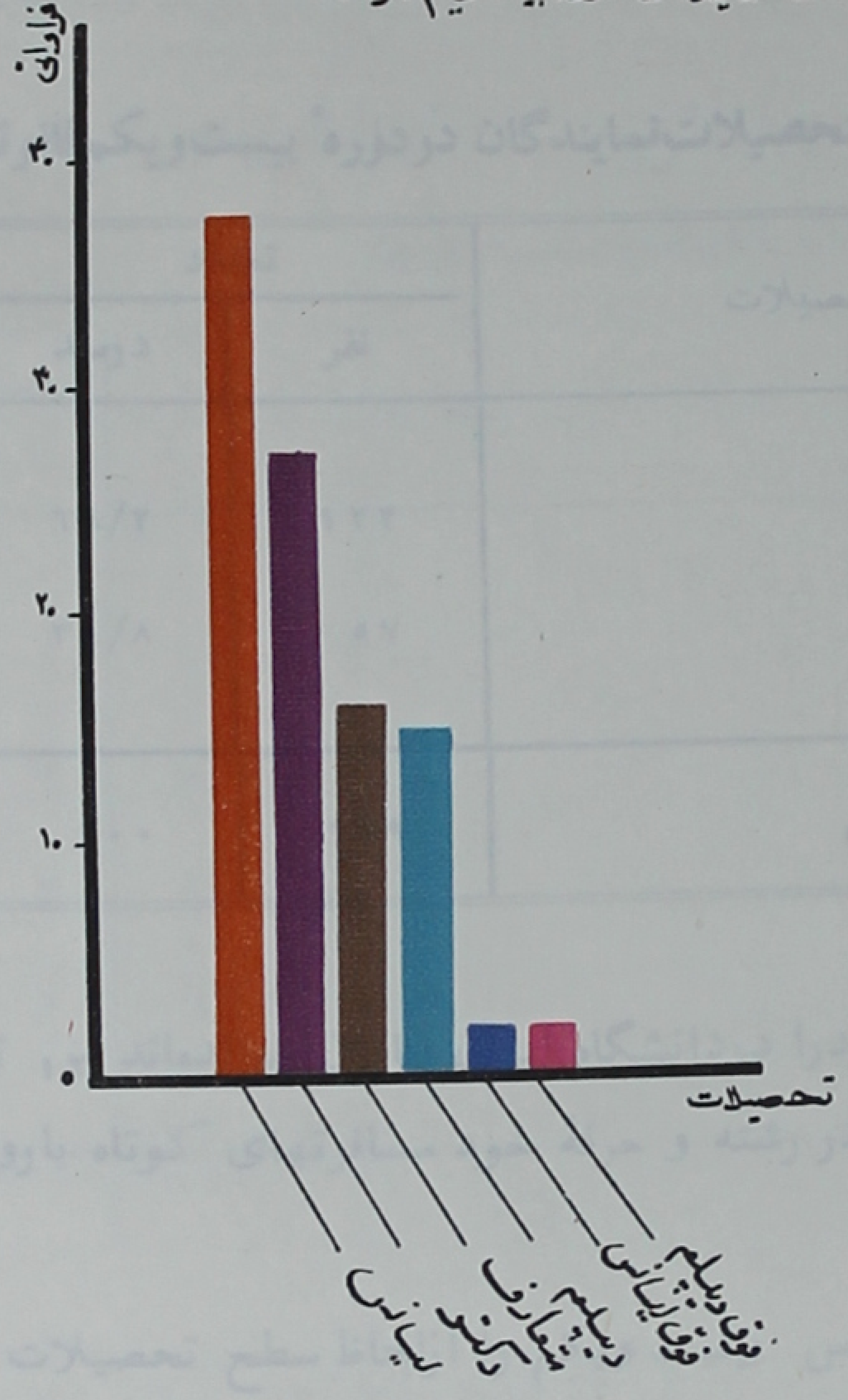
### جدول شمارهٔ ۲۰ - وضع تحصیلات نمایندگان در دورهٔ بیست‌ویکم قانونگذاری

| شمارهٔ ترتیب | میزان تحصیلات | تعداد | |
|---|---|---|---|
| | | نفر | درصد |
| ۱ | دارندگان درجهٔ دکترا | ۴۹ | ۲۷/۴ |
| ۲ | « فوق لیسانس | ۴ | ۲/۲ |
| ۳ | « لیسانس | ۶۸ | ۳۸/– |
| ۴ | « فوق دیپلم متوسطه | ۳ | ۱/۷ |
| ۵ | « دیپلم متوسطه | ۲۶ | ۱۴/۵ |
| ۶ | « تحصیلات متعارف (ابتدائی) | ۲۹ | ۱۶/۲ |
| | جمع | ۱۷۹ | ۱۰۰ |

لیسانس بوده‌اند ، درمقابل ۱۶ درصد که دارندگان‌تحصیلات متوسطه بوده‌اندو۱۶ درصددیگر نمایندگان‌که تنهاسواد خواندن ونوشتن ومدرک‌ابتدایی داشته‌اند .بااینکه‌درنظامنامهٔ‌انتخابات درمورد سطح وحدود تحصیلات نمایندگان تغییراتی داده نشده‌است وداشتن سواد فارسی کافی

نمودار

تحصیلات نمایندگان دوره بیست ویکم قانونگذاری



محسوب گشته، ملاحظه می‌شود که بمقتضای عصر وزمان خواه ناخواه تحصیل کردگان مدارس عالی در ادارهٔ امورمملکت سهم وحصه بیشتری پیدا کرده‌اند و بخصوص درمجلس شورای‌ملی وزنهٔ سنگینی را تشکیل می‌دهند.

بموجب جدول شمارهٔ ۲۱ درمیان نمایندگان‌دورهٔ بیست ویکم که دارای تحصیلات عالی می‌باشند درحدود ۳۲ درصد آنها از پرورش یافتگان دانشگاههای غرب می‌باشند وازمیان

**جدول شمارهٔ ۲۱ - وضع محل‌تحصیلات‌نمایندگان دردورهٔ بیست‌ویکم‌قانونگذاری**

| شمارهٔ ترتیب | محل تحصیلات | تعداد | |
|---|---|---|---|
| | | نفر | درصد |
| ۱ | ایران | ۱۲۲ | ۶۸/۲ |
| ۲ | خارج ازایران | ۵۷ | ۳۱/۸ |
| | جمع | ۱۷۹ | ۱۰۰ |

۶۸ درصد بقیه که تحصیلات عالی خودرا دردانشگاه ایران بپایان رسانده‌اند ۱۳ تن آنها برای تکمیل مطالعات و کسب تخصصی در رشته و حرفهٔ خود مسافرتهای کوتاه باروپا و آمریکا کرده‌اند.

درمقام مقایسه ترکیب مجلس بیست ویکم را ازلحاظ سطح تحصیلات با دورهٔ دوم مجلس شورای ملی میتوان‌مشابه ونزدیک دانست.

دورهٔ دوم مجلس درحدود ۵۸ درصد نمایندگان‌دارای تحصیلات عالی قدیم‌وجدید بود اند (بموجب‌جدول شمارهٔ ۱۶)[۱] وحال آنکه درمجلس بیست ویکم ۶۷ درصد نمایندگان دارندهٔ تحصیلات عالی بوده‌اند. در مجلس دوم ۲۷ درصد نمایندگان دارندهٔ تحصیلات متوسطهٔ قدیم و۱۵ درصد دارندهٔ‌تحصیلات متعارف‌بوده‌اند، دربرابر ۱۷ درصد نمایندگان‌دارای تحصیلات متوسطه درمجلس بیست ویکم و۱۶ درصد دارندهٔ تحصیلات متعارف درهمان‌مجلس.

---

۱- رجوع بفصل دوم تحصیلات نمایندگان دربیست‌دورهٔ قانونگذاری شود.

جدول شمارهٔ ۲۰ مربوط بوضع تحصیلی نماینده گان دورهٔ بیست ویکم قانونگذاری این مطلب را آشکارا تأیید میکند .

## گروههای سنی نماینده‌گان دورهٔ بیست ویکم مجلس شورای ملی

بموجب جدول شمارهٔ ۲۲ جوانترین دوره‌های مجلس شورای ملی درمیان ادوارعصر دوم وسوم مشروطیت دورهٔ بیست ویکم می‌باشد . چه‌نزدیک به ۸۰ درصد نماینده گان این‌دوره

### جدول شمارهٔ ۲۲ - وضع گروه‌های‌سنی نماینده‌گان دورهٔ بیست ویکم‌قانونگذاری

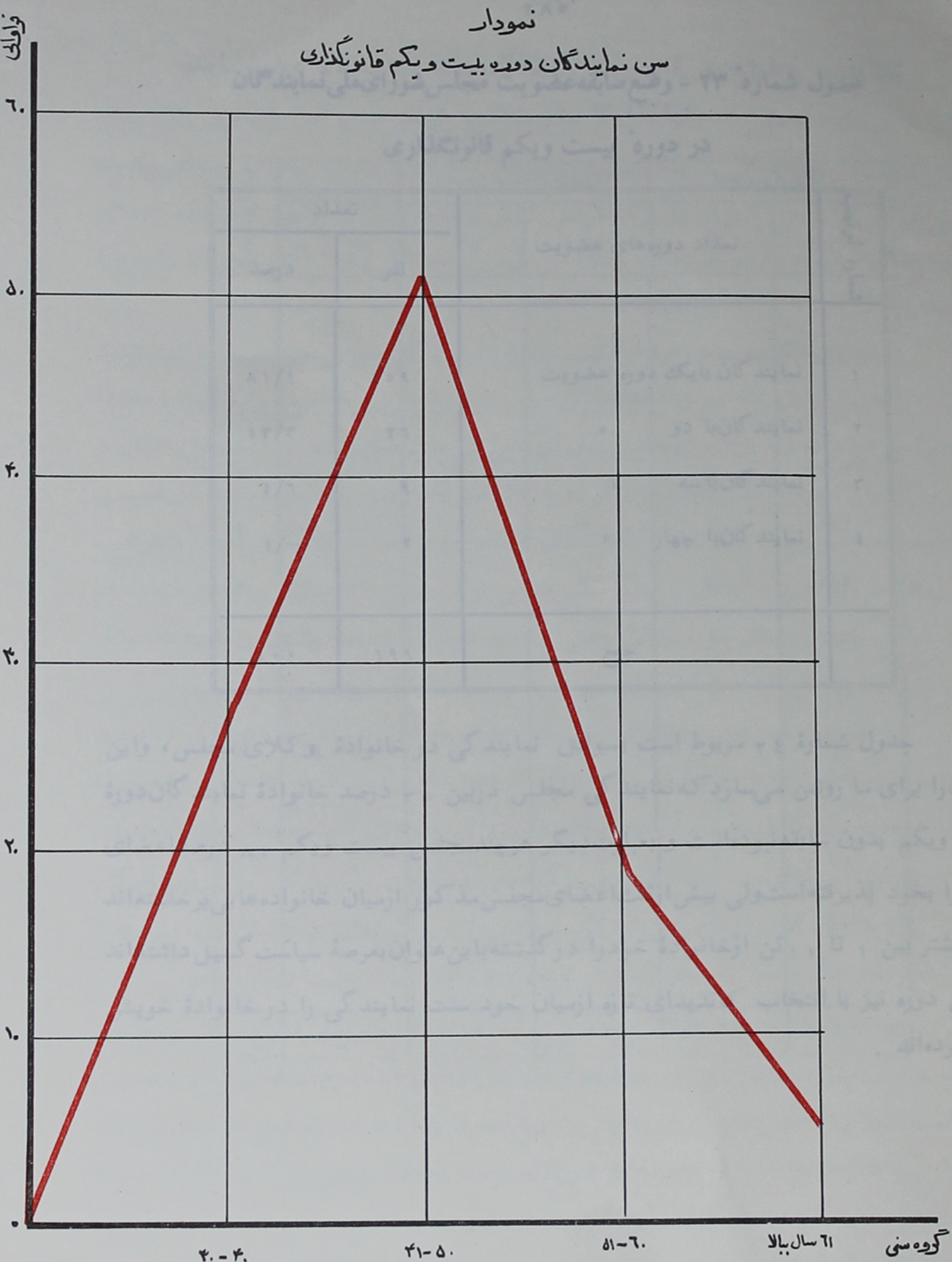
| شمارهٔ ترتیب | گروه‌های سنی | تعداد | |
|---|---|---|---|
| | | نفر | درصد |
| ۱ | بین ۳۰ تا ٤۰ | ۵۵ | ۲۸/۱ |
| ۲ | بین ٤۱ تا ۵۰ | ۱۰۱ | ۵۱/۵ |
| ۳ | بین ۵۱ تا ۶۰ | ۳۵ | ۱۷/۸ |
| ٤ | از ۶۱ سال ببالا | ۵ | ۲/۶ |
| | جمع | ۱۹۶ | ۱۰۰ |

در گروهٔ سنی بین ۳۰ تا ۵۰ سال قراردارند و از این نسبت ۲۸ درصد بین ۳۰ تا ٤۰ ساله می‌باشند .

در فصل سوم این بخش درضمن بحث از علل پیرشدن مجلس در عصر دوم و سوم مشروطیت ، یک علت این امر را بدین نحو تفسیر کردیم که نماینده گان عصر دوم و سوم مشروطیت بیش از یک دوره نماینده گی کرده‌اند . ازهمین جا می‌توان یکی از علل جوانی دورهٔ بیست ویکم‌را دریافت ، چه ۸۱ درصد نماینده گان دورهٔ مذکور بدون سابقهٔ وکالت بوده‌اند (رجوع به‌جدول شمارهٔ۲۳ شود) و تنها نزدیک به‌۱۹ درصد نماینده گان باسابقهٔ وکالت‌بوده‌اند (بموجب جدول‌شمارهٔ ۲۳) .

نمودار

سن نمایندگان دوره بیست و یکم قانونگذاری



## جدول شمارهٔ ۲۳ - وضع سابقه‌عضویت مجلس‌شورای‌ملی نمایندگان در دورهٔ بیست ویکم قانونگذاری

| شماره ترتیب | تعداد دوره‌های عضویت | تعداد - نفر | تعداد - درصد |
|---|---|---|---|
| ۱ | نمایندگان با یک دوره عضویت | ۱۵۹ | ۸۱/۱ |
| ۲ | نمایندگان با دو « | ۲۶ | ۱۳/۳ |
| ۳ | نمایندگان با سه « | ۹ | ۴/۶ |
| ۴ | نمایندگان با چهار « | ۲ | ۱/- |
| | جمع | ۱۹۶ | ۱۰۰ |

جدول شمارهٔ ۲۴ مربوط است بسوابق نمایندگی در خانوادهٔ وکلای مجلس، واین مطلب را برای ما روشن می‌سازد که نمایندگی مجلس دربین ۳۵ درصد خانوادهٔ نمایندگان دورهٔ بیست ویکم بدون سابقه نبوده‌است و بعبارت دیگر هرچند مجلس بیست ویکم ۸۱ درصد اعضای جدیدرا بخود پذیرفته‌است ولی بیش ازثلث اعضای مجلس مذکور ازمیان خانواده‌هایی برخاسته‌اند که بیشتر بین ۱ تا ۱۱ تن ازخانوادهٔ خودرا درگذشته باین عنوان بعرصهٔ سیاست گسیل داشته‌اند ودراین دوره نیز با انتخاب کاندیدای تازه ازمیان خود سنت نمایندگی را درخانوادهٔ خویش حفظ کرده‌اند .

## جدول شمارهٔ ۲۴ - وضع عضویت مجلس شورای‌ملی درخانوادهٔ نمایندگان دورهٔ بیست و یکم قانونگذاری

| شمارهٔ ترتیب | سابقه عضویت مجالس | خویشاوندان نزدیک | | خویشاوندان دور | |
|---|---|---|---|---|---|
| | | نفر | درصد | نفر | درصد |
| ۱ | یك دوره عضویت | ۱۶ | ۵۳ | ۱۸ | ۴۷/۴ |
| ۲ | دو « | ۹ | ۳۰ | ۷ | ۱۸/۴ |
| ۳ | سه « | ۲ | ۷ | ۵ | ۱۳/۲ |
| ۴ | چهار « | ۱ | ۳ | ۳ | ۷/۹ |
| ۵ | پنج « | ۲ | ۷ | ۱ | ۲/۶ |
| ۶ | شش « | — | — | ۱ | ۲/۶ |
| ۷ | هفت « | — | — | ۲ | ۵/۳ |
| ۸ | هشت « | — | — | — | — |
| ۹ | نه « | — | — | — | — |
| ۱۰ | ده « | — | — | — | — |
| ۱۱ | یازده « | — | — | ۱ | ۲/۶ |
| | جمع | ۳۰ | ۱۰۰ | ۳۸ | ۱۰۰ |

# نتیجه

درحکومت ملی، تفکیک وتقسیم قوای مملکتی وبرخورداری افراد ازحقوق وآزادیهای طبیعی بموجب قانون اساسی ، امکان بهره‌مندی طبقات مختلف جامعه راازمنزلت اجتماعی وقدرت سیاسی فراهم می‌سازد . دریک رژیم دمکراسی کامل قاعدةً رهبران سیاسی وازجمله اعضای پارلمان، نمایندگان عامهٔ مردم هستند ومطالعه درمنشأ اجتماعی وطبقهٔ آنان باید ما را دربارهٔ کیفیت تعادل نیروها درجامعهٔ موردنظر آگاه کند .

ازتحقیق ومطالعه ما دربارهٔ ترکیب طبقاتی نمایندگان مجلس چنین برمی‌آید که باوجود آن که دراغلب قوانین انتخاباتی ، نمایندگی در طبقات بخصوصی محدود نبوده است ، معهذا قدرت سیاسی درایران ویا لااقل درمجلس شورای ملی دردست طبقاتی خاص ازجمله: مالکان و کارمندان اداری بوده‌است. بطوریکه اگر دورهٔ اول قانونگذاری راکه تعیین نمایندگان بموجب نظامنامهٔ انتخابات ازمیان طبقات : شاهزادگان و قاجاریه ، علما وطلاب ، اعیان واشراف ، تجار ومالکان وفلاحین و اصناف باتعیین سهم معینی ازکرسیهای نمایندگی برای هرطبقه انجام گرفت استثناء کنیم ، بیست دورهٔ دیگر مجلس را باید درقبضهٔ قدرت مالکان وکارمندان دولت (آنهم کارمندان دولتی که دراکثر مواردخود ازمیان طبقهٔ مالکان برخاسته‌اند) بدانیم .

درعصراول مشروطیت برروی هم اکثریت شایان توجه ازآن کارمندان اداری است (بانسبت ۴۰ تا ۵۰ درصد کل نمایندگان) ولی در داخل آن عصر تفاوتی میان ادوار مختلف دیده میشود، چنانکه دردورهٔ اول اکثریت با بازرگانان واصناف ودردورهٔ سوم، مجلس تاحدودی تابع مالکان است.

بطورکلی باتوجه بدرجهٔ تحصیل وگروه سنی و بخصوص منشأ خانوادگی نمایندگان درعصر اول، میتوان گفت که انعکاس اوضاع اجتماعی و درواقع تغییر رژیم حکومت و انقلاب ملی درعصر اول، مشروطیت بانسبت بیشتری ازعصر دوم وسوم مشروطیت دیده میشود .

رشد طبقات متوسط ، افزایش طبقهٔ بازرگانان واصناف وشرکت مستقیم عامهٔ روحانیان درسیاست روز باقدرت سیاسی که این دوطبقه درجریان انقلاب ایران بدست‌آوردند، اثر محسوس درترکیب طبقاتی مجلس ملی ایران نمود . پذیرفته‌شدن نسل جوان باسطح تحصیلات بالاتر که مؤمن بانقلاب بودند و با دید روشن بین‌تری نسبت بحکومت ملی می‌نگریستند ، مسئلهٔ شایان توجهی است که درعصر اول مشروطیت بتحقق پیوست .

بطوریکه ازجداول ما برمی‌آید، پنج دورهٔ اول مجلس نسبت بیشتری ازگروه سنی جوان

بین ۳۰ تا ٤۰ ساله‌را پذیرفته است ، چه این گروه درعصر اول مشروطیت بانسبت ٤۷ درمقابل ۱۶ درصد مربوط به گروه سنی ۵۱ تا ۶۰ ساله، اکثریت مجلس را داشته‌اند .

ونیز بموجب جداول مربوط به تحصیلات نمایندگان از آغازمشروطیت تا دورهٔ بیست و یکم،نسبت ٤۸ درصد که مربوط به‌نمایندگان دارای تحصیلات عالی درعصراول است اگر با دوعصر دوم وسوم مشروطیت سنجیده شود درخور تأمل است ، بویژه نسبت ۵۸ درصد دارندگان تحصیلات‌عالی(حدوددکترا ولیسانس) دردورهٔ‌دوم‌مجلس شورای‌ملی، درمیان ادوار مختلف مجلس شورای‌ملی بی‌سابقه‌می‌باشد،قابل توجه آن که دراین عصرمجلس عدهٔ کمتری‌ازوکلای دارای‌سطح پایین تحصیلات (تحصیلات متعارف) رابخودپذیرفته‌است.دورهٔ دوم‌نسبت‌افراد کم سواد درمجلس شورای‌ملی فقط پانزده درصد بوده‌است ودورهٔ سوم‌نیز باداشتن ۵۱ درصدوکلای دارندهٔ تحصیلات عالی درمیان ادوار قانونگذاری شاخص وممتاز می‌باشد .

بانظر باین پدیده و همچنین ترکیب نسبتاً متعادل گروههای شغلی می‌توان این دو دورهٔ مجلس‌را (دورهٔ دوم وسوم) درگذشته ازمترقی‌ترین ادوار مجلس شورای‌ملی بحساب‌آورد .

باید دانست که از دورهٔ چهارم وپنجم مجلس شورای ملی ، بتدریج زمینهٔ پذیرفتن گروههای جدید باتحصیلات و تمایلات مختلف آماده گردید وترکیب طبقاتی مجلس بخصوص از دورهٔ ششم قانونگذاری (آغاز عصر دوم مشروطیت) تا دورهٔ بیست ویکم دگرگون‌شد .

اوضاع سیاسی واجتماعی وبخصوص ثبات سیاسی عصر دوم مشروطیت،بطبقات خاصی این فرصت‌راداد که بمنظورحفظ‌منزلت اجتماعی قدیم خود درحکومت‌ونظام‌جدید باقبول‌مشاغل دولتی ووکالت مجلس شورای ملی قدرت اقتصادی متکی برمالکیت ارضی‌را باقدرت سیاسی‌توأم سازند و بادردست گرفتن زمام قدرت سیاسی تسلط خودرا برطبقات دیگر اجتماع تحمیل کنند .

بطوریکه از تحقیق‌مادرباب منشأخانوادگی وسطح تحصیل نمایندگان مجلس برمی‌آید این طبقات باکسب شرایط زمانی ( ورود بمشاغل دولتی وکسب تعلیمات عالی ) راه خود را بسوی مجلس بازنمودند و بدین‌طریق بحفظ‌منزلت اجتماعی خود وقدرت رهبری توفیق یافتند . (اکثریت نزدیک به ۳۵ تا ۳۸ درصد پدران نمایندگان کارمند دولت را درعصر دوم وسوم مشروطیت مالکان تشکیل می‌داده‌اند وتنها ۲٤ درصدازنمایندگان کارمند درعصر سوم‌مشروطیت خود از خانوادهٔ کارمند اداری بوده و بقیه که نزدیک به ۳۸ درصد را تشکیل می‌دهند از گروههای مختلف دیگر از جمله از خانوادهٔ روحانی برخاسته‌اند .

اگر تحقیق درباب منشأ اجتماعی نمایندگان مجلس را درمورد سایر نخبگان سیاسی

تعمیم دهیم . باید عصر دوم وسوم مشروطیت‌را دوران سیادت و رهبری طبقهٔ مالک بدانیم . بعبارت دیگر وجود رژیم ارباب ورعیتی بطبقهٔ مالک اجازه‌داد که بانسبت قابل توجهی یعنی حدود بیش از ۵۷ درصد کرسیهای مجلس‌را بدست‌آورد و درمقابل ۳۹ تا ۴۶ درصد کارمندان اداری وهمچنین دربرابر ۱۷ تا ۱۹ درصد نمایندگان صاحب حرفه وشاغل تخصصی و آزاد و ۱۶ تا ۱۳ درصدبازرگانان درعصر دوم وسوم‌مشروطیت‌اکثریت مهمی را درمجلس تشکیل‌دهد.

آغاز این‌دست‌یابی مالکان را بنمایندگی مجلس از دوره سوم قانونگذاری‌بایددانست و از دورهٔ ششم ببعد است که اکثریت بدست طبقهٔ مذکور می‌افتد . بهمان‌نسبت که این‌طبقه دربدست‌آوردن رهبری مستقیم‌سیاسی شانس بیشتری را احرازکرد و مثلاً باا کثریت حدود ۵۸ تا ۶۰ درصد بخصوص دوره‌های اخیر مجلس ( ۱۸-۱۹-۲۰ ) گروه‌های دیگر را تحت‌الشعاع قرارداد ، طبقهٔ روحانیان بتدریج و ازآغاز عصر دوم مشروطیت بخصوص از دورهٔ هشتم و نهم مجلس شورای ملی ببعد موقع رهبری سیاسی خود را بعنوان نمایندهٔ مجلس از دست دادند ، بطوریکه نسبت این گروه درعصر سوم مشروطیت به۳ درصد کل نمایندگان میرسد و در عوض جای این‌طبقه راگروه نمایندگان صاحب مشاغل تخصصی و آزاد بانسبت قابل‌ملاحظه گرفت و سرتبهٔ بعد ازکارمندان دولت‌را درمجلس بدست آورد .

علم و تحصیل نمایندگان دراین دوعصر بخصوص درعصر دوم مشروطیت‌قابل‌توجه است آمار نمایندگان درعصر دوم حاکی از آن است که نسبت وکلای دارای تحصیلات قلیل ۳۱ درصد بوده وحال‌آن که درعصر اول وسوم بارقام ۱۸ و ۲۱ درصد برخورد می کنیم . کاهش نسبت نمایندگان دارای تحصیلات عالی دانشگاهی وغیر دانشگاهی در عصر دوم مشروطیت (بارقم ۳۳ درصد درمقابل ۴۸ درصد عصر اول وسوم مشروطیت) معلوم می‌دارد که موقع زمان برای انتخاب رهبران ازمیان روشنفکران و تعلیم‌یافتگان عالی دانشگاهی مساعد نبوده‌است.

درعصر سوم مشروطیت بتدریج امکان ورود روشنفکران و دارندگان تحصیلات عالی بیشتر شد و از جمله عواملی که این‌وضع را پیش آورد توسعهٔ نظام جدید فرهنگ و تأسیس سازمانهای عالی آموزشی در زمان اعلیحضرت رضاشاه فقید بود .

از دورهٔ ۱۷ مجلس شورای ملی ببعد نسبت تحصیل کردگان عالی فزونی گرفت وبه متجاوز ازنصف نمایندگان مجلس بالغ گردید واین‌جریان وسیر طبیعی در دورهٔ بیست ویکم نیز صدق پیدامی‌کند وازحدود ۵۰ و۵۳ درصد دوره‌های ۱۹ و ۲۰ به ۶۷ درصد نمایندگان‌مجلس در دورهٔ بیست‌ویکم میرسد .

همچنانکه از تحقیق ما برمی‌آید، کارگران و روستاییان و همچنین کسبه و پیشه‌وران در سازمان سیاسی کشورسهمی مؤثر نداشته‌اند وبخصوص طبقهٔ کارگروزارع در هیچیک از ادوار قانونگذاری نتوانستهٔ است یک کرسی ازکرسیهای مجلس شورای ملی را اشغال نماید و ازمیان روستاییان بندرت می‌توان یک یا دو نفررا یاد کرد که مدت چندسال متوالی در مجلس بعنوان نماینده حضور داشته‌اند، قدرت سیاسی بازاریان وکسبه و پیشه‌وران نیز پس از دورهٔ اول بدنبال لغو قانون انتخابات طبقاتی کاهش پذیرفت. وپس از آن دوره درهیچیک از ادوار مجلس (تادورهٔ بیست ویکم) نمایندهای از اصناف شانس نمایندگی مجلس را نداشته است.

مشخصات طبقاتی که ذکر کردیم از دورهٔ ششم قانونگذاری تا تصویب لایحهٔ ششم بهمن‌ماه وانتخابات مجلس بیست ویکم همچنان ادامه دارد ودراین دوره ازمجلس است که امکان ورود نمایندگان ازطبقات مختلف فراهم می‌شود. معذلک طبقه‌ای که سابقاً درجهٔ دوم اکثریت راداشت اینک برمجلس مسلط شده است و آن طبقهٔ کارمندان اداری است. معذلک دراین موردهم باید یادآورشد که ۶۹ درصد کارمندان مزبور اکثراً ازخانوادهٔ مالک برخاسته‌اند وحال آن که درمقابل ۵ و۲ و ۱ درصد بترتیب ازطبقهٔ کارگر و اصناف وزارع بیرون آمده‌اند.

درمملکتی که اساس اقتصاد آن برکشاورزی مبتنی است وصنعت و تکنیک جدید در مرحلهٔ ابتدایی وآغاز رشد خودقراردارد، ثروت دردرجهٔ اول بصورت اموال غیرمنقول وازجمله اراضی مزروعی است جای شگفتی نیست اگر این طبقه ازمنزلت اجتماعی بیشتری برخوردارباشد و باروی کارآمدن حکومتهای مختلف وتغییر رژیم سیاسی همچنان موقع ممتازخود را حفظ کرده ودر زمرهٔ طبقهٔ حاکمهٔ مملکت بشمارآید.

## بخش سوم

# مشخصات اجمالی نمایندگان مجلس شورای ملی

### از آغاز مشروطیت تاکنون «طی بیست و یک دورهٔ قانونگذاری»

## الف

**ابتهاج** - غلامحسین ابتهاج. فرزند ابراهیم ابتهاج الممالک (مالک). متولد ۱۲۷۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی در پاریس و بیروت. کارمند دولت و نماینده دوره‌های ۱۶ و ۱۹ از لاهیجان و بندرپهلوی.

**ابتهاج سمیعی** - نیره ابتهاج سمیعی. فرزند یوسف (مالک). متولد ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ زبان. کارمند دولت و مالک، و نماینده دورهٔ ۲۱ از رشت.

**ابراهیم** - حاج شیخ ابراهیم. فرزند حاجی علی اصغر (از اصناف) متولد ...... دارای تحصیلات...... بلورفروش و نماینده دورهٔ اول از طرف صنف بلورفروش و شیشه بر تهران.

**ابراهیم** - حاج میرزا ابراهیم خیاط باشی. فرزند ...... متولد ...... دارای تحصیلات...... نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف صنف خیاط تهران.

**ابراهیمی** - میرزا محمدحسین خان ابراهیمی «آصف الممالک» فرزند حاج محمد رحیم مجتهد (روحانی و رئیس طایفهٔ شیخیه) متولد حدود ۱۲۴۸ شمسی. دارای تحصیلات جدید حدود متوسطه. ملاک و کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۳، ۴ و ۵ از کرمان.

**ابراهیمی** - میرزا حسن خان ابراهیمی «مختارالملک». فرزند مرحوم حاج موسی ابراهیمی (مالک) متولد ۱۲۵۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. از اعیان و مالکان. نمایندهٔ دورهٔ ۶ از بم.

**ابراهیمی** - مجید ابراهیمی. فرزند مرحوم میرزا حسن خان (ابراهیمی) (مختارالملک). (مالک و نمایندهٔ مجلس) متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات جدید حدود متوسطه. مالک و نماینده دوره‌های ۱۹ و ۲۰ از کرمان.

**ابراهیمی** - یدالله ابراهیمی. فرزند خسروخان ابراهیمی (مالک) متولد حدود ۱۲۷۸ شمسی. دارای تحصیلات جدید در حدود متوسطه. مالک و متولی موقوفه بیمارستان نوریه (موقوفهٔ جد ایشان نورالله خان ابراهیمی) وکیل دورهٔ ۱۸ از کرمان.

**ابراهیمی** - ویلیام ابراهیمی. فرزند شموئیل (پزشک). متولد ۱۲۹۸ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از طرف اقلیت آشوری و کلدانی.

**ابراهیمی دریانی** - مهدی ابراهیمی دریانی. فرزند مرحوم علی (تاجر). متولد ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات حدود متعارف. تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از تبریز.

**ابراهیمی ریگی** - جوادخان ابراهیمی ریگی. فرزند سردار عیدوخان (سلاک). متولد ۱۲۷۹ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. سلاک ونمایندهٔ دورهٔ ۱۰ از بلوچستان.

**ابریشم کار** - محمدابریشم کار. فرزند مرحوم حاج اسمعیل (تاجر). متولد ۱۲۶۸ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۱۶ از شوشتر.

**ابطحی** - جعفرابطحی. فرزند سید محمد (.......). متولد ۱۲۹۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از شیراز.

**آبکار** - پطروس آبکار. فرزندخاچیک (......) متولد ۱۲۶۳ شمسی. دارای تحصیلات ...... کارمند بازنشستهٔ دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱۶ از طرف ارامنهٔ جنوب.

**ابوالوردی** - شیخ علی مجتهد ابوالوردی. فرزند ......(روحانی) متولد ......دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. محضردار ومدرس و وکیل دورهٔ ۲ از شیراز.

**ابوالقاسم میرزا** - شاهزاده ابوالقاسم میرزا. فرزند......(.......) متولد ...... دارای تحصیلات. حدود متوسطه. کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۲ ازکرمانشاه.

**اتابکی** - حاج میرزا احمدخان اتابکی. فرزندمرحوم حجت الاسلام حاج سیدجواد (روحانی). متولدحدود ۱۲۵۶ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدودسطح .مالک و کارمنددولت ونمایندهٔ دورهٔ ۵ ازفسا.

**احتشام** - دکتراحمد احتشام .فرزندمیرزامحمدخلیل (......)متولدحدود ۱۲۶۴ شمسی. دارای تحصیلات عالی از دارالفنون تهران. طبیب ونمایندهٔ دوره‌های ۵-۸-۹- ۱۰ از اصفهان.

**احتشام الاطباء** - سید هاشم احتشام الاطباء. فرزند ......(.......) متولد .....دارای تحصیلات حدود عالی .طبیب مجاز و نمایندهٔ دورهٔ اول از ترشیز (کاشمر).

**احتشام السلطنه** - میرزامحمودخان احتشام السلطنه علامیر. فرزندمحمدرحیم خان قاجاردولو «علاءالدوله». (کارمنددربار) متولد ۱۲۳۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. کارمند دولت. ونمایندهٔ دوره‌های ۱-۳- ازتهران.

**احتشام زاده گنج بخش** - سیدعلیرضاخان احتشام زاده گنج بخش. فرزند احتشام الواعظین (روحانی). متولد ۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ علوم سیاسی ازمدرسهٔ سیاسی تهران. کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۶-۷-۸-۹- ۱۰ از تهران وساوه وزرند.

**احسن الدوله** - میرزاحسن خان احسن الدوله .فرزند.....(.....) متولد حدود .....دارای تحصیلات. عالی در رشتهٔ کشاورزی. کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ اول از تبریز.

**احمدی** - سیدفاضل احمدی کاشانی .فرزندحاج سیدصدرالدین (روحانی) .متولد ۱۲۶۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی ونمایندهٔ دوره‌های ۳و۴ از شاهرود (در واقعهٔ کودتای ۱۲۹۹ شمسی از وکالت مجلس استعفا داد).

**احمدی** - شیخ یحیی احمدی کرمانی. فرزند مرحوم حاج احمد حجة‌الاسلام (ازفقهای معروف ومؤلف. تاریخ عمومی). متولد ۱۲۴۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. از علمای متعین و مالک ونمایندهٔ دورهٔ اول و سوم ازکرمان.

**احمدی** - صادق احمدی. فرزندعباس (تاجر) متولد ۱۲۹۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از سنقر.

**اخگر** - میرزا احمد خان اخگر. فرزند حاج ابراهیم ملاباشی (واعظ). متولد حدود ۱۲۶۸ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند لشکری و نمایندهٔ دوره‌های ۵ و ۱۷ از بوشهر.

**اخوان** - احمد اخوان فرزند مرحوم حاج علی اکبر اخوان (مالک و تاجر عمده). متولد حدود ۱۲۷۵ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه (فارغ التحصیل مدرسه آمریکائی). تاجر و مالک عمده و نماینده دوره‌های ۱۴ و ۱۵ از کاشان و دوره ۱۸ از تهران.

**اخوان** - مهندس عباس اخوان. فرزند مرحوم ابوالقاسم (تاجر). متولد ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی، کارمند دولت و مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از مشهد.

**آخوند گرگانی** - محمد آخونددازگرگانی. فرزند آقا جیق بای (از رؤسای ایل ترکمن و ملاک و از طایفهٔ جعفربای یموت) متولد حدود ۱۲۶۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. رئیس ایل ترکمن و ملاک و روحانی، نماینده دوره های ۲، ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ از گنبد قابوس و ایل تراکمه.

**اخوی** - جمال الدین اخوی. فرزند مرحوم حاج سید نصرالله اخوی (کارمند دولت و نمایندهٔ مجلس) متولد ۱۲۷۱ شمسی. دارای دیپلم Crimino logie از پاریس. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ ازتهران.

**اخوی** - حاج سید نصرالله اخوی تهرانی. فرزند مرحوم سید محمد رضا سادات اخوی (روحانی) متولد ۱۲۴۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی و کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۲ و ۳ از تهران (در دورهٔ سوم بواسطه عضویت محکمه تمیز از وکالت استعفا داد. ربیع الاول ۱۳۳۳).

**اخوی** - حاج سید ابراهیم اخوی تهرانی. فرزند سید جواد اخوی تهرانی (روحانی). متولد ...... دارای تحصیلات ...... از اصناف و نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف «صنف بزاز حریر فروش» تهران.

**ادیب التجار** - میرزا محمد ادیب التجار اصفهانی. فرزند میرزا عبدالکریم اصفهانی..... متولد ..... دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دوره ۲ از قزوین.

**ادیب گلپایگان** - میرزا محمد باقر ادیب گلپایگانی. فرزند..... متولد...... دارای تحصیلات...... نماینده دوره‌های اول و دوم از گلپایگان.

**ادیب سمیعی** - نادر ادیب سمیعی. فرزند میرزا ربیع خان (.....) متولد ۱۲۹۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق قضایی از آمریکا. کارمند دولت و مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از لنگرود

**آدینه آخوند** - یارعلی آدینه جان آخوند جعفربای. فرزند صفرخان (مالک و رئیس ایل جعفربای و روحانی) متولد حدود ۱۲۶۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. روحانی و مالک و نماینده دوره‌های ۴ و ۸ از طرف تراکمه گنبد قابوس

**آراسته** - مهندس بهمن آراسته. فرزند مرحوم محمد (کارمند دولت). متولد ۱۲۹۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی از آمریکا. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از شازند.

**ارباب** - مهدی ارباب. فرزند رضا (.....) متولد ۱۲۷۹ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دوره‌های ۱۵ و ۱۶ از بلوچستان، و ۱۸ و ۱۹ از بندرعباس.

**اردبیلی** - سید حسین اردبیلی فرزند...... متولد...... دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی و مدیر روزنامهٔ خراسان و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از خراسان.

**اردبیلی**- سیدجلیل اردبیلی .فرزند.....(روحانی) متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح . روحانی ومالک و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از اردبیل.

**اردبیلی**- محمدرضا اردبیلی.فرزند مرحوم حاج علی اصغر (مالک). متولد ۱۲۶۶ شمسی.دارای تحصیلات متعارف.مالک وتاجر و نمایندهٔ دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲و۱۳ از اردبیل.

**اردبیلی**- مهندس بیوک اردبیلی. فرزندمرحوم حاجی مهدی(مالک وتاجر). متولد۱۲۹۱شمسی، دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی .مالک‌وکارمنددولت (استاد دانشگاه). نمایندهٔ دورهای۱۸، ۱۹ و۲۰ از تبریز.

**اردلان**-عباس‌قلی اردلان. فرزند ابوالحسن اردلان«فخرالممالک» (از خوانین مالک و کارمند دولت). متولد ۱۲۷۹شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ امور مالی از لندن. کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از سنندج.

**اردلان**- ناصرقلی اردلان .فرزندابوالحسن اردلان .«فخرالممالک»( ازخوانین مالک وکارمنددولت) متولد ۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات حدود دیپلم ازتهران وبلژیک. کارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۱۴، ۱۵و۱۶ از سنندج.

**اردلان**- میرزا امان‌الله اردلان.«حاج عزالممالک». فرزندابوالحسن اردلان«فخرالممالک»(از خوانین مالک وکارمند دولت) متولد۱۲۶۴ شمسی. دارای تحصیلات قدیم و جدید حدود عالی. مالک وکارمند دولت و نماینده دوره‌های ۲، ۳، ۵، ۸ و۱۹ از خوزستان «دزفول» وکردستان.

**آرداشس**- اوانس آرداشس آوانسیان. فرزند..... متولد..... دارای تحصیلات...... شغل..... نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از طرف ارامنهٔ شمال.

**ارسنجانی**- زین العابدین ارسنجانی. فرزند سیدمحمدحسین (مالک). متولد۱۲۹۴شمسی.دارای تحصیلات متوسطه .مالک ونماینده دورهٔ ۲۱ ازکرج.

**ارسنجانی**- دکترحسن ارسنجانی. فرزندسیدمحمدحسین(کشاورز)متولد۱۲۷۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی. مدیر روزنامهٔ داریا و نمایندهٔ دورهٔ ۱۵ از لاهیجان.

**ارفع**- مهندس حیدرعلی ارفع. فرزندزین العابدین.(کارمند بازنشستهٔ دولت ومالک) متولد ۱۲۹۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی. کارمند دولت ونمایندهٔ دوره ۲۱ از داراب.

**اریه**- مراداریه .فرزندمرحوم حاخام رافائیل(......)متولدحدود ۱۲۷۶شمسی. دارای تحصیلات..... تاجر و نمایندهٔ دوره‌های ۱۴، ۱۸، ۱۹ و۲۰ از طرف کلیمیان.

**آزاد**- عبدالقدیرآزاد .فرزندجان‌محمدسبزواری(مالک). متولد ۱۲۷۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. مدیر روزنامهٔ آزاد(یاسابقه کارمندی در اداره‌پست‌تربت حیدریه) و نمایندهٔ دوره‌های ۱۵ و۱۶ ازسبزوار.

**آزادی**- جوادآزادی.فرزند شیخ محمدحسین حیات(مدیرروزنامه حیات‌وکارمنددولت).متولد۱۲۷۵شمسی. دارای تتحصیلات قدیم حدودسطح. مدیر روزنامهٔ عصرآزادی وکارمند دولت.نمایندهٔ دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳و۱۴ از لار (در دوره ۱۴ فوت شد).

**آزمین**- اسماعیل آزمین. فرزند حسن(.....) متولدحدود ۱۲۸۵شمسی.دارای تحصیلات..... مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از آستارا.

**اژدری**- محمدحسین اژدری. فرزند غلامحسین. (......) متولد ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات..... تاجر ونمایندهٔ دورهٔ ۲ از بافت.

**اسپهبدی**- غلامرضا اسپهبدی. فرزندمرحوم هدایت (مالک). متولد ۱۲۸۲ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه از بیروت. مالک ونمایندهٔ دورهٔ ۲ از ساری.

**استخر** - محمدحسین استخر. فرزنداسدالله (واعظ) متولد ۱۲۶۶ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی مدیر روزنامهٔ استخر (باسابقهٔ کارمندی دولت). نمایندهٔ دوره‌های ۱۸ و۱۹ از شیراز.

**استرابادی**- حاج شیخ غلامحسین استرآبادی. فرزند.....متولد.....دارای تحصیلات...... نمایندهٔ دورهٔ اول از استرآباد.

**استرابادی** - حاج شیخ محمدحسین استرآبادی. فرزندمرحوم حاج شیخ نصرالله (روحانی). متولد حدود. ۱۲٤ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی ونمایندهٔ دوره‌های ۳و٤ از استرآباد.

**استرابادی** - حاج محمدتقی استرآبادی. فرزند.....متولد.....دارای تحصیلات.....شغل...... نمایندهٔ دورهٔ اول از استرآباد.

**اسدی** - سامان اسدی. فرزندمحمدولی خان اسدی «مصباح دیوان» (مالک ونمایندهٔ مجلس وکارمند آستان قدس رضوی). متولد ۱۲۸۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی از دانشگاه کمبریج انگلستان. مالک وکارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۷، ۸ و ۹ از سیستان و دوره ۱۰ از مشهد.

**اسدی** - دکترمحمدحسین اسدی. فرزندمحمدولی خان اسدی «مصباح دیوان» (نمایندهٔ مجلس ومالک وکارمند آستان قدس رضوی) متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب. طبیب و مالک و نمایندهٔ دوره‌های ۹، ۱۰و ۲۰ از دره گز و دورهٔ ۲۱ از مشهد.

**اسدی**- میرزاعلی اکبرخان اسدی. فرزندمحمدولی خان «مصباح دیوان» (مالک و کارمند آستان قدس رضوی و نمایندهٔ مجلس) متولد حدود ۱۲۸۳. دارای تحصیلات...... مالک ونمایندهٔ دوره. ۱۰ ازسیستان

**اسدی** - میرزامحمدولی خان اسدی «مصباح دیوان». فرزندمرحوم میرزاعلی اکبر (کشاورز) متولد حدود ۱۲۵۷ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. خرده مالک ونمایندهٔ دوره‌های ٤، ٥ و ٦ از سیستان.

**اسدی سمیعی**- مهندس عباس اسدی سمیعی. فرزندمرتضی قلی (کارمنددولت ومالک). متولد. ۱۳۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی از ایران وآمریکا. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از فومن.

**اسعدبختیاری**- محمدتقی خان اسعدبختیاری «امیرجنگ». فرزند مرحوم حاج علی قلی خان سردار اسعد (مالک عمده ووکیل مجلس) متولد ۱۲۶۷ شمسی. دارای تحصیلات..... عمده مالک و نمایندهٔ دوره های ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ و۱٤ از ساوه وزرند ودزفول (در دورهٔ نهم مجلس شورای ملی ازایشان سلب مصونیت گردید و مدت ۱۰ سال زندانی بود تااین که در وقایع شهریورماه ۱۳۲۰ آزاد و مجددا بنمایندگی مجلس انتخاب گردید).

**اسفندیاری**- حسن اسفندیاری «حاج محتشم السلطنه». فرزندمحمدخان صدیق الملک (کارمند دربار ناصرالدین شاه وکارمند وزارت امور خارجه) متولد ۱۲۸۳ قمری. دارای تحصیلات قدیم و جدید حدود عالی (دیپلمه دارالفنون) نمایندهٔ دوره‌های ۳، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و۱۳ ازتهران.

**اسفندیاری** - میرزاحسین خان اسفندیاری «سردارنصرت». فرزند مرتضی قلی خان «وکیل الملک» (کارمنددولت) متولد ۱۲۸۱ قمری. دارای تحصیلات ...... کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۵ ازجیرفت.

**اسفندیاری** - رستم اسفندیاری «رفعت الدوله وکیل الملک ثانی». فرزند مرتضی قلی خان «وکیل الملک» (مالک وکارمنددولت) متولد ۱۲۷۰ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. مالک وکارمند دولت نمایندهٔ دوره های ۳و۴ از جیرفت.

**اسفندیاری** - محمدنقی اسفندیاری «منتخب الملک». فرزند محمدقلی خان اسفندیاری «منتخب الملک» (کارمنددولت) متولد حدود ۱۲۵۷ شمسی. دارای تحصیلات ..... کارمند دولت و نمایندهٔ دوره های ۱۱ و۱۲ از بابل.

**اسفندیاری** - میرزامهدی خان اسفندیاری «حاج نصیرالسلطنه». فرزندمرحوم حاج محتشم السلطنه اسفندیاری. (نمایندهٔ مجلس ومالک وکارمنددولت). متولد حدود ۱۳۰۲ قمری. دارای تحصیلات عالی. کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ٤ از بابل.

**اسفندیاری** - ملک منصوراسفندیاری. فرزندمحمدجواد (کارمنددولت ومالک) متولد ۱۳۰۱ قمری. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق وفلسفه ازایران. کارمنددولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از کرمان.

**اسکندری** - ایرج اسکندری. فرزندیحیی اسکندری (ازشاهزاده گان مالک) متولد ..... دارای تحصیلات عالی. روزنامه نگار وکارمنددولت ونمایندهٔ دورهٔ ١٤ ازساری.

**اسکندری** - عباس اسکندری. فرزند..... (از شاهزادگان مالک) متولد ۱۲۷٦ شمسی، دارای تحصیلات عالی از خارج. مالک وروزنامه نگار و وکیل دادگستری. نمایندهٔ دورهٔ ۱۵ ازهمدان.

**اسکندری** - سیف الله اسکندری. فرزندمرحوم اسکندرخان سردار مفخم (کارمند دولت ومالک) متولدحدود ۱۲٦٦ شمسی. دارای تحصیلات عالی. کارمند دولت، مالک. نمایندهٔ دورهٔ ۵ از تبریز.

**اسکندری** - شاهزادهٔ سلیمان میرزا اسکندری «محسن». فرزندشاهزاده محسن میرزا کفیل الدوله (کارمند دولت از شاهزادگان مالک) متولدحدود ۱۲۵۵ شمسی. دارای تحصیلات ...... کارمند دولت ونمایندهٔ دوره های ۳ از اصفهان و۲، ٤و۵ ازتهران.

**اسکندری** - امیرنصرت الله اسکندری «امیرنصرت». فرزندمرحوم اسکندرخان سردار مفخم (مالک وکارمنددولت) متولد حدود ۱۲٦۸ شمسی. دارای تحصیلات حدود متعارف. عمده مالک وکارمند دولت نماینده دوره های ٦،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱٤،۱۵،۱٦،۱۸و۱۹ از تبریز.

**اسکندری** - یحیی میرزا اسکندری «ثقة الاسلام». فرزندشاهزاده محسن میرزا کفیل الدوله (کارمنددولت و مالک) متولد ...... دارای تحصیلات حدود متوسطه. کارمنددولت ونمایندهٔ دورهٔ اول از طرف شاهزادگان تهران.

**اسلامی** - سیدعباس اسلامی. فرزندسیدعلی ثقة الاسلام (روحانی) متولدحدود ۱۲۹۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی دررشتهٔ حقوق و علوم. روزنامه نگار (روزنامهٔ زبان ملت) و وکیل دادگستری. نمایندهٔ دوره های ۱۵ و۱٦ از بابل.

**اسماعیل** - شیخ اسماعیل. فرزند..... متولد...... دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی و نمایندهٔ دورهٔ اول از قاینات.

**آشتیانی-** میرزا ابراهیم آشتیانی. فرزند حاج میرزا مرتضی آشتیانی (روحانی). متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. مالک و کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۶و۱۴ از ایوانکی.

**آشتیانی-** دکتر جواد آشتیانی. فرزند حاج میرزا هاشم آشتیانی. (روحانی و نمایندهٔ مجلس) متولد حدود ۱۲۷۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی از پاریس. پزشک و نمایندهٔ دورهٔ ۱۰ از تهران.

**آشتیانی-** میرزا محمد هاشم آشتیانی. فرزند حاج میرزا حسن آشتیانی (روحانی) متولد حدود ۱۲۵۰ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی و نمایندهٔ دوره‌های ۳، ۵، ۶، ۷، ۸و۹ - از تهران.

**آشتیانی زاده -** محمدرضا آشتیانی زاده. فرزند میرزا هاشم آشتیانی (روحانی و نمایندهٔ مجلس) متولد ۱۲۸۵ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. مالک و تاجر و کارمند دولت. و نماینده دوره‌های ۱۵ و۱۶ از ایوانکی

**اشرف الادبا -** اشرف الادبا. فرزند ...... متولد حدود ...... دارای تحصیلات ...... شغل ..... نمایندهٔ دورهٔ اول از فیروزکوه.

**اصغرزاده پارسا -** حاج محمدرضا اصغرزاده پارسا. فرزند مرحوم حاجی علی اصغر (.....) متولد حدود ۱۲۳۸ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نماینده دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲و۱۳ از خوی و سلماس.

**آصف-** محمدرضا آصف. فرزند فرج‌الله آصف. (ملاک و وکیل مجلس). متولد ۱۲۸۰ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. عمده‌مالک و نماینده دورهٔ ۱۶ از سنندج.

**آصف -** فرج‌الله آصف «سردار معظم». فرزند آصف دیوان (عمده‌مالک) متولد ۱۲۶۰ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک و نمایندهٔ دوره‌های ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴و۱۵ از سنندج.

**آصف تاج بخش-** دکتر محمدقلی آصف تاج بخش. فرزند حاج علی قلی (......) متولد حدود ۱۲۶۴ شمسی. دارای تحصیلات عالی از اروپا. ملاک و پزشک و نماینده دوره‌های ۱۱، ۱۲و۱۳ از شاهرود

**آصف وزیری-** محمدحسن آصف وزیری. فرزند مرحوم سرهنگ محمدجعفر آصف وزیری (کارمند لشکری) متولد حدود ۱۳۰۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. مالک و کارمند دولت، نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از ری‌وان.

**اصفهانی-** میرزا آقا اصفهانی «اعتماد الملک». فرزند آقاخان اعتمادی (.....) متولد ..... دارای تحصیلات حدود متوسطه. خطیب و روزنامه‌نگار (مدیر روزنامهٔ عصر) و نمایندهٔ دورهٔ اول از آذربایجان.

**اصفهانی-** میرزا جعفر اصفهانی. فرزند حاجی علی اکبر معتمد التجار (تاجر) متولد حدود ۱۲۷۴ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دوره‌های ۱۱، ۱۲و۱۳ از تبریز.

**اصفهانی-** میرزا علی اصفهانی. فرزند ..... متولد ...... دارای تحصیلات ..... شغل ..... نمایندهٔ دورهٔ ۲ «وکیل مجلس (۱) و بجای مرتضی قلی خان بختیاری انتخاب شد».

**اصفهانی-** میرزا محمود اصفهانی. فرزند ...... متولد ..... دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف تجار تهران.

**اصفهانی-** میرزا محمد هادی اصفهانی «جواهری». فرزند ..... متولد ..... دارای تحصیلات ..... نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف اصناف اصفهان.

---

۱- وکیل مجلس، بآن دسته از نمایندگان اطلاق میشد، در عوض نمایندگان مستعفی یا متوفی از طرف مجلس انتخاب میشدند.

**اصفهانی-** دکترموسی اصفهانی «آیت‌الله‌زاده» . فرزندمرحوم سیدحسن (روحانی) متولدحدود ۱۳۰۹ شمسی . دارای تحصیلات عالی و نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از لنجان .

**اصفهانی-** سیدابوالحسن اصفهانی . فرزند...... متولد..... دارای تحصیلات...... شغل..... نمایندهٔ دورهٔ ۲ (از علماء طراز اول و در ذیحجه ۱۳۲۸ بدون حضور در مجلس مستعفی شد) .

**اصفهانیان-** محمدابراهیم اصفهانیان . فرزندمحمدجعفر (مالک) . متولدحدود ۱۲۷۰ شمسی . دارای تحصیلات متعارف . مالک وتاجر ونمایندهٔ دوره‌های ۱۱و۱۳ از تبریز .

**آصفی-** مهندس غلامرضا آصفی . فرزندداود (کارمنددولت) . متولد ۱۲۹۷ شمسی . دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی از ایران وآمریکا . کارمند دولت و نماینده دورهٔ ۲۱ از تربت‌جام .

**اعتبار-** دکترعبدالحسین اعتبار . فرزنداحمداعتبار «اعتبارالدوله» (نمایندهٔ مجلس ومالک وکارمنددولت) متولد حدود ۱۲۹۰ شمسی . دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ اقتصاد . مهندس ونمایندهٔ دوره‌های ۱۴و۱۵ از بروجرد .

**اعتبار-** دکترعبدالحمیداعتبار . فرزندسیداحمداعتبار «اعتبارالدوله» (مالک وکارمنددولت ونمایندهٔ مجلس) متولد حدود ۱۲۹۹ شمسی . دارای تحصیلات عالی دررشتهٔ حقوق . مالک وکارمنددولت . نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از اسدآباد .

**اعتبارالدوله -** میرزا سیداحمدخان اعتبارالدوله . فرزندمرحوم سیدحسن خان (مستوفی) . متولدحدود ۱۲۶۹ شمسی . دارای تحصیلات متعارف . کارمنددولت ونمایندهٔ دوره‌های ۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲و ۱۳ از بروجرد .

**اعتبارالسلطنه-** حاج اسمعیل خان اعتبارالسلطانه . فرزندمرحوم ابوالحسن خان (......) متولدحدود ۱۲۳۰ شمسی . دارای تحصیلات...... مالک وکارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۳ از بم .

**اعتصام‌زاده-** ابوالقاسم خان اعتصام زاده . فرزندمرحوم میرزاغلامحسین خان اعتصام السلطان (روزنامه‌نگار) . متولدحدود ۱۲۷۰ شمسی . دارای تحصیلات حدودعالی . روزنامه‌نگار (مدیرروزنامه ستارهٔ جهان) ونمایندهٔ دوره‌های ۱۰و۱۱ از بجنورد .

**اعتصام‌الملک-** میرزایوسف خان اعتصام الملک . فرزندمیرزاابراهیم اعتصام الملک آشتیانی (.......) متولد حدود...... دارای تحصیلات عالی شغل...... نمایندهٔ دورهٔ‌دوم (وکیل مجلس بجای میرزا اسماعیل خان نوبری) .

**اعتمادی-** دکترمحمدحسن اعتمادی . فرزندمرحوم محمدباقر (ملاک) . متولد ۱۲۹۷ شمسی . دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ پزشکی از ایران . پزشک وکارمند دولت ونمایندهٔ دوره های ۲۰و۲۱ از قائن .

**اعتمادی -** محمدعلی اعتمادی «اعتمادالتولیه» . فرزند مرحوم عبدالسین اعتمادالتولیه (ملاک وسرکشیک آستانهٔ حضرت‌عبدالعظیم) . متولد ۱۲۵۷ شمسی . دارای تحصیلات حدودمتعارف . ملاک وکارمند آستانه حضرت‌عبدالعظیم . نماینده دورهٔ ۱۴ ازشهر ری .

**اعزازالسلطنه-** آقاخان اعزازالسلطنه . فرزنداعزازلملک (ملاک) متولد حدود ۱۲۵۷ شمسی . دارای تحصیلات حدود متوسطه . ملاک ونمایندهٔ دورهٔ ۳ از سنندج .

**اعزازنیک‌پی -** عزیزالله اعزازنیک پی . فرزند احمدمفخم نیک‌پی (ملاک) متولد حدود ۱۲۷۶ . دارای تحصیلات حدود متوسطه . کارمند دولت ومالک عمده . نمایندهٔ دورهٔ ۱۵ از اصفهان .

**اعظم زنگنه**- علی خان اعظمی امیر کل «اعظم زنگنه» فرزند مرحوم محمد حسین خان زنگنه «اعظم الدوله (عمده مالک) متولد حدود ۱۲۵۰ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. کارمند دولت و مالک. عمده ورئیس فوج کرمانشاه. نمایندهٔ دوره‌های ۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲ و۱۳ از کرمانشاه.

**اعظم زنگنه**- عزیز اعظم زنگنه. فرزند علی خان اعظم زنگنه «امیر کل» (وکیل مجلس وملاک). متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسط در فرانسه. ملاک و کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۱۵،۱۶،۱۸ و۱۹ از کرمانشاه و دوره بیستم از سنقر

**اعظم زنگنه** - دکتر عبدالمجید اعظم زنگنه. فرزند مرحوم حسین اعظم الدوله (مالک عمده). متولد حدود ۱۲۸۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از کرمانشاه

**اعلم**- پرفسور جمشید اعلم. فرزند مرحوم اسدالله (ملاک). متولد حدود ۱۲۸۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب. پزشک وملاک ونماینده دوره‌های ۱۹ و ۲۰ از قزوین.

**افتخار الواعظین**- شیخ حبیب الله افتخار الواعظین. فرزند مرحوم حاج شیخ محمد حسین (روحانی) متولد حدود ۱۲۵۳ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. روحانی ونمایندهٔ دورهٔ ۲ از تربت حیدریه و دورهٔ ۳ از ترشیز (کاشمر).

**افتخار هشترودی**- حسن افتخار هشترودی. فرزند مرحوم ملا احمد (کارمند دولت). متولد حدود ۱۲۸۳ شمسی دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. کارمند دولت ونمایندهٔ دوره ۲ از تبریز.

**افخمی**- سلطان ابراهیم افخمی «امیر اشرف» فرزند سلطان علی خان وزیر افخم (کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۶۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی «فارغ التحصیل مدرسهٔ سیاسی تهران». مالک و کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴ و۱۵ از زنجان.

**افخمی**- احمد افخمی. فرزند محمد حسین امین الملک (کارمند دولت). متولد حدود ۱۲۸۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی حدود لیسانس. کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۱۸،۱۹ و ۲۰ از زنجان و ابهر.

**افسر**- شاهزاده محمد هاشم افسر «شیخ الرئیس». فرزند شاهزاده نورالله میرزا معروف بشاهزاده جناب (از شاهزادگان مالک) متولد حدود ۱۲۵۳ شمسی. دارای تحصیلات حدود عالی در ادبیات وشاعر. کارمند دولت و روحانی و مالک ونماینده دوره‌های ۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸ و۹ از خراسان (دورهٔ دوم از سبزوار. دورهٔ سوم از نیشابور و دورهٔ چهارم از مشهد واز دورهٔ پنجم ببعد از سبزوار).

**افشار**- دکتر امیر اصلان افشار. فرزند جان محمد امیر مسعود (.....) متولد حدود ۱۲۹۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ علوم سیاسی ازوین. کارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۱۹ و ۲۰ از مراغه.

**افشار**- دکتر حسن افشار. فرزند دکتر علی افشار. متولد حدود ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی از اروپا. کارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۱۸ و ۱۹ از تهران.

**افشار**- رضا افشار. فرزند مرحوم میرزا شفیع خان (کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۶۶ شمسی، دارای تحصیلات حدود عالی در امریکا. مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۵،۶،۷ و ۱۸ از تبریز.

**افشار**- فتحعلی افشار. فرزند مرحوم حسین علی افشار (عمده مالک) متولد حدود ۱۲۷۷ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک ونمایندهٔ دوره‌های ۱۵،۱۶ و ۱۷ از مراغه.

**افشار-** محمودافشار. فرزندعلی نقی افشار (ملاک) متولدحدود ۱۳۰۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی. مالک ونمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از مراغه.

**افشار-** منوچهر افشار. فرزندمحمدحسین افشار. (......) متولدحدود ۱۳۰۵ شمسی. دارای تحصیلات...... مالک ونمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از ماهنشان.

**افشار-** دکترفریدون افشار. فرزند علی (......) متولدحدود ۱۲۸۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی ازامریکا کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۱۹ از رضائیه.

**افشار استاجلو -** میرزاحسین خان افشاراستاجلو. فرزندمرحوم میرزارحیم خان میرپنجه (ملاک) متولدحدود ۱۲۷۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی. عمده مالک وکارمنددولت ونمایندهٔ دوره‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲و۱۳ از رضائیه.

**افشار-** یارمحمدخان افشارسردارسعید. فرزند محمدحسن خان سردارکل (مالک) متولدحدود ۱۲۵۹ شمسی. دارای تحصیلات در حدود متوسطه. مالک وکارمنددولت ونمایندهٔ دورهٔ ۳ از بجنورد.

**افشارصادقی-** محسن افشارصادقی. فرزند مرحوم آقااسماعیل افشارصادقی (تاجر)، متولدحدود ۱۲۸۲ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر ونمایندهٔ دوره‌های ۱۴، ۱۶، ۱۷و۱۸ از رضائیه.

**آقازاده-** حسن آقازاده‌سبزواری. فرزند..... (مالک) متولدحدود ۱۲۶۰ شمسی. دارای تحصیلات قدیم در حدود مدرسی. روحانی ومالک ونماینده دوره‌های ۶، ۷و۸ از سبزوار.

**آقایان-** حسین آقایان. فرزند سید کاظم آقایان (......) متولدحدود ۱۲۶۳ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. کارمنددولت وتاجر وکشاورز. نمایندهٔ دوره‌های ۶و۷ از شاهرود.

**اقایان-** دکترالکساندرآقایان. فرزند..... متولد...... دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق کارمند دولت (استاد دانشگاه) ووکیل دادگستری. نماینده دورهٔ ۱۴ از طرف ارامنهٔ جنوب.

**آقایان-** فلیکس آقایان. فرزنددکترالکساندرآقایان (وکیل دادگستری و نمایندهٔ مجلس) متولدحدود ۱۲۹۴ شمسی. دارای تحصیلات عالی مشاور اقتصادی و حقوقی و نماینده دوره های ۱۹، ۲۰ و ۲۱ از طرف ارامنهٔ جنوب.

**اقبال-** محمدرضااقبال. فرزند...... متولد...... دارای تحصیلات متعارف. کارمنددولت ونمایندهٔ دورهٔ ۱۷ ازکرمان.

**اقبال-** میرزاعلی خان اقبال «اقبال السلطان» فرزندابوتراب اقبال التولیه (وکیل مجلس وملاک واجاره کار آستانهٔ رضوی) متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک و نمایندهٔ دوره‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴و ۱۵ از بیرجند ومشهد (دورهٔ ۸ از دره گز).

**اقبال-** عبدالوهاب اقبال. فرزندمرحوم ابوتراب اقبال التولیه «مقبل السلطنه» (وکیل مجلس وملاک واجاره کار آستانهٔ رضوی) متولد حدود ۱۲۸۵ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک ونمایندهٔ دورهٔ ۱۶ ازکاشمر.

**اقبال** دکترمنوچهراقبال. فرزند مرحوم ابوتراب اقبال التولیه «مقبل السلطنه» (وکیل مجلس وملاک و اجاره کار آستانهٔ رضوی) متولدحدود ۱۲۸۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب از پاریس. پزشک وکارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۱۲ از مشهد.

**اقبال التولیه-** حاج میرزا ابوتراب اقبال التولیه «مقبل السلطنه». فرزندمرحوم حاج عبدالوهاب (زارع) متولد

حدود ۱۲۴۴ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک واجاره کار آستانهٔ رضوی. نمایندهٔ دورهٔ ۴ از ترشیز (کاشمر).

**اقبالی**- سیدابوالفضل اقبالی. فرزند سیدمهدیقلی (......) متولد حدود ۱۲۸۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ زبان و ادبیات عرب. کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از آستارا.

**اکبر**- اسماعیل اکبر. فرزند محمدخان اکبر (عمده مالک). متولدحدود ۱۲۹۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ مهندسی از ایران و اروپا. مهندس کشاورزی ومالک ونمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از رشت.

**اکبر**- میرزاصادق خان سردارمعتمد (اکبر). فرزندمرحوم حاج میرزامهدی خان گیلانی (ملاک). متولدحدود ۱۲۵۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. عمده مالک وکارمنددولت ونمایندهٔ دوره‌های ۳،۴،۵،۸و۹ از رشت.

**اکبر**- حسن اکبر. فرزندمرحوم صادق خان اکبر «سردارمعتمد» (ملاک عمده و وکیل مجلس) متولد حدود ۱۲۸۹ شمسی. دارای تحصیلات حدودمتعارف. عمده مالک و کارمنددولت، ونماینده دوره‌های ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸و۱۹ از رشت.

**اکبر**- محسن اکبر. فرزندفتح الله اکبر «سردارمنصورسپهداراعظم» (مالک و کارمند دولت ونماینده مجلس). متولد حدود ۱۲۸۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی از فرانسه. مالک عمده و کارمنددولت و نمایندهٔ دوره‌های ۱۸ و ۱۹ از رشت.

**اکبر**- فتح الله خان اکبر «سردارمنصورسپهداراعظم». فرزندمرحوم حاج میرزا محمدعلی خان گیلانی (ملاک) متولد حدود ۱۲۳۴ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدودسطح. مالک و کارمنددولت ونمایندهٔ دورهٔ ۳ از گرگان و دورهٔ ۵ از رشت.

**البرزی**- کهزادالبرزی. فرزندجابر (زارع) متولد ۱۳۰۵ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. کارگرشرکت نفت و زارع ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از مسجدسلیمان.

**الفت** - محمد باقرالفت. فرزند.....(روحانی). متولدحدود ۱۲۶۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. کارمنددولت ونمایندهٔ دورهٔ ۷ ازاصفهان.

**الموتی**- دکتر مصطفی الموتی. فرزندمحمدحسین الموتی (ملاک) متولدحدود ۱۳۰۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ اقتصاد. روزنامه نگار (مدیر روزنامه دادوصبح امروز) و کارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۲۰و۲۱ از الموت.

**امام جمعه**- شیخ محمدعلی امام جمعه. فرزندمرحوم حاج شیخ یحیی امام جمعه (روحانی) متولد حدود ۱۲۸۴ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدودمدرسی. مالک وروحانی ونمایندهٔ دوره‌های ۶و۱۴ ازشیراز.

**امام جمعه اهری**- میرزا ابراهیم امام جمعه اهری. فرزندمرحوم میرزامهدی قاضی (روحانی). متولدحدود ۱۲۷۴ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی (امام جماعت) و مالک. ونمایندهٔ دوره ۶ از اهر.

**امام جمعه خوئی**- حاج میرزا یحیی امام جمعه خویی. فرزندحاج میرزااسدالله امام جمعه (از روحانیون معروف) متولد ......دارای تحصیلات قدیم اجتهاد. روحانی ونمایندهٔ دوره‌های ۱و۲و۳ از تهران.

**امام مردوخ** - حبیب الله امام مردوخ. فرزندشیخ شکرالله امام جمعه. متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدودمدرسی. امام جمعه سنندج وسردفتراسناد رسمی. نمایندهٔ دوره‌های ۱۹و۲۰ ازسنندج

**امامی**- میرزاجوادخان امامی- فرزند حضرت آیت‌الله حاج میرزا یحیی امام جمعه خوئی (روحانی ونمایندهٔ مجلس) متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی. کارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۵ و۶ از خوی و دوره ۹ از تبریز.

**امامی** - صفاامامی. فرزند مرحوم میرزاعبدالوهاب (تاجر). متولد حدود ۱۲۸۴ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. تاجر ونمایندهٔ دورهٔ ۱۰ از اصفهان.

**امامی** - حیدرعلی امامی. فرزندمرحوم عبدالوهاب (تاجر). متولدحدود ۱۲۷۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. تاجر ونمایندهٔ دوره‌های ۱۱ از نجف‌آباد و۱۲و۱۳و۱۴ ازشهر کرد واصفهان.

**امامی**- دکتراحمدامامی. فرزندغلامعلی (.......). متولدحدود ۱۲۸۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب. کارمنددولت و رئیس بیمارستان بانک‌ملی. نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از تهران.

**امامی**- دکترسیدحسن امامی «امام‌جمعه تهران» فرزند مرحوم ابوالقاسم امام جمعه (روحانی ومالک). متولد حدود ۱۲۸۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. کارمنددولت (باسابقهٔ قضاوت) و امام‌جماعت تهران ونمایندهٔ دورهٔ ۱۷ ازاهر.

**امامی**- دکترعلی‌اکبرامامی اهری. فرزند محمدابراهیم امام‌جمعه (روحانی ونمایندهٔ مجلس). متولدحدود ۱۲۸۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی. مالک وکارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۱۵، ۱۶و۱۷ ازاهر.

**امامی خوئی**- جمال امامی خوئی. فرزندمرحوم حاج میرزایحیی امام جمعه خوئی (روحانی ونمایندهٔ مجلس). متولدحدود ۱۲۶۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی از ایران و اروپا. کارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۱۴ از خوی و۱۶ از تهران.

**امامی خوئی**- نورالدین امامی خوئی. فرزندمرحوم حاج شیخ یحیی امام جمعه خوئی (روحانی ونمایندهٔ مجلس). متولد حدود ۱۲۸۷ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. کارمنددولت ونمایندهٔ دوره‌های ۱۵، ۱۶، ۱۸و۱۹ از خوی.

**امامی خوئی**- دکترعبدالعلی امامی خوئی. فرزند محمدامین. (روحانی) متولد ۱۲۹۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ داروسازی ازایران. کارمند دولت ومالک ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ ازخوی

**امجدالسلطان**- امجدالسلطان. فرزندحاج مجدالدوله (کارمند در بار ناصرالدین‌شاه) متولد..... دارای تحصیلات متعارف. مالک ونمایندهٔ دورهٔ اول ازتهران از طرف قاجاریه.

**آموزگار**- محمدعلی آموزگار. فرزندمیرمحمدنور (کارمنددولت). متولد ۱۲۹۸ شمسی. دارای تحصیلات حدودعالی «کلاس قضائی». کارمنددولت و وکیل دادگستری. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از بندرلنگه

**امیدسالار**- محمدرضاامیدسالار. فرزندمرحوم احمدسالارنظام (ملاک وتاجر) متولد حدود ۱۲۸۳ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۸، ۱۹و ۲۰ از آباده.

**امیرابراهیمی**- بزرگ امیرابراهیمی. فرزندخسروابراهیمی (ملاک) متولد ۱۲۷۹ شمسی. دارای تحصیلات حدود متعارف. کارمنددولت وملاک. نمایندهٔ دوره‌های ۱۸ و۱۹ از تبریز.

**امیرابراهیمی**- میرزا محمدعلی‌خان امیر ابراهیمی «نصرت‌الممالک». فرزند حسین‌علی نصرت‌الممالک (ملاک) متولد حدود ۱۲۵۸ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. عمده‌مالک. نمایندهٔ دوره‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳و۱۴ از رفسنجان.

**امیر احتشام**- محمد اسماعیل خان امیراحتشام «وکیل الملک». فرزند فتح علی خان وکیل الممالک (ملاک و کارمند دولت) متولد ۱۲۶۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی (دیپلمهٔ مدرسهٔ سیاسی تهران). کارمند دولت وملاک و نمایندهٔ دورهٔ ۵ از بم.

**امیر احتشامی**-عبدالحسین امیراحتشامی. فرزند مرحوم اسماعیل احتشام الممالک کرندی (ملاک). متولد حدود ۱۲۸۲ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. عمده مالک ونمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از کرمانشاه.

**امیر احمدی**-اکبرامیراحمدی. فرزند عباس (معمار) متولد ۱۳۱۱. دارای تحصیلات متعارف. بلورساز ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از تهران.

**امیر اعلم**-دکترامیرخان امیراعلم. فرزند مرحوم حاج میرزاعلی اکبرمعتمد الوزراء (کارمند دولت). متولد ۱۲۵۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب ازپاریس. کارمند دولت وطبیب. نمایندهٔ دوره‌های ۲ و ۵ ازمشهد و ۸ و ۹ از شاهرود و ۷ از دره گز.

**امیر افشاری**- محمدحسن امیرافشاری. فرزند مرحوم محمدعلی خان (ملاک). متولد حدود ۱۲۷۷ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. مالک ونمایندهٔ دوره‌های ۱۶ و ۱۷ از زنجان.

**امیر بختیار**- رستم امیربختیار. فرزند مرحوم یوسف امیرمجاهد (ملاک) متولد حدود ۱۲۹۶ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. ملاک وکارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۹ و ۲۰ از شهرکرد.

**امیر تیمور کلالی**-محمدابراهیم خان امیرتیمور کلالی. فرزند علی مرادخان نصرت الممالک (رئیس ایل و ملاک) متولد حدود ۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدودسطح. عمده مالک ورئیس ایل تیموری نمایندهٔ دوره‌های ۶، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از تون وطبس وکاشمر و دوره‌های ۷، ۸، ۹، ۱۴ و ۱۵ ازمشهد و دورهٔ ۱۸ از فردوس.

**امیر حکمت**- دکترعلی امیرحکمت. فرزند عبدالحسین خان (......) متولد حدود ۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب ازایران و اروپا. پزشک وکارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۹ ازشاهرود

**امیر حسینی**- امیرناصرامیرحسینی خلج. فرزند مرحوم احمدخان سیف الممالک (ملاک) متولد حدود ۱۲۵۵ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک ونمایندهٔ دورهٔ ٤ از ساوه وزرند.

**امیر زاده‌شمس**- میرهاشم امیرزاده‌شمس. فرزند مرحوم حاج محمدرضی (تاجر.....) متولد حدود ۱۳۰۰ شمسی دارای تحصیلات......تاجر ونمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از بندرعباس

**امیر سلیمان**-امیرعلی خان امیرسلیمان. فرزند.....(ملاک) متولد....دارای تحصیلات متعارف. مالک ونمایندهٔ دورهٔ اول از طرف شاهزادگان تهران.

**امیر عشایری**-علی امیرعشایری، فرزند حاج قره‌نی آقا (رئیس ایل وملاک) متولد حدود ۱۳۰۰ شمسی، دارای تحصیلات متعارف. رئیس ایل وعمده مالک. نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از مهاباد.

**امیر لک**- قلی امیرلک فرزند علی نقی (......) متولد ۱۲۸۲ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. کارمند دولت وتاجر ومالک ونمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از خوی.

**امیر نظام** - حاج عبدالله خان امیرنظام- فرزند مرحوم اعتماد السلطنه (ملاک عمده ورئیس فوج) متولد ۱۲۳۵ شمسی دارای تحصیلات متعارف. مالک و رئیس فوج. نمایندهٔ دورهٔ ۳ از همدان.

**امیر نیرومند**- دکترعیسی قلی خان امیرنیرومند. فرزند مرحوم آقا رجب علی خان (...) متولد حدود ۱۲۶۵ شمسی

دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب از لندن. طبیب و کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۸ و ۱۹ از نجف‌آباد اصفهان.

**امیر ممتاز** -میرزا سید حسن خان امیر ممتاز. فرزند میرزا ابوالقاسم خان مستوفی تفرشی (......) متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۶ از مشهد.

**امیری** -مظفر امیری. فرزند حبیب‌الله امیری (ملاک). متولد حدود ۱۳۰۵ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. مالک و مقاطعه کار. نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از گرمسار.

**امیری قراگزلو** - غلامحسین امیری قره گزلو. فرزند مرحوم امیر ارفع (ملاک) متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی از خارج. مالک و کارمند شرکت نفت ملی ایران. نمایندهٔ دورهٔ ۱۶ از همدان.

**امیر مؤید سوادکوهی** - اسماعیل امیر مؤید سوادکوهی. فرزند مرحوم ابراهیم خان (مالک و کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۳۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی. عمده مالک و کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۳ از ساری.

**امین** -حبیب‌الله خان امین. فرزند مرحوم حاج سید محمد علی (تاجر) متولد حدود ۱۲۶۳ شمسی. دارای تحصیلات حدود سطح. تاجر و نمایندهٔ دوره‌های ۴، ۶، ۷، ۸ و ۹ از اصفهان.

**امین** - دکتر شفیع امین. فرزند مرحوم سید حسن. (تاجر) متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب از اروپا. پزشک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۹ و ۲۰ از تبریز.

**امین** - دکتر رفیع امین. فرزند حاج امین التجار (تاجر) متولد حدود ۱۲۵۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی از بیروت. مالک و پزشک و نمایندهٔ دورهٔ ۶ از تبریز.

**امین** -مرتضی امین. فرزند مرحوم حاج میرزا شفیع امین التجار (تاجر) متولد حدود ۱۲۶۱ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک و تاجر و نمایندهٔ دوره‌های ۱۰ و ۱۱ از تبریز.

**امین التجار** - حاج علی اکبر امین التجار. فرزند حاج غلام علی (تاجر) متولد حدود ۱۲۴۷ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دوره‌های ۶، ۷، ۸ و ۹ از تربت حیدریه.

**امین التجار** - حاج میرزا حبیب‌الله امین التجار اصفهانی. فرزند مرحوم حاج سید محمد علی امین التجار (ملاک و تاجر) متولد ۱۲۶۴ شمسی. دارای تحصیلات حدود متعارف. تاجر و نماینده دورهٔ ۴ از اصفهان.

**امینی** - ابوالقاسم امینی. فرزند حاج میرزا محسن امین الدوله «امین الملک» (مالک......) متولد حدود ۱۲۸۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی. مالک عمده و روزنامه نگار (مدیر روزنامهٔ امید ایران) با سابقه استانداری و کارمندی وزارت دربار) نماینده دوره‌های ۱۴، ۱۵ و ۱۶ از رشت

**امینی** - دکتر علی امینی. فرزند حاج میرزا محسن خان امین الدوله «امین الملک» (مالک) متولد حدود ۱۲۸۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق و اقتصاد از پاریس. مالک عمده و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۱۵ از تهران.

**امینی خراجی** - عبدالوهاب امینی خراجی. فرزند شیخ احمد (کشاورز) متولد حدود ۱۳۰۸ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از میناب.

**امین الواعظین** - ناظم دفتر امین الواعظین. فرزند ..... متولد حدود ...... دارای تحصیلات متعارف. مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۴ از طرف ایل قشقائی.

**انتظام‌الحکماء** - میرزاعلی انتظام‌الحکما. فرزندحاج ملااسماعیل نوری(......)متولد(.....)دارای تحصیلات‌عالی در رشتهٔ طب‌قدیم. طبیب و نمایندهٔ دورهٔ دوم (وکیل مجلس بجای فاتح الملک انتخاب شد).

**انصاری**- علی‌خان انصاری «نصرت‌السلطان». فرزند ..... متولد ...... دارای تحصیلات عالی از هندوستان. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ اول ازتهران.

**انصاری** - مهندس اسماعیل انصاری .فرزندعلی(کارمنددولت)متولد۱۲۹۶ شمسی. دارای تحصیلات‌عالی دررشتهٔ کشاورزی. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ ازشوش.

**انگجی**- سیدمحمدعلی انگجی. فرزند...... (روحانی). متولد ...... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. روحانی و نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از تبریز.

**انواراردکانی**- سید یعقوب انوار اردکانی (صدرالعلماء). فرزندمرحوم آقاسید خلیل (واعظ). متولد حدود ۱۲۵۵ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. مدرس و روحانی‌ونمایندهٔ دورهٔ دوم ازخراسان ودوره‌های ۴، ۶ و۷ از شیراز ودورهٔ ۵ ازایلات خمسه و دوره‌های ۱۲و۱۳ از کاشان.

**انوشیروانی**- قادر خان‌انوشیروانی. فرزند مرحوم عزیزخان بابامیری «ملاک». متولد حدود ۱۲۶۹ شمسی. دارای‌تحصیلات متعارف. ملاک و نمایندهٔ دورهٔ ۱۵ ازسقز.

**اوحدی**- محمدعلی اوحدی. فرزندحاج شیخ رمضان(واعظ) متولدحدود ۱۲۶۰شمسی. دارای‌تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ازاصفهان.

**اورنگ**- عبدالحسین خان اورنگ (شیخ الملک). فرزند ملاعبدالرسول (روحانی) متولد ۱۲۶۷ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. ملاک وکارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۳، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و۱۹ از همدان و بیجار و فومن.

**اورنگ** - اورنگ (وقارالسلطنه). فرزند مرحوم **میرزا محمد** شفیع فرهنگ شیرازی **معروف بمیرزا کوچک** و متخلص بوصال شیرازی (مالک و کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۵۳ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. مالک وکارمند دولت. نمایندهٔ‌دورهٔ ۳ ازایل خمسه.

**اوزار**- عزت‌الله‌اوزار. فرزند حسین (مدیر کارخانه). متولدحدود ۱۲۹۹ شمسی. دارای تحصیلات - متوسطه. رئیس صنف لاستیک‌فروشان‌ونمایندهٔ‌دورهٔ ۲۱ ازتهران.

**اولیاء** - سید امان‌الله اولیاء. فرزند سید مرتضی (مالک). متولدحدود ۱۳۰۴شمسی. دارای‌تحصیلات حدود سیکل‌اول متوسطه. خرده مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ ازبم.

**اهری**- دکتر قاسم اهری. فرزند مرحوم حاج‌حسن (ملاک) متولد ۱۲۶۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی دررشتهٔ پزشکی. مالک و پزشک و نمایندهٔ دورهٔ های ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از اهر.

**اهری** - کریم اهری. فرزند مرحوم محمدعلی (مالک)...... متولد حدود ۱۲۹۶شمسی. دارای - تحصیلات حدود عالی (دیپلمهٔ کشاورزی). کارمند دولت وملاک. نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از اهر و ۲۱ ازکلیبر.

**ایپکچیان** - فتح علی ایپکچیان. فرزند..... متولد ..... دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ ازتبریز.

**آیت‌الله‌زاده** - حاج شیخ اسماعیل آیت‌الله‌زاده رشتی. فرزند مرحوم میرزا حبیب‌الله رشتی (مالک وروحانی). . متولد.... دارای تحصیلات قدیم عالی «اجتهاد». مالک وروحانی و نمایندهٔ دورهٔ ۳ از لاهیجان.

**آیت‌الله‌زاده** - میرزا سیدعلی اکبر آیت‌الله‌زاده اصفهانی. فرزند حجت‌الاسلام اصفهانی (روحانی). متولد حدود ...... دارای تحصیلات قدیم حدود عالی «اجتهاد». روحانی ونمایندهٔ دورهٔ ۶ ازخمسهٔ زنجان

**آیت‌الله‌زاده** - میرزا محمدرضا آیت‌الله‌زاده شیرازی. فرزند محمدتقی «آیت‌الله‌زاده شیرازی». (روحانی واز مراجع تقلید). متولد حدود ۱۲۵۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی ونمایندهٔ دورهٔ ۷ از بوشهر.

**ایرانی** - مهندس منوچهر ایرانی. فرزند محمد ایرانی (کارمند دولت). متولد حدود ۱۲۹۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ مهندسی ساختمان. کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از لار.

**ایرانی** - حاج شیخ محمدتقی ایرانی (وکیل الرعایا). فرزند مرحوم حاج محمدهاشم میدانی (از اصناف) متولد. ...... دارای تحصیلات متعارف. مالک وتاجر ونمایندهٔ دورهٔ ۱ و ۲ از همدان.

**ایزدی** - میرزا سلیم ایزدی. فرزند محمدحسین (زارع). متولد حدود ۱۲۶۵ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. کارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۵، ۷، ۸ و ۹ از اهر و ۱۰ و ۱۱ از کاشان.

**ایلخان** - غلامرضا خان ایلخان. فرزند مرحوم سلطان ابراهیم سعدالسلطنه (مالک واز خوانین قشقائی). متولد. حدود ۱۲۹۴ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ تاریخ وعلوم سیاسی ازبیروت. مالک عمده و کارمند اصل چهار. نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از داراب فارس و ۲۱ از اصطهبانات.

**ایلخان ظفر بختیار** - میرزا حسین خان ایلخان ظفر بختیار «امیرحسین». فرزند خسروخان سردار ظفر (مالک. عمده) متولد حدود ۱۲۷۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی از خارج. ملاک و کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۵، ۶، ۷، ۹ و ۱۵ از ایل بختیاری و دورهٔ ۱۶ از نجف آباد اصفهان.

**ایلخانی‌زاده** - عبدالله ایلخانی‌زاده. فرزند محمود آقا (ملاک) متولد حدود ۱۲۷۶ شمسی، دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. مالک ونمایندهٔ دوره‌های ۱۸ و ۲۰ از مهاباد.

**ایل‌ماضی** - فتح‌الله ایل ماضی. فرزند ابوالقاسم (......) متولد ۱۲۹۷ شمسی. دارای تحصیلات..... کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از ساه‌نشان.

## ب

**باباخان** - میرزا فتح علی خان باباخان. فرزند محمدحسن خان «مسعود السلطنه» (مالک). متولد حدود ۱۲۶۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت ومالک. نمایندهٔ دورهٔ سوم از شیراز

**باتمانقلیچ** - مهدی باتمانقلیچ. فرزند ابوالقاسم باتمانقلیچ (....) متولد حدود ۱۲۸۱ شمسی. دارای. تحصیلات متعارف. بازرگان وعمده مالک ونمایندهٔ دورهٔ ۱۵ از اردبیل.

**باستانی** - رضاقلی خان باستانی «اقتدارالدوله». فرزند مرحوم میرزا محمود خان، اقتدارالدوله (ملاک) متولد. حدود ۱۲۷۰ شمسی. دارای تحصیلات.... مالک ونمایندهٔ دورهٔ ۸ و ۹ از تبریز.

**باقر** - مشهدی باقر بقال. فرزند..... (از اصناف). متولد حدود.... دارای تحصیلات...... کدخدای. بقالها ونمایندهٔ دورهٔ اول از طرف صنف بقالهای تهران.

**باقرزاده** - محمود باقرزاده. فرزند حسین قلی باقرزاده (مدیر مطبعهٔ باقرزاده) متولد حدود ۱۲۹۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از تهران.

**باغمیشهٔ-** اصغراتی باغمیشهٔ. فرزند حسین (......) متولد ۱۳۰۲ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه (در رشتهٔ ادبیات). کارگر ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از تبریز.

**بالاخانلو-** امیرنصرت‌الله بالاخانلو. فرزند محمدحسین (....) متولد حدود ۱۲۹۶ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه «فارغ التحصیل مدرسهٔ آمریکائی تهران» شهردار همدان ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از همدان.

**بجنوردی-** حاج محمدحسین بجنوری. فرزند ...... متولد ...... دارای تحصیلات ..... شغل ..... نمایندهٔ دورهٔ اول از بجنورد.

**بامداد-** میرزامحمدعلی‌خان بامداد. فرزند میرزامحمدرفیع الممالک (کارمنددولت). متولدحدود ۱۲۶۳ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. کارمنددولت ونمایندهٔ دورهٔ ۶ از شیراز.

**بحر العلوم-** حاج آقامیررشتی بحرالعلوم. فرزندحاجی میرعبدالباقی. متولد... دارای تحصیلات عالی. روحانی ومالک عمدهٔ ونمایندهٔ دورهٔ اول از رشت.

**بختیار-** آقاخان بختیار. فرزندغلام‌حسین خان سردارمحتشم بختیاری (مالک عمده و کارمنددولت). متولد حدود ۱۲۹۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ اقتصاد از انگلستان. ملاک و کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۱۵ از شهرکرد.

**بختیار-** سلطان، رادبختیار. فرزندسلطان‌محمدخان سرداراشجع (عمدهٔ مالک)، متولدحدود ۱۲۹۷ شمسی. دارای تحصیلات ...... مالک عمده وتاجرو نمایندهٔ دوره‌های ۱۸و۱۹ از شهرکرد و شهرضا

**بختیار-** عبدالحمید. فرزندمرحوم غلامحسین سرداره حتشم (مالک‌ووزیرجنگ) متولدحدود ۱۲۹۸ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. ملاک ونمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از شوشتر و ۱۹ از اهواز. ۲۰ از اردل.

**بختیار-** عبدالمجیدبختیار. فرزند غلامحسین «سردارمحتشم». (ملاک و وزیرجنگ) متولد ۱۲۹۹. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق ازایران وفرانسه. مالک ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از اردل.

**بختیار-** فتح علی خان بختیارفرزندلطف علی خان امیرمفخم (عمدهٔ مالک). متولدحدود۱۲۶۳. دارای تحصیلات متعارف. مالک عمده ونمایندهٔ دوره‌های ۸، ۹ و ۱۰ از بختیاری.

**بختیاری-** ابدال بختیاری. فرزندمرحوم غلامحسین سردارمحتشم (عمده‌مالک و کارمنددولت و «وزیرجنگ». متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. ملاک ونمایندهٔ دورهٔ ۲۰ ازشوشتر

**بختیاری-** جعفرقلی خان بختیاری سرداراسعد. فرزندمرحوم حاج علی‌قلی خان سرداراسعد (عمده مالک و کارمند دولت) متولد ۱۲۵۸ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۵ از بختیاری.

**بختیاری-** حاج علی‌قلی خان سرداراسعدبختیاری. فرزندحسین قلی خان ایلخانی بختیاری (عمده‌مالک و رئیس ایل بختیاری) متولد...... دارای تحصیلات حدود عالی از خارج. عمده مالک و کارمنددولت ونمایندهٔ دورهٔ ۲ (وکیل مجلس وبجای وزیرزاده انتخاب‌شد) و دورهٔ ٤ و۸ از طرف ایل بختیاری.

**بختیاری-** محمدجوادخان سرداراقبال بختیاری. فرزند.....(عمده‌مالک) متولد..... دارای تحصیلات متعارف. عمده مالک ونمایندهٔ دورهٔ ٤ از بهبهان.

**بختیاری-** میرزامرتضی قلی خان بختیاری. فرزندنجف قلی خان بختیاری «صمصام السلطنه» (عمده‌مالک و رئیس ایل و کارمنددولت) متولد....... دارای تحصیلات...... عمده‌مالک وایلخانی وحاکم بختیاری ونمایندهٔ دورهٔ ۲— (وکیل مجلس وبجای وثوق الدوله انتخاب شد).

**بدر-** میرزااحمدخان بدر. فرزند عبدالوهاب آصف‌الدوله‌شیرازی (کارمنددولت‌وملاک) متولد حدود ۱۲٤۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم وجدید حدود مدرسی. کارمنددولت‌ونمایندهٔ دورهٔ ۶ از کرمان

**بدرصالحیان**- عبدالله بدرصالحیان. فرزند حبیب الله (....) متولد ۱۳۰۰ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از سقز.

**برال**- دکتر موسی برال. فرزند... متولد حدود ۱۲۹۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی. پزشک و نمایندهٔ دورهٔ ۱۶ ازطرف کلیمیان.

**برزین**- تقی برزین. فرزند محمدعلی خان برزین (.....) متولد حدود ۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۱۵ از همدان.

**بروجردی**- سیدحسین بروجردی «مدیرالاسلام». فرزند...... متولد ..... تحصیلات..... شغل.....(نمایندهٔ دورهٔ اول ازطرف صنف آهنگر ونعلبند وسیخ بر).

**برومند**- مهندس علی برومند. فرزند رضا (کشاورز) متولد ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی. کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از اسدآباد.

**برومند**- حیدرعلی برومند. فرزند حاج عبدالغفار (ملاک) متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. عمده مالک ونمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از اصفهان.

**برومند**- محمدباقربرومند. فرزندمرحوم محمدهاشم برومند (ملاک) متولدحدود ۱۲۹۵ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. عمده مالک ونمایندهٔ دورهٔ ۱۹ از اصفهان و دورهٔ ۲۰ ازبرخواراصفهان

**برومند**- محمد تقی برومند. فرزندمرحوم ارباب محمد هاشم برومند (ملاک). متولدحدود ۱۲۹۶ شمسی. مالک ونمایندهٔ دورهٔ ۱۶ از اصفهان.

**بروجردی**- میرزاتقی بروجردی. فرزند،.... (روحانی). متولد..... دارای تحصیلات قدیم در حدود متوسطه. روحانی ومالک ونمایندهٔ دورهٔ ۷ از بروجرد.

**بروجردی**- سیدعلی بروجردی. «صدرالاسلام». فرزند.....(......) متولد حدود......، دارای. تحصیلات ......شغل......نمایندهٔ دورهٔ اول از لرستان.

**بزرگ نیا**- میرزاعلی بزرگ نیا «صدرالتجار»، فرزندحاج عبدالحسین (تاجر). متولدحدود ۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر وملاک ونمایندهٔ دوره‌های ۷، ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰. از بجنوردو سبزوار (دورهٔ ۱۸ ازسبزوار).

**بشارت**- حاج سیدحسین بشارت. فرزندحسن (......) متولد ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات..... بازرگان ومالک. ونمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از مینودشت.

**بصیری**- عمادالملک بصیری «ناظم دفتر». فرزند..... (ملاک). متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. مالک (منشی آقای صولت الدوله قشقایی) ونمایندهٔ دورهٔ ٤ از طرف ایل قشقائی.

**بقایی کرمانی**- میرزاشهاب الدین بقایی کرمانی. فرزندمیرزاعبدالله قاضی (روحانی) متولدحدود ۱۲۶۲ شمسی دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ٤ و ۵ از رفسنجان.

**بقائی کرمانی** دکترمظفربقائی کرمانی. فرزندمیرزاشهاب الدین بقائی کرمانی (کارمند دولت ونمایندهٔ مجلس) متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی از اروپا. کارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ از کرمان.

**بقائی**- دکتر محمدبقایی یزدی. فرزندحسن (کارمند دولت ومالک) متولد ۱۳۰۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ پزشکی ازایران وخارج. پزشک و کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از تفت.

**بلوری**- شیخ محمدجوادبلوری. فرزندمرحوم حاج عباس قلی (ازاصناف). متولدحدود ۱۲۵۶ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر ونمایندهٔ دوره‌های ۳ و ٤ از مشهد.

**بنکدار**-حاج محمدتقی بنکدار. فرزند......(ازاصناف) متولدحدود ۱۲۰۶ شمسی دارای تحصیلات متعارف. تاجر ونمایندهٔ دوره‌های ۱، ۶، ۸ و۹ از تهران.

**بنی‌سلیمان**- میرزامهدی‌خان بنی‌سلیمان. فرزندمیرزاسلیمان‌خان (....)متولدحدود ۱۲۴۱ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. کارمنددولت ونمایندهٔ دورهٔ ۶ از شوشتر.

**بوداغیان**- آرام بوداغیان لماسی. فرزندمرحوم جبریل بوداغیان (وکیل مجلس وتاجر). متولدحدود ۱۲۷۹ شمسی. دارای تحصیلات ...... تاجر ونمایندهٔ دوره‌های ۱۵، ۱۶ و۱۸ ازطرف ارامنهٔ شمال.

**بوداغیان**- جبرائیل بوداغیان. فرزندبوداغ (.....)متولد حدود ۱۲۴۹ شمسی. دارای تحصیلات..... تاجر ونمایندهٔ دورهای ۱۱، ۱۲ و۱۳ از طرف ارامنهٔ جنوب.

**بوربور**-غلامحسین بوربور. فرزندعلی عظام‌الملک (ملاک). متولدحدود ۱۲۸۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در انگلستان وسویس. ملاک و کارمندشرکت ملی نفت ونمایندهٔ دوره‌های ۱۸ و ۱۹ ازملایر.

**بوشهری**-حاج آقامحمد بوشهری «معین‌التجار». فرزندحاج محمدرحیم (تاجر) متولد حدود ۱۲۳۸ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک وتاجرعمده ونمایندهٔ دوره‌های اول ازتهران وسوم از بوشهر.

**بوشهری**-رضابوشهری. فرزندمعین‌التجاربوشهری (تاجر ووکیل مجلس) متولد..... دارای تحصیلات متعارف. ملاک وتاجر ونمایندهٔ دورهٔ ۸ ازتهران.

**بوشهری**- میرزاجوادخان بوشهری «امیرهمایون». فرزند معین‌التجار بوشوری (تاجر ووکیل مجلس)متولد ...... دارای تحصیلات حدود متوسطه. تاجرعمده ونمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از تهران.

**بوشهری**- محمدباقربوشهری. فرزندمرحوم محمدرحیم «معاون‌التجاربوشهری» (تاجر......) متولدحدود ۱۲۸۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی دررشتهٔ تجارت واقتصاد از مدرسهٔ منچسترانگلستان ورشتهٔ مباشرت نظام درمدرسه ونس پاریس. مالک وتاجر ونمایندهٔ دوره‌های ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۱۰ ازبوشهر

**بوشهری**- محمدصادق بوشهری. فرزندمرحوم حاج آقامحمد «معین‌التجاربوشهری». (تاجر و وکیل مجلس). متولد ۱۲۷۸ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک وتاجر ونمایندهٔ دوره‌های ۱۴، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از دزفول واندیمشک.

**بهادری**-احمدبهادری. فرزندمرحوم حاج صمصام (عمده‌مالک) متولدحدود ۱۲۹۰ شمسی. دارای تحصیلات حدودمتعارف. مالک عمده ونماینده دوره‌های ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹ و۲۰ از تبریز و دورهٔ ۱۷ ازسراب

**بهادری**-غلامرضابهادری. فرزندمرحوم تاج محمدخان بهادری (ملاک). متولد ۱۳۱۲ دارای تحصیلات متوسطه. مالک ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از قوچان.

**بهادری**- محمدبهادری. فرزندمرحوم حاج کریم‌خان (کارمنددولت ومالک). متولد حدود ۱۲۶۲ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک وکارمنددولت ونمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از اهر.

**بهار**- میرزامحمدتقی‌خان بهار «ملک‌الشعرا». فرزندمرحوم محمدکاظم صبوری ملک‌الشعرا (کارمند آستان قدس رضوی) متولدحدود ۱۲۵۳ شمسی. بتحصیلات عالی در رشتهٔ ادبیات وروزنامه‌نگار «مدیر روزنامهٔ نوبهار» وکارمنددولت. نمایندهٔ دوره‌های ۶ و ۱۰ از تهران و۳ از دره گز و ۴ از بجنورد و۵ ازکاشمر.

**بهبهانی**- سیدامان‌الله بهبهانی. فرزند.....(ازاصناف) متولدحدود..... دارای تحصیلات متعارف. از اصناف ونمایندهٔ دورهٔ ۳ از بهبهان.

**بهبهانی-** ابوالقاسم بهبهانی. فرزند حاج علیرضا بهبهانی (تاجر). متولد حدود ۱۲۷۴ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر ونمایندهٔ دورهٔ ۱۰ از شوشتر.

**بهبهانی-** سید احمد بهبهانی. فرزند آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی (روحانی و وکیل مجلس). متولد حدود ۱۲۰۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۵، ۶، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ از تهران.

**بهبهانی-** سید جعفر بهبهانی. فرزند آیت‌الله حاج سید محمد بهبهانی (روحانی). متولد حدود ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق سردفتر اسناد رسمی ونمایندهٔ دوره‌های ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از تهران.

**بهبهانی-** سید علاءالدین بهبهانی «اعتمادالاسلام» فرزند مرحوم عمادالدین بهبهانی (روحانی) متولد حدود ۱۲۴۸ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی ومالک ونمایندهٔ دورهٔ ۱۰ از ایوانکی

**بهبهانی-** سید علی بهبهانی. فرزند مرحوم سید عبدالله بهبهانی (روحانی و وکیل مجلس) متولد حدود ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی و کارمند دولت نمایندهٔ دوره‌های ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ از تهران.

**بهبهانی-** حاج محمدرضا بهبهانی. فرزند مرحوم حاج غلامعلی (تاجر). متولد حدود ۱۲۵۰ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر عمده ونمایندهٔ دوره‌های ۸، ۹ و ۱۰ از بوشهر.

**بهبهانی-** سید مصطفی بهبهانی. فرزند مرحوم سید عبدالله بهبهانی (روحانی ونماینده مجلس). متولد حدود ۱۲۰۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی ونمایندهٔ دورهٔ ۱۰ از قوچان.

**بهبهانی-** میرزا سید محمد بهبهانی. فرزند سید عبدالله بهبهانی (روحانی) ..... دارای تحصیلات حدود مدرسی روحانی ونمایندهٔ دورهٔ دوم (وکیل مجلس- بجای حکیم الملک انتخاب شد).

**بهبهانی-** حاج شیخ محمدجواد بهبهانی ارگانی. فرزند...... (روحانی). متولد...... دارای تحصیلات. قدیم حدود مدرسی. روحانی ونمایندهٔ دوره‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از دشت‌میشان (بنی‌طرف).

**بهجت العلماء-** شیخ محمدعلی دزفولی «بهجت العلماء» بهروز خاوری. فرزند..... (روحانی) متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی ووکیل دادگستری و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ دوم از شوشتر.

**بهرامی-** دکتر شیخ حسین بهرامی «احیاء السلطنه». فرزند محمدعلی خان تفرشی (پزشک مجاز) متولد حدود ۱۲۵۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی. پزشک و کارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۵ و ۹ از زنجان وخرم‌آباد.

**بهمنیار-** محمود بهمنیار. فرزند مرحوم محمد آخوند (....) متولد حدود ۱۲۸۵ شمسی. دارای تحصیلات...... کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۲ از رفسنجان.

**بهبودی-** مهندس پرویز بهبودی. فرزند ابراهیم (مالک) متولد ۱۲۹۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی از فرانسه. کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از میانه.

**بهبودی-** مهندس ناصر بهبودی فرزند سلیمان بهبودی (ملاک و کارمند دربار شاهنشاهی) متولد حدود ۱۳۰۱ شمسی دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ مهندسی برق وماشین از دانشکدهٔ فنی بروکسل. کارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۱۹، ۲۰ و ۲۱ از ساوه وزرند.

**بیات**- حسن بیات . فرزند محمد رضا سالار حشمت (ملاک) . متولد حدود ۱۲۹۳ شمسی . دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی از فرانسه . مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از شازند .

**بیات**- عزت الله بیات - فرزند حاج عباس قلی خان سهم الملک (ملاک و وکیل مجلس) متولد حدود ۱۲۷۴ شمسی . دارای تحصیلات عالی از خارج . مالک عمده و نمایندهٔ دوره های ۱۴ و ۱۵ از اراک .

**بیات** - مرتضی قلی خان بیات «سهام السلطان» . فرزند مرحوم حاج عباس قلی خان سهم الملک (مالک عمده و وکیل مجلس) متولد حدود ۱۲۶۶ شمسی . دارای تحصیلات متوسطه عمده مالک و کارمند دولت و نمایندهٔ دوره های ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از اراک .

**بیات**- حاج شیخ نصرت الله بیات «شیخ العراقین» . فرزند حاج عباس قلی خان سهم الملک (ملاک و نمایندهٔ مجلس) متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی . دارای تحصیلات .... عمده مالک و نمایندهٔ دورهٔ ششم از تهران

**بیات ماکو**- احمد بیات ماکو (افخم السلطنه) . فرزند اضغر پاشا (ملاک) متولد حدود ۱۲۷۴ شمسی . دارای تحصیلات متعارف مالک عمده و نمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از خوی .

**بیات ماکو**- حمدالله بیات ماکو . فرزند نصرالله خان (ملاک) . متولد حدود ۱۲۶۵ شمسی . دارای تحصیلات متعارف . عمده مالک و نمایندهٔ دوره های ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱ از خوی .

**بیات ماکو**- شجاع بیات ماکو . فرزند حاج نصرت (ملاک) متولد حدود ۱۲۷۸ شمسی . دارای تحصیلات . متوسطه . عمده مالک و کارمند دولت . نمایندهٔ دورهٔ ۱۹ از خوی .

**بیات ماکو**- عبدالله بیات ماکو . فرزند ..... متولد حدود ۱۲۶۵ شمسی . دارای تحصیلات متعارف . ملاک . و نمایندهٔ دورهٔ ۷ از خوی .

**بیان الدوله**- میرزا هادی خان بیان الدوله . فرزند مرحوم مهدی خان (ملاک) متولد حدود ۱۲۵۸ شمسی . دارای تحصیلات قدیم حدود ...... کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۴ از زنجان .

**بیان السلطنه**- میرزا سلیمان خان بیان السلطنه . فرزند ...... (مستوفی) . متولد حدود ...... دارای تحصیلات ...... کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ اول از تهران .

**بیان الملک**- بیان الملک . فرزند مرحوم بیان الدوله (ملاک) . متولد حدود ۱۲۳۴ شمسی . دارای تحصیلات قدیم در حدود سطح . مستوفی و نمایندهٔ دورهٔ ۴ از اراک .

**بیگدلی**- فتح اله خان بیگدلی . فرزند .... متولد ..... دارای تحصیلات .... شغل .... نمایندهٔ دورهٔ اول از قم .

**بینا**- دکتر علی اکبر بینا . فرزند مرحوم مدبر السلطنه (......) متولد ۱۲۸۵ شمسی . دارای تحصیلات عالی از فرانسه . کارمند دولت و نمایندهٔ دوره های ۱۸ و ۱۹ از تبریز .

## پ

**پارسا**- سید اصغر پارسا . فرزند محمد رضا اصغرزاده پارسا (تاجر و وکیل مجلس) . متولد حدود ۱۲۹۴ شمسی . دارای تحصیلات عالی . کارمند دولت و نمایندهٔ دوره ۱۷ از خوی .

**پارسای**- دکتر فرخ رو پارسای . فرزند فرخ دین «کارمند دولت و روزنامه نگار» متولد ۱۳۰۱ . دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب از ایران . کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از تهران .

**پاک ذات**- ابوالقاسم پاک ذات . فرزند اسکندر (کارمند دولت) . متولد ۱۲۹۳ شمسی . دارای تحصیلات متعارف . کارگر کارخانه چیت سازی بهشهر . نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از طرف کارگران بهشهر .

**پالیزی**- میرزا عطاء اله خان پالیزی «وکیل الدوله» . فرزند حاج عبدالرحیم «وکیل الدوله» (عمده مالک) .

متولد حدود ۱۲۷۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سدرسی. عمده‌مالک و نمایندهٔ دوره‌های ۶، ۷، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از کرمانشاه.

**پالیزی**- هدایت‌الله پالیزی. فرزند مرحوم حاج عبدالرحیم «وکیل الدوله» (عمده‌مالک). متولد حدود ۱۲۸۷ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. عمده‌مالک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵ و ۱۶ از کرمانشاه.

**پاینده**- ابوالقاسم پاینده. فرزند محمدرضا (.....) متولد ۱۲۹۰ شمسی. دارای تحصیلات ..... نویسنده و کارمند دولت نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از نجف‌آباد.

**پردلی**- سردارعلی پردلی. فرزند سردار پردل خان (ملاک) متولد حدود ۱۲۶۴ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک و نمایندهٔ دورهٔ ۱۶ از زابل.

**پردلی**-ابراهیم پردلی. فرزند سردارعلی پردلی (ملاک و وکیل مجلس) متولد حدود ۱۲۹۶ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۹ و ۲۰ از زابل.

**پژادقراگزلو**- غلامحسین پژادقراگزلو (احتشام الدوله). فرزند غلامرضا قراگزلو (مالک). متولد حدود ۱۲۷۸ شمسی. دارای تحصیلات حدود عالی در سویس و فرانسه. کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۱۸ و ۲۰ از همدان.

**پروشانی**-مهندس محمود پروشانی. فرزند حاج محمدحسین (تاجر). متولد ۱۲۸۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی. کارمند بانک اصناف و کشاورزی. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از همایون‌شهر.

**پرویزی** - رسول پرویزی. فرزند محمدعلی (.....). متولد ۱۲۹۸ شمسی. دارای تحصیلات ..... و کارمند دولت و نویسنده. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از دشتستان.

**پروین**- سیدفضل‌الله پروین. فرزند اسدالله پروین (کارمند دولت و ملاک). متولد ۱۲۷۹ شمسی. دارای تحصیلات حدود عالی در رشته تاریخ و ادبیات. کارمند دولت و مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از اراک

**پروین گنابادی**- محمد پروین گنابادی. فرزند عباس (روحانی) متولد حدود ۱۲۸۲ شمسی. دارای تحصیلات. عالی در رشتهٔ ادبیات. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از سبزوار.

**پزشکی**- کاظم پزشکی. فرزند محمدتقی (....) متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از لار.

**پزشکی**-منوچهر پزشکی. فرزند احمد پزشکی (......) متولد ۱۳۰۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از تبریز.

**پژند**- باقر پژند. فرزند حاج اسحق (ملاک) متولد ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. مالک و تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از لاهیجان.

**پناهی**- مهندس اصغر پناهی. فرزند حاج ابراهیم پناهی (ملاک و تاجر). متولد حدود ۱۲۸۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ مهندسی ساختمان. عمده مالک و تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از تبریز.

**پناهی** میرزاجعفرخان پناهی. فرزند حاج ابراهیم (ملاک و تاجر). متولد ۱۲۸۰ شمسی. دارای تحصیلات متعارف عمده‌مالک و نماینده دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از اردبیل و خلخال.

**پناهی**-حبیب‌الله پناهی. فرزند میرزا آقا (عمده‌مالک) متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. عمده‌مالک و نماینده دوره‌های ۱۶ از تبریز و ۱۸ و ۱۹ از خلخال.

**پنجه‌علی**- استاد حسن معمارباشی پنجه‌علی. فرزند ...... متولد ...... دارای تحصیلات ..... شغل ، ...... نمایندهٔ دورهٔ اول از تهران.

**پورادبی-** عین‌الله پورادبی. فرزند احدالله (کشاورز) متولد ۱۳۰۰ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک و تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از صومعهٔ سرا.

**پورتیمور-** ملک ایرج میرزا پورتیمور «مفاخرالسلطنه». فرزند شاهزاده سرورالسلطنه (مالک). متولد حدود ۱۲۵۱ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۶ از مشهد.

**پوررضا-** حبیب‌الله پوررضا. فرزند مرحوم غلامرضا (.....) متولد حدود ۱۲۹۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از خارج. ملاک و وکیل دادگستری. نمایندهٔ دوره ۱۴ از فیروزآباد.

**پورسرتیپ-** فتح‌الله پورسرتیپ. فرزند مرحوم شیرمحمد (ملاک). متولد حدود ۱۲۸۴ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. ملاک و نمایندهٔ دوره‌های ۹، ۱۷، ۱۸ و ۲۰ از خرم‌آباد.

**پورمحسن عراقی-** امین پورمحسن عراقی. فرزند حاج آقامحسن عراقی (روحانی و مالک) متولد حدود ....: دارای تحصیلات متعارف. عمده‌مالک و روحانی و نمایندهٔ دورهٔ ۷ از محلات.

**پورهاشمی-** دکتر سیدعلی پورهاشمی. فرزند حسن پورهاشمی «ازاصناف». متولد حدود ۱۳۰۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ پزشکی. پزشک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از بجنورد.

**پیراسته-** دکتر سیدمهدی پیراسته. فرزند مرحوم حاجی معتمد. (روحانی و مالک) متولد ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق قضائی و سیاسی. کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۱۶ و ۱۸ از ساوه و زرند.

**پیرنیا-** میرزا ابوالحسن خان پیرنیا «معاضدالسلطنه». فرزند مرحوم میرزا محمدباقرخان (ملاک). متولد حدود ۱۲۴۸ شمسی. دارای تحصیلات قدیم وجدید درحدود عالی. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از گیلان و دوره‌های ۵ و ۸ از نائین (در دورهٔ دوم بعلت قبول وزارت از وکالت ساقط گردید).

**پیرنیا-** میرزا حسن خان «مشیرالدوله» پیرنیا. فرزند میرزا نصرالله خان مشیرالدوله (صدراعظم). متولد ۱۲۵۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی دررشتهٔ نظام وحقوق از روسیه. ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۲ از استرآباد و ۳ و ۴ از تهران (در دورهٔ ۲ بعلت قبول وزارت از وکالت ساقط شد وبعدها پس از استعفا از وزارت مجدداً ازطرف مجلس انتخاب شد).

**پیرنیا-** میرزا حسین خان «موتمن الملک» پیرنیا. فرزند میرزا نصرالله خان مشیرالدوله (صدراعظم) متولد ۱۲۵۴ شمسی. دارای تحصیلات عالی ازپاریس. ملاک و کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶ از تهران.

**پیرنیا-** دکتر حسین پیرنیا. فرزند میرزا ابوالحسن پیرنیا «معاضدالسلطنه» (کارمند دولت و ملاک و وکیل مجلس) متولد حدود ۱۲۹۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی دررشتهٔ اقتصاد ازانگلستان. ملاک و کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۱۸ و ۱۹ از نایین.

**پیشه‌وری-** میرجعفر پیشه‌وری. فرزند میرجواد (.....) متولد حدود ۱۲۷۱ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه از روسیه. روزنامه‌نگار «مدیر روزنامه آژیر» و نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از تبریز.

## ت

**تبریزی-** حاج حسن آقا تبریزی. فرزند علی اضغر (کاسب و کشاورز) متولد ۱۲۸۵ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. کاسب و مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از میاندوآب.

**تبریزی-** میرزا هاشم تبریزی. فرزند ..... (روحانی). متولد ..... دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی و نمایندهٔ دورهٔ اول از تبریز.

**تبریزی** - میرزاقاسم خان تبریزی «صوراسرافیل» . فرزندمرحوم حاج میرزاحسن خان(مستوفی) . متولد ۱۲۵۸ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح . کارمند دولت و روزنامه نگار ( مدیر روزنامه صوراسرافیل) ونمایندهٔ دورهٔ دوم (وکیل مجلس بجای قوام الاسلام انتخاب شد) ودورهٔ ۳ ازساوجلاغ

**تبریزی**- حاج محمداسمعیل تبریزی (معروف بمغازه) فرزند...... متولد...... دارای تحصیلات قدیم . حدود سطح . تاجر عمده ونمایندهٔ دورهٔ اول از طرف تجارتهران .

**تجدد**-محمدرضا تجدد «شیخ العراقین زاده» . فرزندمرحوم حاج شیخ علی شیخ العراقین (روحانی) متولدحدود ۱۲۶۷ شمسی . دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی . ملاک و کارمند دولت وروزنامه نگار ( ..... ) ونمایندهٔ دوره های ۴و۵و۱۴ از ساری .

**تجدد** - مصطفی تجدد . فرزندمحمدرضاشیخ العراقین زاده .(ملاک و کارمند دولت و وکیل مجلس) . متولد حدود ۱۲۸۷ شمسی . دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق و اقتصاد از اروپا . ملاک و کارمند دولت(مدیرعامل بانک بازرگانی) ونمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از ساری .

**تدین**- سیدمحمد تدین . فرزندمرحوم سیدمحمدتقی (واعظ) متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی . دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی مدیر مدرسهٔ تدین ونماینده دوره های ۴ ازتهران و۵و۶ از بیرجند .

**تربتی**-عماد تربتی . فرزندمرحوم ملاعبدالرضا(روحانی) متولد حدود ۱۲۷۸ شمسی . دارای تحصیلات قدیم حدودمدرسی ملاک وکیل دادگستری (سابقه قضاوت) ونمایندهٔ دوره های ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۱۹و ۲۰ از تربت حیدریه .

**تربیت**- میرزامحمدعلی تربیت . فرزندمیرزاصادق(کارمنددولت) .متولدحدود ۱۲۵۴ شمسی . دارای تحصیلات قدیم حدود سطح . روزنامه نگار ومدیر کتابخانهٔ تربیت درتبریزو کارمنددولت ونمایندهٔ دوره های ۲، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱و ۱۲ از تبریز .

**تربیت**- هاجرتربیت . فرزند حسینقلی تربیت« کارمنددولت» متولد ۱۲۸۴ شمسی . دارای تحصیلات متوسطه . کارمندبازنشستهٔ دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از تهران .

**تفضلی**-دکترابوالقاسم تفضلی . فرزندمرحوم غلامرضامصدق السلطان (کارمنددولت) متولدحدود ۱۳۰۰ شمسی . دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق وکیل دادگستری ونمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از کاشمر

**تفضلی**-جهانگیر «مازیار» تفضلی . فرزندمرحوم غلامرضامصدق السلطان( کارمنددولت) .متولدحدود ۱۲۹۳ شمسی . دارای تحصیلات عالی دررشتهٔ ادبیات وروزنامه نگار (مدیرروزنامهٔ ایران ما) ونمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از زابل .

**تقی زاده**- سیدحسن تقی زاده . فرزندمرحوم سیدتقی(روحانی) متولد ۱۲۵۶ شمسی . دارای تحصیلات قدیم وجدید درحدودعالی روزنامه نگارونویسنده(ازمؤسسین ونویسندگان مجلهٔ گنجینهٔ فنون) ونمایندهٔ دورهٔ ۱و۲ ازتبریز ۴، ۵و۶ از تهران و۱۵ از تبریز .

**تنکابنی**-میرزامحمدطاهرتنکابنی . فرزندمرحوم میرزا فرج الله (روحانی) .متولدحدود ۱۲۴۲ شمسی . دارای تحصیلات قدیم حدودعالی . روحانی ومالک ونمایندهٔ دوره های ۱، ۳و۴ از تهران .

**توانا**- حسن تواناقزوینی . فرزندمحمدرضا (ازاصناف) .متولدحدود ۱۲۷۷ شمسی . دارای تحصیلات متعارف . تاجر عمده ونمایندهٔ دوره های ۱۰، ۱۱و ۱۲ از کرمان .

**توسلی**- سیدمحمود توسلی . فرزندحاج سیدصالح (روحانی ومالک) . متولدحدود ۱۲۹۱ شمسی . دارای تحصیلات (دانشجوی دانشکده حقوق) . مالک و کارمنددولت ونمایندهٔ دوره های ۲۰و۲۱ از رودبار قزوین .

**تولیت**- ابوالفضل تولیت. فرزند حاج سید محمد باقر متولی باشی (ملاک و کارمند آستانهٔ حضرت معصومه) متولد ۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. عمده مالک و متولی آستانه حضرت معصومه. نمایندهٔ دوره‌های ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ از قم.

**توماج**- سرهنگ عبدالله توماج. فرزند مرحوم علی خان «علی بیگ» (ملاک و کارمند دربار). متولد حدود ۱۲۶۹ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه (فارغ التحصیل مدرسهٔ نظامی سوئدیها) کارمند دولت (لشکری) نمایندهٔ دوره‌های ۱۸ و ۱۹ از گنبدقابوس.

**تهرانی**- شیخ محمدعلی تهرانی «......» فرزند شیخ حسن (روحانی) متولد ..... دارای تحصیلات ...... کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ اول از تهران (وکیل مجلس).

**تهرانی**- شیخ حسین تهرانی. فرزند مرحوم علی اکبر (......) متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی دارای تحصیلات. قدیم حدود مدرسی. روحانی و کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۷، ۸، ۹ و ۱۴ از تهران.

**تهرانی**- شیخ حسین تهرانی. فرزند ..... (......) متولد ..... دارای تحصیلات متعارف. سقط فروش. و نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف صنف عطار و دوافروش وسقط فروش تهران.

**تهرانی**- شیخ محمدجواد تهرانی. فرزند حاج عباس قلی (ازاصناف). متولد ..... دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۴ از مشهد.

**تهرانی**- مهدی یعقوب تهرانی. فرزند علی تهرانی (تاجر و کارمند دولت) متولد ۱۳۰۰ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. مالک و کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از مینودشت.

**تهرانچی**- محمدرضا تهرانچی. فرزند ..... (ازاصناف). متولد ..... دارای تحصیلات متعارف. تاجر نمایندهٔ دوره‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ از تهران.

**تیمورتاش**- عبدالحسین تیمورتاش «سردار معظم». فرزند کریم داد امیر منظم (مالک). متولد حدود ۱۲۵۸ شمسی دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ نظام از دانشکدهٔ نظام روسیه. ملاک و کارمند دولت (وزیر دربار) و نمایندهٔ دوره‌های ۲، ۳، ۴، ۷ و ۸ از خراسان.

**تیمورتاش**- منوچهر تیمورتاش. فرزند عبدالحسین تیمورتاش «سردار معظم» (ملاک و کارمند دولت و وکیل مجلس) متولد حدود ۱۲۹۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشته نظام از دانشکدهٔ افسری فرانسه ملاک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۴، ۱۸ و ۱۹ از کاشمر و دورهٔ ۱۶ از قوچان.

**تیموری**- عباس تیموری. فرزند ...... (مالک) متولد ...... دارای تحصیلات متعارف. مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از خوی.

## ث

**ثابت**- شیخ محمدعلی ثابت «الموتی». فرزند مرحوم شیخ عبدالحسین الموتی. متولد حدود ۱۲۵۸ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. مدرس و روحانی و نمایندهٔ دوره‌های ۵ و ۶ از قزوین.

**ثابتی**- مسعود ثابتی. فرزند مرحوم سید سعید نایب التولیه (ملاک و کارمند آستانهٔ رضوی). متولد حدود ۱۲۷۶ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه از آلمان. مالک و نمایندهٔ دوره‌های ۸ و ۹ از بجنورد و ۱۵ از مشهد.

**ثقةالاسلام**- حاج سید محسن ثقةالاسلام. فرزند ...... متولد ...... دارای تحصیلات ..... شغل ...... نمایندهٔ دورهٔ اول ازطرف تجارشیراز.

**ثقةالاسلامی**- موسی ثقةالاسلامی. فرزند حاج میرزا محمود ثقةالاسلامی. (روحانی). متولد حدود ۱۲۹۰ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۶، ۱۸ و ۱۹ از تبریز.

# ج

**جاوید**- هاشم جاوید. فرزند شیرعلی جاوید «بازرگان». متولد ۱۳۰۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. کارمند دولت و وکیل دادگستری. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از شیراز.

**جزایری**- دکتر شمس الدین جزایری. فرزند مرحوم حاج سید حسن شوشتری (روحانی). متولد حدود ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق واقتصاد از پاریس. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از تهران.

**جعفر**- حاج آقا سید جعفر. فرزند.... (روحانی). متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. مدرس و روحانی ونمایندهٔ دورهٔ اول از طرف علمای شیراز.

**جعفر**- شیخ جعفر. فرزند....... (روحانی) متولد.... دارای تحصیلات حدود مدرسی. روحانی ونمایندهٔ دورهٔ ۲ از مازندران.

**جعفری**- رضا جعفری. فرزند مرحوم عین الله (.....) متولد ۱۲۸۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ ریاضی کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۲ از قزوین.

**جعفری**- دکتر مجتبی جعفری. فرزند حسین جعفری (.....) متولد ۱۳۰۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از گلپایگان.

**جعفرودی**- مهندس کاظم جفرودی. فرزند آقا تقی (کشاورز) متولد ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی. دررشتهٔ مهندس راه وساختمان از پاریس. مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۸، ۱۹، و ۲۰ از رشت.

**جلایی**- حسین جلایی. فرزند مرحوم میرزا محمد علی خان جلاء السلطنه شیرازی (کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۵۷ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. مالک و کارمند دولت ونماینده دوره‌های ۶، ۱۰، ۱۱، ۱۲، و ۱۳ از اصفهان و ۷ از شهرضا.

**جلالی**- دکتر علی جلالی. فرزند مرحوم آقا سید عبدالرحمن جلال السادات (ملاک). متولد حدود ۱۲۸۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ چشم پزشکی. پزشک و کارمند دولت ونمایندهٔ دوره ۱۶ از بابل.

**جلالی موسوی**- سید باقر جلالی موسوی. فرزند سید ابوالحسن موسوی جلالی (روحانی ومالک). متولد حدود ۱۲۷۸ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی « فارغ التحصیل کلاس ثبت وقضایی». مالک و روحانی و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از دماوند.

**جلالی نوری**- مهندس فضل الله جلالی نوری. فرزند محمدعلی جلالی نوری (مالک) متولد ۱۳۰۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ مهندسی نفت از امریکا مالک و کارمند شرکت ملی نفت. (استاد دانشکده صنعتی تهران) ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از کاشمر.

**جلیل الملک**- میرزا نصرالله خان جلیل الملک. فرزند مرحوم میرزا آقا مستوفی (ملاک) متولد..... دارای تحصیلات. (دیپلمهٔ متوسطهٔ دارالفنون) مالک و کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ٤ از کاشان

**جلیلوند**- علی اکبر جلیلوند رضایی. فرزند حاج جعفرقلی سهام الدوله (ملاک عمده و کارمند دولت). متولد حدود ۱۳۰۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. عمده مالک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از ملایر.

**جلیلی**- سید محمود جلیلی. فرزند سید جلیل جلیلی. (تاجر و مالک) متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی. دارای. تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از یزد.

**جلیلی یزدی**- سید کاظم جلیلی یزدی. فرزند سید ابوالحسن جلیلی تحویدار (......) متولد حدود ۱۲۵۳ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک ونماینده دوره‌های ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ از یزد.

**جمشید**- ارباب کیخسرو جمشید. فرزند بهمن زردشتی (تاجر) متولد...... دارای تحصیلات...... تاجرعمده ونمایندهٔ دورهٔ اول از طرف اقلیت زردشتیان.

**جمشیدی**- میرزا عبدالباقی جمشیدی مازندرانی. فرزند مرحوم حاج ملامحمد زمان سواد کوهی آلاشتی (.....) متولد حدود ۱۲۷۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ از بابل.

**جمشیدی** - میرزا عبدالعلی جمشیدی. فرزند..... متولد حدود ۱۲۶۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۷ از بارفروش.

**جوان**- دکتر موسی جوان. فرزند مرحوم شیخ علی مجتهد (روحانی) متولد حدود ۱۲۷۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از پاریس. کارمند دولت و وکیل دادگستری ونماینده دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از شهرری.

**جوانشیری**- ولی‌زاده جوانشیری. فرزند...... (مالک) متولد.... دارای تحصیلات متعارف. کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۶ از تبریز

**جهانبانی** - شاهزاده اسدالله میرزا جهانبانی «شهاب الدوله». فرزند شاهزاده عبدالحسین میرزا شمس الشعرا ملقب بشهاب الدوله (مالک......) متولد ...... دارای تحصیلات عالی ازلندن. کارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۱ و ۲ از تهران (**دورهٔ اول ازطرف شاهزادگان تهران انتخاب شد**).

**جهانبانی**- شوکت ملک جهانبانی. فرزند شاهزاده عبدالله (.....) متولد ۱۲۸۷ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. مدیر دبیرستان ایران. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از تهران.

**جهانسوزی**- شاهزاده محمدمهدی میرزا جهانسوزی «مرآت السلطان». فرزند اقبال السلطان (ازرجال ومالکین کرمانشاه) متولد حدود ۱۲۵۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم درحدود عالی در رشتهٔ ادبیات. کارمند دولت وملاک. نمایندهٔ دورهٔ ۳ از کرمانشاه.

**جهانشاهی**- ابوالفتح جهانشاهی. فرزند رضا جهانشاهی (......) متولد ۱۳۰۰ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. کارمند بانک (سرپرست شعب بانک) ونمایندهٔ دوره ۲۱ از تبریز.

**جهانشاهی**-میرزا ربیع خان جهانشاهی «مصدق الملک». فرزند مرحوم قوام العلماء (کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۶۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از تبریز.

**جهانشاهی**- دکتر غلامحسین جهانشاهی. فرزند مرحوم شفیع جهانشاهی (کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۹۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. کارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۱۹ و ۲۰ از تهران

**جهانگیری**- حاج مسعود جهانگیری. فرزند جعفرقلی جهانگیری (مالک) متولد ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. مالک ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از تویسرکان.

## چ

**چاپچی** - میرزا علی چاپچی. فرزند..... متولد..... دارای تحصیلات حدود متعارف. تاجر ونمایندهٔ دوره‌های ۹ از رشت (درخلال دوره نهم فوت شد).

**چایچی** - میرزاعلی اصغرچایچی. فرزندآقابالا (تاجر). متولدحدود ۱۲۶۵ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه (فارغ التحصیل مدرسهٔ آمریکائی تبریز) تاجر و نمایندهٔ دوره‌های ۸، ۹ و ۱۳ از تبریز.

**چراغچی** - سیدحسین چراغچی بروجردی «سدیرالاسلام». فرزند...... متولد...... دارای تحصیلات...... شغل...... نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف خرده‌فروشهای (آهنگرنعلبند - میخ بر) تهران

**چهارسوقی** - سیداسدالله چهارسوقی. فرزندسید محمدجعفر (......) متولد حدود ۱۲۴۸ شمسی. دارای تحصیلات قدیم در حدود اجتهاد. روحانی ونمایندهٔ دورهٔ ۳ از اصفهان.

## ح

**حاتم** - دکترعباس حاتم. فرزندمرحوم ابراهیم (تاجر) متولد حدود ۱۲۸۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب از سویس پزشک ونمایندهٔ دوره‌های ۲۰ و ۲۱ از قصرشیرین.

**حاج سیدجوادی** - سیدضیاءالدین حاج سیدجوادی. فرزندمرحوم سیدمصطفی (روحانی). متولدحدود ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. واعظ ونمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از قزوین.

**حاذقی** - دکترابوالفضل حاذقی. فرزندمرحوم شکرالله حاذقی (پزشک) متولد ۱۲۸۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از دانشگاه سوربن. کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۲۱ از جهرم.

**حایری‌زاده** - سیدابوالحسن حایری زاده. فرزندمرحوم آقامیرزاسیدعلی حایری (روحانی) متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی ونمایندهٔ دوره های ۴، ۵ و ۶ از یزد و ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ از تهران.

**ساموییل حایم**. ساموییل حایم فرزندعقیل حایم (....) متولدحدود ۱۲۶۹ شمسی. دارای تحصیلات..... روزنامه نگار ونمایندهٔ دورهٔ ۵ از طرف کلیمیان.

**حبیبی** - امام علی حبیبی. فرزند برازجان حبیبی (کشاورز). متولد ۱۳۱۰ شمسی. دارای تحصیلات حدود سیکل اول دبیرستان. کارمند کارخانه و کشاورز ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از بابل.

**حبیبی** - حاج محمدخان حبیبی. فرزندآقاحبیب الله (مالک عمده). متولد حدود ۱۲۵۴ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. عمده‌مالک ونمایندهٔ دوره‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱ از سنندج

**حدایق** - شیخ یوسف حدایق. فرزندمرحوم شیخ ابوالحسن (روحانی) متولد ۱۲۰۳ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. ملاک وروحانی. نمایندهٔ دوره‌های ۱ و ۳ از شیراز (**دورهٔ اول ازطرف هیئت علمیه شیراز**).

**حریری** - حاج محمدآقاحریری. فرزندحاجی خلیل تبریزی (تاجر) متولد... . دارای تحصیلات حدودسطح. تاجر ونمایندهٔ دورهٔ اول از طرف تجار آذربایجان.

**حریری** - محمدجوادحریری. فرزندحاج آقا (تاجر). متولد حدود ۱۲۸۲ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر عمده ونمایندهٔ دورهٔ ۲ از کرمانشاه.

**حریری طلوع** - حاج خلیل حریری طلوع. فرزندحاج محمدآقاحریر (مالک). متولدحدود ۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر ومالک ونمایندهٔ دوره‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از مشکین شهر.

**حسام‌الاسلام** - شیخ حسن حسام‌الاسلام - فرزند...... (......). متولد...... دارای تحصیلات...... شغل...... وکیل دورهٔ اول از فومنات.

**حسام‌الذاکرین** - میرزا باقرحسام‌الذاکرین. فرزند..... (......). متولد..... دارای تحصیلات..... شغل..... نمایندهٔ دورهٔ دوم از نیشابور.

**حسن**- میرزاسیدحسن . فرزندمرحوم حاج حسین (....) متولد ۱۲۴۰ شمسی . دارای تحصیلات قدیم حدود سطح . روحانی ونمایندهٔ دورهٔ ۴ ازکاشان .

**حسن**- میرزاحسن . فرزند ...... (......) متولد ...... دارای تحصیلات ...... شغل ...... نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف صنف کفشدوزهای تهران (بعدازاستعفای میرزاحسین علی) .

**حسیبی**- مهندس کاظم حسیبی . فرزندمرحوم حاج محمدعلی حسیبی (.....) متولد حدود ۱۲۸۶ شمسی . دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی وآبیاری ومعدن از اروپا . کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از تهران .

**حسن‌علی**- حاج شیخ حسنعلی علاقبند . فرزند ..... (......) متولد ...... دارای تحصیلات ...... شغل از اصناف ونمایندهٔ دورهٔ اول ازطرف علاقبندهای تهران .

**حسینی**- سیدحسن حسینی . فرزندسیدرضا (روحانی وملاک) . متولدحدود ۱۲۹۴ شمسی . دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق . کارمنددولت وملاک ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ .

**حسین**- سیدحسین خان . فرزند مرحوم دولت خان (ملاک) . متولد ...... شمسی . دارای تحصیلات ...... ملاک ونمایندهٔ دورهٔ ۴ از بلوچستان .

**حسینعلی**- شیخ حسینعلی . فرزند ...... (.....) متولد ...... دارای تحصیلات ...... از اصناف ونمایندهٔ دورهٔ اول از طرف ارسی دوزهای تهران .

**حسینعلی** - حاج حسین علی واعظ . فرزند ..... متولد ...... دارای تحصیلات ...... وکیل دورهٔ اول از طرف اصناف تهران (بمجلس حضورنیافت وبجای اوشیخ حسین علی ازصنف کفشدوزها . انتخاب شد) .

**حسینعلی**- حاج شیخ حسین علی دلال . فرزند ..... متولد ...... دارای تحصیلات ...... نمایندهٔ دورهٔ اول ازطرف کفشدوزهای تهران .

**حشمتی**- حیدرقلی حشمتی «امیرحشمت» . فرزندمرحوم عبدالله میرزاحشمت الدوله (مالک وکارمند دولت) متولد حدود ۱۲۶۸ شمسی . دارای تحصیلات قدیم حدود سطح . عمده‌مالک وکارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۵و۶ از محلات .

**حشمتی**- عباس حشمتی . فرزندمرحوم نصرات‌الله میرزا (ملاک عمده) . متولدحدود ۱۲۸۷ شمسی . دارای تحصیلات عالی از فرانسه . ملاک وکارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۱۴، ۱۸، ۱۹ازمحلات

**حقنویس**- میرزاعلی حق نویس . فرزندمرحوم میرزا محمدجواد (روحانی) . متولد حدود ۱۲۵۰ شمسی . دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی . کارمنددولت ونمایندهٔ دورهٔ ۶ از قم .

**حسین**- میرزاحسین طبیب . فرزند میرزا ابوتراب قزوینی ملاک وطبیب) متولد ...... دارای تحصیلات حدودعالی (طبیب مجاز) . مالک وطبیب ونمایندهٔ دورهٔ اول از قزوین .

**حکمت**- میرزارضاخان حکمت «سردارفاخر» . فرزندمرحوم حسام الدین مشاورالدوله (ملاک) متولدحدود ۱۲۶۹ شمسی . دارای تحصیلات حدود عالی . ملاک وسیاستمدار ونمایندهٔ دوره‌های ۴، ۵، ۷، ۸، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹و ۲۰ از آباده وشیراز .

**حکمت**- دکترسعیدحکمت . فرزندباقرحکمت (کارمند دولت) . متولد حدود ۱۲۹۲ شمسی . دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب . پزشک وکارمنددولت و نمایندهٔ دوره‌های ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ از ارسباران .

**حکمت**- مرتضی حکمت . فرزندابراهیم حکمت مشهور به‌حاجی مجتهد (روحانی وملاک) . متولد حدود

۱۲۸۸ شمسی. دارای تحصیلات متعارف . کارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از فسا.

**حکمت یزدی-** حاج محمدحسین حکمت یزدی. فرزند مرحوم حاج سید یحیی حکمت (......) متولد ۱۳۰۰ شمسی. دارای تحصیلات حدود سیکل اول دبیرستان. مالک ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از اردکان.

**حکیم الملک-** میرزا ابراهیم خان حکیم الملک. فرزند میرزا ابوالحسن حکیم (حکیم باشی). متولد ۱۲۴۹ شمسی دارای تحصیلات عالی ( در رشتهٔ طب از پاریس. ملاک و کارمند دولت (وپزشک دربار مظفرالدین شاه). ونمایندهٔ دوره‌های ۱، ۲، ۴ و ۵ از تبریز و تهران.

**حکیمی-** ابوالحسن حکیمی. فرزند مرحوم میرزا ابوالحسن (پزشک). متولد حدود ۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی. کارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۱۶ و ۱۹ از مشکین شهر.

**حکیمی-** غلامرضا حکیمی. فرزند مرحوم رحیم مشیر همایون (ملاک). متولد حدود ۱۲۷۹ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. عمده مالک ونمایندهٔ دورهٔ ۲ از شیراز.

**حکیم اعظم-** دکتر علی خان حکیم اعظم. فرزند میرزا ابوالقاسم شیرازی (منشی حاج امین الضرب مهدوی). متولد...... دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب از پاریس. طبیب و نمایندهٔ دوره دوم. (وکیل مجلس).

**حکیم شوشتری-** دکتر علی اکبر حکیم شوشتری. فرزند محمدحسین (طبیب ومالک) متولد ۱۳۰۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ دندانپزشکی وحقوق. مالک وطبیب «دندانپزشک». و نمایندهٔ دوره ۲۱ از شوشتر.

**حمزوی-** دکتر سید جواد حمزوی. فرزند زین العابدین امیر منظم (تاجر وملاک). متولد حدود ۱۳۰۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ اقتصاد از آمریکا. ملاک ونمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از ساوجبلاغ شهریار.

**حمزه تاش-** میرزا معصوم خان حمزه تاش. فرزند محمدعلی حمزه (ملاک عمده). متولد حدود ۱۲۶۸ شمسی. دارای تحصیلات (قدیم حدود مدرسی. عمده مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از بابل.

**حمدیه-** احمد حمیدیه. فرزند حمید (ملاک وتاجر). متولد حدود ۱۲۸۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. عمده مالک وتاجر و نمایندهٔ دوره‌های ۱۶، ۱۷ و ۱۸ از مراغه.

**حیدر میرزا-** شاهزاده دکتر حیدر میرزا. فرزند.....(.....) متولد.......دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب از دارالفنون. طبیب ونمایندهٔ دورهٔ ۲ از قم.

**حیدری-** علی حیدری. فرزند احمد وکیل الرعایا «احمدبیک». (ملاک). متولد حدود ۱۲۵۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ از ساوجبلاغ و ۱۱ و ۱۲ از مهاباد.

## خ

**خاکباز محسنی-** حسین خاکباز محسنی. فرزند حاج آقا محسن عراقی (ملاک وروحانی). متولد حدود ۱۲۷۴ شمسی دارای تحصیلات متعارف. مالک عمده ونمایندهٔ دوره‌های ۱۴، ۱۶ و ۱۸ از اراک.

**خامنه‌ای-** شیخ محمد آقا خامنه‌ای. فرزند..... متولد...... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۲ از آذربایجان.

**ختایی قلعه‌جق-** میرزا ختایی قلعه‌جق . فرزند محمد (ملاک). متولد حدود ۱۳۰۱ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از بناب.

**خرازی-** محمد رضا خرازی. فرزند مرحوم عبدالحسین (ازاصناف). متولد حدود ۱۲۸۲ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر ونماینده دوره‌های ۱۸ و۱۹ از تهران.

**خراسانی-** حاج شیخ علی خراسانی . فرزند....... (.......). متولد......شغل...... نمایندهٔ دورهٔ ۲ از شیراز .

**خرقانی-** حاج سید اسدالله خرقانی . فرزند مرحوم آیت‌الله سید صدرالدین (روحانی). متولد حدود ۱۲۳۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم «اجتهاد». مجتهد ونمایندهٔ دورهٔ ۳ از قزوین .

**خزیمه‌علم -** امیرحسین خزیمه علم . فرزند امیر معصوم خزیمه علم «حسام الدوله». (ملاک و کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۹۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی واقتصاد کشاورزی ازانگلستان. مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۶ از زابل و ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از بیرجند.

**خزعل-** شیخ عبدالحمید خان سرداراجل . فرزند شیخ خزعل سرداراقدس (عمده مالک). متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. عمده مالک ونمایندهٔ دورهٔ ۵ از دشت میشان .

**خسروانی-** شهاب الدین خسروانی . فرزند آقا هاشم محلاتی (ملاک) متولد..... دارای تحصیلات متوسطه . مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۵، ۱۶ و ۱۷ از محلات.

**خسروپرویز -** حسام الدین خسروپرویز . فرزند مرحوم خسروخان (.....). متولد حدود ۱۲۸۰ شمسی. دارای تحصیلات ...... کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۲ از شاهپور .

**خسروشاهی-** محمد خسروشاهی . فرزند اسدالله خسروشاهی (.....) متولد حدود ۱۲۸۹ شمسی. دارای تحصیلات دیپلمه (دوسال کلاس تجارت دربرلن». تاجر ونمایندهٔ دورهٔ ۱۳ از تبریز.

**خطیبی-** دکتر حسین خطیبی . فرزند محمدعلی (.....). متولد ۱۲۹۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ ادبیات . کارمند دولت ومدیرعامل سازمان شیروخورشید. نماینده دورهٔ ۲۱ از لارستان.

**خطیبی-** میرزا علیخان خطیبی . فرزند مرحوم میرزا رضاخان (.....) متولد حدود ۱۲۵۸ شمسی. دارای تحصیلات متعارف . کارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۵ و ۶ از بیجار.

**خلخالی-** سید جواد خلخالی . فرزند (روحانی). متولد...... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از تبریز

**خلعت بری-** امیراصلان خلعت بری . فرزند علی قلی خان امیراسعد خلعت بری (مالک عمده و کارمند دولت). متولد حدود ۱۲۸۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق عمده مالک (سابقه .. کارمندی دولت) و کیل دادگستری. نمایندهٔ دوره‌های ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از بابل .

**خلعت بری-** رحمان قلی خلعت بری . فرزند علی قلی خان امیراسعد خلعت بری (عمده مالک و کارمند دولت). متولد حدود ۱۲۹۰ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. عمده مالک ونمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از بابل .

**خواجوی-** مشیر معظم خواجوی . فرزند غلامحسین خان منتصرالممالک (کارمند دولت). متولد حدود ۱۲۵۵ شمسی. دارای تحصیلات متعارف . کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۵ از تهران

**خواجه‌نصیری-** ساسان خواجه نصیری . فرزند ابوالفضل (.....) متولد حدود ۱۲۸۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی حدود لیسانس . کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از کرمانشاه

**خواجه‌نوری-** امیراصلان خان خواجه نوری «نظام الدوله». فرزند میرزا محمدخان موقرالدوله نوری (عمده مالک) متولد حدود ۱۲۹۶ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. عمده مالک و کارمند دولت . نمایندهٔ دوره‌های ۳ و ۴ از بابل .

**خواجوی نوری** - میرزاصادق خان خواجوی نوری «منتصرالسلطان». فرزند میرزامرتضی (عمده مالک و کارمنددولت) متولد حدود ۱۲۴۷ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. عمده مالک وکارمند دولت. نماینده دوره های ۲و۳ از بابل و۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰ و۱۱ از دماوندو فیروزکوه.

**خواجه نوری** - محسن خواجه نوری. فرزند حاج محمدعلی شال فروش (تاجرونمایندهٔ مجلس). متولدحدود ۱۲۹۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ تجارت وحقوق از فرانسه و پاریس. کارمند دولت ووکیل دادگستری ومالک. نمایندهٔ دورهٔ ۱۲ از شمیرانات.

**خواجه نوری** - جعفرخان خواجه نوری. فرزندمرحوم میرزاعبداله خان نوری (ملاک عمده). متولد ۱۲۷۶ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. مالک و کارمندبازنشستهٔ دولت نمایندهٔ دوره های ۱۰، ۱۱، ۱۲ و۱۳ از فیروزآباد.

**خونساری** - شیخ محمدسعیدمجتهد خونساری. فرزند مرحوم ملا محمدعلی (......) متولد ۱۲۳۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی ونمایندهٔ دورهٔ ۳ از گیلان.

**خونساری** - میرزامحمود کتابفروش خوانساری. فرزند...... (......) متولد...... دارای تحصیلات متعارف. کتاب فروش ونمایندهٔ دورهٔ اول از طرف صنف کتابفروشهای تهران.

**خویی لر** - محمدتقی خویی لر. فرزند...... (......) متولد حدود..... دارای تحصیلات متعارف. تاجر ونمایندهٔ دوره ۱۰ از تبریز.

**خیابانی** - شیخ محمد خیابانی. فرزندحاج عبدالحمید (تاجر). متولدحدود ۱۲۵۸ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. «امام جمعه مسجد جامع تبریز» روحانی و نمایندهٔ دورهٔ دوم از تبریز.

## د

**دادخواه** - محمد نصیر دادخواه. فرزند مرحوم علی قلی خان هژیرالسلطان (......) متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات ..... رئیس هیئت مدیرهٔ شرکت واحد اتوبوس رانی نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از داراب فریدن.

**دادفر** - دکترحبیب دادفر. فرزندحاج محمود دادفر (......). متولدحدود ۱۳۰۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق و علوم سیاسی از پاریس. کارمنددولت و نمایندهٔ دوره های ۱۹ و۲۰ ازمراغه.

**دادگر** - میرزا حسین خان دادگر «عدل الملک». فرزند مرحوم میرزا عبدالکریم خان (کارمند دولت). متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. کارمند دولت و نمایندهٔ دوره های ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و۸ از بابل و دورهٔ ۹ از تهران.

**دادگر** - رحیم دادگر. فرزندمرحوم عدل الملک دادگر (ملاک و کارمند دولت و نمایندهٔ مجلس). متولد حدود ۱۲۹۷ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. ملاک و کارمنددولت ونمایندهٔ دورهٔ ۱۹ ازآسترآباد.

**دادور** - محمد علی دادور «عمدة الملک». فرزند مرحوم غلامرضا (ملاک). متولد حدود ۱۲۸۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدودسطح. عمده مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره های ۱۰ و۱۷ ازفومن.

**دادور** - میرزا مهدی خان دادور «وثوق السلطنه». فرزند میرزاموسی وزیر لشکر (ملاک و کارمند دولت). متولدحدود ۱۲۵۷ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. ملاک و کارمند دولت - و نمایندهٔ - دوره های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و۱۳ از تهران.

**داراب** - احمد داراب. فرزند مرحوم ابوطالب (تاجر). متولد حدود ۱۲۷۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ اقتصاد از آلمان. کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از بندر پهلوی.

**دامغانی** - حاج میرزا رضا دامغانی. فرزند حاج میرزا حسن غفران پناه (......). متولد حدود ۱۲۶۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی و مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۵ از شاهرود.

**دانش** - میرزا محمد دانش. فرزند حاج عبدالحسین تهرانی (تاجر). متولد حدود ۱۲۶۸ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر ونمایندهٔ دورهٔ ٤ از نیشابور.

**داودزاده** - مهندس سیاوش داودزاده. فرزند محمدعلی داودزاده (ملاک). متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ ساختمان از اروپا. ملاک و مقاطعه کار و نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از فومن.

**داور** - علی اکبر داور. فرزند مرحوم خازن خلوت (.....) متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از اروپا. روزنامه نگار (مدیر روزنامه مرد آزاد). وکیل دادگستری (بعداز وکالت وارد خدمت دولتی شد). ونمایندهٔ دورهٔ ٤ از خوار و ورامین و دورهٔ ٥ از لار.

**دبستانی** - میرزا محمود دبستانی معروف بدرگاهی. فرزند یوسف (ملاک). متولد حدود ۱۲۹٥ شمسی. دارای تحصیلات عالی. ملاک و کارمند دولت و روزنامه نگار (مدیر روزنامهٔ فرهنگ) - و - نمایندهٔ دوره های ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از کرمان.

**دبیراعظم** - میرزافرج الله خان دبیراعظم (بعدها ملقب به بهرامی شد). فرزند مرحوم قوام العلماء (کارمند دولت). متولد حدود ۱۲٥۷ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ٥ از تبریز.

**دبیررسائل** - دبیر رسائل لاهیجی. فرزند ...... (......). متولد ..... دارای تحصیلات........ نمایندهٔ دورهٔ اول از فومنات.

**دبیرسهرابی** - میرزاعلی اکبرخان دبیر سهرابی «دبیرالسلطان». فرزند مرحوم حاجی وکیل الدوله «وکیل-الملک» (منشی حضوری مظفرالدین شاه) متولد حدود ۱۲٥۱ شمسی. دارای تحصیلات..... ملاک و کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ اول از تهران و دوره های ۸ و ۹ از بیجار گروس و ۱۰ و ۱۱ از قوچان.

**دبیرالملک** - میرزاحسین خان بدر «دبیرالملک». فرزند ... (.....). متولد ..... دارای تحصیلات حدود متوسطه. کارمند دولت (وزیر) و نمایندهٔ دورهٔ دوم (وکیل مجلس و بجای وثوق الدوله - انتخاب شد و در ۱۱ ثور ۱۲۸۹ مستعفی گردید).

**دبیری اصفهانی** - حاج سیداسماعیل دبیری اصفهانی. فرزند .....(......). متولد ..... دارای تحصیلات ..... شغل .....نمایندهٔ دورهٔ اول از تهران.

**دربانی** - حاج میرزا علی اصغر دربانی «حاجب التولیه». فرزند مرحوم حاج میرزا محمد تقی (کارمند آستانهٔ حضرت معصومه). متولد حدود ۱۲٥۷ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. کارمند آستانهٔ - حضرت معصومه و ملاک. نمایندهٔ دوره های ۷، ۸، ۹، و ۱۰ از قم.

**درخشش** - محمد درخشش. فرزند یدالله (کارمند مجلس شورای ملی). متولد حدود ۱۲۹٤ شمسی. دارای تحصیلات عالی. کارمند دولت و روزنامه نگار (مدیر روزنامهٔ مهرگان» ونمایندهٔ دورهٔ ۱۸ ازتهران.

**دره‌شوری** - زیادسترک دره شوری. فرزند مرحوم یاز کیخان (ملاک). متولد حدود ۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از فیروز آباد.

**دری** - حبیب الله دری. فرزند مرحوم لطف الله (......). متولدحدود ۱۲۷۸ شمسی. کارمند دولت و - نمایندهٔ دورهٔ ۱٤ از دره گز.

**دست غیب** - حاج سیدمحمد باقردستغیب. فرزندمرحوم آقامیرزا هدایت الله دستغیب شیرازی (روحانی). متولد حدود ۱۲٦۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی ونمایندهٔ دوره های ٤ و٥ از بندرعباس.

**دشتی** - عبدالله دشتی. فرزندمرحوم محمدحسن (.....) متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۱۹ از بوشهر و دورهٔ ۲۰ از برازجان.

**دشتی** - خلیل دشتی. فرزند .... متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجرونمایندهٔ دورهٔ ۱٤ از بوشهر.

**دشتی** - شیخ علی خان دشتی. فرزندمرحوم شیخ عبدالحسین (روحانی). متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود عالی. رئیس اداره نگارشات و روزنامه نگار (روزنامه شفق سرخ سردبیر روزنامهٔ ستاره ایران) نمایندهٔ دوره های ٥، ۷ و ۸ از ساوه و ۹ و ٦ از بوشهر و ۱۳ از دماوند و ۱٤ از تهران.

**دفتری** - دکتر محمد دفتری .فرزند عزیز «عضدالملک» (.....) .متولد حدود ۱۲۸۹ شمسی. دارای - تحصیلات عالی در رشتهٔ طب . طبیب و مدیر عامل انجمن ملی حمایت کودکان نمایندهٔ دورهٔ ۲ ازکنگاور.

**دولت آبادی** - سید حسام‌الدین دولت‌آبادی. فرزند مرحوم حاج میرزا مهدی‌دولت‌آبادی(روحانی). متولد حدود ۱۲۸۰ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی .کارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۱٤، ۱۸ و ۱۹ از اصفهان .

**دولت آبادی** - مجتبی دولت‌آبادی. فرزند مرحوم حاج علی‌محمددولت‌آبادی (روحانی و وکیل مجلس). متولد حدود ۱۲۸۳ شمسی .دارای تحصیلات حدود عالی (دیپلمهٔ‌مدرسهٔ سیاسی تهران) کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۱۶ از اصفهان .

**دولت آبادی** - حاج میرزاعلی محمد دولت‌آبادی. فرزند مرحوم حاج‌میرزاهادی‌دولت آبادی (ملاک و روحانی). متولد حدود .....دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. ملاک و روحانی‌ونمایندهٔ دورهٔ چهارم از خرم‌آباد .

**دولت آبادی** - حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی.فرزندحاج میرزا ملاهادی دولت‌آبادی(ملاک و روحانی). متولد حدود. ۱۲٤۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. (روحانی و کارمنددولت) و نمایندهٔ دوره‌های ۲ و٥ ازکرمان.

**دهدشتی** - رضا دهدشتی بوشهری . فرزند امیر بیگلری (تاجر .....). متولد حدود ..... دارای تحصیلات حدود متوسطه از خارج. تاجر ومالک و نمایندهٔ دورهٔ هشتم از تهران .

**دولتشاهی** - ابوالفتح دولتشاهی. فرزند مرحوم سلطان‌ابراهیم‌میرزا مشکوة‌الدوله (ملاک) متولدحدود ۱۲٦٥ شمسی. دارای تحصیلات قدیم و جدید حدود عالی. ملاک وکارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۱٥، ۱۶، ۱۸ و ۱۹ ازکرمانشاه .

**دولتشاهی** - حسنعلی میرزا دولتشاهی«معین‌خلوت». فرزند مرحوم ابراهیم میرزا مشکوة‌الدوله (ملاک) متولد حدود ۱۲٥۹ شمسی .دارای تحصیلات قدیم حدود سطح .کارمند دولت ونمایندهٔ - دوره‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ ازگلپایگان .

**دولتشاهی** - محمدعلی میرزا دولتشاهی.فرزند سلطان ابراهیم میرزامشکوة‌الدوله (ملاک.....)متولد حدود ۱۲٦۳ شمسی .دارای تحصیلات قدیم در حدود سطح .ملاک وکارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ٦، ۷، و۸ ازکرمانشاه.

**دولتشاهی** - ملک ایرج میرزا دولتشاهی.فرزند امامقلی عمادالدوله (عمده مالک).متولد حدود ۱۲٥۲ شمسی .دارای تحصیلات قدیم حدود سطح (از خوشنویسان معروف). ملاک وکارمنددولت. نمایندهٔ‌دوره‌های۷ و۸ ازکرمانشاه.

**دولتشاهی** - مهرانگیز دولتشاهی.فرزند محمد علیمیرزا «مشکوه‌الدوله» دولتشاهی(کارمند دولت‌وملاک و نماینده مجلس) .متولد ۱۲۹٦ شمسی . دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ علوم اجتماعی . کارمند سازمان همکاری عمران. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ ازکرمانشاه .

**دهبنده‌شاهرودی** - حاج محمد تقی دهبنده شاهرودی. فرزند... متولد.... دارای تحصیلات..... تاجر و نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف اصناف تهران .

**دهخدا** - علی‌اکبر دهخدا.فرزند خان‌باباخان(ملاک‌متوسط‌قزوین) .متولد۱۲٥۸شمسی. دارای تحصیلات قدیم و جدیدحدود عالی « فارغ‌التحصیل مدرسهٔ علوم سیاسی» .روزنامه‌نگار (نویسنده روزنامهٔ صور اسرافیل و سروش) و کارمنددولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲ازکرمان .

**دهخوارقانی** - شیخ رضا دهخوارقانی. فرزند...(.....). متولد.....دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از تبریز و دورهٔ ۳ از تهران.

**دهستانی** - مهندس عبدالعلی دهستانی. فرزند یدالله دهستانی. (ملاک و سناتور با سابقه وکالت مجلس شورای ملی). متولد حدود ۱۳۰۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی (ماشین و آلات) از آمریکا. مالک و کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۱۹ و ۲۰ از کرمان وساوجبلاغ.

**دهستانی** - میرزا یدالله دهستانی (ملقب به نظامی). فرزند عبدالوهاب (زارع). متولد حدود ۱۲۶۲ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. زارع و کدخدا و نمایندهٔ دوره‌های ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ از ساوجبلاغ شهریار.

**دهقان** - احمد دهقان. فرزند کریم(.....). متولد حدود ۱۲۸۷ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. روزنامه‌نگار (مدیر روزنامه تهران مصور). نمایندهٔ دوره های ۱۵ و ۱۶ از هروآباد (خلخال).

**دهقان** - علیمحمد دهقان. فرزند میرزا محمد باقر «معروف به پست» (ملاک عمده). متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی از بیروت. عمده مالک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۴، ۱۶، ۱۸ و ۱۹ از شیراز.

**دیبا** - اسفندیار دیبا. فرزند مرحوم یحیی طباطبایی دیبا (ملاک). متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی. دارای تحصیلات‌عالی. ملاک و آجودان کشوری اعلیحضرت‌همایونی و نمایندهٔ‌دورهٔ ۱۹ ازسراب.

**دیبا** - عبدالحسین دیبا. فرزند مرحوم تراب خان «وزیر خلوت». (ملاک). متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی. ملاک و کارمند دولت (رئیس محاسبات درباراعظم). و نمایندهٔ‌دوره‌های ۷ و ۸ از خوی.

**دیبا** - حاج میرزاعبدالعلی‌دیبا «سیدالمحققین». فرزندحاج میرزا رفیع نظام‌العلماء. (ملاک و روحانی). متولد حدود ۱۲۵۴ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. ملاک وروحانی و نمایندهٔ دوره‌های ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، و ۱۰ از ایل شاهسون.

**دیوان‌بیگی** - میرزا آقاخان دیوان بیگی. فرزندمرحوم میرزا حسین خان دیوان بیگی (کارمند دربار) متولد حدود ۱۲۷۰ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۵، ۶، و ۷ از بلوچستان.

**دیهیم** - محمد دیهیم. فرزند باقر (تاجر). متولد حدود ۱۲۸۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ ریاضیات و ادبیات. تاجر و روزنامه‌نگار (.....) و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۹، ۲۰ و ۲۱ از تبریز.

## ذ

**ذبیحی** - سلطانعلی ذبیحی «سلطان احمدی». فرزندستار ذبیحی (کشاورز). متولد ۱۳۰۵ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. زارع و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از شاهپور.

**ذکایی** - سید حمدالله ذکایی. فرزندمرحوم سید رحمت‌الله (ملاک). متولد حدود ۱۲۷۶ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۴، ۱۶ و ۱۷ از خلخال.

**ذوالفقاری** - محمد ذوالفقاری. فرزند مرحوم علیقلی‌ذوالفقاری (ملاک‌عمده). متولد حدود ۱۲۸۱ شمسی. دارای‌تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی از فرانسه. ملاک و کارمند دولت و نمایندهٔ‌دوره‌های ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ از زنجان.

**ذوالفقاری** - محمود ذوالفقاری .فرزندمرحوم حسینقلی اسعدالدوله(مالک عمده) .متولدحدود ۱۲۸۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی از فرانسه .... ملاک عمده و نمایندهٔ دوره‌های ۱۸، ۱۹، و۲۰ اززنجان.

**ذوالفقاری** - مصطفی ذوالفقاری .فرزند مرحوم حسینقلی اسعدالدوله (عمده مالک) .متولد حدود ۱۲۹۴ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از زنجان و دورهٔ ۲۰ ازبیجار گروس.

**ذوالفقاری** - ناصرقلی ذوالفقاری .فرزند حسینقلی ذوالفقاری (اسعدالدوله). (ملاک) متولدحدود۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. ملاک. وکارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۱۵، ۱۶ و۱۷ از زنجان.

**ذوالقدر** - شیخ محمدتقی ذوالقدر معروف بامین الشریعه فسایی«اصطهباناتی» . فرزندمرحوم حاج ملا اسماعیل فسایی (روضه خوان). متولد حدود ۱۲۶۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. ملاک و روحانی. نمایندهٔ دوره‌های ٤ از ایلات خمسه ودوره‌های ۵، ۶، ۷ و۱٤ ازفساوشیراز و دوره‌های ۱۱، ۱۲ و۱۳ از نیشابور.

## ر

**راجی** - دکتر عبدالحسین راجی. فرزندمرحوم عبدالحمید علاءالحکماء (طبیب). متولد حدود ۱۲۸۱ شمسی دارای تحصیلات عالی‌از پاریس. پزشک‌وکارمند مؤسسات ملی و نمایندهٔ دوره‌های ۱۵، ۱۶ و ۱۹ از خرمشهر.

**رادپور** - حاج محمد صادق علیزاده رادپور «علی‌اف). فرزند ....(تاجر) متولد.....دارای‌تحصیلات متعارف .تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از آذربایجان.

**راشد** - حسنعلی راشد . فرزند مرحوم حاج شیخ عباس تربتی (روحانی) .متولد حدود۱۲۷۶ شمسی .دارای تحصیلات قدیم حدود عالی. استاد دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی(معقول منقول) روحانی و نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ ازتهران.

**رادمنش** - دکتر رضا رادمنش .فرزند مرحوم موسی‌لاهیجی (ملاک) متولد حدود ۱۲۸٤ شمسی.دارای تحصیلات عالی از فرانسه .کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱٤ از لاهیجان.

**رامبد** - هلاکو رامبد.فرزند مرحوم محمدحسین سالار اسعد (ملاک). متولدحدود ۱۲۹۵ شمسی.دارای تحصیلات عالی .ملاک وکارمند مؤسسات ملی. نمایندهٔ دوره‌های ۱۹، ۲۰ و۲۱ از گرگانرود طوالش.

**رجایی** - علی رجایی .فرزند مرحوم محمدعلی (تاجر). متولد ۱۲۷٤ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر (کسب وتجارت قالی ) ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از شیراز.

**رحمت‌آبادی** - میرزا محمدعلی رحمت‌آبادی. فرزند(از خانوادهٔ حاج سمیع)(.....) .متولد.....دارای تحصیلات قدیم حدود سطح .مالک و نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف‌اعیان‌رشت.

**رحمت‌سمیعی** - غلامرضا رحمت‌سمیعی «طالش» .فرزند میرزا محمد علیخان رحمت‌آبادی. (مالک عمده و وکیل مجلس) متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی . دارای‌تحصیلات متعارف. عمده‌مالک و نمایندهٔ دوره‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از رشت.

**رحیم‌زاده** - اسماعیل‌خان رحیم‌زاده. فرزند.... (.....) متولد..... دارای تحصیلات متعارف.تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۷ از سنندج.

**رحیم زاده‌خویی** - حاج زین العابدین رحیم‌زادهٔ‌خویی .فرزند مرحوم حاج‌محمدرحیم(تاجر). متولد حدود

۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجرعمده و مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از تبریز.

**رحیمیان** - غلامحسین رحیمیان. فرزند حاج رحیم (ازاصناف). متولدحدود ۱۲۸۲ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر. نمایندهٔ دوره‌های ۱۴ و ۱۵ از قوچان.

**رحیمی‌لاریجانی** - سید حبیب‌الله رحیمی‌لاریجانی. فرزند مرحوم حاج سیدآقابزرگ صالح (ملاک) متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. تاجر و وکیل دادگستری. نمایندهٔ دوره‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از تهران و دورهٔ ۱۴ از سقز.

**رشتی** - دکتر محمدعلی رشتی. فرزند رضا (.....). متولد ۱۲۹۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق بین‌الملل و علوم سیاسی از آمریکا. کارمند دولت و روزنامه‌نگار. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از یزد.

**رشتی** - سیدزین‌العابدین رشتی «فومنی». فرزند مرحوم حاج سیدرضا رشتی (مجتهد). متولدحدود ۱۲۶۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی و خرده‌مالک. نمایندهٔ دورهٔ ۶ ازفومنات.

**رشتی** - حاج‌آقا میررشتی «بحرالعلوم». فرزند ..... (ملاک). متولد ..... دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی و نمایندهٔ دورهٔ اول از رشت.

**رشیدیان** - اسدالله رشیدیان. فرزند حبیب الله (.....). متولد حدود ۱۲۹۸ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. شغل آزاد و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از تهران.

**رضازاده شفق** - دکتر صادق رضازاده شفق. فرزند مرحوم حاج آقارضا (تاجر). متولدحدود ۱۲۷۴ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ فلسفه از دانشگاه برلن. روزنامه‌نگار (مدیر روزنامه شفق). کارمند دولت (استاد دانشگاه). و نمایندهٔ دوره‌های ۱۴ و ۱۵ از تهران.

**رضایی** - دکتر قاسم رضایی. فرزند حاج محمدرضا (تاجر). متولد حدود ۱۳۰۴ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از دانشگاه پاریس. ملاک و نمایندهٔ دورهٔ ۱۹ از سبزوار.

**رضایی** - محمود رضایی. فرزند حاج محمدرضا (تاجر). متولدحدود ۱۳۰۲ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از سبزوار.

**رضوانی** - دکتر محمد رضوانی. فرزند رضا (تاجر) متولد ۱۳۰۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ علوم اقتصاد و بازرگانی از آمریکا. مشاور اقتصادی و تاجر. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از کاشان.

**رضوی** - ابوالحسن رضوی. فرزند ..... (روحانی ووکیل مجلس). متولد ..... دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی و سردفتر اسناد رسمی. نمایندهٔ دوره های ۱، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵ و ۱۶ از شیراز.

**رضوی** - حاج میرزا عبدالوهاب رضوی. فرزند مرحوم حاج میرزاهادی (روحانی). متولدحدود ۱۲۶۳ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. مالک و روحانی و نمایندهٔ دوره‌های ۴ و ۵ از همدان.

**رضوی** - مهندس سیداحمد رضوی. فرزند سیدعلی‌اکبر مجدالاشراف رفسنجانی (عمده مالک). متولد حدود ۱۲۸۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ مهندسی معدن. عمده مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۵ و ۱۷ از کرمان.

**رضوی** - حسام‌الدین رضوی. فرزند علاءالدین (کارمنددولت). متولد ۱۳۰۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ ادبیات. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از آبادان

**رضوی** - سیدمحمد رضوی. فرزند مرحوم سیدا بوالقاسم رضوی (روحانی). متولد حدود ۱۲۵۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی و نمایندهٔ دورهٔ سوم از شیراز (قبول وکالت نکرد).

**رفعت** - دکتر عبدالصمد رفعت. فرزند مرحوم محمدحسین(بازاری). متولد حدود ۱۳۰۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب از آمریکا. پزشک و نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از میناب.

**رفیع** - حاج آقارضارفیع (قایم مقام‌الملک). فرزند مرحوم‌حاج شریعتمدار رشتی (ملاک و روحانی). متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. مالک عمده و روحانی. نمایندهٔ دوره‌های ۵، ۶، ۷، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و۱۷ ازگرگانرود و بندرپهلوی.

**رفیعی** - لطفعلی رفیعی. فرزند مرحوم شیخ مهدی (مالک). متولد حدود ۱۲۶۶ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. ملاک ووکیل دادگستری. نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از بم.

**رفیعی** - محمد تقی رفیعی. فرزند میرزا رفیع. رفیع‌الدوله (ملاک). متولد حدود ۱۲۵۷ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از تبریز.

**رمضانی** - دکتر حنیفه رمضانی. فرزند مرحوم علی‌عباس(تاجر). متولد ۱۲۸۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ علوم سیاسی. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از بندرپهلوی.

**روحانی** - سیدمحمود روحانی. فرزند مرحوم‌سید زین‌العابدین (کارمنددولت‌وملاک). متولد ۱۲۹۰ شمسی. دارای تحصیلات قدیم و جدید حدود متوسطه. کارمند بازنشستهٔ دولت ومالک و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از فردوس.

**روحی** - عطاءالله روحی. فرزند شیخ مهدی بحرالعلوم (ملاک و روحانی ووکیل مجلس). متولد حدود ۱۲۶۶ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. ملاک و نمایندهٔ دورهٔ ۵ از سیرجان و ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، از جیرفت.

**روحی** - علی روحی - علی روحی. فرزند شیخ مهدی‌بحرالعلوم کرمانی(ملاک و روحانی‌ووکیل مجلس) متولد حدود ..... دارای تحصیلات حدود متوسطه. کارمند دولت‌و نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ ازکرمان.

**روستا** - عباس روستا. فرزند حاج محمد علی ( روحانی و سردفتر اسناد رسمی و مالک ). متولد ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. کارمند فرهنگ و مدیر فنی تربیت بدنی و خیاط و تاجر و ملاک (بنا باظهار خودشان). نمایندهٔ دوره ۲۱ از تهران.

**رهبر** - علی‌اکبر رهبر. فرزند محمد (روحانی ومالک). متولد ۱۲۹۰ شمسی. دارای‌تحصیلات حدودسیکل اول دبیرستان. کشاورز و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ ازگرگان.

**رهبری** - حاج حسین‌آقا رهبری زنجانی. فرزند مرحوم حاج‌علی(ملاک و روحانی). متولد حدود ۱۲۵۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. روحانی ومالک. نمایندهٔ دوره‌های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و۱۳ از زنجان.

**رهنما** - میرزا زین‌العابدین رهنما. فرزند شیخ علی شیخ العراقین(روحانی). متولد حدود۱۲۶۸ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روزنامه‌نگار (مدیر روزنامهٔ ایران). وکارمنددولت. نمایندهٔ‌دورهٔ ۵ از تبریز و دوره‌های ۸و۹ از شهر ری.

**رهنوردی** - دکتر محمد حسن رهنوردی. فرزند قربانعلی (کارمند دولت). متولد ۱۳۰۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ دندانپزشکی از دانشگاه تهران و آمریکا. کارمند دولت و نمایندهٔ‌دورهٔ ۲۱ از ساری.

**ریاحی** - مهندس علیرضا ریاحی. فرزند محمد حسین (تاجر). متولد ۱۳۱۰ شمسی. دارای تحصیلات‌عالی در رشتهٔ کشاورزی از ایران. کارمند دولت و مالک ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از برخوار.

**ریاضی** - مهندس عبدالله ریاضی. فرزندهاشم (شغل‌آزاد). متولد۱۲۸۵شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ مهندسی برق و هیدرلیک. استاد دانشگاه و رئیس دانشکدهٔ فنی. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ ازتهران.

**ریزی اصفهانی** - حاج سیداسماعیل ریزی اصفهانی. فرزند..... (....) .متولد..... دارای تحصیلات .....شغل ..... نماینده دورهٔ اول از اصفهان.

**ریگی** - امان‌الله ریگی. فرزند مرحوم یعقوب (ملاک) .متولد حدود ۱۳۰۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ علوم سیاسی. کارمند شرکت ملی نفت ایران. نمایندهٔ دوره‌های ۱و۲ از زاهدان.

**ریگی** - مراد ابراهیم ریگی. فرزند مرحوم عیدوریگی (عمده مالک و رئیس ایل). متولد حدود ۱۲۷۸ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. عمده مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۷ از ایرانشهر.

**رضاخان** - دکتر حاجی رضاخان .فرزند میرزا محمدحکیم (....). متولد..... دارای تحصیلات عالی. پزشک و نمایندهٔ دورهٔ دوم .( وکیل مجلس بجای بهبهانی انتخاب شد ).

## ز

**زارع** - حاج علی زارع . فرزند مرحوم محمدعلی اسماعیل (زارع) . متولدحدود ۱۲۵۳ شمسی. دارای تحصیلات متعارف .مالک و نمایندهٔ دوره‌های ٤ از شیراز و ٦ از جهرم .

**زاهدی** - میرزا مهدی زاهدی «مقوم‌الملک» .فرزند دکتر حبیب‌الله‌خان مجدالاطباء (پزشک) . متولد حدود حدود ۱۲۶۲ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه (فارغ التحصیل مدرسهٔ کشاورزی بهشتی) کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ٥ از شهر ری.

**زرآور** - محمد حسین زرآور. فرزند مرحوم عزیز (کشاورز) .متولدحدود ۱۳۰٤ شمسی .دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی .کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۱ و ۲ از فیروزآباد .

**زرگرباشی** - حاج میرزا سیداحمد زرگرباشی .فرزند حاجی میرزاعلی‌نقی صنیع الممالک(....) .متولد.... دارای تحصیلات..... زرگر. (زرگر دربار) .ونمایندهٔ دورهٔ اول از طرف اصناف تهران.

**زرگرزاده** - حسنعلی زرگرزاده حاج باغلویی. فرزندحسین( تاجر و ملاک) . متولد۱۲۹۸ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. کشاورز و نمایندهٔ دورهٔ ۱ و ۲ ازنقده

**زعیم** - میرزا سید حسین خان زعیم. فرزند مرحوم حاج سید صادق. (....) متولد حدود ۱۲۶۳ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ٥ از شوشتر و دورهٔ ٦ از کاشان

**زعفرانلو** - دکتر مظفر زعفرانلو. فرزند موسی ( کارمند دولت). متولد۱۳۰۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ دانپزشکی. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱ و ۲ از بهبهان.

**زنجانی** - شیخ ابراهیم زنجانی. فرزند مرحوم آقا هادی ( روحانی) . متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. رئیس اوقاف و روحانی و نمایندهٔ دوره‌های ۱، ۳و٤ از زنجان و دورهٔ ۲ از تبریز.

**زنجانی** - حاج حسین آقا زنجانی. فرزند مرحوم حاج علی ( روحانی و ملاک) . متولد ۱۲٤۹ شمسی. دارای تحصیلات حدود سطح. روحانی و مالک و نمایندهٔ دورهٔ ٦ از خمسه.

**زنجانچی** - مهندس علیرضا زنجانچی. فرزند ابوالحسن (....). متولد حدود ۱۲۹٥ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱ و ۲ از مراغه.

**زند** - تقی زند. فرزند ولی (.....). متولد ۱۲۹۷ شمسی. دارای تحصیلات..... کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۱ و ۲ از طارم علیا.

**زند کشکولی** - الیاس زند کشکولی. فرزند محمدعلی کشکولی ( ملاک و کلانتر) . متولد حدود ۱۲۷۹ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک عمده و نمایندهٔ دورهٔ ۱۹ از شیراز.

**زنگنه** - دکتر عبدالحمید زنگنه. فرزند مرحوم حسین اعظم الدوله (ملاك عمده). متولد حدود ۱۲۸۳- شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از پاریس. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱٤ از کرمانشاه.

**زنگنه** - میرزا یحیی خان زنگنه «اعظم زنگنه». فرزند محمدرضا خان ظهیر الملك (مالك عمده). متولد حدود ۱۲۶۵ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. ملاك و کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۵ از کرمانشاه و ۶ از خرم آباد.

**زنوزی** - عبدالله زنوزی. فرزند مرحوم محمد علی (......). متولد حدود ۱۲۹٤ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از مرند.

**زوار** - حاج اسدالله زوار. فرزند مرحوم حاج عبدالحسین زوار (تاجر). متولد حدود ۱۲۶۵ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاك و نمایندهٔ دوره‌های ۶، ۷، ۱۰ و ۱۱ از ترشیز (کاشمر).

**زهتاب‌فرد** - رحیم زهتاب فرد. فرزند اسداله (تاجر). متولد ۱۳۰۰ شمسی. دارای تحصیلات (بنابا ظهار خودشان دانشکدهٔ روزنامه نگاری تهران). روزنامه‌نگار (مدیر روزنامه هفتگی ارادهٔ آذربایجان) و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از تبریز.

**زهری** - علی زهری. فرزند رضا (تاجر). متولدحدود ۱۲۹٤ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. روزنامه نگار (مدیر روزنامه شاهد). نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از تهران.

**زیرك زاده** - مهندس احمدزیرك زاده. فرزند مرحوم حاج میرزا زیرك (......). متولد حدود ۱۲۸۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ مهندسی از سویس. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از سویس.

## س

**سادات‌اخوی** - حاج سیدباقرسادات اخوی. فرزند سیدمحمد سادات اخوی (....). متولد.... دارای تحصیلات.... روحانی و نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف فلاحین تهران.

**سادات‌اخوی** - حاج سیدنصرالله سادات‌اخوی. فرزند سیدمحمد رضا سادات اخوی (روحانی). متولد.... دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱، ۲ و ۳ از تهران.

**ساعدالوزاره** - میرزاحسن‌خان ساعد الوزاره (بعد ها ملقب بساعدالملك شد). فرزند..... (کارمند وزارت امور خارجه متولد.....دارای تحصیلات عالی از روسیه. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ اول از تهران (وکیل مجلس) دورهٔ ۲ (وکیل مجلس و بجای مستشارالدوله انتخاب شد).

**ساعدمراغه‌ای** - محمد ساعد مراغه‌ای. فرزند احمد ساعد «قاضی زاده». (روحانی). متولدحدود ۱۲۶۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق و علوم سیاسی از دانشگاهای تفلیس و لنین گراد و سویس. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱۵ از رضائیه.

**ساگینیان** - سهراب خان ساگینیان. فرزند مرحوم سرتیب سلیمان خان (کارمند دولت). متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ علوم سیاسی‌از ژنو. کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲، و ۱۳ از طرف ارامنه آذربایجان.

**ساگینیان** - سواك ساگینیان. فرزندسهراب‌خان ساگینیان(کارمند دولت‌و نمایندهٔ مجلس). متولد حدود ۱۳۰۰ شمسی. دارای تحیلات عالی در رشتهٔ حقوق ووکیل داد گستری نمایندهٔ دوره های ۱۹ و ۲۰ از طرف ارامنهٔ شمال.

**سالاراشرف** - سالار اشرف. فرزند ظهیرالملک (...). متولد حدود ۱۲۶٤ شمسی. دارای تحصیلات.... مالک و نمایندهٔ دورهٔ ٥ از کرمانشاهان.

**سالار بهزادی** - زین العابدین سالار بهزادی. فرزند مرحوم علی اکبرسالار بهزادی( مالک‌عمده‌ووکیل مجلس). متولد حدود ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق قضایی. عمده مالک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۶،۱۸،۱۹ و ۲۰ از بم.

**سالار بهزادی** - علی اکبرسالار بهزادی. فرزندمرحوم زین العابدین سالار بهزادی (مالک‌عمده و کارمند دولت‌ونمایندهٔ‌مجلس). متولد۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات‌متعارف. عمده مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۱۵ از بم.

**سالارفیروز** - عبدالرضا خان سالار فیروز. « رکن‌الممالک». فرزند....(.....). متولد..... دارای تحصیلات متعارف. عمده مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۲ ازاراک.

**سام** - دکتر محمدسام. فرزند محمدباقر (.....). متولد۱۳۰۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ علوم اداری از دانشگاه کالیفرنیا. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از ورامین و گرمسار.

**سامی‌راد** - دکتر حسین سامی راد. فرزند مرحوم دکتر اسماعیل ( طبیب جراح). متولد ۱۲۸٤ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب از دانشگاه سوربن پاریس. طبیب و استاد دانشگاه. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از مشهد.

**سپهداراعظم** - محمدولی‌خان سپهداراعظم. فرزندحبیب‌الله‌خان ساعدالدوله (عمده مالک).متولدحدود..... دارای تحصیلات‌متعارف. عمده‌مالک‌وکارمنددولت. نمایندهٔ دوره‌های ۲،۳، و٤ ازرشت ( دورهٔ ۲ وکیل مجلس و بجای دبیرالملک انتخاب شد و در ۲ حوت ۱۲۸۶ مستعفی شد ).

**سدیدالملک** - مهدیقلیخان‌سدیدالملک. فرزند حشمت الممالک (.....). متولدحدود ۱۲۵۶ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ٤ از شهرضا.

**سراج‌حجازی** - حسن سراج حجازی. فرزند هدایت‌الله (.....). متولد حدود ۱۲۸۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. ملاك و کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۱۹ از اراك.

**سرتیپ پور** - جهانگیر سرتیپ پور. فرزند آقاجان(....).متولد۱۲۸۵ شمسی. دارای تحصیلات..... نویسنده و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از رشت.

**سرتیپ‌زاده** - علی اصغر سرتیپ زاده. فرزند مرحوم میرزا عباس‌قلی‌خان(کارمند دولت). متولد حدود ۱۲۷۶ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. ملاك وكارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱٤، ۱۶و ۲۰ از تبریز.

**سرکشیك‌زاده** - سید کاظم سرکشیك زاده اتحاد. فرزند(.........). متولد حدود ۱۲۶۸ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. روزنامه‌نگار ( مدیر جریدهٔ اتحاد). ونمایندهٔ دورهٔ ٥ از لاهیجان.

**سرمد** - صادق سرمد. فرزند مرحوم سیدعلی(....). متولدحدود ۱۲۸۲ شمسی. دارای تحصیلات‌عالی. وکیل دادگستری و نمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از دره گز.

**سزاوار** - عمادالدین سزاوار. فرزند مرحوم آقا شیخ محمدحسن حجة الاسلام قمی ( روحانی). متولد حدود ۱۲۷۶ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدودمدرسی. کارمنددولت‌ووکیل‌دادگستری. نمایندهٔ دوره‌های ۱۱،۱۲ و۱۳ از اراك. دورهٔ ۱۵ از ساوه و زند.

**سعادت** - شیخ محمد حسین سعادت. فرزند مرحوم آقا شیخ علی بوشهری (.....).متولد حدود ۱۲۵۰

شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ٤ از لار.

**سعدالدوله** - میرزا جوادخان سعدالدوله. فرزند میرزا جبار ناظم‌المهام (کارمند دولت وروزنامه‌نگار). متولد حدود.... دارای تحصیلات عالی از روسیه. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ اول از تهران.

**سعید** - دکتر جواد سعید. فرزند کاظم سعید (کارمند دولت). متولد حدود ۱۳۰۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی دررشتهٔ طب (گوش‌وحلق وبینی) از فرانسه. طبیب و کارمنددولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از ساری

**سعیدالملك** - میرزا داودخان سعیدالملك. فرزند میرزارفیع خان مشاورالسلطنه (کارمنددولت). متولدحدود حدود ۱۲۶۵ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. مالك و کارمنددولت ونمایندهٔ دورهٔ ٤ از شوشتر.

**سعیدی** - عبدالله سعیدی. فرزند ابراهیم سعیدی (مالك عمده). متولد حدود ۱۳۰۱ شمسی. دارای تحصیلات حدود فوق دیپلم. ملاك ونمایندهٔ دوره‌های ۱۸و۱۹ ازنیشابور.

**سلطان‌العلماء** - حاجی علی‌اصغر سلطان‌العلماء. فرزند مرحوم حاجی آقامحمد مهدی (روحانی). متولد حدود ۱۲۵۵ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. مالك عمده و روحانی. نمایندهٔ دوره‌های ۳، ٤، و ٥ از بروجرد.

**سلطانی** - سلطانعلی سلطانی «شیخ الاسلام». فرزند آقا میرزا محمد شیخ الاسلام (عمده مالك) متولد حدود ۱۲۸۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود عالی. عمده مالك و نمایندهٔ دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱٤، ۱٥، ۱٦، ۱۸و ۲۰ ازبهبهان.

**سلطانی** - مهندس سلطان محمدسلطانی. فرزند سلطانعلی‌سلطانی «شیخ الاسلام». (عمده مالك ونمایندهٔ مجلس). متولد حدود ۱۳۰٥ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی از آمریکا. مالك و کارمند ادارهٔ اصل چهار. نمایندهٔ دورهٔ ۱۹ از بهبهان.

**سلطانی** - حاج سید محمد سلطانی «سلطان العلماء». فرزند (..........). متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ٥ از شیراز.

**سلیمانی کاشانی** - ابوالفضل سلیمانی کاشانی. فرزند احمد نراقی (کارمند دولت‌و نمایندهٔ مجلس). متولد ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ قضایی از تهران و پاریس. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از بیرجند.

**سمیعی** - ابراهیم سمیعی. فرزند.....(کارمند دولت و وکیل مجلس). متولد حدود.....دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. مالك عمده و عضو شورایعالی بیمه‌های اجتماعی و نمایندهٔ دورهٔ ۱۰ و۱۱ از رشت.

**سمیعی** - میرزا حسین خان سمیعی «ادیب السلطنه». فرزند مرحوم میرزا حسن‌خان ادیب‌السلطنه (کارمند دوات). متولد حدود ۱۲٥۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی (فارغ التحصیل مدرسهٔ دارالفنون) مالك عمده و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ۳ از رشت.

**سمیعی** - دکترعطاءالله سمیعی. فرزند....(....). متولد.....دارای‌تحصیلات عالی ازخارج. ملاك وپزشك. نمایندهٔ دوره‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲و ۱۳ از فومن.

**سنجابی** - دکتر کریم‌سنجابی. فرزند قاسم‌خان سردار ناصر (ملاك). متولد حدود ۱۲۸۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از پاریس. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ ازکرمانشاه.

**سنگ** - دکتر اسماعیل سنگ. فرزند مرحوم محمدحسین سنگ (ملاك). متولد حدود ۱۲٦۷ شمسی.

دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب از سویس. ملاک و پزشک و نمایندهٔ دوره‌های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ ازساری.

**سنگ** - دکتر عیسی سنگ. فرزند مرحوم ابراهیم (مالک عمده). متولد حدود ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب از دانشگاه تهران و پاریس. مالک و پزشک و کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از ساری.

**سنندجی** - عبدالحمید سنندجی «سالار سعید». فرزند مرحوم حاجی عزیز سنندجی (ملاک و تاجر عمده). متولد حدود ۱۲۸۰ شمسی. دارای تحصیلات حدود دیپلم (فارغ التحصیل مدرسهٔ آمریکایی تهران). مالک عمده. نمایندهٔ دوره‌های ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از سنندج.

**سودآور** - صمد سود آور. فرزند مرحوم محمد سود آور (تاجر). متولد... دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۱۶ از مشهد.

**سهراب‌زاده** - میرزا ابراهیم سهراب زاده (مدبر الملک). فرزند سهراب خان (.....) متولد حدود ۱۲۶۰. دارای تحصیلات متعارف. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۵ از مراغه.

**سهرابیان** - بهرام سهرابیان. فرزند....(......). متولدحدود ۱۲۷۶ شمسی. دارای تحصیلات.... کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از طرف ارامنهٔ جنوب.

**سهم‌الملک** - حاج عباس قلی سهم‌الملک. فرزند مرحوم حاج علی نقی نظام لشکر (عمده مالک). متولد حدود ۱۲۳۵ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۳ از اراک.

**سیاح** - دکتر محسن سیاح. فرزند حاج میرزا محمدعلی سیاح محلاتی (مالک و کارمند دربار). متولد ۱۲۷۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ دندانپزشکی از خارج. طبیب و ملاک و کارمند دولت (استاد دانشگاه). و نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از محلات.

**سیدامامی** - دکتر احمدسیدامامی. فرزندمرحوم حاج سید کاظم امام جمعه (ملاک و روحانی). متولد حدود ۱۲۸۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب. عمده مالک و پزشک و کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۱۶، ۱۸ و ۱۹ از تبریز.

**سیف‌پورفاطمی** - نصرالله سیف پور فاطمی. فرزندمرحوم سید علی محمد سیف العلماء (......) متولد حدود ۱۲۷۹ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. ملاک و روزنامه نگار (....) و کارمنددولت. نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از نجف آباد.

**سیفی** - امیرعلی سیفی. فرزند اسماعیل (زراعت وگله داری). متولد ۱۳۰۳ شمسی. دارای تحصیلات حدود سیکل اول دبیرستان. کارگر و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از تهران.

**سیگاری** - میرزا قلی سیگاری. فرزند(........). متولد....... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. بازاری و نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف سیگارفروشهای تهران.

## ش

**شاپوری** - محمد ابراهیم شاپوری. فرزند مرحوم محمد خان (مالک عمده). متولدحدود ۱۲۹۵ شمسی. دارای تحصیلات..... مالک عمده و نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از جیرفت.

**شاخویی** - صالح شاخویی. فرزند عبداله (کارگر شرکت ملی نفت). متولد ۱۳۰۹ شمسی. دارای تحصیلات حدود سیکل اول دبیرستان. کارگر شرکت نفت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از آبادان.

**شادلو** - اردشیر شادلو. فرزند مرحوم حبیب الله سردار منتصر (ملاک و نمایندهٔ مجلس). متولدحدود

۱۲۸۰ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۵ و ۱۶ از بجنورد.

**شادلو** - حبیب الله شادلو سردار بجنوردی «سردار منتصر». فرزندمرحوم سردار مفخم (مالک و رئیس ایل). متولد حدود ۱۲۶۴ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. کارمند دولت و مالک عمده. نمایندهٔدورهٔ ۵ از بجنورد.

**شادلو** - نصرالله شادلو. فرزند مرحوم یارمحمدخان سردار مفخم (مالک و رئیس ایل). متولدحدود ۱۲۸۰ شمسی. دارای‌تحصیلات متعارف. عمده مالک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۶ و ۱۷ ازبجنورد.

**شادلو ایلخانی** - یارمحمدخان شادلو ایلخانی. فرزندمرحوم‌عزیزالله‌خان‌سردار معزز (مالک و رئیس ایل شادلو). متولد حدود ۱۲۹۲ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. مالک عمده و نمایندهٔ دوره‌های ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از بجنورد.

**شادمان** - سید جلال الدین شادمان. فرزندمرحوم سید ابوتراب ( روحانی). متولد حدود ۱۲۸۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی. سرپرست سابق املاک و مستغلات پهلوی و نمایندهٔ دوره‌های ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از جیرفت.

**شادمان** - سیدجلال الدین شادمان - فرزند مرحوم سید ابوتراب (روحانی). متولد حدود ۱۲۸۵ شمسی. دارای تحصیلات حدود عالی. سرپرست سابق املاک و مستغلات پهلوی. نمایندهٔ دوره‌های ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از جیرفت.

**شادمان** - دکتر سیدضیاء الدین‌شادمان. فرزندمرحوم سیدابوتراب (روحانی). متولد ۱۳۰۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ اقتصاد کارگری از فرانسه. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از جیرفت.

**شالفروش** - حاج محمدعلی شالفروش. فرزند حاج حبیب تاجر بروجردی (بازاری). متولد..... دارای تحصیلات..... تاجر و نمایندهٔ دورهٔ اول ازطرف تجار تهران.

**شاهرخ** - ارباب کیخسرو شاهرخ. فرزند شاهرخ (....) متولد..... دارای تحصیلات متوسطه. تاجر ونمایندهٔ دورهٔ ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ ازطرف اقلیت زردشتیها.

**شاهرخشاهی** - مهندس هرمز شاهرخشاهی. فرزندمحمدمهدی(مالک....) متولد حدود ۱۳۰۰شمسی. دارای تحصیلات عالی ازآمریکا. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱۸ ازاراک.

**شاهرودی** - محمد تقی شاهرودی. فرزند(......). متولد......دارای تحصیلات......تاجر و نمایندهٔ دورهٔ اول از تهران.

**شاهکار** - دکتر محمد شاهکار. فرزند حاج آقا نورالله کرمانشاهی (روحانی وسردفتر اسناد رسمی). متولد ۱۲۸۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. وکالت دادگستری و استادحقوق دانشگاه جنگ ( با سابقهٔ قضاوت). و نمایندهٔ دورهٔ ۱۸ و ۱۹ ازتهران.

**شایگان** - دکتر سیدعلی شایگان. فرزند مرحوم حاج سیدهاشم مولی (......). متولد ۱۲۸۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از دانشگاهای لندن و پاریس. کارمند دولت و وکیل دادگستری و نمایندهٔ دورهٔ ۱۶ و ۱۷ از تهران.

**شباهنگ** - عبدالرحیم شباهنگ. فرزند حاج محمدحسین (تاجر). متولد حدود ۱۲۵۰ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دوره‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳ ازتهران.

**شباهنگ** - علی شباهنگ. فرزند..... ( تاجر). متولد..... دارای تحصیلات متعارف تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۱۰ از تهران.

**شبستری** - سید مرتضی شبستری. فرزند.... ( روحانی). متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. روحانی و نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از تبریز.

**شجاع چاغروند** - جواد شجاع چاغروند . فرزند مرحوم آقا ربیع چاغروند ( ملاک ) . متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی . دارای تحصیلات متعارف . ملاک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۰،۱۱،۱۲،۱۳و ۱٤ از خرم آباد .

**شرعی** - محمد شرعی .فرزند ارازقلی ( ..... ) . متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی . دارای تحصیلات حدود متوسطه . ملاک و نمایندهٔ دورهٔ ۲ . ازگنبدقابوس .

**شریعت‌زاده** - میرزا احمدخان شریعت زاده . فرزند مرحوم حاج میرزا حسین شریعتمدار آملی ( روحانی وملاک ) . متولدحدود ۱۲٦۳ شمسی . دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق . مالک و وکیل داد گستری ( سابقه قضاوت )و نمایندهٔ دوره‌های ٥،٦،٧،١٤ و ١٥ از بابل و دوره‌های ٨ و٩ از محلات .

**شریعتمدار** - حاج آقا حسن شریعتمدار . فرزند مرحوم حاج میرزا ابوتراب ( ..... ) . متولد حدود ۱۲٥٦ شمسی . دارای تحصیلات .... روحانی و نمایندهٔ دورهٔ ۳ از بروجرد .

**شریعتمدار** - حاج میرزا هاشم شریعتمدار . فرزندحاج محمدحسین مجتهدشیبانی(روحانی) .متولدحدود. ۱۲٥ شمسی . دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی . روحانی و نمایندهٔ دورهٔ ٤ ازسبزوار.

**شریعمدار کرمانی** - محمدشریعتمدار کرمانی . فرزند آقا مهدی ( .... ) . متولد حدود ۱۲٥٥ شمسی . دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد . روحانی و نمایندهٔ دورهٔ ٤ از رفسنجان .

**شریف‌العلماء** - سیدعباس شریف العلماء . فرزند مرحوم سیدمحمد مجتهد(مالک و روحانی) . متولد حدود ۱۲۹٦ شمسی . دارای تحصیلات حدود متعارف . ملاک و روحانی و نمایندهٔ دوره‌های ۲ و۳ از ساری .

**شریعتمدار** - حاج شیخ محمد حسن شریعتمدار مجتهد . فرزند مرحوم آقا علی حیدری ( روحانی ) . متولد حدود ۱۲٥۲ شمسی . دارای تحصیلات قدیم‌حدود مدرسی . روحانی و نمایندهٔ دورهٔ ٤ ازبیجار.

**شریف‌زاده‌خاوری** - مرتضی شریف زاده خاوری . فرزند سیدعباس شریف العلماء .( روحانی‌و نمایندهٔ مجلس) . متولد حدود ۱۲۸۰ شمسی . دارای‌تحصیلات قدیم حدود سطح . ملاک و نمایندهٔ‌دورهٔ ۱۰ ازساری .

**شریفی** - سیدابراهیم شریفی . فرزند.... ( ملاک ) . متولد حدود ۱۲۷٤ شمسی . دارای تحصیلات ..... ملاک وکارمند . نمایندهٔ دوره‌های ۷،۸و۹ ازکاشان .

**شفیعی** - حیدر شفیعی . فرزند یعقوب ( ..... ) . متولد حدود ۱۲۷٥ شمسی . دارای تحصیلات متعارف مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۱۸ ازسراب .

**شفیعی‌پور کرمانی** - حسین‌شفیعی‌پور کرمانی . فرزند علی‌اکبر ( زارع ) . متولد ۱۲۹۹ شمسی . دارای تحصیلات متوسطه . زارع ( باسابقهٔ کارمندی دولت تا سال ٤۰ شمسی) . و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از رفسنجان .

**شکرایی** - یوسف شکرایی . فرزند میرزا علی اکبر ( .... ) . متولد ۱۲۸۰ شمسی . دارای تحصیلات قدیم حدود سطح . ملاک وکارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱٦ از اراک .

**شکیبانوبری** - حاج حسین شکیبا نوبری . فرزند علی اصغر ( از اصناف ) . متولد ۱۲۹۷ شمسی . دارای تحصیلات قدیم و جدید حدود متوسطه . تاجر و مالک مستغلات . نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از تبریز.

**شمس‌الحکماء** - میرزا هدایت‌الله شمس‌الحکماء . فرزند کربلایی احمد ( از اصناف) . متولد.... دارای تحصیلات قدیم در علم پزشکی . پزشک و نمایندهٔ دورهٔ اول ازکرمان .

**شوشتری جزایری** - سیدمحمدعلی شوشتری جزایری. فرزند سیدحسن مجتهد (روحانی). متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. روحانی و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از سلیمانیه و دوره‌های ۵، ۶، ۱۶، ۱۸ از استرآباد.

**شوکتی** - مهدی شوکتی. فرزند مرحوم غلامرضا شوکت‌الممالک (ملاک). متولد ۱۲۹۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی از خارج. ملاک عمده و نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از کاشمر.

**شهاب فردوسی** - سیدولی شهاب فردوس. فرزند حاج سیدعبدالکریم (روحانی و مالک). متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق قضایی. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از فردوس.

**شهداد** - میرزاعلی خان شهداد. فرزند .... (کارمند دولت). متولد حدود ۱۲۷۴ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. ملاک و کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۷ از جهرم.

**شهدوست** - عبدالله شهدوست. فرزند مرحوم محمدمهدی میرزای ناظر (کارمند آستان قدس رضوی و ملاک) متولد حدود ۱۲۷۰ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. عمده مالک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۱، ۱۲، ۱۳ از دره گز.

**شهریارپور** - محمدحسن خان شهریارپور (مفتخرالممالک). فرزند شاهزاده قهارخان (عمده مالک). متولد حدود ..... دارای تحصیلات متعارف. عمده مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ اول از بابل.

**شهشهانی** - حاج سیدعبدالحسین شهشهانی. فرزند .... (....). متولد ..... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. روحانی و نمایندهٔ دورهٔ اول از خراسان.

**شهیدتبریزی** - میرزا ابراهیم شهید تبریزی. فرزند حاج شیخ علی زنجانی (....). متولد ..... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. مالک عمده و تاجر و نمایندهٔ دورهٔ اول از تبریز.

**شهیدی** - سیدحسن شهیدی. فرزند (........). متولد ..... دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. وکیل دادگستری (دارای سابقه قضاوت). نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از نجف آباد.

**شهیدی** - حاج شیخ میرزا حسین شهیدی فرزند (مولی محمدتقی برغانی معروف بشهید ثالث). متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. مالک و روحانی. نمایندهٔ دورهٔ اول از قزوین.

**شیبانی** - مهندس مهدی شیبانی. فرزند مرحوم محمود شیبانی «محاسب الممالک». (مالک و کارمند دولت). متولد حدود ۱۲۹۴ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی از خارج. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱۹ از کاشان.

**شیبانی** - میرزا احمدخان شیبانی. فرزند .....(ملاک). متولد ..... دارای تحصیلات متعارف. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از کاشان.

**شیبانی** - میرزا عبدالحسین خان وحیدالملک شیبانی. فرزند میرزا آقاخان ....(تاجر). متولد ..... دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از انگلستان. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از تهران و دورهٔ ۳ از از تبریز.

**شیخ** - دکتر محمدخان شیخ احیاءالملک. فرزند حاج میرزا علی‌نقی صنیع‌الملک (......). متولد حدود ۱۲۴۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب. پزشک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۸ از سیرجان و دورهٔ ۹ از لار.

**شیخ‌الاسلامی** - سیدمهدی شیخ‌الاسلامی. فرزند مرحوم سیدعبدالعزیز شیخ‌الاسلام کردستان (.....). متولد ۱۳۰۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق قضایی. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از سنندج.

**شیخ‌الاسلام** - حاج میرزا علی‌اکبر شیخ‌الاسلام. فرزند میرزا محمدرحیم شیخ‌الاسلام اصفهانی (روحانی). متولد حدود ۱۲۴۷ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. روحانی ونمایندهٔ دورهٔ ۴ از اصفهان.

**شیخ‌الاسلام ملایری** - اسماعیل شیخ‌الاسلام ملایری. فرزند مرحوم حاج سیدابراهیم شیخ‌الاسلام (روحانی) متولد حدود ۱۲۶۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی مالک و روحانی ونمایندهٔ دوره‌های ۴، ۵، و۶ از دولت‌آباد ملایر و دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، و۱۴ از بیجار گروس.

**شیخ‌الرئیس** - شاهزاده ابوالحسن میرزا شیخ‌الرئیس. فرزندشاهزاده محمدتقی میرزا حسام‌السلطنه. متولد ۱۲۲۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی (ادیب). ملاک ونمایندهٔ دورهٔ ۲ از بابل.

**شیخ‌الملک** - شیخ محمدحسین‌خان شیخ‌الملک سیرجانی. فرزنددرویش عباس‌علی (ملاک). متولد... دارای تحصیلات عالی. ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۳ از سیرجان.

**شیرازی** - میرزا ابوالحسن‌خان شیرازی. فرزند مرحوم سیدجعفر هورموجی (مؤلف تاریخ خلاصهٔ اخبار ناصری). متولد ..... دارای تحصیلات ..... کارمند بانک شاهنشاهی ونمایندهٔ دورهٔ اول از طرف اعیان تهران.

**شیرازی** - حاج‌میرزا محمدعلی شیرازی. فرزند (.......). متولد ...... دارای تحصیلات متعارف. کدخدای بقالها و نمایندهٔ دورهٔ اول از شیراز.

**شیرازی** - حاج‌آقا شیرازی. فرزند مجید (تاجر). متولد .... دارای تحصیلات قدیم حدوداجتهاد. روحانی و نمایندهٔ دوره‌های ۲و۳ از شیراز وتهران.

**شیرازی** - محمدتقی شیرازی شانگهای. فرزند مرحوم محمد حسین وقایع‌نگار (تاجر). متولد حدود ۱۲۵۳ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، و۱۳ ازشیراز.

**شیروانی** - میرزا ابوطالب شیروانی «بنان‌السلطنه». فرزندمرحوم سردار عبدالله‌خان شیروانی (.....) متولد حدود ۱۲۶۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. روزنامه‌نگار (روزنامهٔ میهن و روزنامهٔ آسایش). وکیل دادگستری ونمایندهٔ دوره‌های ۵و۶ از شهرضا.

## ص

**صاحب‌جمع** - عسکر صاحب جمع. فرزند مرحوم باباخان صاحب جمع (ملاک و کارمند دربار). متولدحدود ۱۲۷۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ علوم سیاسی. ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۰ و۱۶ از قزوین.

**صاحب‌دیوانی** - غلامحسین صاحب دیوانی. فرزند مرحوم محمد حسین صاحبدیوانی. (ملاک وکارمند دولت). متولد حدود ۱۲۷۹ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. ملاک و کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱۰ از فسا.

**صاحب‌قلم** - دکتر تقی صاحب قلم. فرزند مرحوم سیف‌الله دبیرالممالک (......). متولد۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ داروسازی. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از رضائیه. ودورهٔ ۲۱ از داراب.

**صادق‌وزیری** - نصرت‌الله‌خان صادق وزیری. فرزند مرحوم محمدصادق‌وزیری (مالک). متولد ۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک و کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۱۱، ۱۲، و۱۳ از سنندج.

**صادق** - صادق صادق « مستشارالدوله». فرزند میرزا جوادخان مستشارالدوله( کارمند دولت ) . متولد . ..... دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از پاریس . کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۱ و ۲ از تبریز.

**صادقی** - ابوالحسن صادقی. فرزند عبدالله صادقی« معین الرعایا» . (تاجر و ملاک و وکیل مجلس) .متولد حدود ۱۲۷۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی. پزشک و نمایندهٔ دورهای ۱۴ و ۱۵ از تبریز.

**صادقی** - میرزا عبدالله صادقی « معین الرعایا» . فرزند مرحوم حاج محمد صادق(مالک عمده) . متولدحدود ۱۲۴۹ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر عمده ومالک . نمایندهٔ دوره‌های ۲، ۷ و ۱۰ از تبریز.

**صارمی** - غلامحسین صارمی . فرزندمرحوم عزیزالله اعتضادالسلطان( کارمنددولت) . متولد حدود ۱۲۹۰ شمسی . دارای تحصیلات متوسطه (فارغ التحصیل کلاس ثبت) . کارمند دولت (بعد ازوکالت مجلس بوکالت دادگستری پرداختند) . نمایندهٔ دوره‌های ۱۸ و ۱۹ از جهرم.

**صالح** - الهیار صالح . فرزند مرحوم آقا سید حسن خان مظفرالممالک ( کارمند دولت) . متولدحدود ۱۲۷۵ شمسی . دارای تحصیلات حدود متوسطه (فارغ التحصیل کالج امریکایی ) . کارمند دولت . نمایندهٔ دوره‌های ۱۶ و ۲۰ از کاشان.

**صالح‌شیبانی** - محمد کاظم صالح شیبانی. فرزند حیدر علی صالح (صارم السلطان)( کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۷۵ شمسی. دارای تحصیلات حدود عالی (فارغ التحصیل دانشکدهٔ افسری) . کارمند دولت . نمایندهٔ دوره‌های ۱۶، ۱۸ و ۱۹ از کاشان.

**صالحی** - حاج شیخ عبدالرحمن صالحی . فرزندمرحوم حاج‌میرزاصالح صارم‌السلطان (روحانی) .متولدحدود ۱۲۵۰ شمسی . دارای‌تحصیلات‌قدیم‌حدوداجتهاد . روحانی‌ونمایندهٔدوره‌های ۵، ۶ و ۷ ازخرم‌آباد .

**صالحی چادکانی** - دکتر صالحی‌چادکانی . فرزند اسماعیل (روحانی) . متولد ۱۲۹۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب از تهران و پاریس . طبیب و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از فریدن.

**صایب** - سید علی‌صایب . فرزند سید مصطفی( ..... ) . متولد ۱۲۹۹ شمسی. دارای‌تحصیلات متوسطه . نمایندهٔ کارگران در شورای بیمه های اجتماعی و متصدی آموزشگاه‌تعلیم ماشین و حسابداری . نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از اصفهان.

**صائبی** - مهندس صائبی . فرزند مرحوم حاج ابوتراب مدیر التجار (تاجر) . متولد ۱۲۹۷ شمسی . دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی و حقوق‌از ایران و فرانسه . کارمنددولت و مالک. ونمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از ملایر.

**صائبی** - حیدر صائبی . فرزند محمود (از اصناف) . متولد ۱۳۰۰ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. نمایندهٔ کارگران . وکیل دورهٔ ۲۱ از تهران.

**صدر** - سید عبدالحسین صدر « صدر الاسلام» . فرزندحاج سید محمد علی مدرسی(ملاك و روحانی) .متولد حدود ۱۲۶۴ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. ملاك و روحانی . نمایندهٔ دورهٔ ۵ از شیراز.

**صدرالاشراف** - محسن « صدر الاشراف» . فرزندمرحوم‌حسین‌محلاتی(روحانی)متولدحدود. ۱۲۵۰ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد . کارمند دولت . نمایندهٔ دوره‌های ۱۱، ۱۲، و ۱۳ از محلات.

**صدرالاسلام** - حاج شیخ علی صدر الاسلام . فرزند مرحوم حاج آقا رحمت الله ( ..... ) . متولد..... دارای تحصیلات حدود مدرسی. روحانی و نمایندهٔ دوره‌های ۳ و ۴ از زنجان.

**صدرالاسلام** - صدرالاسلام. فرزند حاج سید محمدعلی مدرس (روحانی و ملاك). متولد ۱۲۶۵ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. ملاك و روحانی. نمایندهٔ دورهٔ ۵ از شیراز.

**صدرالتجار** - میرزا محمد علی صدرالتجار. فرزند....(.....). متولد.... دارای تحصیلات..... شغل..... نمایندهٔ دورهٔ اول شیراز.

**صدرالممالک** - سید شفیع صدرالممالک قزوینی. فرزند حسام السادات صدرالملک (ملاك). متولد.... دارای تحصیلات متعارف. مالك عمده. نمایندهٔ دورهٔ ۳ از ایل بختیاری.

**صدرالملک** - سید محمود صدرالملک. فرزند مرحوم صدرالملک (....). متولد حدود ۱۲۶۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. ملاك و نمایندهٔ دورهٔ سوم از فسا.

**صدرایی** - میرزا محمد حسین صدرایی، فرزند مرحوم میرزا محمدعلی حاجی صدر، (از اصناف) متولد حدود ۱۲۶۲ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دوره‌های ۴و۵ از دماوند.

**صدر ثقة‌الاسلام** - میرزا ابوالحسن. صدرثقة‌الاسلام. فرزند مرحوم حاج میرزاموسی ثقة‌الاسلام (روحانی و مالک و نمایندهٔ مجلس) متولد حدود ۱۲۶۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی. روحانی و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، و۱۴ از تبریز.

**صدرزاده** - شیخ مهدی خان صدرزاده، فرزند مرحوم عبدالعالی صدرالعلماء (صدرالمحققین) (روحانی و وکیل دادگستری). متولد حدود ۱۲۷۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی. وکیل دادگستری - نمایندهٔ دوره‌های ۱۵، ۱۶، ۱۸ و۱۹ از شیراز.

**صدرقاضی** - ابوالقاسم صدرقاضی. فرزند مرحوم علی قاضی، (روحانی) متولد حدود ۱۲۸۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم (حدود سطح). ملاك و روحانی. نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از مهاباد.

**صدرمیرحسینی** - ابوالحسن صدر میرحسینی. فرزند مرحوم محمد (ملاك و کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۵۷ شمسی. تحصیلات حدود متوسطه. ملاك و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۶ و ۲۰ از جیرفت و کرمان.

**صدری** - شکرالله خان صدری «قوام الدوله» فرزند مرحوم حاج محمدحسین صدرالدوله (ملاك و کارمند دولت) متولد .... دارای تحصیلات متعارف. کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ سوم از نجف آباد و دوره‌های ۴ و۵ از خرمشهر.

**صدری** - عبدالحسین صدری (رکن الملک) فرزند مرحوم حاج صدرالامراء (ملاك) متولد ۱۲۹۵ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۴ از خرم آباد.

**صدری** - دکتر محسن صدری. فرزند مرحوم عبدالعالی (.....) متولد حدود ۱۲۹۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از اصفهان.

**صدرتبریزی** - ناصر صدر تبریزی، فرزند..... متولد..... دارای تحصیلات متعارف. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱۶ از تبریز.

**صدریه** - سید عبدالکریم صدریه فرزند آقای سیدمهدی (....) متولد حدود ۱۲۷۰ شمسی. دارای تحصیلات متعارف، تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۱۶ از شاهرود.

**صدق السلطنه** - لطف‌الله صدق السلطنه، فرزند مرحوم حاج میرزا عبدالله خان (کارمند دربار و ملاك) متولد حدود ۱۲۳۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح، ملاك و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۵ از تبریز.

**صدقی** - حسین صدقی. فرزند محمد علی ( از اصناف ). متولدحدود . ۳۰ ۱۳ شمسی دارای . تحصیلات حدود متوسطه .تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از کاشان .

**صدقیانی** - مهندس عبدالعظیم صدقیانی ،فرزند علی‌اصغر (تاجر ومالک) متولد ۱۳۰۴ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی از تهران و تخصص در اقتصاد روستائی از آمریکا ، کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از کنگاور .

**صدیق‌دریانیان** - علی اکبر صدیق دریانیان .فرزند مرحوم آقاصادق (....) متولدحدود ۱۲۶۴ شمسی. دارای‌تحصیلات متعارف .تاجر ونمایندهٔ دورهٔ ۱ از شاهرود .

**صرافزاده** - رضا صرافزاده، فرزند مرحوم حاج علی صراف، متولدحدود ۱۲۷۸ شمسی. دارای‌تحصیلات قدیم حدود سطح .تاجر ونمایندهٔ دوره‌های ۱۷، ۱۸، ۱۹، و ۲۰ از یزد.

**صراف‌فدایی** - حاج سید محمد صراف فدایی. فرزند سید مجتبی (ازاصناف) متولد ..... دارای تحصیلات .....صراف ونمایندهٔ دورهٔ اول از طرف صرافهای تهران .

**صفا** - میرزا فضاعلی صفا . فرزند حاج‌میرزا عبدالکریم ملاباشی تبریزی (روحانی). متولد حدود ۱۲۳۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد از نجف. روحانی و مدرس فقه و اصول . نمایندهٔ دورهٔ اول ازطرف علماء تبریز .

**صفاری** - میرزا احمدخان صفاری«سالار مؤید» فرزندمرحوم میرزا محمدحسین‌خان (مالک‌عمده) متولدحدود ۱۲۶۵ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح . مالک عمده. نمایندهٔ دوره‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و۱۳ از لاهیجان .

**صفاری** - سرتیپ محمدعلی صفاری. فرزند مرحوم‌محمدحسین‌خان «منظم‌السلطنه» (ملاک‌عمده). متولد حدود ۱۲۸۰ شمسی. تحصیلات حدود عالی (در رشتهٔ نظام). ملاک‌و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از لاهیجان .

**صفاری** - میرزا یوسف خان صفاری. « مشاراعظم » فرزند میرزا جعفر خان مستوفی ( مالک عمده و کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۶۶ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح ، عمده مالک وکارمند دولت . نمایندهٔ دورهٔ ۵ از بروجرد و دورهٔ ۱۷ از تهران.

**صفایی** - حاج سید احمد صفایی فرزند سید مرتضی‌صفایی (روحانی) متولد حدود ۱۲۸۴ شمسی. دارای - تحصیلات قدیم حدود سطح . روحانی و نمایندهٔ دوره‌های ۱۷و ۱۸ از قزوین .

**صفایی‌حائری** - عبدالصاحب صفایی حائری. فرزندمرحوم شیخ محمدعلی(روحانی). متولدحدود ۱۲۸۸ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح « فارغ التحصیل مدرسهٔ معقول و منقول » کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۶ و۱۸ از ساری.

**صفوی** - شکرالله صفوی. فرزند میرزا سید عابرضاخان صفوی، (....) متولد ۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه . روزنامه نگار ( مدیر روزنامهٔ کوشش ) نمایندهٔ دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵و ۱۶ از بوشهر.

**صفی‌پور** - علی اکبر صفی‌پور فرزند ابوالفتح (کارمند دولت)، متولد ۱۲۹۹ شمسی. دارای‌تحصیلات‌عالی در رشتهٔ نظام(فارغ التحصیل دانشکدهٔ افسری). مدیرمجلهٔ امید ایران. نمایندهٔ‌دورهٔ ۲۱ ازنهاوند.

**صمصام بختیاری** - احمد قلی صمصام بختیاری. فرزند مرتضی قلیخان‌صمصام بختیاری. (مالک عمده ووکیل مجلس). متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی. دارای تحصیلات‌متوسطه. عمده مالک. نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از شهرکرد.

**صمصام بختیار** - میرزا مرتضی قلیخان صمصام بختیار. فرزندصمصام‌السلطنه بختیاری ، (ملاك و وکیل مجلس) متولد.... دارای تحصیلات.... عمده مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از اصفهان.

**صمصام بختیاری** - هوشنگ صمصام بختیاری. فرزند مرحوم صمصام السلطنه (ملاك عمده و کارمند دولت) متولد ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات..... ملاك. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از نجف آباد.

**صمصام السلطنه** - نجفقلیخان صمصام السلطنه بختیاری. فرزند مرحوم حسینقلی خان ایلخانی بختیاری (ملاك عمده و رئیس ایل) متولد..... دارای تحصیلات..... ملاك و کارمند دولت (نخست وزیر). نمایندهٔ دورهٔ ٤ از تهران.

**صمیمی** - محمد صمیمی فرزند مرحوم حاج احمد، (...) متولد حدود ۱۲۸۳ شمسی. دارای تحصیلات... کشاورز و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از رامهرمز.

**صنعی** - میرزاحسنعلی خان صنعی. «عمادالسلطنه» فرزند مرحوم مؤتمن السلطانه (کارمند دولت و وکیل مجلس). متولد حدود ۱۲۵۶ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. کارمند دولت - نمایندهٔ دوره‌های ۳ و ٤ از مشهد.

**صنیع الدوله** - مرتضی قلیخان صنیع الدوله. فرزند علیقلی خان مخبرالدوله (کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ مهندسی از آلمان، عمده مالک و کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۱ و ۲ از تهران.

**صولت قشقائی** - میرزا اسمعیل خان صولت قشقائی. فرزند مرحوم داراب خان (مالک عمده) متولد ۱۲۵۲ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک عمده ورئیس ایل. نمایندهٔ دوره‌های ۵ و ۸ از جهرم.

**صولت قشقائی** - محمد حسن صولت قشقائی فرزند مرحوم اسمعیل قشقائی سردار عشایر (مالک عمده و وکیل مجلس) متولد حدود ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی، ملاك. نمایندهٔ دوره‌های ۱٤، ۱۵ و ۱۷ از آباده.

## ض

**ضابطی طرفی** - حسن ضابطی طرفی. فرزند حبیب‌الله (کدخدا بخش طرفرود) متولد ۱۳۰۸ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. کشاورز و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از نطنز.

**ضیاء ابراهیمی** - سلیمان ضیاء ابراهیمی. فرزند عبدالرضا ابراهیمی، (....) متولد ۱۲۷۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۱۰ از جیرفت.

**ضیاء الادبا** - ضیاء الادباء فرزند مرحوم میرزا ابوالحسن خان «روحانی» متولد حدود ۱۲۶۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. روحانی و روزنامه نگار (روزنامهٔ جام جم) و نمایندهٔ دورهٔ ٤ از شیراز.

**ضیاء الواعظین** - سید ابراهیم ضیاء «ضیاء الواعظین»، فرزند سید مصطفی (روحانی) متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی و روزنامه نگار. نمایندهٔ دوره‌های ۵، ۶ و ۷ از طرف ایل قشقائی.

**ضیاء الملك** - میرزا محمدتقی خان ضیاء الملك. فرزند مرحوم میرزا آقاسر رشته‌دار. (....) متولد.... دارای تحصیلات..... نمایندهٔ دورهٔ ۲ از سمنان.

**ضیاء** - میرزا آقا ضیاء «ضیاء الاطباء» فرزند حاج میرزا محمود حکیم باشی (پزشک) متولد حدود ۱۲٤۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود عالی در ادبیات و طب. پزشک. نمایندهٔ دوره‌های ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲ و ۱۳ از تربت حیدریه.

**ضیائی** - دکتر خلیل ضیائی، فرزند میرزا آقا ضیاء الاطباء، «پزشک و وکیل مجلس» متولد ۱۲۹۴ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ چشم پزشکی از اطریش، پزشک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از تربت جام.

**ضیائی** - دکتر محمود ضیائی. فرزند مرحوم میرزا آقا ضیاء الاطباء، «پزشک و وکیل مجلس» متولد ۱۲۸۸ شمسی، دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب از بیروت وتخصص از انگلستان وفرانسه وآمریکا. پزشک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۱۹ و ۲۱ از مشهد.

## ط

**طالبزاده** - سید مرتضی طالب زاده فرزند سیدمحمود (....) متولد ۱۳۰۰ شمسی، دارای تحصیلات حدود متوسطه، کشاورز و بازرگان. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از رودسر.

**طاهباز** - دکترقاسم طاهباز. فرزندحاج محمود. (.....) متولد حدود ۱۲۹۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی. مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از شمیران.

**طاهری** - دکتر ضیاء الدین طاهری. فرزند مرحوم دکترهادی طاهری. (پزشک و نمایندهٔ مجلس). متولد حدود ۱۳۰۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب از خارج. پزشک و نمایندهٔ دورهٔ ۱۹ از یزد.

**طاهری** - دکترشیخ هادی طاهری. فرزند مرحوم محمدحسین (طبیب) متولد حدود ۱۲۶۴ شمسی. دارای تحصیلات عالی، پزشک و نمایندهٔ دوره‌های ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶ و ۱۷ از یزد.

**طاهری** - محسن طاهری. فرزند مرحوم میرزا طاهرمتولی «ملاک ومتولی مسجد گوهرشاد و وکیل مجلس» متولد حدود ۱۲۸۳ شمسی. دارای تحصیلات متعارف، ملاک و متولی مسجد گوهرشاد. نمایندهٔ دوره‌های ۱۶ و ۲۰ از مشهد.

**طبا** - دکتر عبدالحسین طبا. فرزند مرحوم مرتضی قلیخان نائینی (وکیل مجلس و نایب التولیه آستان قدس رضوی) متولدحدود ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی از انگلستان، پزشک و کارمند دولت نمایندهٔ دوره‌های ۱۵، ۱۶ از نائین.

**طباطبائی** - خان بابا طباطبائی معصومی نائینی. فرزندمرتضی‌قلیخان طباطبائی نائینی (نایب التولیه‌آستان قدس رضوی و وکیل مجلس) متولد حدود ۱۲۷۹ شمسی، دارای تحصیلات متوسطه. کارمند دولت نمایندهٔ دوره‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از نائین.

**طباطبائی** - سیدضیاء الدین طباطبائی. فرزند سیدعیسی‌آقا وکیل یزدی (روحانی) متولد حدود ۱۲۷۰ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح، روزنامه‌نگار «روزنامه رعد روزنامهٔ ندای اسلام - روزنامهٔ شرق و برق» و نخست وزیر. نمایندهٔ دوره‌های ۱۴ و ۱۴ از یزد.

**طباطبائی** - سید عبدالحسین طباطبائی. فرزند سید مظفر طباطبائی (ملاک وروحانی) متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد، ملاک و روحانی. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از بروجرد.

**طباطبائی** - سیدعبدالحسین طباطبائی، فرزند مرحوم سید ضیاءالدین «زراعت» متولد ۱۲۹۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق قضائی، کارمند دولت و ملاک. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از کازرون.

**طباطبائی** - محمد طباطبائی «سلطان العلماء» فرزند حاج علی اصغر سلطان العلماء «روحانی» متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. ملاک و روحانی. نمایندهٔ دوره‌های ۱۰ و ۱۶ و ۱۸ از بروجرد.

**طباطبائی** - سید محمد طباطبائی. فرزند حاج سید محمدباقر (روحانی). متولد حدود ۱۲۷۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح، روزنامه نگار، «مدیر روزنامهٔ تجدد» و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از ساوه و زرند و دورهٔ ۱۴ از سبزوار.

**طباطبائی بروجردی** - سید محمدتقی طباطبائی «سلطان العلماء» فرزند مرحوم حاج میرزا محمدحسین مجتهد طباطبائی بروجردی «روحانی» متولد حدود ۱۲۶۴ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی و مالک. نمایندهٔ دوره‌های ۶، ۸، ۹ و ۱۹ از بروجرد.

**طباطبائی** - سید محمد صادق طباطبائی. فرزند آیة‌الله سید محمد طباطبائی (مجتهد و نمایندهٔ مجلس) متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. مدیر مدرسهٔ اسلام و روزنامه نگار (روزنامهٔ مجلس) و روحانی. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از خراسان و دورهٔ ٤ از ساوجبلاغ شهریار ودوره‌های ۳، ۱٤ و ۱۶ از تهران.

**طباطبائی قمی** - احمد طباطبائی قمی. فرزند مرحوم حاج سید علی صدیق (......) متولد حدود ۱۲۸۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. کارمند دولت و وکیل دادگستری. نمایندهٔ دورهٔ ۱۹ از قم.

**طباطبائی وکیلی** - میرزا صادقخان طباطبائی وکیلی فرزند حاج اعتضاد الممالک (کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۶، ۷ و ۸ از اردبیل.

**طلوع** - محمود رضا طلوع، فرزند مرحوم حاج آقا رضا مجتهد (روحانی). متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. مالک عمده وروزنامه نگار (مدیر روزنامهٔ طلوع). نمایندهٔ دوره‌های ۶ و ۷ از لاهیجان.

**طوسی** - داود طوسی، فرزند مرحوم میرزا مسیح بنان. متولد حدود ۱۲۵۸ شمسی، دارای تحصیلات متوسطه. روزنامه نگار «مدیر روزنامهٔ طوس» نمایندهٔ دوره‌های ۱۲، ۱۳ و ۱٤ از بجنورد.

**طهماسبی** - کریم طهماسبی، فرزند مرحوم عنایت‌الله (ملاک) متولد حدود ۱۳۰۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ قضائی، کارمند دولت و ملاک. نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از دزفول و دورهٔ ۲۱ از کازرون.

## ظ

**ظفر** - مهندس کیقباد ظفر. فرزند مرحوم خسرو سردار ظفر (ملاک و کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۸۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ مهندسی معماری از انگلستان. شغل آزاد با سابقهٔ کارمندی دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۸ و ۱۹ از گلپایگان.

**ظفر** - ملکشاه ظفر، فرزند امیر حسین ظفر (ملاک و کارمند دولت و نمایندهٔ مجلس) متولد حدود ۱۳۰۳ شمسی، دارای تحصیلات حدود متوسطه (دیپلمهٔ کالج آمریکائی) ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۲۰ و ۲۱ از ایذه.

**ظفری** - اسماعیل ظفری «ظفر السلطان. فرزند ابراهیم ظفر السلطان (ملاک عمده) متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی.

دارای تحصیلات متعارف. عمده مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره های ۷، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ از ملایر.

# ع

**عامری** - حاج احمد عامری، فرزند......(......)متولد حدود ۱۲۸۴ شمسی. دارای تحصیلات..... ملاک و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از اهواز.

**عامری** - میرزا اسدالله عامری. فرزند سهام السلطنه (مالک عمده) متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک عمده و نمایندهٔ دوره‌های ۶، ۷ و ۸ از کاشان.

**عامری** - امان الله عامری. فرزند مرحوم غلامحسین مجالل (عمده مالک)، متولد حدود ۱۲۹۲ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. عمده مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۱۹ از کرمان.

**عامری** - جواد عامری. فرزند مرحوم ابوالحسن (.....). متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از پاریس. ملاک و کارمند دولت. و نمایندهٔ دوره‌های ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ از سمنان.

**عامری** - سلطانمحمد عامری. فرزند....(......). متولد حدود ۱۳۰۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی. روزنامه نگار (......) و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۶ از نائین.

**عاملی** - شیخ حسین عاملی. فرزند حاج شیخ محمد علی عاملی (روحانی) متولد حدود ۱۲۷۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح، مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از قوچان.

**عاملی** - دکتر باقر عاملی. فرزند مرحوم محمد شیخ الحرمین (کارمنددولت) متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی در حقوق جزا از ایران. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از تهران.

**عباس** - میرزا عباس. فرزند مرحوم آقا میرزا علی‌اکبر (تاجر). متولد حدود ۱۲۵۷ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۳ از یزد.

**عباسقلی** - حاج عباسقلی. فرزند ... (...) متولد....دارای تحصیلات.....نانوا و نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف خبازهای تهران.

**عباسی** - محمد عباسی. فرزند مرحوم حسن. (مالک عمده). متولد حدود ۱۲۷۷ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. مالک عمده و نمایندهٔ دوره‌های ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از سقز.

**عبدالکریم** - شیخ عبدالکریم. فرزند.....(.....). متولد ..... دارای تحصیلات.....شغل..... نمایندهٔ دورهٔ اول از یزد.

**عبدالوهاب** - حاجی عبدالواهاب، فرزند...(......)، متولد.... دارای تحصیلات..... کلاهدوز ونمایندهٔ دورهٔ اول از طرف کلاهدوزهای تهران.

**عبده** - دکتر جلال عبده، فرزند محمد عبده، (کارمند دولت) متولد ۱۲۸۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق، کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۴ و ۱۵ از تهران.

**عدل** - دکتر غلامرضا عدل، فرزند مرحوم یوسف قایم مقام عدل (مالک عمده و نمایندهٔ مجلس) متولد حدود ۱۲۸۶ شمسی، دارای تحصیلات عالی. عمده مالک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۸، ۱۹، ۲۱ و از تبریز.

**عدل** - مهندس مجید عدل. فرزند سیدمسعودعدل (مالک) متولد ۱۲۸۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی در فرانسه، کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از گوربی دامغان.

**عدل** - سید مهدی عدل. فرزند سید مسعود عدل (ملاک) متولد حدود ۱۲۷۵ شمسی، دارای تحصیلات متوسطه، مالک و بازرگان. نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از مشکین شهر.

**عدل اسفندیاری** - عبدالله عدل اسفندیاری. فرزند میرزا حسین خان سردار نصرت اسفندیاری (ملاک و کارمند دولت و نمایندهٔ مجلس). متولد حدود ۱۲۶۴ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. عمده مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۴ و ۵ از بم و سیرجان.

**عدل طباطبائی** - دکتر عبدالرضا عدل طباطبائی. فرزند عباسقلی (ملاک) متولدحدود ۱۳۰۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی دررشتهٔ حقوق ازپاریس، کارمنددولت ووکیل دادگستری وملاک. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از سراب.

**عدل قایمقام** - میرزا یوسفخان عدل قایمقام، فرزندمرحوم عدل الملک (کارمند دولت و ملاک) متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی، ملاک وکارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۵، ۶ و ۷ از تبریز.

**عراقی** - حاج سید اسماعیل عراقی، فرزندحاج آقامحسن عراقی (روحانی و مالک) متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی، دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. مالک و روحانی. نمایندهٔ دوره‌های ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰ و ۱۱ از اراک.

**عراقی** - حاج میرزا شمس الدین عراقی، فرزند مرحوم حجت الاسلام حاج آقا محسن (روحانی و ملاک) متولد حدود ۱۲۵۴ شمسی دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی، ملاک و روحانی و نمایندهٔ دورهٔ ۳ از عراق.

**عرب شیبانی** - عباسقلی عرب شیبانی فرزند مرحوم امیر سایم، (عمده مالک و رئیس ایل خمسه)، متولد حدود ۱۲۸۵ شمسی، دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ نظام، کارمند بازنشستهٔ دولت وکارمند مؤسسات ملی و نمایندهٔ دوره‌های ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از فسا.

**عرفانی** - غلامحسن عرفانی، فرزند مرحوم نصیر الکتاب (.....) متولد حدود ۱۲۷۰ شمسی. دارای تحصیلات.....، کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از ایلام.

**عزیزی** - محمود عزیزی، فرزند سید جعفر (.....) متولد حدود ۱۲۷۴ شمسی، دارای تحصیلات متوسطه. تاجر و نمایندهٔ دوره‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از بوشهر.

**عصر انقلاب** - میرزا آقاخان عصر انقلاب، فرزند مرحوم میرزا عبدالله خان (.....) متولد حدود ۱۲۶۴ شمسی، دارای تحصیلات.....، روزنامه نگار (مدیرروزنامهٔ عصر انقلاب) و کارمنددولت. نمایندهٔ دوره‌های ۵ و ۶ از اردبیل.

**عطایی** - مهندس بهمن عطایی، فرزند حسین (تاجر) متولد ۱۳۰۰ شمسی، دارای تحصیلات عالی، مهندس معمار وکارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از بندر معشور.

**عظیما** - دکتر حسنخان عظیما، فرزند.....متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی. دارای تحصیلات‌عالی(دیپلمهٔ دارالفنون در رشتهٔ پزشکی) پزشک وکارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۷ از تهران.

**عظیمی** - میرزا باقر خان عظیمی «نظم الملک» فرزند حاج میرزا علی اکبر خان بصیرالملک(کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی، دارای تحصیلات حدود متوسطه. کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۵ از خوی.

**عقیلی** - سید حسن عقیلی «معتضد استرآبادی» فرزند مرحوم سید حبیب‌الله عقیلی (روحانی). متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح، روحانی و نمایندهٔ دورهٔ ۶ از استرآباد.

**علاء** - میرزا حسینخان علاء «معین الوزراء»، فرزند مرحوم میرزا محمد علیخان علاء السلطنه (کارمند دولت) متولد ۱۲۶۴ شمسی، دارای تحصیلات عالی در انگلستان. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۵ از تهران.

**علاءالدین** - سید علاءالدین فرزند قاضی نورالله مرعشی (روحانی مؤلف کتاب مجالس المؤمنین) متولد حدود..... دارای تحصیلات..... روحانی و نمایندهٔ دورهٔ اول از دزفول وشوشتر.

**علایی** - شیخ علیمحمد علایی «صدرالعلماء». فرزند.....(.....) متولد حدود..... دارای تحصیلات..... شغل..... ونمایندهٔ دورهٔ اول از نطنز.

**علامهٔ وحیدی** - محمد علی علامهٔ وحیدی فرزند مرحوم ابوالقاسم رئیس العلماء مجتهد. متولد ۱۲۷۸ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. استاد دانشکدهٔ الهیات ومعارف اسلامی (معقول و منقول) و وکیل دادگستری. نمایندهٔ دوره‌های ۱۸، ۱۹، و ۲۰ از کرمانشاه.

**علمی غروی** - مهندس شمس الدین علمی غروی، فرزند مرحوم حاج سید اسحق رشتی (مالک عمده و روحانی) متولد حدود ۱۲۹۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ ساختمان و راه. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از لاهیجان.

**علوی** - دکتر حسن علوی. فرزند سید باشی علوی (تاجر) متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ چشم پزشکی از انگلستان. چشم پزشک و نمایندهٔ دورهٔ ۱۶ از بوشهر.

**علوی** - حسن علوی سبزواری «آقازاده»، فرزند حجةالاسلام حاج میرزا حسین مجتهد (مالک و روحانی) متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی، مالک عمده و روحانی. نمایندهٔ دوره‌های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ از سبزوار.

**علوی** - سید محمد علوی، فرزند.....(.....) متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. تاجر ونمایندهٔ دورهٔ ۱ از کاشان.

**علوی خلخالی** - سید ابوالفتوح علوی خلخالی. فرزند سید علی (روحانی) متولدحدود ۱۲۶۳ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. روحانی و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۵ از اردبیل.

**علی اکبر** - حاجی علی اکبر پلویی. فرزند.....(.....) متولد..... دارای تحصیلات..... شغل... نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف آشپزهای تهران.

**علی آقا** - حاج میرزاعلی آقا ترک. فرزندملا عبدالعظیم تبریزی (روحانی) متولد.... دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی و نمایندهٔ دورهٔ اول از خراسان.

**علی آبادی** - میرزا داودخان علی آبادی. فرزند میرزا محمد حسین علی آبادی. (روحانی) متولد..... دارای تحصیلات..... کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از تهران.

**علی آبادی** - علی آبادی «فتح الدوله» فرزندمرحوم میرزا علی‌خان مستوفی علی آبادی (کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی، دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از نجف آباد.

**علینقی** - میرزا سید علینقی. فرزند.....(.....) متولد..... دارای تحصیلات..... شغل..... نمایندهٔ دورهٔ اول از دماوند و فیروزکوه.

**عمادالاسلام** - عماد الاسلام، فرزند.....(.....) متولد..... دارای تحصیلات متعارف. روحانی و نمایندهٔ دورهٔ اول از یزد «داماد آقای سید عبدالله بهبهانی»

**عمادی** - سید علی عمادی. فرزند مرحوم سید مهدی (.....)، متولد حدود ۱۲۵۶ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی، ملاك و روحانی، نمایندهٔ دوره‌های ۶ و ۷ از ساری.

**عمید** - دکتر موسی عمید. فرزند احمد «روحانی» متولد حدود ۱۲۸۶ شمسی، دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ فلسفه و حقوق از دانشکدهٔ سوربن فرانسه، استاد دانشکده و وکیل دادگستری. نمایندهٔ دوره‌های ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از تهران.

**عمیدالحکماء** - میرزا سیدابراهیم خان عمیدالحکماء متولد(....) فرزندمیرزا سیدرضی حکیم.... دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب از دارالفنون. طبیب و کارمند کارمنددولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱ از سمنان

**عمیدالسلطنه** - حاج سید ابراهیم خان عمیدالسلطنه. فرزند....(طبیب قشون) متولد.... دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب از دارالفنون. طبیب و نمایندهٔ دورهٔ ۱ از شاهرود.

**عمیدالسلطنه** - میرزا سیدابراهیم عمیدالسلطنه. فرزند مرحوم میرسید علی خان (....) متولدحدود ۱۲۵۳ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ٤ از نیشابور.

**عمیدالممالك** - میرزا محمدخان عمیدالممالك. فرزند مرحوم حاجی میرزا محمدحسین مستوفی. متولد حدود ۱۲۴۷ شمسی. دارای تحصیلات ..... کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ٤ از سمنان.

**عمیدی نوری** - ابوالحسن عمیدی نوری. فرزند مرحوم محمدرضاعمیدالشعرا (.....) متولدحدود ۱۲۸۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. روزنامه نگار (مدیر روزنامهٔ داد) - وکیل دادگستری (با سابقهٔ کارمندی دولت). نمایندهٔ دوره‌های ۱۸ و ۱۹ از بابل.

**عون‌الدوله** - میرزا اسمعیل خان عون‌الدوله. فرزند ملاحسن سلطان‌الذاکرین (روحانی) متولد حدود ..... دارای تحصیلات حدود متوسطه. شغل..... نمایندهٔ دورهٔ ۱ از طرف اعیان تهران

**عیسی خان** - میرزا عیسی خان. فرزند مرحوم میرزا ابوالحسن خان (پیشکار ناصرالملك) متولدحدود ۱۲۶۱ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۳ از ساوه و زرند.

## غ

**غضنفرخان** - غضنفرخان. فرزند میرزا علی اکبرخان معتمدالوزراه «کارمنددولت» متولد حدود ۱۲۶۸ شمسی. دارای تحصیلات ..... کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ٤ از گلپایگان.

**غضنفری** - علیمحمد غضنفری «امیراعظم». فرزند مرحوم نظرعلیخان (امیراشرف) (مالك عمده) متولدحدود ۱۲۸۰ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاك، نمایندهٔ دوره‌های ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰ از خرم‌آباد.

**غلامرضا** - استاد کربلائی غلامرضا یخدانساز. فرزند....(.....) متولد.... دارای تحصیلات..... نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف یخدانسازها و سراجهای تهران.

**غنی** - دکترامین غنی. فرزند سیدحسین (.....) متولد حدود ۱۳۰۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی. کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از سبزوار.

**غنی** - دکترقاسم خان غنی. فرزند مرحوم میرزاسید عبدالغنی خان (زارع) متولدحدود ۱۲۷۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب از بیروت. پزشك و نمایندهٔ دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از مشهد.

# ف

**فاتح الملك** - حاج میرزا احمدفاتح الملک. فرزند......(......) متولد.....دارای تحصیلات حدودعالی (دیپلمهٔ دارالفنون در رشتهٔ نظام) کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از اصفهان.

**فاخر** - دکتر حسین فاخر. فرزند مرحوم حاج سیدرضاشریعتمدار (روحانی و مالک) متولدحدود ۱۲۹۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ علوم سیاسی از سویس. کارمند دولت و ملاک. نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از سراب.

**فاضلی** - سیدعباس فاضلی. فرزند سیداحمد(ملاک). متولدحدود ۱۲۷۹ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک عمده و نمایندهٔ دورهٔ ۱۵ از یزد.

**فاطمی** - میرزا حسینخان فاطمی. فرزند مرحوم میرزامحمدعلیخان (مالک عمده). متولدحدود ۱۲۵۳ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت وملاک. نمایندهٔ دوره‌های ۸ و۹ ازشهرضا و ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از اصفهان

**فاطمی** - میرزا علینقی فاطمی «مصباح الدوله». فرزند ......(......). متولدحدود ۱۲۷۶ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۷ از نائین

**فاطمی** - سیدمهدی فاطمی «عمادالسلطنه». فرزند حاج میرزا محمد باقرخان مشیرالملک اصفهانی «پیشکار ظل السلطان» متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۴، ۵، ۶، و ۸ از اصفهان و دورهٔ ۱۴ از نائین.

**فانی** - فتحعلیخان باباخان فانی. فرزند محمد حسنخان مسعود السلطنه قوامی (مالک عمده) متولد ۱۲۶۱ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. ملاک وکارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۳ از شیراز.

**فتوحی** - میرزا موسی خان فتوحی. فرزند محمد فتوحی (ملاک). متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک عمده و نمایندهٔ دوره‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ از تبریزومراغه

**فخر طباطبائی** - جواد فخر طباطبائی. فرزند مرحوم آقا هبت الله (روحانی) متولد حدود ۱۲۶۳ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. مالک و روحانی. نمایندهٔ دورهٔ ۱۱ از بروجرد.

**فخر طباطبائی** - غلامحسین فخرطباطبائی. فرزند حاج آقا حسین (....). متولد حدود ۱۲۹۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق قضایی. کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۹، ۲۰ و ۲۱ از بروجرد.

**فخر السادات** - سید فخرالدین فخر السادات. فرزند....(ملاک). متولد....دارای تحصیلات متعارف. زارع و نمایندهٔ دورهٔ اول از شیراز.

**فداکار** - تقی فداکار. فرزند.....(روحانی). متولد....دارای تحصیلات قدیم و جدید حدود عالی. وکیل دادگستری و نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از اصفهان.

**فرامرزی** - احمدفرامرزی. فرزندمرحوم عبدالواحد(زارع). متولد حدود ۱۲۸۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی. کارمند دولت و روزنامه نگار و نمایندهٔ دوره‌های ۱۵، ۱۷، و ۱۸ از بوشهر.

**فرامرزی** - عبدالرحمن فرامرزی. فرزند مرحوم شیخ عبدالواحد (زارع). متولدحدود ۱۲۸۰ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روزنامه نگار (مدیر روزنامهٔ کیهان) وکارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۵ و ۱۶ از لار و ۱۷ و ۱۸ از ایوانکی و ورامین. و دورهٔ ۲ از بندر لنگه.

**فربود** - دکتر همایون فربود. فرزند ابراهیم (.....). متولد ۱۳۰۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی در

رشتهٔ حقوق و علوم سیاسی و اجتماعی. کشاورز و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از شیراز.

**فرج‌الله** - شیخ فرج الله. فرزند مرحوم آقااسدالله (.....). متولد حدود. ۱۲۵۰ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۵ از کرمان.

**فرخ** - محمود فرخ. فرزند احمد. (از اصناف). متولد حدود ۱۲۷۴ شمسی. دارای تحصیلات قدیم در حدود عالی (ادیب و شاعر). کارمند آستان قدس رضوی. نمایندهٔ دوره‌های ۱۲ و ۱۳ از قوچان.

**فرخ** - سید مهدی فرخ «متین السلطنه» فرزند میرزا سید محمد خان معتصم السلطنه. (کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۶۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی (فارغ التحصیل مدرسهٔ علوم سیاسی) کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۳ از تربت حیدریه و دوره ۱۴ از سیستان.

**فرخی** - میرزا محمدخان فرخی یزدی. فرزند محمد ابراهیم یزدی (.....). متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روزنامه نگار (مدیر روزنامهٔ طوفان) و نمایندهٔ دورهٔ ۷ از یزد.

**فرزانه** - میرزا اسماعیل خان فرزانه. فرزند میرزا علینقی حکیم الممالک (......) متولد .... دارای تحصیلات ...... شغل ...... نمایندهٔ دورهٔ ۲ (وکیل مجلس)

**فرزانه** - سید فخرالدین فرزانه. فرزند مرحوم حاج سید علی میر عبدالباقی (تاجر) متولدحدود ۱۲۷۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. وکیل دادگستری و نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از کرمان.

**فرزین** - میرزا محمد علیخان فرزین (کلوپ). فرزند مرحوم میرزا مسیح خان (کارمند دولت) متولدحدود ۱۲۵۷ شمسی. دارای تحصیلات حدود عالی. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۳ از همدان.

**فرشی** - حاج میرزا آقا فرش فروش. فرزند مرحوم حاج محمد حسن (تاجر). متولد حدود ۱۲۵۰ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. تاجر عمده. نمایندهٔ دوره‌های ۱، ۲، ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ ازتبریز.

**فرشی** - غلامحسین فرشی. فرزند مرحوم حاج میرزا آقا فرشی (تاجر و نمایندهٔ مجلس و ملاك) متولد حدود ۱۲۷۱ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دوره‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از تبریز.

**فرمانفرما** - محمد ولی میرزا فرمانفرمائیان. فرزند مرحوم اسکندرخان سردار افخم (مالک عمده) متولد حدود ۱۲۶۹ شمسی. دارای تحصیلات حدود .... مالک عمده و نمایندهٔ دوره‌های ۵، ۶ و ۷ از تبریز. و دوره‌های ۱۳ و ۱۴ از سراب.

**فرمانفرما** - عباس میرزا فرمانفرما (سالار لشکر). فرزند شاهزاده عبدالحسین میرزافرمانفرما (ملاك و وکیل مجلس و کارمند دولت). متولدحدود ۱۲۶۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی. مالک عمده و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۵، ۶ و ۷ از مراغه.

**فرمانفرما** - عبدالحسین میرزا فرمانفرما. فرزند مرحوم نصرة الدوله فیروز میرزا (مالک عمده و کارمند دولت) متولد حدود..... دارای تحصیلات نظامی از خارج. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از اراك

**فرود** - سید فتح الله فرود. فرزند فضل الله فرود «نبیل الدوله» (.....). متولد حدود ۱۲۸۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. ملاك و کارمند دولت و وکیل دادگستری. نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از ساوه و زرند و دوره‌های ۱۸ و ۱۹ از تهران.

**فروغی** - میرزا محمد علیخان فروغی «ذکاء الملک». فرزند مرحوم میرزا محمد حسین فروغی اسپهانی «ذکاء الملک». متولد حدود..... دارای تحصیلات عالی و صاحب تألیفات. کارمند دولت ونمایندهٔ دوره‌های ۲ و ۳ از تهران.

**فروغی** - مهندس محسن فروغی. فرزند مرحوم محمد علی فروغی «ذکاءالملک» کارمند دولت و وکیل مجلس). متولد حدود ۱۲۸۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی از پاریس. مهندس ساختمان و استاد دانشگاه. نمایندهٔ دورهٔ ۱۹ از تهران.

**فروهر** - ابوالقاسم فروهر. فرزند مرحوم محمود قوام الدوله (کارمند دولت) متولد ۱۲۵۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی. ملاك و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۲ و ۱۳ از تهران.

**فروهر** - مهندس فیروز فروهر. فرزند ابوالقاسم فروهر (ملاك و کارمند دولت و وکیل مجلس) متولد حدود ۱۲۹۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی از خارج. ملاك و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۱۹ از اراك.

**فرهودی** - سید حسین فرهودی. فرزند.....(......). متولد ۱۲۸۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق سیاسی و اقتصاد. کارمند دولت. نمایندهٔ دوره های ۱۴ و ۱۶ از دشت میشان و دزفول.

**فریداراکی** - علاء الدین فرید اراکی. فرزند حاج سید احمد حجتی امامی (مالك). متولد حدود ۱۲۸۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. ملاك عمده و نمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از بروجرد.

**فرهمند** - میرزا حسنخان فرهمند. فرزند میرزا حسینخان. (......). متولد حدود ۱۲۶۵ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۶ از همدان.

**فریدونی** - احمد فریدونی. فرزند مرحوم حاج محمد رحیم خان (......). متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱۳ از سبزوار.

**فریور** - مهندس غلامعلی فریور. فرزند مرحوم آقا عباس فریور (تاجر). متولد حدود ۱۲۸۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ مهندسی و حقوق از پاریس. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از تهران.

**فزونی** - میرزا فتح الله خان فزونی «نصیر دیوان». فرزند حاج محمد صالح خان کلهر «مؤید الوزراه» (ملاك و وکیل مجلس). متولد حدود ۱۲۴۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. ملاك و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۴، ۸، ۹ و ۱۰ از کرمان.

**فضایلی** - محمد فضایلی. فرزند شیخعلی علامه (ملاك و روحانی). متولد حدود ۱۲۹۰ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. ملاك و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۱۹ از ساری.

**فضلعلی** - حجة الاسلام حاج شیخ فضلعلی مجتهد. فرزند.....(......). متولد حدود ۱۲۴۷ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی و نمایندهٔ دورهٔ ۳ از قزوین.

**فقیه** - اسدالله فقیه. فرزند اسماعیل (از اصناف). متولد..... دارای تحصیلات.....شغل..... نمایندهٔ دورهٔ ۸ از تهران.

**فقیه‌زاده** - ابوالقاسم فقیه زاده فرزند مرحوم آقا شیخ محمد حسین فقیه (کشاورز). متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱۶ از قزوین.

**فقیهی‌شیرازی** - دکتر سید عبدالکریم فقیهی شیرازی. فرزند حاج سید اسماعیل (......) متولد حدود ۱۲۸۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب. پزشک و روزنامه نگار (مدیر روزنامهٔ پرچم اسلام) و نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از خرم آباد.

**فلسفی** - حسین فلسفی. فرزند مرحوم علی فلسفی (مالك). متولد حدود ۱۲۹۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی..... ملاك و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از استرآباد.

**فلسفی** - دکتر خلیل فلسفی. فرزند علی فلسفی. (مالك). متولد حدود ۱۲۸۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی از خارج. پزشك و ملاك. نمایندهٔ دوره‌های ۱۴، ۱۵ و ۱۷ از استرآباد.

**فولادوند** - امیر حسین فولادوند . فرزند مرحوم عزیزالله فولادوند . ( ملاک و وکیل مجلس ) . متولد حدود ۱۲۹۲ شمسی . دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق و فلسفه . مالک و کارمندشرکت ملی نفت ایران . نمایندهٔ دوره‌های ۱۹ و ۲۰ از خرم آباد و دورهٔ ۲۱ از الیگودرز.

**فولادوند** - امیر قاسم فولادوند. فرزند مرحوم عزیزالله فولادوند« هژیرالسلطنه» (ملاک و وکیل مجلس) متولد حدود ۱۲۸۷ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه . ملاک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۴ و ۱۶ از بروجرد .

**فولادوند** - عزیزالله فولادوند. فرزند...(....). متولدحدود ۱۲۶۳ شمسی. دارای تحصیلات متعارف . عمده مالک و کارمند دولت . نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از خرم آباد .

**فولادوند** - غلامرضا فولادوند. فرزند عزیزالله خان فولادوند(عمده مالک و کارمنددولت و وکیل مجلس) متولد حدود ۱۲۸۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. ملاک و کارمند دولت . نمایندهٔ دوره‌های ۱۵ و ۱۶ از شاهرود .

**فومنی** - سید زین العابدین فومنی. فرزند مرحوم حاج سید مرتضی. رشتی(روحانی ) متولد حدود ۱۲۶۹ شمسی . دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. ملاک و روحانی و نمایندهٔ دورهٔ ۱۶ از فومن .

**فهیمی** - خلیل فهیمی « فهیم الملک». فرزند میرزا محمودخان نعیم السلطنه( کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۵۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب از دارالفنون. کارمند دولت . نمایندهٔ دوره‌های ۲ و ۴ از قزوین . و دوره‌های ۶، ۷، ۸ و ۹ از قوچان .

**فهیمی** - رحمت الله فهیمی. فرزند مرحوم وردی قلیچ (تاجر). متولدحدود ۱۲۹۱ شمسی . دارای تحصیلات متوسطه (دیپلمهٔ ریاضی). کارمند دولت و مالک و مدیر شرکت سهامی ثابت پاسال درگرگان. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از دشت گرگان.

**فیروز** - مهندس اسکندرفیروز. فرزندتیمسار محمدحسین فیروز (کارمند دولت وملاک) متولد حدود ۱۳۰۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی از انگلستان. ملاک وکارمند دولت . نمایندهٔ دوره‌های ۱۹ و ۲۰ از همدان .

**فیروز** - شاهزاده نصرةالدوله فیروز. فرزند شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما(ملاک و کارمنددولت ونمایندهٔ مجلس). متولد ۱۲۶۹ شمسی . دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از پاریس . عمده مالک وکارمند دولت . نمایندهٔ دوره‌های ۴و۵ - از کرمانشاه .

**فیروزآبادی** - حاج سید رضافیروز آبادی. فرزند سیدهاشم فیروز آبادی(زارع)متولدحدود ۱۲۵۱ شمسی . دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. ملاک و روحانی . نمایندهٔ دورهٔ ۳ از شهر ری و دوره‌های ۶،۷،۴ ،۱ از تهران .

**فیصلی** - مکی فیصلی. فرزند علی ( ..... ). متولد ۱۳۱۰ شمسی . دارای تحصیلات متوسطه . تاجر ونمایدهٔ دورهٔ ۲۱ از خرمشهر.

# ق

**قاجار** - شیخ محسن قاجار. فرزندحاج محمد رحیم خان. (روحانی ومالک) .متولد.... دارای تحصیلات حدود متوسطه. ملاک و روحانی و نمایدهٔ دورهٔ ۱ از کرمان .

**قاضی** - افغان قاضی. فرزند.....(....). متولد..... دارای تحصیلات..... شغل..... و نمایندهٔ دورهٔ ۳ از گنبد قابوس .

**قاضی نوری** - میرزا ابوالحسن قاضی نوری. فرزند...(.....) متولد حدود ۱۲۵۵ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه (دیپلمهٔ مدرسهٔ کشاورزی بهشتی). کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۷ از ایوانکی.

**قبادیان** - خسرو قبادیان. فرزند مرحوم جوان میر کلهر «ضرغام الدوله» (مالک عمده). متولد حدود ۱۲۸۸ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک و نمایندهٔ دورهٔ ۱۹ از کرمانشاه.

**قبادیان کلهر** - عباس قبادیان کلهر. فرزند مرحوم جوان میر کلهر « ضرغام الدوله. (عمده مالک) متولد حدود ۱۲۷۸ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۴، ۱۵ و ۱۶ از کرمانشاه.

**قراچورلو** - خانار قراچورلو. فرزند حسینقلی (ملاک). متولد حدود ۱۳۰۴ شمسی. دارای تحصیلات..... مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از جغتای.

**قراچورلو** - حسین قراچورلو. فرزند حسین (....). متولد ۱۲۹۸ شمسی. دارای تحصیلات..... کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از تهران.

**قراگزلو** - حاج عبدالله خان قراگزلو « امیر نظام». فرزند مرحوم اعتمادالسلطنه (مالک عمده و رئیس فوج) متولد حدود ۱۲۳۵ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. عمده مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۳ از همدان.

**قراگزلو** - بهاء الملک قراگزلو. فرزند مرحوم علیقلیخان بهاء الملک (عمده مالک و رئیس فوج همدان) متولد ۱۲۶۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی از اروپا. عمده مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ٤ از همدان.

**قراگزلو** - محسن خان قراگزلو. فرزند ابوالقاسم خان ناصر الملک (عمده مالک و نایب السلطنه) متولد حدود ۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی از انگلستان. عمده مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۷، ۸ و ۹ از همدان.

**قراگزلو** - منصور علی قراگزلو. سردار اکرم. فرزند عبدالله قراگزلو « امیر نظام» (مالک عمده و نمایندهٔ مجلس). متولد ۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات حدود عالی از خارج. مالک عمده و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۱۱ از همدان.

**قراگزلو** - منوچهر قراگزلو. فرزند میرزا تقی خان قراگزلو (عمده مالک). متولد ۱۳۰٤ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه از خارج. مالک عمده و نمایندهٔ دورهٔ ۱۹ از همدان.

**قره گزلو** - حسنعلی خان قره گزلو فرمند« ضیاء الملک». فرزند مرحوم حسینقلی ضیاء الملک (مالک عمده) متولد حدود ۱۲۶۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی از خارج. مالک عمده و نمایندهٔ دوره های ۵، ٦ و ١٤ از همدان.

**قره گزلو** - دکتر محمد علی قره گزلو. فرزند حاج حسین (تاجر). متولد ۱۲۹۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب از آمریکا. کارمند دولت و طبیب و مالک مستغلات. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از قم.

**قریشی** - علی قریشی. فرزند سید محمد قریشی (مالک عمده و وکیل مجلس). متولد ۱۳۰۰ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۱۹ از مشهد.

**قریشی** - سید محمد قریشی. فرزند سید حسن (تاجر). متولد ۱۲۸٦ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک عمده. نمایندهٔ دوره‌های ۱٦، ۱۸ و ۲۰ از مشهد.

**قزل اپاغ** - دکتر حسینقلی قزل اپاغ. فرزند قربان خان (.....). متولد ۱۲۵٤ شمسی. دارای تحصیلات

عالی در رشتهٔ طب از دارالفنون. پزشک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۳، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ از سمنان.

**قزوینی** - میرزا احمد قزوینی. فرزند (ازطایفهٔ عمارلوی قزوین). متولد ..... دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از تبریز.

**قزوینی** - حاج رحیم آقا قزوینی. فرزند حاج فتحعلی (تاجر). متولد ..... دارای تحصیلات متعارف. تاجر ونمایندهٔ دورهٔ ۷ از تبریز.

**قزوینی** - حسن قزوینی. فرزند مرحوم آقا محمد رضا الله وردی (از اصناف). متولد ۱۲۷۷ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۱۰ از کرمان.

**قشقایی** - اسماعیل خان قشقائی «سردار عشایر». فرزند داراب خان قشقائی. از رؤسای ایل قشقائی ومالک عمده). متولد ۱۲۵۷ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک عمده. نمایندهٔ دوره‌های ۵، ۸ از جهرم.

**قشقایی** - خسرو قشقایی. فرزند مرحوم اسماعیل خان «سردار عشایر» (مالک عمده و وکیل مجلس) متولد حدود ۱۲۹۶ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. مالک عمده و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۵، ۱۶-۱۷ از فیروز آباد.

**قشقائی** - محمد ناصرخان قشقائی. فرزند مرحوم اسماعیل خان قشقائی «سردار عشایر» (مالک عمده ووکیل مجلس). متولد ۱۲۷۱ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. مالک عمده و نمایندهٔ دورهٔ ۸ از طرف ایل قشقایی.

**قمی** - حاج میرزا ابراهیم قمی. فرزند مرحوم حاج ملا باقر (روحانی). متولد ۱۲۵۵ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی و مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۲، ۴ از قم.

**قمی** - حاج میرزا علیرضا قمی. فرزند مرحوم حجة‌الاسلام حاج سید جواد. (روحانی و کارمند آستانهٔ حضرت معصومه). متولد حدود ۱۲۵۷ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. ملاک و کارمند آستانه حضرت معصومه. نمایندهٔ دوره‌های ۲، ۳ و ۵ از قم.

**قمی** - حاج ملا محمود قمی. فرزند ....(.....). متولد .... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. روحانی ونمایندهٔ دورهٔ اول از قم.

**قنات آبادی** - حاج سید شمس الدین قنات آبادی. فرزند حاج سید محمد حسین (پیشنماز) متولد ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. سردفتر اسناد رسمی. نمایندهٔ دوره‌های ۱۷ و ۱۸ از شاهرود. ودورهٔ ۱۹ از ایوانکی.

**قوام** - میرزاابراهیم قوام. فرزند سهراب خان قوام (مالک عمده وبیگلربیگی فارس). متولد ۱۲۶۸ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. مالک عمده و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۶، ۷، ۸ و ۹ از شیراز.

**قوام** - علی قوام. فرزند ابراهیم قوام (مالک عمده و کلانتر فارس). متولد حدود سال ۱۲۹۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ نظام. مالک عمده و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۹ و ۲۰ از شیراز.

**قوام‌الاسلام** - شریعتمدار قوام الاسلام. فرزند ....(.....). متولد .... دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از نیشابور.

**قوام‌الدوله** میرزا شکرالله خان قوام الدوله (معتمدخاقان سابق) فرزند مرحوم صدرالدوله اصفهانی (ملاك وکارمند دربار) متولد حدود..... دارای تحصیلات متعارف. ملاك وکارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۳ از نجف آباد و ٤ از محمره.

**قوام‌السلطنه** - احمد قوام «قوام السلطنه». فرزند مرحوم میرزا ابراهیم خان معتمدالسلطنه (ملاك وکارمند دولت). متولد حدود ۱۲۵۷ شمسی. دارای تحصیلات حدود عالی در رشتهٔ سیاسی ازپاریس. ملاك وکارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ٤ از مشهد.

**قوام‌السادات** - حاج میرزاآقابابا «قوام السادات». فرزند.....(......). متولد....دارای تحصیلات متعارف. شغل.....نمایندهٔ دورهٔ ۱ از طرف اصناف قوچان.

**قوام‌دیوان** - حاج حبیب الله قوام دیوان. فرزند....(......). متولد.... دارای تحصیلات متعارف. مالك عمده و نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف اعیان شیراز.

**قوامی** - سید اسماعیل قوامی «فروغ الملك». فرزند حبیب الله قوامی «قوام دیوان» (مالك و وکیل مجلس). متولد حدود ۱۲۷۶ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالك عمده وکارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۸ و ۲۰ از شیراز.

**قوامی** - محمد قلی قوامی. فرزند.....(....). متولد.....دارای تحصیلات حدود متوسطه. مالك وکارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۱۵ از شیراز.

**قهرمان** - ابوالفتح قهرمان. فرزند مرحوم قهرمان میرزا «سردار اعظمی» (ملاك) متولد ۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. ملاك وکارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۵-۱۶- از شهرضا و اصفهان.

## ک

**کازرونی** - میرزا علی کازرونی «صدرالاسلام» فرزند مرحوم آقا ملا حسین (....) متولد ۱۲٤۷ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دوره‌های ٤ و ٥ از بوشهر و ۶، ۷، ۸ و ۹ از بندرعباس.

**کازرونیان** - سید ابوطالب کازرونیان. فرزند مرحوم حاج سید محمود. (تاجر عمده). متولد حدود ۱۲۶۶ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و ملاك. نمایندهٔ دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از شیراز.

**کاسمی** - دکتر نصرت‌الله کاسمی. فرزند مرحوم اسدالله کاسمی «دبیر حرم» (کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۹۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب. پزشك وکارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۱۶ از ساری.

**کاشانی** - حاج سید ابوالقاسم کاشانی. فرزند مرحوم آیت الله سید مصطفی (از علماء طراز اول نجف) متولد ۱۲۶٤ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی و نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از تهران.

**کاشانی** - میرزاسیدحسن کاشانی. فرزند مرحوم حاج حسین (......) متولد ۱۲٤۵ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی و نمایندهٔ دوره‌های ۱، ٤ و ٥ از کاشان.

**کاشانی** - سید عبدالرحیم کاشانی. «معروف بسید تمبری». فرزند.....(......) متولد ۱۲۵۲ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. لوازم التحریر فروش و نمایندهٔ دوره‌های ۷ و ۸ از تهران.

**کاشانی** - سیدفاضل کاشانی. فرزندحاجی سیدصدرالدین (روحانی). متولدحدود ۱۲۴۰ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی و نمایندهٔ دوره‌های ۳و ٤ از شاهرود.

**کاشانیان** - حسن کاشانیان. فرزند مرحوم حاج میرزا محمود (ملاك و تاجر). متولد۱۲۷۶ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و مالک. نمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از تهران.

**کاشف** - غلامحسین کاشف. فرزند محمد ابراهیم (تاجر). متولد ۱۲۶۷ شمسی. دارای تحصیلات متعارف تاجر و نمایندهٔ دوره‌های ۹، ۱۰ و ۱۱ از تهران.

**کاشف کاشانی** - حاج محمداسماعیل کاشف (کاشانی). فرزند.... (تاجر). متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از تربت حیدریه.

**کاظمی** - سید مصطفی کاظمی. فرزند سید احمد خان (ملاك و مستوفی). متولد ۱۲٦٦ شمسی. دارای تحصیلات عالی از مدرسهٔ سیاسی تهران. مالک عمده و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ١٤ از کرمان.

**کامبخش** - عبدالصمد کامبخش. فرزند.... (ملاك). متولد..... دارای تحصیلات حدود متوسطه. مالک و نمایندهٔ دورهٔ ١٤ از قزوین.

**کامکارشاهرودی** - میرزا باقرخان کامکار شاهرودی. فرزندحاج محمد حسن شاهرودی. (تاجر). متولد ۱۲٦٥ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. تاجر و نمایندهٔ دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲و ۱۳ از قزوین.

**کدیور** - رضا کدیور. فرزند مرحوم جواد کدیور (کارمنددولت). متولد ۱۲۸۳ شمسی. دارای تحصیلات حدود متعارف. ملاك و نمایندهٔ دوره‌های ۱۸، ۱۹و ۲۰ از مشهد.

**کردستانی** - حاج میرزااسدالله خان کردستانی. فرزندحاجی معتمد(.....). متولد۱۲٦۲ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاك و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۲، ۳، ٤و ٥ از سنندج.

**کردستانی** - میرزا محمد خان کردستانی «وکیل الملک». فرزند.....(.....). متولد ۱۲٦٤ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک عمده. نمایندهٔ دوره‌های ٥، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ ازسنندج.

**کردستانی**- حاجی میر عبدالمطلب کردستانی «امین التجار». فرزند میرزا ابراهیم امین التجار کردستانی (تاجر)متولد.... دارای تحصیلات....... تاجر و نمایندهٔ دورهٔ اول ازطرف اصناف چهارگانه «قصاب - دباغ - مرغ فروش - بره فروش» تهران.

**کرمانشاهی** - حاج میرزا حسین خان کرمانشاهی. فرزندمرحوم میرزا یحیی (روحانی). متولد۱۲۵۸ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. روحانی و مالک و تاجر. نمایندهٔ دورهٔ ۳ از کرمانشاه.

**کرمانشاهی** - حاج ملک محمد کرمانشاهی. فرزندحاجی احمد (تاجر). متولد.... دارای تحصیلات متعارف تاجر و نمایندهٔ دورهٔ اول از کرمانشاه.

**کرمانی** - محمد علی کرمانی. فرزند....(.....). متولد..... دارای تحصیلات.... شغل..... نمایندهٔ دورهٔ اول از کرمان.

**کرمانی** - شیخ مهدی کرمانی «بحرالعلوم». فرزند آخوندملا محمدجعفر (روحانی). متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی و مدرس تکیه میرزاحسین وزیر. نمایندهٔ دورهٔ اول از کرمان.

**کرمانی** - شیخ یحیی کرمانی. فرزند....(.....). متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدودمدرسی. فلاح و نمایندهٔ دورهٔ اول ازکرمان.

**کریمی** - نادعلی کریمی. فرزند مرحوم حاج محمد رضا کریمی (بازاری). متولد ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۷و۱۸ ازکرمانشاه.

**کزازی** - سیدحسن کزازی «معروف باجاق». فرزندحاج سید اسماعیل اجاق (از سالکین طریقت نعمت اللهی) متولد حدود ۱۲۴۸ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی و نمایندهٔ دورهٔ ۵ از کرمانشاه.

**کزازی** - سید حسین کزازی. فرزند مرحوم حاج سیدحسن کزازی. (ملاک و از سادات دراویش نعمت الهی). متولد حدود ۱۲۵۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. ملاک. نمایندهٔ دوره‌های ۲-۳ از کرمانشاه.

**کسرایی** - ابراهیم کسرائی. فرزند نقی (تاجر) متولد ۱۲۹۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از تربت حیدریه.

**کشاورز** - دکتر فریدون کشاورز. فرزندمحمدوکیل التجار یزدی (تاجرو نمایندهٔ مجلس) متولد ۱۲۸۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب از فرانسه. پزشک و نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از بندرپهلوی.

**کشاورز** - سیدمحمدعلی کشاورزصدر. فرزندمرحوم آقاسیدمحمد کوچک (جلودارامیر مفخم بختیاری). متولد حدود ۱۲۸۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. وکیل دادگستری. نمایندهٔ دوره‌های ۱۵و۱۶ از خرم آباد.

**کشاورزیان** - محمد کشاورزیان. فرزندمرحوم غلامحسین (بازرگان). متولد ۱۲۹۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی از دانشگاه تهران. کارمند دولت و مدیر روزنامهٔ عصر امروز. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از ملایر.

**کشکولی** - حاج محمد کریم خان کشکولی. فرزندمهدیقلیخان کشکولی. (مالک و کلانترفارس) متولد .... دارای تحصیلات متعارف. ملاک و از کلانتران فارس. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از طرف ایل قشقایی.

**کفایی** - جعفر کفایی. فرزند حاج میرزا احمد کفایی خراسانی (ازعلماء). متولد ۱۲۸۴ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ قضائی. کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۱۰ از تربت حیدریه.

**کفایی** - حسن کفایی «آقا زاده» فرزند مرحوم آیة الله خراسانی (آخوند ملاکاظم کفایی) (روحانی). متولد ۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. آیت الله‌زاده و نمایندهٔ دوره‌های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۴ از مشهد.

**کشفی** - جمشید کشفی. فرزندمیرزا آقا(...). متولد ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات بازرگان و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از تهران.

**کلالی** - دکتر منوچهر کلالی. فرزند حبیب الله کلالی (ملاک). متولد ۱۳۰۴ شمسی. دارای تحصیلات عالی. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از مشهد.

**کلانتر** - حاج میرزا ابراهیم کلانتر «شرف الدوله». فرزندحاج میرزا علینقی باغمیشهٔ معروف بحاجی کلانتر (مالک). دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. مالک و نمایندهٔ دورهٔ اول ازطرف اعیان از تبریز.

**کلانتری هرمزی** - محمد علی کلانتری هرمزی. فرزند درویش (مالک). متولد ۱۳۰۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ شیمی. کارمند دولت و مالک. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از رامهرمز.

**کلهر** - حاج محمد خان کلهر «مؤیدالوزراه». فرزندسلیمان خان (....). متولد .... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. تاجر. مالک و نمایندهٔ دورهٔ اول از کرمانشاه.

**کمالوند** - میرزا حبیب‌الله خان کمالوند «یمین الملک». فرزند مرحوم میرزاعلیخان (مستوفی) متولد ۱۲۵۱ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۳ و ۵ از خرم آباد.

**کمالوند** - علی کمالوند. فرزند مرحوم حبیب الله (مالک و کارمند دولت و نمایندهٔ مجلس). متولد ۱۳۰۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ ادبیات و تاریخ. کارمند دولت و مالک مستغلات. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از ملاوی لرستان.

**کمالی نیشابوری** - میرزا حیدر کمالی نیشابوری. فرزند مرحوم آقا محمد مهدی (بلور فروش) متولد ۱۲۵۱ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دوره های ۹ و ۱۰ از نیشابور.

**کمانگر** - هوشنگ کمانگر. فرزند مرحوم عبدالعزیز (ملاک و کارمند دولت). متولد .... دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی. کارمند دولت و ملاک. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از سنندج.

**کنگرلو** - ناصر کنگرلو. فرزند مرحوم قنبر (کارمند دولت). متولد ۱۳۰۱ شمسی. دارای تحصیلات در حدود عالی رشتهٔ علوم اداری. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از گناباد.

**کوراوغلی** - حسین کوراوغلی. فرزند .... (....). متولد .... دارای تحصیلات متعارف. مالک و تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۱۶ از یزد.

**کورس** - میرزا حسنخان کورس. فرزند رحیم خان ....(تاجر). متولد ۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر عمده. نمایندهٔ دورهٔ ۹ از قزوین و دورهٔ ۱۰ از تهران.

**کورس** - کاظم کورس. فرزند رحیم خان (تاجر). متولد ۱۲۸۶ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. تاجر و مالک. نمایندهٔ دوره‌های ۲۰ و ۲۱ از تهران.

**کهبد** - بهاء الدین کهبد. فرزند مرحوم محسن (.....). متولد ۱۲۸۵ شمسی. دارای تحصیلات متعارف تاجر و مالک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۵، ۱۶ و ۱۷ از کرمان و ساوجبلاغ.

**کیا** - مهندس افراسیاب کیا. فرزند مرحوم ذبیح الله (مالک). متولد ۱۲۹۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ مهندسی برق و راه دیواز فرانسه. کشاورز و مقاطعه کار ساختمان. نمایندهٔ دوره‌های ۲۰ و ۲۱ از بابل.

**کیان** - دکتر مرتضی کیان. فرزند علیرضا (مالک). متولد ۱۲۹۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب. کارمند دولت و پزشک. نمایندهٔ دوره‌های ۲۰ و ۲۱ از شهرضا.

**کیان** - دکتر غلامرضا کیان. فرزند محمد قاسم (مالک عمده). متولد حدود سال ۱۲۸۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی. ملاک و کارمند مؤسسات ملی. نمایندهٔ دوره‌های ۱۴، ۱۶ و ۱۷ از شهرضا.

**کی استوان** - حسینخان کی استوان. فرزند حاج علی اکبر معتمد الممالک (....). متولد حدود ۱۲۶۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ علوم سیاسی. کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۵ و ۶ از انزلی.

**کیانوری** - ضیاءالدین کیانوری. فرزند شیخ فضل الله نوری (ملاک و روحانی). متولد .... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۷ از تهران.

**کیکاوسی** - تیمسار روح الله کیکاوسی. فرزند حبیب الله جهانبانی (....). متولد حدود ۱۲۷۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ نظام. کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۸ و ۱۹ از زاهدان.

**کیوان** - اسدالله کیوان. فرزند فضل الله کیوان. (ملاک و تاجر). متولد حدود ۱۲۸۴ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۱۲ از همدان.

**کیوان** - صدری کیوان. فرزند ابراهیم (.....). متولد ۱۳۰۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق قضائی. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از دشت میشان.

**کی نژاد** - رضا کی نژاد. فرزند مرحوم حاج محمد حسین (تاجر) متولد حدود ۱۲۸۴ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از تهران.

**کیهان یغمائی** - احمد کیهان یغمائی. فرزند ابوالقاسم (کارمند دولت و ملاك). متولد ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. مالك و سهامدار و تاجر. نمایندهٔ دوره‌های ۲۰ و ۲۱ از مشهد.

## گ

**گرجی** - محمد عبدالله گرجی. فرزند عبدالمجید (بازاری). متولدحدود ۱۲۹۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از تهران.

**گرگانی** - حسنعلی گرگانی. فرزند مرحوم احمد(.....). متولد ۱۲۹۴ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از اراك.

**گروسی** - شیخ محمد حسین مجتهد گروسی. فرزند مرحوم آقا علی‌حیدر (روحانی). متولد۱۲۵۲شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۳ و ٤ از بیجار.

**گلبادی** - منوچهر گلبادی. فرزند مرحوم نصرت‌الله (عمده مالک). متولد حدود ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. مالك عمده و نمایندهٔ دورهٔ ۱۰ از ساری.

**گله‌داری** - شیخ عبدالله گله داری. فرزندمرحوم شیخ احمد (تاجر). متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. تاجر عمده و نمایندهٔ دورهٔ ١٤ از بندرعباس.

**گنابادی** - محسن گنابادی. فرزند.....(.....). متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۱۵و ۱٦ ازگناباد.

**گنجه‌ای** - جواد گنجه‌ای. فرزند حاج میرزا علینقی گنجه‌ای (تاجرو نمایندهٔ مجلس). متولدحدود۱۲۷۷ شمسی. تحصیلات حدود متوسطه (فارغ التحصیل مدرسهٔ سن‌لوئی) تاجر و ملاك و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۵، ۱٦و ۱۷ از تبریز.

**گنجه‌ای** - حاج میرزا علینقی گنجه‌ای. فرزند....(تاجر). متولد حدود ۱۲۵۱ شمسی. دارای تحصیلات حدود متعارف. تاجر عمده و ملاك. نمایندهٔ دورهٔ ۷ از تبریز.

**گودرزی** - عزت‌الله گودرزی. فرزندمرحوم نصرت‌الله (...). متولدحدود۱۲۹۷شمسی. دارای تحصیلات ..... کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از ملاوی.

**گودرزی** - فتح الله گودرزی. فرزند محمد باقر خان گودرزی (ملاك و سرهنگ فوج). متولدحدود۱۲٦۹ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲و۱۳ از خرم آباد.

**گودرزی** - موسی گودرزی. فرزند مرحوم‌اسماعیل(ملاك). متولدحدود ۱۲۷٦ شمسی. دارای‌تحصیلات عالی. کارمند دولت و ملاك. نمایندهٔ دورهٔ ۱٦ از بابل.

**گیو** - رستم گیو. فرزند مرحوم شاهپور (تاجر). متولد حدود ۱۲٦۷ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه از خارج. تاجر و رئیس انجمن زردتشتیان. نمایندهٔ دوره‌های ۱۳، ۱٤، ۱۵، ۱٦، ۱۸، ۱۹ از طرف اقلیت زردتشتیان.

# ل

**لاری** - محمد مهدی لاری. فرزند مرحوم حاجی احمد (تاجر). متولد..... دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دوره‌های ۱۸ و ۲۰ از یزد.

**لاریجانی** - سید حبیب الله لاریجانی. فرزند مرحوم حاج سید آقا بزرک (ملاک). متولد ۱۲۶۷ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. تاجر و نمایندهٔ دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از تهران.

**لاریجانی** - سیدیحیی لاریجانی «سیدالحکماء». فرزند....(......) متولد.... دارای تحصیلات.... پزشک و نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف مالکان تهران.

**لاهوتی** - نصرالله لاهوتی «طالقانی». فرزندذبیح الله(....). متولدحدود ۱۲۸۰ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۱۵ از قزوین.

**لسان‌الحکماء** - شاهزاده یحی‌میرزالسان الحکماء فرزند شاهزاده عبدالحسین میرزا شمس‌الشعراء. ملقب بشهاب الدوله (مالک). متولد..... دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ پزشکی. پزشک و نمایندهٔ دورهٔ ۱ از خراسان و دورهٔ ۲ از تهران.

**لسان‌الملک** - لسان الملک. فرزند....(تاجر). متولد..... دارای تحصیلات متعارف. تاجرو نمایندهٔ دورهٔ ٤ از جهرم.

**لفوطی** - صفر لفوطی. فرزند اسدالله(کشاورز). متولدحدود ۱۲۹۶ شمسی. دارای‌تحصیلات سیکل اول دبیرستان. نمایندهٔ حل اختلاف کارگران. و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از شاهی.

**لقمان‌ادهم** - دکتر محمد حسن خان لقمان ادهم. فرزند لقمان الدوله (پزشک). متولد حدود ۱۲۶۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی از خارج. پزشک و نمایندهٔ دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ از تهران.

**لنکرانی** - شیخ حسین لنکرانی. فرزند مرحوم‌حاج‌شیخ علی(روحانی). متولد حدود ۱۲۷۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی و سردفتر اسناد رسمی. نمایندهٔ دورهٔ ۱٤ از اردبیل.

**لیقوانی** - ابوالقاسم لیقوانی. فرزندمرحوم عزت‌الله(مالک). متولدحدود ۱۲۷۱ شمسی. دارای‌تحصیلات حدود متعارف. مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۱۵ از تبریز.

**لیقوانی** - میرزا عیسی‌خان لیقوانی «امیر معتضد». فرزند لطف الله‌لیقوانی «صدق السلطنه» (مالک عمده ونمایندهٔ مجلس). متولد ۱۲۷۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی. مالک عمده و نمایندهٔ دوره‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از تبریز.

**لیقوانی** - حاج لطف الله لیقوانی. فرزند میرزا عبدالله خان (مالک)متولد ۱۲٤۱ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک و نمایندهٔ دوره‌های ۵ و ۶ از تبریز.

**لواءالدوله** - حاج بیوک خان لواء الدوله. فرزند مرحوم اسماعیل خان مهاجر (....). متولد....... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از خوانسار و گلپایگان.

# م

**مازندرانی** - محمد علی مازندرانی. فرزند.....(تاجر). متولد.... دارای تحصیلات حدود متوسطه. تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۱ از مازندران.

**مافی** - فتح الله مافی. فرزند ابوالقاسم (کارمند دولت). متولد ۱۲۹۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق «قضائی» از بیروت و فرانسه و انگلیس و سویس - (بنابا اظهار خودشان) کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از ماه نشان.

**مافی** - محمد علیخان سالار نظام مافی. فرزند مرحوم رضاقلی نظام السلطنه مافی (مالک و کارمند دولت) متولد ۱۲۶۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. از دانشگاه لنین گراد. مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ٤ از تون و طبس (دورهٔ سوم از بروجرد انتخاب شدند ولی بمجلس وارد نشد)

**مالك** - مهندس مهدی مالک. فرزند ابراهیم (کارمند دولت). متولد ۱۳۰۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ مهندسی مکانیک از آلمان. کارمند شرکت واحد. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از تهران.

**مامقانی** - اسدالله مامقانی. فرزند عبدالکریم (روحانی). متولد ۱۲۶۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱۰ از تبریز.

**ماکویی** - کامل ماکویی. فرزند مرحوم نصرالله (ملاک). متولد ۱۲۷۲ شمسی. دارای تحصیلات حدود عالی. ملاک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۲، ۱۳ و ۱۰ از خوی.

**ماهروزاده** - میرزا حسینعلی ماهروزاده. فرزند... متولد... دارای تحصیلات... نمایندهٔ دوره‌های اول از طرف اصناف تهران.

**مبارکی** - عیسی مبارکی. فرزند مرحوم موسی خان (ملاک و رئیس ایل). متولد ۱۲۸۱ شمسی دارای تحصیلات متعارف. ملاک رئیس ایل مبارکی (باسابقهٔ کارمندی دولت). نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ و ۲۱ از ایرانشهر.

**مبصر الملك** - میرزا محمود خان مبصرالملک. فرزند...(.....). متولد..... دارای تحصیلات حدود متعارف. کارمند بانک شاهنشاهی. نمایندهٔ دورهٔ ۳ از طبس.

**مبین** - دکتر غلامرضا مبین. فرزند حاج غلامعلی. (.....). متولد ۱۲۹۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از سویس. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از خواف.

**متولی** - میرزا طاهر متولی. فرزند میرزا عبدالله متولی (ملاک و متولی مسجد گوهرشاد). متولد ۱۲۶۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. ملاک و متولی مسجد گوهرشاد. نمایندهٔ دورهٔ ۳ از مشهد.

**متولی باشی** - میر اشرف متولی باشی. فرزند سید معصوم متولی باشی(.....). متولد ۱۳۰۳ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از مشکین شهر.

**متین** - دکترحسن متین. فرزند محمد صادق شفیع زاده (ملاک و وکیل دادگستری). متولد ۱۲۹۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. مالک و وکیل دادگستری. نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از بابل.

**متین السلطان** - عبدالحمید متین السلطان «متین السلطنه». فرزند حاج میرزاعبدالباقی (طبیب). متولد..... دارای تحصیلات حدود متوسطه. مدیر روزنامهٔ طلوع و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از خراسان.

**متین‌دفتری** - دکتر احمد متین دفتری. فرزند مرحوم میرزا محمودخان عین الممالک (.....). متولد ۱۲۷۵ شمسی. «۱۳۱٤ ه.ق». دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از سویس. کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۱۰ از مشکین شهر.

**مجتهدی** - عبدالحسین مجتهدی. فرزند...(روحانی). متولد.... دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی و مالک. نمایندهٔ دوره‌های ۱۶ و ۱۷ از تبریز.

**مجتهدی** - دکتر یوسف مجتهدی. فرزند مسعود (روحانی و مالک). متولد ۱۲۸٤ شمسی. دارای تحصیلات عالی از خارج. مالک عمده و پزشک. نمایندهٔ دوره‌های ۱٤، ۱۵، ۱۶ و ۲۰ از تبریز.

**مجتهدی** - مهندس یحیی مجتهدی. فرزند ابوالقاسم(مالک). متولد۱۳۰۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی از سویس و آمریکا. کارمند دولت و مالک. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از نیشابور.

**مجد** - رضا مجد. فرزند محمود (کارمند دولت). متولد ۱۳۰۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق و ادبیات. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از محلات.

**مجد** - محمد علی مجد «فطن السلطنه». فرزند شیخ محمد (مکتبدار). متولد ۱۲۶۹ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. ملاک و مدرس. نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از قزوین.

**مجدزاده** - بهرام مجدزاده. فرزند...(.....). متولد....دارای تحصیلات..... شغل...... نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از رفسنجان.

**مجدالسلطنه** - حاج میرزا مهدی خان مجد السلطنه. فرزند شاهزاده علاء السلطنه(....) متولد حدود ۱۲۶۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی. کارمنددولت ونمایندهٔ دورهٔ اول از طرف شاهزادگان تهران.

**مجدالملک** - میرزاتقی خان مجد الملک. فرزندحاجی میرزا محمدخان مجدالملک سنیکی لواسانی(کارمند دولت و مالک و متولی آستان حضرت رضا «ع» . متولد.....دارای تحصیلات عالی. ملاک وکارمند دولت . نمایندهٔ دورهٔ اول (وکیل مجلس).

**مجدضیایی** - میرزا حبیب الله مجدضیایی. فرزند مرحوم شیخ الاسلام(روحانی). متولد ۱۲۶۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. روحانی و مالک. نمایندهٔ دوره‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳و ۱۴ از زنجان.

**مجیدفیاض** - علی اکبر مجید فیاض. فرزند مرحوم عبدالحمید. (روحانی‌و مستخدم آستان حضرت رضا (ع). متولد ۱۲۶۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی. کارمند دولت . نمایندهٔ دوره‌های ۱۲ و ۱۳ از مشهد.

**مجیدی آهی** - دکتر حمید مجیدی آهی. فرزند مرحوم ابوالقاسم(مالک‌عمده)متولد۱۲۷۷شمسی. دارای تحصیلات عالی از خارج. ملاک و پزشک وکارمند دولت . نمایندهٔ دوره‌های ۱۸ و۱۹ ازبابل

**محدث‌زاده** - محمد علی محدث زاده فرزند مرحوم غلامرضا(واعظ وکشاورز)متولد۱۲۸۷شمسی. دارای تحصیلات متعارف. طراح نقاشی قالی و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ ازکرمان.

**محسنی** - مجید محسنی. فرزند سید علی (زارع). متولد ۱۳۰۲شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه (دیپلمهٔ هنرستان هنر پیشگی ایران). کارمند ادارهٔ رادیو. هنر پیشه‌وکارگردان فیلم ایرانی‌و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از دماوند.

**محسن‌بن‌صدرالعلماء** - میرزا محسن بن صدر العلماء فرزند میرزا محمد باقر صدرالعلماء (روحانی) متولد .....دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی و نمایندهٔ دورهٔ اول از تهران.

**محقق‌الدوله** - محقق‌الدوله. فرزند میرزا هاشم خان امین در بارکاشی (کارمند دولت). متولد..... دارای تحصیلات عالی. (فارغ التحصیل مدرسهٔ سیاسی تهران). کارمند دولت . نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف تجار تهران.

**محقق‌العلماء** - سید جواد محقق‌العلماء. فرزند مرحوم‌خاج سیدعلی‌اکبر (روحانی). متولد۱۲۵۴شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. روحانی و نمایندهٔ دورهٔ ۴ از شیراز و دورهٔ ۵ از دزفول و دورهٔ ۶ از خمسه.

**محلاتی** - میرزا ابوالفضل محلاتی. فرزند.....(مجتهد). متولد.....دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی و نمایندهٔ دورهٔ ۷ از شیراز.

**محلاتی** - شیخ اسدالله محلاتی. فرزند مرحوم آقا حسین محلاتی( از علماء و مجتهدین). متولد ۱۲۴۷ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. ملاك و روحانی و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۲، ۳ و ٤ از خوانسار و گلپایگان.

**محلوجی** - علیمحمد خان محلوجی. فرزند...(......). متولد.....دارای تحصیلات.....تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۹ از کاشان.

**محمد** - سید محمد. فرزند حاج سید ابوطالب (ملاك و روحانی). متولد.....دارای تحصیلات قدیم حدوداجتهاد. مالک و روحانی. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از بروجرد.

**محمد** - حاج سید محمد ساعتفروش. فرزند.....(....). متولد.....دارای تحصیلات...... ساعت ساز و نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف اصناف تهران.

**محمدباقر** - حاج محمد باقر صابونی. فرزند...(......). متولد.....دارای تحصیلات.....شغل از اصناف و نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف صابون پزهای تهران.

**محمدتقی** - حاج محمد تقی استرآبادی. فرزند.....(......). متولد....دارای‌تحصیلات..... شغل .....نمایندهٔ دورهٔ اول از استرآباد.

**محمدتقی** - حاج میرزامحمدتقی. فرزندمرحوم میرزا حسینقلی‌خان(......) متولد ۱۲٤۹ شمسی. دارای تحصیلات ..... مالک و نمایندهٔ دورهٔ ٤ از نائین.

**محمدسعید** - شیخ محمدسعید. فرزندمرحوم ملامحمدعلی (روحانی). متولدحدود۱۲۳۸دارای‌تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی و نمایندهٔ دورهٔ ۳ از گلپایگان.

**محمد کاظم** - شیخ محمد کاظم مجتهد. فرزند.... (......) متولد..... دارای تحصیلات‌قدیم‌حدود اجتهاد. روحانی و نمایندهٔ دورهٔ اول ازتربت‌حیدریه.

**محمود** - حاج سید محمود. فرزند ..... (....). متولد..... دارای تحصیلات قدیم‌حدود مدرسی. روحانی و نمایندهٔ دورهٔ ۷ از گیلان.

**محمود** - محمود محمود. فرزند محمدتقی‌خان (....). متولد حدود ۱۲۵۱ شمسی. دارای تحصیلات (دیپلمهٔ کالج آمریکائی، مؤلف تاریخ روابط ایران و انگلیس). کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ۱۵ از نجف‌آباد.

**محمودی** - محمود محمودی. فرزندابوالفتح محمودی (معروف‌بامجدالسلطنه) (مالک‌عمده) متولد۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات حدود عالی ازفرانسه. مالک‌عمده و کارمند دولت. نمایندهٔدوره‌های ۱۶، ۱۸، ۱۹و ۲۰ ازبندرپهلوی و فومنات.

**محیط‌لاریجانی** - سیدمحمد محیط لاریجانی. فرزند حاج سیدجعفر (مالک عمده). متولد۱۲۵۱شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. مالک عمده. نمایندهٔ دوره‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲و۱۳ ازایوانکی.

**محیط‌لاریجانی** - حبیب‌الله محیط لاریجانی. فرزندمرحوم‌صالح(......) متولد حدود ۱۲۸۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. وکیل دادگستری. نمایندهٔ دورهٔ ۱٤ از سقز.

**مخبرالملك** - محمدقلیخان مخبرالملك. فرزند علیقلی‌خان‌مخبرالدوله هدایت( کارمنددولت). متولد..... دارای تحصیلات عالی از اروپا. کارمند دولت. و نمایندهٔ دورهٔ اول از تهران.

**مخبر فرهمند** - حسن خان مخبر فرهمند «مخبرحضور» فرزند مرحوم حسین کریم السلطان (کارمند دولت). متولد ۱۲۶۲ شمسی. دارای تحصیلات (دیپلمهٔ دارالفنون) کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۶، ۷، ۱۴ و ۱۶ ازهمدان و ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از ملایر و تویسرکان.

**مدبر الدوله** - میرزا اسمعیل خان مدبرالدوله. فرزند مرحوم میرزا مهدیخان (....). متولد ۱۲۶۴ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۵ از بابل.

**مدحت** - میرزا حسن خان مدحت السلطنه. فرزند میرزا زکی خان نوری «مدحت الدوله» (کارمند دولت). متولد.... دارای تحصیلات حدود متعارف. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۳ از بندرعباس.

**مدرس** - سیدحسن مدرس. فرزند مرحوم آقاسیداسماعیل (روحانی و زارع). متولد ۱۲۴۶ شمسی. دارای تحصیلات قدیم درحدود اجتهاد درنجف. روحانی و نمایندهٔ دوره‌های ۲، ۳، ۵ و ۶ ازتهران.

**مدرس** - شیخ علی مدرس نوری. فرزند.... (روحانی). متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی و نمایندهٔ دوره‌های ۱ و ۷ ازتهران.

**مدرس شیرازی** - حاج سیدابراهیم مدرس شیرازی. فرزند.... (ملاک). متولد.... دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. مالک و مدرس. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از شیراز.

**مدرس** - علی‌اصغر مدرس. فرزند..... (....). متولد..... دارای تحصیلات عالی حدود لیسانس سردفتر اسناد رسمی و نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از تبریز.

**مدنی** - دکتر علی مدنی. فرزند اسماعیل (.....). متولد ۱۲۹۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ دامپزشکی. کارمند دولت نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از بوکان.

**مدیر براقی** - احمد مدیر نراقی. فرزند مرحوم میرزا محمد حسین (روحانی) متولد ۱۲۶۲ شمسی. دارای تحصیلات (دیپلمهٔ دارالفنون). کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۵ از کاشان.

**مرآت** - میرزا موسی مرآت. فرزند میرزا رضاخان. (کارمند دولت). متولد ۱۲۰۵ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ از کرمانشاه.

**مرآت اسفندیاری** - حسن مرآت اسفندیاری. فرزند میرزا حسین خان سردار نصرت (وکیل مجلس و کارمند دولت). متولد حدود ۱۲۶۲ شمسی. دارای تحصیلات متعارف ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ از رفسنجان و سیرجان.

**مرآت اسفندری** - محسن مرآت اسفندیاری. فرزند حسن مرآت اسفندیاری (وکیل مجلس و ملاک و کارمند دولت). متولد ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ علوم از نیویورک. مالک عمده و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۵، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از کرمان و سیرجان.

**مرادی** - قاسم مرادی. فرزند علی مرادی (ملاک). متولد ۱۲۹۰ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. کشاورز و فروشندهٔ نفت. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از شاه آباد.

**مرادی** - علی مرادی. فرزند احمد (کشاورز). متولد ۱۳۱۱ شمسی. دارای تحصیلات حدود سیکل اول دبیرستان. کشاورز و مدیر عامل شرکت تعاونی مهاباد. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از مهاباد.

**مرزبان** - دکتر اسماعیل مرزبان «مؤدب السلطنه». فرزند اسدخان (خرده مالک). متولد ۱۲۸۵ دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب. طبیب و نمایندهٔ دوره‌های ۲ و ۳ از بندر پهلوی.

**مرتضوی** - حاج سید احمد مرتضوی. فرزند حاج سید مرتضی صراف تبریزی (صراف) متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. تاجر و نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف تجار تهران.

**مرتضوی** - سید محمدعلی مرتضوی. فرزند مرحوم حاج سیداحمد مرتضوی(تاجر و مالک مستغلات) متولد ۱۳۰۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ اقتصاد. تاجر (باسابقهٔ کارمندی دولت) و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از اهواز.

**مرزبان** - میرزا داودخان مرزبان «سعید الملک». فرزند میرزا رفیع خان مشاور السلطنه (کارمند دولت) متولد ۱۲۶۵ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ٤ از شوشتر و دزفول.

**مرتضی** - میرزا مرتضی مجتهد. فرزند مرحوم آقا باقر (مجتهد). متولد ۱۲۶۳ شمسی. دارای تحصیلات قدیم در حدود اجتهاد. از علماء و متصدی اوقاف. نمایندهٔ دوره‌های ٤ و ٦ از کرمان.

**مروستی** - سید یحیی مروستی «ناصرالاسلام». فرزند مرحوم سیدحسین (روحانی) متولد حدود ۱۲۵۳ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی و مالک و نمایندهٔ دورهٔ ۳ از فومن.

**مزارعی** - سید محیی الدین مزارعی. فرزند مرحوم آقا سیدحسن (طلبه و زارع). متولد حدود ۱۲٦۸ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. ملاک و طلبه و نمایندهٔ دورهٔ ٥ از شیراز.

**مژدهی** - میرزا کاظم مژدهی. فرزند مرحوم نصرالله (ملاک و کارمند دولت). متولد ۱۲۷٦ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱ از بندر پهلوی.

**مساوات** - سید محمد رضا مساوات. فرزند سید حسن (....). متولد ۱۲٤٤ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. روزنامه نگار (مدیر روزنامهٔ مساوات) نمایندهٔ دورهٔ ۲ از تبریز و دوره‌های ۳ و ٤ از تهران و دورهٔ ٥ از ساوجبلاغ.

**مستشار** - حسنعلی مستشار. فرزند مستشار الملک گرکانی (کارمند دولت). متولد ۱۲۷۸ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۱۲ و ۱۳ از تهران.

**مستشار السلطنه** - میرزا احمدخان مستشار السلطنه. فرزند مرحوم حاج میرزا عبدالکریم (کارمند دولت و ملاک). متولد حدود ۱۲٦۰ دارای تحصیلات حدود متعارف. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ٤ از بروجرد.

**مستوفی** - میرزا رضا مستوفی. فرزند میرزا نصرالله مستوفی گرکانی. (کارمند دولت) متولد..... دارای تحصیلات عالی از مدرسهٔ سیاسی تهران. کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲ (وکیل مجلس و و بجای صنیع الدوله انتخاب شد).

**مستوفی الممالک** - میرزا حسنخان مستوفی الممالک. فرزند میرزا یوسف مستوفی الممالک آشتیانی (کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۵۳ (۱۲۹۲ قمری) دارای تحصیلات..... مالک و کارمند دولت نمایندهٔ دوره‌های ۱، ۳، ٤ و ٥ از تهران.

**مسعود** - غلامحسین میرزا مسعود. فرزند مرحوم ظل السلطان (ملاک عمده و از شاهزادگان) متولد ۱۲۷۰ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک و نمایندهٔ دوره‌های ٥، ٦ و ۷ از نجف آباد.

**مسعودی** - جواد مسعودی. فرزند مرحوم محمد علی مسعودی (از اصناف). متولد ۱۲۸۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ اقتصاد و علوم اجتماعی از سویس و بلژیک. روزنامه نگار (مدیر ژورنال دو تهران) و نمایندهٔ دوره‌های ۱٤ از دماوند و ۱٦ از تهران.

**مسعودی** - عباس مسعودی. فرزند حاج محمد علی مسعودی (از اصناف). متولد ۱۲۷٤ شمسی. دارای تحصیلات (دیپلمهٔ دارالفنون). روزنامه نگار. (مدیر روزنامهٔ اطلاعات) و نمایندهٔ دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱٤ و ۱٥ از تهران.

**مسعودی** - قاسم مسعودی. فرزند حسن مسعودی (رئیس شرکت چاپ روزنامهٔ اطلاعات) متولد ۱۲۹۵ شمسی. دارای تحصیلات.....روزنامه نگار و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از تهران.

**مسعودی** - سید کاظم مسعودی. فرزند مرحوم احمد (کارمند دولت) متولد ۱۳۰۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی. روزنامه نگار. (مدیر روزنامهٔ آژنگ) و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از فردوس.

**مسعودی** - محمد علی مسعودی. فرزند حسن مسعودی (رئیس شرکت چاپ روزنامهٔ اطلاعات). متولد ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. روزنامه نگار (روزنامهٔ پست تهران) و وکیل دادگستری. نمایندهٔ دوره‌های ۱۵، ۱۶، ۱۸ و ۱۹ از دماوند و دورهٔ ۲۰ از تهران.

**مسعودی خراسانی** - محمدحسن خان مسعودی خراسانی. فرزند مرحوم سردار مسعودخان (کارمند دولت) متولد ۱۲۵۵ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۷ از دره گز و دوره‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از فردوس.

**مشار** - میرزا حسنخان مشار «مشار الملک قره خان». فرزند.....(.....). متولد ۱۲۴۳ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. کارمند دولت و مالک. نمایندهٔ دوره‌های ۱ و ۴ از تهران و سیرجان.

**مشاراعظم** - یوسف مشاراعظم. فرزند میرزا جعفرخان (مستوفی). متولد ۱۲۶۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی (از مدرسهٔ سیاسی تهران). مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۵ از بروجرد و ۱۷ از تهران.

**مشارالدوله** - میرزا نظام الدین مشار الدوله. فرزند مرحوم حاج میرزا حسام الدین خان مشیر الدوله (مالک). متولد ۱۲۶۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی. ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۳ از شیراز.

**مشارقایمقامی** - عیسی مشارقایمقامی. فرزند حاج محمد علی قایمقامی رضوی (ملاک و کارمند آستانهٔ رضوی). متولد حدود ۱۲۸۵ شمسی. دارای تحصیلات حدود متعارف. مالک عمده. نمایندهٔ دورهٔ ۱۱ از زابل و دوره‌های ۱۲، ۱۳، ۱۹ و ۲۰ از مشهد.

**مشارالملک قمی** - میرزا محمود خان مشاور الملک قمی. فرزند میرزا اسدالله خان وزیر (وزیر ذوالفقارخان) متولد ۱۲۱۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ نجوم از پاریس. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ اول از تهران.

**مشایخ** - میرزا احمدخان مشایخ «مستشار السلطنه». فرزند مرحوم حاج میرزا عبدالکریم (.....) متولد ۱۲۶۷ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۴ از بروجرد.

**مشایخی** - مهدی مشایخی. فرزند علی اکبر (بازرگان). متولد ۱۲۸۴ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. مالک عمده و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۵، ۱۸ و ۱۹ از شهر ری

**مشایخی خوانساری** - حاج شیخ محمدباقر مشایخی خوانساری. فرزند.....(.....). متولد..... دارای تحصیلات.....شغل.....نمایندهٔ دورهٔ ۱ از خوانسار.

**مبشر السلطان** - اسدالله میرزا مبشر السلطان. فرزند.....(.....). متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ اول از خرم آباد.

**مشیراعظم** - مشیراعظم. فرزند منتصرالممالک (کارمند دولت). متولد ۱۲۵۷ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۵ از تون.

**مشیرحضور** - میرزا فتح‌الله مشیر حضور (پاکروان). فرزند حاجی میرزا کاظم مشیر لشکر متولد..... دارای تحصیلات حدود متوسطه. کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ دوم (وکیل مجلس و بجای صدیق حضرت انتخاب شد).

**مشیردوانی** - حاجی مختار مشیر دوانی. فرزند مرحوم حاج حسین (......) متولد ۱۲۵۹ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک عمده و تاجر. نمایندهٔ دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از بندرعباس.

**مشیرفاطمی** - دکتر عبدالحسین مشیر فاطمی. فرزند مهدی مشیر فاطمی «عمادالسلطنه» (عمده مالک و کارمند دولت و وکیل مجلس). متولد ۱۲۹۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در حقوق از آلمان. کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۸ و ۱۹ از اصفهان.

**مصباح‌زاده** - دکتر مصطفی مصباح زاده. فرزند مرحوم عبدالرحمن مصباح دیوان (کارمند دولت) متولد ۱۲۸۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از پاریس. روزنامه نگار (صاحب امتیاز مؤسسهٔ مطبوعاتی کیهان) و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۵، ۱۶ و ۱۷ از بندر عباس و

**مصباح‌فاطمی** - میرزا علی‌نقی خان مصباح فاطمی. «مصباح‌الدوله». فرزند میرزا حسینقلی‌خان (......). متولد ۱۲۷۴ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۷ از نایین و دورهٔ ۱۰ از دزفول.

**مصدق** - دکتر محمد مصدق «مصدق‌السلطنه». فرزند مرحوم میرزا هدایت وزیر دفتر. (ملاک و کارمند دولت). متولد ۱۲۵۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از پاریس. عمده مالک و کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۵، ۶، ۱۴، ۱۶ از تهران.

**مصدق‌الممالک** - حاج محسن مصدق الممالک. فرزند میرزا عبدالکریم (مالک). متولد..... دارای تحصیلات متعارف. مالک عمده و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از ملایر و نهاوند.

**مصدقی** - هادی مصدقی. فرزند مرحوم حاج میرزا محسن مصدق‌الممالک (ملاک و نمایندهٔ مجلس). متولد ۱۲۷۴ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ ادبیات و حقوق. ملاک و وکیل داد گستری و نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از ملایر.

**مصطفی** - سید مصطفی سمسار. فرزند....(......). متولد..... دارای تحصیلات..... از اصناف و نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف سمسارهای تهران.

**مصطفی** - حاج سید مصطفی. فرزند.....(......). متولد..... دارای تحصیلات..... شغل..... نمایندهٔ دورهٔ اول از تهران (وکیل مجلس).

**مصطفوی کاشانی** - حاج سید مصطفی. مصطفوی کاشانی. فرزند سید ابوالقاسم کاشانی (وکیل مجلس و گرگانرود.

**مصطفوی‌نائینی** - سید حسن مصطفوی نائینی. فرزند سید محمد علی (ملاک). متولد ۱۲۹۶ شمسی دارای تحصیلات متوسطه. مالک و کارمند دولت. و نمایندهٔ دوره‌های ۲۰ و ۲۱ از نائین.

**مظاهر** - دکتر محسن مظاهر. فرزند محمد صدیق حضرت «مظاهر» (مالک عمده و نمایندهٔ مجلس) متولد ۱۲۸۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی از پاریس. ملاک و پزشک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از تهران.

**مظاهر** - شیخ محمدخان صدیق حضرت «مظاهر». فرزند....(......). متولد..... دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق و تجارت. تاجر و کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱ و ۲ از تهران. (دورهٔ اول از طرف اعیان بوکالت مجلس انتخاب شد)

**مظفرزاده** - میر صالح مظفر زاده. فرزند مرحوم سید احمد مظفر الحکماء پزشک. متولد ۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از رشت.

**معاضدالملک** - میرزا اسمعیل خان معاضد الملک. فرزندحکیم «نصیر الاطباء» کرمانشاهی(پزشک). متولد.... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از کرمانشاه.

**معاون** - دکتر حسین معاون. فرزند مرحوم جواد معاون السلطنه دفتری(ملاک). متولد ۱۲۸۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی از اروپا. پزشک و ملاک. نمایندهٔ دوره‌های ۱۴ و ۱۵ از کرمانشاه.

**معاون‌التجار** - نصرالله معاون‌التجار. فرزند.....(ازاصناف). متولد.... دارای تحصیلات حدودمتوسطه تاجر و نمایندهٔ دورهٔ اول از کرمان.

**معتصم‌سنگ** - میرزا محمد حسین خان معتمد سنگ. فرزند مرحوم میرزا علی‌سنگ (ملاک). متولد ۱۲۵۴ شمسی. دارای تحصیلات قدیم و جدید حدود متوسطه. ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از ساری.

**معتضدی** - محمد تقی معتضدی. فرزند مرحوم محمدحسن‌میرزا (ازشاهزادگان). متولد ۱۲۵۳ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. کارمند دولت و مالک. نمایندهٔ دورهٔ ۸ از بیرجند و دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از سبزوار.

**معتمدالتجار** - میرزا محسن خان معتمد التجار. فرزندحاج میرزا شفیع امین‌التجار اصفهانی (تاجرعمده). متولد.... دارای تحصیلات متعارف. تاجر و مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از تبریز.

**معتمدالتولیه** - سید مهدی‌معتمدالتولیه. فرزند مرحوم عبدالحسین اعتمادالتولیه(ملاک وکارمند آستانهٔ حضرت عبدالعظیم). متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. ملاک و سرکشیک - آستانهٔ حضرت عبدالعظیم. نمایندهٔ دوره‌های ۱ و ۶ از شهر ری.

**معتمددماوندی** - ابوالمکارم معتمد دماوندی. فرزندمرحوم شیخ علیرضامعتمد الواعظین(روحانی). متولد ۱۲۹۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۱۵ و ۱۷ از بندر پهلوی.

**معتمدوزیری** - دکتر فریدون معتمد وزیری. فرزندمهدی( کارمند دولت‌ومالک). متولد ۱۳۰۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق اداری از آمریکا. کارمند دولت و وکیل دادگستری. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از مریوان.

**معتمدی** - حسین معتمدی. فرزند میرزا عبدالوهاب (کارمنددولت و مالک). متولد ۱۲۹۴ شمسی. دارای تحصیلات‌حدودعالی‌در رشتهٔ راه و ادبیات. کارمنددولت‌و مدیر مجلهٔ سپاهان و مالک‌مستغلات نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از اصفهان.

**معدل** - دکتر محمدعلی معدل. فرزند مرحوم احمد معدل الملک (ملاک). متولد ۱۲۹۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی. ملاک عمده و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از شیراز.

**معدل‌الدوله** - میرزا منصورخان معدل الدوله. فرزند میرزا ظاهر کاشی معروف‌به‌مستوفی (بصیر الملک - شیبانی) (مستوفی و مالک). متولد..... دارای تحصیلات متعارف. کارمند دولت‌و مالک. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از قاین و سیستان.

**معدل‌الدولهٔ‌کاشی** - میرزا سعیدخان‌معدل‌الدولهٔ کاشی(شیبانی). فرزند محمدطاهر (بصیر الملک‌شیبانی (مستوفی و مالک). متولد ۱۲۴۳ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. شغل..... نمایندهٔ دورهٔ ۳ از سیستان.

**معدل شیرازی** - لطفعلی معدل شیرازی. فرزند.... متولد.... دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. ملاک و کارمند دولت و نمایندهٔ دوره های ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱٥ و ۱٦ از جهرم و شیراز.

**معرفت** - رضا معرفت. فرزند کاظم (.....). متولد ۱۲۹۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی. روزنامه نگار (مدیر روزنامهٔ طبرستان) و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از تهران.

**معزی** - شاهزاده نجفقلی میرزای معزی (سردار حسام). فرزند مرحوم ابراهیم میرزا (.....). متولد حدود ۱۲٦۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۳ از دولت آباد ملایر.

**معظم السلطنه** - معظم السلطنه. فرزند مرحوم سید محمدخان (....). متولد حدود ۱۲٦٤ شمسی. دارای تحصیلات..... کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ٤ از سیستان.

**معظم الملک** - میرزا احمدخان معظم الملک. فرزند میرزا سید رضی خان معظم الملک (کارمند دولت) متولد.... دارای تحصیلات توسطه. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف قاجاریه.

**معظمی** - اسدالله معظمی. فرزند مرحوم سرتیپ محمدخان معظم السلطان (وکیل مجلس و کارمند دولت) متولد ۱۲۷٤ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از اصفهان.

**معظمی** - دکتر عبدالله معظمی. فرزند سرتیپ محمدخان معظمی (کارمند دولت و وکیل مجلس) متولد ۱۲۸۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از پاریس. کارمند دولت و وکیل دادگستری. نمایندهٔ دوره‌های ۱٤، ۱٥، ۱٦ و ۱۷ از گلپایگان.

**معظمی گلپایگانی** - میرزا محمدخان معظمی. فرزند میرزا یحیی خان معظم السلطان (کارمند دولت) متولد ۱۲٥٤ شمسی. دارای تحصیلات قدیم در حدود مدرسی و تحصیلات نظامی. ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ٥ و ٦ از گلپایگان.

**معین الرعایا** - میرزا عبدالله معین الرعایا. فرزند حاج محمدصادق مشیرالتجار تبریزی. (مالک و تاجر) متولد ..... دارای تحصیلات حدود متعارف. مالک و تاجر. نماییدهٔ دورهٔ ۲ از آذربایجان.

**معین زادهٔ باقری** - مهدی معین زادهٔ باقری. فرزند مرحوم محمد کاظم معین زاده «معین التجار». (مالک و تاجر عمده) متولد ۱۲۸۰ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک عمده و تاجر. نمایندهٔ دوره‌های ۱٥، ۱٦، ۱۸ و ۱۹ از رفسنجان.

**معینی** - مهندس امیرقاسم معینی. فرزند محمود (کارمند دولت). متولد ۱۳۰٤ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ مهندسی مکانیک. کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از شاهرود.

**معینی** - سیدحسین معینی. فرزند مرحوم سید کاظم «معین التجار». (تاجر). متولد ۱۲٥٥ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. مالک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از گرگانرود.

**معینی زند** - مهندس اسماعیل معینی زند. فرزند مرتضی قلی (مالک). متولد ۱۳۰۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ آبیاری و کشاورزی. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از ازرن.

**مفتی** - سید عبدالعزیز مفتی «صدرالعلماء». فرزند مرحوم حاج شکرالله (روحانی). متولد حدود ۱۲٥۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی و کارمند دولت. نائندهٔ دوره‌های ٥، ٦، ۷، ۸ و ۹ از سقز.

**مفخم** - شاهزاده اکبرمیرزا سردار مفخم. فرزند مرحوم محمدمهدی میرزا (مالک). متولد ۱۲٤۳ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک و کارمند دولت. نماینده دورهٔ ٤ از قزوین.

**مقدم** - اسکندر مقدم فرزند مرحوم فتح‌الله خان (کارمند دولت). متولد ۱۲۵۵ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ از مراغه.

**مقدم** - امیرهوشنگ مقدم. فرزند حسن (....). متولد ۱۲۹۹ شمسی. دارای تحصیلات..... کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از طارم.

**مقدم** - مهندس رحمت‌الله مقدم. فرزند مرحوم فتح‌الله (کارمند دولت). متولد ۱۳۰۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ مهندسی. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از سیاندوآب.

**مقوم‌الملک** - مقوم‌الملک. فرزند مرحوم مجدالاطباء (طبیب). متولد ۱۲۵۵ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود متوسطه. کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۵ از غار و فشافویه.

**مکرم** - حسن مکرم. فرزند محمدصادق مکرم (از اصناف). متولد ۱۲۷۵ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۵ و ۱۶ از دره‌گز و دورهٔ ۱۸ از مشهد.

**مفتخرالممالک** - محمدحسن خان مفتخرالممالک. فرزند.....(مالک عمده). متولدحدود.... دارای تحصیلات متعارف. مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ اول از مازندران.

**مکرم‌افشار** - هدایت‌میرزا مکرم‌افشار. فرزندمرحوم‌حاجی‌علی‌اکبر(ملاک). متولد ۱۲۷۷ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از قزوین.

**مکی** - حسین مکی. فرزند سیدباقر (بازاری). متولد ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات در حدود عالی (صاحب تألیفاتی درزمینهٔ تاریخ). شغل کارمند دولت. نمایندهٔدوره‌های ۱۵ و ۱۷ از اراک ودورهٔ ۱۶ ازتهران.

**ملک** - حاج‌حسن‌آقا ملک. فرزند مرحوم حاج محمدکاظم ملک تهرانی (تاجر و مالک). متولد ۱۲۷۵ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و عمده‌مالک. نمایندهٔ دورهٔ ۶ از بجنورد ودوره‌های ۵ و ۷ ازمشهد.

**ملک‌آرایی** - میرزا ابراهیم خان ملک‌آرایی. فرزند حاج حسنعلی‌خان (مالک). متولد ۱۲۶۲ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک و نمایندهٔ دوره‌های ۴، ۶، ۷ و ۸ از قزوین.

**ملک‌التجار** - میرزامحمد خان ملک‌التجار. فرزند.....(تاجر عمده). متولد ۱۲۶۱ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر عمده. نمایندهٔ دورهٔ ۳ از بوشهر.

**ملک‌المعالی** - شیخ حسین ملک‌المعالی. فرزند.....(......). متولد.... دارای تحصیلات..... شغل..... نمایندهٔ دورهٔ اول از رشت.

**ملک‌بهبهانی** - حاج غلامحسین ملک بهبهانی. فرزند مرحوم حاج غلامعلی(تاجر عمده). متولد ۱۲۵۸ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر معتبر. نمایندهٔ دوره‌های ۶،۷،۹، ۱۰ و ۱۱ ازشیراز.

**ملکپور** - جواد ملکپور. فرزند حاج غلامحسین ملکپور (تاجر و وکیل مجلس). متولد۱۲۸۶. دارای تحصیلات متعارف. تاجر. نمایندهٔ دورهٔ ۱۵ از شیراز.

**ملک‌زاده** - دکتر مهدیخان ملک‌زاده. فرزند مرحوم آقا فضل‌الله ملک‌المتکلمین(روحانی) متولد ۱۲۶۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی از بیروت. ملاک و پزشک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲و۱۳ از بم.

**ملک‌زاده‌آملی** - سرهنگ حبیب‌الله ملک‌زادهٔ آملی. فرزند علی اصغر ملک‌زاده «ملک‌التجار آملی» (تاجر و مالک). متولد ۱۲۹۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ نظام. کارمند دولت و ملاک. نمایندهٔ دوره‌های ۲۰، ۲۱ از آمل.

**ملک‌زادهٔ آملی** - میرزا علی اکبر خان ملک زاده آملی. فرزند مرحوم حاجی علی ملک آملی (مالک و تاجر) متولد ۱۲۶۱ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک عمده. نمایندهٔ دوره‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از بابل.

**ملک‌شیرازی** - حاج غلامحسین ملک شیرازی. فرزند مرحوم حاج غلامعلی ملک (تاجر) متولد حدود ۱۲۵۸ شمسی. دارای تحصیلات حدود متعارف. تاجر و نمایندهٔ دوره‌های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱ از شیراز.

**ملک‌مدنی** - هاشم ملک مدنی. فرزند مرحوم حاج آقامحسن (ملاک و تاجر). متولد ۱۲۷۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. ملاک و تاجر. نمایندهٔ دوره‌های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ از ملایر.

**ملکی** - دکتر ابوالحسن ملکی. فرزند حاج محمود ملکی (عمده‌مالک و تاجر). متولد ۱۲۸۴ شمسی. دارای تحصیلات عالی از اروپا. پزشک. نمایندهٔ دورهٔ ۱۵ از مراغه و دورهٔ ۱۷ از تبریز.

**ملکی** - علی اکبر ملکی. فرزند مرحوم حاج مشارالدوله (کارمند دولت). متولد ۱۲۷۴ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۱۰ از تبریز.

**ممتازالدوله** - میرزا اسمعیل خان ممتاز الدوله. فرزند اشرف السلطنه (کارمند دولت). متولد.... دارای تحصیلات عالی. کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱ از اراک و ۲ از تبریز.

**منتصرالسلطان** - صادق خان منتصر السلطان. فرزند مرتضی قلی خان نوری (ملاک). متولد حدود ۱۲۶۵ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک. نمایندهٔ دوره‌های ۲ و ۳ از آذربایجان. و دورهٔ ۳ از بارفروش

**منتصرالملک** - محمد تقی منتصر الملک. فرزند میرزا مهدیخان منتصر الملک (.....). متولد ۱۲۵۵ شمسی. دارای تحصیلات..... کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۳ از بیرجند.

**منتصرالملک** - میرزا محمدعلیخان منتصر الملک. فرزند مرحوم میرزا علی اکبرخان (....) متولد ۱۲۵۳ شمسی. دارای تحصیلات..... کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ٤ از دشت میشان.

**منشور** - حسن منشور. فرزند مرحوم احمد منشور (کارمند دولت). متولد ۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. وکیل دادگستری و نمایندهٔ دورهٔ ۱۳ از همدان.

**منشی** - میرزا ابراهیم خان منشی. فرزند.....(.....). متولد..... دارای تحصیلات حدود متوسطه. منشی سفارت فرانسه و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از اصفهان.

**منصف** - محمد علی منصف فرزند مرحوم آقا میرزا مهدیخان (.....). متولد ۱۲۸۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. ملاک و مدیر مدرسه. نمایندهٔ دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ از بیرجند.

**منصور** - حسنعلی منصور. فرزند علی منصور «منصور الملک». (کارمند دولت). متولد ۱۳۰۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ علوم سیاسی و اقتصاد از پاریس. مدیر شرکت بیمهٔ ایران. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از تهران.

**مؤتمن‌السلطنه** - حاج میرزا محمدعلیخان مؤتمن السلطنه. فرزند حاج محمد رضا مستوفی (کارمند دولت) متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ٤ از تربت حیدریه.

**مؤتمن‌الممالک** - حاج میرزا جواد خان مؤتمن الممالک همدانی. فرزند ..... (.....) متولد ..... دارای تحصیلات عالی از فرانسه. مباشر املاک شکوه‌السلطنه مادر مظفرالدینشاه. نمایندهٔ دورهٔ ۱ از بروجرد.

**موثقی** - دکتر قدرت‌الله موثقی. فرزند علی‌اصغر (کارمند دولت). متولد ۱۳۰۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب. کارمند بیمه‌های اجتماعی و طبیب. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از تهران.

**موسوی** - سیداسدالله موسوی «رئیس‌التجار» فرزند مرحوم حاج‌سیدآقا معین‌التجار بهبهانی (تاجر). متولد ۱۲۷۵ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و مالک. نمایندهٔ دوره‌های ۱۵، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از دشت‌میشان.

**موسوی** - عبدالمجید موسوی. فرزند سیدجواد (روحانی و مالک). متولد ۱۳۰۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق قضائی و علوم اداری. کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از زنجان.

**موسوی** - میرمجید موسوی. فرزند میرمحسن (....). متولد ۱۲۸٤ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۶ و ۱۷ ازخوی.

**موسوی‌ماکوئی** - میراسدالله موسوی ماکوئی. فرزند میرطاهر (کشاورز). متولد ۱۲۹۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی. کارمند دولت و مالک. نمایندهٔ دوره‌های ۱۹، ۲۰ و ۲۱ از ماکو.

**موسوی«معین‌زاده»** - سیدمحمدعلی موسوی «معین‌زاده». فرزند مرحوم حاج‌سیدآقا معین‌التجار (تاجر). متولد ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. مالک و تاجر. نماینده دورهٔ ۲۰ از دشت‌میشان.

**موسوی‌امین** - دکتر محمدحسین موسوی‌امین. فرزند مرحوم موسی (روحانی). متولد ۱۲۹۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از پاریس. وکیل دادگستری. نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از تبریز.

**موقر** - میرزا حسینخان موقر. فرزند مرحوم حاج علی بوشهری (ناخدا). متولد ۱۲۵۵ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. ملاک و تاجر و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۶، ۷، ۸ و ۹ از محمره.

**موقر** - محسن موقر. فرزند جلال موقر (مالک عمده). متولد ۱۳۰۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ اقتصاد. مالک و روزنامه‌نگار (روزنامهٔ مهرایران). نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از خرمشهر و دورهٔ ۲۱ از اهواز.

**موقر** - مجید موقر. فرزند مرحوم حسین موقر (تاجر و مالک و وکیل مجلس). متولد ۱۲۷۷ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. روزنامه‌نگار (مدیر روزنامهٔ مهر) تاجر. نمایندهٔ دوره‌های ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۶ از دزفول و دشت‌میشان.

**مولوی** - میرزا محمدعلی مولوی. فرزند مرحوم میرزا فضلعلی (روحانی). متولد ۱۲۵۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از سراب.

**مؤیداحمدی** - میرزا عبدالوهاب مؤیداحمدی «مؤیدالاسلام». فرزند مرحوم حاج عبدالرحیم کرمانی (تاجر وروحانی). متولد ۱۲۵٤ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. ملاک و روحانی و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۳، ۷، ۸ و ۹ از رفسنجان و ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از شهرکرد

**مؤیدثابتی** - علیخان مؤیدثابتی. فرزند مرحوم حاج سیدحسین «نایب‌التولیهٔ آستانهٔ رضوی». متولد ۱۲۷۹ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. ملاک. نمایندهٔ دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱٤ از مشهد.

**مؤیدقوامی** - احمد مؤید قوامی. فرزند مرحوم میرزا تقی‌خان مؤیدالملک قوام شیرازی (مالک عمده). متولد ۱۲۷٤ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. مالک عمده. نمایندهٔ دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱٤ از شیراز.

**مهدوی** - رضا مهدوی «رئیس التجار» فرزند حاج ابوالقاسم ملک‌التجار. تاجر. متولد ۱۲۰۵ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و ملاک . نمایندهٔ دورهٔ اول از خراسان ودوره‌های ٤و٥ از سبزوار و ۶، ۷، ۸، و۹ از مشهد.

**مهدوی** - سعید مهدوی. فرزند مرحوم رضا مهدوی «رئیس التجار» (تاجر و مالک و نمایندهٔ مجلس). متولد ۱۲۸۹ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. ملاک و نمایندهٔ دوره‌های ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ ازمشهد.

**مهدوی** - محسن مهدوی. فرزند حاج محمدحسین امین الضرب (تاجر و وکیل مجلس). متولد ۱۲۷۵ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک. نمایندهٔ دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ ازشهرضا.

**مهدوی** - محمدعلی مهدوی. فرزند مرحوم احمد (مالک). متولد ۱۳۰۱ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. ملاک و کارمند مؤسسات ملی . نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از شیروان.

**مهدوی** - حاج محمدحسین مهدوی «امین الضرب» فرزند حاج محمدحسن دارالضرب (تاجر وسرمایه‌دار) متولد ۱۲۹۸ شمسی. دارای تحصیلات ... تاجر و سرمایه‌دار. نمایندهٔ دوره‌های ۱، ۷ و ۸ ازتهران.

**مهدی‌زاده** - دکتر خسرو مهدی‌زاده. فرزند مرحوم اصغر (تاجر). متولد ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ دامپزشکی. کارمند دولت . نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از رامند قزوین.

**مهذب** - سیداحمد مهذب «مهذب‌الدوله». فرزند مرحوم حاج میرسیدحسن (ملاک). متولد ۱۲۶۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. ملاک و متولی موقوفه و مدرس. نمایندهٔ دوره‌های ۳ ۱۲ و ۱۳ از شیراز.

**مهذب** - دکتر سیدجواد مهذب. فرزند مرحوم سیداحمد (مالک و کارمند دولت ونمایندهٔ مجلس). متولد ۱۳۰۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ علوم اداری از آمریکا. کارمند دولت و مالک. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از فسا.

**مهران** - احمد مهران فرزند مرحوم میرزا صادق‌خان بروجردی (تاجر). متولد ۱۲۸۶ شمسی. دارای تحصیلات ...... کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۱۹ از بروجرد .

**مهرزاد** - ایرج مهرزاد. فرزند جهانگیر (.....). متولد ۱۳۰۶ شمسی. دارای تحصیلات...... کارمند دولت . نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از شیراز.

**میراشرافی** - سید مهدی میر اشرافی. فرزند سید حسین میر اشرافی « شکوه السلطان» (.....). متولد ۱۲۸۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ نظام. روزنامه نگار (مدیر روزنامهٔ آتش) . نمایندهٔ دوره‌های ۱۷، ۱۸ و ۲۰ از مشگین شهر.

**میرافضل** - سید حسن میر افضل فرزند عباس (....). متولد ۱۲۹٤ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه کارمند دولت . نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از نوشهر.

**میرزائی** - میرزا عبدالعلی میرزائی. فرزند مرحوم میرزا محمد نظام‌التولیه (ملاک و کارمند آستانهٔ رضوی) متولد ۱۲۶۹ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک و کارمند آستانهٔ رضوی. نمایندهٔ دوره‌های ۵، ۹، ۱۰ و ۱۱ از مشهد.

**میرزایانس** - میرزا یوسف میرزایانس . فرزند ....(.....). متولد .... دارای تحصیلات عالی. کارمند دولت . نمایندهٔ دوره‌های ۲، ۳، ٤، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ از طرف ارامنهٔ جنوب.

**میرخانی** - حاج سیدآقا تیر فروش معروف به میرخانی. فرزند ....(.....). متولد .... دارای تحصیلات ..... از اصناف . نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف چوب فروشهای تهران.

**میرممتاز** - میرزاسید حسین میرممتاز «منشی نظام». فرزند میرزا ابوالقاسم خان مستوفی تفرشی (.....) متولد ۱۲۶۰ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. کارمند دولت . نمایندهٔ دورهٔ ۶ ازمشهد.

**میرهادی** - سید محمد میرهادی. فرزند سید عبدالباقی (کارمند دولت). متولد ۱۲۸۲ شمسی. دارای تحصیلات فوق دیپلم (فارغ التحصیل کلاس عالی وزارت دارایی). کارمند دولت و مالک مستغلات. نمایندهٔ دوره‌های ۲۰ و ۲۱ از تفرش.

**میکده** - میرزا سلیمان خان میکده. فرزند مرحوم میرزامحمد باقر (ازدراویش نعمت‌اللهی). متولد ۱۲۴۸ شمسی. دارای تحصیلات... کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۳ از نائین.

**میلانی** - سید ابراهیم میلانی. فرزند... (روحانی). متولد.... دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی. نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از تبریز.

**میرحسینی** - ابوالحسن میر حسینی. فرزندمرحوم آقا سید محمد صدر الاسلام (مالک و کارمند دولت). متولد ۱۲۷۵ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. مالک و کارمند دولت (افسر ژاندارمری). نمایندهٔ دورهٔ ۱۶ از جیرفت.

**میرعماد** - میرعماد. فرزند... (.....). متولد.... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. طلبه‌ونمایندهٔ دورهٔ اول از تنکابن.

## ن

**نارویی** - محمد حسین نارویی. فرزند سردار محمد امین نارویی (مالک). متولد ۱۳۰۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی. مالک. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از زابل.

**ناصرسیف** - میرزا ابوالحسن ناصرسیف. فرزند ملا محمد قلی سیف الذاکرین (روحانی). متولدحدود ۱۲۶۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم‌حدود سطح. روزنامه نگار (مدیر جریدهٔ چاپ ایران) روحانی. نمایندهٔ دورهٔ ۵ از خلخال.

**ناصری** - میرزا محمودخان ناصری «مصدق الدوله». فرزند مرحوم آقا حاج‌میرزاحسین‌خان مبصرالسلطنه (.....) متولد حدود ۱۲۸۰ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و۱۳ از شوشتر.

**ناصری** - ناصرالدین ناصری. فرزند مظفرالدینشاه. متولد.... دارای تحصیلات عالی. مالک عمده. نمایندهٔ دورهٔ ۱۵ از تبریز.

**ناظرزاده** - شیخ غلامحسین ناظر زاده. فرزند ناظر «معین الممالک» (.....). متولد.... دارای تحصیلات.... شغل.... نمایندهٔ دورهٔ ۲ از شاهرود.

**ناظرزاده کرمانی** - دکتر احمدناظرزاده کرمانی. فرزندمرحوم آقامحمدناظر (مالک). متولدحدود ۱۲۹۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی‌در رشتهٔ ادبیات. مالک و کارمند دولت. مدیر روزنامهٔ هفتگی شهر آشوب. نمایندهٔ دوره‌های ۱۶ و ۱۷ از سیرجان.

**ناظم‌الاملاک** - حاج میرزا علینقی ناظم الاملاک. فرزند.... (مستخدم آستانهٔ رضوی). متولد...... دارای تحصیلات متعارف. مستخدم آستانهٔ قدس رضوی. نمایندهٔ دورهٔ اول از خراسان.

**ناظم‌العلماء** - میرزا محمد ناظم‌العلماء. فرزند حاج محمد جعفر ملایری (.....). متولد حدود ۱۲۴۰ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی. نمایندهٔ دوره‌های ۱ و ٤ از ملایر.

**ناهید** - عبدالله ناهید. فرزند مرحوم مصطفی سلیمان کندی (....). متولد حدود ۱۲۷۰ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۱، ۱۲و ۱۳ از سقز.

**نائینی** - میرزا رضاخان نایینی. فرزند....(......). متولد.....دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از یزد.

**نائینی** - حاج میرزا حسین نائینی. فرزند میرزا علی محمدخان نائینی (کارمند دولت). متولد حدود ۱۲۵۳ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۳ از اصفهان.

**نائینی** - میرزا مرتضی قلیخان نایینی. فرزند....(......). متولد.....دارای تحصیلات قدیم حدود سطح.......... نمایندهٔ دورهٔ اول از اصفهان.

**نایینی** - حاج میرزا محمد تقی خان نایینی. فرزند میرزا حسینقلی خان (......). متولد حدود ۱۲٤۹ شمسی دارای تحصیلات.....سالک. نمایندهٔ دورهٔ ٤ از نایین.

**نبوی** - دکتر احمد نبوی. فرزند ذبیح الله (روحانی). متولدحدود ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی. طبیب. نمایندهٔ دورهٔ ۱٦ از سبزوار.

**نبوی** - حسن نبوی. فرزندحاج محمدرحیم (روحانی). متولدحدود ۱۲۸۰ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح (فارغ التحصیل کلاس ثبت). کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱٤، ۱۵، ۱٦ و ۱۷ از نیشابور.

**نبیل سمیعی** - ابراهیم نبیل سمیعی. فرزند مرحوم اسماعیل (کارمنددولت). متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. مالک عمده و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از رشت.

**نجات** - میرزا محمدنجات. فرزند حاج میرزا عبدالکریم (روحانی). متولد حدود ۱۲۵۵ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. روحانی و روزنامه نگار (مدیر روزنامهٔ نجات). نمایندهٔ دوره‌های ۲ و ٤ از آذربایجان و دورهٔ ۳ از بیرجند و دورهٔ ۵ از زنجان.

**نجات‌الله** - دکتر نجات الله خان. فرزند میرزا فتح الله خان (......). متولدحدود ۱۲٦۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی از خارج. پزشک و نمایندهٔ دورهٔ ۳ از فارس.

**نجفی‌فردوسی** - سید محمود نجفی فردوسی. فرزند مرحوم حجة الاسلام سید عبدالحسین نجفی (روحانی و ملاک). متولد حدود ۱۲۹۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از فردوس.

**نجم‌آبادی** - شیخ مهدی نجم‌آبادی. فرزندشیخ هادی نجم‌آبادی (مجتهد). متولد....دارای تحصیلات متوسطه. روحانی. نمایندهٔ دورهٔ دوم از کرمان.

**نجومی‌شیرازی** - اسماعیل نجومی شیرازی. فرزند مرحوم حاج‌میرزاهادی‌خان‌منجم‌باشی (کارمنددولت) متولد ۱۲٦۷ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه. کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ٦ و ۷ از آباده و دورهٔ ۱٤ از خرم آباد.

**نجیمی** - دکتر رضا نجیمی. فرزند ابوطالب. (کارمند دولت). متولد ۱۳۰۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ دامپزشکی. کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از شاهی.

**ندامانی** - سید یحیی ندامانی «ناصرالاسلام». فرزند مرحوم سید حسین ندامانی گیلانی (روحانی). متولد ۱۲۵۳ شمسی. دارای تحصیلات قدیم در حدودمدرسی. ملاک و روزنامه نگار (مدیر روزنامه). نمایندهٔ دوره‌های ۲، ۳ و ۵ از فومن.

**نراقی** - ابوالقاسم نراقی. فرزندمرحوم میرزامحمدحسن نراقی (روحانی). متولد ۱۲۷۸ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه (دیپامه از دارالفنون). کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱٤ از کاشان.

**نراقی** - صادق نراقی. فرزند مرحوم حاج آقا محمد نراقی (تاجر). متولد حدود ۱۲۸۱ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه از خارج. تاجر. نمایندهٔ دورهٔ ۱۸ از همدان.

**نراقی** - عباس نراقی. فرزند مرحوم آقا علی نراقی (روحانی) متولد حدود ۱۲۹۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. وکیل دادگستری. نمایندهٔ دورهٔ ۱۰ از کاشان.

**نریمان** - محمود نریمان. فرزند عون الملک (کارمند بانک شاهنشاهی). متولد ۱۲۷۲ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۶ و ۱۷ از تهران.

**نصر** - دکتر سید ولی‌الله نصر. فرزند.....(طبیب). متولد.....دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب. پزشک نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف اصناف تهران.

**نصرالملک** - حسینعلیخان نصرالملک «کمال هدایت» فرزند حسینقلی‌خان مخبرالدوله (از رجال درباری) متولد ۱۲۹۸ شمسی. دارای تحصیلات عالی از پاریس. کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱ و ۲ از تهران (دورهٔ اول از طرف اعیان انتخاب شد).

**نصرتیان** - محمد علی نصرتیان. فرزند نصرت (ازاصناف). متولد حدود ۱۲۸۱ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. ملاک عمده و تاجر. نمایندهٔ دورهٔ ۱۳ ازکرمانشاه و دورهٔ ۱۶ از فومن.

**نصیری** - عنایت‌الله نصیری. فرزند میرزا محمد عمید الممالک (کارمند دولت و وکیل مجلس). متولد ۱۲۷۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی. کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ از سمنان و دامغان.

**نصیرالسلطنه** - میرزامهدی خان نصیرالسلطنه. فرزندحاج محتشم السلطنه نوری (کارمنددولت ونمایندهٔ مجلس و ملاک). متولد حدود ۱۲۵۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی. کارمند دولت ونمایندهٔ دورهٔ ٤ از بابل.

**نصیردیوان** - میرزا فتح‌الله‌خان نصیر دیوان. فرزند حاج محمد صالح خان مؤیدالوزراه (وکیل مجلس و ملاک) متولد حدود ۱۲۵۷ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. ملاک و کارمند دولت. ونمایندهٔ دورهٔ ٤ ازکرمانشاه.

**نظام‌الدین** - سید نظام الدین. فرزند....(روحانی). متولد....دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. ملاک و روحانی. نمایندهٔ دورهٔ اول ازکاشان.

**نظام‌السلطان** - امیر اصلانخان نظام السلطان. فرزند میرزا محمدخان موقرالدولهٔ نوری (مالک عمده) متولد حدود ۱۲۵۸ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک عمده‌وفرماندار. نمایندهٔ دوره‌های ۳ و ٤ از بارفروش.

**نظام مافی** - میرزا محمد علیخان نظام مافی. فرزندمرحوم رضاقلیخان نظام السلطنه مافی (ملاک و کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۶۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از لنین گراد. ملاک وکارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۳ از خرم آباد و دورهٔ ٤ از طبس.

**نعیمی‌اکبر** - فریدون نعیمی اکبر. فرزند حسن عمید السلطان (ملاک). متولد ۱۲۹۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق. مالک عمده و وکیل دادگستری. نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از بندرپهلوی.

**نفیسی** : لقمان نفیسی. فرزند دکتر عبدالرضا (طبیب) متولدحدود ۱۲۷۳ شمسی. دارای تحصیلات‌عالی. پزشک‌وکارمنددولت. نمایندهٔ‌دورهٔ ۱۸ ازکرمان ولی‌قبل‌اوطرح‌اعتبارنامه درمجلس استعفا داد.

**نفیسی** - نزهت نفیسی. فرزندمرحوم لقمان نفیسی (پزشک وکارمند دولت و نمایندهٔ مجلس) متولد ۱۲۹۸ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه. خانه دار. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از بافت.

**نفیسی** - دکتر عباس نفیسی. فرزند مرحوم دکتر علی اصغر مؤدب نفیسی (طبیب). دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب. استاد دانشگاه و طبیب. نمایندهٔ دوره‌های ۱۳، ۱۹ و ۲۰ از تهران.

**نقابت** - ضیاء الدین نقابت. فرزند داود نقابت «صدرالمتکلمین» (روحانی). متولد ۱۲۸۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق قضائی. وکیل دادگستری (با سابقهٔ قضاوت). نمایندهٔ دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۸ از خرمشهر.

**نقشینه** - حاج میرزا علی نقشینه «ادیب التجار». فرزند..... (تاجر). متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. مدیرشرکت اسلامیه اصفهان و تاجر. نمایندهٔ دورهٔ اول از اصفهان.

**نکوزاد** - سید محمود نکو زاد. فرزند سید فتح الله (مالک). متولد ۱۲۸۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ نظام. کارمند دولت و مالک. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از خرم آباد.

**نگهبان** - عبدالامیر نگهبان. فرزند ابراهیم خان (....). متولد حدود ۱۲۶۴ شمسی. دارای تحصیلات ..... شغل..... نمایندهٔ دورهٔ ۶ از بنی طرف.

**نمازی** - محمد مهدی نمازی. فرزند حاج محمد حسین نمازی (تاجر عمده). متولد ۱۲۷۷ شمسی. دارای تحصیلات.... تاجر. نمایندهٔ دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ از شیراز.

**ننجی** - شیخ محمد ننجی. فرزند مرحوم محمد قربان (.....). متولد حدود ۱۲۴۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی. نمایندهٔ دورهٔ ۳ از ثلاث.

**نواب** - حسینقلیخان نواب. فرزند محمد علیخان وکیل الدوله (ملاك عمده). متولد.... دارای تحصیلات متوسطه از خارج کشور. مالک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ اول از تهران و دوره‌های ۲، ۳، ۴ و ۸ از شیراز.

**نواب** - دکتر عبدالباقی نواب. فرزند مرحوم رضا (....). متولد ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ پزشکی. پزشک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از اصفهان.

**نواب یزدی** - محمد حسین نواب یزدی. فرزند حاج علی آقا نواب (ملاك). متولد ۱۲۷۶ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. مالک عمده. نمایندهٔ دوره‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۵ ازیزد.

**نوائی** - میرزا اسدالله‌خان نوائی «مشارالسلطنه». فرزند... (کارمنددولت). متولد.... دارای تحصیلات متوسطه. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۳ از تهران.

**نوبخت** - میرزا حبیب الله نوبخت. فرزندمیرزامحمدحسن‌شیرازی (از اصناف). متولد حدود ۱۲۷۲ شمسی. دارای تحصیلات عالی (صاحب تألیفاتی درزمینهٔ تاریخ). روزنامه‌نگار (مدیر روزنامهٔ بهارستان) و کارمنددولت. نمایندهٔ‌دوره‌های ۶، ۷، از بهبهان. و دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، از فسا.

**نوبری** - میرزا اسماعیل خان نوبری. فرزند حاجی محسن تبریزی (ازاصناف). متولد.... دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از تبریز.

**نوربخش** - محمدعلی نوربخش. فرزند مرحوم ابراهیم ستوده‌نیا (مالک) متولد ۱۳۰۴ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه در رشتهٔ ادبی. مالک. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از سیرجان.

**نوری حکمی** - حاج‌شیخ علی‌نوری حکمی. فرزند ..... (.....). متولد.... دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی و نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف علمای تهران.

**نوری‌زاده** - شیخ حسین نوری‌زاده. فرزند حاج‌شاه شیخعلی مدرس نوری (روحانی). متولدحدود ۱۲۷۱ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. ملاک ووکیل دادگستری. نمایندهٔ دورهٔاول از بابل.

**نهاوندی** - شیخ جلال نهاوندی. فرزند حاج محمدجواد (روحانی). متولد حدود ۱۲۵۷ شمسی - دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۵ از دولت‌آباد.

**نهوارای** - دکتر لقمان نهورای. فرزند حاج میرزا ایوب (پزشک). متولد ۱۲۶۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ طب. پزشک ، نمایندهٔ دوره‌های ۲، ۳، ٤، ٦، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱٤ از طرف کلیمیان.

**نیاکان** - حسین نیاکان. فرزند اسماعیل (معمار). متولد ۱۳۰٤ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. نمایندهٔ کارگران شرکت ملی نفت ایران. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از کرمانشاه.

**نیرالسلطان** - میرزا احمدخان نیرالسلطان. فرزند (از خانواده احمد خان نوایی) (.....). متولد ..... دارای تحصیلات عالی. ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از بابل.

**نیری** - سیدمحمد باقر نیری. فرزند مرحوم حاج سید علیرضا (مالک). متولد حدود ۱۲۸۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ امور مالی. کارمند دولت و مالک. نمایندهٔ دوره‌های ۲۰ و ۲۱ از زوارهٔ اردستان.

**نیکپور** - میرزا عبدالحسین نیکپور. فرزند ..... (از اصناف). متولد ۱۲۷٦ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و رئیس اطاق بازرگانی. نمایندهٔ دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱٤ و ۱۵ از تهران

## و

**وارث** - حاج محمد ابراهیم وارث. فرزند حاج محمدحسین اصفهانی معروف بوارث (حریر فروش). متولد .... دارای تحصیلات ..... کاسب. نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف صنف بزازهای تهران.

**وارث** - حاج ملا حسن وارث. فرزند حاج محمد حسین اصفهانی معروف بوارث (حریر فروش). متولد.... دارای تحصیلات.... از اصناف و نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف صنف ماهوتفروشهای تهران.

**والا** - مهندس عبدالله والا. فرزند مرحوم حسین ظهیرالسلطان (ملاک و کارمند دولت). متولد حدود ۱۲۹۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ مهندسی شیمی. روزنامه‌نگار (مجلهٔ تهران مصور) و مدیر تماشاخانهٔ تهران. نمایندهٔ دوره‌های ۲۰ و ۲۱ از خلخال.

**وثوق** - علی وثوق. فرزند مرحوم میرزا حسن خان وثوق‌الدوله (ملاک و کارمند دولت و وکیل مجلس) متولد حدود ۱۲۹۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی..... ملاک عمده و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از شاهرود.

**وثوق** - سیدعبدالله خان «معتمدالسلطنه» وثوق. فرزند مرحوم میرزا ابراهیم خان معتمد السلطنه (ملاک و کارمند دولت). متولد حدود ۱۲٦۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ٤، ۵، ٦، از اردبیل و دورهٔ ۱۰ از زابل.

**وثوق‌الدوله** - میرزا حسنخان وثوق‌الدوله. فرزند میرزا ابراهیم خان معتمدالسلطنه (ملاک و کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۵٤ شمسی. دارای تحصیلات عالی..... ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱، ۲، ٦ و ۷ از تهران.

**وثوق‌الاسلام** - سید مرتضی وثوق «وثوق الاسلام». فرزند حاج سید حسن حاج سید جوادی (ملاک و روحانی). متولد حدود ۱۲٦٦ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک و نمایندهٔ دوره‌های ۷، ۸ و ۱۰ از قزوین.

**وحیدسعید** - میرزا محمود خان وحید سعید. فرزندمیرزا عباس‌خان سرتیپ(کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۶۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی. کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۵ از تبریز.

**وحیدنیا** - سیف‌الله وحیدنیا. فرزند عباس‌وحیددستجردی (ملاک). متولد ۱۳۰۵ شمسی. دارای‌تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق و روزنامه‌نگاری. کارمندشرکت سهامی بیمهٔ اصفهان ونویسنده. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از لنجان.

**وزیرزاده** - میرزا علیمحمدخان وزیرزاده «شریف الدولهٔ بنی آدم». فرزند....(.....) متولد..... دارای تحصیلات عالی (دیپلمه مدرسهٔ سیاسی تهران). کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از فومنات.

**وزیری** - میرزا حسین خان وزیری. فرزندمرحوم‌میرزا علی اکبر بیگلربیگی. متولد حدود ۱۲۵۵ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. ملاک وکارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۶ ازساوه وزرند.

**وقارالملک** - غلامرضاخان وقارالملک. فرزند مرحوم حاج حسنعلی‌خان (.....). متولد حدود ۱۲۶۹ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ٤ از دزفول.

**وکیل** - حسین وکیل. فرزند.....(ملاک عمده). متولد.... دارای تحصیلات متعارف. مالک عمده. و نمایندهٔ دورهٔ ۱۵ از سنندج.

**وکیل** - میرزا محمدخان وکیل. فرزند.....(ملاک عمده). متولد.....دارای تحصیلات‌قدیم حدود سطح. ملاک. نمایندهٔ دوره‌های ۵، ۸، ۱۰، ۱۱و ۱۲ ازکردستان.

**وکیل** - دکتر محمد هاشم وکیل. فرزند مرحوم حسین وکیل (ملاک و نمایندهٔ‌مجلس). متولد ۱۲۹۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی ازتهران. مالک عمده وکارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های۱۸ و ۱۹ از سنندج.

**وکیل** - سید هاشم وکیل. فرزند مرحوم سید علینقی (روحانی). متولد حدود ۱۲۶۵ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. وکیل دادگستری. نمایندهٔ دورهٔ ۱۵ از تهران.

**وکیل‌پور** - حسام‌الدین وکیل‌پور. فرزند مرحوم محسن وکیل الرعایا (تاجر ومالک). متولد حدود ۱۲۹۵ شمسی. دارای تحصیلات عالی. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ ازجهرم.

**وکیل کرمانی** - میرزا حسن وکیل کرمانی. فرزند....(از اصناف). متولد.... دارای تحصیلات متعارف تاجر و مالک. نمایندهٔ دورهٔ اول ازکرمان.

**وکیل‌الملک** - میرزا محمد اسماعیل وکیل (وکیل‌الملک) امیر احتشام. فرزند مرحوم‌میرزا فتحعلی خان وکیل الممالک (کارمند دولت). دارای تحصیلات عالی. کارمند دولت و ملاک. نمایندهٔ دورهٔ ۵ از بم.

**وکیلی** - حاج میرزا رضاخان وکیلی. فرزند....(چاپارچی). متولد حدود.....دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از تبریز.

**وکیلی** - علیخان وکیلی. فرزند صالح وکیلی (....) متولد ۱۲۶۷ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه (فارغ التحصیل از مدرسهٔ آلیانس فرانسه) و متخصص در امور اقتصادی. تاجر عمده (با سابقهٔ کارمندی دولت). نمایندهٔ دوره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۵از تهران.

**وهاب‌زاده** - حاج محمد تقی وهاب زاده. فرزند مرحوم حاجی عبدالوهاب. (تاجر). متولدحدود۱۲۶۳ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک و تاجر عمده. نمایندهٔ‌دوره‌های ۷،۸ و ۹ از اردبیل.

**وهاب‌زاده** - یونس وهاب زاده. فرزند مرحوم حاجی‌یوسف وهاب زاده. (تاجر). متولد ۱۲۷۷ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر و نمایندهٔ دوره‌های ۸ و ۹ از . مشهد.

**وهاب‌زاده** - احد وهاب زاده. فرزند مرحوم حاج اسدالله وهاب زاده (تاجر). متولدحدود۱۲۷۳شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر. نمایندهٔ دورهٔ ۱۶ از اردبیل.

## ه

**هاشمی** - سید محمد هاشمی. فرزند حاج سید باقر (مالک و روحانی). متولدحدود ۱۲۷۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. روزنامه نگار و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۲ و۱۳ و ۱۴ ازکرمان.

**هاشمی** - سید یوسف هاشمی. فرزند سید رضا (ملاک). متولد حدود ۱۲۹۷ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک و نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از سراب.

**هاشمی‌حایری** - سید حسین هاشمی حایری. فرزند مرحوم سید حسن (...). متولدحدود۱۲۸۰شمسی. دارای تحصیلات..... کارمند باز نشستهٔ دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ ازکهگیلویه.

**هدایت** - مهندس خسرو هدایت. فرزند مرحوم غلامرضا هدایت «مخبر الدوله» (کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۸۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی (دیپلمهٔ مهندسی ساختمان راه از بلژیک). کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۱۰ از تهران.

**هدایت** - مهندس سعید هدایت. فرزند مرحوم غلامعلی هدایت «مکرم الملک» (کارمند دولت) متولد حدود ۱۲۹۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ راه و ساختمان. شغل آزاد. نمایندهٔ دوره‌های ۱۹ از زنجان و ۲۰ از تهران.

**هدایت** - علیقلی هدایت. فرزند مرحوم صنیع الدوله (کارمند دولت و نمایندهٔ مجلس). متولد ۱۲۷۷ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی. مالک عمده. نمایندهٔ دورهٔ ۹ از ایالات خمسه و دوره‌های ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از فسا.

**هدایت** - حاج مهدیقلی خان هدایت «مخبرالسلطنه». فرزند علیقلی خان مخبرالدوله (ملاک و کارمند دولت). متولد حدود ۱۲۴۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی. ملاک و کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ٤ از تهران.

**هدایت** - نصرالله هدایت. فرزند حاج‌مخبرالسلطنه هدایت (ملاک و کارمند دولت و نمایندهٔ مجلس) متولد.....دارای تحصیلات متوسطه. کارمند دولت و ملاک. نمایندهٔ دورهٔ ۱ از محلات.

**هدایت‌الله‌میرزا** - شاهزاده هدایت الله میرزا. فرزند....(....). متولد..... دارای تحصیلات‌حدود متوسطه. مالک و نمایندهٔ دورهٔ اول از آذربایجان.

**هدایتی** - دکتر سید محمد علی هدایتی. فرزند حاج سید احمد هدایتی (ملاک و کارمند دولت). متولد حدود ۱۲۸۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از ژنو. ملاک عمده و کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۶ و ۲۰ از شهر ری.

**هدایتی** - دکتر هادی‌هدایتی. فرزند ابوالحسن (....). متولد ۱۳۰۲ شمسی. دارای‌تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق و اقتصاد از پاریس. کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از شهر ری.

**هدی** - فضلعلی هدی. فرزندمرحوم میر صادق متولی(.....). متولد ۱۲۸۰شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. کارمند دولت و ملاک. نمایندهٔ دوره‌های ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از اردبیل.

**هراتی** - محمد هراتی. فرزند حسینقلی هراتی (تاجر). متولد ۱۲۹۲ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. تاجر . نمایندهٔ دوره‌های ۱۵ و ۱۶ از یزد.

**هراتی** - سید محمد تقی هراتی. فرزند.....(......). متولد.....دارای تحصیلات.....شغل...... نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف صنف چلنگر مسگر تهران.

**هرمزی** - فتح‌الله میرزا هرمزی. فرزند شاهزاده معیرخاقان (......). متولد ۱۲۶۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. کارمند دولت . نمایندهٔ دورهٔ ۵ از سراب.

**هزارجریبی** - علیقلی خان هزار جریبی« سعود الملک». فرزندمرحوم حاج نجفقلی‌خان سرتیپ (مالک) متولد ۱۲۴۹ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. مالک عمده و رئیس فوجهای محلی. نمایندهٔ دوره‌های ۷، ۸، ۹ و ۱۰ از استرآباد.

**هزاره** - یوسف خان هزاره فرزند شجاع الملک هزاره (مالک عمده). متولد حدود....دارای تحصیلات متعارف. مالک عمده و نمایندهٔ دورهٔ ۵ از مشهد.

**هشترودی** - شیخ اسماعیل هشترودی. فرزند...(......). متولد.... دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. روحانی . نمایندهٔ دورهٔ ۲ از تبریز.

**همایون** - سرلشکر فضل‌الله همایون. فرزند محمد علی (......). متولد ۱۲۸۲ شمسی. دارای تحصیلات حدود متوسطه (فارغ التحصیل مدرسهٔ نظام). کارمند بازنشستهٔ دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از تهران و دورهٔ ۲۱ از کوهدشت.

**همدانی** - میرزا بزرك همدانی « مقبل لشکر». فرزند.....(....). متولد حدود.... دارای تحصیلات .....شغل.....نمایندهٔ دورهٔ اول از زنجان.

**همدانی** - سید محمد رضا همدانی. فرزند.....(روحانی). متولدحدود....دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. روحانی و نمایندهٔ دورهٔ ۲ (وکیل مجلس و بجای سپهداراعظم انتخاب شد).

**همراز** - محسن همراز« فاضل الملك». فرزند مرحوم میرزا صالح خان (روحانی). متولد ۱۲۶۲ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. وکیل دادگستری (باسابقهٔ قضاوت) و نمایندهٔ دورهٔ ۷ از طوالش و دوره‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از استرآباد.

**هوشمند** - میرزا عبدالحسین هوشمند. فرزند مرحوم میرزا اسماعیل مجتهد. متولد حدود ۱۲۶۶ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود اجتهاد. ملاك و روحانی. و نمایندهٔ دورهٔ ۶ از کرمان.

**هیراد** - حسنعلی هیراد. فرزند رحیم هیراد (......). متولد ۱۲۹۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی. کارمند دولت . نمایندهٔ دوره‌های ۲۰ و ۲۱ از نوشهر.

## ی

**یاراحمدی** - اسماعیل یار احمدی. فرزند مرحوم حیدر (مالك). متولد ۱۲۶۸ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاك و نمایندهٔ دوره‌های ۱۲ و ۱۳ از بروجرد.

**یارافشار** - پرویز یار افشار. فرزند یار محمد خان افشار « سردار سعید: سردار کل»(مالك‌و کارمندودولت ونمایندهٔ مجلس). متولد حدود ۱۲۹۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی « فارغ التحصیل دانشکده مکانیکی نیروی دریایی ونیز». کارمند دولت و نمایندهٔ دوره‌های ۱۸، ۱۹ و ۲۰ از قزوین.

**یاسائی** - میرزا عبدالله یاسائی « صدر الادبایزدی». فرزند مرحوم حاج میرزا ملا محمد علی یزدی(....)

متولد ۱۲۶۴ شمسی. دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی وکارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۵، ۶ و ۷ از سمنان.

**یزدان‌پناه** - دکتر عزت‌الله یزدان پناه. فرزند علی اکبر (مالک). متولد ۱۲۹۹ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از پاریس. مالک و تاجر (باسابقهٔ کارمندی دولت) و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از شهسوار.

**یزدی** - سید علی آقا یزدی. فرزند.... (روحانی). متولد.... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. تاجر و نمایندهٔ دورهٔ ۲ از یزد.

**یزدی** - محمد یزدی «وکیل التجار». فرزند... (از اصناف). متولد.... دارای تحصیلات قدیم حدود سطح. تاجر. و نمایندهٔ دوره‌های ۱ و ۲ از رشت. قبل از پایان دورهٔ دوم در عمارت بهارستان وفات کرد

**یزدی** - شیخ محمد حسین یزدی. فرزند حاجی علیرضا (مجتهد). متولد..... دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی. روحانی و نمایندهٔ دوره‌های ۱، ۲ و ۳ از تهران.

**یزدی** - سید محمد کاظم یزدی. فرزند مرحوم آقا سید ابوالحسن تحویلدار (ملاک). متولد ۱۲۵۱ شمسی. دارای تحصیلات متعارف. ملاک و نمایندهٔ دورهٔ ۵ از یزد.

**یگانه** - دکتر ناصر یگانه. فرزند غفا یگانه (.....). متولد ۱۳۰۰ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از آمریکا و فرانسه. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از قزوین.

**یگانگی** - دکتر اسفندیار یگانگی. فرزند بهرام (بازرگان). متولد ۱۲۸۶ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ علوم مالی و اقتصادی از آمریکا. شغل آزاد. (اجرای پروژه‌های آبیاری بوسیلهٔ حفر چاههای ژرف). نمایندهٔ دوره‌های ۲۰ و ۲۱ از طرف اقلیت زرتشتیان.

**یمین‌اسفندیاری** - اسدالله یمین اسفندیاری «یمین الملک». فرزند مرحوم جعفرخان یمین‌الممالک (کارمند دولت). متولد ۱۳۰۶ شمسی. دارای تحصیلات متوسطه (دیپلمهٔ دارالفنون). کارمند دولت. نمایندهٔ دوره‌های ۱۳، ۱۴ و ۱۵ از بابل.

**یوسفی** - حسین یوسفی. فرزند کریم «اعتماد التجار» (تاجر). متولد ۱۲۹۴ شمسی. دارای تحصیلات عالی. ملاک وکارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ از همدان.

**ابراهم** - حاج میزا ابراهیم آقا تبریزی. فرزند شیخ علی زنجانی (روحانی) متولد ..... دارای تحصیلات ...... نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف اصناف (بزاز. حریر فروش. زیره‌فروش. دوره گرد. تهران

**ثقةالاعلام** - سید محمدحسن ثقةالاعلام. فرزند ..... متولد ...... دارای تحصیلات ....... شغل ...... نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف تجار فارس.

**سردارجنگ** - نصیر سردارجنگ. فرزند مرحوم حاجی ایلخانی (ملاک) متولد ۱۲۴۳ شمسی. دارای تحصیلات ...... ملاک وکارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۴ از بختیاری.

**بهبهانی** . سید عبدالله بهبهانی. فرزند سید اسماعیل مجتهد بهبهانی (روحانی). متولد ۱۲۶۰ قمری. دارای تحصیلات عالی «درجهٔ اجتهاد ازنجف» روحانی. نمایندهٔ دورهٔ اول ازطرف کلیمیان.

**طباطبایی** . سید محمد طباطبایی «معروف به سنگاجی» فرزند سید صادق طباطبایی (روحانی) متولد ۱۲۵۷ قمری. دارای تحصیلات عالی «درجهٔ اجتهاد از سامره» روحانی و نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف ارامنه.

# فهرست منابع و مآخذ


آدمیت : دکتر فریدون

امیر کبیر و ایران . تهران. ۱۳۳۴

فکر آزادی و مقدمهٔ نهضت مشروطیت . تهران. ۱۳۴۰

ادیب هروی : محمدحسن

تاریخ پیدایش مشروطیت ایران. مشهد . ۱۳۳۱

اقبال آشتیانی : عباس

میرزاتقی‌خان امیرکبیر. تهران . ۱۳۴۰

امیرخیزی : اسماعیل

قیام آذربایجان وستارخان . تبریز ۱۳۳۹

امین‌الدوله : میرزاعلیخان

خاطرات سیاسی میرزاعلی‌خان امین‌الدوله. تهران . ۱۳۴۱

ایوانف

انقلاب مشروطهٔ ایران

بهار : محمدتقی «ملک‌الشعراء»

تاریخ احزاب سیاسی . تهران. ۱۳۲۲

براون : پرفسورادوارد

تاریخ انقلاب ایران . ترجمه احمد پژوه تهران . ۱۳۲۹

تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران : ترجمهٔ رضا صالح. ۱۳۴۱

باستانی پاریزی : دکتر محمدابراهیم

محیط سیاسی و زندگانی مشیرالدوله . تهران . مهرماه ۱۳۴۱

پاولویچ

انقلاب مشروطیت ایران . تهران : ۱۳۲۹ . ترجمهٔ هوشیار .

تقی‌زاده : سیدحسن

تاریخ اوایل انقلاب مشروطیت ایران . تهران ۱۳۳۸

تاریخ مختصر مجلس ملی ایران . برلن ۱۳۳۷ ق

جمال‌زاده : سیدمحمدعلی

گنج شایگان . تهران . ۱۳۳۵

حسام معزی : نجفقلی

تاریخ روابط سیاسی ایران بادنیا . تهران. ۱۳۳۵

حلاج : حسن

تاریخ تحولات سیاسی ایران . تهران.

خان ملک ساسانی

سیاستگران دورهٔ قاجار . تهران . ۱۳۳۸

داودی : مهدی

عین‌الدوله ورژیم‌مشروطه . تهران اسفندماه ۱۳۴۱

دولت‌آبادی : یحیی

تاریخ معاصر یا حیات یحیی . تهران . ۱۳۲۸ درچهار جلد .

رحیم‌زاده : صفوی

ایران اقتصادی ج ۲ تهران . ۱۳۰۹

شایان : عباس

مازندران تهران . ۱۳۲۷

شوستر : مورگان

اختناق ایران. کلکته . ربیع‌الثانی. ۱۳۳۳ قمری.

شیفته : نصرالله

نمایندگان ملت . تهران . خرداد ماه ۱۳۳۷

رجال بدون ماسک ایران . بهمن ماه ۱۳۳۱

صدرهاشمی : محمد

تاریخ جراید و مطبوعات . تهران . در چهار جلد ۱۳۲۷ ، ۱۳۲۸ ، ۱۳۲۹ ، ۱۳۳۳

صدیق اعلم : دکتر عیسی

تاریخ فرهنگ ایران . تهران . ۱۳۳۸

صفی‌نیا : رضا

استقلال گمرکی ایران . ۱۳۰۷

صفایی : ابراهیم

رهبران مشروطه . تهران . (هفت جزوه)

طاهرزادهٔ بهزاد : مهندس کریم

قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت. تهران. اردیبهشت ۱۳۳۴

فاتح : مصطفی

پنجاه سال نفت ایران . تهران ۱۳۳۵

کرزن

ایران ومسئله ایران ج ۱ ترجمهٔ میرزا محمد . تهران ۱۳۱۱

ایران ترجمهٔ علی جواهر کلام تهران . ۱۳۳۰

کسروی : احمد

تاریخ مشروطهٔ ایران . تهران ۱۳۱۶

کی‌استوان : حسین

سیاست موازنهٔ منفی . تهران . ۱۳۲۷ و ۱۳۲۹ در دو جلد

لمتون : دکتر ا ـ ك ـ س

مالک و زارع در ایران . ترجمهٔ منوچهر امیری تهران . ۱۳۳۹

مستوفی : عبدالله

تاریخ اجتماعی و اداری دورهٔ قاجاریه . تهران در چهار ج

ملکزاده : دکتر مهدی

تاریخ مشروطیت ایران . تهران در ۷ جلد

مکی : سیدحسین

تاریخ بیست‌سالهٔ ایران . تهران . ۱۳۲۵ . ۱۳۲۳ در سه جلد

مختاری : حبیب‌الله

تاریخ بیداری ایران . تهران . ۱۳۲۶

ناظم‌الاسلام کرمانی

تاریخ بیداری ایرانیان . تهران . ۱۳۲۴

اعتمادالسلطنه : محمدحسن پسرعلی‌خان حاجب‌الدوله

المآثر والآثار . تهران ۱۳۰۷ قمری

مرآت‌البلدان ج ۳ . تهران . ۱۲۹۶ قمری

تیموری : ابراهیم

اولین مقاومت منفی در ایران تحریم تنباکو . تهران. ش ۱۳۲۸

مجتهدی : مهدی

تاریخ زندگانی تقی‌زاده . تهران . ۱۳۲۲

فرهاد معتمد : محمود

تاریخ سیاسی دورهٔ صدارت میرزاحسینخان سپهسالار اعظم . تهران . ۱۳۲۵

نوری اسفندیاری : اسدالله

تاریخ خانوادهٔ اسفندیاری. تهران . ۱۳۲۹ ش

امیراحتشامی : ابوالحسن

بازیگران سیاست . تهران . ۱۳۲۸ ش

امیرجاهد :

سالنامهٔ پارس دورهٔ کامل

چند پرده از زندگانی رجال معروف . ازانتشارات روزنامهٔ امید تهران . سال ۱۳۲۴

کیهان سال ج ۲ . ۱۳۴۲

بایگانی روزنامهٔ کیهان

اطلاعات سالانه :-۱۳۳۹

مجموعه‌های قوانین مصوب ۱۹ دورهٔ قانونگذاری

صورت مذاکرات مشروح دورهٔ اول

قانون‌اساسی و متمم آن

قانون انتخابات مجلس شورای ملی

روزنامهٔ قانون

روزنامهٔ وقایع اتفاقیه: سالهای۱۲۶۷ــ ۱۲۷۷قمری

روزنامهٔ حبل المتین : سالهای ۱۳۲۲ - ۱۳۲۵
کلکته

روزنامهٔ صور اسرافیل . سالهای ۱۳۲۵ ــ ۱۳۲۶
تهران .

روزنامهٔ اطلاعات : سال ۱۳۰۵ ــ ۱۳۰۶

روزنامهٔ اختر اسلامبول ۱۳۰۸ - ۱۳۰۹ قمری.
تهران . ۱۳۲۲ قمری

روزنامهٔ ثریا : قاهره ۱۳۱۷ قمری

Churchill . George .
Persian . Statesmen and Not ables .
Tehran 1905

Dr . E. Naraghi .
Essai d ' interpretation de la Constitution
Iranienne . palerme 1963

Iran . Almanac 1962

# فهرست الفبایی

## رجال . اماکن . عناوین

## ث



## ج



## چ



## ح



## خ



## د

## ن

## تکمله بر بخش سوم

بمنظور تکمیل مشخصات نمایندگان . پاره‌ای اطلاعات ضروری که قید آن در بخش مربوط به مشخصات نمایندگان لازم بودو مقدور نشده دراینجا آورده شده است و از خوانندگان محترم تقاضا دارد با توجه بقسمت ضمیمه نواقص بخش سوم رارفع فرمایند . امید است درچاپهای بعدی این محظور مرتفع گردد .

غلامحسین ابتهاج : دورهٔ ۱۶ از لاهیجان و دورهٔ ۱۹ از بندرپهلوی
ص ۲۹۱

جعفر ابطحی : شغل - وکیل دادگستری
« ۲۹۲

میرزا محمود احتشام‌السلطنه علامیر : رئیس مجلس شورای‌ملی در دورهٔ اول مجلس
« ۲۹۲

علیرضا خان احتشام‌زاده گنج بخش : دورهٔ ۶ از تهران و دوره‌های ۷، ۸، ۹ و ۱۰ ازساوه وزرند ( در دورهٔ دهم از ایشان سلب مصونیت شد.)
ص ۲۹۲

ابوالحسن احتشامی : ابوالحسن احتشامی. فرزند یحیی احتشامی «محتشم نظام» , کارمند دولت وملاک) متولد ۱۲۹۴ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ فلسفه و ادبیات از ایران . کارمند دولت و ملاک نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از سرند

دکتر احمد احتشام : متولد ۱۲۵۲ شمسی
ص ۲۹۲

احمد اخوان : دورهٔ ۱۹ از تهران
« ۲۹۳

آخوند گرگانی : نام پدر آتاجیق بای
« ۲۹۳

محمدباقر ادیب گلپایگانی : دورهٔ اول از گلپایگان و دورهٔ دوم از خوزستان
« ۲۹۳

سیدجلیل اردبیلی : نام پدر حاجی سیدمحمد
« ۲۹۴

امان‌الله اردلان : دورهٔ ۲ از کردستان و دورهٔ ۳ از کرمانشاهان. دورهٔ ۵ از دزفول ودوره‌های ۱۸ و ۱۹ از کردستان
« ۲۹۴

دکتر حسن ارسنجانی : تاریخ تولد ۱۲۹۲ شمسی (اعتبارنامهٔ ایشان درجلسهٔ ۳شنبه دوازدهم آبان ۱۳۲۶ رد شد)
« ۲۹۴

محمدتقی اسعد بختیاری : دارای تحصیلات متوسطه . نمایندهٔ دورهٔ ۵ از ساوه و زرندو دوره‌های ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۴ از دزفول
« ۲۹۵

میرزا حسنخان اسفندیاری : رئیس مجلس شورای‌ملی در دوره‌های دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم
« ۲۹۵

رستم اسفندیاری : تاریخ تولد ۱۲۴۴ شمسی (۱۲۸۳ قمری)
« ۲۹۶

یحیی میرزا اسکندری : لقب «ثقة‌السلطنه»
« ۲۹۶

ملک منصور اسفندیاری : متولد ۱۳۰۱ شمسی
« ۲۹۶

مهندس کاظم جفرودی : «جعفرودی» اشتباه چاپی جفرودی صحیح است «مهندسی» اشتباه چاپی:
مهندس صحیح است ص ۳۱۶
مهندس اسمعیل جلالی : فرزند ابراهیم میرزا (......)، متولد ۱۲۹۴ شمسی. دارای تحصیلات
عالی در رشتهٔ کشاورزی از ایران. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از بهار همدان» ...
میرزا عبدالعلی جمشیدی : الخ زاید است » ۳۱۷
میرزا علی چاپچی : نمایندهٔ دوره‌های ۸ و ۹ از رشت » ۳۱۷
سیدضیاءالدین حاج سیدجوادی : نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از قزوین » ۳۱۸
سیدابوالحسن حایری‌زاده : دورهٔ ۱۶ از سبزوار » ۳۱۸
احمد حق‌شناس : احمد حق‌شناس. فرزند نعمت (زارع و کارگر) متولد ۱۲۹۵ شمسی. دارای
تحصیلات حدود سیکل اول دبیرستان. کارگر ادارهٔ غلهٔ تبریز. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از تبریز
میرزا علی حق‌نویس : متولد ۱۲۵۷ شمسی » ۳۱۹
میرزا رضاخان حکمت : نمایندهٔ دوره‌های ٤ و ٥ از آباده و ۷، ۸، ۱٤، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰
از شیراز رئیس مجلس شورای ملی در دورهٔ پانزدهم و شانزدهم و هجدهم و نوزدهم و بیستم» ۳۱۹
مسیب حکیمیان : مسیب حکیمیان. فرزند مرحوم حسین «معروف به اجودان باشی» (کارمند دولت و
ملاک) متولد ۱۲۹۳ شمسی. دارای تحصیلات عالی (فارغ التحصیل دانشکدهٔ افسری)
کارمند دولت. نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از کهگیلویه. » ...
میرزا ابراهیم حکیم الملک : نمایندهٔ دورهٔ اول از تهران و دورهٔ ۲ از آذربایجان و دورهٔ ٤ از تهران » ۳۲۰
احمد حمیدیه : اشتباه حمدیه چاپ شده است » ۳۲۰
شیخ علی خراسانی : نمایندهٔ دورهٔ ۲ از سبزوار » ۳۲۱
امیر ارسلان خلعتبری : دورهٔ ۲۰ از شهسوار وکیل بوده است
میرزاصادق خان خواجوی نوری : نمایندهٔ دورهٔ ۲ از آذربایجان » ۳۲۲
محسن خواجه‌نوری : دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ حقوق از ایران و رشتهٔ تجارت از فرانسه و
سویس » ۳۲۲
شیخ محمد سعید مجتهد خونساری : نمایندهٔ دورهٔ ۳ از گلپایگان » ۳۲۲
دکتر حبیب دادفر : نمایندهٔ دورهٔ ۱۹ از مراغه و ۲۰ از میناب » ۳۲۲
میرزا حسین خان دادگر «عدل الملک» : متولد ۱۲۵۰ شمسی. رئیس مجلس شورای ملی در دوره‌های
هفتم و هشتم و نهم » ۳۲۲
میرزا محمود دبستانی : متولد ۱۲۶۲ شمسی
زیار سترک دره‌شوری : اشتباه چاپی زیاد وشوی آمده است » ۳۲۳
شیخ علی‌خان دشتی : نمایندهٔ دورهٔ ٥ از ساوه و دوره‌های ۶، ۷، ۸ و ۹ از بوشهر و ۱۳ از دماوند
و دورهٔ ۱٤ از تهران » ۳۲۳
عبدالله دشتی : متولد ۱۲۸۷ شمسی » ۳۲٤
میرزا یحیی دولت‌آبادی : نمایندهٔ دورهٔ ۲ از کرمان و دورهٔ ٥ از اصفهان » ۳۲٤
مهرانگیز دولتشاهی : متولد ۱۲۹۸ شمسی » ۳۲٤

مهندس عبدالله دهستانی نمایندهٔ دورهٔ ۱۹ از ساوجبلاغ و ۲۰ از کرج ص ۳۲۵

احمد دهقان : نمایندهٔ دورهٔ ۱۰ از هروآباد » ۳۲۵

شیخ محمدتقی ذوالقدر : نمایندهٔ دوره‌های ۵ و ۱٤ از شیراز و ٦ و ۷ از فسا » ۳۲٦

هلاکورامبد : نمایندهٔ دوره‌های ۱۹ و ۲۰ ازطالش و دورهٔ ۲۱ از شاه آباد غرب » ۳۲٦

سیدابوالحسن رضوی : نام پدر سید محمد رضوی. متولد ۱۲۷٦ شمسی. » ۳۲۷

حاج آقارضا رفیع : نمایندهٔ دوره‌های ٦، ۷، ۱۲ از بندرپهلوی و دوره‌های ۱٤، ۱۵، ۱٦، ۱۷ از گرگانرود » ۳۲۸

مهندس عبدالله ریاضی : رئیس مجلس شورای‌ملی در دورهٔ بیست‌ویک » ۳۲۸

حاج علی زارع : فرزند مرحوم محمداسمعیل » ۳۲۹

میرزا سیدحسن خان زعیم : نام حسن: (اشتباه چاپی حسین آمده است) » ۳۲۹

حاج میرزا احمد زرگرباشی : نام پدر صنیع الملک » ۳۲۹

شیخ ابراهیم زنجانی : متولد ۱۲۳٤ شمسی نمایندهٔ دورهٔ ۲ از ملایر » ۳۲۹

مهندس احمد زیرک‌زاده : نمایندهٔ دورهٔ ۱۷ از تهران » ۳۳۰

حاج سید نصرالله سادات اخوی : متولد ۱۲٤۲ شمسی. » ۳۳۰

سواک ساگینیان : نمایندهٔ دوره‌های ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ از طرف ارامنهٔ شمال » ۳۳۰

سپهدار اعظم : نمایندهٔ دوره‌های ۲ و ۳ ازخمسه و دورهٔ ٤ از رشت (درچاپ سهیدار آمده است اصلاح شود) » ۳۳۱

سلطانعلی سلطانی: متولد ۱۲۷۸ شمسی » ۳۳۱

سعید وزیری : منوچهر سعیدوزیری. فرزندعلی‌نقی (مالک) متولد ۱۲۹۹ شمسی- داری تحصیلات‌عالی دررشتهٔ فیزیک و فلسفه از ایران. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از ابهر » ...

ابراهیم سمیعی : الخ زائد است تحت عنوان «نبیل‌سمیعی» می آمده‌است » ۳۳۲

صالح شاخوئی: متولد ۱۳۰۹ شمسی » ۳۳۳

سیدجلال‌الدین شادمان : دومرتبه آمده است » ۳۳٤

شریعتمدار کرمانی : شغل پدر (روحانی) » ۳۳۵

شریف‌العلماء : متولد ۱۲۵۳ شمسی » ۳۳۵

سیدابراهیم شریفی : نام پدر شریف‌السلطنه. میزان تحصیلات دیپلمهٔ دارالفنون » ۳۳۵

سیدولی‌الله‌شهاب فردوس : اشتباه چاپی فردوسی آمده است » ۳۳٦

میرزا علی‌خان شهداد : نام پدر میرزا محمودخان » ۳۳٦

حاج شیخ میرزا حسین شهید : فرزند ملامحمدتقی برغانی » ۳۳٦

میرزا عبدالحسین شیبانی : فرزند میرزا آقاخان ارباب. نمایندهٔ دورهٔ ۳ از تهران » ۳۳٦

دکتر محمدخان شیخ : فرزند حاج میرزا علی‌نقی صنیع‌الممالک » ۳۳٦

میرزا ابوالحسن خان شیرازی : نمایندهٔ دورهٔ اول از طرف اعیان فارس » ۳۳۷

حاج آقا مجتهد شیرازی : نمایندهٔ دورهٔ ۲ از شیراز و ۳ از تهران » ۳۳۷

نصرت‌الله صادق وزیری : نمایندهٔ دوره‌های ۱۲ و ۱۳ از سنندج » ۳۳۷

میرزا صادق خان صادق (مستشارالدوله) : متولد ۱۲۸٤ قمری. رئیس مجلس شورای‌ملی در دورهٔ دوم » ۳۳۸

ابوالحسن صادقی : نمایندهٔ دورهٔ ۱٤ از تبریز و ۱۵ از تهران » ۳۳۸

شیخ عبدالرحمن صالحی : فرزند حاج میرزا صالح مجتهد ص ۳۳۸

دکتر صالحی چادکانی : دکتر محسن صالحی چادکانی « ۳۳۸

مهندس صائبی : مهندس حسن صائبی « ۳۳۸

حاج شیخ علی صدرالاسلام : شغل پدر (روحانی) متولد ۱۲۵۲ شمسی . « ۳۳۸

صدرالاسلام : الخ زائد است وتحت عنوان «صدر» آمده است « ۳۳۹

میرزا محمدعلی صدرالتجار : نمایندهٔ دورهٔ اول از محمره « ۳۳۹

ابوالحسن صدر میرحسینی : متولد ۱۲۷۵ شمسی. نمایندهٔ دورهٔ ۱۶ از جیرفت و دورهٔ ۲۰ از کرمان« ۳۳۹

سیدعبدالکریم صدریه : نمایندهٔ دورهٔ ۱۴ از شاهرود. شغل پدر (ازاصناف) « ۳۳۹

میرزا یوسف‌خان صفاری : دارای تحصیات عالی دیپلمهٔ مدرسهٔ عالی سیاسی « ۳۴۰

عبدالصاحب صفائی : متولد ۱۲۸۲ شمسی « ۳۴۰

میرزا اسماعیل خان صولت قشقائی : الخ . زائداست وتحت عنوان «قشقایی» آمده است « ۳۴۱

میرزا آقا ضیاء : دورهٔ ۱۱ از تربت حیدریه بر تعداد دوره‌های نماینده گی افزوده شود « ۳۴۱

مرتضی قلیخان صنیع الدوله : رئیس مجلس شورای ملی در دورهٔ اول « ۳۴۱

دکتر محمدهادی طاهری : دورهٔ ۸ از یزد برتعداد دوره‌های نماینده گی افزوده شود « ۳۴۲

سید محمد طباطبائی : دورهٔ ۱۶ از تهران « ۳۴۳

سیدمحمد صادق طباطبائی: رئیس مجلس شورای ملی در دورهٔ چهاردهم « ۳۴۳

سیدضیاءالدین طباطبایی: دورهٔ چهارم انتخاب شد ولی اعتبار نامه ایشان در جریان طرح مسکوت ماند وخوددر خارج ازکشور اقامت داشت « ۳۴۲

سیدمحمدتقی طباطبائی : نمایندهٔ دورهٔ ۱۰ از بروجرد (دورهٔ ۱۹ وکیل نبوده‌است) « ۳۴۳

میرزا صادق خان طباطبائی : متولد حدود ۱۲۴۵ شمسی « ۳۴۳

کریم طهماسبی : نمایندهٔ دورهٔ ۲۰ و ۲۱ از دزفول « ۳۴۳

امیراسدالله عامری : نام امیراسدالله « ۳۴۴

عبدالوهاب : حاجی عبدالوهاب غلطچاپی و عبدالوهاب صحیح است « ۳۴۴

مهندس فیروز عدلی : مهندس فیروز عدلی فرزند نادعلی (تاجر) متولد ۱۳۱۱ شمسی. دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ کشاورزی از ایران. کارمند دولت و نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از اردبیل ...

عبدالله عدل اسفندیاری : نمایندهٔ دورهٔ ٤ از سیرجان. و دورهٔ ۱۵ از بم « ۳۴۵

میرزا یوسف‌خان عدل قائم‌مقام : متولد ۱۲۷۰ شمسی « ۳۴۵

حاج سیداسماعیل عراقی : دور ۹ از اراک برتعداد دوره‌های نماینده گی افزوده شود « ۳۴۵

عباسقلی عرب شیبانی : دورهٔ ۲۰ ازاصطهبانات « ۳۴۵

میرزا باقرخان عظیمی : نام پدر بصیرالممالک « ۳۴۵

سیدحسین عقیلی : نام سیدحسین « ۳۴۵

علامهٔ وحیدی : شغل کارمند دولت. « ۳۴۶

علی‌آبادی «فتح الدوله» : نمایندهٔ دورهٔ ٤ از نجف‌آباد « ۳۴۶

غضنفر خان : فرزند میرزا علی‌اکبر معتمدالوزاره. دارای تحصیلات متعارف « ۳۴۷

میرزا حسین‌خان فاطمی : نمایندهٔ دورهٔ ۹ از اصفهان « ۳۴۸

میرزا علی‌نقی فاطمی : فرزند مرحوم میرزا حسین‌علی‌خان نائینی « ۳۴۸

حسنعلی منصور : تحصیلات عالی از ایران » ۳۷۰

سیداسداله موسوی : نمایندهٔ دوره‌های ۱۵، ۱۸ و ۱۹ از دشت‌میشان و دورهٔ ۲۰ از اهواز » ۳۷۱

میراسداله موسوی ماکوئی : نمایندهٔ دوره‌های ۲۰، ۲۱ از ماکو » ۳۷۱

محسن موقر : شغل پدر تاجر و مالک » ۳۸۱

مجید موقر : نمایندهٔ دوره‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از دزفول و دورهٔ ۱۶ از دشت‌میشان » ۳۷۱

عبدالوهاب مؤید احمدی : نمایندهٔ دورهٔ ۳ از رفسنجان و دوره‌های ۷،۸، ۹ ازکرمان » ۳۷۱

سعید مهدوی : نمایندهٔ دوره‌های ۱۶، ۱۸ و ۲۰ از مشهد و دورهٔ ۱۹ از قوچان » ۳۶۲

یوسف میرزایانس : فرزند سهراب میرزایانس. متولد ۱۲۴۶ شمسی » ۳۷۳

ابوالحسن میرحسینی : الخ زائد است و تحت عنوان «صدرمیرحسینی» آمده است » ۳۷۳

محمود ناصری : متولد حدود ۱۲۷۱ شمسی » ۳۷۳

میرزا مرتضی قلیخان نائینی : شغل پدر ملاک نمایندهٔ دوره‌های اول و دوم از اصفهان. » ۳۷۴

محمد نجات : متولد ۱۲۶۲ شمسی. نمایندهٔ دورهٔ ۲ از آذربایجان و دورهٔ ۳ از بیرجند و دورهٔ ٤ از ساری ودورهٔ ٥ از زنجان » ۳۷٤

دکتر رضا نجیمی : متولد ۱۲۹۶ شمسی. تحصیلات عالی از آمریکا و ایران » ۳۷٤

حسن‌علی‌خان نصرالملک : نام حسن‌علی‌خان (حسینعلی اشتباه است) » ۳۷۵

دکتر ولی‌اله نصر : فرزند سیداحمد نصرالاطباء. متولد ۱۲۹۳ قمری. تحصیلات عالی‌ازدارالفنون » ۳۷۵

نصیر دیوان : الخ زاید است و تحت عنوان «فزونی» آمده‌است » ۳۷۵

نظام مافی : الخ زائد است‌وتحت عنوان «مافی» آمده‌است » ۳۷۵

حسینقلی‌خان نواب : نمایندهٔ دوره‌های ۱، ۲، ٤ از تهران ودورهٔ ۳ از یزد و دورهٔ ۸ ازشیراز » ۳۷۶

محمدحسین نواب یزدی : متولد ۱۲۶۷ ۳۷۶

شیخ حسین نوری‌زاده نمایندهٔ دورهٔ ٥ از بابل » ۳۷۶

دکتر لقمان نهورای : نهواری غلط + نهورای صحیح است » ۳۷۷

میرزا عبدالله وثوق : نام میرزا عبدالله. نمایندهٔ دورهٔ ٤ و ٥ از درگز و دورهٔ ٦ از اردبیل » ۳۷۷

میرزا محمدخان وکیل : دورهٔ ۹ ازکردستان برتعداد دوره‌های نمایندگی‌افزوده شود » ۳۷۸

محمداسماعیل وکیل‌الملک : متولد ۱۲٦٥ شمسی » ۳۷۸

یونس وهاب‌زاده : نمایندهٔ دوره‌های ۸، ۹ و ۱۰ از مشهد » ۳۷۹

محمدهراتی : فرزند حسینعلی هراتی » ۳۸۰

فتح‌الله میرزا هرمزی : شغل پدر ملاک » ۳۸۰

شیخ اسمعیل هشترودی : شغل پدر روحانی » ۳۸۰

اسدالله یمین اسفندیاری : متولد ۱۳۰۶ قمری » ۳۸۱

حاج میرزا ابراهیم : الخ زائد وتحت عنوان «شهید تبریزی» آمده است » ۳۸۱

سیدجوادموسوی کبیری: سیدجوادموسوی کبیری. فرزندحاج‌سیدقاسم(بازرگان) متولد ۱۲۹۵ شمسی دارای تحصیلات عالی در رشتهٔ نظام‌از ایران و بیروت. سرهنگ بازنشستهٔ‌ارتش نمایندهٔ دورهٔ ۲۱ از ایلام » ...

از خوانندگان محترم تقاضادارد قبل از مطالعه کتاب اغلاط زیر را تصحیح فرسایند

| صفحه | سطر | غلط | صحیح |
|---|---|---|---|
| ۹ | ۹ پاورقی | ۱۲۳۹ | ۱۲۳۸ |
| ۲۱ | ۶ | ۱۲۱۵ | ۱۳۱۵ |
| ۶۷ | ۵ | بردند | بودند |
| ۱۰۱ | سطر ٤ پاورقی | اعتماد التولیه | اعتماد الدوله |
| ۱۰۶ | ۱۲ | دولهای | دولتهای |
| ۱۱۲ | ۲٤ | قونین | قوانین |
| ۱۱۶ | ۲۱ | مرتجع | مرتجعان |
| ۱۱۷ | ۶ | آشنا | آشنائی |
| ۱۲۱ | ۲۰ | بیگان | بیگمان |
| ۱۲۵ | ۱۰ | خوانها | خانها |
| ۱۳۰ | ۱۰ | روحانیون مشروطه خواه | روحانیان مشروعه خواه |
| ۱۳۶ | ۲۲ | ۲۳ جمادی الثانی | ۲۳ جمادی الاولی |
| ۱۳۹ | ۲۷ | ۳ دیماه ۱۲۸۹ ش . مطابق ۲۹ ذیحجه ۱۲۲۹ | ۳ دیماه ۱۲۹۰ ش ـ مطابق ۳ محرم ۱۳۳۰ |
| ۱٤۳ | ۲۱ | ۲۱ آبان ماه ۱۲۹٤ . مطابق ۶ محرم ۱۳۳٤ | ۲۲ آبان ماه ۱۲۹٤ . مطابق ۷ محرم ۱۳۳٤ |
| ۱٤۶ | ۱ | ۲ مرداد ماه ۱۳۰۰ ش . مطابق ۱۰ ذیحجه | ۲۱ مرداد ماه ۱۳۰۰ ش .مطابق ۱۸ ذیحجه |
| ۱٤۸ | ۲۳ | ۳۰ خرداد ماه | ۳۲ خردادماه |
| ۱۵٤ | ۱۱ | اول آبان‌ماه ۱۳۰۹ ش : مطابق ۳۰ جمادی الاول | ۱٤ آبان‌ماه ۱۳۰۹ : مطابق ۱۳ جمادی الثانی |
| ۱۵٤ | ۱۳ و ۱٤ | ۲٤ آذرماه ۱۳۰۹ ش : مطابق ۲۳ رجب | ۲۵ آذرماه ۱۳۰۹ مطابق ۲۵ رجب |
| ۱۶۵ | ۳ | ۱۳۱۸ | ۱۳۲۸ |
| ۱۶۵ | ۶ | ۲۱ بهمن ماه | ۲۹ بهمن ماه |
| ۱۷۸ | ۲٤ | ۸ درصد | ۹ در صد |
| ۱۷۹ | جدول شمارهٔ ٤ دورهٔ ۱۱ | ۲۵ درصد صاحب مشاغل آزاد | ۲۱ درصدصاحب مشاغل آزاد |
| ۱۸۰ | جدول شمارهٔ ۵ ردیف ۵ | روحانیون | روحانی |
| ۱۸٤ | جدول شمارهٔ ۹ دورهٔ ۱۷ | ٤۵ درصد نمایندگان مالک | ٤۹ درصد نمایندگان مالک |
| ۲۰۸ | ۲٤ | جدول شمارهٔ ۱۹ | جدول شمارهٔ ۱۰ |
| ۲۱٤ | ۱۷ | ۳۵ درصد نمایندگان | ۵۳ درصد نمایندگان |
| ۲٤۲ | جدول‌شمارهٔ ۱۰ ردیف ۱۱ | کارمند مؤسسات ملی وغیردولتی | مشاغل آزاد تخصصی |
| ۲۵۱ | ۱ | نسبت ۲۰ درصد | نسبت ۱۹ درصد |
| ۲۵۷ | ۲۱ | ۱۲۳۰ تن | ۱۱۵۱ تن |
| ۲۶۸ | سطر ۱ پاورقی | صفحه ۱۰ | صفحهٔ ۱۸۰ |